



BP۱۴۸۰.j

## تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۲)

تمدن نوین اسلامی و گام دوم / جلد اول

زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی / به کوشش: حسین علوی مهر- محمد رضا حقیقت سمنانی

چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۳ ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۴۴ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

## مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸:

تلفن: ۳۷۸۳۶۱۳۴ ۲۵ ۹۸ + تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۳۷۸۳۹۳۰۵ ۰۲۵

◀ ایران، قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ - ۰۲۵

pub\_almustafa

http://buy-pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

● ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری

● مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر چاپ: ایوب جمالی



دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی

این اثر با حمایت «دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی»  
معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه چاپ شده است.

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۲)

## تمدن نوین اسلامی و گام دوم

### جلد اول

زیر نظر: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

به کوشش: حسین علوی مهر- محمدرضا حقیقت سمنانی



مرکز بین المللی  
ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراوری اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد. «جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمية» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم



کنگره بین المللی گام دوم انقلاب  
اسلامی از منظر قرآن و حدیث

### امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن‌سازی شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

### تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار تمدن نوین اسلامی حضرت روح الله موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و شهدای گران قدر راه انقلاب اسلامی که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده تا به درخت پربار تمدن نوین اسلامی بدل گشته و مقدمات طلوع خورشید عظمای ولایت فراهم گردد.



---

## فهرست

---

- مقدمه ریاست کنگره ..... ۹
- مقدمه مدیر علمی ..... ۱۱
- مقدمه معاون علمی ..... ۲۵
- مقدمه مدیر کمیته تمدن و گام دوم ..... ۲۹

### فصل اول: مولفه ها و بنیان های تمدن نوین اسلامی

۱. بنیان های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث ..... ۳۳
- سید رضی زکی مرتضوی (نویسنده مسئول) - حسین علوی مهر ..... ۳۳
۲. مستندات قرآنی شاخصه های تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه) ..... ۷۹
- محدثه کاشفی (نویسنده مسئول) - راضیه سادات سیدخراسانی - خدیجه حسین زاده باردئی ..... ۷۹
۳. مولفه های گفتمان تمدن ساز در بیانیه گام دوم از منظر قرآن و حدیث ..... ۱۰۷
- مجتبی دولتی (نویسنده مسئول) - حسن دولتی ..... ۱۰۷
۴. راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی در قرآن و حدیث ..... ۱۴۲
- عبّاس الهی ..... ۱۴۲
۵. معنویت و اخلاق در تمدن نوین اسلامی ..... ۱۷۹
- حدیث محمدی (نویسنده مسئول) - طلعت حسنی بافرانی - زهرا محمودی ..... ۱۷۹
۶. بن لایه های اقتصادی تمدن نوین اسلامی در حدیث عنوان بصری و بیانیه گام دوم انقلاب ..... ۲۰۷
- مختارعلی رضائی - محترم قوی ..... ۲۰۷

۷. عزتمندی در بیانیه گام دوم انقلاب ..... ۲۳۹  
اسلام شاهمرادی (نویسنده مسئول) محمد نبی احمدی ..... ۲۳۹
۸. عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده عزت ملی در قرآن و روایات ..... ۲۶۷  
محمدصادق شهبازی راد ..... ۲۶۷
۹. مؤلفه های عزتمندی در بیانیه گام دوم با رویکرد قرآنی و حدیثی ..... ۳۰۷  
احمد مسعود باختری ..... ۳۰۷
۱۰. مستندات قرآنی و روایی توصیه ششم (عزتمندی) بیانیه گام دوم ..... ۳۳۹  
مجتبی میرزایی (نویسنده مسئول) مسعود شیرازی ..... ۳۳۹

#### فصل دوم: تمدن نوین اسلامی و انقلاب اسلامی

۱. آمادگی ظهور، هدف آرمانی انقلاب اسلامی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی ..... ۳۷۰  
محمد فاکرمییدی ..... ۳۷۰
۲. چهار ویژگی بنیادین انقلاب اسلامی در «بیانیه گام دوم» ..... ۴۰۳  
سید حسین شفیعی دارابی ..... ۴۰۳
۳. ویژگی های نظام اسلامی از منظر قرآن و حدیث ..... ۴۴۲  
سید رضی زکی مرتضوی (نویسنده مسئول) - حسین علوی مهر ..... ۴۴۲
۴. عوامل جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث ..... ۴۶۱  
محمد رضا حقیقت سمنانی - حسین علوی مهر - باقر ریاحی مهر ..... ۴۶۱
۵. شاخصه ها، موانع و راهکارهای انقلابی ماندن از منظر فرهنگ و حیاتی ..... ۵۰۴  
دکتر زینب روستایی (نویسنده مسئول) - حمیده شفیعی - سیمین محمد صالح ..... ۵۰۴
۶. عوامل عزت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ..... ۵۳۹  
سهیلا مرادی (نویسنده مسئول) - نرگس خاتون امینی کمرودی ..... ۵۳۹
۷. مبانی قرآنی «مرزبندی با دشمن» در بیانیه گام دوم انقلاب ..... ۵۷۲  
احد داوری چلقائی ..... ۵۷۲
۸. «خطر نفوذ» از منظر قرآن، حدیث و بیانیه گام دوم ..... ۶۰۲  
سید رضی مرتضوی (نویسنده مسئول) - حسین علوی مهر ..... ۶۰۲
- نتیجه ..... ۶۲۲



---

## مقدمه ریاست کنگره

---

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن به عنوان کتاب هدایت، تبیان هر چیزی است که سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو آن است. آموزه‌های وحیانی قرآن، به گونه‌ای است که هر کسی در هر سطحی از ادراک و دانش که باشد می‌تواند نیازهای اندیشه‌ای و انگیزشی خود را از آن تأمین کند.

از طرف دیگر هر انسانی نیازمند الگوهای عینی و ملموسی است که به او نشان دهند که آثار و برکات راه چیست و چگونه می‌توان به سلامت به مقصد و مقصود رسید. از این رو خداوند، پیامبر مکرم ﷺ و عترت طاهره آن حضرت را به عنوان «مبین» و اسوه‌های عینی و عملی حسنه برای مردمان شمرده تا ایشان را سرمشق خویش قرار دهند.

بر اساس بیان قرآن نتیجه تمسک به عروة الوثقی الهی و حبل الله المتین که همان قرآن و عترت است، هدایت در صراط مستقیم و رهایی از گمراهی و گمگشتگی در ظلمت‌ها است. امروز که جهان به شدت گرفتار فتنه‌های گوناگون است، نیاز بشر به این مشعل هدایت برای برون رفت از بحران‌ها بیش از هر زمان دیگر است.

انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن در چارچوب و با محوریت اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال ارائه نظام جامع تمدن اسلامی در جهان معاصر است. امامان انقلاب اسلامی بر آن بوده و هستند تا تمدن نوین اسلامی را شکل دهند و الگویی عینی از زیست مؤمنانه در جهان معاصر را به بشریت ارائه کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری علیه السلام ابلاغ فرمودند، در حقیقت منشوری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را مدنظر قرار داده و بنا دارد جهت‌گیری‌ها را در راستای تحقق آن سامان دهد.

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی و تبیین مبانی و اصول قرآن و حدیثی آن بی‌شک می‌تواند راهگشای تحقق آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی باشد. جامعه المصطفی‌العالمیه در همین راستا و بر اساس رسالت و مأموریت خویش اقدام به برگزاری همایشی با موضوع تبیین مبانی و اصول قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نمود. ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند به‌ویژه همکاران گرامی در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث و همچنین فضلاء و اساتیدی که با ارائه بیش از ۱۰۸۰ مقاله به دبیرخانه دائمی همایش قرآن و حدیث المصطفی در این رویداد بزرگ علمی مشارکت داشته‌اند برای همگان توفیق خدمت به ساحت قرآن کریم را از خدای بزرگ مسألت دارم.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی عباسی

آذرماه ۱۴۰۰

---

## مقدمه مدیر علمی

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ (اسراء، آیه ۹).

قرآن کریم نوری در ظلمات جهل و کفر و شرک و خرافات جاهلیت بود جهان را در چهارده قرن پیش روشن ساخت و انقلابی در جهان برپا کرد که گام اول آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ برداشته شد و گام دوم آن در عصر امام علی علیه السلام برداشته شد و گام‌های بعدی توسط امامان اهل بیت علیهم السلام پیموده شد و گام آخر آن توسط مهدی آل محمد علیهم السلام برداشته خواهد شد.

یکی از جلوه‌های این انوار الهی در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی درخشید و گام اول آن توسط امام خمینی رحمته الله علیه برداشته شد و تا چهل سال ادامه یافت، و اینک گام دوم آن توسط جانشین علی وار ایشان امام خامنه‌ای علیه السلام برداشته می‌شود و می‌رود تا این انقلاب به دست صاحب اصلی آن حضرت بقیه الله عز وجله داده شود تا گام نهایی آن به دست ایشان رقم بخورد (ان شاء الله) حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای گرانسنگ صادر فرمودند و برنامه‌ای راهبردی و آینده پژوهانه را ترسیم نمودند که چراغ راه ایران و امت اسلامی باشد.

از آنجاکه مفاد این بیانیه مستند به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام است. دانشوران «مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه» بر خود فرض دیدند که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث اهل بیت علیهم السلام تبیین کنند تا

مبانی، مستندات و لوازم قرآنی حدیثی محتوای عالی این بیانیه روشن گردد و زیر ساخت فرهنگی جهت عملیاتی شدن بیانیه گام دوم فراهم گردد.

بر این یک ماه بعد از صدور بیانیه گام دوم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ شمسی یعنی در اسفند ۱۳۹۸ شمسی نخستین جلسات کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث برگزار شد و شروع آن اعلام شد.

لیکن مراحل اداری و مقدمات کار در سال ۱۳۹۸ شمسی انجام و جذب مقالات و نشست‌های علمی آن آغاز شد و با استقبال زیاد قرآن پژوهان و مراکز علمی روبه‌رو شد لیکن به خاطر شیوع بیماری کرونا (اسفند ۱۳۹۸ ش) برگزاری اجلاس نهایی کنگره به تاخیر افتاد تا در زمستان ۱۴۰۰ شمسی این شجره طیبه به بار نشست و به همت همکاران کنگره به ویژه قائم مقام مدیر و معاون علمی کنگره حجت‌الاسلام والمسلمین محمد امینی تهرانی و با حمایت خاص ریاست جامعة المصطفی العالمیه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و دیگر مسئولان؛ کاری عظیم سامان یافت که در زمره بزرگترین کنگره‌های تاریخ ایران گشت، والحمد لله رب العالمین.

---

## گزارش اجمالی کنگره

---

### ۱. اهداف کنگره:

همایش گام دوم دارای اهدافی است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱. تبیین مبانی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۲. تبیین راهکارهای اجرایی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۳. تبیین جایگاه قرآن و حدیث در گام دوم انقلاب اسلامی
۴. تقویت و تعمیق گام دوم انقلاب اسلامی در اندیشه دینی
۵. تبیین الگوی قرآنی و حدیثی انقلاب اسلامی برای جهانیان
۶. تبیین نقش نهادهای قرآنی به‌ویژه در جامعه المصطفی‌العالمیه در گام دوم انقلاب اسلامی
۷. تبیین مبانی گام دوم انقلاب اسلامی انقلاب با توجه به آموزه‌های قرآنی و حدیثی.

### ۲. محورهای کنگره:

گام دوم، عقلا نیت و قرآن و حدیث	گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث
گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث	گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی
گام دوم و غرب و شرق	گام دوم و آینده‌پژوهی
گام دوم و دانش‌های قرآنی و حدیثی	راهکارهای اجرایی سازی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
مبانی و مستندات قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم	رسالت طلاب جامعه المصطفی‌العالمیه در تحقق بیانیه گام دوم
نقش جوانان در تحقق بیانیه بیانیه گام دوم	نقش بانوان و خانواده در گام دوم انقلاب اسلامی

### ۳. شورای سیاست‌گذاری کنگره

حضرت آیت‌الله اعرافی رئیس هیئت امنای جامعه المصطفی‌العالمیه و ریاست حوزه‌های علمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی رئیس جامعه المصطفی‌العالمیه
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبادی معاونت پژوهش جامعه المصطفی‌العالمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر قنبری معاونت ارتباطات و بین‌الملل جامعه المصطفی‌العالمیه
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی‌العالمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی عراقی مسئول دفتر معظم رهبری در قم
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش حوزه‌های علمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی‌العالمیه
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکرمیبدی رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی رئیس مدیر گروه علمی قرائات	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر رئیس مدرسه عالی تفسیر
حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسن پیرولی معاونت آموزش مجتمع قرآن و حدیث	حجت‌الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی معاونت پژوهش مجتمع قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین حسن رضایی رییس پژوهشگاه المصطفی	حجت‌الاسلام والمسلمین مسلم احمدلومعاون فرهنگی تربیتی مجتمع قرآن و حدیث

### ۴. شورای علمی کنگره

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه‌های علمیه	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبد‌الکریم بهجت پور ریاست حوزه‌های علمیه خواران	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکر میبدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبد‌الکریم بی‌آزار شیرازی	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن پیرولی	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی

معاون آموزش مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث	تهرانی مدیر گروه علوم و فنون قرائات مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حیدر طباطبائی مدیر گروه علوم حدیث مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و سایت اینترنتی مقام معظم رهبری	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر روشن ضمیر معاون پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی	حجت الاسلام والمسلمین حسین شیرافکن عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی مجتمع عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه های علمیه سراسر کشور
حجت الاسلام دکتر غلام جابر جعفری از کشور پاکستان و نمایندگی روسیه	دکتر حمیدرضا طوسی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی
دکتر فائق ولی زاده از کشور روسیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
دکتر سید علی سید اف از کشور تاجیکستان	دکتر رییس اعظم شاهد از کشور هندوستان

## ۵. ارکان کنگره

مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)

معاونت علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی

معاونت اجرایی: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

### ۶. کمیته اجرایی کنگره

معاون علمی کنگره و قائم مقام مدیر: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی  
 معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی  
 معاون پیشتیبانی و منابع انسانی: حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد  
 معاون ارتباطات و بین الملل: جناب آقای حسین حیدری  
 معاون فرهنگی مجتمع عالی قرآن و حدیث: حجت الاسلام والمسلمین احمدلو

### دبیرخانه کنگره

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین  
 مسئول ارزیابی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی  
 مسئول روابط عمومی: حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی  
 مسئول سایت و نشست های علمی: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

### ۷. کمیته های علمی کنگره

اول: کمیته گام دوم، علوم عقلی و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد جواد دشتی
--	--

### اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد باقر قیومی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی عزیززی علویجه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی یوسفی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد غفاری	



**دوم: کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
--	---

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی واشیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقاصفری	جناب حجت الاسلام والمسلمین میثم ناظمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی همتیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی	حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله توکلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین رفیعی	

**سوم: کمیته گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت
---	--

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی منصوری	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی زکی مرتضوی

**چهارم: کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی	دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی
---	-------------------------------------

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست	حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی
حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی	حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم
جناب آقای دکتر احمدی فراز	جناب آقای محسن برقی کار
سرکار خانم زهرا سهرابی	سرکار خانم زهرا توکلی

**پنجم: کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسن زمانی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر باقر ریاحی مهر
---	--

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد نوروزی	جناب آقای دکتر غلام حسین مقیمی
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر	جناب آقای دکتر سید حسین علوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر باقر ریاحی مهر

**ششم: کمیته گام دوم، و دانش های قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاکر میبدی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر عبدالله جبرئیلی
--	---

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی طهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجعلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحیدر طباطبائی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق یوسفی مقدم

**هفتم: کمیته گام دوم، آینده پژوهی قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
---	---

**اعضای کمیته:**

دکتر اسماعیل شراهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی	دکتر محمد رحیم عیوضی

**هشتم: کمیته تخصصی بانوان**

مدیر کمیته: سرکار خانم زینب بهجت پور	دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی
--------------------------------------	--

**اعضای کمیته:**

سرکار خانم دکتر زینب طیبی	سرکار خانم دکتر طاهره ماهرو زاده
سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی	سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی	سرکار خانم دکتر معصومه شریفی

**نهم: کمیته بین الملل**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد یعقوب بشوی از پاکستان	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمد عسکری از پاکستان
--	--

**اعضای کمیته:**

جناب آقای دکتر غلام جابر محمدی از پاکستان	جناب آقای دکتر رئیس اعظم شاهد از پاکستان
جناب آقای سید مجتبی رضوی از هندوستان	دکتر ترلان سیف الله اف از آذربایجان
دکتر منظر بیاتی از عراق	جناب آقای استیفان شفر از آلمان
جناب آقای رحمان دهلان از اندونزی	جناب آقای عبدالقادر محمد بلو از نیجریه
جناب آقای عباس خان فاضل اف از تاجیکستان	

## ۸. آثار کنگره

۱. شناخت نامه کنگره	۲. منبع شناخت بیانیه گام دوم
۳. نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های کنگره	۴. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد اول)
۵. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد دوم)	۶. چکیده مقالات کنگره (غیر فارسی)
۷. علم و عقل در گام دوم انقلاب اسلامی	۸. علوم و بیانیه گام دوم (جلد اول) (علوم اجتماعی. اقتصاد. سیاست. مدیریت)
۹. علوم و بیانیه گام دوم (جلد دوم) (علوم تعلیم و تربیت، روانشناسی و پزشکی)	۱۰. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد اول)
۱۱. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد دوم)	۱۲. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد اول)
۱۳. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد دوم)	۱۴. انقلاب اسلامی و غرب
۱۵. رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم	۱۶. آینده‌پژوهی و مهدویت در گام دوم
۱۷. سبک زندگی و گام دوم (جلد اول)	۱۸. سبک زندگی و گام دوم (جلد دوم)
۱۹. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد اول) (زبان اردو)	۲۰. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد دوم) (زبان اردو)
۲۱. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد سوم) (عربی، انگلیسی)	۲۲. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد چهارم) (هندی، آذری، بنگالی، برمه‌ای، آلمانی، اندونیزی، تاجکی، فرانسوی، روسی، ترکی، بلتی و...)

تذکره: تمام آثار در سمیم بررسی و مشابهت‌یابی انجام شد و سه مقاله به خاطر مشابهت

بالا حذف شد.

۹. مجلات منتشرکننده مقالات کنگره:

۱. مجله علمی قرآن و علم
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن
۳. مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی
۵. مجله تخصصی مطالعات حدیث پژوهی
۶. مجله تخصصی قرآن و علوم
۷. مجله تخصصی مطالعات قرآن پژوهی نور وحی

۱۰. کنگره در آینه آمار

تعداد کل چکیده‌ها: ۱۶۹۶	مقالات پذیرفته شده: ۹۵۸
مقالات چاپ شده در مجلات: ۴۲	مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۱۰۸۲
مقالات چاپ شده در مجلدات: ۲۸۲	مجلدات منتشرشده: ۲۲
تعداد ارزیابان: ۷۱	تعداد نشست‌ها: ۱۶۳
تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی: ۸	تعداد کارگاه‌ها: ۴۰

تذکر: دو جلد مجموعه مقالات کنگره به صورت جداگانه توسط مرکز خواهران هرمزگان

منتشر می‌شود.

۱۱. نرم افزارهای کنگره:

مجموعه آثار کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

## ۱۲. ارزیابان مقالات:

آقایان: محمد علی رضایی اصفهانی، محمدفاکر میبیدی، محمدحسن زمانی، مهدی رستم نژاد، غلامرضا بهروزی لک، حسین علوی مهر، سید عیسی مسترحمی، محمد امینی تهرانی، عباس علی واشیان، عباس الهی، محمد حسین صاعد رازی، علی کریم پور قراملکی، عبدالله جبرئیلی، حسن رضا رضایی، علی آقا صفری، محمدرضا حقیقت سمنانی، مهدی جهانی، علی رضا شاهین، محمداقبر ریاحی مهر، محمد جواد دشتی، محمد یعقوب بشوی، محمد عسکری ممتاز، عقیل یوسفی زارمی، سید مجتبی رحمانی، سید مجتبی رضوی اصیل، سیدرضی زکی مرتضوی، میثم ناظمی، علی فرهمندیان، محمد حسین رفیعی، سید علی حسینی، سعید حسنی، حسین مرکزی مقدم، مجتبی انصاری مقدم، کامران اویسی، مهدی سازندگی، نجات یحیی، مجید ابوالقاسم زاده، عباس جوانشیر، علی اصغر کوراوند، محمدهادی منصوری، محمد حسین محمدی، علی محمد راهی، مهدی همتیان، ابوذر رجبی، حمید رضا کاظمی.

بانوان: زینب بهجت پور، زینب طیبی، نسترن بهرمان، منیژه کاشانی، محبوبه جوکار، معصومه حاجی مقصودی، مریم رمضانیان، نرگس رشیدی راوندی، سیده نفیسه حسینی واعظ، فاطمه طائبی، سمیه پاپی، حمیده کرمی، عفت رمضانیان، صدیقه بهرامی، فاطمه حسین آبادی، مریم افشارویگنی، حدیثه سلیمانی، فهیمه ربیعی، فاطمه قنبری، طاهره سادات ضیاء حسینی، فاطمه عطارد، مهدیه علوی فر، طیبه توکلی، سیده معصومه فاطمی، طاهره عبداللهی، زهرا فتحی، الناز جهان پور، راضیه شیرینی، پریوش علیزاده، فاطمه درویشی، صدیقه کاویانی.

۱۳. مراکز علمی همکار کنگره

۱. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	۲. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه	۴. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶. مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>	۸. مؤسسه پژوهش‌های قرآنی المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی	۱۰. مرکز تخصصی کلام ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
۱۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۲. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم	۱۴. دانشگاه میبد
۱۵. دانشگاه معارف	۱۶. انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه علمیه قم
۱۷. رادیو معارف	۱۸. شبکه قرآن و معارف سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۹. مؤسسه مطالعات اسلامی	۲۰. مرکز تخصصی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۱. دانشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۲۲. دانشگاه قم
۲۳. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>	۲۴. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۲۵. انجمن قرآن پژوهی حوزه	۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۷. جامعه الزهرا <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small>	۲۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران
۲۹. پژوهشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۳۰. سیلیویکا
۳۱. مؤسسه فتوح اندیشه	۳۲. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۳. دانشکده شهید محلاتی	۳۴. دانشگاه فرهنگیان
۳۵. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه	۳۶. دانشگاه اشرفی اصفهان
۳۷. نمایندگی المصطفی اصفهان	۳۸. پژوهشگاه المصطفی

۱۴. نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam2>

---

## سخن پایانی

---

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر امینی تهرانی و موسوی و اعضای دبیرخانه که با زحمات شبانه روزی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نویخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی صلوات الله علیه العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی صلوات الله علیه حجت الاسلام والمسلمین عبادی و نیز معاونت پژوهش حوزه های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده اند، تشکر کنم. اجرهم علی الله.

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۰/۸/۲۲



---

## مقدمه معاون علمی

---

بسم الله الرحمن الرحيم

هر روزی که سپری می‌شود و هر لحظه‌ای که به جلو می‌رویم برگه‌ای زرین از مدیریت داهیانه و حکیمانه ناخدای مدبر انقلاب اسلامی ایران مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای عنه‌السلام هویدا و آشکار می‌گردد.

یکی از این برگه‌های زرین و جلوه‌های درخشان مدیریتی ایشان «بیانیه گام دوم» انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است. این بیانیه صحبت‌های بی‌پرده و شفاف یک مدیر و پدر دلسوزی برای فرزندان و ملت خود است که پس از طی زمانی ۴۰ ساله با همه سختی‌ها در حال عبور از مرحله‌ای سخت و ورود به مرحله مهم دیگری هستند که قرار است با پیمودن صحیح آن یک «پیچ تاریخی» در جهان معاصر اتفاق افتد.

بیانیه گام دوم آگاهی بخشی به منظور آماده کرده ملتی بزرگ برای مسئولیت‌های پیش روست. این بیانیه نقش راه انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی است. این بیانیه نشان از صداقت مدیری و رهبری فرزانه دارد که بدون تعارف همه خطرهای سختی‌های راه را برای روندگان آن، روشن می‌نماید و علاوه بر بیان نعمت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، ضعف‌ها و سختی‌ها را نیز بیان می‌نماید.

روشن و واضح است که بیانات و نوشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران متأثر از اندیشه‌های ناب ایشان است و این اندیشه‌های ناب در بستر قرآن و احادیث نورانی

اهل بیت علیهم السلام شکل یافته است. اندیشه‌هایی که از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی تا میان سالی و بزرگ سالی همگی در اثر انس بسیار ایشان با قرآن و عترت شکل گرفته است. به یقین می‌توان گفت که برای همه عبارات ایشان در «بیانیه گام دوم» می‌توان مستندی از قرآن و حدیث یافت و به نوعی آن را با قرآن و حدیث ارتباط داد. وظیفه همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی است تا ارتباط این بیانیه ارزشمند را با قرآن کریم بیش از پیش روشن نمایند و این امر مستلزم تلاشی در خور و شایسته است.

بر همین اساس کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث در مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و زیر نظر استاد فرزانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی که خود مفسری انقلابی و نواندیش است، شکل گرفت تا در این راستا به نوعی بیانیه گام دوم را با قرآن و حدیث بسنجد و مبانی و راهکارهای اجرایی این بیانیه را از قرآن و حدیث استخراج نماید.

در بررسی مقالات رسیده به کنگره مراحل متعددی طی شده است تا این کتب به حالت فعلی تبدیل شود. اگر چه ممکن است در رسیدن به این شرائط فعلی همه مقالات یکسان نباشند اما اهم مراحل که برای هر مقاله طی شده است را می‌توان در مراحل زیر معرفی نمود:

۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سایت کنگره
۲. ارزیابی اولیه چکیده توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۳. ارزیابی اولیه مقاله توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۴. ارزیابی ثانویه توسط ارزیاب تخصصی
۵. برخی از مقالات دو یا سه ارزیاب داشته‌اند به خاطر تخصصی بودن
۶. ارسال فایل اصلاحات به نویسنده
۷. ارسال مقاله اصلاح شده توسط نویسنده به دبیرخانه
۸. رویت مقاله اصلاح شده توسط ارزیاب و تأیید نهایی

۹. ارسال مقاله به کمیته مربوطه
۱۰. ارزیابی مجدد در کمیته جهت بررسی چاپ در کتاب
۱۱. ارسال اصلاحات کمیته به نویسنده
۱۲. ارزیابی توسط معاون علمی و دبیر علمی کمیته
۱۳. رفع اشکالات و ارسال به دبیر کمیته توسط نویسنده
۱۴. تأیید نهایی مقاله توسط کمیته و چاپ در کتاب
۱۵. بررسی مقالات در سمیم جهت مشابهت‌یابی
۱۶. بررسی مجدد چکیده و یکسان‌سازی چکیده‌ها
۱۷. شکل دهی مقالات تأیید نهایی معاون و دبیر علمی
۱۸. ارسال برای انتشارات

امید است تا این فعالیت‌ها گامی در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد و موجبات خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

قائم مقام و معاون علمی کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی ایران از منظر قرآن و حدیث

محمد امینی تهرانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

---

## اعضاء كميته تمدن و گام دوم

---

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر  
دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

### اعضاء:

حجت الاسلام والمسلمین استاد حسین شفیعی دارابی  
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد هادی منصوری  
حجت الاسلام والمسلمین استاد عباس الهی  
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدرضی زکی مرتضوی

---

## مقدمه مدیر کمیته تمدن و گام دوم

---

تمدن یا حضاره از مفاهیم و موضوعات پر طرفدار جهان است که اندیشمندان حتی مورخان بزرگی چون جرجی زیدان، ویل دورانت، ابن خلدون و... به مباحثی از آن پرداخته اند، بررسی تمدن اسلامی از دیرباز مورد توجه بوده است اما با توجه به پیشرفت های دنیای غرب به ویژه دوران معاصر، تمدن اسلامی تحت الشعاع مسلمانان از نظر منابع فکری و ایده پردازی به ویژه بزرگترین منبع دینی آنان یعنی قرآن کریم دستورات و قوانینی متعالی را برای پیشرفت و سعادت بشر مطرح می کند امام خامنه ای دام ظلّه العالی در بیانیه موسوم به گام دوم انقلاب اسلامی چشم انداز کلی حرکت انقلاب اسلامی ایران را در چهل سال دوم ترسیم نموده است که بخش مهمی از آن را می توان یک مرحله برای ایجاد تمدن نوین اسلامی نامید وی از محدود متفکرانی است که در دوران معاصر با ایده تمدن نوین اسلامی برگرفته از قرآن و سنت را مطرح می کند دانشمندان زیادی همچون علامه طباطبایی رحمته الله علیه، امام خمینی رحمته الله علیه، شهید مطهری، شهید بهشتی و... به برخی از ایده ها یا قواعد یا اصول تمدنی به عنوان تمدن اسلامی بلکه به عنوان یک اصل و بنیان برای پیشرفت و سعادت بشر مطرح کرده اند اما اینکه تمدن نوین اسلامی چگونه و در چه مراحل شکل می گیرد از ایده های امام خامنه ای می باشد، وی دین را تنها برای احکام و عبادات فردی نمی داند، بلکه دین رسالت نظام سازی، جامعه سازی و انسان سازی و مانند آن دارد، همچنین وی تمدن با قید اسلام مقبولیت دارد و تحقق می یابد بنابر این اساس برای رسیدن به تمدن نوین

اسلامی، جامعه اسلامی باید مراحل را طی نماید، اول: شکل گیری اقتدار اسلامی، دوم: تشکیل نظام اسلامی، سوم: تشکیل دولت اسلامی، چهارم: تشکیل جامعه یا حکومت اسلامی (که از این مرحله سبک زندگی اسلامی صرفاً در سطح گفت‌وگو سازی در جامعه باقی خواهد ماند) پنجم: تمدن اسلامی، در واقع تمدن اسلامی تأثیر پذیری ملت‌ها از اسلام است.

بر این اساس در کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث، کمیته تمدن اسلامی از کمیته‌های کنگره شکل گرفت و اساتیدی از جمله استاد حجت الاسلام والمسلمین شفیعی دارابی، حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد هادی منصور، استاد حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی و جناب آقایان حجج اسلام دکتر سیدرضی زکی مرتضوی و محمدرضا حقیقت‌سمنانی به عنوان اعضای کمیته فعالیت خود را آغاز نمودند. جلسات متعددی (حدود ۲۰ جلسه) برای تعیین موضوعات پیشنهادی جهت فراخوان مقاله نویسی (صد موضوع پیشنهاد شد)، هماهنگی نشست‌های علمی، مقالات سفارشی، تعیین داور برای ارزیابی مقالات، پس از آن بررسی مقالات، برگزیدن مقالات برتر و در نهایت آماده سازی مقالات برای چاپ در یک مجلد انجام شده است. لازم به ذکر است شش جلسه ویژه بررسی مقالات برتر در زمینه تمدن برگزار شد و اعضای کمیته مقالات را مجدداً ارزیابی کردند و مقالات اصلاح شده دوباره بررسی و تأیید نهایی شد.

لازم به ذکر است از مجموعه مقالات کنگره تعداد ۲۷۹ مقاله مرتبط با موضوع تمدن توسط ارزیابان کمیته تمدن داوری شد.

ارزیابان: آقایان حجج اسلام: علوی مهر، منصور، شفیعی دارابی، الهی، سید زکی، حقیقت، حسن رضایضایی، سیدمجتبی رحمانی، قراملکی و مرکزی.

همچنین ۲۰ مقاله سفارشی با موضوعات تمدنی یا موضوعات مرتبط با کنگره توسط اعضای کمیته نگاشته شد. ۱۹ نشست علمی نیز توسط اعضای کمیته با عناوین مرتبط با تمدن برگزار شد.

مجموعه پیش رو مقالاتی است که مورد بررسی و ارزیابی کمیته تخصصی تمدن کنگره قرار گرفته و از امتیاز بالا برخوردار بوده اند. این مقالات در جلد اول در دو فصل ساماندهی شده اند، فصل اول به مقالات مرتبط با مولفه ها و بنیان های تمدن نوین اسلامی می پردازد، فصل دوم به مقالات مرتبط با تمدن نوین اسلامی و انقلاب اسلامی اختصاص یافته است.

حسین علوی مهر

مدیر کمیته تخصصی تمدن و گام دوم انقلاب

۱۹ آبان ۱۴۰۰

## فصل اول

---

مؤلفه ها و بنیان های تمدن نوین اسلامی

---



---

## بنیان های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

---

سید رضی زکی مرتضوی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> - حسین علوی مهر<sup>۲</sup>

### چکیده

«تمدن» به معنی مصطلح امروزی، بر اساس دیدگاه «انسان محوری» در غرب، شکل گرفته و به نوع خاصی از پیشرفت مادی و معنوی گفته می شود که مجموعه ای از پدیده های اجتماعی قابل انتقال، که ابعاد مختلف اخلاقی، مذهبی، علمی داشته و در همه اجزای یک جامعه مشترک هستند را شامل می شود؛ «تمدن اسلامی» بنیانهایی دارد که ریشه در «قرآن و حدیث» دارند و برخی از آنها در «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» مورد اشاره قرار گرفته است؛ «علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، سیاست خارجی، سبک زندگی»، از بنیان های تمدن ساز هستند و مورد تاکید آیات و روایات فراوان قرار گرفته اند؛ این مقاله با روش کتابخانه ای و تحلیلی توصیفی، به دنبال تبیین بنیان های

---

۱. دکتری تفسیر تطبیقی مجتمع قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)

(raazy2474@gmail.com)

۲. عضو هیئت علمی و دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

(halavimehr5@gmail.com)

تمدن ساز در بیانیه گام دوم از منظر قرآن و حدیث است و به این نتیجه دست یافته که بنیادهای تمدنی همچون «عدالت، ارزشهای اخلاقی و سبک زندگی» در تفکر امام خامنه ای که برخاسته از معارف قرآن و حدیث است، تفاوت‌های اصولی و مبنائی با بنیادهای تمدن ساز در تعریف مصطلح جهانی و خصوصاً نسخه غربی آن که نشأت گرفته از تفکر اومانیستی است دارد، که ضرورت استخراج و استنباط این بنیانها برای ایجاد «تمدن نوین اسلامی» را روشن می‌سازد.

**کلید واژگان:** تمدن، بنیان‌های تمدنی، تمدن نوین اسلامی، بیانیه گام دوم

## مقدمه

برخلاف آنچه برخی روشنفکران از دیرباز به آن معتقد بوده و آن را به ناحق ترویج می کنند؛ دین اسلام، دستوراتی خشک و شخصی و مخصوص انزوا و گوشه تنهایی نیست، بلکه اسلام، مکتبی متعالی و هدفمند، با مبانی مستحکم و بنیانهایی استوار بوده و مشحون از قواعد و دستوراتی متشکل از مباحث کلی تا جزئی ترین مسائل است که حرکت در مسیر روشن آن، سعادت ابدی انسان را تضمین می نماید؛ حرکت های انقلابی پیامبران و اقدامات آنان در جهت مقابله با ظلم و درگیری با قوای باطل و دخالت در شوون مختلف زندگی که در قرآن کریم و روایات گزارش شده و همچنین تشکیل حکومت بدست نبی مکرم اسلام ﷺ و تاسیس دولت اسلامی و به دست گرفتن زمام حاکمیت بر مردم توسط اهل بیت (امیرالمومنین و امام حسن علیه السلام) که لازمه آن، تصمیم سازی های کلان در تمامی عرصه های زندگی فردی و اجتماعی، همچون سیاست، فرهنگ (اخلاق و تربیت)، اقتصاد و... است، دلائلی روشن بر شمول و سایه گستری دستورات دینی هستند؛ مجموعه این دستورات، نظام های اصلی مبانی دینی را در حوزه های گوناگون ترسیم می کنند که می توان از آن بعنوان «تمدن دینی» یاد کرد.

امام خامنه ای در بیانیه موسوم به «گام دوم انقلاب اسلامی» که در آن، چشم انداز کلی حرکت انقلاب مقدس اسلامی ایران در چهل ساله دوم، ترسیم شده است، این دوره را مرحله دوم «تمدن سازی» نامیده و فرمودند: «انقلاب پرشکوه ملت ایران، که بزرگ ترین و مردمی ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاده... واینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است»

بی شک، تمدن سازی اسلامی، دارای بنیان هایی است که باید ریشه های آن را در کتاب و سنت جستجو کرد، این مقاله به برجسته سازی بنیانهای تمدن سازی در بیانیه گام دوم و تبیین مبانی آن در قرآن و حدیث می پردازد.

## پیشینه

در رابطه با تمدن و انقلاب اسلامی و گام دوم کنگره ها و نشست ها و همایش های فراوانی برگزار شده است و صدها مقاله و کرسی حول این موضوعات ارائه شده است، که بسیاری از آنها پربار بوده و سخن جدیدی داشته اند، و از این میان می توان به همایش «بیانیه گام دوم انقلاب و طلوعه تمدن نوین اسلامی» برگزار شده توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، «کنفرانس ملی مولفه های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب» برگزار شده توسط دانشگاه جامع المصطفی نمایندگی خراسان (در این کنفرانس ۳۳۹ پژوهشگر مشارکت داشته و ۲۰۲ مقاله پذیرفته شده اند، برخی از عناوین مقالات به این شرح است: «بررسی مولفه ها و شاخص های گفتمان تمدن ساز انقلاب اسلامی با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، الزامات و بایسته های سبک زندگی در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، امکان راهبردی تحقق اهداف تمدنی انقلاب اسلامی، اهمیت و نقش رسانه در پیاده سازی اهداف تمدنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اکتساب علم دینی در تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم، بررسی تحلیلی چالشها و راهبردهای تحقق مرحله دولت سازی اسلامی در بیانیه گام دوم، اقتدار اسلامی اصلی ترین تکیه گاه تمدن اسلامی در نگاه رهبر معظم انقلاب، اصول حاکم بر سیاست خارجی از منظر آموزه های دینی و نقش آنها در پیشبرد تمدن نوین اسلامی، بررسی عدالت اجتماعی از منظر رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم استفاده از ظرفیت جوانان در عرضه سیاست خارجی با تکیه بر بیانیه گام دوم؛ همایش «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» برگزار شده توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (حاصل این همایش، چاپ کتاب شش جلدی با ۷۶ مقاله برگزیده در زمینه تمدن و بیانیه گام دوم در ۳۵۰۰ صفحه است، جلد اول با عنوان: تحلیل بیانیه گام دوم با رویکرد تمدنی، جلد دوم با عنوان: چیستی چرایی و چگونگی تحقق بیانیه گام دوم، و جلد سوم و چهارم با عنوان: تحلیل تجربه و دستاوردهای جمهوری اسلامی در توصیه های هفتگانه بیانیه و ارزیابی

وضعیت کنونی، جلد پنجم با عنوان: نهادهای علمی و بیانیه گام دوم با تأکید بر نسل جوان، و جلد ششم با عنوان: نشست‌ها؛ در اختتامیه این همایش ۴ کمیسیون تخصصی تشکیل شده و ۳۳ مقاله ارائه شده است).

### مفهوم‌شناسی

#### تمدن

واژه «تمدن» در زبان فارسی به معنی فرهنگ شهری و شهرنشینی است، است (دهخدا، لغتنامه، مدخل تمدن، ۱۳۷۷؛ عمید، فرهنگ فارسی، ۱۳۷۷: ۳۴۸)؛ که در زبان انگلیسی از آن با واژه «civilization» یاد می‌شود، که در ریشه خود «civil» صفت شهرنشینی و امور مربوط به شهر را به همراه داشته و به معنی جامعه توسعه یافته‌ای است که در محدوده زمانی و مکانی مشخصی مورد توجه قرار گرفته باشد. (فرهنگ لغت الکترونیکی لانگمن، ویرایش پنجم). امروزه این واژه برای توصیف موقعیت و یا وضعیتی از زندگی اجتماعی سازمان یافته به کار می‌رود (پهلوان، ۱۳۸۷ / ۳۵۸)؛ در حیطه علوم اجتماعی برای تمدن چندین معنا ارائه شده است که شاید بتوان معنای جامع میان آنان را چنین دانست: «تمدن جریانی تکامل‌یابنده و پایان‌ناپذیر است و به پیشرفت انسان و گذار از شرایط ابتدایی به مراحل تکامل یافته همراه با فراگیری آداب، رسوم و رفتارهای تمدنانه اطلاق می‌گردد» (همان، ۳۶۳)؛ می‌توان معادل این واژه را در زبان عربی، لفظ «حضاره» دانست، راغب در مفردات، «حضر» را به شهرنشینی و ترک زندگی بیابانی تعریف کرده و معنی کلی آن را حضور در یک مکان یا دیدار با دیگران دانسته است. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیتا: ۱ / ۲۴۱)؛ صاحب‌التحقیق نیز پس از معنی‌شناسی مفصلی از این واژه به این نتیجه رسیده است که ماده اصلی آن «استقرار و حضور و وجود» است و سپس بنا به ظروف متفاوت، در معانی مختلفی همچون ورود، نزدیکی، حضور، شهرنشینی، سکونت، و مانند آن استعمال شده است. (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴۰۲: ۲ / ۲۳۸)؛ لذا این لغت در زبان عربی با توصیفات که از واژه تمدن در فارسی و انگلیسی و

علوم اجتماعی ذکر شد، برابری می کند.

تعریف تمدن از دیدگاه اندیشمندان غربی

برخی متفکرین غربی تعاریف قابل توجهی از «تمدن» ارائه داده اند، از نگاه ویل دورانت، تمدن به معنی نظمی اجتماعی است که ایجاد کننده نتیجه و اثرهای فرهنگی است، او سپس تمدن را دارای چهار رکن و نظام اساسی «اقتصاد، سیاست، اخلاق، و تعالی علم و هنر» دانسته است (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۱۹۹۱: ۸/۱)؛ از نظر او تمدن زمانی ظهور پیدا خواهد کرد که امنیت برقرار بوده و آشوبها فروکش کرده باشند، زیرا با وجود ترس، جایی برای کنجکاوی و خلاقیت که زمینه ساز تولید علم و معرفت و پیشرفت است، وجود ندارد.

### تمدن اسلامی

ارائه تعریف درستی از «تمدن اسلامی» امر ساده ای نیست، تعاریف لفظی هرچند بی فایده نیست، لکن ناظر به دغدغه های راهبردی و کاربردی و نیازهای امروزی نیست؛ تعریف فلسفی از آنجا که بی توجه به واقعیت خارجی است و صرفاً به «حقیقت ذهنی» می پردازد، نمی تواند جنبه نسبیت را لحاظ کند و همچنین همیشه رویکردی اثباتی داشته و به دلیل انتزاعی بودن نمی تواند ناظر به عینیات خارجی باشد؛ شاید بهترین تعریف از «تمدن اسلامی» تعریف عینی و کاربردی باشد، چرا که با رویکردی توصیفی، دربرگیرنده ویژگی های ظاهری، پیامدها و نتایج خواهد بود و تناسب بیشتری با نیازهای ضروری دارد و بی شک در این فرایند باید به تطورات تاریخی تمدن نیز توجهی ویژه کرد؛ در حقیقت تمدن اسلامی چیزی جز «فعالیت یافتن همه امکاناتی نهفته در مفاهیم نصوص اساسی اسلام یعنی آیات و روایات، و همه لوازم آن» نیست (رک: راهدار، دوفصلنامه اندیشه تمدنی اسلام، ۱۳۹۴)؛ چنانکه گذشت، دین اسلام، مکتبی متعالیست که در همه ابعاد و زوایای زندگی حضوری اثرگذار دارد و به بیانی دیگر از چهارچوبهای کلی تا جزئیات عملی را مشمول دستورات خود قرار داده است؛ و با توجه به تعاریفی که از تمدن بیان شد، بطور قطع می توان گفت دین اسلام یک مکتب تمدن ساز است، زیرا عناصر تشکیل دهنده تمدن مورد توجه

آیات و روایات بوده و بر آنها تاکید شده است که به زودی اشاره خواهیم کرد. مسلمین با تکیه بر داشته های ذاتی خود و همچنین استفاده از تجربیات خارجی ملتهای دیگر همچون یونان و مصر و روم و ایران و هند، تمدنی را به وجود آوردند که پس از تقویت و توسعه و تکامل، هشتصد سال تمام بر کرسی طلایه داری فکری ملتهای مختلف عالم نشست، در دامان تمدن اسلامی، نه تنها آثار ارزشمند علمی اقوام و ملتهای گذشته، بوسیله ترجمه و تصحیح و تکمیل، از گزند فراموشی در امان ماندند، بلکه علوم جدید و پیشرفته ای همچون «شیمی، فیزیک، جبر، مثلثات، زمین شناسی، زیست شناسی، جامعه شناسی، فلسفه و...» توسط دانشمندان همچون «جابر بن حیان، زکریای رازی، ابن هیثم، خوارزمی، ابن خلدون» و دیگر اندیشمندان مسلمان، ابداع شده و به جهان بشریت تقدیم شدند؛ این پیشرفتهای چشمگیر در تمدن بزرگ و سترگ اسلامی چنان تاثیر سازنده ای در مقیاس بزرگ جهانی داشت که باعث بوجود آمدن نهضتهای بزرگ بیداری در ملتهای مختلف گشت. (ر.ک: محمدی، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، ۱۳۷۳).

### تمدن در قرآن

روشن است که واژه تمدن یا واژگان مترادف آن که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، در قرآن کریم ذکر نشده است، لکن با توجه به تعریف و بنیان های تمدن، می توان گفت تمام عناصر تشکیل دهنده تمدن، بسیار زودتر از آنکه مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران قرار گرفته و ارائه شود، در قرآن کریم تبیین شده و به آنها دستور داده شده است، ذیلا به برخی از آیات اشاره می کنیم:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخَلِّقَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره/۲۱۳) «مردم (در آغاز) يك دسته بودند (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها

پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنها را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، هم چنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

«حکومت» و به تبع آن «فرهنگ»، دو بنیان تعیین‌بخش برای هر تمدنی محسوب می‌شوند، به عبارتی هیچ تمدنی نیست که مسبق به فرهنگ نباشد و سپس از مجرای جز حکومت تحقق یافته باشد؛ این آیه شریفه، به یکی از مهمترین عناصر و بنیان‌های تمدن، اشاره دارد، زیرا مطابق آن، اختلافات ملتها، تنها در سایه حکومت انبیاء و پیامبران و کتابی که مشتمل بر قوانین و مقررات و ضوابط است و بر اساس آن میان مردم حکم می‌شود، از میان برداشته می‌شود.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران/ ۱۱۰) «شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

در این آیه، به یکی از ویژگی‌های جامعه متمدن که از آن با عبارت «خیر امه» یاد شده، یعنی «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره شده است؛ به عبارت دیگر «احساس مسئولیت آحاد جامعه» نسبت به پیشرفت و تعالی و جلوگیری از انحراف و کجروی و خرابکاری و فساد، یکی از مصادیق مهم «اخلاق اجتماعی» و از بنیان‌های تمدن است.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره/ ۱۴۳) «همان‌گونه (که) قبله شما، يك قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید»



بسیاری از مفسرین، واژه «وسطا» در این آیه را به معنی اعتدال و میانه روی دانسته اند، از جمله علامه طباطبائی که یکی از معانی آیه را اشاره به این اصل دانسته اند که امت اسلام، حد میانه بین افراط در دنیاپرستی یهودیان و همچنین افراط در ترک دنیا توسط مسیحیان، قرار داده شده است. (علامه طباطبائی، المیزان، ۴۸۲/۱/۱۳۷۴) و روشن است که اعتدال و پرهیز از تندروی و کندروی، یکی از اثرگذارترین عناصر در ایجاد یک تمدن متعالیست.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات/۱۳) «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست،) گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست»

این آیه در صدد بیان برابری ذاتی و یکسانی همه در شرافت و نیز شایسته سالاری علی رغم تفاوتها در رنگ و نژاد و گویش و عدم اعتبار تفاوت‌های طبیعی در تعیین معیار برتریست (رک: علامه طباطبائی، المیزان، ۴۸۷/۱۸/۱۳۷۴؛ زمخشری، کشاف، ۳۷۴/۴/۱۴۰۷)، و روشن است که «مساوات» تمام طبقات اجتماعی، اصلی مهم در تمدن اسلامی است.

### بنیان های تمدن در بیانیه گام دوم

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم، پس از تبیین مقدماتی مهم، توصیه هایی را خطاب به ملت مسلمان فرموده اند که متشکل از چند قسمت است و می توان از آن به عنوان «بنیان های تمدن ساز» یاد کرد، در ادامه به تبیین هر یک از این بنیان ها خواهیم پرداخت.

#### ۱- علم و پژوهش

اهمیت علم و دانش و دست یابی به تکنولوژی و فناوری، و نقش آن در رسیدن به پیشرفت و توسعه و جایگاه بی بدیل دانش در ایجاد و امتداد یک تمدن، امری غیرقابل انکار است؛ چنانکه گذشت، «ویل دورانت» نیز «تعالی علم و هنر» را یکی از مهمترین بنیان های تمدن دانسته است و آن را در اولویت چهارم قرار داده است (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۱۹۹۱: ۸/ ۱)؛ همیشه بر اساس قاعده عقلی و روشن «لزوم مراجعه جاهل به عالم» دست نیاز

کسانی که از دانش بهره نبرده اند به سوی دانشمندان دراز است و بالعکس راه سلطه و سوء استفاده از این نیاز را برای کسانی که به «علوم» دست یافته اند هموار می سازد، و به قول معروف «عالم اگر چه گشت موخر، مقدم است / جاهل اگرچه گشت مقدم، موخر است»؛ تمدن غرب با سوء استفاده از این ویژگی دانش، هم تا توانست، آن را در انحصار خود گرفته و ملتهای دیگر را با زور و تزویر و نیرنگ، از رسیدن به علم، محروم نگاه داشت، و هم با سوء استفاده از «دانش» به چپاول و غارت ملتها پرداخت.

### اهمیت علم در بیانیه گام دوم

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم در رابطه با اهمیت این بنیان تمدن ساز، فرمودند: «علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد»

ایشان با توجه دادن به عقب ماندگی عمیق نسبت به کاروان تکنولوژی و فناوری و علم که بر اثر خیانتهای مسئولین خود فروخته و غریزه همچون خاندان «پهلوی و قاجار»، گریبانگیر جوامع اسلامی و بالخصوص جامعه ایران شده است، بشدت نسبت به تحصیل دانش و بدست آوردن تکنولوژی و فناوری توصیه کرده و فرمودند:

«ما هنوز از قلّه های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم ترین رشته ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم... اینجانب همواره به دانشگاه ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده ام، ولی اینک مطالبه ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید»

آنچه در بیانیه گام دوم به آن توصیه شده است، نگاههای ابزاری به علم برای چپاول ملتها نیست، (جنایتی که غرب با استفاده از علم به آن دست یازیده است) بلکه تشویق برای به کارگیری نیروی عظیمی است که موجب پیشرفتهای بزرگ شده و دست نیاز به بیگانگان را کوتاه می کند و راه هر گونه سلطه و اعمال نفوذ و فشار را از سوی آنان می بندد؛ چنانکه در بیانیه در این زمینه آمده است:

«ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه ی دانش در میان خود اصرار می ورزیم» (بیانیه گام دوم انقلاب  
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

#### اهمیت دانش در قرآن و حدیث

توجه به دانش و مسلح شدن به قوای علم، بنیان مهمی است که در ساخت تمدن بزرگ و متعالی اسلامی، مورد تاکید قرآن کریم و روایات اهل بیت نیز قرار گرفته است؛ به نحوی که اولین پیام خداوند در قالب وحی الهی، سخن از «علم» است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق ۳/ تا ۵) «بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود، و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد» و در مقاطع مختلف بر این تعلیم تاکید کرده است: «الرَّحْمَانُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن ۱ / تا ۴) «خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید، و به او «بیان» را آموخت».

از دیدگاه قرآن، ابزارهای کافی جهت تحصیل علم یا به عبارتی شناخت، به انسان داده شده است: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ» (نحل/ ۷۸) «و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی دانستید و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد» و عدم استفاده از این ابزار را مورد نکوهش قرار داده است تا جائیکه چنین کسانی را در ردیف چهارپایان محسوب می دارد: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ

كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف/۱۷۹) «آنها دلها [عقلها] بی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوشهایی که با آن نمی‌شنوند آنها همچون چهارپایانند بلکه گمراهتر»؛ در بسیاری از موارد نیز، از لزوم اندیشه و دانشورزی در قرآن با واژه «نظر» یاد شده است، مانند: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس/۲۴)؛ «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ» (طارق/۵)؛ «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (غاشیه/۱۷)؛ «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا» (آل عمران/۱۳۷)؛ «فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ» (روم/۵۰) و... در تمام این موارد، مراد از نگاه، تامل همراه با دقت و غور و بررسی و همچنین تدبر و تفکر است که محدود به مساله خاصی نیست و این توصیه قرآن کریم نسبت به تمام حقائق جهان هستی است، از جهان خلقت «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران/۱۹۰) تا تاریخ گذشتگان «فَأَفْضُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف/۱۷۶) و در درون خود انسان «و فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ \* وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات/۲۰ و ۲۱) و حتی خود قرآن «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد/۲۴).

اهمیت علم در قرآن، از دو منظر قابل بررسی است؛ در دسته ای از آیات، قرآن کریم به تحصیل علم و دانش تحریض می‌کند: گاهی مقام عالمان را بسیار بالاتر از جاهلان دانسته است «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۹)؛ «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱) «خدای تعالی مؤمنین را به يك درجه، و علم داده شدگان را به چند درجه برتری داده است» (این آیه نشان می‌دهد که خداوند متعال درجات رفیع تری برای اهل علم نسبت به دیگران قرار داده است) (طباطبائی، المیزان، ۱۹/۱۸۹/۱۴۱۷)؛ و گاه خداترسی و تقوا که مهمترین اساس دین اسلام است را ویژگی مخصوص دانایان قلمداد کرده است «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر/۲۸)؛ در دسته ای دیگر از آیات، از تکیه بر ظن و گمان و احتمال منع کرده و تنها علم یقین آور را معتبر دانسته است «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (یونس/۳۶) «گمان، هرگز انسان را به

حق نمی‌رساند»؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ» (حجرات/۱۲) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید»

روایات مربوط به علم در منابع حدیثی بیش از آن است که بتوان در این مختصر برشمرد، احادیث فضل علم و عالم، درجات علم، جایگاه بلند دانش، آثار و نتایج، انواع و اقسام و فوائد علم، همگی حکایت از اهمیت فوق العاده «علم و دانش» در تمدن اسلامی دارند؛ امیر بیان علیه السلام در جمله ای کوتاه و ژرف، که در قسمت حکمت‌های نهج البلاغه دسته بندی شده است فرموده اند: «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، حکمت ۶۶۰) «علم وسیله استیلاء یافتن و برتری است، هر کس به آن دست یابد، با آن حرکت خواهد کرد و هر کس از آن بازماند به سوی دارنده آن سوق داده می شود و نیازمند عالمان خواهد بود»؛ در کتاب شریف کافی که از منابع حدیثی چهارگانه اصلی شیعه است، بابی بعنوان «فضل العلم» باز شده که خود دارای بخشهای متنوعی همچون «وجوب تحصیل علم، صفت علم و فضل علم و علماء، حق عالم، آداب معاشرت با علما و سوال از آنان، نهی از سخن بدون علم و عمل جاهلانه و...» بوده و احادیث فراوانی را در خود جای داده است؛ در همین باب از نبی مکرم اسلام نقل شده که فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ» (کلینی، کافی، ۱/۳۰/۱۴۰۷) تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است، خدا محصلین علم را دوست دارد؛ و همچنین در لزوم معاشرت با علماء و دانشمندان از امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمودند: «مُحَادَثَةُ الْعَالِمِ عَلَى الْمَرَائِلِ خَيْرٌ مِنْ مُحَادَثَةِ الْجَاهِلِ عَلَى الزَّرَائِبِ» (کلینی، کافی، ۱/۳۹/۱۴۰۷) سخن گفتن با یک عالم حتی اگر در جایی نامناسب همچون زباله دان باشد، بهتر از سخن گفتن با انسان جاهل در بهترین نشیمنگاهها و با تکیه بر بالشهاست»؛ و از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: «عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ» (کلینی، کافی، ۱/۳۳/۱۴۰۷) «عالمی که مردم از علمش بهره مند گردند از هفتاد هزار عابدی که اینگونه نباشد بهتر است»؛ با توجه به این روایات اهمیت دانش در تمدن اسلامی

کاملاً مشخص می‌گردد.

### چیستی علم در تمدن غرب

رویکرد تمدن غرب نسبت به علم، عموماً تجربه محوری و حس گرایانه است، و به صورتی هدفمند، هرگونه معرفت غیر حسی در آن نفی شده است؛ این تفکر که از آن با عنوان «پوزیتویسم» یاد می‌شود و ریشه در انقلاب‌های روشن‌گرایانه اروپا در قرن هجدهم میلادی دارد، توسط «آگوست کنت» پایه‌گذاری شده و سپس یک قرن بعد توسط افرادی چون «کارل پوپر» اصلاح شده و به فراگیری رسید؛ این مکتب، معیار صحت هر گزاره را بر امکان تجربه آن تعلیق کرده و آن را ملاک تشخیص علم حقیقی از دروغین قرار داد و فرضیه‌های الهیاتی را با این نگاه نقد کرد و از آنجا که «تحقیق‌پذیری» را نشانه اعتبار قلمداد کرده و از طرفی آن را منحصر در علوم طبیعی می‌دانست، خط بطلانی بر تمام معارف متافیزیکی می‌کشید و اینگونه مباحث را الفاظی بی‌معنی و پوچ محسوب می‌داشت؛ آئین انحرافی «اومانیزم» و پرستش و اصالت انسان، زاییده همین نگاه به علم و اعتبار دادن انحصاری آن به تجربه است. (رک: فلاورز سارا، اصلاحات ۱۳۸۰؛ دارک سدنی، تاریخ رنسانس / ۱۳۷۸؛ مگی برایان، فلاسفه بزرگ / ۱۳۷۶؛ کاپلسون، تاریخ فلسفه، ۱۳۸۲).

### تفاوت نگاه به علم در تمدن اسلام و غرب

در تمدن غربی، دانش تنها ابزاری است که در جهت استیلاء و قدرت یافتن و چپاول و غارت دیگر ملتها مورد استفاده قرار می‌گیرد و بهمین جهت همیشه بدنبال به استخدام درآوردن دانشمندان از هر نژاد و ملیتی هستند و پس از خریداری، از آنان مانند بردگان در جهت امیال و اهداف استعماری خود بهره‌برداری می‌کنند؛ لذا چنانکه گذشت، معرفت‌های ماورائی و الهی و وحیانی برای آنها معنائی ندارد، تمدن غرب از هرگونه معنویت تهیست و بلکه به خیال خود با برجیدن دامان خود از اینگونه خرافات، راه خود بسوی سعادت و خوشبختی را یافته است؛ غافل از آنکه با محدود ساختن منابع معرفتی، خود را از واقعیتها و حقیقت محروم ساخته است؛ اما علم مورد نظر فرهنگ و تمدن قرآنی، مفهومی

اعم است که تجربه تنها شاخه ای از آن محسوب می شود، و شامل معارف عقلی، وحیانی و شهودیست.

به گفته شهید بهشتی، در تطبیق واژه «علم» صرفاً بر «علوم تجربی» دو مغالطه صورت گرفته است: اول آنکه واژه شناخت «Knowledge» که مفهومی عام است، به معنی علوم تجربی «Science» قلمداد شده و حال آنکه علوم تجربی تنها شاخه ای از معرفت است، و دوم آنکه «رئالیته» (یعنی واقعیت) را مساوی با «علوم تجربی» دانسته اند، و آنچه که در آزمایشگاه ها امکان اثبات نداشته باشد از سنخ «ایده» (یعنی تصور ذهنی) قلمداد کرده اند؛ و از آنجا که «رئالیسم» بر «ایده آلیسم» مقدم است، لذا علوم تجربی بر هر گونه خیال پردازی ذهنی (یعنی تمام علوم غیر تجربی) مقدم خواهد بود. (بهشتی، شناخت اسلام، ۴۲/۱۳۷۱).

#### پیشرفتهای علمی در سایه انقلاب اسلامی

جامعه ایران پیش از انقلاب از نظر درجه دانش در پایین ترین رتبه قرار داشت و هیچ تحرک علمی در آن مشاهده نمی شد، و به تبع این عقب ماندگی بزرگ، از نتایج آن که رشد و بالندگی و پویایی و سازندگی و... نیز بی بهره بود؛ اکنون به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، ایران اسلامی به چنان رشد و شکوفائی رسیده که در بسیاری از رشته های مهم علمی پیشتاز بوده و در بسیاری دیگر در زمره پیشرفته ترین کشورهای دنیا قرار گرفته است؛ رهبر معظم انقلاب با اشاره به این پیشرفت علمی، در بیانیه گام دوم فرمودند:

موتور پیشران کشور در عرصه ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده ی آن روزبه روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه های عمران و حمل و نقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون ها تحصیل کرده ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده ها طرح بزرگ از قبیل چرخه ی سوخت هسته ای، سلول های بنیادی، فناوری نانو، زیست فناوری و

غیره با رتبه های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فتاوری بومی، برجستگی محسوس در رشته های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده ها نمونه ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فتاوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

## ۲- معنویت و اخلاق

بهترین راه شناخت یک تمدن، نحوه تعامل آن با مسائل معنوی و میزان پایبندی اش به موازین اخلاقی است، به نحوی که بررسی هر تمدن با این معیار، تصویر کلی نظام های فرهنگی و اجتماعی آن تمدن را ترسیم می کند؛ روشن است که مراد از «اخلاق» صرفاً برخورد فردی و اجتماعی نیست، بلکه مجموعه ای از «عادات خوب و بد» است که بسیاری از آنها بر اساس فهم عقل از «حسن و قبح ذاتی» و اصل «فطری بودن» گزاره های اخلاقی، برای عموم مردم جهان قابل درک است؛ شکل گیری یک تمدن می تواند مبتنی بر احترام به موازین اخلاقی یا بی اعتنائی به کل یا برخی از آنها باشد؛ علامه طباطبائی در تعریف «اخلاق» می نویسد: «علم اخلاق عبارت است از فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست، به این غرض بحث میکنند که فضائل آنها را از رذائلش جدا سازد و معلوم کند کدام يك از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست، و کدامیک بد و رذیله و مایه نقص اوست، تا آدمی بعد از شناسایی آنها خود را با فضائل بیاراید، و از رذائل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که



مقتضای فضائل درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را بخود جلب نموده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند» (طباطبائی، المیزان، ۱/۳۷۰/۱۴۱۷)

توجه به اخلاق و معنویت در بیانیه گام دوم

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، «اخلاق و معنویت» یکی از مهمترین بنیان های لازم در جهت پیشبرد اهداف مقدس اسلامی دانسته شده و موکدا مورد توصیه قرار گرفته است؛ این توصیه، شامل چند نکته اساسی است:

اول، اهمیت اخلاق و معنویت و نیازمندی جامعه به استحکام اخلاقی؛ امام خامنه ای در این خصوص فرمودند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده ی همه ی حرکتهای و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند»

دوم، راهکارهای ایجاد و امتداد اخلاق در جامعه، که در چند نکته اساسی خلاصه می شود:

عدم استفاده از خشونت و فشار برای بوجود آوردن عاداتهای اخلاقی در جامعه

جوشش تعهد به موازین اخلاقی از مسئولین و اتخاذ منشهای معنوی

ترویج معنویت و اخلاق در جامعه توسط مسئولین جامعه اسلامی

مبارزه با مراکز غیراخلاقی، البته با استفاده از شیوه های معقول

نظارت و کنترل هوشمندانه فضای مجازی و ابزارهای پیشرفته رسانه ای

در بیانیه گام دوم در رابطه با اهمیت اخلاق و معنویت و لزوم توجه به آن توسط

مسئولین و نیز آحاد جامعه اسلامی آمده است: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه

هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می آورد؛ این، بی گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهتمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهتمی کنند؛ ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله»

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، - <https://farsi.khamenei.ir/message>

(content?id=41673

### مبانی اخلاقی در تمدن اسلامی

«اخلاق» در تمدن اسلامی، به معنی «پیراسته شدن از صفات زشت و آراسته شدن به صفات خوب و نیکوست» و در کتب اخلاقی فراوانی (کتابهایی که مبانی و قواعد اخلاق در تمدن اسلامی را تبیین کرده‌اند) که در شعاع انوار تعلیمات متعالی اسلامی تالیف شده، همچون «اخلاق ناصری نوشته خواجه نصیر طوسی، جامع السعادات و معراج السعاده نوشته نراقیین، ارشاد القلوب دیلمی، التمهیص ابن شعبه حرانی، محاسبه النفس ابن طاووس، تذکره السالکین بید آبادی، لقاء الله میرزا جواد تبریزی و...» از آن با عنوان «ترکیه و

تحلیه» یاد شده است؛ تزکیه به معنی پاک کردن درون از آلودگیها و تحلیه به معنی زیباسازی جان و روح با تقرب به خدا؛ علامه طباطبائی، تخلق به اخلاق و التزام به معنویت را عین تمدن می داند و انسان غیر متخلق (کسی که ملکات زشت را از خود دور نکرده و ملکات خوب را در خود نهادینه نساخته است) را غیر متمدن می شمارد. (طباطبائی/المیزان/۱/۳۷۵/۱۴۱۷)

### اخلاق در قرآن و حدیث

در منابع اسلامی، بصورت ویژه ای به اخلاق و معنویت توجه شده و بخش زیادی از آیات و روایات به این مساله اختصاص یافته است، به گونه ای که در چندین آیه از قرآن کریم، یکی از اهداف اصلی ارسال پیامبران، «تزکیه» یعنی پیمودن کامل مسیر «معنویت» معرفی شده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ» (آل عمران/۱۶۴) «خداوند بر مؤمنان منت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را تزکیه کند» و «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ» (جمعه/۲) «خداست که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند»؛ در منطق قرآن تنها کسی به فلاح و رستگاری خواهد رسید که خود را به مرحله تزکیه رسانیده باشد: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس/۹)؛ مراد از «تزکیه» در این آیات، تربیت و رویاندن و پرورش دادن نفس است (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷/۲۹۸/۲۰)، متولی و هدایتگر این عملیات رویش، پیامبران هستند، که از سوی خدا مامور به تزکیه مردمند، ولی نقش اساسی دیگر مربوط به خود اشخاص است که مطابق آیه سوره شمس، فلاح و رستگاری و سعادتشان در گرو اینست که خود دعوت انبیاء برای اصلاح را لبیک گفته و در این مسیر قدم بگذارند زیرا پیامبران نمی توانند جبرا آنها را تطهیر کنند. (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۴/۶۰/۱۴۲۰).

نبی مکرم اسلام ﷺ نیز در روایتی، هدف اصلی از نبوت خود را «کامل کردن مبانی

اخلاقی» عنوان کرده و فرمودند: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، بحار، ۱۴۰۵/۳۷۲/۶۷)؛ روایات مربوط به مباحث اخلاقی به حدی فراوان است که نمی توان حتی فهرستی از عناوین متنوع آن در این مقال منعکس کرد، در روایتی موسوم به «حدیث جنود عقل و جهل» که بسیاری از فقها و دانشمندان از جمله حضرت امام خمینی رحمته الله علیه بر آن شروحن نگاشته اند، در تبیین درگیری دو جبهه حق و باطل، به فرماندهی «عقل و جهل»، به هر یک قوایی داده شده است که بر اساس آن، تمام صفات رذیله، سربازان جهل، و تمام صفات حمیده و نیکو، سربازان عقل می باشند، تعداد سربازان هر کدام از دو طرف «هفتاد و پنج» عدد هستند؛ جنود عقل که همان فضائل و صفات نیکو هستند، صفاتی همچون «ایمان، رجا، عدل، رضا، شکر، توکل، رحمت، رافت، علم، فهم و...» و جنود جهل، صفات رذیله و ملکات زشتی همچون «کفر، شرک، یاس، غضب، حُمق، کبر و...» می باشند؛ در انتهای این حدیث طولانی، تطهیر نفس از صفات ظلمانی و تلبس به صفات نورانی لازم دانسته شده است: «فَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا فِي نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ أَوْ مُؤْمِنٍ قَدِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ أَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمَلَ وَ يَنْقَى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِنَّمَا يُدْرِكُ ذَلِكَ بِمَعْرِفَةِ الْعَقْلِ وَ جُنُودِهِ وَ بِمُجَانَبَةِ الْجَهْلِ وَ جُنُودِهِ» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷/۲۳/۱) «همه این خصلتهای نیکو در کسی جمع نمی شود مگر اینکه پیامبر یا وصی پیامبر باشد یا مومنی باشد که خدا قلبش را به ایمان آزموده است، اما دیگر شیعیان ما، تعدادی از این صفات زشت و زیبا را باهم دارند، آنها باید صفات زشت را از خود زدوده و صفات نیک را در خود کامل کنند تا در درجات عالی همراه پیامبران و اوصیا باشند، و این تنها با شناخت عقل و جهل و جنود آنها حاصل می شود».

نمونه هایی از دستورات اخلاقی در تمدن اسلامی

چنانکه گذشت، دستورات کلی و جزئی اخلاقی به حدی در منابع اسلامی اعم از آیات و روایات، فراوان است که نگاه گذرایی هم به آن ممکن نیست، ذیلا به برخی از دستورات

قرآنی و حدیثی اشاره می کنیم.

قرآن کریم در همه زمینه های اخلاقی شامل دستورات جامعیت، مثلاً در خصوص روابط اجتماعی، اصول مهمی چون مساوات، ایثار، فداکاری، گذشت، عفو، همکاری در کار خیر، محبت، صلح، رحمت، احسان خصوصاً نسبت به والدین و... را مطرح می نماید: «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر/۹) «کسانی که در این سرا و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند»؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰) «مؤمنان برادر یکدیگرند پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید»؛ «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور/۲۲) «باید عفو کنند و چشم پوشند آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد»؛ «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف/۱۹۹) «مدارا کن و عذر پذیر باش، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان و با آنان ستیزه مکن»؛ «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» (مائده/۲) «در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید»؛ «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳) «به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید».

روایات اهل بیت علیهم السلام نیز که مبین و مفسر قرآن کریم هستند، بر نکات فوق تاکید کرده و حدود و قواعد آن را مشخص کرده است؛ در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه نقل شده که آنحضرت ضمن نامه ای به فرزندشان امام مجتبی علیه السلام اینگونه نوشتند: «أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَفْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ اِرْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ» (نهج البلاغه / نامه ۳۱) «همانگونه که دوست داری به تو احسان شود، تو نیز به دیگران احسان کن، و آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز مپسند، و هرچه

برای خود می خواهی برای دیگران نیز همان را بخواه» این توصیه به قدری متعالی و بلند است که به تنهایی می تواند جامعه ای را اصلاح کند و براستی چه قاعده تمدن سازی می تواند جایگزین این توصیه گردد؟ از نبی مکرم اسلام ﷺ سوال شد که خداوند چه کسی بیش از دیگران دوست می دارد؟ حضرت پاسخ دادند: «قَالَ أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ» «کسی که بیشتر از دیگران به مردم نفع برساند» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷/۱۶۴/۲)

### تمدن غرب و سقوط اخلاقی

اساس تمدن غرب، برپایه بی اعتنائی و بلکه مخالفت با معنویت و مفاهیم اخلاقی پایه گذاری شده است و از همین رو، با فطرت انسانی ناسازگار است (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷/۲۸۲/۲)، متفکران و بنیان گذاران لیبرال این تمدن، هیچ اعتقاد و پایبندی به دین نداشتند، آنها بطور رسمی اعلام کردند که «خدا در اروپا مرده است» و افرادی چون «جان لاک» به عدم اعتقاد به هرگونه قدرت ماورائی و فرد محوری و لزوم آزادی های فردی در ابعاد مختلف زندگی، و رهائی از هرگونه تقید و تعهد دینی و اخلاقی تصریح می کردند (جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ۲۰۳۱۳۸۵/۲)؛ نتیجه این تفکر چیزی جز شهوترانی افسارگسیخته در همه چیز اعم از دنیا پرستی و قدرت طلبی و بی بند و باری جنسی که اکنون جامعه غربی به آن مبتلاست، نیست؛ جالب آنکه برخی از صاحب نظران غربی خود به این آشفتگی معترفند.

جرم و جنایت و فحشاء در جامعه غربی بیداد می کند، طبق آمارهای رسمی، بیشتر افراد جامعه «زنازاده» هستند یعنی نتیجه ارتباط نامشروع (حتی مطابق قوانین خودشان) می باشند؛ خودکشی، شرب خمر، قتل، تجاوز، سرقت، خیانت، ربا، جنایتهای سازمان یافته و... مسائلی هستند که دیگر در غرب کاملاً عادی جلوه می کنند، رسمیت «همجنسگرایی» و تصویب آن در مجالس قانونگذاری برخی کشورهای غربی، انحطاط مفرط اخلاق را بخوبی عیان می سازد.

مهمترین مبانی اخلاقی تمدن غرب، فردگرایی اطلاق و اصل لذت و ثروت حداکثری

است، که از آن به عنوان «مکتب انتفاعی غرب» یاد می شود، بر اساس این تفکر، دروغ و خیانت، به این دلیل بد است که منجر به خیانت و دروغ می شود، به بیان دیگر، گزاره های اخلاقی، تنها نردبانی برای رسیدن به قدرت و ثروت بیشتر هستند، و پس از رسیدن به هدف، دیگر نیازی به رعایت آنها نیست؛ علاوه بر این، به گفته شهید بهشتی اخلاق، دست آویزی برای ظلم و ستم و چپاول و غارت بیشتر است زیرا زورمندان از دستورات اخلاقی همچون صبر، گذشت، ایثار، گذشت، لزوم رعایت حق دیگران، قناعت و... برای رام کردن و تن به خواری دادن طبقات محروم استفاده می کنند (رک: بهشتی، شناخت اسلام، ۱۳۷۱/۲۲۲)

#### تفاوت اخلاق غربی و اسلامی

در فتنه بزرگ «کرونائی» که هماکنون نیز هنوز دامنگیر مردم جهان است، تفاوت دو تمدن اسلامی و غربی و تعالی اخلاقی تمدن اسلامی بوضوح عیان بود، در حالیکه مردم جامعه غربی یکدیگر را برای رسیدن به یک «دستمال توال» ناقابل می کشتند، در سرزمین مقدس اسلامی ایران، «بسیج همدلی» شکل گرفته و مردم به یکدیگر کمک می کنند، آذوقه و ما یحتاج فقرا هر روز تامین می شود و حتی به در منازل آنان رسانیده می شود تا کرامت نفسشان حفظ گردد، و این تفاوت فاحش محصول ابتدای تمدن اسلامی بر اصول اخلاقی و بی اعتباری اخلاق در تمدن غربیست.

#### پیشرفتهای اخلاقی به برکت انقلاب اسلامی

انقلاب مقدس اسلامی، به نحو چشمگیری موجب تغییر اخلاقی در جامعه شده و معنویت را در آن تزریق کرد، رژیم فاسد پهلوی، زندگی مردم را از جهت معنوی و اخلاقی تبدیل به گورستانی کرده بود که در آن انسانها همچون مرده هایی متحرک بودند ولی با دم مسیحایی امام خمینی که از همه بندها رسته و به خدا پیوسته بود، آتش ایمانی که در عمق جان داشتند دوباره شعله کشید، و از همان مردم دربند شهوات، کسانی ساخت که در میدانهای سختی همچون انقلاب خونین اسلامی، هشت سال دفاع مقدس و فتنه های

شیطانی فراوانی که تا اکنون نیز ادامه دارد، خم بر ابرو نیاورده و مقاومت کردند و هزاران شهید را در راه حق تقدیم کردند، به برکت انقلاب اسلامی مساجد پر رونق و حریمهای اهل بیت و امامزادگان میعادگاه عاشقان شد، ازدحام جمعیت داوطلب مشتاق برای عباداتی چون اعتکاف، حج، زیارت، مجالس وعظ و ذکر و تلاوت قرآن، و خدمت رسانی به مومنین چون اردوهای جهادی و سازندگی، نشان روشنی از دستاوردهای انقلاب مقدس اسلامی ایران، در عرصه اخلاق و معنویت است، همه اینها در حالی اتفاق افتاده است که تمدن غرب، روز به روز بیشتر در لجنزار خودپرستی و خودخواهی فرو می رود.

### ۳- اقتصاد

می توان گفت بنیان «اقتصاد» از اصلی ترین بنیانهای تمدنی محسوب می شود، زیرا ابعاد گوناگون جامعه و تمدن را به یکدیگر مرتبط می سازد و از همین جهت مورد توجه متفکرین عرصه تمدن سازی قرار گرفته است؛ «نظام اقتصادی» در هر تمدن، مجموعه مبانی، قواعد و سازکارهای اقتصادی تعریف شده در آن تمدن است؛ «ویلیام دورانت» نیز «اقتصاد» را از بنیان های تمدنی دانسته و آن را بعنوان اولین اولویت مطرح کرده است (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۱۹۹۱: ۸/۱).

#### اقتصاد در بیانیه گام دوم

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم، توصیه مهمی در مورد اقتصاد مطرح کرده اند که می توان آن را به در قالب نکاتی خلاصه کرد:

اهمیت اقتصاد: اقتصاد هدف نیست ولی وضعیت اقتصادی، تاثیر مستقیمی در مادیات و معنویات جامعه دارد، قوت اقتصادی، عامل مهمی در جهت مقابله با سلطه و نفوذ دشمن است، چنانکه ضعف اقتصادی، بستر دخالت بیگانگان را فراهم می کند، و مانند ویروسی که زمینه بیماری انسان را فراهم می آورد، در برابر دشمن ضعف ایجاد می کند.

لزوم تقویت اقتصادی با: برنامه ریزی صحیح، تولید انبوه با کیفیت و دانش بنیان، توزیع



عادلانه، عدم اسراف، استفاده از منابع و دارائی ها و ظرفیتهای داخلی، مشارکت عمومی و عدم تصدی حکومت.

شناخت و اصلاح آفتهای اقتصادی: وابستگی به نفت (از دست دادن سرمایه)، تصدی گری حکومتی، گدائی از دشمن، عدم توجه به منابع طبیعی و انسانی داخلی، عدم برنامه ریزی، بی ثباتی در اجرای برنامه های اقتصادی، اسراف.

مبارزه با چالشهای اقتصادی: اقتصاد مقاومتی در مقابل تحریم و وسوسه های دشمن، احساس مسئولیت در خصوص ضعفهای مدیریتی و ساختاری. (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

#### بنیان تمدنی «اقتصاد» در قرآن و حدیث

چنانکه پیش از این بیان شد، نه تنها اسلام نسبت به اقتصاد و معیشت مردم بی تفاوت نیست، بلکه برای مدیریت آن «نظام اقتصادی» ارائه می کند و سعادت دنیوی و اخروی را در گرو تطبیق کامل نظریات اقتصادی خود می داند؛ وجود مقررات فراوان اقتصادی معکس شده در ابواب مختلف فقهی (خصوصا ابواب معاملات) همچون «بیع، وصیت، ارث، وقف، صدقه، زکات، رهن و اجاره و...» و همچنین توصیه های متعدد اخلاقی همچون «امانت داری و پرهیز از خیانت، رعایت عدالت، احسان و...» نشانگر پیوند وثیق مستقیم و غیر مستقیم تمدن اسلامی با مساله اقتصاد است.

جایگاه مهم «اقتصاد» با نگاهی حتی گذرا به آیات و روایات به خوبی روشن می شود، زیرا همیشه مباحث مهمی مانند توحید، نبوت و معاد و احکام مهمی مانند نماز در کنار مسائل اقتصادی همچون زکات و انفاق و حقوق مالی قرار گرفته است «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره/۴۳) همراهی مسائل مالی با مباحث اعتقادی و عبادی در آیات فراوان دیگری نیز به کرات مورد تاکید قرار گرفته است (بقره/۸۳، ۱۱۰/۲۷۷؛ نساء/۷۷؛ توبه/۵/۱۱؛ حج/۴۱/۷۸؛ نور/۵۶؛ مجادله/۱۳؛ و...» و همچنین آیات فراوانی سعادت‌مندی انسان را به

اصلاح «اقتصاد» گره زده است؛ «قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف/ ۸۵) این توصیه حضرت شعیب به قومش در سوره هود نیز تکرار شده است (هود/ ۸۴ و ۸۵)؛ ذیلاً به برخی آیات و روایات ناظر به «بنیان اقتصادی» در تمدن اسلامی اشاره می‌کنیم:

اعتدال:

«وَ اِتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/ ۷۷) «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد»

گرچه این آیه پس از داستان طغیان اقتصادی قارون آمده و برخی معتقدند خطاب به حضرت موسی است (طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۳۲؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بیتا: ۸ / ۱۷۷)؛ لکن می‌توان آن را بعنوان یکی از قواعد کلی در نظام اقتصادی اسلامی یعنی «اعتدال»، خطاب به کل بشریت دانست، و مطابق آن کناره‌گیری کلی از دنیا، و غوطه‌وری در ثروت و لذت، هر دو نامطلوب خواهد بود؛ قرآن طرد کردن کلی ثروت و بی‌اعتنائی به دنیا را ممنوع ساخته است، چنانکه هدف قرار دادن آن و پول‌پرستی و به دست آوردن ثروت ولو به قیمت ظلم و تجاوز و تاراج ضعیفان (همچون کاپیتالیسم غربی) را مردود می‌شمارد، انسان فطرتاً اعتدال‌گراست و دل مشغولی به ثروت او را از وظائفش باز می‌دارد (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۵ / ۲۷۱۱)؛ در نظام اقتصادی اسلام، ثروت وسیله‌ایست که انسان را در مسیر حق استوار سازد؛ ممکن است برخی، اعتدال را به معنی تساوی بین تقاضا و عرضه قلمداد کنند، که نمی‌تواند به طور مطلق صحیح باشد، مثلاً اگر مواد افیونی مورد تقاضا باشد، در نظام اقتصادی اسلام بر اساس قواعدی همچون «لاضرر» تولید و عرضه آن ممنوع است.

دست یابی به ثروت از راه صحیح:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۱۸۸) «و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، قسمتی از آن را به عنوان رشوه به قضات ندهید، در حالی که می دانید این کار، گناه است»

این آیه، یکی از اساسی ترین آیات اقتصادی قرآن کریم است که در بسیاری از مباحث فقهی، مورد استناد قرار می گیرد، (رک: امام خمینی، البیع/۱۳۷۵؛ شیخ انصاری، مکاسب محرمة/۱۳۸۲) و بر اساس آن، هرگونه تصرف و دخالت در اموال دیگران، ممنوع است، وسعت این قاعده به حدیست که تعاملات اقتصادی فردی تا کلان ترین روابط اقتصادی را شامل می گردد.

لزوم تلاش:

«وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) «و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست»؛ این آیه یکی از دستورات جامع و کلی قرآن کریم است که همه مسائل مادی و معنوی را شامل می شود، و آن دوری از تنبلی و لزوم کوشش است (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴/۵۵۳/۲۲)، در نظام اقتصادی اسلام، هر کس بار خود را بر می دارد چنانکه نبی مکرم اسلام در روایتی فرمودند: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷/۱۲/۴) از رحمت خدا بدور است، کسی که بارش را بر دوش دیگران بیاندازد».

نفی انحصارگرایی اقتصادی

«كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر/۷) «دستورات اقتصادی اسلام برای

اینست که این اموال عظیم تنها در میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند»

همیشه طبقه ای ثروتمندان به دنبال ایجاد انحصار در ثروت و مزایا هستند، به نحوی که

دیگران را از آن بازداشته و مانند تویی بین خود بگردانند (طباطبائی، المیزان،

۱۴۱۷/۲۰۴/۱۹؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰/۵۰۷/۲۹)، یا در جهت انتفاع خود به

قیمت ضرر رساندن به دیگران فعالیت کنند: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ \* الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ \* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطففین ۱/ تا ۳) «وای بر کم فروشان \* آنان که وقتی برای خود پیمانہ می کنند، حق خود را بطور کامل می گیرند \* اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانہ یا وزن کنند، کم می گذارند!»؛ در «نظام اقتصادی اسلام» این عمل مردود است، زیرا موجب ایجاد دو قطبی ثروت و فقر می شود و شکاف طبقاتی ایجاد می کند. (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴/۵۰۴/۲۳)؛ ثروتمندان باید از ذخیره کردن و انفاق نکردن ثروتهایشان بپرهیزند: «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه ۳۴) و بلکه در اموالشان حقوقی برای مستمندان و فقراء در نظر بگیرند «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات ۱۹).

#### مصرف صحیح

«قال رسول الله ﷺ: نِعَمَ الْمَالِ الصَّالِحِ لِلْعَبْدِ الصَّالِحِ وَ نِعَمَ الْعَوْنِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (مجلسی، بحار، ۱۴۰۳/۶۲/۷۰) «نبی مکرم اسلام فرمودند: بهترین مال برای بنده خداست و بهترین کمک برای آخرت دنیاست»

در نظام اقتصادی اسلام، ثروت علاوه بر آنکه باید از راه صحیح بدست آید، باید در مسیر آخرت به کار گرفته شود و در اینصورت است که ماندگار شده و تا ابد برکات آن برای انسان باقی می ماند، «مال را کز بهر دین باشی حمول/نعم مال صالح خواندش رسول» (مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بخش ۵۰، ۱۳۹۳)؛ انسان مومن، معتقد است که نعمتها از سوی خدا می رسد و باید مطابق فرمان الهی مصرف شود (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، بیتا: ۱۰/ ۲۷۷)، یعنی به میزان احتیاج مصرف شده و قسمتی هم به نیازمندان اختصاص یابد (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۷/ ۳/ ۲۳۲).

#### ۴- عدالت و مبارزه با فساد

مفهوم عدالت از دیرباز مورد مناقشه اندیشمندان مکاتب مختلف فکری قرار گرفته و

تعاریف متعددی برای آن بیان شده است، گاهی به معنی «قرار دادن هر چیز در جای خود» و گاهی به معنی «توزیع مساوی» (معلوف، المنجد، ۱۳۸۰)؛ «حد وسط میان افراط و تفریط» (معین، فرهنگ معین، واژه عدل / ۱۳۸۸)؛ «جزای متناسب با عمل» (راغب، مفردات، ۱۴۱۲) تلقی شده است، معنی عرفی «عدالت»، رعایت حقوق دیگران و نقطه مقابل ظلم و تعدی و تجاوز است (فوادیان دامغانی، سیمای عدالت در قرآن و حدیث / ۴۶ / ۱۳۸۲)؛ از آنجا که «فساد» در همه جا به معنی عدم صحت است، (آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ۱۴۰۹ / ۲۲۲ / ۲) نقطه مقابل عدالت قرار می‌گیرد و برای تحقق عدالت باید با فساد مقابله کرد.

تحقق عدالت می‌تواند شخصی و اجتماعی باشد، عدالت در حیطه فردی همان متخلق شدن به اخلاق حمیده است که پیش از این مورد مناقشه قرار گرفت؛ عدالت اجتماعی نیز رعایت کردن تناسب، استحقاق و شایستگی‌ها در ساحت اجتماع است، به این معنی که هر دسته در جایگاه شایسته خود قرار گیرد که بر اساس استعداد و لیاقتش تعیین می‌شود (بیات، فرهنگ واژه‌ها، ۳۷۶، ۱۳۸۶) و ابعاد مختلفی چون «برابری و عدم تبعیض، آزادی اندیشه، احراز صلاحیت و...» دارد.

#### عدالت و فساد ستیزی در بیانیه گام دوم

امام خامنه‌ای ضمن یکی از توصیه‌های خود، نکات مهمی در مورد «عدالت و مبارزه با فساد» مطرح کردند که چکیده آن چنین است. تحقق کلمه مقدس «عدالت» فریضه‌ای همگانی و یکی از مهمترین اهداف نظام اسلامی است. «عدالت و مبارزه با فساد» ملازمه دارند، بی‌عدالتی در زمینه‌های «اخلاق، اقتصاد و سیاست» منجر به فساد خواهد شد که مشروعیت نظام اسلامی را نفی می‌کند. لزوم وجود سازمان نظارتی پاکدست، جهت مبارزه ریشه‌ای با فساد و جلوگیری از انعقاد نطفه آن. شکاف طبقاتی، تبعیض در توزیع منابع، مدارا با متخلفین، بی‌توجهی به اقشار نیازمند، منجر به بی‌عدالتی خواهد شد. عدالت حقیقی با ظهور «عدل منتظر» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می‌یابد ولی این سخن از وظیفه

مسئولین در هر زمان، نمی‌کاهد. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### عدالت و مبارزه با فساد در قرآن و حدیث

در تمدن اسلامی، توجه ویژه‌ای به «بنیان تمدن ساز عدالت» شده است و آیات و روایات فراوانی به بیان اهمیت این مفهوم بلند و چگونگی تحقق آن پرداخته است؛ اهمیت عدالت در «نظام مفاهیم اسلامی» از آنجا نشأت می‌گیرد که در مکتب شیعه، «عدل» یکی از اصول مذهب به شمار می‌رود؛ خداوند «عادل» بوده و سخنان و افعال الهی عین عدل است و ظلم در آن راه ندارد، قوانین شریعتش (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷/۴۵۲/۷) نیز بر اساس عدل است: «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا» (انعام/۱۱۵) و به آن دستور نیز می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل/۹۰)، و با ظهور آخرین حجت الهی، عدالت در تمام جهان تحقق کامل می‌یابد؛ ذیلاً به برخی آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

#### تحقق عدالت، هدف والای پیامبران

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

(حدید/۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

این آیه، غرض اصلی خداوند متعال از ارسال پیامبران را، اجرای عدالت می‌داند (ابن قطب، فی ظلال، ۱۴۱۲/۳۴۹۴/۶)، که با دو وسیله به این هدف می‌رسند، اول کتاب که همان قوانین و مقرراتی است که منتج به عدالت خواهد شد و قابل نوشتن است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰/۴۷۰/۲۹)، و دوم «میزان» یعنی دین که معیار سنجش و ترازوی اصلی عدالت است (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷/۳۰۰/۱۹؛ ثعلبی، کشف الاسرار، ۱۳۷۱/۵۰۰/۹).

عدالت، اصل اساسی

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده/۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا پرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است.

بر اساس این آیه، و آیه «فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا» (نساء/۱۳۵) «پیروی از هوای نفس شما را از عدالت باز ندارد» عدالت ورزی و خارج نشدن از حد آن، وظیفه ای الهیست که انگیزه های مختلف نباید مانع از تحقق آن گردد (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷/۲۳۶/۵)، زیرا ضامن سعادت است (زحیلی، تفسیر الوسیط، ۱/۴۳۷/۱۴۲۲)، و ملاک سنجش تقوی (که از دیدگاه قرآن معیار اصلی برتریست) میزان پایبندی به عدالت دانسته شده است. (ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۵۶/۵، بیتا)؛ لذا قرآن کریم با تاکید بر عدالت در تمامی ابعاد حیات، همچون قبولی شهادت: «أَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ» (طلاق/۲)؛ قضاوت: «إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء/۵۸) و اصلاح ذات البین: «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا» (حجرات/۹)؛ حتی در سخن گفتن نیز رعایت عدالت را لازم دانسته است: «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» (انعام/۱۵۲).

#### شهد شیرین عدالت

امام صادق علیه السلام در توصیف «عدل»، گاهی آن را به دلنشین تر از آب برای انسان تشنه «الْعَدْلُ أَحْلَىٰ مِنَ الْمَاءِ يُصِيبُهُ الظَّمَانُ» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷/۱۴۶/۲) و گاه، شیرین تر از عسل، و گواراتر از سرشیر، و خوشبوتر از مسک «الْعَدْلُ أَحْلَىٰ مِنَ الشَّهْدِ وَ أَلْيَنُ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَطْيَبُ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ» دانسته اند؛ روایات در معانی مختلف پیش گفته از «عدل» فراوانند، در روایتی امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند بهشتی دارد که جز سه نفر در آن داخل نمی شوند، یکی از آنها کسیست که خود را عادلانه قضاوت کرده باشد: «إِنَّ لِلَّهِ جَنَّةً لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ أَحَدُهُمْ مَنْ حَكَمَ فِي نَفْسِهِ بِالْحَقِّ» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷/۱۴۸/۲).

### راهکارهای تحقق عدالت

در قرآن کریم، برای اجرای اصل «عدالت»، دو سازکار ایجاد شده است:

اول: وجود قانون؛ که همان حکم خداست، و باید مراجعه همگانی در تمامی امور باشد، پویایی فقه اسلامی خصوصا در مکتب اهل بیت علیهم السلام پاسخگوی همه نیازهای قانونی در تمدن اسلامی است؛ «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (یوسف/۴۰) «حکم تنها از آن خداست فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ و نسبت به تسلیم در برابر احکام الهی سختگیری کرده است: «وَأَنَّ أَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ آخِذْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (مائده/۴۹) «و در میان آنها طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن! و از هوسهای آنان پیروی مکن! و از آنها بر حذر باش»

دوم: ضمانت های اجرای قانون؛ که مهمترین آنها، حکومت است، مرجعی الهی و متکی به اراده خداوند متعال، که فصل الخطاب دعاوی بوده و هر جایی لازم باشد مقرر قانون الهی را جاری می سازد و تمامی افراد جامعه اسلامی مامور به تبعیت و اطاعت و پذیرش دستور حکومت اسلامی هستند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ» (نساء/۵۹) «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر] را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید؛ فقیه عادل، که در راس حکومت اسلامی است، مشروعیت خود را در استدامه ولایت پیامبر و امام معصوم علیهم السلام کسب می کند (رک: امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۳۹۴)؛ از دیگر ضمانت های اجرای قانون، می توان به ایجاد روحیه تعبد که از آثار ایمان به خدا و اعتقاد به معاد است و همچنین وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» یاد کرد؛ این دو اهرم، موجب ایجاد و تقویت روحیه قانون پذیری در جامعه اسلامی خواهند شد.



## ۵- استقلال و آزادی

این دو کلمه گرچه متباین هستند، لکن از نظر مفهومی ارتباط وثیقی با هم دارند که موجب می شود در بسیاری از اوقات در کنار هم ذکر شوند، این تناسب و ارتباط بعضی اوقات همپوشانی معنایی نیز دارد.

کلمه «استقلال» به معنای انجام یک کار بدون تکیه داشتن به فرد و چیزی یا تحت سلطه دیگران نبودن است؛ معنای اول در ابواب فقهی همچون نماز (تکیه ندادن در قیام)، تجارت (مسائل مالی مربوط به ولد صغیر)، وکالت (لزوم تصریح به استقلال هر یک از وکلا)، وصیت (توانائی وصی بر انجام وصیت به نحو استقلال)، نکاح (ازدواج استقلالی دختر رشیده یا زن بیوه بدون نیاز به اجازه دیگران)، صید و ذباحت (شرط حلیت ملخ استقلال در پرواز) به کار می رود.

ولی معنای دوم «استقلال» یعنی «تحت سلطه دیگران نبودن» مربوط به حالت و کیفیت خاصی در فرد یا دولت است، که استقلال در فرد یا دولت به معنی حاکمیت اراده یک فرد یا ملت در شئون مختلف خود بدون دخالت و نفوذ دیگران و قدرتهای بیگانه است؛ این معنی از استقلال در برخی تعاریف با کلمه «آزادی» همپوشانی دارد.

واژه «آزادی» معادل کلمه «حریه» در عربی و «freedom» در انگلیسی است و معانی مختلفی برای آن ارائه شده است که از جمله می توان به «قدرت انتخاب»، «رهائی، استقلال در عمل، رها شدن از آمیختگی، اشاره کرد؛ در اصطلاح، آزادی به معنای «فقدان موانع در راه تحقق آرزوها»، «سلب مانع ترقی و تکامل»، «داشتن حق انجام هر عمل بدون تجاوز به حق دیگران» و «مصون ماندن از اراده مستبدانه دیگران» می باشد.

### تلازم استقلال و آزادی

آزادی به معنی رهائی انسان از سلطه دیگران و آزادی فرد یا ملت از یوغ بردگی دیگری و سلطه بیگانه و مستقل بودن در اراده و تصمیم گیری در عرصه های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است، از همین جهت «استقلال و آزادی» ملازم یکدیگرند،

زیرا نبود استقلال مساوی با نبود آزادی و بالعکس خواهد بود؛ در بیانیه گام دوم نیز، استقلال و آزادی به همین معنی و مترادف قلمداد شده اند.

### گستره مفهومی استقلال و آزادی

آزادی دارای معنای بسیار وسیعی است، «مونتسکیو» در مورد معانی متعدد و گسترده آزادی می نویسد: «هیچ واژه ای به اندازه آزادی ذهن مردم را به خود جلب نکرده و هیچ واژه ای هم به اندازه آزادی به معانی مختلف به کار نرفته است، برای بعضی از مردم، آزادی یعنی اختیار داشته باشند، کسی را که خودشان به او اختیاراتی داده اند؛ به محض این که خواست؛ از آن اختیار سوءاستفاده کند و ظالم شود؛ خلع کنند. برای عده ای دیگر، یعنی بتوانند، کسی را که باید مطیع او باشند خودشان انتخاب کنند. دسته سوم، آزادی را در این می دانند؛ که حق داشته باشند؛ مسلح شوند و زور بگویند» (شارل دو مونتسکیو/۱۳۹۲/۵۷).

آزادی و استقلال (که مرادف آزادی است) می تواند حامل معانی زیادی همچون آزادی در «آزادی اندیشه و بیان، آزادی عقیدتی، آزادی اقتصادی، آزادی از ظلم و آزادی سیاسی و... باشد، لکن آنچه در بیانیه گام دوم از آن یاد شده، مفهوم آزادی به معنی آزادی از ظلم سلطه گران، آزادی اجتماعی به معنی حق انتخاب، عمل و تفکر است که فراهم بودن آن در ایران اسلامی، مرهون تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

### استقلال و آزادی در بیانیه گام دوم

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم در مورد بنیان «استقلال و آزادی» فرمودند:

«استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ی ارزشهای اسلامی اند و این هر دو عطیه ی الهی به انسانها یند و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظّف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده اند. ملّت ایران با جهاد چهل ساله ی خود از جمله ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران

اسلامی، دستاورد، بلکه خون آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه های رفیع انسانیت. این ثمر شجره ی طیبه ی انقلاب را با تأویل و توجیه های ساده لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با همه ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود» (بیانیه گام دوم انقلاب ۲۲/۱۱/۱۳۹۷، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

#### استقلال و آزادی در قرآن و حدیث

اگر بگوئیم مهمترین پیام قرآن کریم به عنوان بالاترین سند اسلامی، به ارمغان آوردن استقلال و آزادی است، سخنی به گزاف نرانده ایم، دین مبین اسلام، بندگان خدا را در حیطه فردی به آزادی از نفس، هوس، دنیا، شیطان و در زندگی اجتماعی به آزادی از قید و بند قدرتهای سلطه جو فرا میخواند؛ قرآن کریم در بیان فلسفه ارسال نبی مکرم اسلام می فرماید: «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» خدا برای این پیامبرش را فرستاده که مردم را آزاد ساخته و از قید و بندهایی که در آن اسیر هستند رهایی بخشد (اعراف/۱۵۷).

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می نویسد: «نبی مکرم اسلام آمده است تا به بنا به ماموریت خویش، انسان را از قید و بندهایی که مانع رسیدن آنان به خیرات و ثواب می شود آزاد کند تا قدرت حرکت یافته و در مسیر تعالی خویش قدم بردارند» (طباطبائی/محمدحسین/۱۴۱۷۸/۲۷۸).

در حدیثی از وجود مقدس امیرالمومنین نیز در این خصوص آمده است: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» بنده کس دیگری نباش در حالیکه خدا تو را آزاد آفریده است. (حرانی/ابن شعبه/۱۴۰۴/۷۷)

## ۶- سیاست خارجی

یکی از مهمترین بنیان های تمدنی، در هر نظام سیاسی، بحث «سیاست خارجی» است که وظیفه «تامین منافع ملی و ایجاد امنیت» را بر عهده دارد، و تحقق این دو، موجب تعالی جامعه و عدم آن موجب انحطاط یا نابودی جامعه خواهد شد؛ به عبارتی، سیاست خارجی به معنی «مجموعه خط مشی ها، تدابیر، روشها و انتخاب موضعی که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی و در چهارچوب امورات کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می کند» (محمدی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۱۸)

### سیاست خارجی در بیانیه گام دوم

امام خامنه ای، در قالب توصیه های خویش در بیانیه گام دوم، که در آن خط مشی کلی نظام اسلامی در چهل ساله دوم را ترسیم می کنند، نکات بسیار مهمی در مورد «سیاست خارجی» عنوان کردند که چکیده آن چنین است:

سیاست خارجی حول سه محور اساسی ترسیم می شود: «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن» که محصول اصل اساسی «عزت، حکمت و مصلحت» هستند. شکست سیاست های منطقه ای استکبار و صدور گفتمان انقلاب و فرهنگ مقاومت در برابر نظام سلطه و حضور مقتدرانه نظام اسلامی در غرب آسیا، از مظاهر «عزت ملی» هستند.

روابط خارجی به معنی حل کردن مشکلات با دولتهای دیگر بصورت حکیمانه و مصلحت جویانه و البته با مواضعی انقلابی بدون عقب نشینی از ارزشهاست. مرزبندی با دشمن، یعنی نترسیدن از تهدیدهای توخالی دشمن و نفی هرگونه مذاکره با شیطان بزرگ یعنی آمریکای جنایتکار.

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، - <https://farsi.khamenei.ir/message>

(content?id=41673

## سیاست خارجی در قرآن و حدیث

قرآن کریم در حوزه سیاست خارجی به بیان کلیاتی پرداخته که اصول سیاست خارجی در تمدن اسلامی را تشکیل می دهند، مانند «نفی سبیل و عزت، «دعوت و جهاد»، «پایبندی به معاهدات» و.. که بزودی به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد؛ البته قبل از این اصول، برخی مبانی باید مفروغ عنه فرض شوند، مثلاً «رابطه دین و سیاست»، زیرا با فرض «جدائی دین از سیاست» دیگر بحث از سیاست خارجی در نظام اسلامی بی معناست؛ همچنین برخی بر این باورند که مسائل مربوط به سیاست خارجی، به صورت یک سیستم آکادمیک، تنها پس از جنگ جهانی دوم، معنی یافته است، ولی مسئله جنگ و صلح، به قدمت تاریخ بشر سابقه دارد و می توان آن را از مهمترین مباحث مربوط به «سیاست خارجی» دانست، (کی جی هالستی، مبانی تحلیل سیاست بین الملل، ۱۳۷۶) و برخی مباحث مربوط به سیاست خارجی در قرآن از این نوع است.

### اصل عزت

این اصل که از اصول فقهیست، بیانگر علو و برتری جامعه اسلامی بر دیگر جوامع است، و مبتنی بر تمامیت، کمال، جامع و مورد قبول بودن شریعت اسلامیست، خداوند متعال به روشنی طریقت اسلام را بر دیگر ادیان فضیلت داده و بر عدم مقبولیت دیگر شرایع تصریح کرده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران/۱۹) «دین در نزد خدا، اسلام است»؛ «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران/۸۵) «و هر کس جز اسلام آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد»؛ لذا دولت اسلامی موظف است در سیاست خارجی به نحوی عمل کند که این عزت و برتری اسلام بر کفر و شرک، و نیز عزت مسلمین بر کفار و مشرکین و اهل کتاب، مورد خدشه قرار نگیرد؛ «أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده/۵۴) «قوم محبوب خدا، نسبت به مومنین ذلیل و در برابر کفار در کمال عزت و اقتدار هستند»؛ خداوند تمام عزت را از آن خود دانسته «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر/۱۰) و به تبع خود پیامبر و مسلمین را نیز عزتمند معرفی کرده است: «وَ

لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون/۶۳) و کسانی که به نمایندگی از مسلمین، تحت تاثیر شوکت و هیبت پوشالین کفار قرار گرفته و به طمع عزت به آنان نزدیک شده و خود و جامعه اسلامی را نزد آنان خوار می کنند، مورد ملامت قرار داده است: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عَنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء/۱۳۹) «آنها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟!»

اصل «عزت» در روابط خارجی، مورد تاکید فراوان روایات نیز قرار گرفته است، و روایت مشهور نبوی «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ» (صدوق، من لا يحضره الفقيه، ۴/۳۳۴/۱۴۱۳) به روشنی بر آن دلالت دارد، خداوند متعال هیبت و عظمت و شوکتی در مومنین قرار داده است که کفار را به وحشت می اندازد: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ الْعِزَّةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - وَالْفُلْجَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْمَهَابَةَ فِي صُدُورِ الظَّالِمِينَ» (کلینی، کافی، ۸/۲۳۴/۱۴۰۷)، قاعده کلی عزتمندی اسلام و مسلمین تا جایی است که حتی در باب ارث، امام باقر علیه السلام در مورد شخصی یهودی که از دنیا رفته و فرزندی مسلمان داشت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَزِدْنَا بِالْإِسْلَامِ إِلَّا عِزًّا فَتَحْنُ نَرْتُهُمْ وَلَا يَرْتُونَا» (همان، ۳۳۵) «اسلام جز عزت برای ما نیاورده است، ما مسلمین از یهودیان ارث می بریم ولی آنها از ما ارث نمی برند»

#### روابط خارجی

بر خلاف آنچه غرض ورزان تلقین می کنند، نظام سیاست خارجی در تمدن اسلامی، هرگز از ارتباط با کشورهای دیگر منع نمی کند، بلکه بالعکس خواهان روابطی پویا بر اساس تفاهمات و نقاط مشترک فراوان است و از این طریق به طریقت خود دعوت نیز می کند، البته اصل جهاد نیز از اصول اساسی اسلام است، و دین صلح صرف خواندن اسلام نیز درست نیست (نادیه محمود مصطفی، المدخل المنهاجیه فی العلاقات الدولیه فی الاسلام، ۱۹۹۶/۸۹)، و آیاتی همچون «قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً» (توبه/۳۶)؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا

تَكُونُ فِتْنَةً» (بقره/۱۹۳)؛ «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ» (انفال/۳۹) و «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يُخْزِيهِمْ وَ يُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ» (توبه/۱۴) شواهد روشنی بر این سخن هستند، لکن ماهیت جهاد در اسلام، تدافعی است، و جهاد ابتدائی نیز تنها ظاهرش ابتدائی بوده و در حقیقت دفاع از توحید و یکتاپرستی است (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷/۶۷/۲) و قطعا قبل از آن دعوت صورت گرفته است (شیخ بهائی، کتاب الجهاد، ۱۵۵/بیتا)، برخی بر این باورند که خود جهاد نیز نوعی دعوت است (مودودی، ابوالاعلی، الجهاد فی سبیل الله، ۱۹۸۱/۴۱؛ ابن قطب، فی ظلال، ۱۴۳۲/۱۴۱۲)؛ بله، در صورت تعدی و تجاوز، قاطعانه باید پاسخ داد: «مَنْ اِعْتَدَى عَلَيْنَا فَاعْتَدُوا عَلَيْنَا بِمِثْلِ مَا اِعْتَدَى عَلَيْنَا» (بقره/۱۹۴)؛ اما این مانع از ایجاد هرگونه روابط تجاری و فرهنگی و هرگونه معاهده دیگر، با کفاری که مقاصد شومی نسبت به حکومت و جامعه اسلامی ندارند، نیست: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/۸) «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کفاری که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد» البته این رابطه باید به نحوی باشد که زمینه تسلط بیگانگان را فراهم نسازد و این مفاد قاعده مشهور «نفی سبیل» است: «وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱)؛ این قاعده بر همه ضوابط و قواعد، حکومت دارد و از سلطه و نفوذ کافران در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، جلوگیری می‌کند. (بجنوردی، القواعد الفقیه، ۱۳۸۶/۱۸۷/۱)

#### مرزبندی با دشمن

دسته ای از بیگانگان، بهیچ وجه صلاحیت ندارند که با آنها مرابطه ای صورت گرفته و معاهده ای منعقد گردد، بلکه باید همیشه از آنان برحذر بود و حالت جنگی و عداوت را با آنان حفظ کرد: «قَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» (توبه/۱۲) «با پیشوایان کفر پیکار کنید

چرا که آنها پیمانی ندارند شاید (با شدت عمل) دست بردارند؛ آنها در هیچ شرائطی دست از شیطنت و فساد بر نمی دارند و بهمین جهت در «نظام سیاسی اسلام» هرگونه ارتباط با آنان ممنوع است: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه ۹/۹) «خدا شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است»؛ یکی از صفات آنها که موجب ممنوعیت ارتباط می‌شود اینست که آنها پای هیچ قراری نمی‌ایستند و اساساً تعهد برایشان بی‌معناست (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷/۱۵۹/۹)؛ بهمین جهت، امام خامنه‌ای در سالهای اخیر، همزمان با مذاکرات هسته‌ای، بارها نسبت به این مسئله هشدار دادند و متأسفانه مورد توجه تیم مذاکره‌کننده قرار نگرفت و تمام هشدارهای ایشان به وقوع پیوست، امام خامنه‌ای در رابطه با بدعهدی دشمنان قسم خورده ایران اسلامی فرمودند: «گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید، به لبخند او فریب نخورید، به وعده‌ای که می‌دهد اعتماد نکنید، وقتی خرش از پل گذشت، برمی‌گردد و به ریش شما می‌خندد» (۲۰ فروردین ۹۴).

## ۷- سبک زندگی

به مجموعه کردارها و نگرشهایی که در زمینه اجتماعی خاصی معنا دارند سبک زندگی گفته می‌شود، از نگاه «فرهنگ کمبریج» شیوه و روش انجام چیزی که برای گروهی از مردم در مکان یا زمانی مشخص، سرمشق قلمداد می‌شود، «سبک زندگی» گفته می‌شود، در «فرهنگ وبستر»، سبک زندگی به معنی اجرا یا انجام اموری که تمایز دهنده فرد یا گروه خاصی باشد، اطلاق می‌شود (مهدوی کنی، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، ۱۳۸۶/۲۰۲)؛ سبک‌های زندگی، بخش جدائی‌ناپذیر زندگی امروز در جهان مدرن هستند و خصوصاً در تعاملات اجتماعی نقشی کلیدی دارند؛ و همان الگوهای رفتاری هستند که به جریان زندگی روزانه تبدیل شده‌اند، مانند «سبک غذا خوردن، سبک



لباس پوشیدن، صحبت کردن و مانند آن» که در حقیقت انعکاس هویت درونی اشخاص یا گروهها هستند (فاضلی، مصرف و سبک زندگی، ۱۳۸۲/۶۱)؛ «آدлер» سبک زندگی را به درختی تشبیه کرده است که ساقه های آن، نگرش های کلی و شاخه ها و سرشاخه هایش وظایف زندگی هستند (کاوایانی، تربیت اسلامی ۱۳۸۸/۲/۱)؛ از نظر «گیدنز» سبک زندگی یعنی: مجموعه ای هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت ها در جریان زندگی روزمره، که مستلزم گروهی از عاداتها و جهت گیری ها بوده و واجد یک نوع وحدت و انسجام است (گیدنز، تجدد و تشخص، ۱۳۸۲/۱۲۱/۱).

### سبک زندگی در بیانیه گام دوم

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم، بعنوان آخرین نکته، با مطرح کردن مسئله «سبک زندگی» البته بصورتی بسیار گذرا، از تلاش غرب برای ترویج سبک زندگی غربی در جامعه اسلامی ایران، ابراز نگرانی کردند و فرمودند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه میطلبد» (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

چنانکه اشارت رفت، سبک زندگی، ابعاد مختلف حیات را شامل می شود، و ترویج سبک زندگی غربی، به معنی تبعیت افراد جامعه اسلامی از بسیاری از روشهای زندگی غربی، همچون «روش لباس پوشیدن، غذا خوردن، معاملات، ارتباط با خدا، روابط با همسر، خانواده، نزدیکان و افراد جامعه» خواهد بود، و از آنجا که غرب در همه این مسائل، روشی حیوانی اتخاذ کرده و شهوت محوری و هوی پرستی را سرلوحه زندگی خویش قرار داده است، ترویج «سبک زندگی غربی» که ترکیبی از «سبک زندگی فرانسوی، انگلیسی و امریکائی» است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶/۲۱۲) موجبات زیانهای فراوانی به جامعه اسلامی خواهد بود و باید با آن مقابله کرد؛ «فردگرایی، آزادی های اطلاقی، گریز و حتی ستیز با

خانواده، مصرف گرایی، عجله فزاینده، اضطراب زمانی، فست فودیسیم، تنوع طلبی افسار گسیخته و... از ویژگیهای بارز سبک زندگی غربی است. (رک، همان، ۲۱۶).

### سبک زندگی در قرآن و حدیث

از نکات پیش گفته، مشخص می گردد که تمدن اسلامی، قطعا دارای یک «سبک زندگی» است که متشکل از مجموعه «مبانی و قواعد» اسلامی در حیطه فکر و عمل است، و به عبارت دیگر، در «تمدن اسلامی» قانونگذار، نسبت به هیچ یک از ابعاد و حتی جزئیات حیات، بی تفاوت نیست، لذا «اعتقاد به اصول و سلوک بر اساس دستورات شریعت»، همان سبک زندگی مطلوب در تمدن اسلامی است؛ و می توان گفت، تمامی آیات و روایات، بطور مستقیم یا غیر مستقیم، مرتبط با بحث «سبک زندگی» هستند.

قرآن کریم از سبک زندگی ایده آل خود با عنوان «حیات طیبه» یاد کرده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل/۹۷) «هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم» در حقیقت می توان گفت، سبک زندگی صحیح، جوهر اساسی حیات طیبه را تشکیل می دهد (طباطبائی، المیزان، ۱۲/۳۴۳/۱۴۱۷؛ آملی، تسنیم، ۱/۲۱۵/۱۳۷۵)؛ استنباط سبک زندگی اسلامی از قرآن و حدیث، منجر به برنامه ای روشن در «عبادت، فعالیت، استراحت، نحوه تعامل با نعمت ها، مصیبت ها و سختی ها، تعادل در توجه به دنیا و آخرت، مبانی تربیتی و ادب فردی، خانوادگی و اجتماعی» خواهد شد؛ البته الگو بودن پیامبر اصلی قرآنی است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) لکن روشن است که همه نمی توانند مانند پیامبر و اهل بیت زندگی کنند، و خود نیز از ما چنین نخواستند، اما باید لااقل در همان مسیر، که «سبک زندگی اسلامی» است حرکت کرد: «أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْتَفَىٰ مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدُرُونَ عَلَىٰ ذَٰلِكَ وَ لَكِنُّ أَعْيُنُنِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ» (نهج البلاغه، نامه ۴۵) «بدانید که امام شما، زاهدانه زندگی کرده و به دو لباس بی ارزش و دو قرص نان اکتفا می

کند، شما گرچه نمی توانید اینگونه باشید، ولی من را با پرهیزگاری و عفت و دوری از خطا یاری رسانید.»

#### نتیجه

رویکرد اساسی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، که به مناسبت آغاز چله دوم انقلاب، از سوی امام خامنه ای ایراد شده است، رویکردی تمدنی است، که در آن تجربه های چهل ساله را بازخوانی کرده و آسیب ها را برجسته می کنند و بر اساس مسیر طی شده، گام دیگری ترسیم می نمایند؛ شاخص ها و بنیان های «تمدن نوین اسلامی» در ادبیات امام خامنه ای، که اندیشه ای معتقد به خیزش تمدن جهان اسلام دارند، برآمده از تراث فکری و حیانی و معنوی اسلامی است، که در نقاط فراوانی با بنیان های تمدن های دیگر از جمله تمدن منحط غرب، تفاوت های اصولی و مبنائی دارد؛ انسان رو به تکامل در اسلام با انسانی که در مکتب اومانیستی اسیر شهوت و غضب است، متفاوت است؛ چنانکه مفهوم عدالت در دو گفتمان اسلامی و کاپیتالیسمی و لیبرالیسمی یکسان نیست، و ارزشهای اخلاقی نیز در تمدن اسلامی معنائی حقیقی و نه صرفاً حقوقی و منفعت طلبانه، دارد؛ بیانیه گام دوم، با ارائه و تبیین بنیان های تمدن ساز، به دنبال تربیت انسان طراز است تا زمینه تحولات تمدنی فراهم گردد، استناد مستحکم بیانیه گام دوم در مبانی خود بر آیات و روایات، کارائی موثر قرآن و حدیث در شکل گیری جهان جدید و تمدن نوین را به رخ می کشد.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.

\* نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بيتا، بیجا.
۲. احمدی، منوچهر، اصول سیاست خارجی ج.ا.ا، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، نشر رحیق، ۱۳۹۴.
۴. آنتونی گیدنز، تجدد و تشخص، نشر نی، ۱۳۹۳.
۵. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، قم، دلیل ما، ۱۳۸۶.
۶. بهشتی، محمد حسین، شناخت اسلام، نشر روزنه، ۱۳۹۱.
۷. بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه ها، نشر اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۶.
۸. پهلوان، چنگیز، فرهنگ و تمدن، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
۹. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، نشر اسراء، ۱۳۹۴.
۱۱. خامنه ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، khamenei.ir.
۱۲. خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، نشر آثار امام، ۱۳۹۲.
۱۳. خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، نشر آثار امام، ۱۳۸۰.
۱۴. دو فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه تمدنی اسلام، ۱۳۹۴.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۱۶. دیکشنری لانگمن، ویرایش پنجم.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین، المفردات، دمشق، ۱۴۱۲.
۱۸. زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر الوسیط، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۲.

۱۹. زمخشری، محمود، الکشاف، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷.
۲۰. سارا فلاورز، اصلاحات، ققنوس، ۱۳۹۳.
۲۱. سدنی دارک، تاریخ رنسانس، نشر دستان، ۱۳۷۸.
۲۲. شاذلی، سید بن قطب، تفسیر فی ظلال، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲.
۲۳. شیخ صدوق، ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
۲۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۷. طیب، سید عبدالحسین، تفسیر اطیب البیان، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
۲۸. عمید، حسن، لغت نامه عمید، تهران، نشر اشجع، ۱۳۱۱.
۲۹. فاضلی، محمد صادق، مصرف و سبک زندگی، نشر صبح صادق، ۱۳۸۲.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۳۱. فوادیان دامغانی، رمضان، سیمای عدالت در قرآن و حدیث، نشر لوح محفوظ، ۱۳۸۲.
۳۲. کاپلستون، تاریخ فلسفه، نشر سروش، ۱۳۸۴.
۳۳. کاویانی، محمد، تربیت اسلامی، مجله پژوهشهای میان رشته ای قرآن کریم، ۱۳۸۸.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۳۵. کی جی هالستی، مبانی تحلیل سیاست بین الملل، نشر وزارت خارجه، ۱۳۸۸.
۳۶. لویس معلوف، المنجد، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۸. محمدی، ذکر الله، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، دانشگاه امام خمینی، ۱۳۷۳.

۳۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه نشر تهران، ۱۳۶۰.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۱. مگی برایان، فلاسفه بزرگ، نشر خوارزمی، ۱۳۹۰.
۴۲. مودودی، ابوالاعلی، الجهاد فی سبیل الله، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۱.
۴۳. مولوی، مثنوی معنوی، نشر ثالث، ۱۳۹۳.
۴۴. مهدوی کنی، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱، ۱۳۸۷.
۴۵. نادیه محمود مصطفی، المدخل المنهاجیه فی العلاقات الدولیه فی الاسلام، قاهره، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۷.
۴۶. ویل دورانت و آریل، تاریخ تمدن، نسخه الکترونیکی، ۱۹۹۶.
۴۷. ویلیام تامس جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ج ۲، نشر امیر کبیر، ۱۳۶۲.

---

## مستندات قرآنی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

---

محدثه کاشفی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> - راضیه سادات سیدخراسانی<sup>۲</sup> - خدیجه حسین زاده باردئی<sup>۳</sup>

### چکیده

تمدن اسلامی با رشد چشم‌گیری مسیر خود را طی کرده اما برای حفظ آن شاخصه‌هایی تعیین شده تا برای توسعه‌ی بیشتر آن، اقدام درست و اساسی صورت گیرد. دراین راستا مقام معظم رهبری برای توسعه تمدن اسلامی نظریه جدید تمدن نوین اسلامی را مطرح کرده‌اند که در آن موارد مختلف تمدن اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته که یکی از پراهمیت‌ترین مسئله شناختن شاخصه و خط سیر عملکرد تمدن اسلامی است. مقاله پیش رو سعی دارد به روش توصیفی - تحلیلی شاخصه‌های تمدن اسلامی در اندیشه ایشان را

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، مجتمع آموزشی بنت الهدی، مدرسه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول).

Kashifi1400@gmail.com

۲. دانش‌آموخته‌ی سطح ۴ رشته‌ی تفسیر تطبیقی جامعه الزهراء، مدرس و پژوهشگر حوزه و دانشگاه.

.124000mr@gmail.com .۰۹۱۳۵۴۶۸۵۲۶

۳. دانش‌آموخته‌ی سطح ۴ رشته‌ی تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه

الزهراء سلام الله علیها - مدرس مجتمع عالی بنت الهدی، ۰۹۱۹۴۵۲۴۳۰۹

.Hosinzadeh110@gmail.com

براساس آیات مستندسازی کند. بر اساس نتایج به دست آمده ترقی تمدن نوین اسلامی به همت همه جامعه نیاز داشته و در سایه ایمان به خدا، کار و تلاش مستمر، استقرار عدالت و اقتصاد سالم به وجود می آید و آیات مختلفی نیز به این امور پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** تمدن نوین اسلامی، بیانیه گام دوم، شاخصه‌های تمدن اسلامی، خدامحوری، عدالت، اقتصاد سالم، مقام معظم رهبری.



## مقدمه

تمدن اسلام با بعثت رسول خدا و هجرت او به مدینه شکل گرفت و مسلمانان با اتکا به آموزه‌های قرآن و سفارش‌های پیامبر و ائمه علیهم‌السلام آن را تا قرن پنجم هجری به اوج رسانیده که در این مسیر تمدن اسلام فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. این فراز و نشیب‌ها به استحکام تمدن اسلامی از جوانب زیادی کمک کرده است تا بازبینی شده و شاخصه‌ها و راهکارهای موجود در قرآن و احادیث و بیانات پیامبران و ائمه معصوم بکار گرفته شود. به دلیل اهمیت تاریخ تمدن اسلامی به ویژه بیداری اسلامی که در کشورهای مسلمان به وجود آمده، این نوع پژوهش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این روی پژوهش حاضر با روش تحلیلی و توصیفی در صدد استخراج مستندات قرآنی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی است.

## پیشینه

کتاب‌ها و مقالات متعددی در مورد تمدن اسلامی به رشته تحریر درآمده تا به جهانیان معرفی شود. به طور کلی می‌توان به تعدادی از این کتاب‌ها اشاره کرد.

۱. تاریخ ابن خلدون نوشته ابن خلدون که بازتاب دیدگاه‌های فلسفی - تاریخی و تحلیل‌های اجتماعی وی از حوادث تاریخی است.
۲. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی تألیف جان احمدی که تمدن اسلامی و نهضت‌های علمی تمدن اسلامی را مورد مطالعه قرار داده و نقاط قوت و ضعف تمدن اسلامی در برابر تمدن غرب بررسی کرده است.
۳. تاریخ طبری که به طور کلی تاریخ جهان و تاریخ اسلام را مورد مطالعه قرار داده است. ایشان تمدن اسلامی را بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی، زبانی و قومی به طور کلی بیان می‌کند.
۴. الکامل فی تاریخ، این کتاب تاریخی یک مجموعه کامل از تاریخ آغاز بشریت و سیر

زمان تاریخی بوده و بحث عمده آن را تاریخ اسلام و فراز و نشیب‌های آن در بردارد.

۵. اکبری، مرتضی؛ رضایی، فریدون (پاییز و زمستان ۱۳۹۳) واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، نشریه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.

هر کدام از آثار نام برده شده به نحوی به تاریخ و تمدن اسلامی پرداخته‌اند اما کمتر پژوهشی نظر مقام معظم رهبری در این خصوص را مورد بررسی قرار داده است. از میان آثاری که به این مسئله پرداخته‌اند نیز مقاله‌ای در مورد مستندات قرآنی شاخصه‌های تمدن اسلامی از نظر ایشان یافت نشد؛ از این رو ضروری است مقاله‌ای با این موضوع نگاشته شود.

### ۱. مفهوم شناسی

پیش از ورود به بحث برای تبیین بهتر کلمات کلیدی، ابتدا این واژگان به لحاظ لغوی و اصطلاحی مفهوم شناسی می‌شود.

#### ۱.۱ تمدن

این واژه در فرهنگ‌های فارسی به صورت‌های مختلفی تعریف شده است که به برخی از جامع‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. شهرنشین شدن؛ به اخلاق و آداب شهریان خوگیر شدن یا بر همکاری مردم یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و غیره (معین، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵) اطلاق می‌شود. همچنین در فرهنگ عمید این کلمه در معانی چون: خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن؛ زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۱۵) و در اصطلاح تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و همجیگی و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۱۵). ابن خلدون برای اینکه معنای اصطلاحی از این واژه ارائه کند؛ ابتدا می‌گوید: مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهر نشینی، دین و عصبیت دانسته است. وی درباره مدنیت می‌گوید: «اجتماع نوع انسان ضروری است. به بیان حکیمان

انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناچار است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۱) تمدن عبارت است از؛ برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را متنفی ساخته و مسابقه در مسیر و رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد‌های سازنده آن‌ها باشد (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۳۳).

### ۱-۲) شاخصه‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی تمدن دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات و اصول دینی است (جان احمدی، ۱۳۸۸، ۵۱-۵۲). مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

واژه‌ی شاخصه در لغت به معنای برآمده، مرتفع، برجسته، ممتاز، نمودار، عددی که میانگین ارزش مجموعه‌ای از اقلام مرتبط با یکدیگر را بر حسب درصدی از همان میانگین در فاصله زمانی دو تاریخ بیان کند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۹۶۲). همچنین در فرهنگ عمید این کلمه به معنای مرد گشوده چشم و بینا، کسی که میان مردم برگزیده و ممتاز باشد آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۲۷۳). شاخص عبارت از کمیت است که نماینده چند متغیر همگون بوده و وسیله‌ای برای اندازه‌گیری و مقایسه پدیده‌هایی است که ماهیت و خاصیت مشخص دارد (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰ - ۲۹). در نتیجه مراد از شاخصه‌های تمدن اسلامی دراندیشه مقام معظم رهبری، بهره‌مندی انسان‌ها از همه

ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و وجود خود آنان تعبیه کرده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۴۰۵>).

## ۲. شاخصه‌های تمدن اسلامی و مستندات قرآنی آن

شاخصه‌های تمدن اسلامی از نگاه رهبری عبارت است از؛ محوریت قوانین قرآن، مجاهدت، حکومت مردمی، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت و اقتصاد سالم که در ذیل به طور مفصل از آن بحث می‌شود:

### ۱،۲. اصل بودن قوانین قرآن

مقام معظم رهبری بیان میدارد که قرآن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد مقام معظم رهبری شکل‌گیری تمدن اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه شیعه باشد؛ زیرا اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با اسلام را همین محوریت و اصل بودن قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب قانون و وحی الهی بهترین روش هدایت به شمار می‌رود. در این خصوص خداوند می‌فرماید: «هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (اعراف: ۲۰۳)؛ بگو: این قرآن وسیله بینایی از طرف پروردگارتان و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند». همواره قرآن در همه زمان‌ها محور بوده و هیچ قانونی در ردیف قوانین الهی قرار نمی‌گیرد و به اندازه قرآن اعتبار ندارد.

### ۲،۲. خدا محوری

دراندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه‌ی اول تمدن نوین اسلامی به ایمان نیاز دارد. ایشان معتقداند؛ جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهمی از آن است ایمان نیاورند وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. مقام معظم رهبری نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند متعال و به

معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن ایمان است. ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان دست پیدا کنیم. ایشان معتقدند بدون ایمان، پیشرفت در این بخش میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آنچه که به آن ایمان داریم می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت و به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد، یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد؛ براساس این ایمان، زندگی انتخاب خواهد شد» (خامنه‌ای، نرم افزار حدیث ولایت، ۲۳/۷/۱۳۹۱).

پیامبر ﷺ در بیان منزلت و جایگاه ایمان در سفارشی به ابوذری می‌فرماید: ای ابوذری هیچ چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از ایمان به او و خودداری از آنچه نهی می‌کند، نیست (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۵۱) روشن است که خودداری از نواهی خداوند فقط در سایه ایمان به او مقدور است و در واقع از برکات ایمان به خداوند است. امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: خداوند دنیا را هم به کسانی می‌دهد که دوست‌شان دارد و هم به کسانی که بر آن‌ها غضبناک است ولی ایمان را تنها به کسانی که دوست‌شان دارد، می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۱۵). جایگاه ایمان در قلب‌های بندگان خالص خدا است. این قلب‌ها با پاکی‌شان ایمان را درک می‌کنند و در نگهداری آن کوشا هستند.

قرآن کریم در آیات متعددی ضرورت ایمان به خداوند را یادآور می‌شود از جمله می‌فرماید: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (تغابن: ۸)؛ پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید و خدا بر آنچه می‌کنید آگاه است.» در تفسیرآیه بالا بیان شده است: به دلیل اینکه حرف «فاء» در اولش آمده، می‌فرماید: هنگامی که مسلم شد به طور یقین مبعوث خواهید شد و شما را به ریز و درشت آنچه کرده‌اید خبر خواهند داد، پس واجب است به خدا و رسولش ایمان آورید. همچنین به قرآن، همان نوری که بر رسولش نازل کرده، ایمان آورید؛ نور ساطعی که به سوی صراط

مستقیم هدایت کرده و شرایع دین را بیان کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۰۰). بنابراین ضرورت ایمان از اهمیت بسیاری برخوردار است و در آیات دیگری نیز به آن پرداخته شده است (رک: اخلاص: ۱؛ بقره: ۱۳۶ و ۲۸۵؛ آل عمران: ۸۴؛ مائده: ۶۹ و ۱۱۱؛ نساء: ۱۳۶ و ۱۶۲).

اولین هدف بعثت پیامبران دعوت انسان‌ها به یکتا پرستی و ایمان به خداست که در آیه ذیل به آن اشاره شده است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل: ۳۶)؛ و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید»؛ بنابراین رسالت پیامبر اعظم ﷺ نیز در همین مسیر بوده که پیامبر در طول بیست و سه سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف غافل نشد و همه تلاش‌ها و دلسوزی‌هایشان برای خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. ایمان و خدامحوری از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن‌ها عامل اصلی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود.

بر اساس قرآن کریم، ایمان به خداوند موجب جلب رحمت الهی و گشایش برکات آسمانی و زمینی می‌شود که خود به پیشرفت جامعه در ابعاد مختلف می‌انجامد (ر.ک: اعراف: ۹۶). همچنین آبادانی مساجد الهی که یکی از نهادهای مهم اجتماع است، با ایمان به خداوند فراهم می‌شود. بدیهی است آبادی مسجد باعث رونق اجتماعی و رشد فضائل در جامعه و در نهایت پیشرفت آن جامعه خواهد شد. خداوند در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (توبه: ۱۸)؛ مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند».

بنابراین ایمان جایگاه بلندی در آیات دارد؛ چرا که سعادت و کمال آدمی را در پی دارد. ایمان از یک سو موجب قرب معنوی است، از سوی دیگر مبدأ و شاه‌کلید همه صفات

پسندیده‌ی نفسانی و نیکی‌های رفتاری است. بنابراین مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی رهبر انقلاب همان خدا محوری و ایمان به خالق جهان است که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل گیرد.

### ۳،۲. مجاهدت

پایه‌گذاری تکوین و گسترش تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مداوم انسان‌ها به دست می‌آید. یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش و کوشش مستمر و مداوم بشر بوده که در منابع تاریخی این تلاش مداوم مورد توجه قرار گرفته و از آن به عنوان مجاهدت یاد شده است. مجاهدت مردم تأثیر زیادی در رشد و دوام تمدن اسلامی داشته است. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را داشته و در هیچ تمدنی به طور یکسان نمایان نیست. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته است و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. چنانکه مفسران واژه جهاد را در آیه ۵۲ سوره فرقان: «فَلَا تُطِيعُوا الْكٰفِرِيْنَ وَ جٰهِدُوْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» به معنی مجاهدت علمی دانسته‌اند. پس حاصل مضمون آیه این است که مثل رسالت الهی در برطرف کردن حجاب جهل و غفلت از دل‌های مردم به وسیله اظهار حق و اتمام حجت مثل آفتاب است در دلالت بر سایه گسترده و برداشتن آن سایه به امر خدا. ای پیامبر، حال که تو حامل این رسالت شده‌ای و به سوی همه اهل قریه‌ها مبعوث شده‌ای، وجهی ندارد که از کافران اطاعت کنی، زیرا اطاعت آنان تباہ‌گر این ناموس عمومی است که برای هدایت قرار داده‌ایم. پس در تبلیغ رسالت خود و اتمام حجت بر مردم به وسیله قرآن که مشتمل بر دعوت حقه است، نهایت تلاش و کوشش خود را به کار گیر و جهاد بزرگی با آنان داشته باش (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۲۸)؛ بنابراین قرآن برای جهاد و مجاهدت در مسیر گسترش دین، ایمان و خدا باوری اهمیت فراوانی قرار داده است.

در بیان مقام معظم رهبری نیز واژه مجاهدت واژه راهبردی است که با توجه به آثار عمیق

آن در رشد و دوام تمدن اسلامی در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده است. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) معتقدند؛ در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و تأییدات الهی قطعی است. در دیدگاه ایشان مجاهدت با تلاش معمولی تفاوت داشته و اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق موضوع مهم اخلاص است. همچنین فرموده‌اند: اسلام در اولین ردیف فهرست کارهای واجب، مجاهدت در راه خدا را قرار می‌دهد و قرآن می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸) یعنی در راه خدا آنچنان که شایسته است مجاهدت کنید. مجاهدت با جان و مال، مجاهدت درونی و بیرونی که چنین مجاهدت مقاومت در مقابل موانع طبیعی و غیرطبیعی است. در این خصوص قرآن فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (حجرات: ۱۵) مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ آنها راستگویانند». بنا براین سال‌هاست که مستکبران و زورگویان عالم سعی کرده‌اند جهاد را از فرهنگ اسلامی خارج کرده و آن را بد جلوه دهند و مجاهده فی سبیل الله را از چشم‌ها بیندازند و هر جا گروهی که در راه خدا قیام کرده و برای خیر بشریت و آبادی زمین در پرتو احکام الهی حرکت کرده، متهم‌اش کرده‌اند (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۱۰/۲۸).

در همین مورد پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «يرفع الله المجاهد في سبيله على غيره مائة درجة في الجنة ما بين كل درجتين كما بين السماء والارض (نوری، ج ۲، ص ۲۴۴)؛ خداوند مجاهد در راهش را بر غیر او صد درجه در بهشت رفعت و بلندی بخشیده که فاصله میان هر دو درجه همانند فاصله میان آسمان و زمین است». براساس آیات و روایات کسانی که در راه خدا تلاش و مجاهدت می‌کنند مقام بلندی در پیشگاه خداوند دارند. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: جهاد ابزاری برای تسریع در رسیدن به اهداف الهی



است. در سنت الهی اراده انسان تعیین کننده است، به همین خاطر اسلام انسان‌ها را به مجاهدت دعوت می‌کند و می‌فرماید: «و جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ» (مائده: ۳۵) یا «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸) یعنی همه ظرفیت خود را در راه جهاد مصرف کنید.

مقام معظم رهبری در خصوص مجاهدت می‌فرماید: اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند و از لحاظ مادی و معنوی آن را رشد دهد؛ براین اساس می‌فرماید که مجاهدت واژه استراتژیک در رشد و دوام تمدن اسلامی بوده که در زمینه‌های گوناگون همه را به مجاهدت در همه امور دعوت می‌کند (بیانات رهبر، ۱۳۹۰/۴/۹). براساس آیه ۶۹ سوره عنکبوت، رسیدن به راه‌های موفقیت در زندگی مجاهدت در راه خدا است؛ زیرا جهاد در راه خدا خودخواهی و خودپسندی را از انسان دور و روح مقاومت و استواری را در انسان زنده می‌کند. همه عرصه‌های زندگی عرصه جهادی بوده و باید دانست رحمت الهی و کمک الهی بستگی به حرکت و کوشش انسان مؤمن یا به عمل صالح او داشته به همین خاطر باید در میدان باشیم و مجاهدت را فراموش نکنیم و بدانیم که جهاد در صحنه‌های مختلف وظیفه و ضامن ترقی و پیشرفت است. بنا براین جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشرفت اهداف متعالی می‌شوند و نباید در برابر دشمن عقب نشینی کرد (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۵/۲۸).

خداوند در مورد کسانی که ایمان‌شان ضعیف بوده و در هنگام جهاد مسامحه کرده‌اند و در میدان حاضر نشدند، می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (نساء: ۷۷) آیه این‌گونه مسلمانان را ملامت می‌کند؛ روزی که اسلام ضعیف بود، پیوسته چون و چرا می‌کردند که چرا به ما اجازه جهاد داده نمی‌شود ولی هنگامی که اسلام قدرت گرفت و پایه‌های دین محکم شد و مسلمانان مأمور به جهاد و مجاهدت شدند، برخی از کفار ترسیدند و پا به میدان نبرد نگذاشتند و از جهاد سرباز زدند.

بنا براین در جهان امروز که میدان سازندگی، میدان آگاهی از حیل‌های دشمنان، میدان تلاش برای خودسازی علمی و اخلاقی است، مجاهدت همه اقشار لازم است.

## ۴،۲. مردم‌سالاری

در اندیشه مقام معظم رهبری مردم‌سالاری و حکومت مردمی مسئله مهمی است. ایشان در تبیین معنای آن می‌فرماید: مردم‌سالاری یعنی شریک شدن مردم در حکومت، یعنی ایجاد نقش مردم در اداره و تشکیل حکومت و تعیین و تثبیت حاکم و دیگر اینکه حکومت در خدمت مردم باشد. در حکومت اسلامی منافع عامه مردم در نظر گرفته می‌شود نه اشخاص معین و یا قشر و طبقه خاص و اگر یک حکومتی ادعا کند مردمی است باید در آن حکومت مردم دارای نقش باشند، از جمله در تعیین حاکم. البته در حکومت اسلامی و دینی در یک مقطع مردم تأثیری در تعیین شخص حاکم ندارند؛ بلکه خدایی است، مانند دوران رسول خدا و امامان معصوم (بیانات رهبر، ۱۳۸۹/۱۱/۲۸).

خداوند در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ» (نور: ۶۲)؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی‌اجازه او جایی نمی‌روند؛ کسانی که از تو اجازه می‌گیرند» عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» در توصیف مؤمنان با آنکه معنای کلمه (مؤمنین) روشن بود؛ از این جهت است که بر اتصاف آنان به حقیقت معنای ایمان دلالت کند. بنابراین مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و رسولش ایمان حقیقی دارند و به وحدانیت خدا و رسالت رسولش باور و اعتقاد قلبی دارند. از این رو در ادامه فرمود: «و چون با او بر سر امری اجتماع و اتفاق می‌کنند، نمی‌روند تا اجازه بگیرند» مقصود از امر جامع امری است که خود به خود مردم را دور هم جمع می‌کند، تا درباره آن بیندیشند و مشورت کنند و سپس تصمیم بگیرند؛ مانند جنگ و مانند آن. بر این اساس معنای آیه چنین است: چون با رسول او بر سر امری از امور عمومی اجتماع می‌کنند، به دنبال کار خود نرفته و از آن جناب روی نمی‌گردانند، مگر پس از آنکه کسب اجازه کرده باشند. در

حقیقت ایمان از کسب اجازه جدا نمی‌شود؛ یعنی کسانی که ایمان واقعی دارند، از پیامبر اجازه می‌گیرند (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۱۶۶). با توجه به تفسیر آیه می‌توان دریافت که حکومت مردم‌سالاری نیز دارای قوانین و مقررات بوده و مشورت با حاکم از پایه‌های آن است؛ یعنی حکومت مردم‌سالار توسط حاکم منتخب بر اساس یک تصمیم جمعی اداره می‌شود نه براساس خواست شخصی افراد.

مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌داند و معتقد است؛ رأی مردم تعیین‌کننده است و این به علت کرامت انسان‌ها بوده که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنها واگذار شده است. (خامنه‌ای، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۳/۸/۱۴) در همین مورد قرآن می‌فرماید: «وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸). کلمه «تشاوری» و «مشاورت» و «مشورت» به معنای استخراج رأی صحیح با مراجعه برخی به برخی دیگر است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۰). انسان در مواقعی که خودش درباره کاری نظر درستی ندارد، به دیگری مراجعه می‌کند و از او رأی صحیح می‌خواهد. بنابراین مؤمنان بین خود شورا تشکیل می‌دهند و در کارهای خود با یکدیگر مشورت می‌کنند. آنان اهل رشداند و عملکردشان کاری است که باید انجام می‌داند. آنان در به‌دست آوردن و استخراج رأی صحیح دقت به عمل می‌آورند و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۶۳). از این رو یکی از مشخصه‌های مهم و اساسی یک حکومت مردمی مشورت و رأی‌گیری در امور است.

در این خصوص روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده که به امام علی ع فرمودند: «يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ! لَكَ وِلَاةٌ أُمَّتِي فَإِنَّ وُلُوكَ فِي عَافِيَةٍ وَ رَجِعُوا عَلَيْكَ بِالرِّضَا فُقْمٌ بِأَمْرِهِمْ، وَ إِنِ اخْتَلَفُوا عَلَيْكَ فَدَعُهُمْ وَ مَا هُمْ فِيهِ، فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ مَخْرَجاً» (ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۰۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۹۹؛ نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۷۸)؛ ای علی، ولایت امتم بر عهده توست. اگر مردم با رضایت و در عافیت به تو رجوع کردند، پس امر آنان را اقامه کن و اگر در مسئله ولایت تو اختلاف کردند، آنان را در آنچه که هستند، رها

کن...».

پیامبر اکرم حکومت بر مردم را مشروط بر رضایت مردم و پذیرش آنان می‌داند؛ اگرچه حاکم به حق باشد ولی عدم مقبولیت، موجب عدم پیروی مردم از حاکم و اختلال در امر حکومت می‌شود. بنابراین مردمی بودن حکومت از رضایت مردم نشأت می‌گیرد و رضایت مردم در تعیین حاکم، نقطه اساسی است. همین مردمی که روزی پشت به امیرالمؤمنین علیه السلام کردند و حضرت نیز کار آنان را به خودشان واگذار کرد، روزی دیگر رو به ایشان کردند و از او حکومت علوی را طلب کردند. در اینجا نیز حضرت نقش مردم در تعیین سرنوشت جامعه را مهم دانستند و پذیرش حاکم از سوی مردم را مهم شمردند و فرمودند: «قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ عَنْ مَلَأَ وَإِذْنٍ إِنَّ هَذَا أَمْرِكُمْ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ حَقٌّ إِلَّا مَنْ أَمَرْتُمْ وَقَدْ افْتَرَقْنَا بِالْأَمْسِ عَلَى أَمْرٍ وَكُنْتُمْ كَارِهًا لِأَمْرِكُمْ فَأَيُّبْتُمْ إِلَّا أَنْ أَكُونَ عَلَيْكُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۲، ص ۸)؛ ای مردم! این حکومت امر شماست. هیچکس جز کسی که شما او را حاکم خود کنید حق امارت بر شما را ندارد. ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من قبول ولایت را خوش نداشتم ولی شما جز به حکومت من رضایت ندادید». بنابراین مردم سالاری یعنی مردمی بودن حکومت و رضایت مردم از حاکم تعیین شده، از شرایط مهم حکومت بر مردم است. لازم است مردم خودشان حاکم را انتخاب کنند و در سایه رضایت نسبت به حکومت اطاعت‌پذیری داشته باشند. البته مردم سالاری در بعد اجراست نه وضع قانون؛ یعنی مردم نقش مهمی در تعیین مجریان قانون و قانون‌گذاران دارند. در مواردی که اسلام قوانین ثابت و دایمی وضع نکرده است و با تحول در نوع زندگی بشر و دگرگون شدن ساختارهای پیشین، وضع قوانین جدید برای موضوعات و نیازهای جدید ضرورت می‌یابد، اسلام به دستگاه حکومتی مشروع که برآمده از خواست مردم است، اجازه داده که برای این حوزه، قوانین لازم را در چارچوب مبانی ارزشی اسلام، وضع کند. مانند قوانین راهنمایی و رانندگی. از آنجاکه قرآن و روایات نصی در این باره ندارند و وضع این گونه مقررات متغیر و موقت که تابع شرایط متغیر زمانی و مکانی است، به عهده حکومت اسلامی نهاده شده که با رعایت اصول و موازین کلی اسلام و ارزشها و عدم

تختی از چارچوب قوانین اسلامی، قوانین مناسب وضع می‌کند (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۷).

## ۲، ۵. رفاه عمومی

از دیگر شاخصه‌های تمدن اسلامی ایجاد رفاه عمومی است. در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری ایجاد رفاه عمومی برای همه مسلمانان به صورت عادلانه تعریف شده است؛ به گونه‌ای که ایشان به مؤسّان کشورهای اسلامی توصیه کرده‌اند که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی، مردم باید بیشتر تلاش و کوشش کنند زیرا ایجاد رفاه عمومی از لوازم شکل‌گیری تمدن‌هاست (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲). اگر امروز نظام جمهوری اسلامی در برابر نظام‌های مختلف دنیا سخنی برای گفتن دارد؛ از آن جهت است که شاخص عمده آن ایمان و امنیت روحی است. ایمان به خدا و انبیا فقط برای تعالی معنوی نیست اگرچه بیشترین ثمره‌ی آن تعالی معنوی و تکامل انسانی و اخلاقی است؛ زیرا دنیا مزرعه‌ای برای آخرت است و از حرکت و تلاش در زندگی دنیاست که انسان پله‌های درجات رفیع و معارج را طی می‌کند. بنابراین زندگی در دنیا هم در گرو ایمان به خداست. ایمان به خدای متعال سبب می‌شود که در زندگی مادی و دنیایی خود بتواند همه آن چیزهایی را که انسان به آن احتیاج دارد، به دست آورد (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۱/۱). در این مورد قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (مائده: ۶۶)

اگر تعالیم اسلامی در جامعه عملی شود انسان‌ها از نظر رفاه به جایی می‌رسند که هیچ احتیاجی از لحاظ آسایش معنوی و روانی و احساس امنیت و آرامش برای آن‌ها باقی نماند که برآورده نشده باشد. درآیه‌ای دیگر رسیدن به رفاه را ایمان و تقوای اجتماعی بیان کرده و می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶) یعنی اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، بَرَكَاتِ آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم. بنا براین ایجاد رفاه عمومی و نزول بَرَكَاتِ الهی در گرو

ایمان و تقوای الهی است.

مسئله رفاه سراسر زندگی افراد را از هر نگاه تحت تأثیر قرار داده است؛ اما بیشتر در بعد اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. تعالیم اسلامی نیز به این مهم توجه داشته و انسان را از بردگی و اسارت هستی‌سوز رهایی بخشیده و قوانین جامعه را به سویی برده که افراد از یکدیگر بی‌نیاز شوند تا در سایه‌ی آن افراد به اهداف بلند، تکامل، رشد و صعود بیانندیشند و در آن راه گام بردارند. رفاه اقتصادی برای عموم مردم با اجرای اصل عدالت اجتماعی و ایجاد قسط قرآنی امکان‌پذیر است؛ زیرا رفاه و بی‌نیازی در پی برقراری عدل در جامعه فراهم می‌شود. امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، المقنعة، ص ۲۸۰)؛ اگر عدالت بین مردم برقرار شود، بی‌نیاز می‌شوند» براین اساس در صورتی بی‌نیازی و رفاه اقتصادی در جامعه تحقق می‌یابد که میان مردم عدالت حکم فرما باشد. عدالت اجتماعی و ایجاد رفاه از اصول حکومت اهل بیت علیهم السلام بوده است. در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز با اجرای این اصل نیازها برآورده می‌شود و رفاه اقتصادی و آسایش در تمام ابعاد زندگی بشر جاری می‌شود.

به عقیده مقام معظم رهبری روش اقتصادی اسلام ویژه و خاص است و فقط در اسلام وجود داشته است. براین اساس ضروری است که سیاست کلی و همه‌گیر اقتصاد، ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین فرد فرد افراد جامعه باشد. ایشان در بررسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره رفاه عمومی فرموده‌اند: «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصه‌های کلان از قبل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری و رفاه عمومی است (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). رفاه عمومی یکی از شاخصه‌ای تمدن اسلامی است. اگرچه رفاه در پی عوامل مختلفی از جمله عدالت به دست می‌آید و در این مجال اندکی به عدالت پرداخته شد ولی به دلیل اهمیت مسئله عدالت و شاخصه بودن آن، به صورت

مستقل به این مفهوم پرداخته می‌شود.

## ۶،۲. عدالت

عدل یکی از اصول دین و یکی دیگر از شاخصه‌های تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت ورزی امر کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۱۳۵) یعنی به دلیل اینکه استقرار عدالت راه پیامبران بوده و استقرار عدالت (نفی تبعیض و نفی فاصله‌های طبقاتی) جزو آرمان‌هایی است که بدون اقامه قسط و عدل امکان‌پذیر نیست، قرآن هدف اصلی پیامبران را همین مسئله می‌داند و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ..» (حدید: ۲۵) قطعاً عدالت یکی از بهترین آرمان و ارزشمندترین چیز است که دنبالش باشیم و این جزء سخت‌ترین کارها بوده که با الفاظ نمی‌شود آن را درست کرد (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۳/۷). روح عدالت ورزی در تمدن اسلامی اهمیت بسیاری داشته است؛ زیرا در تاریخ یکی از عوامل اصلی انقراض تمدن‌ها ظلم بوده که نقطه مقابل عدالت است. علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و قدرت بدون عدالت موجب انقراض و انحطاط تمدن‌ها می‌شود. عدالت از اهداف اساسی بعثت پیامبران بوده و در اسلام نیز اجرای آن در جامعه بشری هدف اصلی است؛ از این رو در آیات و روایات، اجرای عدالت به صورت اصل بنیادین مطرح شده است. از این رو در اسلام تمام عنوان‌های مهم و حساس به افراد عادل واگذار شده و عدالت در آن‌ها شرط اساسی شمرده می‌شود.

عدالت اجتماعی، نقطه عطف آن ایجاد نوعی برابری است که با تحقق آن، آسایش و آرامش در یک جامعه برقرار می‌شود. در این مورد رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام (رحمه‌الله) است و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت مورد نظر و هدف باشد؛ زیرا مهم‌ترین و کلیدی‌ترین شاخص عدالت اجتماعی است یعنی رونق کشور در گرو تأمین عدالت اجتماعی مورد پذیرش و قابل قبول است»

(بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)؛ ازاین رو اسلام برای حفظ عدالت اجتماعی، مقاومت در برابر هر نوع ظلم و ستم بر مسلمانان را واجب کرده است؛ زیرا ستم و تجاوز امنیت عمومی را تحدید می‌کند. قرآن در این باره فرموده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ» (شورا: ۳۹)؛ و کسانی که هر گاه ستمی به آنها رسد، (تسلیم ظلم نمی‌شوند و) یاری می‌طلبند! « با توجه به این‌آیه ظلم بر هیچ فردی روا دانسته نشده است و چنانچه کسی تن به چنین بی‌عدالتی بدهد و بر کسی ظلم کند، آیه به او شاره می‌کند و می‌فرماید در مقابل چنین کسی نباید آرام گرفت؛ بلکه به یاری هم برخاسته و ریشه ظلم را بخشکانیم. همچنین آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی و قسط و عدل اسلامی بوده که آمدن پیامبران، نزول کتاب و میزان الهی برای برپایی عدالت اجتماعی بوده تا مردم از فشار ظلم و تبعیض نجات یافته و در سایه قسط و عدل زندگی کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۵۴).

## ۷.۲. اقتصاد سالم

اقتصاد سالم یعنی اقتصادی که قائم به ذات و بی‌عیب باشد. بنابراین جامعه باید پایه‌های اقتصادی سالم داشته باشد. اقتصاد سالم در جامعه مثل یک دستگاه قلب در وجود انسان است که اگر این دستگاه خراب شود انسان مریض می‌شود. اگر اقتصاد سالم در جامعه نباشد، توسعه و رشد دچار مخاطره می‌شود و در نهایت هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم، محقق نمی‌شود.

مقام معظم رهبری به اقتصاد سالم در تمدن اسلامی توجه زیادی دارد و از اقتصادی که در آن رباخواری و تکاثر باشد، نهی می‌کند؛ زیرا به رشد اقتصادی ضربه می‌زند. رهبر معظم انقلاب اعتقاد به دو پایه برای اقتصاد سالم و اسلامی دارد. ۱: افزایش ثروت ملی ۲: توزیع عادلانه و رفع محرومیت در جامعه اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۱۳) با استفاده از آیات حفظ تعادل و موازنه در امر اقتصاد از پایه‌های اقتصاد سالم است. توزیع عادلانه در همه‌ی زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف خطوط کلی اقتصاد اسلامی را در جامعه مشخص می‌کند



(قوی دست، سازندگی، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۱).

قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ اَنْ يَتَّخِظَ فَكُمُ النَّاسُ فَاَوَاكُمُ وَ اَيْدِيكُمْ بِنَصْرِهِ وَ زَرْقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (انفال: ۲۶)؛ و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آن چنان که می‌ترسیدید مردم شما را برابیند! ولی او شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ و از روزیهای پاکیزه بهره‌مند ساخت؛ شاید شکر نعمتش را بجا آورید! با توجه به سیاق آیه منظور از «آن روزی که مسلمین در زمین مستضعف بودند» روزگار ابتدای اسلام و قبل از هجرت بوده که مسلمین در مکه (در میان کفار) محصور بودند و منظور از نصرت و تأیید در عبارت «و ایدکم بنصره» نصرتی است که خداوند در جنگ بدر از مسلمین کرد و مقصود از «رزق طیب» غنیمت‌های جنگی است که خداوند به ایشان روزی کرد و آن را برای آنها حلال گرداند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۹، ص ۵۳ و ۵۴). همچنین در این خصوص آمده است: «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال: ۶۰)؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)» «اعدوا» به معنای تهیه کردن چیزی است که با آن چیز به هدف خود می‌رسد و اگر آن را تهیه نکنند به مطلوب خود نمی‌رسد و کلمه «قوة» به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌شود و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر است، از قبیل انواع اسلحه و مردان جنگی با تجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی و اینکه فرمود: «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» امر عامی به مؤمنین است که در قبال کفار به قدر توانایی‌شان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۹، ص ۱۱۴ و ۱۱۵). همچنین در آیه‌ای به رشد و توسعه اقتصادی جامعه اشاره داشته و می‌فرماید: «اِنَّمَّا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً

مِنْ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه: ۶۰)؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، يك فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است!». درآیه ذیل بیان می‌شود که اسلام برای خلق و ایجاد یک سیستم اقتصادی درست که در آن سلامت اقتصادی، رشد و توسعه اقتصادی مدنظر باشد، از طریق مسئله زکات به آن پرداخته است. زکات باعث می‌شود برخلاف نظام‌های دیگر که در آنها سرمایه‌دار ثروتمندتر شده و فقیر فقیرتر و در نهایت زیر خط فقر قرار می‌گیرند، چرخه اقتصادی اسلام کنترل شود و از عدم تعادل اقتصادی زندگی مسلمانان جلوگیری شود (ر. ک: اثنی‌عشری، میکائیلی، ۱۳۹۳، ص ۸-۱۱). در این خصوص امام صادق علیه السلام تلاش در راه تأمین نیازهای ضروری زندگی را همچون جهاد در راه خدا می‌داند (ابن بابویه، محمد، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۶۸؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق، ص ۸۲).

### تعادل و توازن اقتصادی

توزیع عادلانه در امر اقتصاد از اساسی‌ترین اهداف اقتصاد اسلامی است. در جهان بینی اسلامی خداوند، حق تعیین سهم از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه را دارد؛ زیرا خداوند مالک همه چیز است. انسان خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین است و اموال و درآمدها نزد وی امانت نهاده شده است. از این رو به عقیده مقام معظم رهبری، فرصت‌های برابر و توزیع مناسب درآمد دو عنصر کلیدی عدالت و پیشرفت در جامعه است (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۳/۷). بنابراین عدالت همه جانبه در توزیع عادلانه، یک امر حیاتی در تعالی اقتصاد است و با تحقق این مهم، همه از رفاه نسبی برخوردار می‌شوند.

در آموزه‌های اسلامی اگرچه مسئولیت اصلی توزیع ثروت بر عهده دولت‌هاست ولی ثروتمندان نیز وظیفه دارند به پرداختن حقوق فقرا، مستمندان و دولت اسلامی که به صورت امانت الهی و به عنوان صدقات واجبه و خمس که در مال آنان وجود دارد در توزیع ثروت

برای رفع مشکلات اقتصادی سهمیم شوند. (دریساوی و فقیهی، ۱۳۹۳، ص ۶۳) خداوند در قرآن فرموده است: «ما أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ..» (حشر: ۷) یعنی آنچه خدا از دارایی ساکنان قریه‌ها عاید پیامبرانش گردانید از آن پیامبر او و متعلق به خویشاوندان نزدیک وی و یتیمان و یتیمان و در راه ماندگان بوده تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.

قرآن اقتصاد را عامل قوام و دوام امور فردی و اجتماعی می‌داند. با توجه به آن اهداف، توزیع ثروت را هم می‌توان یکی از موارد اساسی در ایجاد امنیت سیاسی - اقتصادی و رسیدن به عدالت اجتماعی دانست. بدین سان مشکلات اقتصادی بشر ناشی از کمبود مواد اولیه یا بخل طبیعت نیست؛ بلکه به علت توزیع ناعادلانه و بهره‌وری نادرست از امکانات موجود است (رستم نژاد، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۵).

### رشد اقتصادی

توسعه و رشد اقتصادی از دیدگاه اسلام جریانی است که در آن با بهره‌گیری از اندیشه‌های جامع‌نگر و عقلانی برآمده از حقایق هستی، فنون و روش‌های علمی پیشرفته از منابع انسانی و مادی جامعه در راستای تامین رفاه بشری و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان استفاده بهینه صورت گیرد (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۶). از آنجاکه هیچ معلولی بدون علیت نیست؛ رشد اقتصادی نیز در یک جامعه به خودی خود به وجود نیامده و عوامل زیادی دست به دست هم داده تا به این سطح از رفاه دست یافته است. قرآن عواملی را در جهت توسعه و رشد اقتصادی بیان کرده که می‌توان به دو دسته معنوی و مادی تقسیم کرد.

### الف) عوامل معنوی رشد اقتصادی

رشد معنوی را فقط از دیدگاه قرآن می‌توان بیان کرد و اهمیت عوامل در رسیدن به رشد اقتصادی را تصریح کرد.

#### ۱. تأثیر تقوا در رشد اقتصادی

یکی از عوامل رشد اقتصادی تقوا و ایمان به خداوند است. اگر تقوا در جامعه اعمال

نشود، در رحمت خداوند بسته خواهد شد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم» در جمله «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» استعاره به کنایه بکار رفته، زیرا برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر مردم جریان می‌یابد. باران و برف در زمان مناسب و به مقداری که برای مردم مفید است، می‌بارد. در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان شده و زمینه رشد اقتصادی فراهم می‌شود. البته این رخداد زمانی است که مردم به خداوند ایمان آورده و تقوا پیشه کنند وگرنه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۸، ص ۲۰۱). در ادامه علت بسته شدن درهای اقتصاد و نعمت‌های الهی این چنین بیان شده است: آنها پیامبران را تکذیب کردند و ما آنها را به کیفر معصیت‌ها و مخالفت‌ها و تکذیب پیامبران گرفتار و باران را از آنها منع کردیم و نعمت‌های زمین را از آنها دریغ داشتیم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۹۸). ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می‌شود و بر اقتصاد جامعه اثر می‌گذارد؛ بلکه باعث می‌شود آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به‌کار گرفته شود.

## ۲. تأثیر انفاق در رشد اقتصادی

از جمله اعمال نیکی که برای خشنودی پروردگار انجام می‌شود، انفاق مال است. انفاق علاوه بر اینکه از خطرهای اجتماعی و روانی جلوگیری می‌کند، باعث بهره‌مندی از نعمت‌های جاودان خداوند متعال می‌شود. از نظر قرآن کریم، انفاق یکی از عوامل رشد اقتصادی مطلوب است: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱) یعنی مثل آنان که اموال‌شان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد؛ و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می‌کند و خدا

بسیار عطاکننده و دانا است. این مَثَل در امثال ذرت و آفتابگردان و نظیر آنها وقوع خارجی دارد که واقعاً یک دانه مبدل به هفتصد دانه بلکه بیشتر می‌شود، در سنبل گندم تا هشتاد دانه شمرده شده است (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۴۷). امام صادق علیه السلام درباره فراز «وَاللّٰهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَّشَاءُ» می‌فرماید: هرگاه مؤمنی احسانی کند خدای مهربان ثواب هر حسنه‌ای را که انجام می‌دهد هفتصد برابر قرار خواهد داد (عیاشی، محمد، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۱۴۶). چنین است که انفاق و احسان در رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

## ب) عوامل مادی توسعه اقتصادی

### ۱. تشویق به تولید

قرآن کریم پی‌درپی آمدن شب و روز را ایجاد زمینه برای حرکت و تولید به حساب می‌آورد. عبارت «لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» (ر. ک: اسراء: ۶۶؛ روم: ۴۶؛ فاطر: ۱۲؛ جاثیه: ۱۲) در آیات مختلفی تکرار شده و بیانگر این است که حرکت و تولید باعث رشد اقتصادی خواهد شد. قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص: ۷۳) یعنی یکی از رحمت‌های خداوند آن است که شب و روز را برای تان قرار داد تا آرامش یابید و از فضل او بهره‌گیرید، باشد که شکرگزار شوید. آرامش شب مقدمه تلاش روز است. «تَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا» خداوند بخشنده است ولی انسان باید کار و تلاش کند؛ زیرا شب برای آسایش و روز برای کار و فعالیت است و در روز هرآنچه به دست می‌آوریم از فضل خداوند است. لازم است نعمت‌های مادی مقدمه شکر و کسب مراتب معنوی باشد؛ بدین سان اگر دنیا وسیله‌ی رشد، قرب و شکر به درگاه الهی باشد، منفور و مذموم نخواهد بود (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۹۰). بنابراین خداوند انسان‌ها را به امر تولید در روز و داشته است؛ زیرا امروزه از نظر علمی ثابت شده است که تمام دستگاه‌های بدن در برابر نور، فعال و سرزنده می‌شود.

### ۲. فراوانی منابع دنیا

برخلاف دیدگاه اقتصاددانانی که منابع اقتصادی را محدود و آینده را تیره و تاریک می‌بینند،

قرآن از منابع نامحدود سخن می‌گوید. در این جایگاه انسان زمانی می‌تواند به پیشرفت دست یابد که کفران نعمت نکند. قرآن می‌فرماید: «وَآتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (ابراهیم: ۳۴)؛ و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است!» انسان هرچه نیاز داشت از خداوند خواست و خداوند آن را در اختیار انسان قرار داد. اما اگر نعمت‌های الهی را بخواهد بشمارد، هرگز نمی‌تواند شمارش کند؛ چرا که در نعمت‌های بیکران خداوند غوطه‌ور است. اما با این همه لطف و رحمت الهی باز این انسان ستمگر، کفران نعمت می‌کند. براین اساس نعمت‌های الهی فراوان است اما شیوه صحیح و عملکرد مناسب انسان باعث استفاده بهینه از منابع می‌شود.

#### نتیجه

مقام معظم رهبری در تعریف کلی شاخصه تمدن اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌داند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. از جمله شاخصه‌های تمدن اسلامی که اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کرده‌اند و مقام معظم رهبری به شیوه‌ی منسجم‌تری درباره آنها سخن گفته‌اند؛ تمدن اسلام با محوریت قرآن است. این شاخصه چنان فراگیر است که همه فرق و مذاهب اسلامی را در درون خود جا داده و دست همه معاندین و دشمنان اسلام را کوتاه کرده است. هدف از بعثت پیامبران خدامحوری و پرهیز از طاغوت و رسیدن به تمدن ناب اسلامی بوده که البته مجاهدت و تلاش مستمر و دوام‌دار را در پی داشته است. برطرف شدن حجاب جهل و غفلت از دل‌های مردم و تثبیت حاکم و حکومت اسلامی همه شمول و مردم‌سالار برای ایجاد آسایش و امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم، از دیگر شاخصه‌های اصلی تمدن اسلامی است. امروز نظام جمهوری اسلامی در برابر نظام‌های مختلف دنیا جایگاه ویژه‌ای داشته که دلیل عمده این نظام و پیشرفت آن استقرار عدالت و پیمودن راه پیامبران و نهادینه شدن تمدن و فرهنگ اسلام

عزیز است که اقتصاد سالم را به دنبال خواهد داشت. به اعتقاد معظم له گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته جمعی نیاز داشته که در سایه وحدت، ایمان به خدا و استقرار عدالت به وجود می‌آید.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم، ۱۳۷۳، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دار القرآن الکریم.
۱. ابن بابویه، محمد، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، قم، جلد ۳، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
  ۲. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۰ ق، طرف من الأنباء و المناقب، تصحیح قیس عطار، مشهد، چاپ اول، تاسوعا.
  ۳. ابن فهد حلّی، احمد، ۱۴۰۷ ق، عدة الداعی و نجاح الساعی، تصحیح احمد موحدی قمی، چاپ اول، دار الکتب الإسلامی.
  ۴. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۷۵، تاریخ ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، چاپ هشتم، انتشارات علمی و فرهنگی.
  ۵. اثنی عشری، ابوالقاسم؛ میکائیلی، سیده وجیهه، بهار و تابستان ۱۳۹۳، تأثیر زکات بر فقرزدایی و رشد اقتصادی: مطالعه‌ی موردی استان‌های شمالی (مازندران، گیلان و گلستان) پژوهش‌های مالیه اسلامی، سال دوم، شماره سوم.
  ۶. اکبری، مرتضی؛ رضایی، فریدون، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، نشریه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۵.
  ۷. جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۸، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، انتشارات معارف.
  ۸. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۳، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، جلد ۶، انتشارات علمی و فرهنگی.
  ۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹ ولایت فقیه، چاپ دوم، اسراء.
  ۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۹ وسایل الشیعه، جلد ۱۷، موسسه نشرالسلامی.
  ۱۱. خامنه‌ای، سید علی، نرم افزار حدیث ولایت، سالهای (۱۳۷۰-۱۳۹۷).



۱۲. خلیلیان اشکذری، محمد جمال، ۱۳۸۴، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، تهران، چاپ دوم، مؤسسه آموزش امام خمینی.
۱۳. دريساوری، سمیه و فقیهی، علی، ۱۳۹۳، مجموعه مقالات پیشرفته از نظر قرآن و حدیث، جلد سوم، قم انتشارات دبیر خانه حوزویخیلیاخیل مرکز الگویی اسلامی.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، تهران، جلد ۹، چاپ دوم، دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، بیروت، چاپ اول، دار القلم.
۱۶. رستم نژاد، مهدی، بی تا، قرآن و نظام توزیع ثروت، قم، جلد ۲، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
۱۷. سایت رسمی آیت الله خامنه‌ای.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، جلد های ۲، ۸، ۱۵، ۱۸ و ۱۹، ۲، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۹. طبرسی، فضل، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تصحیح هاشم رسولی، تهران، جلد ۴، چاپ سوم، ناصر خسرو.
۲۰. طوسی، محمد، ۱۴۱۴ ق، امالی، نشر دارالثقافه.
۲۱. عمید، حسین، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، تهران، جلد ۱، چاپ چهارم، امیرکبیر.
۲۲. عیاشی، محمد، ۱۳۸۰ ق، تفسیر العیاشی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، المطبعة العلمیة.
۲۳. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۳۷۱ ش، نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض)، تصحیح مهدی انصاری قمی، تهران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۴. قوی دست، بتول؛ سازندگی، مهدی، زمستان ۱۳۹۳، راه کارهای آموزه‌های اسلامی در جهت رشد و توسعه اقتصاد سالم، Pure Life، شماره ۱ (27 صفحه - از ۴۹ تا ۷۵).

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی (ط - الإسلامية)، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، ج ۳ و ۲، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامية.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت، جلد ۳۲، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، نظریه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۲۸. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، تصحیح اعظم کریمی، تهران، چاپ اول، انتشارات فرهنگ نما، کتاب آزاد.
۲۹. مفید، محمد، ۱۴۱۳ ق، المقنعة، قم، چاپ اول، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه.
۳۰. نجفی خمینی، محمد جواد، ۱۳۹۸، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة.
۳۱. نوری، حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، جلد ۱۱، چاپ اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

## مولفه های گفتمان تمدن ساز در بیانیه گام دوم از منظر قرآن و حدیث

مجتبی دولتی (نویسنده مسئول) - <sup>۱</sup>حسن دولتی <sup>۲</sup>

### چکیده

مهم‌ترین هدف در گام دوم انقلاب، خودسازی، جامعه پردازی، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی عَلَيْهِ السَّلَام است. برای تحقق این گام، نیازمند به منظومه و گفتمان فکری و عملی ای هستیم که توانایی این مهم را داشته باشد. به نظر می‌رسد تنها گفتمانی که توانایی لازم برای تمدن سازی را با تکیه بر نظام اعتقادی، تربیتی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی و... داراست و می‌تواند زیست عمومی عصر حاضر را به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی سوق دهد، گفتمان انقلاب اسلامی است. این گفتمان مبتنی بر اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین و قرآن به عنوان کاملترین کتاب، نهج البلاغه به عنوان برترین کلام بلیغ امام معصوم، با قرائت و تفسیر امام خامنه ای (دام ظلّه) است. پژوهش حاضر، با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی به تبیین مؤلفه های گفتمان مذکور می‌پردازد. حاکمیت الهی و اتکا به اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دفاع از کیان اسلامی،

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب  
mdmd3807@gmail.com

۲. دانش آموزخته کارشناسی ارشد عمران، گروه عمران، دانشگاه علوم و تحقیقات سیرجان

ملازمت دین و سیاست، تبعیت از مکتب اهل بیت علیهم السلام، پابندی به ولایت فقیه، عدالت خواهی، مردم سالاری دینی، اقتصاد عدالت محور، استکبارستیزی، نفی سلطه گری و سلطه پذیری، دفاع مستضعفین و مظلومین و... از جمله مؤلفه های گفتمان تمدن ساز هستند.

**کلمات کلیدی:** تمدن نوین اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی، اندیشه سیاسی، قرآن، نهج البلاغه.

## ۱. مقدمه

از آنجایی که بنا به فرمایش امام خامنه ای (حفظه الله) مهم ترین هدف در بیانیه گام دوم انقلاب، خودسازی، جامعه پردازی، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، لذا برای تحقق این گام، نیازمند منظومه، مبانی و گفتمان فکری و عملی هستیم. گفتمانی که توانایی این مهم را داشته باشد. این پژوهش سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که «شاخص های و مبانی فکری و گفتمان تمدن ساز مورد تأکید در بیانیه گام دوم انقلاب کدام است؟». ما معتقدیم گفتمان حاکم بر بیانیه گام دوم انقلاب همان گفتمان اسلام ناب محمدی ص است. همچنین به نظر می رسد تنها گفتمانی که توانایی لازم برای پاسخگویی به نیازهای بشر امروز را با تکیه بر نظام اعتقادی، تربیتی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی و... دارا است، گفتمان انقلاب اسلامی یا همان گفتمان اسلام ناب محمدی ص است که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز به آن اشاره شده است. این گفتمان دارای رهبری الهی، حکیم و اندیشمند بوده و هست، و می تواند زیست عمومی عصر حاضر را به بهترین شکل، نه تنها برای مسلمانان که برای انسان های آزاده عالم تأمین نماید، و در یک کلام تمدن نوین اسلامی را ایجاد کرده و زمینه ساز طلوع خورشید عظمای ولایت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. لذا در این پژوهش سعی داریم به روش توصیفی تحلیلی به بیان شاخص های، مبانی فکری مفهوم شناسی، بیان دال مرکزی و دال های شناور، غیریت و هژمون درگفتمان تمدن ساز با تکیه بر قرآن کریم، نهج البلاغه و اندیشه سیاسی امام خامنه ای به ویژه بیانیه گام دوم انقلاب، بپردازیم.

### پیشینه

پیشینه موضوع مقاله، پژوهشی که هم راستا باشد و مستقیماً به موضوع مقاله پرداخته باشد، تنها کتاب «هندسه گفتمان تمدن ساز» است که به بررسی شکلی و محتوایی گفتمان تمدن ساز پرداخته است. اما در موضوع تمدن سازی منابع مختلفی وجود دارد که به اختصار به دو مورد از آنها اشاره می کنیم. یکی از پژوهش های صورت گرفته، کتاب

«اندیشه تمدن نوین اسلامی» است. این اثر به لزوم توجه به دین حداکثری و تمدن سازی با رویکرد اسلامی پرداخته است. پژوهش دیگری که در این زمینه انجام شده است، کتاب «جستاری نظری در باب تمدن» است. این اثر به مفهوم تمدن، سازه های تمدنی، سیستم تمدنی و... پرداخته است.

## ۲. مفهوم شناسی «گفتمان» و مباحث پیرامونی آن

### الف) مفهوم گفتمان در آثار اندیشمندان غربی

برای بررسی و بیان مؤلفه های گفتمان تمدن ساز، ابتدا باید به بررسی و تعریف مفهوم گفتمان پرداخت.

واژه گفتمان (discourse) از واژه فرانسوی koor -dis و لاتین discursus -us به معنای گفت وگو، محاوره و گفتار، و از واژه discurre به معنای طفره رفتن، از سر بازکردن، تعلق ورزیدن و... گرفته شده است. بنابراین، گفتمان در معنای اولیه، به چهار چوبی بیشتر از جمله توجه دارد و معانی متن را در ساختاری تنیده با کلیت آن جست و جو می کند؛ اما در زبان شناسی کلاسیک، واژه ها معنای خود را نه به واسطه ارجاع به واحدی بزرگ تر (متن یا جهان خارج)، بلکه از طریق رابطه ای که میان خود در درون نظام زبانی برقرار می کنند، به دست می آورند. این رابطه، بیانگر جایگاه خاصی است که واژه در برابر واژه های دیگر برای همیشه کسب نموده است (پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۶، ۱۵).

### ب) دال مرکزی و دال های شناور «گفتمان»

هر گفتمان دارای دال مرکزی و دال های شناور است که در تعریف دال های مرکزی و شناور می توان گفت: دال مرکزی، نشانه ای، است که سایر نشانه ها دور آن گردآمده و درواقع، هسته مرکزی نظریه گفتمانی را شکل می دهد. نیروی جاذبه این هسته، نشانه های دیگر را به خود جذب نموده است (هوارث، ۱۳۸۸، ۵۳۵). به عبارت دیگر دال های مرکزی در گفتمان ها، آن مفهومی است که سایر مفاهیم گرد آن مفهوم معنا پیدا می کنند. همچنین

دال‌های شناور، دال‌ها و نشانه‌هایی هستند که معنای آن‌ها هنوز تثبیت نشده است و گفتمان‌های مختلف سعی در معنا دهی به آن‌ها را دارند (هوارث، ۱۳۸۸، ۵۱۵). به عبارت دیگر، دال‌های شناور مفاهیمی هستند که در حول دال مرکزی معنا می‌یابند. یک گفتمان سیاسی آنگاه تثبیت می‌شود که موقعیتی هژمونیک یابد. این موقعیت هژمونیک، بر یک چهارچوب منطقی استوار است و پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۶، ۸۴). همچنین به عمل گردآوری اجزاء مختلف و ترکیب آن‌ها در یک هویت جدید مفصل بندی گفته می‌شود (هوارث، ۱۳۸۸، ۲۰۲). ضدیت یا غیریت، بر این نکته تأکید دارد که هر چیزی در ارتباط با «غیر» هویت می‌یابد (هوارث، ۱۳۸۸، ۵۵۴؛ حقیقت، ۱۳۷۸، ۵۱۵). نظریه گفتمان ریشه در امور تفسیری دارد و به نقش معنی‌دار اعمال اجتماعی و اندیشه‌ها در زندگی سیاسی توجه دارد (فیرحی، ۱۳۹۴، ۵۳).

### ج) کیفیت شکل‌گیری «گفتمان»

هرگاه منظومه‌ای منسجم، منطقی، منظم و قابل دفاع مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات یک جامعه شکل بگیرد به طوری که از سوی یک رهبر یا ایدئولوگ و یا فعال سیاسی و یا فرهنگی تبیین گردد و محور فعالیت‌ها، تبلیغات و جهت‌گیری‌ها قرار در آن جامعه گیرد، به نظام مدیریتی و رسانه‌ای آن جامعه جهت دهد و بر سرنوشت مردم و کشور تأثیر گذار باشد، رفتارهای سیاسی و اجتماعی خاصی را شکل دهد و پیرامون آن مخالفین و موافقین صف آرائی کنند؛ می‌گوییم گفتمان شکل گرفته است. به بیان دیگر هنگامی که یک مفهوم و یک معرفت در برهه‌ای از زمان در یک جامعه همه گیر بشود، آن مفهوم و معرفت تبدیل به گفتمان جامعه می‌شود. برای اینکه یک مفهوم و معرفت تبدیل به گفتمان بشود نیازمند تبلیغ و جریان ساز است. بنابراین، برای شکل‌گیری یک گفتمان باید کارها برنامه ریزی شده و تبلیغ و جریان سازی منسجم و منظم انجام شود (دولتی، ۱۳۹۹، ۱۹؛ دولتی، ۱۳۹۹؛ ج ۱، ۲۳). به عبارت دیگر گفتمان سازی «احتیاج دارد به برنامه ریزی و کار فعال و مثل دمیدن پیوسته در وسیله فشاری است که می‌تواند آب یا مایه حیات یا هوا را به نقاط مختلفی که

مورد نظر است، برساند. باید دائم با این دم دمید، تا این اشتعال همیشه باقی بماند. این کار هیچ نباید متوقف بشود و به برنامه ریزی احتیاج دارد. این گفتمان سازی برای چیست؟ برای این است که اندیشه دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می آورد و همان چیزی می شود که پیغمبران دنبال آن بودند. فرهنگ صحیح، معرفت صحیح، در مواردی بیدارباش، در مواردی هشدار؛ اینها کارکردهای تبلیغ است؛ آثار و نتایجی است که بر تبلیغ مترتب می شود» (امام خامنه ای، ۱۳۸۸/۹/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۵۱۳>).

د) جایگاه و هدف والای «گفتمان» از منظر امام خامنه ای

از منظر امام خامنه ای «گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش رسانه ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتما نقش بارز و مهمی است» (امام خامنه ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۴۵۳>).

رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره هدف و اهمیت گفتمان سازی می فرمایند: «گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت همه گیر بشود در برهه ای از زمان در یک جامعه. آن وقت، این می شود گفتمان جامعه. این، با کارهای جداجدای برنامه ریزی نشده، حاصل نخواهد شد؛ این کار احتیاج دارد به برنامه ریزی و کار فعال و مثل دمیدن پیوسته در وسیله فشاری است که می تواند آب یا مایه حیات یا هوا را به نقاط مختلفی که مورد نظر است، برساند. باید دائم با این دم دمید، تا این اشتعال همیشه باقی بماند. این کار هیچ نباید متوقف بشود و به برنامه ریزی احتیاج دارد. این گفتمان سازی برای چیست؟ برای این است که اندیشه دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می آورد و همان چیزی



می شود که پیغمبران دنبال آن بودند. فرهنگ صحیح، معرفت صحیح، در مواردی بیدارباش، در مواردی هشدار؛ اینها کارکردهای تبلیغ است؛ آثار و نتایجی است که بر تبلیغ مترتب می شود» (امام خامنه ای، ۲۲/۹/۱۳۸۸ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۵۱۳>).

#### ه) تمدن

برخی از اندیشمندان در تعریف تمدن آورده اند: «تمدن عبارت است از مجموعه دانش ها، هنرها و فنون و آداب و سنن، تأسیسات و نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیت های افراد و گروه های انسانی طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت های یک جامعه و یا چند جامعه که با هم ارتباط دارند رایج است و هر کدام دارای ویژگی هایی است که به عوامل جغرافیایی و تاریخی و تکنیکی خاص خود بستگی دارد» (جمی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۳۰). برخی دیگر از اندیشمندان در تعریف تمدن آورده اند: «تمدن عبارت است از زمینه مساعد و بارآوری که هر استعدادی در آن امکان شکوفا شدن آزادانه خویش را به دست می آورد» (جمی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۳۸).

#### ۳. دال مرکزی گفتمان تمدن ساز

دال مرکزی گفتمان تمدن ساز مورد تأکید قرآن، نهج البلاغه و اندیشه سیاسی امام خامنه ای، توحید و اتکا به حاکمیت الهی است. آیات فراوانی در این راستا قابل ذکر می شود که از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می شود. آیات متعدد قرآن کریم توجه و تأکید به توحید و خدامحوری و محوریت اسلام و احکام الهی شده است. به عنوان نمونه خداوند در آیات اول تا پنجم سوره حدید می فرماید:

«آنچه در آسمان ها و زمین است خدا را به پاکی می ستایند و اوست ارجمند حکیم. فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن اوست زنده می کند و می میراند و او بر هر چیزی تواناست. اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست. اوست آن کس که آسمان ها و

زمین را در شش هنگام آفرید آنگاه بر عرش استیلا یافت آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه در آن بالا رود می‌داند و هرکجا باشید او با شماست و خدا به هر چه می‌کنید بیناست. فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و کارها به سوی خدا بازگردانید می‌شود». روایات فراوانی از امام علی علیه السلام در این راستا قابل ذکر است. از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود. امام علی علیه السلام نیز به حاکمیت الهی و توحید اشاره و تأکید داشته و می‌فرماید:

«سپاس خداوندی را سزااست که آفریننده بندگان و گستراننده زمین و جاری‌کننده آب در زمین‌های پست و رویاننده گیاه در کوه‌ها و تپه‌های بلند می‌باشد. نه اول او را آغازی و نه ازلی بودن او را پایانی است. آغاز هر چیزی و جاویدان است و پایدار و ماندگار بدون مدت و زمان است. پیشانی بندگان برابر عظمت او به خاک افتاده و لب‌ها در اعتراف به یگانگی او در حرکت‌اند. به هنگام آفرینش، برای هر پدیده‌ای حدودمرزی قرارداد تا برای وجود بی‌نهایت او همانندی نباشد...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲).

از منظر امام خامنه‌ای گفتمان تمدن ساز دارای مفهوم و ویژگی‌های مخصوص به خود است که از هر گفتمان دیگری بازشناخته می‌شود. در این گفتمان، مفهوم «حاکمیت الهی» (توحید) در مقام دال مرکزی، وظیفه مفصل‌بندی معانی و نشانه‌هایی را بر عهده دارد که از این طریق از گفتمان «اسلام آمریکایی» بازشناخته می‌شوند (نادری، ۱۳۹۴، ۱۴۴-۱۲۷).

امام خامنه‌ای علیه السلام و عقیده به اسلام و حاکمیت الهی را مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخصه گفتمان انقلاب اسلامی می‌داند و معتقدند «صحنه‌پرداز اصلی و عامل حقیقی، همانا اسلام و عقیده و ایمان و تربیت اسلامی است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۰).  
[۲۳۱۶farsi.khamenei.ir/message-content?id=](http://2316farsi.khamenei.ir/message-content?id=)

همچنین ایشان راه علاج مشکلات جهان اسلام را بازگشت به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، داشتن نگاه توحیدی و نفی عبودیت غیر خدا می‌دانند (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۰).  
[۲۳۱۶farsi.khamenei.ir/message-content?id=](http://2316farsi.khamenei.ir/message-content?id=)

#### ۴. دال‌های شناور و شاخص‌ها در گفتمان تمدن ساز

##### ۴.۱. حفظ اسلام

حفظ اسلام مؤلفه ای است که در گفتمان تمدن ساز جایگاه بسیار مهم و اساسی دارد. به طوری قرآن کریم به عنوان تنها کتاب الهی مصون مانده از تحریف، بر وجوب حفظ اسلام بر همگان تأکید دارد. امام علی<sup>علیه السلام</sup> نیز در خطبه ۱۷۲ نهج البلاغه می‌فرماید:

«... و با صبر و استقامت بر اطاعت پروردگار و حفظ و نگهداری فرمان‌ها کتاب خدا، نعمت‌های پروردگار را نسبت به خویش کامل کنید. آگاه باشید، آنچه برای حفظ دین از دست می‌دهید زیانی به شما نخواهد رساند. آگاه باشید، آنچه را با تباه ساختن دین به دست می‌آورد سودی به حالتان نخواهد داشت خداوند دل‌های ما و شمارا به سوی حق متوجه سازد و صبر و استقامت عطا فرماید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲).

در منظومه فکری امام خامنه‌ای<sup>علیه السلام</sup> نیز، حفظ اسلام و نظام اسلامی بسیار حائز اهمیت است. به طوری که با تأکید فراوان می‌فرمایند: «این نظام با اسلام به وجود آمد، با اسلام هم زنده خواهد ماند. همه مسئولین نظام باید به این نکته توجه کنند و به اسلام و احکام اسلام و به ارزش‌های اسلامی افتخار کنند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۳/۳).

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۶۹۸۶>.

##### ۴.۲. ملازمه دین و سیاست (حق حاکمیت و جامعیت دین)

یکی دیگر از شاخصه‌های گفتمان تمدن ساز از منظر قرآن، نهج البلاغه و اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای ملازمت دین و سیاست و لزوم تشکیل حکومت مبتنی بر اسلام است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید» (نساء، ۵۸).

توضیح اینکه امانت در قرآن، گستره وسیعی دارد و یکی از مهم‌ترین عرصه‌های آن،

مسئله امامت و رهبری است.

همچنین می‌فرماید: «سرپرست ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ هم آن کسانی که نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند» (مائده، ۵۵). جامعیت دین و لزوم ملازمت دین و سیاست و تشکیل حکومت در خطبه ۴۰ نهج البلاغه، حضرت در پاسخ شعار (لا حکم الا لله) خوارج می‌فرماید: «ضرورت حکومت سخن حقی است که از آن اراده باطل شده! آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، ولی این‌ها می‌گویند زمامداری جز برای خدا نیست، درحالی‌که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت، بکار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد، جاده‌ها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند...».

از منظر امام خمینی رحمته‌الله علیه «آنی که می‌گوید دین از سیاست جداست، تکذیب خدا را کرده است، تکذیب رسول خدا را کرده است، تکذیب ائمه هدی را کرده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ۳۰-۲۸). در اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای دین اسلام، دینی جامع و کامل است و می‌تواند در تمام شئون زندگی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... دخالت مؤثر داشته باشد. در بیانیه گام دوم انقلاب نیز ملازمت دین و سیاست و مبتنی بودن انقلاب اسلامی بر این مهم به خوبی قابل روئیت است:

«آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون

دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می دهند، دست و پنجه نرم می کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می رود». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### ۳.۴. قانون مداری

درآیین قرآن کریم پایبندی به قانون و قانون مداری بسیار مورد توجه و تأکید است. یکی از این آیات تأکید کننده، آیه ۵۰ سوره نسا است که خداوند هدف از فرستادن انبیا را اجرای حق و قانون بیان کرده است و می فرماید «ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته در میان مردم قضاوت کنی و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی» (نساء، ۱۰۵).

قانون مداری به قدری اهمیت دارد که خداوند در قرآن اطاعت و تسلیم در برابر قانون را شرط تحقق ایمان دانسته است و می فرماید: «به پروردگارت سوگند که آن ها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند» (نساء، ۶۵).

پیرامون قانون مداری در نهج البلاغه می خوانیم: «آگاه باشید که قوانین دین یکی و راه های آن آسان و راست است، کسی که از آن برود به قافله و سرمنزل رسد و غنیمت برد و هر کس که از آن راه نرود گمراه شده پشیمان گردد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹).

نامه ۵۳ نهج البلاغه، ملقب به منشور حکومتی امام علی (ع) نمونه ای در باب قانون مداری است که در قالب بخشنامه ای به مالک اشتر ابلاغ می شود.

دراندیشه سیاسی امام خامنه ای (ع) نیز قانون گرایی به حدی مورد تأکید است که ایشان قانون گرایی را یکی از شاخص های دولت اسلامی می دانند (امام خامنه ای، ۱۳۹۲/۶/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>).

قانون مداری در اسلام ناب محمدی (ص) در قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته

است، به نحوی که قانون اساسی رشد و تکامل انسان را در تبعیت از قوانین اسلامی دانسته و همه مردم را به آن سفارش می‌کند (منصور، ۱۳۹۳، ص ۲۴)

«پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انبیا بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به‌طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و کذالک جعلناکم آمه و سطا لتکونوا شهداء علی الناس)». (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۴)

#### ۴.۴. تبعیت از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و پابندی به ولایت فقیه در تداوم ولایت ائمه علیهم‌السلام

از مهم‌ترین و شاخص‌ترین مؤلفه‌های گفتمان تمدن ساز، تبعیت از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و احیای مسئله ولایت فقیه و ایجاد زمینه حاکمیت آن در تداوم ولایت ائمه علیهم‌السلام است. در حقیقت حاکمیت ولایت فقیه زمینه‌ساز حاکمیت و رهبری قانون الهی گردید. امام خامنه‌ای علیه‌السلام نیز می‌فرمایند: «بر اساس مذهب شیعه همه مسلمانان باید از اوامر ولایتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امرونی او باشند و این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود، چه رسد به مقلدین آنان. به نظر ما التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام به ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام نیست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶).

قرآن در آیه ۵۵ از سوره مائده می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»، «سرپرست ولی شما، تنها خداست و پیامبر او آن‌ها که ایمان آورده‌اند همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند» (مائده، ۵۵).

همچنین در ادامه همین آیات در آیه ۵۹ از سوره مائده اطاعت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را لازم می‌داند و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت

کنید پیامبر خدا و اولی الامر [اوصیای پیامبر] را» (نساء، ۵۹).

پیرامون ولایت فقیه نیز می توان گفت: «رکن اصلی اسلامیت حاکمیت دولت و عامل پیوند بین نظام به حکومت ولایت ائمه علیهم السلام و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ولایت فقیه است که اگر این رکن از نظام حذف شود اسلامیت نظام مخدوش می شود (سعیدی شاهرودی، ۱۳۹۰، ۵۶). افزون بر آن روایت متعدد پیرامون ولایت فقیه وجود دارد؛ که از جمله آن می توان به مقبوله عمر بن حنظله و حدیث و توقیع معروف به «و اما الحوادث الواقعة...» اشاره نمود.

در نهج البلاغه نیز آمده است: «خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله مایه حیات و زنده بودن دانش و نابودی جهل می باشند، بردباری شان شما را از دانش آن ها خبر می دهد و ظاهرشان از صفای باطن و سکوتشان از حکمت های گفتارشان باخبر می سازد، هرگز با حق مخالفت نمی کنند و در آن اختلاف ندارند. آن ها ستون های استوار اسلام و پناهگاه مردم می باشند، حق به وسیله آن ها به جایگاه خویش باز گردید و باطل از جای خویش رانده و نابود و زبان باطل از ریشه کنده شد، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دین را چنانکه سزاوار بود، دانستند و آموختند و بدان عمل کردند، نه تنها شنیدند و نقل نمودند، زیرا راویان دانش بسیار، اما حفظ کنندگان و عمل کنندگان به آن اندک اند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۹).

#### ۴.۵. معنویت و اخلاق

یکی دیگر از شاخص های مهم گفتمان تمدن ساز، معنویت و اخلاق است. معنویت به مثابه گوهر دین در سراسر قرآن کریم و نهج البلاغه قابل فهم و مشاهده است. آیات متعدد در قرآن کریم و سراسر نهج البلاغه توصیه به گرایش به معنویات و اخلاق را مورد تأکید قرار می دهند. لذا در استناد به قرآن و نهج البلاغه در موضوع معنویت و اخلاق باید گفت اساساً این دو گوهر دین هستند. معنویت و معنویت گرایی اسلامی در اندیشه و عمل امام خامنه ای، از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و خالصانه ترین اعتقادات توحیدی اسلامی و مذهبی او سرچشمه گرفته است که از یک سو در خداجویی اسلامی، وحی و نبوت و عقلانیت اسلامی و از سویی دیگر در سنت حضرات معصومین علیهم السلام ریشه دارد. امام خامنه ای علیه السلام

پیرامون معنویت و اخلاق می‌فرماید: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق‌چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوهی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند...» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

#### ۴.۶. عدالت و مبارزه با فساد

عدالت‌خواهی شاخصه دیگری است که در گفتمان تمدن ساز بسیار مهم است. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید. برای خدا گواهی دهید، اگرچه [این گواهی] به زیان خود شما یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد، [چرا که] اگر آن‌ها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند، بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض نمایید خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (نساء، ۱۳۵).



پیرامون عدالت در نهج البلاغه خطبه، نامه و حکمت های فراوانی وجود دارد که به چند مورد اشاره می کنیم: «به خدا سوگند؛ بیت المال تاراج شده را هرکجا که بیابیم به صاحبان اصلی آن بازمی گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم بر او سخت تر است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵).

از نظر امام خمینی ع عدالت عصاره «تمام فضائل باطنیه و ظاهریه و روحیه و قلبیه و نفسیه و جسمیه است» (امام خمینی، ۱۳۶۷، ۱۴۷) و سعادت انسان در گرو تحقق عدالت در همه ابعادش در جامعه است (جمشیدی، ۱۳۸۸، ۱۹۳). امام خامنه ای عدالت و مبارزه با فساد را از اصلی ترین اصول می داند و می فرماید: «عدالت و مبارزه با فساد؛ این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه ی حکومتها عارض شود، زلزله ی ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی تر و بنیانی تر از دیگر نظامها است. وسوسه ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه ی زهد انقلابی و ساده زیستی می دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به ویژه در درون دستگاه های حکومتی.... همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند...» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message->

## ۴.۷. نقش و جایگاه مردم (مردم سالاری دینی)

یکی از شاخصه‌های گفتمان تمدن ساز که در تعیین نوع حکومت بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران هم مدنظر قرار گرفته است و بسیار مهم است، نقش و جایگاه مردم و تبلور آن در نام‌گذاری جمهوری اسلامی می‌باشد که با تکیه بر مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی را مطرح می‌نماید. در قرآن کریم پیرامون مردم که با عنوان امت شمرده می‌شوند آیات متعددی وجود دارد به طوری که واژه امت در قرآن کریم ۶۵ بار به صورت مفرد یا جمع آمده است. در قرآن امت به معنی مردم (بقره، ۲۱۳) و یا عده‌ای از انسان‌ها که با یکدیگر پیوند دینی دارند، آمده است (بقره، ۱۴۳).

پیرامون نقش و اهمیت مردم نیز در نهج البلاغه می‌خوانیم:

«پس از یاد خدا و درود. برای مردم حج را به پای دار و روزهای خدا را به یادشان آور. در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین، آنان که پرسش‌های دینی دارند با فتواها آشنایشان بگردان و ناآگاه را آموزش ده و با دانشمندان به گفتگو پرداز. جز زبانت چیز دیگری پیام‌رسانت با مردم و جز چهره‌ات در بانی وجود نداشته باشد و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان، زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، گرچه در پایان حاجت او برآورده شود دیگر تو را نستاید. در مصرف اموال عمومی که در دست تو جمع شده است اندیشه کن و آن را به عیال‌مندان و گرسنگان پیرامونت ببخش و به مستمندان و نیازمندیانی که سخت به کمک مالی تو احتیاج دارند برسان و مازاد را نزد ما بفرست تا در میان مردم نیازمندی که در این سامان هستند تقسیم گردد» (نهج البلاغه، نامه ۶۷).

امام خامنه‌ای علیه السلام در این باره می‌فرماید: «ملت‌های مسلمان هم اگر می‌خواهند بدانند جمهوری اسلامی چه می‌گوید و داعیه او چیست، بدانند ما داعیه‌مان این است: ما از اسلام صرف نظر نمی‌کنیم؛ احکام الهی و شریعت الهی را که شریعت اسلامی است، در همه امور زندگی‌مان واجب‌الاتباع میدانیم؛ تلاش و سعی‌مان هم این است که به این برسیم.

چهارچوب و قالب ما برای ورود در این میدان هم مردم سالاری دینی است. مردم باید بیابند انتخاب کنند. قانون گذار را که بر این اساس قانون خواهد گذاشت، بایستی مردم معین کنند. مجری را باید مردم معین کنند. همه چیز با انتخاب مردم، با حضور مردم، با عزت مردم و کرامت مردم است» (امام خامنه ای، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸ - <https://farsi.khamenei.ir/speech> - content?id=۱۹۲۳۲).

#### ۴.۸. استقلال خواهی

استقلال طلبی و استقلال خواهی مسأله دیگری است که از شاخصه های گفتمان تمدن ساز به شمار می رود. قرآن کریم هر گونه تسلط دیگران و وابستگی را رد کرده و به استقلال خواهی تأکید دارد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً»، «و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند» (نساء، ۱۴۱).

بر اساس این آیه، تسلط و استیلای کافران نسبت به مسلمانان به صورت همیشگی و ابدی نفی و نهی شده و متعلق به عصر و دوره زمانی خاصی نیست؛ اما باید توجه داشت که بسته بودن راه تسلط کفار تکوینی نبوده بلکه تشریحی است؛ یعنی این گونه نیست که در قانون هستی و خلقت امکان سلطه کفار وجود ندارد، بلکه این امر کاملاً ممکن و محتمل است. ولی مؤمنان و مسلمانان باید در تشریح، قانون گذاری، سیاست گذاری و به ویژه سیاست خارجی به گونه ای عمل نمایند که این راه بسته شود. (نخعی ۱۳۷۶، ۲۰۷ - ۲۰۳؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ۱۳۱).

پیامون استقلال در نهج البلاغه نیز می توان به: بینش توحیدی رمز استقلال (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، استقلال رأی و آزاداندیشی (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۰)، عزت و استقلال سیاسی (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)، استقلال اقتصادی (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و... اشاره نمود.

امام خامنه ای علیه السلام «حفظ استقلال کشور در همه زمینه ها و جلوگیری از نفوذ و رخنه

دشمنان، جزو اصول تغییرناپذیر انقلاب است» (امام خامنه ای، ۱۴ بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=.۱۳۸۱/۳/۳۱۲۶>

در بیانیه گام دوم انقلاب نیز می خوانیم: «استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه گر جهان است، و آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ی ارزشهای اسلامی اند و این هر دو عطیه ی الهی به انسانهاست و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظّف به تأمین این دو اند.... بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود».

بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ - <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

#### ۴.۹. آزادی های مشروع و اساسی

در قرآن کریم پیرامون آزادی، آیات مختلفی وجود دارد. آزادی دارای انواع و اقسامی است که به برخی از آنها و آیات مربوط به آن اشاره می شود. یک مورد، آزادی اندیشه و تفکر و تعقل است. زیربنای انتخاب صحیح هدف، برخوردار بودن از هدایت الهی است. قرآن کریم می فرماید: «این گونه خداوند آیاتش را برای شما روشن می گرداند، باشد که بیندیشید» (بقره، ۲۱۹).

آزادی اندیشه (ق، ۶؛ اسراء، ۴۱؛ طه، ۱۲۸)، آزادی سیاسی (آل عمران، ۱۵۸؛ فتح، ۱۰؛ توبه، ۶ و ۸۵)، آزادی عقیده و انتخاب دین (بقره، ۲۱۷ و ۲۵۶)، آزادی بیان (زمر، ۱۸؛ آل عمران، ۶۱) از جمله اقسام آزادی هستند که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته اند. در نهج البلاغه پیرامون آزادی های مختلفی سخن به میان آمده است که می توان به آزادی

اقتصادی (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)، آزادی و حریت انسان (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، آزادی بیان (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، آزاداندیشی و استقلال رأی (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۰)، آزادی های شخصی (نهج البلاغه، نامه ۲۳)، آزادی سیاسی (نه: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21471>) ج البلاغه، نامه های ۱، ۵۴، ۵۳ و خطبه ۸) و... اشاره نمود.

امام خامنه ای علیه السلام نیز نسبت به آزادی معتقدند که «ما راجع به آزادی از منظر حق، به اصطلاح قرآنی عمل کنیم. حق در اصطلاح قرآن - که شاید تعبیر «حق» بیش از دو بیست مرتبه در قرآن تکرار شده؛ خیلی چیز عجیبی است - یک معنای عمیق و وسیعی دارد؛ که حالا آنچه به طور خلاصه و مجمل در دو کلمه شاید بشود یک معنای سطحی از آن داد، به معنای دستگاه نظام مند و هدف دار است. با این دید به مسأله آزادی نگاه کنیم که آزادی حق است در مقابل باطل» (امام خامنه ای، بیانات در چهارمین نشست اندیشه های راهبردی ۲۳/۸/۱۳۹۱). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21471>

#### ۴.۱۰. ایستادگی و مقاومت

شاخصه دیگری که در گفتمان تمدن ساز مطرح می شود، ایستادگی و مقاومت است. در استناد قرآنی مقاومت و ایستادگی، می توان به سوره هود اشاره کرد که می فرماید: «پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد و (هیچ از حدود الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می کنید بصیر و داناست» (هود، ۱۱۲).

در نهج البلاغه ایستادگی و مقاومت، یکی از مباحث مهم و پرتکرار است. در زیر تنها به یک مورد از این موارد اشاره می کنیم:

«عمل صالح! عمل صالح! سپس آینده نگری! آینده نگری! و استقامت! استقامت! آنگاه، بردباری! بردباری! و پرهیزکاری! پرهیزکاری! برای هر کدام از شما عاقبت و پایان مهلتی تعیین شده، با نیکوکاری بدان جا برسید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

امام خامنه‌ای علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرمایند:

«نماد پرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن‌برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار می‌رفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

#### ۱۱.۴. علم، پژوهش

در قرآن کریم پیرامون اهمیت و جایگاه علم آیات متعددی وجود دارد که در زیر به بخشی از آن اشاره می‌شود: برتری علما (مجادله، ۱۱)، علم و خلافت الهی (بقره، ۳۵-۳۱)، علم لازمه خلافت و جانشینی خداوند (بقره، ۳۱)، علم، سبب برتری جانشینان خدا (بقره، ۳۵-۳۱)، علم سبب وجوب اطاعت و تواضع دیگران (بقره، ۳۵-۳۱)، علم آموزی، هدف بعثت انبیا (آل عمران، ۶۴)، وجوب علم آموزی (انبیا، ۷؛ نحل ۴۳)، علم شرط زمامداری (بقره، ۲۴۷)، علم شرط مدیریت (یوسف، ۵۵).

در بیان جایگاه علم در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجد صیل علیه»، «دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد بر او یورش برند» (ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ۳۱۹).

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم انقلاب در مورد علم و پژوهش می فرماید: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه های دانش در میان خود اصرار می ورزیم...» (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

#### ۴.۱۲. عقلانیت

پیرامون عقلانیت، آیات و روایات فراوانی انسان را به اندیشیدن و تعقل توصیه می کنند. امام خامنه ای علیه السلام نیز پیرامون عقلانیت (عقل متصل به وحی) می فرماید:

«بعثت در واقع دعوت مردم به عرصه تربیت عقلانی و تربیت اخلاقی و تربیت قانونی بود. اینها چیزهایی است که (زندگی) درجه اول، تربیت عقلانی است. یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قراردادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن تا راه را با این مشعل تشخیص بدهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد؛ این اولین مسأله است؛ و مهم ترین مسأله هم همین است. علاوه بر اینکه درجه اول در بعثت پیغمبر، مسأله عقل مطرح شده است، مسئله دانائی مطرح شده است. در سرتاسر قرآن و تعالیم غیر قرآنی پیغمبر هم، هرچه شما نگاه می کنید، می بینید تکیه بر عقل و خرد و تأمل و تدبر و تفکر و این گونه تعبیرات است...» (امام خامنه ای، 1388/4/29 بیانات در سالروز عید سعید مبعث

۷۴۳۵ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۷۴۳۵>.)

#### ۴.۱۳. عزت مداری

عزت طلبی و عزت اسلامی به عنوان مؤلفه‌ای مهم گفتمان تمدن ساز است. خداوند متعال، منشأ و سرچشمه عزت راستین واقعی است و هر کس به آن سرچشمه راه یافته به عزت راستین دست می‌یابد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «و عزت و سربلندی از آن خدا و رسول او و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند» (منافقون، ۸).

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پیرامون عزت می‌فرماید: «ستایش خداوندی را سزاست که لباس عزت و بزرگی پوشید و آن دو را برای خود انتخاب و از دیگر پدیده‌ها بازداشت. آن دو را مرز میان خود و دیگران قرارداد و آن دو را برای بزرگی و عظمت خویش برگزید و لعنت کرد آن‌کس را که در آرزوی عزت و بزرگی با خدا به ستیزه برخیزد، از این رو فرشتگان مقرب خود را آزمود و فروتنان را از گردنکشان جدا فرمود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

در منظومه فکری امام خامنه‌ای علیه السلام معنا و مفهوم عزت اسلامی عبارت است از: «عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۵۹>

علاوه بر این، امام خامنه‌ای عزت را در کنار حکمت، و مصلحت از اصول اصلی و تغییر ناپذیر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل می‌داند (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

#### ۴.۱۴. اقتصاد پویا و عدالت محور (اقتصاد مقاومتی)

قرآن کریم پیرامون عدالت محوری می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هرچند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به



انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است» (نساء، ۱۳۵).

همچنین در نهج البلاغه هنگامی که حضرت را مورد عتاب قرار دادند که چرا عطایا را به تساوی تقسیم می کند:

«آیا مرا فرمان می دهید که پیروزی را طلب کنم، به ستم کردن بر کسی که زمامدار او شده ام؟ به خدا سوگند، چنین نکنم تا شب و روز از پی هم می آیند و در آسمان ستاره ای از پس ستاره دیگر طلوع می کند. اگر این مال از آن من می بود، باز هم آن را به تساوی به میانشان تقسیم می کردم. پس چگونه چنین نکنم، درحالی که مال از آن خداوند است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم انقلاب می فرماید:

«اقتصاد یک نقطه ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه ی قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه ی اسلامی نیست، اما وسیله ای است که بدون آن نمی توان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت محور، و مصرف به اندازه و بی اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است.... راه حل این مشکلات، سیاست های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه های اجرائی برای همه ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود...». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

امام خامنه ای علیه السلام پیرامون اقتصاد عدالت محور می فرماید: «ما وقتی به صورت کلان به زمینه اقتصاد اسلامی نگاه می کنیم، دوتا پایه اصلی مشاهده می کنیم. هر روش اقتصادی، هر

توصیه و نسخه اقتصادی که این دوپایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هرچه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دوپایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت درون جامعه اسلامی» است. این دوتا باید تأمین بشود؛ و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم؛ بنابراین هر دوتا لازم است...» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳. [www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۷۷](http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۷۷))

#### ۴.۱۵. توجه به محرومین

شاخصه دیگری که در گفتمان تمدن ساز، توجه به محرومین، ساده زیستی و دوری از اشرافیت است. قرآن در آیه ۲۷۳ سوره بقره در رابطه با توجه به محرومین و گره‌گشایی از کار مردم می‌فرماید: «این صدقات برای آن نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده‌اند و نمی‌توانند (برای تأمین هزینه زندگی) در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آن‌ها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، (چیزی) از مردم نمی‌خواهند؛ و هر مالی (به آنان) انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است.»

امام علی<sup>علیه السلام</sup> نیز از اشرافیت و زندگی تجملی بیزار است و در جامعه اسلامی که افرادی فقیر دارد، ساده زیستی را از جمله وظایف حاکمان اسلامی می‌داند. امام علی<sup>علیه السلام</sup> در نامه ۴۵ نهج‌البلاغه، عثمان بن حنیف انصاری، فرماندار بصره، در نامه ۷۱ نهج‌البلاغه به منذر بن جارود عبیدی، فرماندار استخر در ایالت فارس به دلیل خوی اشرافی مورد سرزنش قرار می‌دهد.

امام خامنه‌ای نیز در این زمینه می‌فرماید: «خدمت‌رسانی به مردم کار اصلی ماست و

بیشترین کسانی که خدمت باید متوجه آن‌ها شود، طبقه محروم و مظلوم و مستضعف جامعه‌اند که محتاج خدمت‌اند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۱۳۸۴/۶/۱۷. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۰۶>). «هر کاری در کشور صورت می‌گیرد، باید با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم - نه بخشی از مردم و قشرهای خاص - باشد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت ۱۳۸۴ / ۲ / ۱۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۸۷>).

#### ۴.۱۶. تکلیف محوری

تکلیف محوری یکی از مؤلفه‌های گفتمان تمدن ساز است که آیات فراوانی به آن تصریح دارند. قرآن کریم در سوره بقره می‌فرماید: «خداوند هیچ‌کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. آنچه (از خوبی) به دست آورده به سود او و آنچه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست» (بقره، ۲۸۶).

همچنین هنگامی که مردم بعد از قتل عثمان برای بیعت نزد امام علی ع آمدند، ایشان با اشاره به اتمام حجت و پذیرش از سر تکلیف فرمودند: «اگر این حضور حاضران و بیعت‌کنندگان نبود و حجت بر من تمام نمی‌شد و چنانچه خداوند از دانشمندان ربانی آگاه، پیمانی سخت نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگر و گرسنگی مظلوم هیچ آرام و قرار نگیرند، بی‌تأمل رشته این کار را از دست می‌گذاشتم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم و می‌دیدید که دنیای شمارا به چیزی نمی‌شمارم و پیشیزی ارزش نمی‌گذارم» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

امام خامنه‌ای علیه السلام در این زمینه تکلیف گرایی می‌فرمایند: «ببینید تکلیف شرعی تان چیست؛ هرچه که تکلیف شرعی شما بود، به آن عمل کردید، پیش خدای متعال مأجورید. البته باید برای فهمیدن موضوع و حکم شرعی، انسان چشم‌هایش را باز کند و تلاش نماید. در این شکی نیست. اما اگر شما برای ادای تکلیف شرعی تلاش کردید و اشتباه کردید، در عین حال شما اجر دارید؛ این بد است؟ این معامله بدی با خداست؟ «من کان لله کان الله له»؛ هرکس برای خدا کار کند، خدا هم همه این قدرت عظیم خود را برای او، در جهت او در خدمت او قرار خواهد داد. فرموده است: «والَّذین جاهدوا فینا لنهدیٰ نهم سبلنا»؛ هدایت هم می‌کند. وقتی شما برای او تلاش کردید، نمی‌گذارد در گمراهی بمانید؛ هدایت هم می‌کند» (امام خامنه‌ای، . بیانات در دیدار نمایندگان مجلس

۲۹۵۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=.1378/3/10>

#### ۴.۱۷. استکبار شناسی و استکبارستیزی

استکبار شناسی و استکبارستیزی مؤلفه دیگری از گفتمان اسلام ناب است. خداوند در قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر و جایگاهشان دوزخ است و چه بد سرانجامی است» (توبه، ۷۳). همچنین می‌فرماید: «کسانی که ایمان دارند در راه خدا پیکار می‌کنند و آن‌ها که کافرند در راه طاغوت. پس شما با یاران شیطان پیکار کنید زیرا نقشه شیطان ضعیف است» (نساء، ۷۶).

پیرامون استکبارستیزی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند: «آگاه باشید من با دو کس پیکار می‌کنم، کسی چیزی را ادعا کند که از آن او نباشد و آن کس که از ادای حق سرباز زند.... مردم هم اکنون آتش جنگ بین شما و اهل قبله شعله‌ور شده است و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند؛ بنابراین آنچه فرمان دادند انجام دهید و از آنچه نهی کردند توقّف کنید و در هیچ کاری تا روشن نشود شتاب نکنید، زیرا در آنچه شما اکراه دارید توان تغییراتی داریم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳).

در منظومه فکری امام خامنه‌ای علیه السلام نیز استکبار شناسی و استکبارستیزی مؤلفه بسیار مهمی است. به طوری که در بیانات ایشان می‌خوانیم: «اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی؛ سلطه‌ستیزی؛ ستیزه با استکبار و دفاع از مظلومان عالم است، آن‌هم دفاع صریح و صادقانه از همه مظلومان» (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۷/۳/۱۴).  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۶۳>

افزون بر استکبار شناسی و استکبار ستیزی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری نیز مورد تأکید گفتمان تمدن ساز به ویژه در حوزه سیاست خارجی است. آیه ۱۴۹ سوره آل عمران را در نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و اختصاص عزت و آقایی به خدا و اهل ایمان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به گذشته‌هایتان بازمی‌گردانند و سرانجام زیانکار خواهید شد».

امام خامنه‌ای علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «یکی از آرمان‌هایی که من یادداشت کرده‌ام، مبارزه با نظام سلطه و استکبار است. نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم می‌شوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده [این است]؛ یک عده‌ای سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند. دعوای با ایران هم سر همین است؛ این را بدانید. دعوای با جمهوری اسلامی این است که این، نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته؛ سلطه‌گر که نیست، خودش را از سلطه‌پذیری هم بیرون آورده و پای این حرف ایستاده. اگر ایران موفق شد و پیشرفت پیدا کرد - پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی - نشان داده می‌شود به ملت‌ها که می‌توان سلطه‌پذیر نبود و روی پای خود ایستاد و پیشرفت کرد. نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد؛ همه دعوها سر این است، بقیه حرف‌ها بهانه است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از

دانشجویان ۲۰/۴/۱۳۹۴). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۲۵۵>

#### ۱۸.۴. گسترش روابط بین‌المللی بر اساس مبانی اسلامی و انسانی

یکی از مهمترین شاخصه های انقلاب اسلامی بین‌المللی بودن آن است. گسترش روابط بین‌المللی بر اساس مبانی اسلامی و انسانی، شاخصه دیگری است که در گفتمان تمدن ساز اسلامی صاحب جایگاه ویژه‌ای است. فطری بودن اسلام بر اساس مبانی هویتی (موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۴، ۲۹ - ۲۸)، پویایی، حیات و نشاط اسلام، احیای اسلام و هویت اسلامی، مقابله با مستکبران، امید رشد و رسیدن به تمدن اسلامی، نشان از جهانی بودن اسلام و انقلاب اسلامی دارد (موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۴، ۲۳ - ۲۲). در این زمینه نیز قرآن کریم آیات فراوانی دارد و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»، «ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم» (اسراء، ۷۰؛ آل عمران، ۱۹؛ نساء، ۳۲).

همچنین پیرامون کرامت انسانی، برخی از آیات، هدف خلقت انسان را رسیدن به مقام خلیفة اللهی معزفی کرده‌اند. مانند این آیات شریفه: «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت» (بقره، ۳۰).

همچنین در سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مَّوَدِعَ الْأَرْضِ»، «او خدائی است که شما را جانشینان روی زمین قرارداد» (انعام، ۱۶۵).

پیرامون گسترش روابط بین‌المللی بر اساس مبانی اسلامی و انسانی، در کلام گهربار امام علی علیه السلام می‌توان به صدور ارزش‌های دینی، حفظ و بسط آن، اصلاح حیات اجتماعی و روابط انسانی و ایجاد امنیت اجتماعی اشاره نمود. در کلام حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه آمده است: «خداوندا، تو می‌دانی که کوشش ما در موضع خلافت برای رقابت در سلطه‌گری و به دست آوردن چیزی از متاع محقر دنیا نبوده، بلکه برای آن بود که به نشانه‌ها و حقایق دین تو وارد شویم و در شهرهای تو اصلاح نماییم تا ستم‌دیدگان از بندگانت در امن و آسایی باشند و قوانین متروک تو بار دیگر به جریان بیفتد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

امام خامنه‌ای علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «ما در عرصه بین‌الملل دو نوع کار داریم. یک

کار اصلی که عبارت است از همکاری های بین المللی و یک کار اضطراری که همان مبارزه است» (امام خامنه ای، ۱۳۷۵/۱/۴).

#### ۴.۱۹. دفاع از مستضعفین و مظلومین

یکی دیگر از شاخص های گفتمان تمدن ساز دفاع از مستضعفین و مظلومین، است. پیرامون دفاع از مستضعفین و مظلومین، خداوند در آیه ۷۵ سوره نساء می فرماید: «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟ همان افراد (ستم دیده ای) که می گویند خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خودسرپرست قرار بده؛ و از برای ما از طرف خودیار و یآوری تعیین فرما» (نساء، ۷۵).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیرامون این موضوع می فرماید: «شمارا به تقوای الهی سفارش می نمایم.... دشمن ستمگر و یار ستم دیده باشید. شما و همه فرزندان و خاندانم و هر که این وصیتم به او می رسد را به تقوای الهی و نظم در زندگی و اصلاح بین مردم سفارش می کنم...» «و کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ و خصم ظالم و یاور مظلوم باشید» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

در اندیشه امام خامنه ای علیه السلام دفاع از مستضعفین و مظلومین یک اصل اساسی است که برگرفته از متن آیات و روایات است. ایشان در این باره می فرماید: «ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می کنیم و هر مقداری که توانایی های ما وسع ما باشد وظیفه ما است؛ اسلام به ما گفته است که «كُنْ لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) - این سفارش امیرالمؤمنین است - ما نمی گوییم «أَنْصُرَ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» - این شعار جاهلی است؛ می گفتند اگر برادرت ظالم هم هست یا مظلوم است، باید از او دفاع کنی و حمایت کنی - قرآن این را نمی گوید؛ معرفت اسلامی این را منع می کند. نه خیر؛ ظالم هرکسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هرکسی هست باید از او حمایت کرد» (امام خامنه ای، ۱۳۹۴/۲/۲۶). «هر جا حرکت اسلامی است، هر جا دفاع از هویت

اسلامی است، هر جا دفاع از مظلوم است، جمهوری اسلامی آنجا حاضر است و حاضر خواهد بود و آمریکا و صهیونیسم و شبکه فاسد سیاسی مستکبرین نتوانستند بر جمهوری اسلامی فائق بیایند و نخواهند توانست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۴/۲۱).

۴.۲۰. زمینه‌سازی شکل‌گیری حکومت جهانی اسلام و تمدن نوین اسلامی

زمینه‌سازی برای شکل‌گیری امت اسلامی، حکومت جهانی اسلام و تمدن نوین اسلامی، مؤلفه دیگری است که در گفتمان تمدن ساز مطرح است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»، «این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا پرستید» (انبیا، ۹۲).

همچنین قرآن کریم پیرامون وارث بودن بندگان شایسته در زمین می‌فرماید: «و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد» (انبیا، ۱۰۵).

امام علی علیه السلام در این زمینه در نامه ۷۸ نهج البلاغه می‌فرماید: «بدان هیچ‌کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حریص‌تر نیست، من در این کار خواستار پاداش نیکو و بازگشت به جایگاه نیکو هستم».

همچنین می‌فرماید: «نقش زمامدار نسبت به ملت، مانند رشته‌ای است که مهره‌ها را گردآورده و به یکدیگر پیوند می‌دهد. اگر رشته بگسلد، دانه‌ها از هم می‌پاشند و به تمامی گرد نمی‌آیند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

امام خامنه‌ای رحمته الله علیه پیرامون زمینه‌سازی ظهور نیز می‌فرماید: «ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان‌طور که عرض کردم، فرموده‌اند: «والله لتمحصن» و «والله لتغربلن»؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی عصر (ارواح‌نافذاه) با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید؛ ملت



بزرگ ما این یک قدم را برداشتند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).  
۲۵۸۶https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=

## ۵. غیریت و هژمون در گفتمان تمدن ساز

### ۵.۱- «غیریت یا دیگری» در گفتمان تمدن ساز

تعریف غیریت و ضدیت در گفتمان تمدن ساز را می‌توان در دو عنوان «استکبار و استضعاف» و «اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اسلام آمریکایی» در اندیشه امام خامنه‌ای به وضوح مشاهده کرد. در گفتمان اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مفهوم «حاکمیت الهی» در مقام دال مرکزی، وظیفه مفصل‌بندی معانی و نشانه‌ها و دال‌های شناور و... را بر عهده دارد.

که از این طریق از گفتمان «اسلام آمریکایی» بازشناخته می‌شود. در دیدگاه امام خامنه‌ای به ترتیب دو گفتمان اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اسلام آمریکایی در تقابل یکدیگر مطرح می‌شوند. دال مرکزی گفتمان اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در واقع مفهوم «حاکمیت الهی» است. این دال مرکزی از طریق نشانه‌ها و معانی نظیر ایمان الهی، ولایت اولیاء الهی، تقوای الهی، باور به وعده‌های الهی، تقابل حق و باطل، رویارویی دائم جریان استکبار و استضعاف و ضرورت مقاومت اسلامی مفصل‌بندی می‌شود. اسلام آمریکایی با دال مرکزی «حاکمیت طاغوت» و نشانه‌هایی از قبیل شیطان، ولایت و اولیاء طاغوت، استکبار، فسادگری بر روی زمین مفصل‌بندی می‌شود (نادری، ۱۳۹۴، ۱۴۴-۱۲۷).

عنوان دیگری که در تبیین غیریت و دیگری در گفتمان انقلاب اسلامی می‌توان مورد بررسی و تحلیل قرارداد، موضوع «استکبار» و «استضعاف» است. از منظر امامین انقلاب، مستکبرین جهان با سیطره فکری و مادی بر مستضعفین و مسلمانان، مقدمات اغفال آن‌ها را فراهم ساخته‌اند و از سوی دیگر طنین‌انداز شدن گفتمان اسلام ناب محمدی با به حاشیه بردن گفتمان اسلام آمریکایی زمینه بیداری مسلمانان را فراهم می‌کند. در فرمایشات امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام در نهج البلاغه به وفور می‌توانیم به مصادیق قرار گرفتن استضعاف و

استکبار و ظالم و مظلوم در مقابل یکدیگر اشاره کنیم. امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیرامون این موضوع می‌فرماید: «و کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً»، خصم ظالم و یاور مظلوم باشید» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

## ۵.۲. بررسی و تحلیل «هژمون» در گفتمان تمدن ساز

در تحلیل گفتمان تمدن ساز به «وعده پیروزی مستضعفین بر مستکبرین» می‌توان به‌عنوان هژمونی اشاره نمود. امام خامنه‌ای علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «شکی نداریم که پیروزی از آن اسلام است؛ این جبهه کفر با همه وسعت، با همه زرق و برق، با همه توپ و تشری که می‌زنند، بالاخره در مقابل امت اسلامی و جبهه اسلامی مبارز و مجاهد و اداری به عقب‌نشینی خواهد شد. «و لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا»؛ این سنت الهی است و تردیدی در این وجود ندارد. شرطش فقط این است که ما تلاش کنیم، ما حرکت کنیم، ما راه بیفتیم، ما کارکنیم؛ اگر ما کارکردیم، این سنت الهی است که دشمن باید عقب‌نشینی کند و عقب‌نشینی هم می‌کند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن. ۲۹/۰۲/۱۳۹۵).

۳۳۱۲۵https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=

همان‌طور که اشاره شد هژمون در گفتمان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، پیروزی مستضعفین بر مستکبرین است. در جای جای قرآن کریم نیز بر این مهم تأکید شده است؛ که ما تنها به یک آیه اشاره می‌کنیم. قرآن کریم در آیه پنجم از سوره قصص می‌فرماید: «، اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم و آن‌ها را پیشوایان وارثین روی زمین قرار دهیم» (قصص، ۵).

در حکمت ۲۰۹ نهج البلاغه به نقل از لسان مبارک امام علی علیه السلام می‌خوانیم: «دنیا پس از سرکشی، به ما روی می‌آورد، چنان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. سپس این آیه را خواند: و اراده کردیم که بر مستضعفین زمین منت گذارده، آنان را امامان و وارثان حکومت‌ها گردانیم».

## ۶. نتیجه‌گیری

ما در این پژوهش تلاش نمودیم تا با تکیه بر قرآن کریم، نهج البلاغه و اندیشه‌های سیاسی امام خامنه ای به مثابه امام رهبری جامعه و بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان مهم‌ترین متن و نقشه پیش روی انقلاب اسلامی، به بررسی و شرح مؤلفه های گفتمان تمدن ساز پردازیم. مهم‌ترین مؤلفه و دال مرکزی گفتمان تمدن ساز در آیین قرآن، نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در آیین قرآن و نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب، «حاکمیت الهی» با اتکا به اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. در گفتمان اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مفهوم «حاکمیت الهی» (توحید) در مقام دال مرکزی وظیفه مفصل‌بندی معانی و نشانه‌هایی را بر عهده‌دار که از این طریق از گفتمان «اسلام آمریکایی» بازشناخته می‌شوند. در نگاه رهبر انقلاب اسلامی اصل تمامی عقاید اسلامی، مسئله توحید، خداباوری و خدامحوری است. این گفتمان دارای دال‌های شناور و مؤلفه‌های متعددی است که از جمله آن می‌توان به بیست و دو مؤلفه مذکور اشاره نمود. این مؤلفه‌ها در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و... قابل دسته‌بندی می‌باشند. این مجموعه، همانند بخش‌های یک پازل می‌باشد و نبود هر یک از این مؤلفه‌ها موجب می‌شود که ما از دستیابی به گفتمان تمدنی باز بمانیم. همچنین می‌توان به «وعده پیروزی مستضعفین بر مستکبرین» به عنوان هژمون در گفتمان انقلاب اسلامی اشاره کرد.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
- \* نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهیجره، قم.
۱. پروانه، محمود، ۱۳۹۶، پایداری و ناپایداری گفتمان‌های سیاسی در ایران، قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، زمزم هدایت.
  ۲. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۸، اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
  ۳. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، جستاری نظری در باب تمدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
  ۴. حقیقت، سید صادق، ۱۳۷۸، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید.
  ۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای. [khamenei.ir](http://khamenei.ir)
  ۶. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸ش: صحیفه نور، ج ۲۰، تهران، مرکز نشر و حفظ آثار امام خمینی.
  ۷. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸ش: شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مرکز نشر و حفظ آثار امام خمینی.
  ۸. دولتی، مجتبی، ۱۳۹۹، نقد گفتمانی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی؛ با معیار گفتمان معیار، تهران: انتشارات قدر ولایت.
  ۹. دولتی، مجتبی، ۱۳۹۹، هندسه گفتمان تمدن ساز، تهران: انتشارات قدر ولایت.
  ۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
  ۱۱. سعیدی شاهرودی، علی، ۱۳۹۰، گفتمان اصولگرایی؛ معیارها و شاخص‌ها، قم،

انتشارات زمزم هدایت.

۱۲. فیرحی، داوود، ۱۳۹۴، قدرت، دانش و مشروعیت، تهران، نشر نی.
۱۳. منصور، جهانگیر، ۱۳۹۳، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ صد و نهم، تهران، نشر دوران.
۱۴. موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۴، شاخص های مکتب حضرت امام خمینی رحمته الله علیه؛ احیای اسلام و هویت اسلامی، ج ۶، تهران: انتشارات قدر ولایت.
۱۵. موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۴، شاخص های مکتب حضرت امام خمینی رحمته الله علیه؛ جهانی بودن انقلاب اسلامی، ج ۹، تهران: انتشارات قدر ولایت.
۱۶. نادری، مهدی، ۱۳۹۴، مبانی و مستندات «سیاست استکبارستیزی» در دیدگاه امام خمینی، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۴، شماره ۸، ۱۴۴ - ۱۲۷.
۱۷. نخعی، هادی (۱۳۷۶)، توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۸. هوارث، دیوید، ۱۳۷۸، «نظریه گفتمان»، مارش، دیوید و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمدحاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

## راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی در قرآن و حدیث

عباس الهی<sup>۱</sup>

### چکیده

تمدن نوین اسلامی و تحقق آن از منظر آیات و روایات از مسائل مهم و ضروری عصر حاضر است، بدون شک آموزهای قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام می تواند در تحقق آن، نقش مهمی را ایفاکند؛ به همین رو نوشتار پیش رو در پی آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از این آموزه ها راهکارهایی را ارائه نماید. برخی از مهم ترین آنها عبارتند از: راهکارهای اعتقادی که شامل توحید محوری که اساس و بنیان تمدن اسلامی است، ولایت محوری؛ هیچ تحول اساسی در تمدن نوین اسلامی خارج از دایره ولایت، رخ نمی دهد؛ زیرا از دیدگاه قرآن کریم، همه موجودات باید تحت ولایت الهی باشند؛ چنان که می فرماید: «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (الکهف / ۴۴)؛ آنجا ولایت و حکمفرمایی خاص خداست که به حق فرمان دهد و بهترین اجر و ثواب و عاقبت نیکو را هم او عطا کند. و راهکارهای اخلاقی که تقویت ایمان، اراده، حس کرامت و شرح صدر را دربردارد و

۱. استاد یار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه. [abbas\\_elahi48@yahoo.com](mailto:abbas_elahi48@yahoo.com)

ش تماس: ۰۹۱۲۷۴۷۵۴۹۳ آدرس: قم، میدان جهاد، مجتمع قرآن و حدیث، طبقه اول، مدرسه عالی حدیث

(مدیریت گروه عمومی).

راهکارهای اجتماعی که مشتمل بر تحکیم خانواده، همراه کردن دیگران با خود می باشد. و نیز راهکارهای سیاسی که شامل انسجام و وحدت بین مسلمانان و ایستادگی و مقاومت است. و همچنین از راهکارهای اقتصادی که لازمه اش وجود امنیت در جامعه و تلاش و سخت کوشی آحاد مردم است، می نوان نام برد. و نیز توجه به عقلانیت اسلامی و اجتهاد پویا و بالنده از دیگر راهکارهای فرهنگی پی ریزی تمدن نوین اسلامی است. دین مبین اسلام تمدن ساز است و عقلانیت اسلامی در گذر از جامعه جاهلی و بدوراز تمدن نوین اسلامی و نیز با برخورداری از فقه های تخصصی سنتی، احیاگر و اجتهاد پویا برای پایه ریزی و سامان دادن جامعه متمدن برآمده از زلال وحی و تعلیمات ناب پیامبر اسلام ﷺ، نقش ویژه ای را ایفا می نماید.

واژگان کلیدی: راهکارهای قرآنی، تحقق تمدن نوین اسلامی، اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی

## مقدمه

سخن از تمدن نوین اسلامی قطعاً نمی تواند به معنای ایجاد یک تمدن نوین باشد. اگر واضعان این اصطلاح، پی ریزی تمدنی جدید را دنبال می کنند، مسلماً خطا می کنند؛ زیرا مدنیت و تمدن در روح اسلام جاری است و این دین آنگاه که ظاهر شد، مدنیت خویش را در مدینه و سپس در اطراف و اکناف جهان آشکار ساخت؛ بنابراین آنچه ذاتی اسلام است و خود، بیش از پیروانش، در پی تجلی ظهور و تحقق آن است، نمی تواند به عنوان جعل و وضعی نوین مورد توجه قرار گیرد؛ اما می توان از بازسازی، نوسازی، شکل گیری و تحقق تمدن نوین اسلامی که هدف بسیار بزرگ همه پیامبران و اولیای الهی است، سخن گفت. رسیدن به چنین هدف متعالی، نیازمند جهادی بی وقفه است و اراده حتمی خداوند متعال بر تحقق آن استوار شده است؛ چنان که خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، (توبه / ۳۳)؛ اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان ناراضی و مخالف باشند.

چشم انداز مطلوب جامعه قرآنی و اسلامی، هنگامی به واقعیت خواهد پیوست که شاخصه های تمدن نوین اسلامی به نحو کامل، در آن تجلی پیدا کند. دین اسلام به عنوان مکتبی تمدن آفرین، پس از آغاز بعثت پیامبر اعظم ﷺ، تمدنی بسیار پیشرفته و نوینی را بنا نهاد که تمدن های دیگر را تحت الشعاع قرار داد. در این راستا نزول آیات وحی و احکام ناب آن، گواه جاوید پیامبر شد تا اجتماع جاهل آن روزگار را به سوی تمدنی اصیل سوق دهد. اندیشه ناب محمد ﷺ که بر پایه تفکر و عقلانیت استوار بود، موجب بیداری فطرت ها گردید و چنان نفوذی در عصر رسالت پیدا کرد که همه رسومات جاهلانه را باطل یا اصلاح نمود و مردم را با معنویت و ایمان به خدای واقعی نزدیک نمود و ائمه هدی ﷺ نیز با پیروی از الگوی موفق رسول خدا، راه آن حضرت را پی گرفتند و موفقیت های زیادی را کسب نمودند؛ اما به رغم همه ی پیشرفت هایی که در صدر اسلام و پس از آن حاصل شد،



بدخواهان و دنیاپرستانی بودند که مردم را از ورود به این تمدن بزرگ باز داشتند و راه مقابله با آن را در پیش گرفتند؛ به همین رو دروازه این تمدن بزرگ هرچند تماماً بسته نشد؛ اما موجب کند شدن تحقق برنامه های آن گردید. از یک سو دولت های به ظاهر مسلمان روی کار آمدند و حیات طیبه جامعه نبوی را به حالت نیمه جان درآوردند. و از سوی دیگر دولت های کفر، در صدد رویارویی با این تمدن بزرگ برآمدند و اندک اندک با گسترش سیطره استعماری غرب، همواره سرمایه های فرهنگی و معنوی اسلام را به تاراج بردند. بی تردید اساسی ترین عامل انحطاط و انحراف کشورهای اسلامی در سبک زندگی، فاصله گرفتن و دور نگه داشتن جوامع اسلامی از جهان بینی توحیدی و تعالیم اسلام و امامان علیهم السلام بود.

در سده های اخیر با کوشش های عالمان و مصلحان دینی، به تدریج موجی از بیداری اسلامی و گرایش به قرآن و آموزه های اسلام شکل گرفت و منشأ حرکت های فکری، اجتماعی و سیاسی گردید. آیات قرآن و روایات، تمدن سازانی هستند که راهکارهایی را برای تحقق تمدن نوین اسلامی ارائه داده اند که مقاله حاضر در صدد تبیین و تحلیل آن است. درباره پیشینه موضوع، پژوهشهایی نیز صورت گرفته است؛ از جمله آنها پایگاه های اطلاعاتی مانند؛ [www.sid.ir](http://www.sid.ir)، [www.irandoc.ac.ir](http://www.irandoc.ac.ir) و مجلات علمی گوناگون، ولی هیچ مقاله ای که با بحث مورد نظرهمخوانی داشته باشد، یافت نشد، هرچند در حوزه تمدن اسلامی مقالات متعددی وجود دارد؛ اما هیچ کدام آنها این موضوع را از جنبه صرفاً قرآنی یا روایی مورد تحلیل و بررسی قرار نداده اند. نگاه نوشتار حاضر به قرآن و روایات، کاربردی است تا بتوان با تبیین و تحلیل راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی به ارائه الگویی برای شکوفایی تمدن اسلامی و تثبیت آن دست یافت.

ادبیات تحقیق

مفهوم شناسی

تمدن (civilization)

در لغت

تمدن به معنای حضارت (شهر آئینی) است و در مقابل بدایت (بادیه نشینی) قرار دارد [سپهری، ۱۹، ۱۳۸۹]. این واژه در فرهنگنامه های فارسی به معنای شهرنشینی و همکاری های لازم در جامعه شهری نیز آمده است. (ر. ک: دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ذیل واژه تمدن؛ عمید، ۵۳۰، ۱، ۱۳۸۹).

### در اصطلاح

تمدن از جمله مفاهیمی است که به دلیل غامض بودن، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است؛ برخی تمدن را با علم و تکنولوژی یکی انگاشته اند، عده ای آن را محدود به قدرت سیاسی کرده اند. از متفکرانی که در مورد تمدن به تفکر پرداخته، تایلور (Tylor) است. وی تمدن را این گونه تعریف می کند: «فرهنگ یا تمدن، مفهوم گسترده ای دارد که شامل علم و دانش، اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قانون، رسوم، و بسیاری از توانایی ها و عاداتی می شود که هر انسان به عنوان عضوی از جامعه آنها را داراست» (قانع، ۱۳۲: ۱۳۷۹).

متفکر دیگری که به تعریف تمدن پرداخته است، علامه جعفری رحمته الله علیه است، ایشان، آن را تشکّل هماهنگ انسان ها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان ها در همه ابعاد مثبت تعریف می کند. (ر. ک: جعفری، ۱۳۶۲ ش، ۱۶: ۲۳۲ - ۲۳۳).

### تمدن نوین اسلامی

اسلام، بنیان گذار تمدن باشکوهی بود که در برهه ای از تاریخ، بسیاری از مناطق را زیر نفوذ خود درآورده بود و از حلقه های درخشان تمدن بشری به شمار می رفت که از آن به عنوان تمدن اسلامی یاد می شود. اندیشمندان و محققان جهان اسلام، تعریف های گوناگونی از آن ارائه داده اند که برخی از مهمترین آنها چنین است:

۱. تمدن اسلامی به مجموعه آداب و رسوم مشترک میان ملت های مسلمان برگرفته از قرآن و سنت گفته می شود. (صاحب الزمانی، بی تا: ۸۹).

۲. مراد از تمدن اسلامی، تمدنی است که با اساس نگرش توحیدی، تمدنی ایدئولوژیک

است، با مجموعه ای از ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال مادی و معنوی رشد داده و به غایات مورد نظر خداوند می رسانند. (ر.ک: شریعتی، ۱۳۵۹ش، ۱۱: ۱۲ - ۱۳).

بنابر تعریف های مذکور، در ماهیت تمدن اسلامی، دو شاخصه دخیل است: الف) نگرش توحیدی توأم با اندوخته های معنوی و مادی حاکم بر یک جامعه اسلامی که برگرفته از قرآن و سنت است.

ب) تمام این اندوخته ها در تلاش هستند تا انسان و جوامع انسانی را به سوی کمال و سعادت رهنمون سازند.

### کاربرد قرآنی تمدن

واژه تمدن و معادل عربی امروزی آن «الحضاره» در قرآن به کار نرفته است؛ اما واژه «مدینه»، شانزده مرتبه (بیدادفر، ۵۷۹) و واژه «مدائن»، سه مرتبه (همان، ۵۷۸) که از واژگان همسو با تمدن است در قرآن آمده است. تنها واژه ای که در قرآن، تا حدودی مفهوم امروزی تمدن را در بردارد، واژه «عمران» است، که ماضی باب استفعال آن در قرآن آمده است و مفهوم آبادانی زمین به وسیله انسان را می رساند؛ چنان که می فرماید: *وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا*، (هود: ۶۱)؛ و باز ما به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را به رسالت فرستادیم، صالح به قوم خود گفت: ای قوم، خدای یگانه را که شما را جز او خدایی نیست، پرستش کنید، او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن، برگماشت.

آیات دیگری نیز معرّف تمدن است که در قرآن کریم آمده است؛ مانند:

- *أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ* (غافر: ۲۱)؛ آیا این مردم در زمین به سیر و سفر نرفتند تا عاقبت حال پیشینیانشان را که از اینها بسیار بیشتر و قوی تر و مؤثرتر در زمین بودند مشاهده کنند؟ (که چگونه همه هلاک شدند) و آنچه اندوختند آنها را (از مرگ و

هلاکت) حفظ و حمایت نکرد.

آیه مذکورو آیات مشابه آن (کهف: ۹۳ و...)، معرّف این معنا است که اقوام و ملت‌های پیشین، اگرچه دارای تمدن‌هایی بودند و از نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی، قدرت و تسلط بیشتری داشتند و میزان اثرگذاریشان فزون‌تر و فراگیرتر بود؛ اما به دلیل آن که مست‌غرور، خود باختگی، جهالت و تکبر شده بودند، دچار بی‌خبری و غفلت شدند و از معارف حقیقی که به وسیله رسولان خدا عرضه می‌شد، إعراض می‌کردند و آنها را چیزی به حساب نیاورده، مسخره می‌کردند و سرانجام آنان به هلاکت و نابودی ختم شد. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۵ش، ۸۵، ۵، طباطبایی ۱۴۲۱ ه.ق، ۱۷، ۴۹۵ و ۵۳۹-۵۴۰، فضل‌الله، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲۰، ۷۸).

### راهکار

#### راهکار در لغت

این واژه، مرکب از دو کلمه «راه و کار» می‌باشد. راه در لغت به معنای طریق است (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۵) و کار یعنی آن چه از شخصی یا شیئی صادر شود، آن چه که کرده شود، فعل، عمل، پیشه، شغل و سعی، (معین، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷)؛ با توجه به معنای این دو واژه، کلمه راهکار به معنای روش و طریق انجام کار و عمل می‌باشد. (همان).

#### راهکار در اصطلاح

واژه راهکار در اصطلاح علماء و دانشمندان علوم تربیتی، طریقه و شیوه کار است که میان اصل و هدف، امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم می‌کند و نیز یاد دهنده و تربیت‌کننده را در رسیدن به هدف مورد نظر یاری می‌رساند. (هوشیار، ۱۳۳۵، ۱۸).

#### راهکارهای قرآنی و حدیثی تحقق تمدن نوین اسلامی

رهبر حکیم انقلاب در باره تشکیل تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، چنین فرمودند: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

آیات و روایات، راهکارهای گوناگونی را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ارایه داده اند که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

#### ۱. اعتقادی، شامل موارد زیر است:

##### الف) توحید‌گرایی

توحید محوری و گرایش به وحدت‌مبثنی بر توحید، اساس و بنیان تمدن اسلامی است. در اسلام، عقیده توحیدی و توجه به خدای یگانه، به عنوان اساس و سنگ بنای زندگی انسانی، تمدن، فرهنگ متعالی اسلامی و منشأ احکام شریعت شناخته شده است. پیامبران به عنوان منادیان توحید، مهم‌ترین شعارشان در جهت ایجاد جامعه‌ای متمدن و پیشرفته، تکیه بر وحدانیت، توحید و دوری از شرک و عصیان بوده است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...»؛ (نحل: ۳۶)؛ و همانا ما در میان هر امتی پیامبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید...؛ و هم چنین قرآن کریم، نخستین شاخصه تمدن نوین اسلامی را «ایمان به خدا و توحید» می‌داند و در این باره می‌فرماید: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۳)؛ خدا به یکتایی خود گواهی دهد که جز ذات اقدس او که نگهبان عدل و درستی است خدایی نیست، و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهی دهند؛ نیست خدایی جز او که (بر همه چیز) توانا و داناست.

امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه تمدن ساز که کانون معارف توحیدی است، در خطبه اول، دریای ناپیدا کرانه توحید و خداشناسی را چنین تبیین می کند: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ، وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ، وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ، وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ، لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمُوصُوفِ، وَ لِشَهَادَةِ كُلِّ مَوْصُوفٍ أَنَّهُ غَيْرُ الصِّفَةِ»؛ نخستین پایه دین شناخت او [خدا] است، و کمال شناخت او راست دانستن (تصدیق) اوست، و کمال راست دانستن او یگانه دانستن اوست، و کمال یگانه دانستن او اخلاص برای اوست، و کمال اخلاص برای او نفی چگونگی (صفات) از اوست. زیرا هر صفتی گواه آن است، که غیر موصوف است و هر موصوفی گواه آن است که غیر صفت است. (نهج البلاغه، خطبه اول).

در این خطبه، امام علیه السلام در صدد است تا تعدد را (چه در صفات و چه در ذات) از خداوند متعال دور کند؛ زیرا ذات حق تعالی ذاتی کامل و دارای همه صفات کمال است. یکی از تفسیرهای توحید صفاتی نیز همین است که خدا را همانند پدیده‌هایی نپنداریم که دارای دو دسته صفات ذاتی و اکتسابی هستند؛ بنابراین توکل به خدا و توسل به احکام الهی در دوره معاصر نیز می تواند گره از مشکلات مسلمانان بگشاید و موجب شکل گیری تمدن نوین اسلامی باشد؛

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم نیز به این موضوع، چنین اشاره فرموده است: «انقلاب اسلامی به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی گیرد». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### ب) ولایت محوری

ولایت از بنیادی ترین مسایل دینی است که از جایگاه بلند اعتقادی و محتوای عمیق ارزشی برخوردار است و از ذخایر و گنجینه های نهفته درون عالم و آدم حکایت می کند که از سرچشمه حقایق باطنی جهان و کُنه وجود عالم و مبداء اعلای فیض، یعنی وجود واجب

تعالی فیضان کرده، جان و جهان را حیات بخشیده است و بر همه آنچه که هست، از ملک و ملکوت، غیب و شهود، تکوین و تشریح، سیطره پیدا کرده است. ولایت بالاترین نقطه هرم تمدن اسلامی است. هیچ تحول اساسی در اسلام خارج از فضای ولایی رخ نمی دهد. از دیدگاه قرآن کریم، همه موجودات باید تحت ولایت الهی باشند؛ چنان که می فرماید: «هَذَا لِكِ الْوَلَايَةِ لِلَّهِ الْحَقِّ...»؛ (الکهف / ۴۴)؛ در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است. و نیز می فرماید: «... وَبَرِّزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»؛ و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می گردند. (ابراهیم / ۴۸).

پس از ولایت خدا ولایت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام است که از ولایت الهی ناشی می شود. خداوند متعال در قرآن کریم در باره وجوب اطاعت از خود، رسول اکرم و اولوالأمرش، چنین می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... (نساء: ۵۹): ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمررا... .

علاوه بر آیاتی که محوریت موضوع ولایت را بیان می کنند، روایات متعددی وارد شده که ولایت را از ارکان اصلی و نیز از اساسی ترین آموزه های دین مبین اسلام و شرط پذیرش اعمال معرفی می نماید؛ از جمله در حدیثی زراره از امام باقر علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ»؛ (اسلام بر پنج چیز، بنیان شده، بر نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت)، زراره گوید عرض کردم، کدامیک از اینها برترند؟ فرمود: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۵، ۳۳۲، باب ۲۷)؛ ولایت برتر است زیرا کلید آنهاست، و والی راهنمای آن امور است... . دراین روایت امام باقر علیه السلام؛ ولایت را برترین بنیان اسلام، و کلید نماز و روزه و زکات و حج معرفی می نماید و والی را «دلیل و راهنما» بیان می کند. بدیهی است که بدون کلید، دلیل و راهنما، انسان از راه حق گمراه خواهد شد و نمی تواند به اصل و حقیقت عبادات، از جمله نماز و روزه و حج و زکات برسد، و لذا سایر اعمال او

بدون ارزش و اعتبار خواهد.

برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، به تحقق جامعه اسلامی نیازمندیم و جز از این طریق، نمی‌توان به نتیجه رسید. به طوری که در قرآن کریم در یک دسته بندی کلی و اساسی، دو جامعه معرفی شده است؛ همان‌طور که حاکمیت هم به تبع این تقسیم بندی به دو گروه تقسیم شده است، یک نوع جامعه که در قرآن به «جامعه جاهلی» تعبیر می‌شود. در این جامعه، برخی از مردم آن، اگر چه بت می‌پرستیدند، لیکن پرستش بت‌ها را برای تقرّب به خدا انجام می‌دادند؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «... مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى...»، (زمر: ۳)؛ ما آن بتان را نمی‌پرستیم مگر برای اینکه ما را به درگاه خدا نیک مقرب گردانند و در عین حال دارای عقایدی بودند که گذشته از بت پرستی، رنگ جاهلیت نیز داشت و خداوند از آن به عنوان «ظن جاهلیت» یاد می‌کند و بقایای آن اندیشه جاهلی هنوز در برخی افراد تازه مسلمان باقی مانده بود و درگیر و دار حوادث و پیش‌آمدها بروز می‌کرد و خود را نشان می‌داد؛ از جمله گروهی بودند که بعد از شکست مسلمانان در جنگ احد، خداوند از آنان چنین یاد می‌کند:

«وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا...»؛ (آل عمران: ۱۵۴).

و نیز در قرآن، جامعه دیگری به نام «جامعه ولایی» مطرح شده است که در مقابل جامعه جاهلی قرارداد؛ بنابراین برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باید جامعه ولایی داشته باشیم. (ر.ک: پایگاه تخصصی اندیشه ولایت مصداق، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸، درسنامه راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی).

برای تحقق جامعه ولایی، امامان علیهم‌السلام تلاشهای زیادی را به عمل آوردند؛ مانند امام حسن علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام که با خلفای ظالم و مکار با روشها و شگردهای گوناگون مواجه بودند. صلح امام حسن علیه‌السلام، با عث بقای عزت اسلام و



مسلمانان شد. قیام امام حسین علیه السلام، نهضت و جنبش فکری در جامعه ایجاد کرد و امام سجاد علیه السلام در قالب راز و نیاز و تعلیم آن به دیگران، این جنبش را فعال نموده و ادامه دادند. پس از ایشان، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، زمینه را برای رشد فرهنگ و تمدن اسلامی، مساعد دیده از این رو با شکافتن مسائل علمی و بحث از علوم و فنون مختلف، جویندگان و تشنگان حقیقی را سیراب نمودند. البته بهترین موقعیت و شرایط یک نهضت و قیام بزرگ علمی در زمان امام باقر علیه السلام و سپس امام صادق علیه السلام به وقوع پیوست و این موقعیت باعث شد تا آن امامان بزرگوار، به نشر و اشاعه حقایق و معارف الهی پرداخته و مشکلات علمی را تشریح و جنبش علمی درازدانی را به وجود آورده، مقدمات تأسیس یک دانشگاه بزرگ اسلامی را تدارک ببینند که این مهم در دوران امامت امام صادق علیه السلام به اوج خود رسید، و هرکدام از دو امام بزرگوار، نقش عظیمی را در این راستا ادا کردند. ائمه اهل بیت علیهم السلام پس از پی ریزی تمدن اسلامی به وسیله پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله نقش بی بدیلی را در شکل گیری تحقق تمدن بزرگ و بی مانند فرهنگ و تمدن اسلامی، ایفا نمودند؛ از جمله آنها صلح و نرمش قهرمانانه امام حسن مجتبی علیه السلام که بهترین راهکار را برای ماندگاری فرهنگ و تمدن اسلامی ارایه کرد، و نیز قیام امام حسین علیه السلام که نهضت، جنبش فکری و بنیان های تمدنی قرآنی را در جامعه ایجاد کرد. و هم چنین امام سجاد علیه السلام که در قالب راز و نیاز و تعلیم آن به دیگران، این جنبش را فعال نموده و ادامه داد. پس از ایشان، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، زمینه را برای رشد فرهنگ و تمدن اسلامی، مساعد دیده است؛ به همین رو با شکافتن مسائل علمی و بحث از فنون مختلف، جویندگان و تشنگان حقیقی تمدن قرآنی و دینی را سیراب نمودند؛ بنابراین وقتی که در جامعه یا جوامعی، ولایت، محور قرار گیرد، کارکردهای زیادی را بدنبال دارد و کوششهایی صورت می گیرد که برخی از مهمترین نمونه های تلاش های برخی از ائمه علیهم السلام با الهام از آیات نورانی قرآن کریم، برای تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی و شکوفایی هرچه بیشتر آن به شرح زیر است:

- تربیت نیروهای انسانی و مدیران لایق

تحقق تمدن نوین اسلامی، موضوعی چند تباری است که به مدیریت کارآمد نیاز مبرم دارد. صرف قرار گرفتن داشته ها و اندوخته های مفید و قابل ستایش در کنار هم موجب تحقق تمدن، نمی شود؛ بنابراین، ارتباط و مناسبات منطقی اندوخته ها با یکدیگر تحت لوای برنامه ریزی هدفمند در پرتو مدیریت کارا، شکل گیری تمدن را در پی دارد. (ر.ک: ملکی، ۶۰۰، ۱۳۹۲) و از آنجایی که انسان، جزء اصلی تشکیل جامعه صالح، سالم و دارای مدیریت اثربخش، محور اصلی برنامه ریزی ها، قوانین، علوم و دیگر مسائل جامعه متمدن است؛ به همین رو برای مشارکت در اقدام بزرگ فعلیت بخشیدن به تمدن نوین اسلامی، به پرورش انسانها و تربیت کارگزاران و مدیران برخوردار از اعتقاد راسخ دینی، عزت نفس، توکل و اعتماد به خداوند، شجاعت، پایداری، عزم و اراده ی قوی و طهارت نفسانی، نیاز است؛ به عنوان نمونه به روشهای آموزشی و تربیتی برخی از انبیای اولوالعزم و همچنین امامان معصوم علیهم السلام در جهت پرورش انسانهای متمدن اشاره می شود؛ قرآن کریم در خصوص پرورش اصحاب رسول الله به وسیله آن حضرت می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه، ۲)؛ طبق این آیه ی شریفه، به طور کلی پیامبر اکرم از راه تزکیه، تقوا، تعلیم کتاب و حکمت به تربیت یارانش می پرداخت. و نیز در خصوص روش تربیت حضرت موسی علیه السلام نسبت به یارانش می فرماید: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، (اعراف: ۱۲۸)؛ موسی علیه السلام به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست، آن را به هر کس از بندگانش خود خواهد به میراث دهد، و حسن عاقبت مخصوص اهل تقواست.

در این رابطه، ائمه معصومین علیهم السلام از جمله امام صادق و امام باقر علیهم السلام نیز به هدف تحقق تمدن نوین اسلامی، در جهت گزینش و پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی و گسیل کردن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی برای اجرای این هدف ارائه درست نظریات آنان و در نتیجه خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در معرفی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز

نفی گرایش های غلوآمیز برخی از پیروان اهل بیت علیهم السلام، برخورد صریح و قاطع با غالیان و اظهار بیزاری از سران آنان، از جمله مغیره بن سعید و بیان بن سمعان جزو اقدامات مهم ایشان به شمار می رود (ر.ک: کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۳ - ۲۲۸)؛ شاگردان و پرورش یافتگان در مکتب امام صادق علیه السلام را تا چهارهزار تن نوشته اند و مقصود از آن، کسانی هستند که در مدت افاضه امام از او علم فراگرفته اند نه اینکه همه آنها هر روز در محضر او حاضر شوند. مرحوم شهیدی به نقل از کتاب کشف الغمه می نویسد شماری از تابعین از او روایت کرده اند که از جمله آنان، امام صادق و امام باقر علیهم السلام دانشمندان زیادی را در علوم مختلف، مانند تفسیر، کلام، شیمی و... تربیت کردند و آنان را به مناطق گوناگونی ارسال کردند تا معارف دین را تبلیغ کنند و با عقاید غلو آمیز و خرافی مقابله کرده و از غالیان و بدعت گزاران، بیزاری بجویند و اهل بیت عصمت و طهارت را به طور شایسته به دنیا معرفی کنند؛ از جمله آنان، یحیی بن سعید انصاری، ابان بن تغلب، سفیان ثوری، ابن جریج، سفیان بن عیینه، ابراهیم بن طهمان و نیز جابر بن حیان کوفی می باشند. (ر.ک: شهیدی، ۱۳۶۲، ۶۵).

مقام معظم رهبری خطاب به اساتید و دانشجویان، آن‌ها را مدیران آینده کشور و پایه ریز تمدن نوین اسلامی عنوان کرده و نیروی انسانی را مهمترین عامل تمدن سازی خطاب کردند؛ ایشان در این رابطه چنین فرمودند: «یکی از مراکز مهم تربیت قوه‌ی عاقله‌ی کشور، دانشگاه است؛ تربیت قوه‌ی عاقله‌ی کشور... اساتید در دانشگاه نقش فوق العاده‌ای دارند؛ یعنی در این فرایند ساختن و پرورش دادن قوه‌ی عاقله برای اداره‌ی کشور، استاد یک نقش ویژه‌ای دارد» [۲۰/۰۳/۱۳۹۷]، بیانات معظم له در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3987>؛

ایشان هم چنین در بخشی دیگر از سخنانشان در دیدار با معلمان و فرهنگیان فرمودند: «آموزش و پرورش باید بتواند انسانهایی تربیت کند دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛

انسانهای این جوری تربیت کند... و تربیت یک چنین انسانهایی، یک چنین جوانهایی، پایه‌ی اصلی ایرانِ سربلند فردا و نیز تمدن نوین اسلامی است»؛ (، بیانات معظم له در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱). - <https://farsi.khamenei.ir/speech-4241?content?id=4241>

### - تأسیس فرهنگ مکتوب

«مهم ترین حرکت امام باقر علیه السلام جهت جامه عمل پوشیدن به تمدن نوین اسلامی، تأسیس فرهنگ مکتوبی است که جلوه های آن در دانشگاه امام صادق علیه السلام و آثار علمی متعدد آن بعداً نمودار شد. این تعبیر که رسانه ای شدن مفاهیم منجر به مهاجرت آن می شود، می تواند در توضیح حرکت امام باقر علیه السلام و تلاش ایشان برای ایجاد فرهنگ مکتوب و استفاده از کتاب که امروزه به عنوان یک رسانه نیز تلقی می شود، کارساز افتد. توصیه امام صادق علیه السلام نیز به شاگردان در مکتوب کردن، یکی از شیوه های مانایی علوم و در امان ماندن آن از گزند فراموشی و نابودی بوده است. با مکتوب کردن علوم، شخص از دانش یافته های علمی اش بر اثر فراموشی و مانند آن محروم نمی شود و نسل های بعد از دانش مکتوب بهره مند می شوند. امام صادق علیه السلام فرمود: هر آنچه می دانی، بنویس و آن را در بین برادرانت منتشر کن و موقعی که می میری، کتاب هایت را برای فرزندان به ارث بگذار. (ر. ک: جعفریان، ۱۳۶۹، ۳۵۷-۳۵۸). ایشان با تشویق شاگردان خویش به کتابت، سبب شد چهارصد کتاب و رساله در دوره های درس او تألیف شود. همچنین حضرت درباره حفظ کتاب ها و راه اندازی کتاب خانه ها، بسیار تأکید می فرمود. همه اینها سبب شد تا به وسیله امام جعفر صادق علیه السلام که بزرگ ترین دانشگاه زمان خود را تأسیس کرده بود، مهم ترین میراث فرهنگی در تاریخ اسلام محفوظ بماند و به دست آیندگان برسد (حکیمی، ۱۳۷۷، ۱۳۵).

### - احیای فرهنگ و تمدن اسلامی

هر چند سیاستِ جلوگیری از تدوین احادیثِ نبوی صلی الله علیه و آله با شعار «کافی بودن قرآن» پیش

می رفت، اما از عمل به قرآن خبری نبود و فقط از آن به صورت ابزاری برای جلوگیری از نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و زنده شدن نام آنها استفاده می شد. کتاب خدا به ابزاری برای دست یابی به اغراض سیاسی و سرکوبی پیروان اهل بیت علیهم السلام با تأویل و تفسیر به رأی، به ابزار سرکوبی مخالفین تبدیل شده و در واقع، قرآن در انزوای شدید بود. در روزگار امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و پیش از آنان نه تنها آیات قرآن درست تبیین و بدان عمل نمی شد؛ بلکه باتفسیر به رأی و تأویلهای نابجا از آن استفاده ابزاری می شد و درواقع قرآن به جای آن که در زندگی مردم حضوری پررنگ و مؤثر داشته باشد، در انزوا قرار داشت. در چنین اوضاع اسفناک، امام باقر علیه السلام در جایگاه بهترین مفسر قرآن با بازگو کردن تفسیر درست آیات، بسیاری از ابهام ها را زدود و مشت مخالفین و سودجویان را باز کرد. او همواره برای اثبات ادعاهای خود از آیات قرآن بهره می جست و کلام خدا را گواه بر سخن خویش می گرفت و می فرمود: «هر چه را می گویم از من سؤال کنید در کنجای قرآن آمده تا آیه مربوط به آن را برایتان تلاوت نمایم». (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۹). امام به اندازه ای بر آیات قرآن تسلط داشت که «مالک بن اعین جهنی» شاعر هم عصر امام درباره او سرود: «اگر مردم در صدد جست و جوی علوم قرآن بر آیند، باید بدانند که قریش بهترین دانای آن را دارد و اگر امام باقر علیه السلام در علوم قرآنی لب به سخن گشاید، فروع زیادی برای آن ترسیم خواهد نمود...» (ابن عنبة، ۱۳۶۲، ۱۹۵؛ مفید، ۱۳۸۰، ۲، ۲۲۶)».

امام صادق علیه السلام نیز در ادامه کاربرد بزرگوارشان، احیاگر فرهنگ اسلامی محسوب می شود؛ لذا فرهنگ اسلامی، مرهون تلاش های امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است که با نشر و بسط معارف اسلامی، پایه های فرهنگ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را استحکام بخشیدند و با پروراندن شاگردان ویژه و زبده در سراسر عالم، فرهنگ اصیل اسلام را منتشر ساختند. مالک بن انس از شاگردان معروف امام صادق علیه السلام می گوید: «وَمَا رَأَتْ عَيْنٌ، وَلَا سَمِعَتْ أُذُنٌ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، أَفْضَلَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، عِلْمًا، وَعِبَادَةً، وَوَرَعًا» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ص ۲۶۹)».

### – قانون مداری:

از مهم ترین راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی، اجرای دقیق قوانین الهی در جوامع بشری است. تحقیقات کتابخانه ای و میدانی حکایت از آن دارند که تمدن های بشری، همواره با چالش مهم نابرابری، تبعیض و عدم رعایت قانون مواجه بودند و چه بسا یکی از دلایل عمده سقوط آن ها، بی توجهی به اجرای دقیق قانون بوده است؛ اما اسلام با ظهورش، با نگاهی الهی، اصل مساوات و پیشگیری از تبعیض در اثر رعایت قانون را سرلوحه برنامه های انسان ساز خود قرار داد و توانست در مدت کوتاهی، تمدنی بزرگ را رقم بزند، نمونه کامل و مصداق بارز آن، جامعه نبوی است که رسول گرامی اسلام با شعار قانون گرایی، مساوات و از بین بردن تبعیض در اثر اجرای دقیق قانون، تلاشهای زیادی را به عمل آورد و جامعه ای قانونمند و متمدن را محقق کرد و آن را الگویی برای تمام جوامع بشری قرارداد؛ به همین رو رعایت قوانین در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، مورد تأکید اسلام است و در موارد گوناگونی مانند؛ تقسیم بیت المال، قضاوت و... قابل پیاده شدن است. پیامبر اکرم ﷺ با درک عمیق از نقش قانون و قانون مداری در تمدن سازی، فرمود: «أَمَّا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكَوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ»؛ (پاینده، ۱۳۸۲ ش، ۳۴۵ و بخاری، ۲۶۹، ۵، ۱۴۰۷)، نابودی مردم پیش تر از شما از آنجا بود که اگر سرشناسی دزدی می کرد، رهایش می ساختند و چون ناتوانی دزدی می کرد، مجازاتش می کردند. در رویکرد دینی، اجرای حدود الهی نسبت به افراد دور و نزدیک، و حکم بر طبق کتاب خدا در خشنودی و غضب و تقسیم عادلانه میان سیاه و سفید، عامل رستگاری دنیا و آخرت است. حاکم اسلامی نیز موظف به اجرای دستورات خدا در جامعه است.

مقصود از قانون مداری، حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه در جامعه و رعایت حقوق همه افراد می باشد؛ بنابراین، جامعه ای، قانون مدار و قانونگرا محسوب می شود که قوانین در آن کاملاً رعایت شوند و همه آحاد جامعه در برابر قانون، مساوی و رهبران آن قانون پذیرترین

افراد در جامعه باشند. (نوری، ۱۳۸۳، ۸۶).

قانون‌گرایی در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در جهت تحقق جامعه‌ای متمدن و قانونمند، از اهمیت و منزلت بالایی برخوردار بود. رسول‌گرامی اسلام، اجرای قوانین جزایی و کیفری اسلام (حدود) را بر متجاوزان به حریم قانون، بهتر از عبادت شصت سال و نیز برتر از بارش چهل شب باران بر زمین می‌دانست؛ چنان که فرمود: «حَدُّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ أَرْكَى مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً»؛ بر پا شدن يك حد [الهی] در روی زمین، پاکیزه‌تر از عبادت شصت سال است. (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۹۴، ۲۱۴).

در سیره علوی نیز موارد متعددی از قاطعیت آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اجرای قانون و پیش‌گیری از سوء استفاده اطرافیان و خویشاوندان وجود دارد که به یک نمونه اشاره می‌شود: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أُتِيَ بِالنَّجَاشِيِّ الْحَارِثِيِّ الشَّاعِرِ قَدْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَضْرَبَهُ ثَمَانِينَ ثُمَّ حَبَسَهُ لَيْلَةً ثُمَّ دَعَا بِهِ مِنَ الْعَدِّ فَضْرَبَهُ عِشْرِينَ سَوْطًا فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَرَبْتَنِي ثَمَانِينَ سَوْطًا فِي شَرْبِ الْخَمْرِ فَهَذِهِ الْعِشْرُونَ مَا هِيَ فَقَالَ هَذَا لِجُرْأَتِكَ عَلَى شَرْبِ الْخَمْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ»؛ (ابن بابویه، ۵۶، ۴، ق ۱۴۱۳)؛ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به نجاشی شاعر که در ماه رمضان شرب خمر می‌کند، حضرت، هشتاد ضربه شلاق به او می‌زند و علاوه بر آن یک شب او را حبس می‌کند و فردا هم بیست ضربه شلاق به او می‌زند؛ نجاشی به حضرت عرض می‌کند یا امیرالمؤمنین، هشتاد ضربه شلاق زدید، زیرا حد شرب خمر هشتاد ضربه شلاق است؛ اما یک شب من را حبس کردید و امروز هم بیست ضربه شلاق زدید، این مجازات مضاعف برای چه بود؟ حضرت فرمودند که این ۲۰ ضربه شلاق به خاطر این است که جرأت کردی تا در ماه رمضان شراب بخوری.

## ۲. فرهنگی:

### الف) عقلانیت اسلامی

از دیگر راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی، توجه به عقلانیت اسلامی است. عقل و عقلانیت در منظومه اندیشه دینی، مفهوم آشنایی است. در متون و نصوص اسلامی عقل و

تعقل مکرر مطرح شده است. این عقل را می توان عقل دینی یا اسلامی نامید که ویژگیهای ارزشی خود را دارد. با عقلی دیگر در زندگی عادی مردم روبه رو هستیم که تدبیر امور فردی یا اجتماعی می کند. ممکن است جهت گیری دینی هم نداشته باشد و حتی جهت گیری ضد دینی داشته باشد. در واقع، عنصری مدبر و گره گشاست و در چارچوب نظام هنجاری فاعل خود عمل می کند. خود، عنصری ارزشی نیست و ویژگیهای ارزشی معینی ندارد. (ن. ک: مجله حوزه، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۸۰، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴).

قرآن کریم بیش از سیصد بار به گونه های مختلف، انسان را به تفکر و تعقل دعوت کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۵، ۲۵۴). مهم ترین هدف پیامبران و رسولان الهی، تکامل عقلانی بشر است؛ چنان که پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «وَلَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعُقْلَ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱: ۳۰، ح ۱۱)؛ خداوند، هیچ پیامبر و رسولی را جز بر تکمیل خرد، مبعوث نفرمود.

همچنین برابر بیان امیرمؤمنان علی عليه السلام پی در پی آمدن پیامبران، برای این بود که خردهای پنهان شده مردم را از زیر گرد و غبارهای ضلالت بیرون آورند؛ چنان که حضرت می فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، ... وَبَثَّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱)؛ پس پیامبران را به میانشان فرستاد. پیامبران از پی یکدیگر آمدند تا از مردم بخواهند که خردهاشان را که در پرده غفلت، مستور گشته، برانگیزند.

و نیز اسلام به اندیشیدن بها داد، عقل و اندیشیدن را با عباراتی بی نظیر ستود، مسلمانی را با تفکر و تعمق عجین نمود و نیز انسان را به بهره گیری هرچه بیشتر از این نعمت الهی فراخواند و کسانی را که از آن استفاده نمی کنند با شدیدترین عبارات ها سرزنش کرد تا جایی که آنان را از حیوانات هم پست تر معرفی نمود؛ چنان که قرآن فرموده است: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَصْلُ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ»؛ (اعراف: ۱۷۹)، و در حقیقت، بسیاری از جتیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [چراکه]، دل هایی دارند که با آن [حقایق



را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند [آری] آنها همان غافل ماندگانند.

بی تردید دین مبین اسلام، تمدن ساز است و عقلانیت اسلامی در گذر از جامعه جاهلی و بدوراز تمدن نوین اسلامی و برای پایه ریزی و سامان دادن جامعه متمدن برآمده از زلال وحی و تعلیمات ناب پیامبر اسلام ﷺ، نقش ویژه ای را ایفا می‌کند. آن حضرت، جامعه ای را که مردم آن، دچار توحش شده و از تمدن، فرهنگ و آداب و رسوم جامانده بودند، با عقل‌گرایی و اندیشه ورزی به جایی رساند که فخر آدم و عالم شدند. عقلانیت اسلامی در برپایی جامعه متمدن، کارکردهای گوناگونی دارد که از جمله آنها نقش هدایتی است. از دیدگاه قرآن، عقل، نیرویی سالم و به دور از شهوت و غضب است که با درک حقایق، نیکی‌ها و زشتی‌ها، انسان را به سوی نجات از جهنم هدایت می‌کند؛ چنان که قرآن مجید می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۷ و ۱۸)؛ پیامبر، مژده ده به بندگان که به سخنان گوش فرا میدهند و بهترین سخن را پیروی میکنند. آنان هدایت یافتگان الهی و صاحبان خرد هستند.

نام این قسم از خرد اسلامی، عقل معاد است. یکی دیگر از اقسام آن، عقل معاش است که نقش آن مربوط به زندگی دنیا و چاره اندیشی درباره معضلات و مشکلات زندگی و تدابیر امور جاری حیات مادی برای تشکیل جامعه ای با تمدن نوین اسلامی است، تا آدمی را به حیات معقول رهنمون کند، این نوع عقل را عقل معاش می‌گویند؛ در این رابطه، حضرت امیر علیه السلام در روایتی تصویری زیبا از عقل معاش و معاد ارائه داده اند؛ چنان که فرمودند: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يَتَّجِعُ فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُرْمُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدَّتِّهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمُلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ حُظْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ»؛ [نهج البلاغه کلمات قصار، کلام ۳۹]؛ مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با پروردگارش به راز و نیاز است (عقل معاد)، ساعتی که در

آن زندگانی خود را کارساز است (عقل معاش)، ساعتی که در حلال و نیکو با لذت نفس، دمساز است و خردمند و عاقل را نسزد که جز در پی سه چیز رود: ۱. زندگی را سرو سامان دادن، ۲. در کار معاد گام نهادن، ۳. گرفتن کام از چیزهای غیر حرام.

مقام معظم رهبری در مورد این حوزه چنین فرموده اند: عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را برتفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا آن است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد. عقلانیت به معنای محافظه کاری، مسامحه و تساهل نیست. (بیانات معظم له، ۱۹/۴/۱۳۸۸).

#### ب) اجتهاد پویا و بالنده

تمدن سازی، فرایندی نیست که در خلا انجام پذیرد. همواره اقتضائات گریز ناپذیری وجود دارند که نمی توان با دیده بی اعتنایی به آنها نگرست. بویژه در مورد تمدن اسلامی که جهت گیری دینی دارد و روح آن را فرامین شریعت تشکیل می دهد و رسالت سنگینی را از حیث مواجهه دین با اقتضائات زمانه، بر عهده دانشمندان اسلامی می نهد. در مبانی کلامی اجتهاد، اثبات گردیده است که منابع دین که عبارتند از قرآن کریم، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و عقل توحید محور، پاسخگوی همه نیازهای بشری هستند؛ پس اگر دین ظرفیت پاسخ گویی به نیازهای فردی و اجتماعی را دارد، باید بتواند به نیازهای تمدنی که ساختارها و سیستم های اداره کننده جامعه بشری در بستر تاریخ هستند، پاسخی پایدار بدهد؛ به همین رو اجتهاد پویا و بالنده با همه ضوابط و شرایطش چشمه جوشانی است در دل فقه برای همگام کردن آن با رویدادهای زندگی در بستر زمان. چنین اجتهادی در همه زمینه ها بر اساس ملاکهای معتبر شرعی و سنجیدن ابعاد قضایای فردی، اجتماعی، جهانی، سیاسی، اداری، قضایی، حکومتی و... با در نظر گرفتن دو عصر زمان و مکان تحقق می یابد و این اجتهادی است که به فقه جامعه ساز و تمدن آفرین، در همه زمینه ها

عینیت می‌بخشد.

در تعبیری امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرَ فِيمَا تَعَلَّمَ اتَّقَنَ عِلْمَهُ، وَ فَهَمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ»؛ کسی که در آموخته‌هایش تفکر و تأمل نماید علم او از استحکام برخوردار است، و به آنچه برای وی، قابل فهم نبوده، دست می‌یابد (آمدی، ۱۳۷۷، ۲، ۲۹۸)، اشاره به اینکه: صرف آموزش علم کافی نیست، بلکه ساماندهی، تفکر در آموخته‌ها و اسلوب بخشی به آن و اجتهاد در این مسیر، علم را بارور و کارآمد می‌سازد.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

ما در زمینه‌ی علوم اسلامی هم باید پیشرفت پیدا کنیم. ما در زمینه‌ی فقه نیاز داریم به اینکه نگاه نویی را به مسائل فقهی مطرح کنیم. آنچه آقایان اشاره کردند - فقه‌های تخصصی - در این جهت است. در بخشهای مختلف اداری کشور و اداره‌ی جوامع بشری، فقه میتواند حرف تازه داشته باشد، فقه اسلام می‌تواند حرف نویی را ارائه کند و مطرح کند؛ باید در این زمینه‌ها کار کنیم؛ این کار فقه است، (بیانات رهبری در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»، ۱۳۹۷/۲/۲۲). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39581>

### ۳. اخلاقی:

#### الف) تقویت ایمان و اراده

مشارکت در اقدام بزرگ تحقق جامعه متمدن اسلامی، نیازمند اعتقاد و ایمان راسخ به دین، عزم و اراده‌ی قوی و طهارت نفسانی است. این درسی است که قرآن کریم به ما داده است؛ آن جا که می‌فرماید: «قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ (اعراف/۲۸)؛ موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین، ملک خداست، آن را به هر کس از بندگانش خواهد به میراث دهد، و حسن عاقبت، مخصوص اهل تقواست.

#### ب) تقویت حس کرامت

ارزش کرامت، در میان شبکه وسیع و بهم پیوسته ارزش های انسانی و الهی از موقعیتی ویژه بر خوردار است. از آنجایی که انسان پرتوی از عالم غیب و ملکوت است ریشه احساسات اخلاقی از همین ناحیه پیدا می شود. در مکتب اسلام تمام احساسهای اخلاقی از پیدا کردن خود، ظاهر می شوند. اخلاق در اسلام بر محور خود شناسی و احساس کرامت در خود واقعی بنا شده است. [ر.ک: مطهری، ۱۳۱۲، ۲۵].

تقویت بنیان کرامت از دو جهت می تواند در آفرینش تمدن نوین اسلامی مفید و موثر باشد؛ نخست اینکه در فرایند تمدن سازی، گاهی متغیرهایی مزاحم و اخلاص گر که هدفی جز تحقیر و بی هویت کردن جامعه پیشرو را ندارند، قد تقویت بنیان کرامت از دو جهت می تواند در آفرینش تمدن نوین اسلامی مفید و موثر باشد؛ نخست اینکه در فرایند تمدن سازی، گاهی متغیرهایی مزاحم و اخلاص گر که هدفی جز تحقیر و بی هویت کردن جامعه پیشرو را ندارند، قد علم می کنند. در برابر این متغیرها که عمده آنها از سوی مهاجمان فرهنگ خودی طراحی می شوند تنها با توسل به عامل ارزشی کرامت، می توان ایستادگی و مقاومت نمود. بدیهی است؛ جامعه کریم هیچگاه تن به انواع زبونی ها اعم از علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نمی دهد و ناامیدی و وابستگی را بر نمی تابد. از دیگر سو، با تقویت کرامت، هسته مرکزی فرهنگ یعنی نظام ارزشها، استحکام درونی پیدا می کند و نمود بیرونی فرهنگ یعنی عمل ها و عکس العمل ها، رو به بهبود و ثبات می رود. به تدریج، با استمرار رفتارهای ارزش مدار، فضای مولد و رشدآور بر جامعه حکمفرما می شود. نظام سلطه جهانی برای ممانعت از تقویت هویت دینی و ملی، از دیرباز، با طراحی سناریوهای مختلف در صدد ایجاد فضایی یاس آور در میان ملتی که احساس حقارت کرد و به جای «جوامع اسلامی و در راس آنها، جامعه اسلامی ایران است. دشمن به خوبی می داند. محور دیدن ارزش های خویش، ارزش های دیگران در نگاه او جلوه نمود، به تدریج هویت و کرامت آن ملت و امت از کف خواهد رفت. سران استکبار و تمدن مادی همواره خواسته اند ملت های مومن و امت ایمانی را به نقطه ای برسانند که در مقابل ارزش های آنها احساس

حقارت کنند. البته در طول تاریخ تحقیر ملت ها، شیوه ها و شکل های متفاوتی داشته است؛ که در دوره بعد از رنسانس بسیار پیچیده تر و به خصوص بعد از انقلاب صنعتی و فراگیر شدن محصولات صنعتی، بستر آن، فراهم تر شده است. [میرباقری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۱۱، نوآوری و تمدن سازی اسلامی، وبلاگ شخصی].

### ج) شرح صدر

داشتن سینه ای گشاده و ظرفیت بالا، از اخلاقیات پسندیده فردی و اجتماعی است که در آیات و روایات به آثار متعدد آن اشاره شده است. بدون تردید، انجام دادن هر کاری نیاز به ابزار مخصوصی دارد که توجه به آن ابزار، در پیشبرد کارها ضروری است. مدیریت و رهبری انسان ها نیز چه در یک سازمان کوچک اجتماعی و چه در سطح جامعه، نیاز به ابزارها و روش های ویژه ای دارد که بی توجهی به آن ابزارها یا در اختیار نداشتن هر یک از آنها، مانع تحقق اهداف می شود. یکی از بهترین ابزارهای مدیریت، داشتن سعه صدر است. مدیری می تواند به خوبی رهبری گروه یا سازمانی را برعهده گیرد که سعه صدر داشته باشد خداوند، یکی از مهم ترین ویژگی های اخلاقی پیامبر اسلام ﷺ را - که در تشکیل جامعه متمدن اسلامی موفق بود - سعه صدر فوق العاده آن حضرت نام برده است؛ چنان که در سوره انشراح در آیاتی چند از آن یاد کرده و می فرماید: «أَلَمْ نُنشِرْ لَكَ صَدْرَكَ»؛ (ای رسول گرامی) آیا ما تو را (به نعمت حکمت و رسالت) شرح صدر (و بلندی همت) عطا نکردیم؟ و نیز در آیات متعددی به پیامبر و مسلمانان دستور داده شده است که با غیر مسلمانان با سعه صدر و ملاحظت برخورد شود تا آنان را به شنیدن سخن حق، تشویق کند. رسول گرامی اسلام در این رابطه می فرماید: «أَعْقِلُ النَّاسِ أَشَدَّهُمْ مَدَارَةً لِلنَّاسِ، وَ أَدْلُ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ»؛ (شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ۱۰، ۴۴۱)؛ عاقل ترین مردم کسی است که بیشتر با دیگران مدارا کند، و خوارترین مردم کسی است که آنان را مورد تحقیر و توهین قرار دهد. و نیز علی علیه السلام فرمود: «أَلَّةُ الرِّيَاسَةِ، سَعَةُ الصَّدْرِ» (نهج البلاغه / حکمت ۱۷۶).

## الف) تحکیم بنیان خانواده

از مهمترین ابزارهای اجتماعی برای تخریب خانواده در تمدن غربی، گسترش فساد اجتماعی اعم از راهها و روشهای ضدفرهنگی است؛ از جمله آنها، گسترش فساد جنسی در جامعه است. فیلمهای ویدیویی، برنامه های تلویزیونی، ماهوارها، مجلات و تصاویر مبتذل، کاتالوگ کالاهای لوکس و تبلیغات روانی که از این ابزارها نشأت میگیرد، همگی سعی دارند تا قشر جوان جامعه ما را در فساد جنسی فرو برند و بدینوسیله آنان را از اهداف معنوی و فرهنگی انقلاب اسلامی منحرف کنند. (ر.ک: فلسفی: بی تا، ۱، ۳۳).

آیات متعددی از قرآن کریم و نیز روایات زیادی از معصومان علیهم السلام راههای گوناگونی را برای تحکیم روابط خانوادگی پیشنهاد داده اند؛ مانند حُسن معاشرت؛ چنان که قرآن مجید می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (النساء/۱)، ای مردم! از مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خَلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. نیز از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترف هستید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید! (و نیز از قطع رابطه با) خویشاوندان خود پرهیز کنید؛ زیرا خداوند مراقب شماست. و نیز مشاوره و همکاری اعضای خانواده با یکدیگر؛ چنان که علی علیه السلام فرمود: «وَلَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ» (ابن شعبه حرّانی ۱۴۰۴ / ۹۴)؛ هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست.

رهبر معظم انقلاب در باره نقش خانواده در سلامت جامعه فرمود:

«مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلولها چیز دیگری نیست. هر جهازی،

مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد» [، بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰]. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۴۵۳>

### ب) همراه کردن دیگران با خود

برای تحقق تعامل اجتماعی و ارتباط مؤثر با مردم در قدم اول شایسته است بکوشیم این رسالت بزرگ و متعالی امر بمعروف و نهی از منکر را برای دوستان، نزدیکان و افراد جامعه‌ی خود تبیین کنیم، تا آنان نیز نسبت به این مسئولیت مهم آگاه شوند و یار و پشتیبان آن گردند و در تحقق آن بکوشند؛ چنان که قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «يَوْمُنَّوَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ (آل عمران / ۱۱۴)، ایمان به خدا و روز قیامت می‌آورند و امر به نیکویی و نهی از بدکاری می‌کنند و در نکوکاری می‌شتابند و آنها خود مردمی نیکوکارند.

هدف‌های سه‌گانه‌ی مطرح شده در این آیه، از بزرگ‌ترین خیرها در جهان امروز می‌باشند، که شایسته است دیگر مردم جامعه را به آن‌ها دعوت کنیم و با خود همراه نماییم؛ چنان که امامان معصوم علیهم‌السلام از جمله امام حسین علیه‌السلام تلاشهای زیادی را به عمل آوردند تا مردم زمانشان از آنان پیروی کنند؛ اما همواره عده کمی پاسخ مثبت می‌دادند؛ اما آن بزرگواران از انجام مسؤولیتهای لازم دست برنمی‌داشتند.

مقام معظم رهبری در باره کارآمدترین شیوه تعامل اجتماعی چنین فرمودند:

«اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است» (، بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۵۰۹/۱۳۷۹> ۳۰۴۰)

۵. سیاسی:

الف) انسجام و وحدت بین مسلمانان:

وحدت و همبستگی از علائم حیاتی یک اجتماع می باشد. با توجه به گسترش دنیای اسلام و اینکه جمعیت مسلمانان بیش از یک میلیارد نفر و روز به روز در حال افزایش است، طبیعی است که دشمنان اسلام نیز بیشتر میشوند و بیکار نمیشینند و با نیرنگها و دسیسه ها باعث تفرقه و از بین بردن اتحاد بین مسلمین میشوند؛ از این رو باید عوامل وحدت مسلمین را شناسایی و با راهکارهای درست و بجا به کار بست و استفاده نمود تا روابط بین آنها تحکیم شود و احدی نتواند زنجیر پیوند آنها را از هم بشکند و از بین ببرد.

قرآن کریم در آیات متعددی، با تعابیر مختلفی بر وحدت و انسجام اسلامی تأکید و مسلمانان را به وحدت و انسجام سفارش نموده است. قرآن کریم امت اسلامی را از تمام اختلافها و تفرقه‌های که مانع وحدت و رشد و تکامل، تمدن ساز است نهی کرده است و بدون شک اگر تمامی ملل اسلامی مطابق با آموزه های قرآن عمل کنند، زمینه های نفاق و تفرقه از میان برداشته می شود و مسیر برای تحقق وحدت اسلامی فراهم می شود؛ چنان که می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ (آل عمران / ۱۰۳)؛ و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می کند، باشد که هدایت شوید.

امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان یک روشنفکر مذهبی و یک مسلمان واقعی تمامی جوانب را در نظر گرفته و برای امت اسلامی تلاش میکرد. اندیشه وحدت از دیدگاه امام خمینی وسیله و ابزار اصلی نفی سبیل و سلطه غیر مسلمان بر امت اسلامی بوده و وحدت رمز پیروزی و بقای امت اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۳۱۱، ۱)؛ از جمله چیزهایی که بر ای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مستکبران جهانخوار لازم به تذکر



است آن است که نوعاً قدرتها ی ستمگر از راه ارباب و تهدید یا بوسیله بوقهای تبلیغاتی خودشان و یا بوسیله عمال مزدور بومی خائن شان مقاصد خود را اجرا می کنند در صورتی که اگر ملتها با هوشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند موفق به اجرای آن نخواهند شد، (همان، ۱۱).

### ب) ایستادگی و مقاومت

اصل ثبات قدم، استواری و استقامت یکی از راهکارهای مهم برای ساختن ساختمان محکم تمدن نوین اسلامی است. پایداری و مقاومت می تواند هم در تکوین و بوجود آمدن (علت محدثه) وهم در رشد و گسترش (علت مبقیه) تمدن نوین اسلامی ایفای نقش کند. استقامت به معنای ایستادگی در مقابل دشمن، از ضروریات شرع و از لوازم زندگی بشر است. دعوت به ایستادگی در آیات و روایات، از جایگاه گسترده و رفیعی برخوردار است؛ چنانکه در قرآن کریم دویار به پیامبر اسلام فرمان استقامت داده شده است؛ آنجا که می فرماید: «فَلِذَلِكَ فَادِعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ»؛ (شوری / ۱۵) پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچنان که مأمور شده ای استقامت نما. و نیز می فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»؛ (هود / ۱۱۲) پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد. در این آیه، پیروان پیامبر اکرم نیز برای ساختن جامعه ای با تمدن نوین اسلامی به استقامت مکلف شده اند. در همین رابطه، در بزرگی و دشواری استقامت از پیامبر اسلام روایت شده است که خطاب «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» آن حضرت را پیر کرده است [ر.ک: طبرسی، ۵، ۳۰۴؛ ۱۳۷۲، فیض کاشانی، ۲، ۹۷۱؛ ۱۳۷۷، تفسیر قرطبی، ۹، ۲، ۱۴۲۳].

امام خمینی رحمته الله علیه در باره نزول این آیه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

روایت شده است از پیغمبر اکرم که شَبَّثْنِي سَوْرَةُ «هُودٍ» لِمَكَانِ هَذِهِ الْآيَةِ. در سوره «شورا» هم این آیه آمده است. حضرت نفرمود سوره «شورا»؛ فرمود سوره «هود»؛ برای اینکه در سوره «هود» وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ است؛ یعنی چون استقامت ملت را هم به عهده من گذاشته

است، که مستقیم باش و هر که با توسل مستقیم باشد، این من را پیر کرد. (صحیفه امام خمینی، ۹، ۴۷۹؛ ۱۳۸۹).

پیامبران دیگر نیز به پایداری دعوت شده اند؛ چنان که قرآن کریم در مورد موسی و هارون علیهم السلام می فرماید: «قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (یونس: ۸۹)، خدا فرمود: دعای شما مستجاب شد، پس هر دو استوار و پا برجا باشید و از راه مردم جاهل پیروی نکنید.

### ۶. اقتصادی:

از آنجا تشکیل جامعه ای متمدن اسلامی بدون رشد اقتصادی ممکن نیست و رشد اقتصادی به معنای رسیدن به همه بایسته ها و شایسته ها در فعالیت ها و مسائل اقتصادی است، به طور طبیعی از دیدگاه قرآن و روایات، این امر از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار است؛ زیرا از نظر قرآن، اقتصاد مایه قوام اجتماع بوده و ستون اصلی آن را تشکیل می دهد؛ چنان که می فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْشُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ (نساء، آیه ۵)؛ و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوید.

در ارزش و اهمیت مسائل اقتصادی و لزوم رشد و شکوفایی آن همین بس که امور اقتصادی و معیشتی مردم، جایگاهی مهم در تراز مسائل اعتقادی و عبادی دارد؛ (ر. ک: بقره، آیات ۳ و ۴۱ و ۴۳ و ۸۳ و ۱۷۷ و ۲۷۷؛ نساء، آیه ۳۹؛ انفال، آیات ۲ و ۳)؛ زیرا از نظر قرآن، تأمین سعادت واقعی انسان در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی است (ر. ک: اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیات ۸۴ تا ۸۶) به طوری که همه پیامبران برای تأمین عدالت برانگیخته می شوند که یکی از مهم ترین آنها عدالت در امور اقتصادی است؛ چنان که می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ...» (حدید / ۲۵).

در این میان، پیامبر مکرم و معظم اسلام ﷺ مأمور می‌شود تا در سطح برتر وارد عمل شده و در مقام مکارم اخلاقی مردم را به جایگاهی از عدالت خواهی برساند که همه هستی و هویت وجودی آنان قسط خواهی و سهم خواهی باشد؛ زیرا خدا قسط خواهی را به عنوان مقوم و مؤلفه اصلی ذاتی مومنان قرار داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ»؛ (مائده، آیه ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! برای خدا به عدالت بسیار با استواری برخیزید و به عدالت شهادت دهید.

برای تحقق راهکار اقتصادی در جهت تشکیل جامعه ای متمدن، عوامل زیر لازم است:

#### الف) امنیت

مهم ترین عامل در تحقق رشد اقتصادی و شکوفایی آن، وجود امنیت در اجتماع است؛ زیرا فقدان امنیت و وجود ناامنی به معنای فرار سرمایه‌ها بویژه منابع مدیر و متخصص آن خواهد بود. از همین رو قرآن، امنیت و آرامش اجتماعی - سیاسی را از مهم ترین عوامل رسیدن به رشد اقتصادی دانسته است؛ چنان که می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»؛ (بقره، آیه ۱۲۶)؛ و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا، این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و اهلش را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده‌اند از انواع روزیها بهره‌مند ساز، خدا فرمود: و هر که (با وجود این نعمت) سپاس نگذارد و راه کفر پیماید گر چه در دنیا او را اندکی بهره‌مند کنم، لیکن در آخرت ناچار معذب به آتش دوزخ گردانم که بد منزلگاهی است.

رهبر معظم انقلاب در رابطه با لزوم امنیت در فعالیتهای اقتصادی مردم یک جامعه

فرمود:

«مردم در نظام جمهوری اسلامی باید احساس کنند که جان و مال و فرزندان و ناموس و فکر و عقیده و سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی‌شان برخوردار از امنیت است»؛

بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران. <https://www.rahkar-hay.com/1380/2/28>

۳۰۶۶//farsi.khamenei.ir/speech-content?id=

### ب) کار و تلاش

کار و کارگری از مهم‌ترین عوامل رشد و پیشرفت اقتصادی است؛ زیرا انسان در دنیا و آخرت، از تلاش و کوشش خویش، بهره‌مند است؛ و برای انسان چیزی جز آنچه سعی می‌کند نیست؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ (نمی‌داند) اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود؟، (نجم، آیه ۳۹)، از نظر قرآن، کار و تلاش بر روی زمین، عامل تأمین روزی و زندگی انسان است؛ به طور طبیعی کار بیشتر به معنای بهره‌مندی از فضل الهی است که فراتر از رزق معمولی که تقسیم شده است خواهد بود. (ملک، آیه ۱۵؛ اسراء، آیات ۱۲ و ۶۶؛ قصص، آیه ۷۳).

رهبر معظم انقلاب در رابطه با گسترش فرهنگ کار جامعه فرمود:

«هرچه بتوانید فرهنگ کار و تلاش و حضور در عرصه‌ی کار و سنگر کار را گسترش بدهید، خیلی خوب است؛ این به حرکت جامعه و نشاط جامعه کمک خواهد کرد.» ۱۳۸۹/۱/۱۶، بیانات رهبری در دیدار جمعی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9102>

۹۱۰۲//farsi.khamenei.ir/speech-content?id=

### نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب گذشته می‌توان چنین نتیجه گرفت:

تمدن اسلامی که به مجموعه‌ی آداب و رسوم مشترک میان ملت‌های مسلمان برگرفته از قرآن و سنت گفته می‌شود، برای تحقق آن، راه هکارهای گوناگون قرآنی و حدیثی وجود دارد؛ مانند:

۱. اعتقادی که از موارد آن توحید محوری و گرایش به وحدت مبتنی بر توحید است و دیگری ولایت است که از بنیادی‌ترین مسایل دینی و نیز بالاترین نقطه هرم تمدن اسلامی است که از جایگاه بلند اعتقادی و محتوای عمیق ارزشی برخوردار می‌باشد. هیچ تحول

اساسی در اسلام خارج از فضای ولایی رخ نمی‌دهد.

۲. اسلام با ظهورش، با نگاهی الهی، اصل مساوات و پیشگیری از تبعیض در اثر رعایت قانون را سرلوحه برنامه های انسان ساز خود قرار داد و توانست در مدت کوتاهی، تمدنی بزرگ را رقم بزند، نمونه کامل و مصداق بارز آن، جامعه نبوی است که رسول گرامی اسلام با شعار قانون گرایی، مساوات و از بین بردن تبعیض در اثر اجرای دقیق قانون، تلاشهای زیادی را به عمل آورد و جامعه ای قانونمند را محقق کرد و آن را الگویی برای تمام جوامع بشری قرارداد.

۳. از راهکارهای دیگر تحقق تمدن نوین اسلامی، پیاده کردن ارزشهای اخلاقی؛ مانند تقویت ایمان، اراده، حس کرامت و شرح صدر است. و راهکارهای دیگر اجتماعی است که مشتمل بر تحکیم خانواده، همراه کردن دیگران با خود می باشد.

۴. همچنین راهکارهای اقتصادی برای تشکیل جامعه متمدن اسلامی که نمونه آن وجود امنیت در جامعه و تلاش و سخت کوشی آحاد مردم آن می باشد.

۵. اصل ثبات قدم، استواری و استقامت و انسجام و وحدت بین مسلمانان از راهکارها ی سیاسی و نیز اصول مهم برای بنای ساختمان محکم تمدن نوین اسلامی است.

۶. توجه به عقلانیت اسلامی و اجتهاد پویا و بالنده از دیگر راهکارها ی فرهنگی پی ریزی تمدن نوین اسلامی است. دین مبین اسلام تمدن ساز است و عقلانیت اسلامی در گذر از جامعه جاهلی و بدوراز تمدن نوین اسلامی و نیز با برخورداری از فقه های تخصصی سنتی، احیاگر و اجتهاد پویا برای پایه ریزی و سامان دادن جامعه متمدن برآمده از زلال وحی و تعلیمات ناب پیامبر اسلام ﷺ، نقش ویژه ای را ایفا می نماید.

### فهرست منابع:

- \* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
- \* نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.
۱. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه سید رسول هاشمی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ش.
  ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
  ۳. ابن حجر العسقلانی، الإصابة فی تمييز الصحابة، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق، چاپ: اول.
  ۴. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل الرسول، چ پنجم، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۴.
  ۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير، مؤسسة التاريخ العربي، بیروت، ۱۴۲۰ق.
  ۶. ابن عنبة، احمد بن علی، عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب. مصحح: محمد حسن آل طالقانی، (ج ۱). قم - ایران: الشریف الرضی، ۱۳۶۲.
  ۷. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱ش.
  ۸. بحرانی، مرتضی، یاد داشت: نسبت تمدن و قرآن، ۱۳۹۴، خبرگزاری مهر.
  ۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۷.
  ۱۰. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
  ۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، مؤسسه دار

- الکتاب الاسلامی، ۱۴۲۹ ق.
۱۲. جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، محقق: نجف، مهدی، ص ۲۷، قم، نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. حکیمی، محمدرضا. بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۵. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۷۳/۰۶/۲۹)، [www.leader.ir](http://www.leader.ir). بیانات ایشان در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، در پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ ش، بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش.
۱۷. [www.leader.ir](http://www.leader.ir)، 1391/7/23، بیانات ایشان در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، در پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری به آدرس:
۱۸. [www.leader.ir](http://www.leader.ir)، ۱۳۷۵ / ۱۱ / ۲۱، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران نظام به مناسبت عید غدیر.
۱۹. ۱۳۷۸ / ۷ / ۱۵، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر.
۲۰. خمینی، روح الله، صحیفه امام، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران ۱۳۸۹ ه. ش، چاپ پنجم.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۳۸۷.
۲۳. سپهری، محمد، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹.

۲۴. شریعتی، علی، مجموعه آثار (تاریخ تمدن)، ج ۱۱، ص ۱۲ - ۱۳، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی، ۱۳۵۹ ش.
۲۵. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۶۲، زندگانی امام صادق سلام الله علیه، تهران، جامعه الامام الصادق.
۲۶. صاحب الزمانی، ناصرالدین، بی تا، سهم اسلام در تمدن جهانی، تهران، بعثت.
۲۷. صمدی، قنبرعلی، مقاله تمدن اسلامی، مفهوم، ویژگی ها و بایسته ها، همایش بین المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، برگزار کننده: جامعه المصطفی العالمیه، تاریخ برگزاری: ۹ آذر ۱۳۹۶، محل برگزاری: مشهد.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی، محمد باقر، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: قم، ۱۳۹۰ ه. ش، چاپ: ۲.
۲۹. طبرسی، فضل بن الحسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم - ایران: موسسه آل البيت علیهم السلام، لإحياء التراث، ۱۴۱۷.
۳۰. -، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ه. ش.
۳۱. عباس نژاد، محسن. قرآن و اقتصاد. مشهد: مؤسسه انتشارات بنیاد پژوهش های قرآن، حوزه و دانشگاه.
۳۲. عبدالحمیدی، علی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۵ ش، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۵ ه. ش قم، چاپ اول
۳۳. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ج ۲، ص ۷۸، انتشارات دار الملائک، بیروت، ۱۴۱۹ ه. ق، چاپ اول.
۳۴. فلسفی، محمد تقی، جوان، هیئت نشر معارف اسلامی، بی تا.
۳۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، علم یقین، محقق: بیدارفر، محسن،



- انتشارات بیدار، قم، ۱۳۷۷.
۳۶. قانع، احمد علی (۱۳۷۹) علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۷. قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين، الجامع لأحكام القرآن، محقق: هشام سمير البخاري، انتشارات دار عالم الكتب، الرياض، المملكة العربية السعودية ۱۴۲۳ ه.ق.
۳۸. کریمی نیا، محمد مهدی، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۶ ش.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره ای، چاپ هشتم، تهران، انتشارات اسوه.
۴۰. گلشنی، مهدی، علم و دین و معرفت، نشر جعفری، تهران، ۱۳۷۳.
۴۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، محقق / مصحح: جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، چاپ دوم.
۴۲. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، چاپ سوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۱.
۴۳. مصداق، پایگاه تخصصی اندیشه ولایت، درسنامه راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸.
۴۴. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۱۲ ش.
۴۵. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱، ش.
۴۶. مفید، محمد بن محمد نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. مصحح: محمد باقر ساعدی، مترجم، محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۴۷. ملکی حسن، ملکی یاسر، ۱۳۹۲، تعامل اخلاق، معنویت، عقلانیت و تمدن نوین اسلامی، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره: ۱۷، شماره: ۴.

۴۸. موسوی خمینی، روح الله. ۱۳۱۱. صحیفه نور. تهران. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۹. نوری، محمد موسی، قانون مداری در سیره نبوی، مجله معرفت، ۱۳۸۳ شماره ۸۶.
۵۰. هوشیار، محمد باقر، اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ ش.

---

## معنویت و اخلاق در تمدن نوین اسلامی

---

حدیث محمدی (نویسنده مسئول) -<sup>۱</sup> طلعت حسنی بافرانی -<sup>۲</sup> زهرا محمودی<sup>۳</sup>

### چکیده

معنویت بر آمده از مرجعیت ایدئولوژی، شاخصی است که می توان گفت یکه تاز قدرت نمایی نظریه تمدن سازی اسلامی است و بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان بیانیه تمدن ساز عینیت بخش این سبک از تمدن در میان تمدن نوین جهانی با سبک لائیک است. قدرت گفتمان تمدن اسلامی برآمده از تعلیمات قرآن و سنت است؛ از اینرو هدف بحث پیش رو را بررسی مبانی تقویت و تضعیف کننده معنویت خودساز، جامعه ساز و تمدن ساز از دیدگاه قرآن با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب شکل می دهد. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از رهنمودهای رهبری و آیات قرآن گرد آوری شده است. یافته های تحقیق پس از واکاوی مفهومی و هم سو بودن معنویت با هدایت به نور در قرآن در بخش عوامل تقویت کننده شامل: ایمان به خدا، تقوا، عمل صالح، تربیت اخلاقی و

---

۱. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه قم

(ordybehesht1395@yahoo.com)

۲. دکتری الهیات t.hasani16@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری الهیات zahra.mahmudi.m@gmail.com

حاکمیت الهی در جامعه و در بخش تضعیف کننده شامل: دنیاگرایی، گناه و فعالیت کانونهای ضد معنویت است و این عوامل با مضامین پایه در رهنمودهای رهبری و شواهد قرآنی منطبق شده است.

کلید واژه ها: معنویت و اخلاق، بیانیه گام دوم انقلاب، خود سازی، جامعه سازی، تمدن سازی

## مقدمه

همزمان با آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی ایران، رهبر انقلاب در بیانیه ای آینده نظام را با طی کردن پله های خودسازی و جامعه سازی به تمدن سازی پیوند زدند، ایشان در این بیانیه هفت راهبرد برای رسیدن به این مقام را مطرح کردند که یکی از موارد مطرح شده موضوع «معنویت و اخلاق» است. در منظومه فکری امام خامنه ای که مبتنی بر آموزه های توحیدی است معنویت، منفعل و فردی نیست و پیوند خورده با عدالت و عقلانیت (امام خامنه ای ۱۳۸۳/۸/۲۵) و در نتیجه ظلم ستیزی و جامعه سازی است. (امام خامنه ای بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸. [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=jane dyson, \(](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=jane%20dyson) ) سکولار) وارد شده است. (jane dyson, 1997, 1183) و مفهومی غیر از تمایل انسان به تعالی به دست نمی دهد (کینگ، اورسولا، ۷۴) و جایگاهی بهتر از معنویت فردی نیافته است. اما نگاه جامعه ساز بیانیه گام دوم انقلاب، معنویت و اخلاق را فراتر از فرد معرفی می کند و مسیر خود را از دیدگاه غربی کاملاً جدا می سازد. در این دیدگاه است که عدالت و ستم گریزی معنا می یابد و معنویت از حالت منفعل به حالت فعال تغییر وضعیت می دهد. لذا پاسخگویی به چیستی معنویت تمدن ساز و عوامل تقویت کننده و تضعیف کننده آن گامی موثر در رسیدن به چشم انداز بیانیه گام دوم انقلاب است.

با توجه به جایگاه ویژه معنویت و اخلاق در معارف اسلامی، فرضیه ی تحقیق، تحلیل عوامل دستیابی به معنویت و اخلاق بر اساس مفهوم معنویت در قرآن و همچنین رهنمودهای رهبری با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان راهبرد دستیابی به این هدف عالی در نظر گرفته شد. در قرآن کریم، به جایگاه بلند هدایت به نور و زیر چتر ولایت قرار گرفتن افرادی که به این هدایت قدم می گذارند اشاره شده است (بقره: ۲۵۷) و لازمه رسیدن به حیات واقعی همین هدایت به نور است (نحل: ۹۵) لذا معنویت مورد نظر قرآن با دو کلید

واژه هدایت به نور و حیات طیبه در ارتباط است و می توان برخی عوامل تقویت کننده و تضعیف کننده معنویت و ثمره آن یعنی اخلاق را با ارتباط آیات با یکدیگر بدست آورد. (آیه ۲۵۷ بقره ایمان، نور: ۳۵ و بقره: ۲ تقوا.....) از سوی دیگر با توجه به اینکه نگاه جامعه ساز امام خامنه ای که خود در جایگاه رهبری، مفسر قرآن می باشد علاوه بر بیان برخی مختصات معنویت خودساز و جامعه ساز موجب شناسایی بهتر عوامل تقویت و تضعیف کننده در سطح جامعه می شود که آن نیز قابل تطبیق با دو کلید واژه هدایت به نور و حیات طیبه است.

بر اساس فرضیه و هدف تحقیق، سوال اصلی تحقیق عبارت است از: «علاوه بر واکاوی مفهومی معنویت از منظر قرآن، معنویت و اخلاق مورد نظر امام خامنه ای که در جهت خودسازی و جامعه سازی و سپس تمدن سازی نقش ایفا می کند کدام است؟» سوالات فرعی تحقیق عبارت است از: «معنویت خودساز و جامعه ساز از منظر امام خامنه ای چه ویژگی ها و مختصاتی دارد؟» «عوامل تقویت کننده معنویت و اخلاق خودساز و جامعه ساز چیست؟» «عوامل تضعیف کننده معنویت و اخلاق خودساز و جامعه ساز چیست؟»

این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی و با جستجو در منابع کتابخانه ای انجام شده است. در مسیر تحقیق بعد از تبیین لغوی مفاهیم اصلی، ماهیت شناسی «معنویت» به عنوان مبنای نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و پس از انطباق این ماهیت با تعبیر قرآنی آن در آیات مرتبط با حوزه معنویت جستجو شده است و سپس آیه یافت شده با روش تحلیل محتوا، بررسی شده و بر اساس دلالت مطابقی و یا التزامی آن، عوامل تقویت و تضعیف کننده معنویت استخراج و استنباط شده و با رهنمودها و ویژگیهای مورد نظر رهبری در زمینه معنویت و اخلاق خودساز و جامعه ساز منطبق گشته است.

#### پیشینه

در تحقیقات بسیاری به مفهوم یابی معنویت در قرآن پرداخته شده است: سلوک معنوی در قرآن (سعیدی، ۱۳۹۳)، مدل مفهومی معنویت قدسی در قرآن (رستگار، ۱۳۹۴)، اصول و

مبانی معنویت از دیدگاه قرآن (مصباح یزدی، ۱۳۸۸) و.... که هر کدام معنویت را به یک نوع خاص تعریف می کنند همچنین در زمینه جایگاه معنویت و اخلاق در تمدن اسلامی نیز تحقیقات جسته و گریخته ای انجام شده است: تعامل اخلاق، معنویت و عقلانیت در تمدن اسلامی (ملکی، ۱۳۹۲)، مولفه های اصلی تمدن سازی انقلاب اسلامی (خواجه سروی، ۱۳۹۳) و ضرورت نگاه تمدنی به معنویت (ایزدپناه، ۱۳۹۳) تحقیقاتی از این دست است اما به طور مشخص، در مورد مفهوم معنویت خودساز و جامعه سازو عوامل تقویت و تضعیف آن براساس قرآن و رهنمودهای رهبری تحقیق جامعی یافت نشد و این تحقیق از این جهت دارای نوآوری است.

### مفهوم شناسی

#### الف) معنویت

واژه معنویت از کلمه المعنوی (عنی) گرفته شده و به معنای منسوب به معنا در مقابل مادی (بستانی، ۱۳۷۶، ۱: ۸۴۲) و لفظی قرار می گیرد و در بردارنده معانی حقیقی، راست، اصلی و ذاتی، مطلق و باطنی و روحانی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۴: ۲۱۱۹۰). مقایسه اللغه این واژه را دارای سه معنا، قصد چیزی با حرص و رغبت فراوان، در بردارنده معنای خضوع و ذلت، ظهور و بروز شیء، دانسته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ه. ق. ۴: ۱۴۶) اما در باب مفهوم اصطلاحی واژه معنویت، بشر از آغاز زندگی خود به نوعی با معنویت زیسته است اما در قرنهای اخیر پس از یک دوره دوری انسان از معنویت باز این مفهوم به دلیل بروز تبعات مدرنیسم و انقلاب های مردمی و دینی مانند انقلاب اسلامی ایران در انواع مختلف دینی و سکولار به گفتمان جهانی وارد شده است. در دوران سنت همه یا عمده معنویت ها در قالب دین داری، محقق و موجود می شد، اما امروزه در دوران پست مدرن معنویت برای تحقق خود، از یک دین واحد بهره نمی گیرد بلکه گلچینی از دین های سنتی، عرفان ها، روانشناسی، علوم غریبه، شمنیسم و مکاتب اومانیستی است. (۳۰۵ - ۳۲۰، Houtman, Dick 2007) بنابر آنچه بیان شد معنویت از نظر اصطلاحی واژه ای نوپدید با

گسترده‌گی معنایی محسوب می‌شود به طوریکه در طی چند دهه گذشته هر گونه معناگرایی در هر رشته دینی و غیر دینی خود را به اسم معنویت معرفی می‌کند. (الهامی نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۲) بنابراین به زعم عده ای معنویت لزوماً به معنای دین داری نیست و از این رو معنویت به دو قسم دینی (و حیانی) و غیر دینی (سکولار) تقسیم شده است و این معناگرایی گسترده در معدود مواردی سبب رهایی انسان از ظلم، خودسازی و جامعه سازی شده است که نمونه ای عینی از آن همان انقلاب اسلامی ایران است. (حمیدیه، بهزاد، ۱۳۹۵، ص ۸)

### ب) اخلاق

خُلُق در لغت به معنای دین، طبع و سجیه که حقیقتش برای باطن انسان است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۸۶) و اخلاق مجموعه صفات باطنی انسان تعریف شده است. (جوهری، ۱۴۰۷ ق: ۴ / ۱۴۱۷) علامه طباطبایی آورده اند کلمه خُلُق به معنای ملکه نفسانی است، که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سر می‌زند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۶۱۸) و از منظر علم اخلاق واژه اخلاق اعم از صفات پایدار و ناپایدار و کارهای قابل تحسین و تقبیح است (مصباح، ۱۳۹۸: ۴۵) بنابراین اخلاق ناظر به رفتارها و هنجارهای صادره از انسان است و ملکات و حالات نفسانی منشا و مبدا بروز این خلیات اند. اخلاق نیز مانند معنویت در حال حاضر به دو بخش اخلاق دینی و اخلاق سکولار تقسیم شده است، مدعیان اخلاق دینی صفات، رفتار و هنجارهای حاکم را برخاسته از متن دین می‌دانند و دین و گزاره های دینی را اصلی ترین مرجع برای تنظیم و ارائه ی اصول و قواعد رفتاری و اخلاقی دانسته، ارزش، کمال و سعادت دنیوی و اخروی را در دین جستجو می‌کنند (شانظری، ۱۳۹۱، ص ۱۳). اما مدعیان اخلاق سکولار به جدایی دین از ساحت اخلاق معتقدند و بر این باورند که قواعد اخلاقی باید بر مبنای اصول انسانی و زندگی دنیوی و رفاه اجتماعی تعیین گردد و عقل بشر مرجع نهایی ارزش گذاری اخلاقی است. (سربخشی، ۱۳۹۰، ص ۵۸)



ویژگی های معنویت و اخلاق خود ساز از منظر امام خامنه ای (مدظله العالی) از منظر مقام معظم رهبری، معنویت، همان معنویت دینی است، نه معنویت فارغ از دین که اساساً آن معنویت نیست بلکه توهم است. (امام خامنه ای بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور

، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۸۸/۸/۶>، ۸۲۹۲) معنویت از شعبه های بحث خداشناسی و خدا محوری است و به قلمرو مبانی اندیشه های رهبری مربوط می شود. این معنویت در بخش کارکرد خودسازای دارای ویژگی هایی است که برخی از آن به روش تحلیل محتوا در جدول زیر بیان شده است:

## جدول ۱

ردیف	مختصات معنویت خود ساز
۱	دینی و اسلامی
۲	خدا محوری، ایمان و عشق به خدا
۳	امری فطری و مورد نیاز بشر
۴	ارتباط با خدا (دعا)، تقوا، انجام تکلیف و اخلاص، دوری از گناه
۵	عبادت، توجه و ذکر، استمداد از خدا و توکل به او
۶	محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۷	توجه به مسائل دنیوی در کنار مسائل دینی و سلاح زهد
۸	خود انتقادی
۹	اخلاق از ابعاد معنویت

## ویژگی های معنویت و اخلاق جامعه ساز از منظر امام خامنه ای (مدظله العالی)

از منظر امام خامنه ای معنویت فقط در فرد خلاصه نمی شود بلکه در تمام ساحت های زندگی فردی و اجتماعی گسترده است و معنویت پویا برخاسته از فطرت انسانی و عقلانیت محور است و نشانه زنده و پویا بودن آن ظلم ستیزی و عدالت طلبی فرد و جامعه است. (امام خامنه ای <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۸۴/۶/۸>) برخی از ویژگی های معنویت و اخلاق جامعه ساز را می توان در جدول

زیر مشاهده کرد:

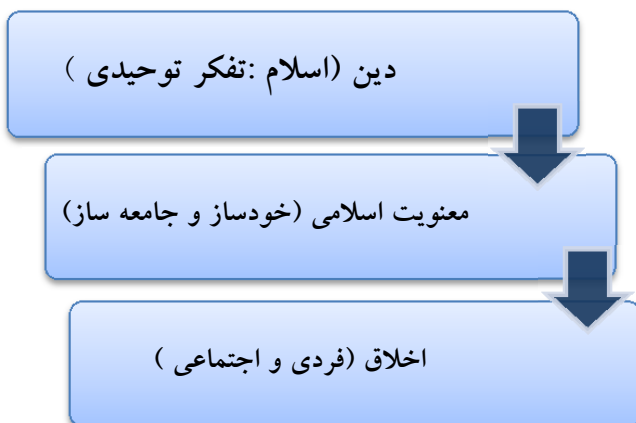
## جدول ۲

مختصات معنویت جامعه ساز	ردیف
نسبت معنویت و عرصه های زندگی: نسبت روح و جسم	۱
هم بستگی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی	۲
محرك جوشش انقلابی	۳
رهبری درست منابع	۴
همراهی با عقلانیت و عدالت	۵
ساخت انسان معنوی هدف و وظیفه نظام اسلامی	۶
معنویت روح حاکم بر ساخت تمدن اسلامی و حیات طیبه	۷
نیاز به تربیت اخلاقی برای رسیدن به تمدن اسلامی	۸
ساده زیستی و زهد در جامعه	۹

بنابر این رهنمودها کارکرد جامعه سازی معنویت و ایجاد انقلاب در اقشار مردم مختصاتی است که به جرات می توان گفت در هیچ یک از معنویتهای موجود جهان قابل مشاهده نیست و این کارکرد کاملا مقابل معنویت سکولار که فقط به معنویت در قالب زندگی شخصی نظر دارد قرار می گیرد. بنابراین برای ساخت تمدن اسلامی همه فعالیت های دنیوی به شرط توجه به خداوند و قصد قرب او به ذکر تبدیل می شود و به این ترتیب روح معنویت در ساحت های گوناگون زندگی دمیده می شود و دنیا و آخرت از تقابل و دوگانگی به وحدت و یگانگی می رسد و انسان حقیقت خویش را در یکپارچگی کامل می بیند.

(مظاهری سیف، ۱/۳۷۰)

### روابط میان دین، معنویت و اخلاق از منظر رهبری:



البته نمی توان اذعان کرد که این توالی موجب عدم ارتباط همزمان این سه حوزه با هم است بلکه به همان نسبت که دینداری فرد و در نتیجه جامعه افزایش می یابد به همان نسبت ایمان و معنویت نیز افزایش یافته و موجب ملکات نفسانی و رفتارهای نیک که همان اخلاق است می شود. این مقام تشکیکی اگر در جامعه ای به سوی متعالی خویش حرکت کند موجبات تمدن نوین اسلامی و در نتیجه گفتمانی بین المللی می شود.

#### مبانی عینیت بخشی به معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب

در بیانیه گام دوم انقلاب امام خامنه ای، رهبری معنوی امام خمینی رحمته الله علیه و ایمان مردم ایران را موجب افزایش چشمگیر معنویت در فضای عمومی جامعه می دانند و محک خود را در رشد معنوی، رشد جامعه با مصادیقی چون مجاهدت جوانان در میدانهای سخت دفاع مقدس با ذکر و دعا و روحیه ی برادری و ایثار، پذیرش مصیبت همراه با شکر از سوی پدران و مادران و همسران، رونق گرفتن فضاها، مناسک و مراسمات دینی، اردوهای جهادی، جهاد سازندگی و بسیج سازندگی عنوان می کنند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)، بخش ۶) بنابراین آنچه در سرگذشت انقلاب اسلامی در چهل ساله اول اتفاق افتاده است نمود عینی معنویت خود

ساز و جامعه ساز بوده که در پی آن زندگی معنوی و مقابله با استکبار جهانی را در پی داشته است.

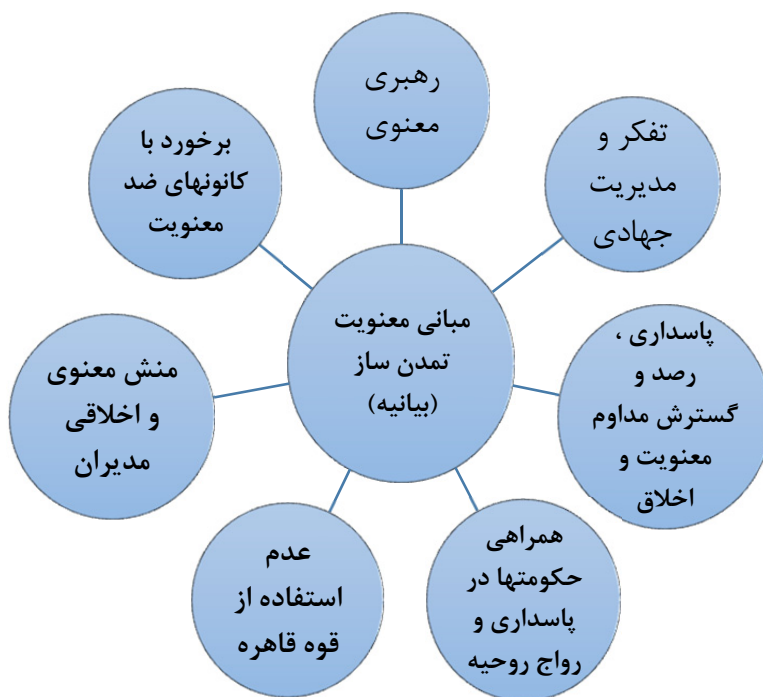
در بخش توصیه های بیانیه گام دوم انقلاب آمده است: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیر خواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق جهت دهنده ی همه ی حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673> / / توصیه ها، بخش ۲)

در این فراز از برخی رفتار به عنوان ارزش معنوی نامبرده شده است، ارزش در جامعه معادل مطلوبیت است و می تواند غیری یا ذاتی باشد غیری به این معنا که در مقایسه با مدارج بالاتر مطلوب است و ذاتی به این معنا که خود آن ارزش مطلوبیت دارد. (مصباح، ۱۳۹۸: ۴۸) در اینجا مورد نظر رهبری غیری بودن ارزشهای بیان شده است زیرا وسیله ای برای رسیدن به مطلوب که همان قرب الهی در سایه تمدن اسلامی است می باشد. (امام خامنه ای ۱۳۷۵/۷/۱۸) لذا اگر این ارزشها از منظر دیدگاه سکولار رسیدن به زندگی آرام و مسالمت آمیز است در منظر امام خامنه ای وسیله ای برای رسیدن به خدا و قرب او عنوان می شود. و این رسیدن به خدا رسیدن به نور است. *اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ* (نور: ۳۵)

تشکیکی بودن و نیاز به پاسداری، مراقبت و رصد و گسترش معنویت و اخلاق سبب شده که این راهبرد علاوه بر برکات در توصیه ها نیز تکرار و بر آن تاکید شود همان گونه که رهبری در بند سوم این فراز هم به این امر اذعان می کنند و با اشاره به تهاجم کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق علیه دل های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان وظیفه دستگاههای مسئول حکومتی را در مقابله با این هجمه ها سنگین عنوان می کنند

بنابر آنچه بیان شد می توان عوامل ایجاد، گسترش و پاسداری از معنویت خودساز و جامعه ساز و در نتیجه تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب را اینگونه ترسیم کرد:

نمودار ۱



معنویت مورد نظر رهبری معنوی دینی و برآمده از ایمان واقعی است هدف کلی این معنویت قرب خداوند است و سعی دارد با ورود به تمامی عرصه های زندگی مانند روح در قالب جسم به این عرصه ها معنا و هدف بدهد معنویت مقامی تشکیکی است و پس از استقرار آن باید رصد و پاسداری شود که در این راه رهبری معنوی و همراهی حکومتها با تفکر و روحیه جهادی عوامل موثر گسترش و پاسداری از آن است، اخلاق نیز کارکرد اصلی معنویت است و معنویتی که موجب تمدن سازی می شود معنویتی است که ابتدا از خود سازی و سپس جامعه سازی رشد و نمو می کند و در انتها با ساخت تمدن اسلامی این

روحیه را به تمامی دنیا صادر می کند و زمینه های حیات طیبه را فراهم می آورد.

### عوامل تقویت کننده معنویت و اخلاق از منظر قرآن

#### الف) ایمان به خدا

بنا به آیه ۲۵۷ سوره بقره، خداوند، ولایت کسانی را قبول می کند که در گام اول ایمان به او داشته باشند: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» لذا اولین تفاوت میان معنویت و اخلاق سکولار و الهی در ایمان به خالق فرای ماده است، این ایمان از اعتقاد به توحید به معنای «یکی دانستن و یکتا شمردن» خداوند متعال سرچشمه می گیرد. (خسروپناه، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲) توحید اصل اول اسلام است که به فرموده قرآن موجبات عبادت و اطاعت از خدا را که هدف خلقت است فراهم می کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۹) انتظار اسلام، پذیرش اصل بندگی توحیدی خدای متعال و نفی پرستش و اطاعت دیگران است و همین مطلب شاه کلید حرکت به سوی کانون نور و معنویت است (بهجت پور، ۱۳۸۹، ص ۸۰) «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم: ۱) از منظر قرآن، خودسازی و جامعه سازی که سبب عبودیت بیشتر به درگاه خداوند شود به رستگاری و سعادت انسان نزدیک تر است «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (اسراء: ۲۳) و هیچ غیری وارد این ساحت نمی شود «أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران: ۶۴) توحید پایه ایمان به خدا و این ایمان اگر قلبی و همراه با تعهد باشد ایمانهای دیگری را نیز به همراه می آورد «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ» (بقره آیه ۱۷۷) بنابراین ایمان به معاد، ملائک، کتاب و انبیاء الهی از ثمره ایمان کامل و قلبی به خداوند است. از این مطالب می توان اینگونه بدست آورد که توحید موجبات ایمان به خدا، نفی پرستش و اطاعت دیگران، عبودیت و بندگی و ایمان به معاد را فراهم می کند که به فرموده قرآن تمامی این مسیر برای حرکت به سوی نور است و انسانی که پای در این مسیر بگذارد تحت سرپرستی خداوند قرار می گیرد (بقره: ۲۵۷) و غیر این افراد به فرموده صریح قرآن کافرند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمْ

الطَّاعُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷) و ولایت طاغوت را پذیرفته اند و فرد و جامعه ای که در ظلمات قرار گیرد جایگاهی جز آتش نخواهد داشت «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷) لذا برای قرار گرفتن در مسیر معنوی مورد نظر قرآن توحید و ایمان به خدا گام اول برای رسیدن به تمدن اسلامی است.

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری مطابق جداول ۱ و ۲ و نمودار ۱	شواهد قرآنی
۱	ایمان، خدا محوری و عشق به خدا	بقره: ۲۵۷، رعد: ۱۶
۲	ارتباط با خدا و عبودیت	بقره: ۲۵۷، اسراء: ۲۳، آل عمران: ۲۶، نور: ۳۷
	ایمان به معاد، ملائکه و انبیاء	بقره: ۱۷۷
۶	ساخت انسان معنوی هدف و وظیفه نظام اسلامی	ابراهیم: ۵، حدید: ۹
۳	معنویت روح حاکم بر ساخت تمدن اسلامی و حیات طیبه	نحل: ۹۷، انعام: ۱۲۲

### ب: تقوا

بر اساس کلید واژه هدایت به نور و حیات طیبه که در قرآن به عنوان شاخصه معنویت و اخلاق به دست آمد و بر اساس آیات ۳۵ و ۳۷ سوره نور، خداوند ولی کسانی است که در هنگام معامله و تجارت نیز یاد خدا را فراموش نمی کنند و خود را به متاع ناچیز دنیا نمی فروشند: «مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (نساء: ۷۷) و در کنار استفاده از تجارت و سود از تسبیح خداوند غافل نیستند: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (نور: ۳۵) لذا خودنگهداری آنان مقابل متاع دنیا جلوه ای از هدایت به نور است. این توجه فقط در تجارت و بیع خلاصه نمی شود بلکه هر آنچه موجب غفلت انسان از یاد خداوند شود به نوعی ظلمت است. زیرا ظلمت متعدد و نور یکی است: «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (مائده: ۱۶) و راه کسب این نور مراجعه به کتاب است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم: ۱) و این کتاب برای متقین هدایت می آورد «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) لذا با این تفاسیر انسان پس از ایمان به خدا، هدایت را از کتاب و در سایه تقوا بدست می آورد. بنابراین کلید واژه دیگری که می تواند نشاندهنده هدایت به نور

باشد تقواست. تقوا از «وقایه»، به معنی حفظ شیء از آن چه به او زیان برساند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۴/۴۸۰) در آیات قرآن کریم ۲۴۳۶ واژه تقوا به صورت اسمی و فعلی و به عنوان صفت به کار رفته و این تعداد فعل امر به صراحت نشان می‌دهد که تا چه حد رعایت تقوا اهمیت دارد. اگر ملکه تقوا مقابل گناه وجود نداشته و هر فرد برای خود ناظری از درون قرار ندهد در هر خلوتی معصیت خدا را می‌کند و در هر فرصتی برای بدست آوردن منافع خود از هر طریقی اقدام می‌کند در این صورت رسیدن به حقایق هستی و امر قدسی و خروج از ظلمات چگونه ممکن است؟ لذا تقوا لازمه رشد معنویت و اخلاق در فرد و جامعه است.

ملکه تقوا به یک جا محدود نمی‌شود و با پویایی، سعی در استمرار و ارتقاء دارد: لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (مائده، ۹۳) و فرد و جامعه نیازمند این ارتقا و حفظ آن است. از منظر قرآن تقوا دارای اثرات در درون فرد و گروه مانند توکل: الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف آیه ۱۲۸) (در این آیه متقین به صورت جمع آمده است و نشان می‌دهد که عافیت و حیات طیبه برای متقین است) و نجات از تنگناها و مشکلات زندگی، امیدواری و وسعت رزق " وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (طلاق: ۲) است.

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری مطابق جداول ۱ و ۲ و نمودار ۱	آیات
۱	تقوا	آل عمران: ۱۰۲، تغابن: ۱۶ و ...
۲	توکل	اعراف: ۱۲۸
۳	هم بستگی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی	نور: ۳۵
۴	حفظ دستاوردهای معنوی	انفال: ۶۰

### ج: عمل صالح و تربیت اخلاقی

همان گونه که در قبل بیان شد هدایت از ظلمات به سوی نور نیازمند ایمان است، برای یافتن کلید واژه بعدی در راه رسیدن به نور و حیات طیبه پس از دقت در آیاتی که در آن لفظ «آمَنُوا» آمده دیده می‌شود که در ۵۰ آیه لفظ «آمَنُوا» همراه با «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» بیان شده



ست: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (روم: ۹۶) و تنها راه خسران ندیدن انسان در زندگی ایمان همراه با عمل صالح است: «وَالْعَصْرُ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۳ تا ۵) قرین بودن این دو موید این مطلب است که عمل صالح ثمره و نتیجه ایمان خالص و حقیقی به خداوند است که همراه با ادعای افراد قابل مشاهده است. معنای لغوی عمل صالح عبارت است از کاری که از روی قصد و علم و همراه با مشقت انجام شده و از آثار نیک مترتب بر آن چیزی کاسته نشده باشد. (مولوی، ۱۳۹۵، ۷) و علامه طباطبایی معتقدند وقتی عملی صالح شد هر خیر وفایده ای که در خور آن باشد بر آن مترتب خواهد گشت. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴/ ۵۰۰) و برخی از مفسران معاصر مانند مکارم شیرازی عمل صالح را عمدتاً به صورت یک مفهوم کلی و مطلق شامل همه اعمال خوب و نیک حتی برداشتن یک سنگ از مسیر عبور و مرور دانسته اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۷/ ۲۹۹) از منظر امام خامنه ای عمل صالح مفهومی تمدنی دارد تا آنجا که تشکیل نظام اسلامی توسط امام خمینی را بالاترین مصداق عمل صالح دانسته اند (امام خامنه ای ۱۳۹۸/۸/۲۴) و همچنین شرکت در انتخابات (۱۳۸۴/۳/۲۷)، تبلیغ (۱۳۸۸/۹/۲۲)، کار و کارگری (۱۳۸۷/۲/۴)، فعالیت اقتصادی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰) تدریس و درس آموزی، (۱۳۷۴/۲/۱۳) حضور در راه‌پیمایی نه دی (۱۳۹۰/۹/۲۱) را از مصادیق عمل صالح می‌دانند و معتقدند: امروز در دنیای کنونی، هر حرکتی، ... هر حرفی که در جهت استقلال سیاسی فرهنگی، اقتصادی کشورها و ملت‌ها، در جهت وحدت، اقتدار امت اسلامی، ترویج علم در دنیای اسلام باشد... عمل صالح است، حسنه است.» (۱۳۹۸/۸/۲۴) و این فراز چه زیبا با این آیه قرآن هماهنگی دارد: «... لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه: ۱۲۰) و خداوند به مومنانی که ایمانشان را با عمل صالح همراه کرده اند وعده خلافت در زمین: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

الْأَرْضِ» (نور: ۵۵)، برخورداری از حیات طیبه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷) عدم خوف و حزن مقابل دشمنان: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷) و بهره مندی از نصرت و هدایت الهی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ» (یونس: ۹) داده است.

و اما در باب اخلاق برخی آن را در قرآن برابر عنوان تزکیه نفس می دانند که همراه با تربیت است. (قهرمانیان، ۱۳۹۰، ۱۲، مصباح، ۱۳۹۱، ص ۱۴) برخی دیگر اخلاق مطرح شده در قرآن را اخلاق الهی می دانند. (فیروزمهر، ۱۳۹۲، ۳۸) علامه جواد آملی اخلاق را دارای سیر و سلوک می دانند که مرحله به مرحله زیر سایه تفکر و تعقل موجب پاک شدن رذایل و رشد فضایل می شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ۱۵) اما با تمام این تعاریف می توان گفت: اخلاق مجموعه ای از صفات و رفتار است که در سایه تعقل و تربیت و با استفاده از تزکیه و تذهیب در سایه ایمان به فضایل تبدیل می شود و علت ارتباط آن با ایمان به هدف ارسال رُسُل بر می گردد: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲) در تفسیر این آیه آمده است: پیامبر مأمور است تا اخلاق زشت را از میان مردم بردارد و اخلاق نیکو را در میان آنان رواج دهد تا به رشد و کمال رسند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ۱۰/ ۲۸)

لذا کسی که خواهان هدایت به نور است و از کتاب و رسول آورنده آن تبعیت می کند بی شک صفات و رفتارش تزکیه می شود و به فضایل اخلاقی آراسته می گردد.

امام خامنه ای نیز در بیانیه گام دوم انقلاب اینگونه اخلاق را معنی می کنند «اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیر خواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است.» و فرق اساسی نظام الهی با نظامهای دیگر را در همین تربیت و ساخت انسان معنوی می دانند (امام خامنه ای ۱۳۷۷/۷/۲۹).

ردیف	مضامین پایه ای در بیانات رهبری در جداول ۱ و ۲ و نمودار ۱	شواهد قرآنی
۱	جوشش انقلابی	نور: ۵۵، یونس: ۹، نحل: ۹۷
۲	انجام تکلیف و پایداری	توبه: ۱۲۰
۳	مدیریت و تفکر جهادی در پاسداری و رصد معنویت و اخلاق	فتح: ۲۶، بقره: ۸۳، اعراف: ۲۹
۴	حیات طیبه	نحل: ۹۷
۵	عدم خوف و حزن، نصرت و هدایت الهی	بقره: ۲۷۷، یونس: ۹
۶	فضایل اخلاقی ثمره هدایت به نور	جمعه: ۲، آل عمران: ۱۶۴، بقره: ۱۲۹

### د: حاکمیت دینی و اسلامی در جامعه

رهبری در اسلام از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار است و خداوند در قرآن این مقام را به انبیاء خود اعطا نمود و به آنان دستور دارد که مردم را به سبیل حق رهنمون شوند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵) لذا کسی که قرار است وظیفه ترکیه مردم را برعهده بگیرد اولین ایمان آورنده است پس مقام اطاعت مختص افراد خاصی از ایمان آورندگان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) بنابراین خداوند در قرآن مقام رهبری جامعه را به رسمیت شناخته و آن را مختص افراد خاصی قرار داده است. (مظفر، ۲ / ۱۷) که مشخصه اصلی آنان ایمان به خدا و دعوت به نور است، زیرا پذیرش ولایت این افراد سبب همانندی با آنها می شود: «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ» (مائده: ۵۱) و به همین منظور در قرآن از پیروی مسلمانان از یهود و نصارا منع شده (مائده: ۵۱) از منظر دیگر جامعه در قرآن دارای سعادت و شقاوت است و حالت جامعه نیز از حالتی به حالت دیگر در حال تغییر است: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ» (الأعراف: ۳۴)، «زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ» (الأنعام: ۱۰۸) با کنار هم قرار دادن این دو برهان می توان به این نتیجه رسید که ساخت جامعه معنوی با فردی که رهبر آن است ارتباط مستقیم دارد زیرا التاس علی دین ملوکهم (شهید ثانی، ۱۳۷۷، ۴۹۴) بنابراین با توجه به عصر غیبت و پیش آمدن بحث ولایت فقیه جامعه اسلامی، می تواند ادعای رسیدن به تمدن اسلامی را داشته باشد که در راس آن

رهبری باایمان، متقی، باتزکیه نفس و مجاهد قرار داشته باشد.

برای ساخت جامعه معنوی و اخلاقی همراهی حکومت‌ها الزامی است زیرا رهبر به تنهایی نمی‌تواند جامعه‌ای را به سرمنزل مقصود برساند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) بنابراین برای داشتن حاکمیت و نظام اسلامی باید شرایط رهبری را به مقامهای بعدی جامعه اسلامی با شدت کمتر تسری داد و مسئولان جامعه باید ۱. خود روش و منش الهی و معنوی و اخلاقی داشته باشند و از این روست که در قرآن از پیروی از افرادی که همراه با رهبر الهی بودند تاکید می‌کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه: ۴) همچنین کسانی همراه رسول الله هستند باید رفتارشان تجلی رفتارها و صفات نیکو باشد: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) ۲. همانگونه که وظیفه رسولان در جامعه تزکیه و تربیت عنوان شد (جمعه: ۲) وظیفه حکومت و نظام اسلامی نیز ساخت انسان معنوی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۵) ۳. برای نهادینه کردن نظام معنوی و اخلاقی در جامعه حکومتها وظیفه مقابله با کانونهای ضد معنویت را برعهده دارند و این اصل با توجه به اهمیت محیط مناسب برای تربیت اخلاقی (نساء: ۹۷) معاشران و دوستان صالح (فرقان، آیات ۲۷ و ۲۸) خانواده و وراثت (نوح: ۲۷) و فرهنگ و فضای جامعه (فتح: ۲۹) بسیار مهم می‌نماید همچنین مسلمانان در برخورد با نمادهای کفر ساکت نمی‌نشینند: «أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده: ۵۴). ابن عباس گوید: اینها مردمی هستند که برای اهل ایمان مانند پسر نسبت به پدر و بنده نسبت بمولی و برای اهل کفر، مانند درندگان نسبت به شکار خود هستند. (طبرسی، ۷/ ۷۸) بنابراین برخورد قاطع با کسانی که سعی می‌کنند مردم را جهنمی کنند در ایجاد فضای معنوی در جامعه بسیار موثر است.

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری در جداول ۱ و ۲ و نمودار	شواهد قرآنی
۱	همراهی حکومتها در پاسداری و رواج معنویت و اخلاق	فتح: ۲۹
۲	برخورد با کانونهای ضد معنویت	مائده: ۵۴
۳	روش و منش معنوی و اخلاقی مسئولان	ممتحنه: ۴، فتح: ۲۹

نحل: ۱۲۵	عدم استفاده از قوه قاهره برای دعوت مردم به معنویت	۴
عنکبوت: ۶۹	مدیریت و تفکر جهادی در میان مسئولان	۵

## عوامل تضعیف کننده معنویت و اخلاق از منظر قرآن

### الف) دنیاگرایی

بنابر آنچه که در تعریف معنویت از منظر قرآن بیان شد، معنویت هدایت به نور است که انسان را به حیات طیبه رهنمون می کند حیات طیبه ای که به گفته علامه طباطبایی در همین نشئه دنیا رخ می دهد که زندگی قوی تر روشن تر و دارای آثار بیشتری نسبت به زندگی این دنیایی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲ / ۴۹۲) و کسانی می توانند حیات طیبه را داشته باشند که با نور هدایت زنده شده باشند: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (انعام: ۱۲۲) مقابل حیات ممات و فناست و آنچه فانی است دنیای خاکی و زیور های آن است که در قالب مثال به زیبایی در قرآن بیان شده: «اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا... كَمَاثِلٍ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا» (حدید: ۲۰) "حطام" به معنای گیاهی است که از شدت خشکیدگی می شکند و با نسیمی به فنا می رود (طباطبایی، ۱۹ / ۲۸۹) لذا کسی که به دنیا و زیورهای آن دل ببندد بی شک به امری فانی دل بسته است که حیاتی در آن نیست و این معنا مخالف هدایت به نور و حیات واقعی است. در دنیای کنونی «دنیایی شدن» و یا «دنیاگرایی» بیشتر از دیگر معانی مفهوم سکولاریزم را می رساند (گلابری، ۸۶) در سکولاریزم سعادت انسانی نه با توسل به امور غیبی که با تامل و به کارگیری امور عالم مادی حاصل می شود حال اگر انسانی ابزار دنیا را غایت سعادت خود قرار دهد و از معنویت و دین غفلت کند «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم: ۷) این غفلت اساس تمام انحرافات خواهد شد: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ آيَاتِنَا غَافِلُونَ\* أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یونس: ۷ و ۸) (و غایتی جز جهنم ندارد، بنابراین تمدن

اسلامی قرار است مقابل دنیای دنیاگرایانی قرار بگیرد که با استفاده از تفکر سکولاریزم سعی در جهنمی کردن ملت ها دارند.

مسئله مهم آن است که خداوند تمامی آنچه انسان برای سعادت به آن احتیاج دارد در همین دنیای فانی به او اعطا کرده (طه: ۵۰) و آن هدایت به نور بوسیله ارسال رسل و کتاب است لذا مومن ناچار به زندگی در دنیای فانی برای رسیدن به حیات طیبه است و باید تا جایی که می تواند از این امکانات برای رسیدن به حیات واقعی بهره ببرد بنابراین رسیدن به سعادت نباید حتما ملازم با عزلت و انزوا و استفاده نکردن از مواهب الهی باشد. زیرا خدا تمام آنچه در زمین و دنیاست مسخر انسان قرار داده است. (جاثیه: ۱۲ و ۱۳) اما این امکانات نباید به عنوان هدف قرار گیرد بلکه جز وسیله چیزی نیست.

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری	شواهد قرآنی
۱	مضمون بودن حب دنیا	روم: ۷، یونس: ۷ و ۸
۲	جداانگاری دنیا و آخرت (تحریف دین)	طه: ۵۰
۳	غفلت ثمره دنیاگرایی (دوری از زهد و ساده زیستی در میان مسئولان)	یونس ۷ و ۸، حدید: ۲۰

### ب: گناه

همان گونه که در بخش قبل بیان شد خداوند برای هدایت انسان در دنیا آنچه را مورد نیاز او بوده به وی اعطا کرده است اولین گام برای یافتن راه هدایت معرفت است و معرفت نیز باید از طرقی کسب شود و نفس انسان به حسب فطرت، به گونه ای آفریده شده که صلاحیت معرفت و حقایق امور را دارد و این در صورتی است که زمینه ها فراهم و موانع مفقود باشد (صدرالمتالهین، ۱۴۱۰، ۹ / ۱۳۶) از راههای دریافت معرفت می توان به قلب اشاره کرد. خداوند در مورد اهل جهنم می فرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» (اعراف: ۱۷۹) همچنین در جایی دیگر قلب را محل تعقل می داند: «فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا» (حج: ۴۶) با مشاهده این آیات و آیات مشابه از این دست (انعام: ۲۵، اسراء: ۴۶، کهف: ۵۸)، استنباط می شود که مراد از قلب، روح و نفس است و یا شانی از شئون روح که دارای تعقل، شهود، ادراک و فهم است و براساس روایات یکی از موانع معرفت قلب گناهان است

(مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۰ / باب ۱۳۷ و ۱۳۸) و در قرآن نیز از بسته شدن راه معرفت قلب با تعابیر گوناگون نامبرده شده: ختم قلب (مهر زدن بر قلب) برای کافران: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (بقره: ۷) طبع قلب (مهر زدن بر قلب) برای منافقان: «فَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون: ۳)، متکبران: «كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ» (غافر: ۳۵)، متعديان و متجاوزان: «كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ» (یونس: ۷۴)، مرض قلب (بقره آیه ۱۰، مائده آیه ۵۲، انفال ۴۹....) همچنین قفل کردن قلوب: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴) که نشان از آراسته شدن گناهان در چشم منافقان دارد. لذا کسی که به دلیل تجاوز و تعدی از حقوق الهی و تکبر، نفاق و کفر راه معرفت بر قلبش بسته باشد بی شک این فرد از هدایت نور الهی در حجاب خواهد ماند.

امام خامنه ای نیز در سخنانی به سه درجه از تاثیر گناه اشاره دارند ایشان در اولین مرحله گناه با اشاره به آیه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» (آل عمران: ۱۵۵) بیان می کنند که خطاهایی که فرد انجام می دهد در یک نقطه ی حساس سبب لغزش او می شود و این لغزش مقدمه سقوط او از معنویت و اخلاق است ایشان این مرحله را بسیار متوجه مسئولان نظام و حکومت می دانند در مرحله دوم گناهان موجب نفاق می شوند یعنی دل با زبان یکی نیست: «فَاعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (توبه: ۷۷) گناه موجب نفاق می شود و نتیجه آن بنابر آیات بالا قفل شدن قلوب و بسته شدن راه هدایت است و اما در مرحله بالاتر گناه و کج روی موجب تکذیب ما انزل الله می شود (امام خامنه ای ۱۳۹۵/۳/۲۵) «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم آیه ۱۰) گناه روح ایمان را می خورد و کار به جایی می رسد که سر از تکذیب آیات الهی در می آورد و دیگر هیچ وعظ و اندازی مؤثر نیست و جز تازیانه عذاب دردناک الهی راهی باقی نمی ماند . (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۶، ۳۷۴)

گناه فقط فردی نیست و گاهی این گناه گناهان جمعی ملتهاست همانگونه که در

داستان قوم لوط بیان شده که تمامی قوم به فحشایی علنی اقدام و یا راضی به آن بودند (عنکبوت: ۲۸) و نتیجه این گناه عذاب فراگیر الهی شد و حتی آنهایی را که مقابل این گناه سکوت کرده بودند نیز به کام خود کشید و از آن جهت است که قرآن تغییر در احوال قومی را به دست خود آن قوم می داند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ» (رعد آیه ۱۱) و گاهی گناه ملتی موجب زایل شدن نعمت های بزرگ می شود و این گناه سکوت مقابل منکر و ظلمی است که در جامعه در حال رخ دادن است (امام خامنه ای. بیانات در دیدار کارگزاران نظام. ۱۳۸۴/۸/۸. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3147> و برای طی کردن این مسیر نیاز به یک سرمایه است و آن سرمایه چیزی نیست جز معنویت. (امام خامنه ای. بیانات در دیدار جمعی از پاسداران. ۱۳۸۱/۷/۱۷. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3147>)

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری	شواهد قرآنی
	همراهی معنویت و عقلانیت	حج: ۴۶، انعام: ۲۵، اسراء: ۴۶، کهف: ۵۸
۱	لغزش (عدم استقامت)، نفاق و تکذیب (تغییر باورها)	آل عمران: ۱۵۵، توبه: ۷۷، روم: آیه ۱۰
۲	گناهان جمعی	عنکبوت: ۲۵، انفال: ۲۵، هود: ۸۲

### ج) فعالیت کانونهای ضد معنویت (تهاجم فرهنگی)

لفظ «سبیل الله» در تفاسیر با کلمات مختلفی ذکر شده که با کمی دقت می توان فهمید که همه این تعابیر در واقع یک چیز هست و آن ایمان واقعی و قلبی به خدا و پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان ایشان می باشد (ر. ک. رضوی کیا، ۱۳۹۶، ۱۷۴) خداوند در قرآن از کسانی که انسانها را از ایمان واقعی باز می دارند یا گمراه می کنند با تعابیر صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ: الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (هود: ۱۹) و اضلال عن سبیل الله: وَإِنْ تَطَعْتَ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (انعام: ۱۱۶) نام برده است، در تفاسیر «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» به معنای اعراض



از راه خدا و بیشتر منع و جلوگیری از راه خدا به کار رفته است (طوسی، ۱۴۱۸ق، ۲/ ۲۰۷، طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲/ ۲۴۹، شاذلی، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۴۳۷) در معنای اعراض از راه خدا این مسئله جنبه فردی دارد ولی در تعبیر دوم که بیشتر آیات قرآن ناظر به همین معناست و به معنی منفع کردن و جلوگیری از راه خداست موضوع جنبه اجتماعی پیدا کرده است. و بی شک کسانی که به هر کدام از طرق از سبیل خداوند منع و دور می شوند هدایت به نور در دل آنها کم‌رنگ می شود و از معنویت واقعی دور می افتند.

در تفسیر آیه ۱۹ سوره هود آمده: این کار (يُضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) یا از طریق القاء شبهه، تهدید، و گاهی تطمیع صورت می گیرد یعنی با انواع تحریفها، کم و زیاد کردن، تفسیر به رای و مخفی ساختن حقایق چنان می کنند که این صراط مستقیم به صورت اصلیش در نظرها جلوه گر نشود و افراد حق طلب جاده اصلی را پیدا نکنند (مکارم شیرازی، ۹/ ۶۱) و در تفسیر آیه ۱۱۶ سوره انعام هم در باب (يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) آمده در شناخت دین و معرفت حق جمعیت اعتبار نیست زیرا ممکن است حق با اقلیت باشد (طبرسی، ۱/ ۲۴۴) و علت این عدم اطاعت آن است که بیشتر افراد از ظن و گمان خود تبعیت می کنند و در اموری از قبیل معارف الهی و شرایع که بایستی از ناحیه خدا اخذ شود جز به علم و یقین نمی توان تکیه داشت و گرنه سبب ضلالت و گمراهی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۷/ ۴۵۵) لذا آنچه که موجب بازداشتن و گمراهی از سبیل الله می شود مانند: تزیین اعمال ناپسند (نحل: ۶۳)، شبهه افکنی (زخرف: ۶۱)، وعده های دروغین (انعام: ۹) به فراموشی انداختن (انعام: ۶۸) اشاعه فحشاء (بقره: ۱۶۸) خرافات (نساء: ۱۱۷) ایجاد بدعت (بقره: ۱۶۹) و ایجاد آرزو (محمد: ۲۵) و وسوسه و اغوا (ق: ۶) است که نمود آن را میتوان در تهاجم، ناتو و جنگ فرهنگی دشمن دید. و از منظر قرآن تنها راه رویارویی با این افراد مبارزه است: وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزِدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنَّ اسْتِطَاعُوا (بقره: ۲۱۷) و اگر ملتی به خصوص خواص آن مقابل این جنگ ساکت بماند و با آن همراه شوند به سنت الهی دچار می شود: وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَوْمًا أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (اسراء: ۱۶) لذا در

جامعه اسلامی علاوه بر دقت در رفتار مسئولان و موثران ملت توجه به کانونها و مراکز ضد معنویت که به صورت سازمان یافته برای براندازی جامعه برنامه ریزی می کنند حائز اهمیت است.

ردیف	مضامین پایه در رهنمودهای رهبری	شواهد قرآنی
	مقابله با کانونهای ضد معنویت و وظیفه مسئولان حکومت اسلامی	اسراء: ۱۶، بقره: ۲۱۷
	تفکر و مدیریت جهادی در برخورد	فرقان: ۵۲
	پاسداری، رصد و گسترش معنویت و وظیفه حکومت اسلامی	حج: ۴۱

### نتیجه گیری:

معنویت اگر چه به پیوند درونی انسان با خداوند اشاره دارد، اما واقعیتی صرفاً فردی نیست و تکون اجتماعی دارد. معنویت بیان شده در بیانیه گام دوم انقلاب این حقیقت جمعی را نشان می دهد و آن را برای ساخت تمدن اسلامی ضروری می داند. در واکاوی مفهومی معنویت در قرآن کریم مشخص شد که می توان گزاره هدایت به نورو رسیدن به حیات طیبه را با این واژه هم جهت و هم سو دانست، از منظر امام خامنه ای نیز معنویت معنای قرب و حرکت به سوی خدا را دارد، از این منظر این هدایت موجبات حیات طیبه را فراهم می آورد که تمدن نوین اسلامی به نوعی زمینه ساز این حیات است.

از سوی دیگر این هدایت را قرآن فقط مختص فرد نمی داند بلکه آن را متوجه جامعه از آن جهت که برای «امة» و «صَدِّ وَّ صَلِّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» اعتبار قائل است، می داند از منظر رهبر معظم انقلاب نیز معنویت جنبه خودساز و جامعه ساز و حتی تمدن ساز دارد.

در زمینه تقویت رکن معنویت و اخلاق، هماهنگی میان مضامین مورد نظر رهبری و شواهد قرآنی وجود دارد که عوامل تقویت کننده عبارت اند از: ایمان به خدا، تقوا، عمل صالح، تربیت اخلاقی و حاکمیت الهی در جامعه.

همچنین در زمینه عوامل تضعیف کننده با توجه به تطبیق مضامین مورد نظر رهبری و شواهد قرآنی می توان به عواملی چون: دنیا گرایی، گناه و فعالیت کانونهای ضد معنویت

اشاره کرد.

آنچه که در معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب بسیار نمود دارد بحث جامعه سازی و وظیفه حکومت در پاسداری، رصد و گسترش آن است که به جرات می توان گفت چنین وظیفه ای در هیچ تمدنی به خصوص تمدن های سکولار غربی با توجه به ماهیت آنان قابل مشاهده نیست.

### فهرست منابع:

- \* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۱. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم، چاپ: اول، مکتب الاعلام الاسلامي.
  ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت، چاپ: سوم، دار صادر.
  ۳. الهامی نیا، علی اصغر و دیگران (۱۳۹۰)، معنویت اسلامی (چیستی، چرایی و چگونگی)، قم، چاپ اول، زمزم هدایت.
  ۴. بابایی، رضا، (۱۳۸۷)، «قرآن و معنویت»، پیام، شماره ۹۰
  ۵. بستانی، فوادفرام، (۱۳۷۶)، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران، چاپ: سوم، اسلامی.
  ۶. بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۸۹)، «روش طرح توحید در قرآن»، قیسات، شماره ۵۷، سال ۱۵.
  ۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، مراحل اخلاق در قرآن کریم، قم، چاپ: دهم، اسراء.
  ۸. جوهری، اسماعیل، (۱۴۰۷ ق)، الصحاح، تحقیق احمد عطار، بیروت، چاپ: اول، دار العلم للملایین.
  ۹. حمیدیه، بهزاد، (پاییز ۱۳۹۵)، «سکولاریزاسیون معنویت، تهدیدی فرهنگی»، نقد و نظر، شماره سوم.
  ۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۶)، منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای، تهران، چاپ دوم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
  ۱۱. داد خدا، خدایار، (۱۳۹۳)، «تاثیر اعمال صالح در زندگی معنوی از منظر قرآن»،

فصلنامه اخلاق پزشکی، شماره ۲۷

۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ: دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، چاپ: دوم، مرتضوی.

۱۴. رضوی کیا، سیده زینب، (۱۳۹۶)، «تبیین مفهوم «صد عن سبیل الله» در قرآن»، سراج منیر، شماره ۸.

۱۵. رودگر، محمد جواد، (۱۳۸۸) «معنویت گرایی در قرآن»، علوم اسلامی، شماره ۱۴، سال چهارم.

۱۶. سعیدی، محمد مسعود، (۱۳۹۹)، «نظریه معنویت در قرآن»، کتاب قیم، شماره ۲۲، سال دهم.

۱۷. شاذلی، سید بن قطب، (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن. بیروت، چاپ: ۳۵، دارالشروق.

۱۸. شانظری، (۱۳۹۱)، «اخلاق دینی و اخلاق سکولار»، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، شماره ۵.

۱۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۷۷)، شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه / ترجمه عبد الرزاق گیلانی، تهران، چاپ: اول، پیام حق.

۲۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۷)، معنویت تشیع به ضمیمه چند مقاله دیگر، قم، چاپ اول، تشیع.

۲۱. -----، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، چاپ: پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (بیتا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، چاپ: اول، فراهانی.

۲۳. فیروز مهر، محمد مهدی، (۱۳۹۲)، «مفهوم شناسی اخلاق از نگاه قرآن»، فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق، شماره ۸
۲۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، چاپ اول، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۲۵. قهرمانیان، مریم، (۱۳۹۰)، «تحلیل و معناشناسی تزکیه و تهذیب در آیات قرآن با تاکید بر تفسیر المیزان»، مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۸.
۲۶. گلایری، علی، (۱۳۸۴)، «دنیا گرایی یا سرگردانی مدرن»، رواق اندیشه، شماره ۴۹.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، قم، چاپ: هفتم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۸. -----، (۱۳۸۸) «اصول و مبانی معنویت از منظر کتاب و سنت»، حصون، شماره ۲۰
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱) تفسیر نمونه، تهران، چاپ یازدهم، دار الکتب الإسلامية.
۳۰. مولودی، فاطمه و همکاران، (۱۳۹۵)، «فرآیند شکل گیری نظام های صالح از منظر قرآن و روایات»، آموزه های قرآنی، شماره ۲۳.
۳۱. نورمحمدی، محمد رضا، دیگران (۱۳۸۹)، «قرآن و راهکارهای معنوی جهت تامین بهداشت روانی انسان ها»، کتاب قیم، شماره ۲.
32. Houtman, Dick & Stef Auper , (2007) ,The spiritual turn and the decline of tradition: The Spread of Post-Christian Spirituality in 14 Western Countries, 1981 \_ 2000". *Journal for the Scientific Study of Religion* 46 (3):305 \_ 320.

---

## بن لایه‌های اقتصادی تمدن نوین اسلامی در حدیث عنوان بصری و بیانیه گام دوم انقلاب

---

مختارعلی رضائی<sup>۱</sup> - محترم قوی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر چپستی و ماهیت و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی را با توجه به منابع اصیل اسلامی یعنی کتاب و سنت و نیز بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، بررسی و استنباط نموده و با روش تحلیلی - توصیفی، در جهت دفاع ابدی از نظریه انقلاب اسلامی و پر کردن فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها، که امری است ضروری، از متن حدیث منقول از امام صادق علیه السلام و ظرفیت عمیق اما نهفته آن، بن‌لایه‌های اقتصادی تمدن نوین اسلامی را استخراج نموده و آنها را حقیقه‌ی هوالمالکیه، اصالت انفاق در اسلام و مبارزه با اتراف و ویژه خواری اقتصادی دانسته است و با توجه به تلازم حقیقت عبودیت و تمدن نوین اسلامی، که مفاد حدیث عنوان بصری بر این تلازم صحه می‌گذارد، به این نتیجه رسیده است که با ایجاد تمدن نوین اسلامی، تقوای اجتماعی و سیستمی به منصفه ظهور خود رسیده و حقیقت عبودیت با آن آبیاری گشته و بشریت به نهال تنومند تمدن جهانی اسلام

---

۱. دکتری فلسفه اسلامی موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه marezaei1382@gmail.com

۲. طلبه سطح ۴ جامعه الزهراء mrsghavi1359@gmail.com

خواهد رسید.

کلید واژگان: تمدن اسلامی، حقیقت عبودیت، اقتصاد اسلامی، حقیقه‌ی هوالمالکیه،  
اصالت انفاق، استکبارزدایی، گام دوم انقلاب اسلامی



## مقدمه

«عنوان بصری»<sup>۱</sup> که شاگرد «مالک بن انس»<sup>۲</sup> بوده متوجه می‌شود که امام صادق علیه السلام نیز علم‌آموزی دارند، خود را به حضرت رسانده و خواهش خود را بیان می‌کند اما امام علیه السلام با این تعبیر که «مراجعین من زیاد هستن و نیز اذکار و عبادات خاصی در اوقات شبانه روز دارم» ایشان را نمی‌پذیرند. "عنوان" با خود می‌گوید: «اگر حضرت در من خیری می‌یافت، مرا منع نمی‌کرد.» به مسجدالنبی رفته دو رکعت نماز گذاشته و از خداوند متعال می‌خواهد که قلب امام را به سمتش معطوف و استفاده از علم امام علیه السلام را روزیش گرداند. "عنوان" می‌گوید: «چون قلبم با محبت امام آمیخته شده بود؛ لَمَّا اشرب قلبی من حبّ جعفر علیه السلام» دیگر کلاسهای مالک بن انس را نرفته و فقط برای نماز واجب بیرون می‌رفتم تا اینکه دیگر نتوانستم صبر کنم و دوباره خدمت حضرت شرف‌یاب شدم. در شرفیابی دوم جریان را برای امام نقل کرده و می‌گوید که از خداوند متعال خواستم که از علم شما به من روزی کند اینجا بود که امام علیه السلام نقشه علم و پیشرفت را به او می‌دهد و می‌فرماید: «این را بدان که علم به تعلم نیست بلکه علم نوری است که خداوند در قلب هر کسی که اراده کرده هدایتش کند می‌افکند...» در ادامه حضرت در بیان حقیقت عبودیت و چگونگی ربط آن به علم می‌فرماید: «حقیقت عبودیت سه چیز است: «أن لا یری العبد لنفسه فیما خوّله الله تعالی ملکا...» عبد بایست در چیزهایی که خداوند متعال به او اعطا نموده، برای خویش، ملکیتی نبیند، «و [ان] لا یدبّر العبد لنفسه تدبیرا» و دومین امر در حقیقت عبودیت، این

۱. حدیث را در سه منبع روایی شیعه یافتیم: ۱. مشکاة الانوار مرحوم طبرسی (متوفای سال ۶۰۰ ق) ۲. منیة المرید شهید ثانی رحمه الله علیه (متوفای ۹۶۶ ق) ۳. بحار الانوار علامه مجلسی رحمه الله (متوفای ۱۱۱۰ ق)؛ اما با توجه به اینکه در بحار، حدیث، منقول روایت شده است، در اینجا از کتاب بحار الانوار حدیث را نقل می‌کنیم.

۲. مالک بن انس بن مالک بن الحارث بن غَیمان بن حُثیل بن عمرو بن الحارث الأصبیحی مشهور به مالک ابن انس (۹۳ - ۱۷۹ هـ. ق) دومین امام از ائمه‌ی اهل سنت و از شاگردان جعفر بن محمد صادق علیه السلام بود.

است که عبد برای خودش تدبیری نیندیشد «و جملة اشتغاله فیما امره الله تعالی و نهاده عنه» امر سوم در حقیقت عبودیت این است که تمام اشتغالاتش در اوامر و نواهی خداوند متعال باشد. امر اول (اینکه عبد ملکیت برای خودش نبیند و به تعبیری، به «هوالمالک» معتقد باشد) مقدمه است برای حصول امر دوم (اینکه عبد تدبیری برای خویش نیندیشد و به عبارتی، به «هوالمدبر» معتقد باشد) و امر دوم مقدمه حصول امر سوم (اینکه عبد، تمام اشتغالاتش در اوامر و نواهی خداوند متعال باشد)، در نتیجه هر دو امر اول و دوم، مقدمه امر سوم می‌باشد. در امر اول اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد اسلامی یا به تعبیری بهتر و جامع‌تر، اقتصاد انسانی و الهی که به نوعی بحث سخت‌افزاری عبودیت است، مطرح می‌شود و در امر دوم که بحث تدبر و تفکر است، بحث نرم‌افزاری عبودیت، مطرح می‌گردد که همان مساله نهضت نرم‌افزاری علوم انسانی - اسلامی است و در امر سوم، مساله سیستم الهی نسبت به عبودیت انسان، مطرح است که به نوبه خود در ابعاد دولت، جامعه و تمدن اسلامی تجلی می‌یابد. در این نوشتار از امر اول و دوم به عنوان دو مولفه مهم و لازم و ضروری برای تمدن اسلامی، در جهت افزایش چشم‌گیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه و ایجاد عدالت و مبارزه با فساد و حصول طهارت اقتصادی، و حصول دانش ملی و خود بنیاد که مایه عزت و اقتدار ملتها است، یاد می‌شود اما به علت گستردگی مباحث صرفاً به تبیین امر اول (اقتصاد) پرداخته و بحث از امر دوم را به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم. در این راستا ابتدا نگاهی کوتاه به بیان «تمدن اسلامی» و «تمدن نوین اسلامی» خواهیم داشت و سپس مهم‌ترین مولفه‌ی تمدن نوین اسلامی؛ یعنی، «اقتصاد مقاومتی» را تبیین و تحلیل خواهیم نمود.

این نکته نیز نسبت به پیشینه بحث قابل ذکر است که استنباط مباحث اقتصادی از محتوای حدیث عنوان بصری کاری است نو و ما پیشینه‌ای برای آن نیافتیم. علت انتخاب حدیث عنوان بصری برای استنباط مباحث اقتصادی، جایگاه عنوان بصری و درخواست او از امام صادق علیه السلام است؛ عنوان بصری یک مجتهد تراز اول کلاس مالک بن انس بوده که

متوجه علم‌آموزی حضرت می‌شود لذا از حضرت وقتی تقاضای علم و پیشرفت را می‌کند حضرت علیه السلام تمام کدهای پیشرفت را در اختیار عنوان بصری قرار می‌دهند از اقتصاد و نهضت نرم‌افزاری علوم گرفته تا ایجاد تمدن نوین اسلامی و راز ابقا و ماندگاری آن تمدن. این نوشته، با روشی تحلیلی - توصیفی و با هدف تبیین ایجاد و ابقاء تمدن نوین اسلامی، تنها به بحث اقتصادی آن پرداخته و تحلیل بقیه مسائل تمدن اسلامی را اگر عمری باشد به آینده موکول می‌کنیم و از خداوند مٔان مسئلت داریم عمری عنایت فرموده تا بقیه مسائل تمدنی را نیز از حدیث عنوان بصری استنباط نموده، در اختیار پژوهندگان علم و عمل قرار دهیم ان شاء الله.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱.۱. تمدن

تمدن از واژه «مدن» در اصل به معنای اقامت و بنا و آبادی آمده و چون مردم در شهر اقامت می‌گزینند آن را مدینه گفته‌اند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق و طریحی، ۱۳۷۵: ذیل ماده مدن) امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «این... الذین مدّنوا المدائن؛ کجایند آنها که شهرها را بنا کردند» (الشریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۸۲، ص ۲۶۳) و «تمدن» که از باب «تفعل» است به معنای «آبادی و اقامت را به خود گرفتن، خوی کردن به اخلاق مردم شهرنشین و از جهل و نادانی به شهری‌گری و انسانیت تغییر کردن» (مالوف لوئیس، ۱۳۶۲: ذیل ماده مدن) است و در نتیجه به صورت مجاز در معانی «ادب» و «تربیت» نیز استعمال شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل تمدن)

### ۱.۲. تمدن اسلامی

بعضی اندیشمندان تمدن اسلامی را تقریباً مترادف «جهان اسلام» دانسته‌اند (بورلو، ۱۳۶۸: صص ۲۰ - ۳۰) برخی دیگر به تمدن قدسی که قانون و برنامه الهی است تعریف نموده‌اند بعضی هم تمدن اسلامی را جهانی شدن اسلام می‌دانند (نجفی، ۱۳۹۲: ص ۱۱ و ۷۰ - ۸۰) و بعضی دیگر تمدن اسلامی را غلبه حق و تعالی رحمان در مقابل شکست توسعه

ی شیطان دانسته‌اند (میرباقری، ۱۳۹۳: ص ۱۱۷-۱۳۳)

اجرای تمدن اسلامی مبتنی بر اجرای حقیقت عبودیت است و این تمدن نظیری در عالم نداشته و بایست آن را ایجاد نمود؛ امام خمینی <sup>قدس سرّه الشریف</sup> در آبان ۱۳۵۷ قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، در جواب سؤال مصاحبه‌کننده هلندی که شما می‌خواهید چه نوع حکومتی را جانشین نظام کنونی سازید؟ آیا شما تمدن اسلامی را با تمدن غربی کنونی ناسازگار می‌دانید؟؛ می‌فرمایند:

«رژیمی که به جای رژیم ظالمانه شاه خواهد نشست، رژیم عادلانه‌ای است که شبیه آن رژیم در دموکراسی غرب نیست و پیدا نخواهد شد.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۱۴)

حقیقت عبودیت که تمدن‌زا بوده در یک نقطه تمام نمی‌شود و ادامه دارد. انقلاب اسلامی ایران که در صدد احیاء حقیقت عبودیت و بندگی برآمده است، تجلی کوچکی است از تمدن گسترده اسلامی؛ مقام معظم رهبری در تبیینی زیبا می‌فرمایند:

«انقلاب مراحل دارد؛ آنچه در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله‌ی اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمانها و ارزشهای نو و با لغت نو، با مفاهیم نو؛ در مرحله‌ی دوم، این نظام بایستی ارزشها را محقق کند؛ به این ارزشها اگر بخواهد تحقق ببخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن میشود دولت انقلابی. دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله‌ی اجرائیات درست -قانون درست این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه میشود جامعه‌ی انقلابی؛ بعد که جامعه‌ی انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه‌ی «انقلابی» میتوانید کلمه‌ی «اسلامی» بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، تمدن اسلامی». ( : <https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=39707>) که «شاخصه‌ی اصلی و عمومی تمدن اسلامی، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای

تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است.»  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>)

پس آنچه که تمدن اسلامی را بارور می‌سازد حقیقت عبودیت است که در ادامه به حول و قوه الهی به تبیی ارتباط آن‌ها می‌پردازیم.

### ۳. تبیین حقیقت عبودیت

با توجه به حدیث شریف عنوان بصری که امام صادق علیه السلام در جهت تبیین نقشه علم و پیشرفت، ابتدا به تبیین حقیقت عبودیت می‌پردازند، می‌توان استظهار نمود که تمدن یا تمدن اسلامی مرتبه نهایی حقیقت عبودیت است؛ آنجایی که تمام اشتغالات عبد در اوامر و نواهی خداوند متعال قرار می‌گیرد از امور فردی گرفته تا امور اجتماعی همه و همه را قرار است انسان (عبد) الهی نماید:

«[حقیقة العبودية] ثلاثة اشياء: أن لا یر العبد لنفسه فیما خوله الله تعالی ملكا... و لا یدبر العبد لنفسه تدبیرا و جملة اشتغاله فیما امره الله تعالی به و نهای عنه؛ [حقیقت بندگی] سه چیز است؛ [۱.۰] بنده برای خودش در آن آنچه که خداوندش عطايش کرده، ملکیتی نبیند. [۲.۰] و برای خودش، منهای خدایش، تدبیری نیاندیشد [۳.۰] و جمله اشتغالاتش در اوامر و نواهی خداوند متعال باشد.»

با توجه به فرموده امام صادق علیه السلام در این روایت شریفه، که گام اول حقیقت عبودیت را الهی دانستن مملوکات دانسته و در گام دوم الهی دانستن تدبیر و تدبیر را لازم دانسته که هر دو مقدمه هستند تا سومی حاصل شود، می‌توان نتیجه گرفت که در سومی دیگر جامعیت مطرح است و تمام امور را در بر می‌گیرد و اینجاست که مدینه فاضله شکل می‌گیرد و تمدن اسلامی به پا می‌خیزد. آری تمدن اسلامی، در حدیث شریف عنوان بصری، تمدن به معنای اعم کلمه بوده که فرهنگ را نیز در بر دارد و به این معنا به اسلام منسوب است لذا هر جا واژه تمدن اسلامی مطرح می‌شود منظور همین معنا که اعم از معنای فرهنگ است، بوده یعنی مرتبه نهایی حقیقت عبودیت.

امام صادق علیه السلام در بیان دیگری در تبیین حقیقت عبودیت می‌فرمایند: «العبودية، جوهره كنهها الربوبية؛ گوهر ذات بندگی ربوبیت است» (امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ۱۳۶۰: باب اول و دوم، ص ۵-۹) به عبارت دیگر؛ کنه و حقیقت و به اصطلاح منطقی؛ فصل عبودیت ربوبیت است یعنی اگر عبودیت به ربوبیت نرسد، عبودیت نیست و روشن است یکی از معانی رب، پرورش و تربیت است و پرورش و تربیت مرتبط با تمدن است که به معنای خروج از جهالت بود.

در ادامه روایت امام علیه السلام می‌فرماید: «تفسیر العبودية بذل الكل و سبب ذلك منع النفس عما تهوى و حملها على ما تكره...؛ معنا و تفسیر عبودیت، بذل الكل و توسعه در بخشش است و سبب بذل الكل، منع کردن نفس است نسبت به خواهش‌هایش و وادارکردنش نسبت به اموری که ناخوش دارد «و مفتاح ذلك ترك الراحة و حب العزلة؛ کلید رسیدن به مرتبه منع نفس از خواهش‌های نفسانی، ترک راحت طلبی و عزلت و کناره‌گیری از امور دنیایی است «و طریق ترک الراحة و حب العزلة الافتقار الى الله تعالى؛ راه ترک راحت و اختیار عزلت پی‌بردن به احتیاج و افتقار خود در جمیع امور به خداوند متعال است»

در روایت "عنوان" بیان شد که امام علیه السلام اولین مرحله از مراحل سه گانه ی عبودیت را این می‌داند که بنده، تمام دارایی خود را از آن خداوند بداند این مرحله در صورتی تامین می‌شود که انسان، به افتقار محض و عین‌الربط بودنش پی‌برد در این صورت است که چیزی از مایملکش را از آن خود ندانسته و به بذل الكل و در نتیجه به عبودیت و ان شاء الله به ربوبیت خواهد رسید. بنابراین تمدن اسلامی اجرای کامل مراحل حقیقت عبودیت است و تمدن به معنای واقعی کلمه که مستفاد از آیات و روایات خصوصا حدیث شریف عنوان بصری می‌باشد، مساوی و مساوق با حقیقت عبودیت خواهد بود.

### تمدن نوین اسلامی

اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» جدای از اصطلاح «تمدن اسلامی» نمی‌باشد؛ از آنجایی که قران این سند جاودان حقانیت اسلام، «تبیانا لكل شیء» (نحل/۸۹) است بالتبع؛

کامل، جاوید و خاتم است لذا پویا و نوین بوده در نتیجه تمدن برخوردار است از آن نیز همواره نو و پویا می‌باشد.

در سوره مبارکه نور خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده ی استخلاف می دهد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (۵۵) اینکه به زودی جامعه‌ای برایشان تمکین می‌کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه با استدلال ثابت می‌کند که وعده استخلاف در آیه، جز با اجتماعی که با ظهور موعود عجل الله فرجه بر پا می‌شود با هیچ مجتمعی قابل انطباق نیست (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، صص ۱۰ - ۱۵۷)، آرمانی که رهبر انقلاب حرکت در آن مسیر را برای جوانان ترسیم می‌کند: «شما باید که باید پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید.» (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### اقتصاد مقاومتی اولین قدم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی

با توجه به حدیث عنوان بصری، می‌توان برداشت نمود حقیقت عبودیت لازمه پیشرفت است و اولین گام در اجرای حقیقت عبودیت، گامی اقتصادی می‌باشد. توضیح آنکه:

حدیث عنوان بصری فرمایش امام صادق عجل الله فرجه است برای عنوان بصری که در حین نقل حدیث، بالای نود سال سن داشته و می‌توان ایشان را بنوعی از مجتهدین تراز اول کلاس «مالک بن انس» دانست.

امام عجل الله فرجه همان ابتدا بت شکنی کرده و معلومات ایشان را «تعلم» می‌دانند نه علم (لیس العلم بالتعلم)

علم را از سنخ نور دانسته‌اند که اصل پیشرفت است و در عالم ماده، چیزی به سرعت

نور نمی‌رسد (انما هو نور) از این نکته نیز نبایست غافل شد که دانشمندان مسلمان پیشرفت را صرفاً در امور مادی ندانسته بلکه معتقدند پیشرفت متناسب با حقیقت انسان که روح و معنویت اوست، پیشرفت معنوی است که البته پیشرفت مادی را نیز به معنای درستش در بردارد.

امام علیه السلام در تبیین نقشه علم و پیشرفت، بر حقیقت عبودیت بسیار تکیه می‌فرمایند  
(فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبِ/وَلَا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ)

حقیقت عبودیت را سه امر می‌دانند که می‌توان امر سوم آن را با توجه به تعبیر «جملة اشتغاله» در متن حدیث که شامل همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی عبد است، تمدن اسلامی دانست: «أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِي مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مَلَكًا... وَلَا يَدْبِرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا وَجُمْلَةً اِشْتِغَالِهِ فِي مَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاها عَنْهُ».

و از آنجایی که کلام، کلام معصوم است، با توجه به ترتیب مطرح بین سه امر مشارالیه در تبیین حقیقت عبودیت، می‌توان برداشت نمود که امر اول از حقیقت عبودیت مقدمه دو امر بعدی است.

امر اول همچنانکه در توضیح «حقیقه هو المالكية» خواهد آمد، به بحث مایملک و سخت‌افزار اشاره دارد و روشن است که از مهم‌ترین مباحث و موضوعات علم اقتصاد بحث ثروت و دارایی است و با توجه به تعریف اقتصاد مقاومتی پیش‌رو، می‌توان اولین گام تمدن اسلامی را اقتصاد مقاومتی دانست (أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِي مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مَلَكًا...)

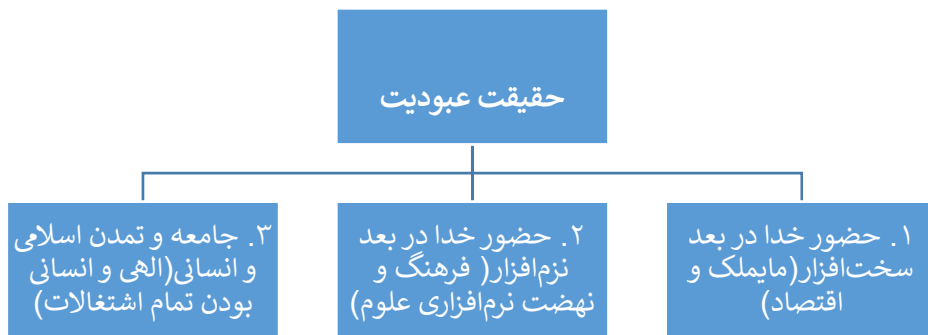
### حقیقة العبودية ثلاثة اشياء:

۳. و جملة اشتغاله فيما  
امر الله تعالى و نهاه عنه

۲. أَنْ لَا يَدْبِرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ  
تدبیرا

۱. أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ  
فيما خوّله الله تعالى ملكا





### اقتصاد

اقتصاد در لغت به معنای میانه‌روی و اعتدال (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ماده قصد) و در اصطلاح به معنای مدیریت دخل و خرج و هزینه‌هاست که یکی از رشته‌های علوم اجتماعی محسوب می‌شود که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حکومت می‌کند بحث می‌کند. (مطهری، بهمن ۱۳۸۵: ص ۱۷)

### اقتصاد اسلامی

اسلام در کنار توجه به بُعد معنوی حیات انسانی، به زندگی مادی و حیات اقتصادی بشر نیز توجه ویژه دارد. از این رو، در فقه، بابهای بسیاری به شئون مختلف این بُعد از زندگی انسان اختصاص یافته است، مانند زکات، خمس، انفال، تجارت، قرض، دین، رهن، تفلیس، حجر، ضمان، حواله، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، کفالت، وقف، صدقات، عطیه، هبه، سبق و رمایه، وصیت، عتق، جعاله، کفارات، صید و ذباحت، اطعمه و اشربه، غصب، شفعه، احیاء موات، لقطه، ارث و دیات. همچنین بخشهایی از دیگر بابها به گونه‌ای با مسائل مالی مرتبط‌اند، مانند نکاح، خلع، یمین، نذر و عهد (ر. ک: شهید اول، ۱۴۱۰ ق: فهرست کتاب) مباحث اقتصادی با

بیش از صد هزار مسئله، افزون بر یک چهارم مباحث فقه را در بر می‌گیرد و حجم به نسبت زیادی از آیات و روایات را به خود اختصاص داده است، که می‌توان مجموع آنها را منابع شکل‌گیری اقتصاد اسلامی دانست.

در این که علم اقتصاد اسلامی وجود دارد یا خیر؟ بین اقتصاددانان مسلمان اختلاف نظر است؛ سید محمدباقر صدر اقتصاد اسلامی را به معنای مذهب اقتصادی اسلام می‌داند روشی که اسلام تبعیت آن را در حیات اقتصادی سفارش می‌کند و به دنبال توصیف و تبیین پدیده‌های اقتصادی و قوانین حاکم بر آنها نیست (صدر، ۱۴۱۷ ق - ۱۳۸۲؛ ص ۳۱۵-۳۲۰) در مقابل؛ برخی دیگر از صاحب‌نظران معتقدند که اسلام علاوه بر داشتن مکتب اقتصادی، علم اقتصاد نیز دارد. (میرمعزی، ۱۳۹۴؛ ش ۵۹ و رفیعی، زمستان ۱۳۹۴؛ ش ۴)

خلاصه می‌توان گفت: اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ای است از گزاره‌های دینی که به عنوان زیربنای نظام اقتصادی تلقی شده و غایاتی که دین در زمینه اقتصاد ترسیم کرده است (مذهب اقتصادی) و فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به کار، سرمایه و ابزار تولید (رک: بهشتی، ۱۳۷۴؛ ص ۹)

### اقتصاد مقاومتی

اصطلاحی است کشف شده از منابع اسلامی که برای اولین بار مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ آن را بکار برد و چون در شرائط تحریم بکار برده شده است بعضی‌ها تصور نموده‌اند این نوع اقتصاد، خاص زمان تحریم است و حتی بعضا این نوع اقتصاد مختص کشورهایی که از دموکراسی بالایی برخوردار نیستند اختصاص داده شده است (خبرگزاری فارس، <https://www.farsnews.ir/news/13930401001489> 3/4/1393) این در حالی است که مقام معظم رهبری در تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، آن را نه تنها متعلق به یک دوره خاص ندانسته بلکه همیشگی و برخواسته از مکتب و فرهنگ اسلام می‌دانند:

«اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است، مربوط به شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ میتواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده کند؛ میتواند مشکلات را برطرف کند؛ درعین حال پویا هم هست... قابل تکمیل است، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید.» (– <https://farsi.khamenei.ir/speech> –) (۲۰/۱۲/۱۳۹۲ content?id=25795)

با توجه به اینکه اسلام مکتبی مستقل است، مکتب اقتصادی آن نیز بایست استقلال داشته و وابسته به مکاتب اقتصادی دنیا نباشد لذا اصطلاح اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد یعنی اقتصادی که در مقابل اقتصادهای دیگر تاب آورده و خود را نباخته و با هویت اصیل خود به شکوفایی و پویایی ادامه می‌دهد این مقاومت به معنای اعم کلمه است که اقتصاد تهاجمی نیز لازمه‌ی آن می‌باشد؛ به معنای اعطای نسخه جایگزین جهانی در قبال نسخه اقتصاد لیبرالیستی ویژه خوار که فعلا بر تمام جهان چنبره زده است.

در ادامه این نوشتار این نوع از اقتصاد را به عنوان عامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از منظر امام صادق علیه السلام تبیین می‌نماییم.

### اجرای اقتصاد مقاومتی به عنوان نخستین مولفه‌ی تمدن نوین اسلامی

در روایت «عنوان بصری» امام صادق علیه السلام برای دستیابی به رشد علمی، حقیقت عبودیت را شرط می‌نماید (فان اردت العلم فطلب اولاً فی نفسک حقیقة العبودیة) و حقیقت عبودیت را در سه مرحله تبیین می‌فرماید: مرحله اول رسیدن فرد به این سطح از تفکر است که تمام آنچه را که خداوند به او عطا کرده است از آن خداوند ببیند نه خویشتن (أن لا یری العبد لنفسه فیما خوله الله تعالی ملکا) مهم‌ترین مسأله اقتصادی که به منزله روح است نسبت به مباحث اقتصادی، مسأله‌ی ملکیت و مالکیت است. این ملکیت در نگاه ابتدایی و ماهیت‌انگازانه استکبار را به دنبال دارد و از خلال این مفهوم استکبار است که

مسأله‌ی توسعه بدون توجه به عدالت مطرح خواهد شد و در نتیجه لیبرالیسم اقتصادی به وجود می‌آید اما با توجه به انسان مخلوق و محدودیت او و اینکه او هر چه دارد از خالقش است این نگاه استقلال‌مثابانه و ماهیت‌انگارانه اومانستی زدوده شده و نگاه عین‌الربطی و وجودانگاران‌هی الهی به میان آمده در نتیجه خدا را مالک داشته‌های خود می‌داند و چون انسان مخلوق به این نگاه فائز شود، دیگر حرص و طمع نسبت به مایملک خویش نداشته و در نتیجه در ظرفی که خدایش دستور داده آنها را مصرف می‌کند و این‌گونه اقتصاد اسلامی بارور می‌شود.

الگوی بسیار کوچکی از اقتصاد اسلامی را می‌توان در پیاده روی اربعین حسینی ع مشاهده نمود که افراد بدون هیچ چشم‌داشت مادی، به فعالیت مشغول‌اند!! نهایی‌ترین این مرتبه در زمان ظهور اتفاق می‌افتد که در روایات آمده که اوضاع اقتصادی به نحوی میشود که فقیر نایاب می‌شود! (مجلسی، ۱۴۰ ق، ج ۵۲، باب ۲۷، ح ۸۳)

#### استکبارزدایی اقتصادی؛ اولین بن‌لایه در ایجاد تمدن نوین اسلامی:

در قرآن کریم و روایات اسلامی فراوان به مبارزه با استکبار و زدودن آن از دامن خود و جامعه اسلامی توصیه شده است. از مهمترین اهداف بعثت انبیا آن است که مردمان قسط و عدل را بر پای دارند «لَيُقَوِّمَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ؛ تا مردمان عدالت را بر پای دارند» (حدید/ ۲۵) این هدف بزرگ محقق نمیشود مگر با از بین رفتن «استکبار اقتصادی» و «استضعاف اقتصادی» و این استکبار و استضعاف جز با چرخیدن عادلانه مال و امکانات معیشتی در جامعه از بین نمی‌رود و از این راه است که دین در جامعه حضور پیدا می‌کند زیرا که «العدل حياة الأحكام؛ با اقامه عدل است که احکام دین زنده می‌ماند و مورد عمل قرار می‌گیرد» (آمدی، ۱۴۱۰ ق: ح ۴۴۰)

ظلم اقتصادی که در چهره استضعاف و استکبار اقتصادی بروز می‌کند، از خطرناکترین انواع ظلم به شمار می‌رود که دیگر صورتهای ظلم را از قبیل ظلم سیاسی و فرهنگی به دنبال دارد (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۵)

پول و ثروت کارکردی حیاتی و قوامی دارد، یعنی پشتوانه‌ای است برای زندگی مردمان، که نباید از آن وضعیت بیرون رود «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ اموال خود را که خداوند سبب قوام زندگی شما قرار داده است به دست سفیهان مدهید» (نساء/۵) و این وضعیت جز با نظام اقتصادی متعادل و اجرای برنامه عدالت اقتصادی محفوظ نخواهد ماند، زیرا در چنین نظامی اقتصادی است که اموال و امکانات جامعه، پشتوانه يك زندگی انسانی، برای همه قشرهای مردم می‌گردد. و الا اگر انسان صرفاً به دنبال توسعه در اقتصاد باشد بدون توجه به عدالت، این آزادی و محدود نبودن مالکیت و مصرف که لازمه اقتصاد لیبرال است، زمینه را برای ظلم اقتصادی هموار می‌سازد، و راه را برای «تکاثر» و «اتراف»<sup>۱</sup> و «ویژه‌خواری» می‌گشاید.

با توجه به فرمایشات امام صادق علیه السلام در حدیث شریف عنوان بصری، می‌توان نقشه‌ی مبارزه با این ظلم و استکبار اقتصادی را که به اجرای عدالت اقتصادی می‌انجامد، در سه مرحله تبیین نمود:

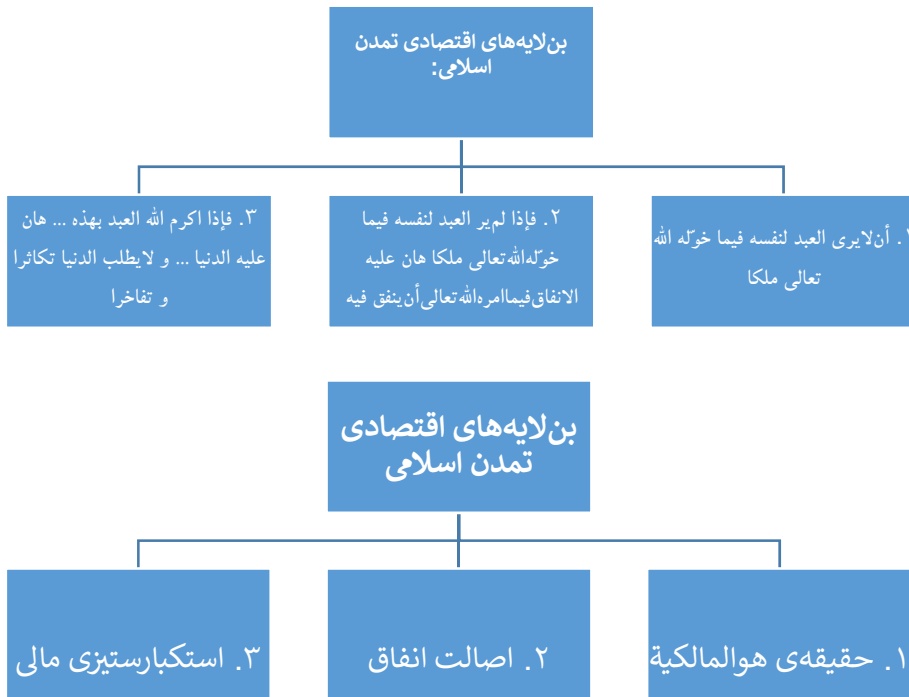
مرحله اول: رسیدن به این باور که انسان و مایملکش از آن خداوند متعال است که از آن به حقیقت «هوالمالکیة» تعبیر می‌کنیم.

مرحله دوم: توسعه در انفاق و انفاق‌گرایی؛ که حاصل امر اول است.

مرحله سوم: مبارزه با سرمایه‌داری و تکاثر و شادخواری (اتراف)؛ که محصول امر دوم است. از آن به «کثرت‌زدایی» یا «تکاثرو تفاخرستیزی» تعبیر می‌کنیم.

---

۱. واژه «اتراف» به کسر همزه از باب افعال از آیات کریمه قرآن اصطلاح شده است. ر. ک: مبارکه ۳۳ مومنون: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِيمَانِهِمْ فِي الْآخِرَةِ وَأُتْرِفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ».



### مرحله اول: حقیقه‌ی هوالمالکیة

به حکم «لله ما فی السموات و ما فی الارض» (بقره، ۲۸۴) انسان مملوک خداوند بوده و هر چه دارد از اوست در نتیجه در تمامی اموری که دارد بایست خدایش را ببیند. این «خدادیدن» که لازمه وجودی و هویتی انسان مخلوق است، اگر همچنانکه متناسب با تکوین انسان است، تشریح انسان نیز متناسب با آن گردد، رشد و پیشرفت و در نتیجه تمدن اسلامی مهیا خواهد شد.

در حدیث عنوان بصری ششمین امام شیعیان ع وقتی می‌فرماید که مرحله اول بندگی آن است که عبد در مایملکی که خداوند به او عطا نموده، ملکیتی برای خویش نبیند. علت این امر را ویژگی تکوینی عبد دانسته و می‌فرماید: «لأن العبد لا یكون لهم ملک یرون المال مال الله و یضعونه حیث امرهم الله به؛ بدان جهت که بندگان را ملکی نیست، مال را مال خدا

می‌دانند، و آن را در جایی که خدا فرموده است قرار می‌دهند» یعنی بندگان با توجه به تکوین و هستی خود که عبدند نه مولا، ملکیتی ندارند در نتیجه مال و مایملک را مال خدا و مولایشان می‌بینند و در همان راه مصرف می‌کنند

رکن اجرای اقتصاد مقاومتی به این است که انسان مایملک و دارائی‌های خودش را از آن خودش نداند درست عین وجودش که انسان چون مخلوق است، وجود دارد اما وجودی وابسته و متعلق به خالق و در نتیجه، گویا وجود ندارد؛ اگر به خودش نگاه کند و خویشتر را ببیند، به اصطلاح؛ حیثیت فی‌نفسه و استقلالی برای خودش در نظر بگیرد، اوست که وجود دارد و بس؛ و اگر از این جهت به خودش نگاه کند که او مخلوق است نه خالق، و مخلوق هویت وجودی‌اش را مدیون خالقش می‌باشد، و به اصطلاح؛ حیثیت فی‌غیره و رابط و وابسته‌بودنش را در نظر بگیرد، می‌فهمد که او وجود ندارد و خداوند است که وجود دارد و بس. این امر (تناقض‌نما) خاصیت حقائق تشکیکی است وقتی به مرتبه‌ای از این حقیقت نگاه می‌کنیم فکر می‌کنیم همان است که موجود است اما وقتی به مرتبه‌ای دیگر نگاه می‌کنیم می‌بینیم همان نیست بلکه امر دیگری در کار است و از همین‌جا حمل شایع دیگری در علوم عقلی به میان می‌آید به اسم حقیقه و رقیقه. وقتی به رقیقه که وابسته است نگاه می‌کنیم فکر می‌کنیم خودش است که موجود است و بس اما وقتی به حقیقه نگاه می‌کنیم می‌بینیم خیر، اتفاقاً او گویا اصلاً موجود نیست و فقط حقیقه است که موجود است و اگر رقیقه وجودی دارد وجودی وابسته دارد این موجود وابسته همچنانکه در وجود وابسته است و کمالش به این است که هر چقدر می‌تواند وابستگی‌اش را ببیند و آن را لحاظ کند، در امور تشریعی و اکتسابی و معاش و زندگی‌اش نیز اینگونه خواهد بود؛ اگر در مال و اموال خود، خویشتر را ببیند نه خدایش را در این صورت گرفتار اومانسیم و بالتبع استکبار یا استضعاف اقتصادی خواهد گشت اما اگر در مال و اموالش، خدایش را دید نه خویشتر را رشد کرده و به پیشرفت حقیقی نزدیک‌تر خواهد گشت و در این صورت زمینه برای از بین بردن استکبار و استضعاف اقتصادی فراهم شده و مسیر اقتصاد مقاومتی و اسلامی هموار

می‌گردد. به عبارت دیگر هر چقدر انسان بتواند «حقیقه‌ی هوالمالکیه» را در امور خویش ببیند به پیشرفت تمدنی نزدیک‌تر شده و نسبت به ایجاد تمدن نوین جهانی اسلامی اثربخش‌تر خواهد بود.

در روایت عیسی بن موسی، امام می‌فرماید: «الْمَالُ مَالُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهُ وَدَائِعَ عِنْدَ خَلْقِهِ وَ أَمْرُهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا مِنْهُ قَصْدًا وَ يَشْرَبُوا مِنْهُ قَصْدًا... فَمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ كَانَ أَكْلُهُ مِنْهُ حَرَامًا وَ مَا شَرِبَ مِنْهُ حَرَامًا وَ... مال مال خداست که آن را به صورت امانت به بندگان خود سپرده و به ایشان فرمان داده تا با میانه‌روی از آن بخورند، بیاشامند، بپوشند، برای ازدواج هزینه کنند، از آن وسیله سواری بخرند؛ و آنچه باقی می‌ماند به فقراى مؤمنان بدهند؛ پس هر کس از این روش (میانه‌روی) تجاوز کند، خوردن و نوشیدن و پوشیدن و ازدواج کردن و وسیله سواری خریدن او همه حرام است.» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ص ۲۶۹. و نیز مجلسی، همان، ج ۱۰۰، ص ۱۶. و نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۵۲)

در حدیث دیگری از رسول خدا نقل می‌کنند که حضرت کسی را که مال و اموال را به خویشتن نسبت میدهد و از خداوند شکایت می‌کند به سختی مورد مذمت قرار می‌دهد «وَيْحَكَ وَ هَلْ أَضِلُّ مَالِكَ وَ ذِرْوَتُهُ إِلَّا مِنْ رَبِّكَ؛ ای وای، آیا اصل مال تو و سرمایه تو، جز از پروردگار تو است؟» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ص ۵، ج ۳۱۲. و نیز: مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۹، ص ۴۳)

### مرحله دوم: اصالت انفاق

از اموری که می‌تواند عدالت اقتصادی را به ارمغان بیاورد، بحث انفاق است که مبارزه با فساد و به تبع طهارت اقتصادی را بدنبال دارد. از تدبیر در آیات قرآنی و احادیث اسلامی، به اهمیت و تأثیر آن میتوان پی برد تا آن حد که امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرمایند:

«... لیکن نظرکم عبرا... و طبیعتکم السخاء؛ فإِنَّه لا یدخل الجتة بخیل، و لا یدخل الثَّار سخی؛ باید نگاه شما به هر چیز برای پندآموزی و عبرت‌گیری باشد، و طبیعت شما



جود و بخشندگی باشد زیرا که هیچ بخیلی به بهشت داخل نمی‌شود، و هیچ بخشنده دستی به آتش دوزخ در نمی‌آید» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ ق: ص ۳۹۰) و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «شَابُّ سَخِيٍّ مُرَهَّقٌ فِي الدُّنُوبِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ؛ جوان سخاوتمندی را که فرو رفته در گناهان باشد، خدای بزرگ بیش از پیرمرد عابدی که بخیل باشد دوست دارد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ح ۱۷۰۸)

پیامبر اسلام یکی از اهداف بعثت انبیاء را انفاق و هزینه‌گذاری می‌داند: «لَمْ نُبْعَثْ لِيَجْمَعْ الْمَالَ وَ لَكِنْ بَعَثْنَا لِانْفَاقِهِ؛ ما (پیامبران) برای جمع آوری مال مبعوث نگشتیم بلکه برای انفاق آن مبعوث گشتیم» (طبرسی، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۸۳) بنا بر معنای آشکار و صریح این حدیث نبوی و امثال آن، جمع آوری مال و خودداری از انفاق آن، مخالف با مقاصد دین و شرایع پیامبران است. (حکیمی، همان، ج ۶، صص ۱۰۰-۱۱۰)

در حدیث شریف عنوان بصری امام صادق علیه السلام راه رسیدن به اقتصاد اسلامی را که گذرگاه تمدن جهانی است، انفاق می‌داند و می‌فرماید: «... فَإِذَا لَمْ يَرِ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكًا هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقَ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَنْفِقَ فِيهِ...؛ اگر عبد در مواردی که خداوند متعال به او عطا نموده برای خودش ملکیتی را ندید انفاق در مواردی که خداوند متعال، در آنجا امر به انفاق فرموده، برایش آسان می‌شود»

از این فرمایش امام نکته‌ها می‌توان نتیجه گرفت، برخی از آنها را اشاره می‌کنیم:

۱. اجرای تمدن اسلامی از مجرای انفاق می‌گذرد. زیرا همچنانکه گفتیم حقیقت عبودیت که همان تمدن نوین اسلامی است زمانی اجرا می‌شود که اقتصاد مقاومتی (حقیقه‌ی هوالمالکیه) شکل بگیرد و اقتصاد مقاومتی شکل نمی‌گیرد مگر با انفاق یعنی از رفع تالی در فرمایش امام رفع مقدم را نتیجه می‌گیریم (اذا لم ير العبد لنفسه فيما خوله الله تعالى ملكا هان عليه الانفاق؛ عدم استکبار مالی، انفاق آفرین است پس عدم انفاق باعث ایجاد شدن استکبار و استضعاف اقتصادی خواهد شد و استکبار اقتصادی همان و عدم ایجاد تمدن نوین اسلامی نیز همان؛ زیرا تمدن اسلامی مبتنی بر اسکبارزدایی اقتصادی

است).

۲. واژه «هان» در لغت هم به معنای آسان شدن پس از سختی و هم به معنای شیرین شدن پس از تلخی آمده از تعبیر «هَانَ» می‌توان به این نتیجه رسید که اجرای انفاق به آسانی نیست زیرا شخص با انفاق و هزینه‌گذاریش، در مقابل حیثیت استقلال و استکباری نسبت به ملکیتش، قرار می‌گیرد و این حیثیت را زمین زدن، سخت و مشکل است.

۳. از تعبیر «فیما امره الله تعالی ان ینفق فیه» استفاده می‌شود که امر خدا را در انفاق پیدا کردن و در آن راستا فعالیت نمودن مشکل است. بعضی از انفاق‌ها ممکن است بر طبق امر و اراده الهی نباشد: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا؛ (در انفاق به محتاجان زیاده روی مکن) نه بخل بورز که گویی دستت را به گردنت بسته‌اند و نه آن چنان باز کن که چیزی (برای روز مبادا) نزد خود نگذاری آن وقت تهی دست بنشین و خود را ملامت کنی» (اسرا/۲۹)

از اینجا این نکته روشن می‌شود که صرف انفاق کردن اقتصاد مقاومتی را بارور نمی‌سازد این انفاق بایست بر طبق شرایط باشد که کلیتش آن است که مخالف با امر الهی نباشد. اگر در جامعه‌ای انفاق با شرایط درستش صورت گرفت معلوم می‌شود آن جامعه از حیث اعتقادی سالم است که زمینه ست برای شکست لیبرالیسم و استکبار جهانی. توضیح مطلب آنکه: یکی از عوامل دشمنی یهود و صهیونیسم جهانی با انقلاب اسلامی در همین نکته است که اگر مکتب اسلام درست پیاده شود به اجرای گسترده انفاق رسیده و در این صورت تمام سرمایه‌داران جهانی، عرصه را بر خود تنگ خواهند دید. لذا به جمهوری اسلامی، هم از طریق جنگ سختو هم از طریق جنگ نرم به شدت حمله می‌کنند.

۴. نکته دیگری که از فرمایش امام صادق علیه السلام می‌توان استفاده نمود ارتباط درست علم و عمل و به اصطلاح علمی، تولید فن و فن‌آوری است. امام علیه السلام می‌فرمایند: «اذا لم ير العبد لنفسه فيما حوَّله الله تعالی ملکا هان علیه الانفاق...» بحث این است که عبد ابتدا نگاه و باور خویش را نسبت به عدم استکبار مالی (حقیقه‌ی هو المالکیة) تصحیح نماید که این

تصحیح با توجه به تعبیر «لم یر» در حوزه عقاید و باور مطرح می‌شود که اگر این باور حاصل شد، عمل نیز پشت سر آن خواهد آمد؛ یعنی، آسان شدن انفاق.

### مرحله سوم: تکاثرستیزی

جامعه اسلامی، جامعه‌ای میانه‌رو است. قرآن کریم از مسلمانها میانه‌روی در اقتصاد و معیشت را مطالبه می‌کند «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِزٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ» (نحل/ ۹) و از امتهای مقتصد و میانه‌رو تمجید و از کسانی که این ویژگی را نداشته باشند، نکوهش نموده است و جامعه‌ای که کثرت‌اندوزی و اتراف بر آن حکومت نماید به طوری که ستم‌گری در آن گسترش یابد، جامعه‌ای جاهلی معرفی شده است «ألا! و إنَّ بلیتکم قد عادت کهیئتھا یوم بعث الله نبيکم؛ هشیار باشید که روزگار آزمایش به همان شکل خود در روز بعثت پیامبر ﷺ به شما باز گشته» (الشریف الرضی، همان: خطبه ۱۶، ص ۵۷) در اینجا امیرالمومنین علیه السلام اوضاع زمانه‌ی بعد از عثمان را به علت کثرت‌اندوزی و اتراف برگشت به زمان جاهلیت می‌داند.

نظام مالی در اسلام مبتنی بر همیاری اجتماعی است نه بر مبارزه و رقابت برای مالکیت و آزادی در خرج و مصرف. و آشکار است که مستولی شدن مشتی از ویژه‌خواران بر اجتماع زمینه را برای کشمکش گروهها بر سر مالکیت فراهم می‌آورد و در این هنگام پیوندهای اجتماعی - که باید دارای بهترین و آرمانی‌ترین شکل باشد - به پیوند میان آکل و مأکول (خورنده و خورده شده) بدل می‌شود، چنان که امام علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید: «يَأْكُلُ عَزِيْرُهَا ذَلِيْلَهَا وَ كَبِيْرُهَا صَغِيْرَهَا؛ دنیایی که نیرومندش ذلیل آن را می‌خورد، و بزرگش کوچک آن را» (ابن شعبه، همان: ص ۷۶) و این همان مصیبت و فاجعه‌ای است که امام سجّاد، زین العابدین علیه السلام با این سخن بیدارکننده و انقلابی خود به آن اشاره کرده است: «أيتها المؤمنون! مصیبتکم الطواغیت من أهل الرّغبة فی الدّنیاء؛ فاجعه در زندگی شما همین طاغوت‌های متمایل به دنیا هستند...» (حکیمی، همان: ج ۳، ص ۳۶۵)

اقتصاد تکاثری، که از لوازم آن طبقه‌بندی و تقسیم جامعه به مرفه و مسکین می‌باشد،

در نظر اسلام، اقتصادی طاغوتی است. اقتصادی که در آن نفس طغیانگر، خواستار مال فراوان می‌شود و در جستجوی آن تلاش می‌کند و هنگامی که به آن رسید به طغیان می‌پردازد «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ \* أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْتَبَ \* خَيْرٌ أَدْمِي طَغْيَانٌ مِي كُنْد، چون خود را از توانگران ببیند» (علق ۶/ ۷) و طغیان مالی، طغیان در دیگر سطوح زندگی را در پی دارد. لازمه این طغیان، اسارت و بارکشی اقتصادی است زیرا آدمی نیازی ابتدایی به خوراك و پوشاك و خانه و بهداشت دارد، و اگر این نیازمندیها برطرف نشود، به نابودی او می‌انجامد، پس هیچ اسارتی برای او زیانبارتر از این اسارت نخواهد بود، یعنی اسارت برای فراهم آوردن این نیازهای ضروری. (همان، ج ۳، ص ۳۵۹)

قرآن کریم، محور قرار دادن مال را که به طغیان می‌انجامد ناپسند دانسته و از آن بیم می‌دهد «فَأَمَّا مَنْ طَغَى... فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ هِر كَس طَغْيَانٌ وَرَزْد... بِيَقِين دُوْرخ جایگاه او است» (نازعات/ ۳۷) و رسالت خود را آزاد کردن انسان و رهانیدن او از همه اشکال اسارت می‌داند «وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ بار گران (و تحمیلی) از ایشان بر می‌گیرد، و بندهای ایشان را بر می‌دارد» (مبارکه اعراف / ۱۵۷). چرا که طبق مقتضای «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (مبارکه حجرات / ۱۰) جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که روح برادری و تکافل، بر آن حکومت می‌کند و اثر چنین روحی در روابط اقتصادی مردم با یکدیگر - که مهمترین جلوه‌گاه روح برادری و تکافل است - دیده می‌شود. کار کردن بعضی برای بعضی دیگر، امری لازم برای اجتماع است، تا از این راه نیازمندیهای مردم از طریق بکار افتادن استعدادها و مهارتهای مختلف برطرف شود، و بعضی از ایشان در خدمت بعضی دیگر واقع شوند، لیکن به صورتی متناسب، با تعهد به روح برادری و مراعات موازین عدل و احسان، و حفظ کرامت انسانی «وَ لَا يَتَّخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ (مبارکه آل عمران / ۶۴) نباید برخی از ما برخی دیگر را به جای خدا ربّ (و صاحب اختیار) خویش قرار دهند». لذا مقصود از این کار کردن، آن صورت بهره‌کشانه‌ای نیست که مردمان را به خورنده (آکل) و خورده‌شده (مأکول) اقتصادی تقسیم می‌کند. این در اسلام مردود است، چنان که

در حدیث نبوی صلی الله علیه و اله و سلم آمده است: «لا سخرة علی مسلم؛ (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۹، ص ۶۳) مسلمان را نمی‌توان به بیگاری گرفت». و چنان که امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «لا تسخروا المسلمین فتذلّوهم؛ مسلمانان را به سخره و بیگاری مگیرید که این سبب خوار کردن آنان می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۱۷۲). پس اصول و چارچوبهای اقتصادی در اسلام این بهره‌کشی را طرد می‌کند و آن را از میان می‌برد.

امام صادق علیه السلام در حدیث شریف عنوان بصری، بعد از تبیین حقیقت عبودیت (تمدن نوین اسلامی) می‌فرمایند: «... إذا اکرم الله العبد بهذه الثلاثة<sup>۱</sup> هان علیه الدنيا... لا یطلب الدنيا تکاثراً و تفاخراً؛ ... زمانی که خداوند متعال به بنده اش آن سه امر در حقیقت عبودیت را اکرام نمود، دنیا بر او آسان/سبک/راحت می‌شود... و دنیا را به خاطر کثرت‌اندوزی و فخرفروشی طلب نمی‌کند». با توجه به تعابیری که امام علیه السلام در اینجا بکار می‌گیرند، نکته‌هایی را یادآور می‌شویم:

۱. با توجه به واژه‌ی «دنیا» در تعبیر امام علیه السلام، در اجرای حقیقت عبودیت (تمدن اسلامی) حتماً دنیا و توجه به دنیا مطرح است. نمی‌توان به دنیا کاملاً بی‌توجه بود زیرا انسان یک سری نیازهایی گریزناپذیر دارد از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن که بدون توجه به دنیا نمی‌توان برای آنها برنامه‌ای ریخت.

۲. با توجه به تعبیر «لا یطلب الدنيا تکاثراً و تفاخراً» دنیا را بایست طلب کرد و بدنبال آن بود اما طلب دنیا جهت و حیث دارد، مطلق، آزاد و رها نیست تا به اقتصاد لیبرالیستی و

---

۱. آن سه امر همچنانکه قبلاً اشاره کرده‌ایم عبارت اند از: ۱. آن لایری العبد لنفسه فیما خوّله الله تعالی ملکا ۲. آن لایدتیر العبد لنفسه تدبیراً و ۳. جملة اشتغاله فیما امره الله تعالی و نهاده عنه؛ ۱. عبد در تمام مواردی که خداوند متعال بدو اعطا نموده، ملکیتی برای خویش نبیند (حقیقه‌ی هوالمالکیة) ۲. برای خویش بطور مستقلّ تدبیری نیاندیشد ( «حقیقه‌ی هوالمدبریّة» و اجرای نهضت نرم‌افزاری علوم اسلامی که امر بسیار مهم در اجرای تمدن نوین اسلامی خواهد بود که به حول و قوه‌ی الهی در نوشتاری دیگران را تبیین خواهیم نمود) ۳. تمام اشتغالاتش در اوامر و نواهی الهی باشد (تمدن اسلامی یا مرحله عالیّه تمدن، که از تحقق جامعه آرمانی در زمان ظهور مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر می‌دهد).

استکبار اقتصادی و اترافی‌گری بیانجامد. جهت طلب دنیا، هر امری است که منجر به اشرافی‌گری و طغیان‌گری و در نتیجه اقتصاد طاغوتی در مقابل اقتصاد الهی نگردد. اینجا دستور اسلام مبارزه با تکاثر و کثرت‌خواری، اتراف و شادخواری، رانت‌خواری و ویژه‌خواری است:

«وَأَصْحَابُ النَّيْمِ مَا أَصْحَابُ النَّيْمِ فِي سَمَوٍ وَ حَمِيمٍ \* وَ ظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ \* لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ \* إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ؛ و اما اصحاب شمال چه اصحاب شمالی؟ (نامه اعمالشان به نشانه جرم به دست چپشان داده می‌شود) \* که در آتشی نافذ و آبی جوشان \* و در سایه‌ای از دود سیاه قرار دارند \* که نه خنکی دارد، و نه سودی می‌بخشد \* چون ایشان قبل از این در دنیا عیاش (شادخوار) و طاغی بودند» (واقعه ۴۱/ تا ۴۵)

«حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَزُونَ؛ تا آن گاه که ما کثرت‌خوار و شادخواران آنها را به عذاب اعمالشان بگیریم در آن حال فریاد خدا خدایشان (چون صدای گاو وحشی) بلند شود» (مومنون، ۶۴)

«وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا؛ و ما چون اهل دیاری را بخواهیم به کیفر گناه هلاک سازیم ویژه‌خوارها و سرمایه‌داران آن شهر را امر کنیم راه فسق و تبه‌کاری و ظلم در آن دیار پیش گیرند و آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت آن گاه همه را بجرم بدکاری هلاک می‌سازیم» (اسرا/ ۱۶۹)

آری این لازمه اقتصاد آزاد و لیبرال و طاغوتی است که گروهی سرمایه‌دار و مرفه بر گروهی دیگر چیره شده و جامعه را به خاطر ابقاء خویشتن، به استضعاف و فقر و احتیاج، می‌کشاند رهبری حکیم و فرزانه انقلاب جلوگیری از چنین وضعی را برای پیشرفت جامعه لازم می‌دانند:

«جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بلای کشور است. وقتی اشرافی‌گری در قلّه‌های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه» ( ) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33886>

«در راه پیشرفت، اشرافی‌گری ممنوع است؛ لذت جوئی ممنوع است؛ به فکر جمع کردن زخارف دنیا افتادن، برای مسئولین ممنوع است. با این ممنوعیت‌هاست که می‌توانیم به قله برسیم» (content?id=19996https://farsi.khamenei.ir/speech- (۱۴/۰۳/۱۳۹۱)

امام صادق علیه السلام در این نشست علمی با عنوان بصری که قرار است نقشه علم و پیشرفت را به عنوان بدهند، طبیعتاً بایست نسخه و فرمول گذر از دنیا را به عنوان بدهند تا تمدن نوین اسلامی (اجرای حقیقت عبودیت) اتفاق بیافتد. امام علیه السلام این نسخه و این فرمول را در یک جمله می‌فرمایند: «لایطلب الدنيا تکاثراً و تفاخراً؛ عبد دنیا را به خاطر تکاثر و اتراف، تفاخر و مباهات نمی‌خواهد» یعنی با اجرای تمدن اسلامی به اینجا می‌رسیم که انسان دنیا را به خاطر کثرت‌اندوزیش طلب نمی‌کند، صحبت از وقوع جامعه‌ای آرمانی در نقشه پیشرفت تمدنی‌ای است که امام علیه السلام به عنوان بصری افاضه می‌کند. و از طرفی دیگر همین امر باعث حصول تمدن نوین اسلامی خواهد بود؛ یعنی، اگر در جامعه‌ای تکاثر و اتراف وارد شد آن جامعه معیوب است، به تمدن نخواهد رسید. بایست تکاثر و اتراف از آن جامعه زدوده شود و با کثرت‌اندوزی و فخر فروشی که لازمه‌اش سرمایه‌داری و اشرافی‌گری است مبارزه نمود تا جامعه در مسیر حقیقت عبودیت افتد و به حقیقه‌ی هوالمالکیه نزدیک و در نتیجه از اقتصاد طاغوتی و اقتصاد استکباری و استضعافی نجات پیدا نماید. این «لایطلب الدنيا تکاثراً و تفاخراً» یک فرهنگ است تفاخرستیزی و اشرافی‌زادایی است این امر تا محقق نشود حقیقه‌ی هوالمالکیه نخواهد آمد و در نتیجه تمدن نوین اسلامی تشکیل نخواهد گردید.

البته که طی این طریق آسان نیست و به فرموده رهبری انقلاب: «یک جامعه وقتی در یک راه نوبی قدم می‌گذارد و با یک مدّعی متفاوتی وارد این جنگل انبوه تعارضات بین‌المللی می‌شود، در دوره‌های مختلف، اوضاع گوناگونی پیدا میکند که بایستی برطبق آن اوضاع، شرایط خودش را تطبیق کند در صدر اسلام هم همین‌جور بوده است، امروز هم همین‌جور است؛ تعارضهای جهانی وجود دارد؛ این دنیای سیاست بین‌المللی یک جنگل

انبوهی است، ما هم برخلاف جریان داریم حرکت میکنیم. جریان کلی دنیا، جریان استکبار و جریان نظام سلطه است؛ یعنی یک عده سلطه‌گرنده، یک عده هم زیر بار این سلطه میروند، سلطه‌پذیرند؛ ما برخلاف این جریان داریم حرکت میکنیم؛ در این چهل سال این جوری پیش رفته‌ایم، این جوری حرکت کرده‌ایم. طبعاً اوضاع و احوالی برای ما پیش می‌آید که ناگزیر بایستی نسبت به این اوضاع و احوال حواسمان جمع باشد، دقتمان زیاد باشد، « <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40421>، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵»

#### نتیجه:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند برکت‌هایی از آسمان و زمین به روی ایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، و ما نیز ایشان را به اعمالی که می‌کردند مؤاخذه کردیم» (اعراف، ۴۶)

ممر تمدن نوین اسلامی که همسو با استقلال، آزادی، عزت ملی و سبک زندگی اسلامی است، اقتصاد انسانی - مقاومتی - اسلامی است.

رکن اقتصاد انسانی - مقاومتی - اسلامی، عدالت بوده که با انفاق و جهاد اقتصادی بارور می‌شود.

رمز حصول انفاق در جامعه، مبارزه با اترافی‌گری و استکبار مالی، می‌باشد و در این صورت است که شفافیت مالی مال‌داران حاصل شده و فرهنگ حقیقه‌ی هوالمالکیه شکل گرفته و به این صورت اقتصاد مقاومتی انسانی - اسلامی تشکیل گردیده و عدالت اقتصادی حاصل شده و آن نحو توسعه‌ی اقتصادی که لازمه‌اش کثرت‌خواری و ویژه‌خواری است رخت بر بسته و زمینه از طریق طهارت اقتصادی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی فراهم می‌گردد.

با ایجاد تمدن نوین اسلامی تقوای اجتماعی و سیستمی به منصفه ظهور خود رسیده و حقیقت عبودیت با آن آبیاری گشته و به نهال تنومند تمدن جهانی اسلام خواهیم رسید.



این همان سخن امام صادق علیه السلام است که در انتهای تبیین نقشه اجرای حقیقت عبودیت (تمدن اسلامی) می‌فرماید: «این حقیقت عبودیت اولین درجه تقواست همان طور که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ این خانه آخرت را به کسانی اختصاص می‌دهیم که نمی‌خواهند در زمین برتری نمایند و فسادانگیزی کنند و سرانجام، خاص متقین است» (قصص/۸۹) که اگر «عاقبت» را همان «دارالآخره» بدانیم، آیه مبارکه را می‌توان استدلالی به نحو قیاس شکل سوم دانست که حد وسط قیاس در هر دو مقدمه موضوع می‌باشد: «الدار الآخرة (العاقبة) للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فسادا» (مقدمه اول) و «العاقبة للمتقين» (مقدمه دوم)، اگر حد وسط (العاقبة) حذف شود، نتیجه گرفته می‌شود که «الذين لا يريدون علوا في الارض... [هم] المتقين».

حقیقه هوالمالکیه، به عنوان اولین بن‌لایه اقتصاد مقاومتی - انسانی - اسلامی، باعث حصول انفاق و انفاق، کاشف از حقیقه هوالمالکیه می‌باشد.

حصول انفاق در جامعه، استکبارستیزی اقتصادی را بدنبال خواهد داشت که مهمترین عامل در حصول طهارت اقتصادی و نشانه تقدم عدالت بر توسعه است.

بر طبق آموزه‌های اسلام اجرای اقتصاد مقاومتی علت تامه‌ی اجرای تمدن نوین اسلامی نبوده و تنها یک عامل مهم و مؤثر در این راستا است از این حدیث عامل مهم دیگری قابل برداشت است و آن «نهضت نرم‌افزاری علوم انسانی - اسلامی» است که خود مقاله‌ای مفصل می‌طلبد.

فهرست منابع:

- \* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (زنده در ۹۰۱ ق)، ۱۴۰۵ ق، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، محقق / مصحح: مجتبی عراقی، ۴ جلد، قم، دار سید الشهداء للنشر.
  ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (متوفای ۳۸۱ ق)، ۱۳۷۶، الأمالی (للصدوق)، چ ۶، تهران، کتابچی.
  ۳. -، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ۴ ج، چ ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
  ۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (متوفای قرن ۴ ق)، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ش، تحف العقول، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، چ ۲، قم، جامعه مدرسین.
  ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (متوفای ۷۱۱ ق)، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، محقق / مصحح: جمال الدین میر دامادی، ۱۵ ج، چ ۳، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
  ۶. احمدی میانجی، علی، ۱۴۲۶ ق، مکاتیب الأئمة عليهم السلام، محقق / مصحح: مجتبی فرجی، ۷ ج، قم، دار الحدیث.
  ۷. بورلو، ژوزف، ۱۳۸۶، تمدن اسلامی، ترجمه اسد الله علوی، ویراسته جواد طهوریان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
  ۸. بهشتی، محمد، ۱۳۷۴، اقتصاد اسلامی ۱، چ ۶، تهران، فرهنگ اسلامی.
  ۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (متوفای ۵۵۰ ق)، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، چ ۲، قم، دار الکتاب الإسلامی.
  ۱۰. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی، ۱۳۸۰، الحیة، ترجمه احمد آرام، ۶ ج،

تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۱. خامنه‌ای، سید علی، بیانات، سایت. khamenei.ir

۱۲. -، بیانات در دیدار با دانشجویان، - <https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=39707>، ۱۳۹۷/۳/۷.

۱۳. -، دیدار مقام معظم رهبری در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف، فعالان اقتصادی <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25795>، ۱۳۹۳/۱۲/۲۰.

۱۴. -، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33886>، ۱۱/۰۵/۱۳۹۵.

۱۵. -، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>، ۱۴/۰۳/۱۳۹۱.

۱۶. -، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40421>، ۱۵/۰۶/۱۳۹۷.

۱۷. -، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، - <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

۱۸. خبرگزاری فارس، مقاله «دولت‌های رانتیر و اقتصاد مقاومتی»، مورخه ۳ تیر ۱۳۹۳ <https://www.farsnews.ir/news/13930401001489>

۱۹. خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹ش، صحیفه امام، ۲۲-جلد، (تهران، چ ۵، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره الشریف).

۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.

۲۱. دیلمی، حسن بن محمد (متوفای ۸۴۱ ق)، ۱۴۰۸ ق، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام.

۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (متوفای ۵۰۲ ق)، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق و تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق، دار القلم -

الدار الشامیة.

۲۳. رفیعی آثانی، عطاءالله، زمستان ۱۳۹۴، مقاله «تناسب موضوع و روش در علم اقتصاد: رهیافتی فلسفی برای اقتصاد اسلامی»، فصلنامه نظریه‌های اقتصادی، سال دوم، ش ۴، ص ۱۶۹-۱۹۷. ۷۹.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین (متوفای ۴۰۶ ق)، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغة، محقق / مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.
۲۵. شعیری، محمد بن محمد (متوفای قرن ۶)، بی تا، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف، مطبعة حیدریة.
۲۶. شهید اول، محمد بن مکی (متوفای ۷۸۶ ق)، ۱۴۱۰ ق، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، تحقیق محمد تقی و علی اصغر مروارید، بیروت - لبنان، الدار الإسلامیة.
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی (متوفای ۹۶۶ ق)، ۱۳۷۷ ش، شرح مصباح الشریعة، ترجمه عبدالرزاق گیلانی، محقق / مصحح: محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، تهران، پیام حق.
۲۸. صادق عینی، ۱۳۶۰ ش، مصباح الشریعة، ترجمه مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۲۹. -، ۱۴۰۰ ق، مصباح الشریعة، بیروت، اعلمی.
۳۰. صدر، محمد باقر، ۱۴۱۷ ق - ۱۳۸۲، اقتصادنا، تحقیق: مکتب الاعلام الاسلامی - فرع خراسان، قم، بوستان کتاب.
۳۱. صدر، موسی، ۱۳۶۱، اقتصاد در مکتب اسلام؛ کار، سرمایه، ابزار، قم، اهلبیت.
۳۲. طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۹، تمدن زایی شیعه، اصفهان، لب المیزان.
۳۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، ج ۱۵، چ ۲، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۴. طبرسی، علی بن حسن (متوفای ۶۰۰ ق)، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴ ش، مشکاة

- الأنوار في غرر الأخبار، چ ۲، نجف، المكتبة الحيدرية.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن (متوفای ۵۴۸ ق)، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل‌الله طباطبایی یزدی و هاشم رسولی، ۱۰ ج، چ ۳، تهران، ناصر خسرو.
۳۶. طریحی، فخر الدین بن محمد (متوفای ۱۰۸۷ ق)، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرین، محقق / مصحح: احمد حسینی اشکوری، ۶ ج، چ ۳، تهران، مرتضوی.
۳۷. عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، ۲۹ ج، چاپ اول، ج ۱۶، قم، مؤسسه‌ی ال‌البت.
۳۸. فدیر، لوئیس، ۱۳۶۶، خودآموز اقتصاد، ترجمه فیروزه خلعت‌بری، چ ۲، تهران، شباویز.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد (متوفای ۱۷۵ ق)، ۱۴۰۹ ق، کتاب العین، ۹ ج، چ ۲، قم، هجرت.
۴۰. فیومی، أحمد بن محمد (متوفای ۷۷۰ ق)، ۱۴۱۴ ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ۲ ج، چ ۲، قم، مؤسسه دار‌الهجرة.
۴۱. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲ ق، قاموس قرآن، ۷ ج، چ ۶، تهران، دار‌الکتب الاسلامیة.
۴۲. کرمی قهی، محمدتقی (و دیگران)، ۱۳۸۶، جستاری نظری در باب تمدن، تدوین و تحقیق: حبیب‌الله بابایی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (متوفای ۳۲۹ ق)، ۱۴۰۷ ق، الکافی (ط - الإسلامیة)، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ۸ ج، چ ۴، تهران، دار‌الکتب الإسلامیة.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ ق، مرآة العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول، محقق / مصحح: سیر هاشم رسولی محلاتی، چ ۲، تهران، دار‌الکتب

الاسلامية.

۴۵. -، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار (ط - بیروت)، محق / مصحح: جمعی از محققان، چ ۲، ۱۱۱ ج، بیروت، دار احیاء التراث العربیة.
۴۶. مطهری، مرتضی، بهمن ۱۳۸۵، نظری به نظام اقتصادی اسلام، چ ۱۳، صدرا.
۴۷. معلوف، لوئیس، ۱۳۶۲، المنجد فی اللغة، تهران، اسماعیلیان.
۴۸. منیة المرید، شهید ثانی، زین الدین بن علی (متوفای ۹۶۶ ق)، ۱۴۰۹ ق، تحقیق و تصحیح: رضا مختاری، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۴۹. میرمعزی، حسین، پاییز ۱۳۹۴، مقاله «فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۱۵، ش ۵۹، ص ۵-۳۲.
۵۰. میرباقری، محمد مهدی، ۱۳۹۳، بینش تمدنی: منظومه اعتقادات اجتماعی، تالیف و تقریر حسین مهدیزاده، قم، فردا.
۵۱. نجفی، موسی، ۱۳۹۲، نظریه تمدن جدید اسلامی: فلسفه تکامل تمدن اسلامی و جوهر افول یابنده تمدن غرب، اصفهان، آرماء.
۵۲. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق / مصحح: ۲۸ ج، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۵۳. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ ق، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، مترجم: حسن حسن زاده آملی، و محمد باقر کمره‌ای، محقق / مصحح: ابراهیم میانجی، ۲۱ ج، چ ۴، تهران، مکتبة الإسلامیة.
۵۴. یوسفی، احمد علی، ۱۳۹۵، مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی، شهرکرد، مقاومت.

## عزّت‌مندی در بیانیه گام دوم انقلاب

اسلام شاهمرادی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> محمد نبی احمدی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مفاهیم مهم اخلاقی در اسلام مفهوم عزّت در انسان است. عزّت نفس، فضیلتی است که بین دو اخلاق رذیله قرار گرفته است و انسان در صورت انحراف از این صراط مستقیم، به دو مسیر انحرافی، یعنی تکبر و تذلل گرفتار می شود. عزّت یکی از محورهای اصلی بیانیه گام دوم انقلاب نیز می باشد از اینرو، هدف اصلی این مقاله بررسی قرآنی و روایی عزّت‌مندی در بیانیه گام دوم انقلاب است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. یافته های تحقیق نشان داد که قرآن کریم تمامی عزّت را از آن خدا می - داند و اطاعت مطلق از خدا و پیامبران الهی و ائمه، تمسک و پیروی از قرآن و انجام عمل صالح از عوامل دستیابی به عزت حقیقی می - باشد. انسان عزتمند باید مطیع خدا، ولایت مدار، بصیر، آگاه، اهل مدارا با مردم و مجاهد در راه خدا و... باشد. در دیدگاه رهبری نیز انقلاب اسلامی بر همین اساس، شکل گرفت تا بسترساز عزّت در کشور باشد. در این مقاله مقوله - های بیان شده در نگاه رهبری در آیات و روایات نیز مورد توجه و بررسی قرارگرفت و این نتیجه گرفته

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه علوم معارف قرآن کریم قم: [eslam1397sh@gmail.com](mailto:eslam1397sh@gmail.com)

۲. دکتری ادبیات عرب، رییس وعضو هیات علمی دانشگاه رازی [Mn.ahmadi217@yahoo.com](mailto:Mn.ahmadi217@yahoo.com)

شد که در انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف گام دوم و تمدن نوین اسلامی توجه به عزت ملی به مثابه راهبردی مهم است که جهت دهی کشور را تعیین می‌کند. کلیدواژه‌ها: قرآن، روایت، بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، عزتمندی.



## ۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، نهضتی بزرگ، شکوهمند و تأثیرگذار بود که با پیروزی خود چه در داخل و چه در خارج از کشور، ناظران را با پدیده‌ای تازه در صحنه سیاسی جهان روبه رو ساخت. این پدیده بنا به ماهیت، اهداف و سرنوشت خود، در هیچ یک از معیارهای سیاسی جهان نمی‌گنجد و اینک پس از چهل سال پرافتخار با بیانیه الهی مقام معظم رهبری تحت عنوان گام دوم انقلاب وارد مرحله حساس تمدن سازی اسلامی در جهان شده است. این بیانیه در یک تقسیم بندی کلی با نگاهی به گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی، سیاست‌ها و راهبردهایی را ترسیم نموده است در این بیانیه سخنان حکیمانه و گویبار مقام معظم رهبری به این جهت که با حقایق الهی عجین شده و اصول و ارزش‌های آن برآمده از قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سیره اولیای ائمه اطهار علیهم السلام است، زمینه را برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی همگانی برای ظهور و قیام مهدوی فراهم کرده است.

عزتمندی انقلاب، از جمله موضوعات کلیدی بیانیه است که برای تمدن‌سازی نوین اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. بیانیه گام دوم به فرموده مقام معظم رهبری مسیری برای ساختن انقلابی عزتمند است و دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران باید در این مسیر قدم بردارد؛ بحث عزتمندی در بین تعالیم اسلامی نیز، جایگاه ویژه‌ای دارد و از اصول پذیرفته شده و ثابت در همه مکاتب اخلاقی، به ویژه اخلاق اسلامی است و از پایه های اساسی اخلاق فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. بسیاری از پستی‌ها و فرومایگی‌های اخلاقی و کژی‌های فرد و اجتماع، در فروپاشی برج و باروری عزت انسان ریشه دارد.

در قرآن کریم عزت از آن خداوند است. (زمر: ۴؛ فاطر: ۱۰) و اوست که غنی بالذات است و همه موجودات در برابر ذات لایزالش فقیر بالذات هستند، انسان‌ها در هر مرتبه و مقامی که باشند، عزتشان نسبی و غیراصیل است و همواره مقهور قدرت لایزال الهی هستند. بر همین اساس امام علی علیه السلام فرموده است: «وَكُلُّ عَزِيزٍ غَيْرُهُ ذَلِيلٌ وَ كُلُّ قَوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ»؛ «هر عزیزی غیر از خداوند، ذلیل است و هر توانایی جز او، ضعیف و ناتوان است» (نهج

البلاغه، خطبه ۶۴). قرآن کریم بر روی مسأله عزّت تکیه زیادی دارد و در آیات بسیاری آن را مطرح کرده-است. در این نوشتار سعی بر آن است تا، عزّتمندی را در بیانیه گام دوم انقلاب با تکیه بر آموزه-های قرآنی و روایی تبیین و بررسی نمائیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش-های متعددی در ارتباط با موضوع عزّت انجام شده-است که ذیلاً به چند مورد آن اشاره می-شود:

«عزّت از منظر قرآن و سنت» از رضا حق پناه؛ «اصل عزّت و تسامح و رابطه آن با نرمش قهرمانانه در مذاکرات سیاسی از دیدگاه اسلام» از عزّت الله معتمدکوتیانی، احمد رضایی و محمد ستوده آرانی و نیز «راهکارهای عزّت و اقتدار اسلامی از منظر قرآن و روایات» از رضا سعادت نیا و نرگس حیدری. اما برابر با یافته-های نگارندگان این مقاله تاکنون تحقیق علمی که عزّتمندی را در بیانیه گام دوم مورد بررسی قرار داده باشد، صورت نگرفته است. بنابراین وجه تمایز این پژوهش، تبیین قرآنی و روایی عزّتمندی در بیانیه گام دوم انقلاب است تا این مهم حاصل شود که مقام معظم رهبری چگونه با بیان نافذشان عزّتمندی را به عنوان اصلی شاخص و اساسی برای چلّه دوم انقلاب اسلامی تبیین، ترسیم و توصیه فرموده-اند.

## ۳. مفاهیم

در این بخش مفاهیم اصلی تحقیق تعریف و بررسی می-شود.

### ۱.۳ عزّت

علمای علم لغت ریشه اصلی این کلمه را از «عَزَّازَ» بر وزن «أَسَّاسَ» می-دانند که در واقع از نظر تحلیل صرفی، این کلمه از فعل ثلاثی مجرد مضاعف (عَزَزَ: عَزَّ يَعُزُّ عِزًّا و عَزَاةً) می-باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۴؛ فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۹۳).

### ۱.۳-۱ معانی «عزّت» و مشتقات آن

فراهِیدی در معنای کلمه «عزّت» چنین آورده است: «عَزَّ: هرگاه این کلمه، برای چیزی به کار رود، به معنی آن است که آن چیز به قدری کم است که گویا نیست و اگر این کلمه برای شخصی به کار رود به معنای سخت گرفتن است مثل: «إِذَا عَزَّ أَحْوَكُ فَهَنْ»؛ «هنگامی که برادرت بر تو سخت می گیرد تو با او ملایمت و نرمی کن»؛ صاحب العین معتقد است کلمه «عزّت» فقط در خصوص خداوند متعال به کار می رود و صفت عزیز مختص اوست و عزیز به معنای محکم و استوار می باشد و این کلمه در مقابل ذلّت به کار می رود (فراهِیدی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۹۰).

ابن منظور نیز چنین می گوید: «و الْعَزُّ فِي الْأَصْلِ: الْقُوَّةُ وَالشَّدَّةُ وَالْغَلْبَةُ». عزّ در اصل به معنی قوت، سختی و چیرگی و غلبه است و همچنین به معنای بلندی و ارتفاع هم آمده است. و کلمه «عَزَّ» در مقابل «ذَلَّ» قرار دارد و کلمه «عزّت» در آیه ۸ سوره منافقون و ۱۰ سوره فاطر به معنای غلبه و چیرگی آمده است. یعنی در دنیا و آخرت نصر و غلبه از آن خداوند صاحب عزّت است؛ و کلمه «أَعَزَّهُ» که جمع کلمه «عَزَّ» می باشد در آیه ۵۴ سوره مائده به معنای سخت و مقتدر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ، ج ۹، ص ۱۸۴ و ۱۸۵).

راغب اصفهانی نیز آورده است که: عزیز کسی است که در اثر نیرومندی، امرش غالب و جاری است و مقهور نمی شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۵۹۴).

### ۱.۳-۲ کاربرد «عزّت» در قرآن و حدیث

واژه «عزّت» و مشتقات آن ۱۲۰ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است.

که واژه «عزیز» با ۸۶ بار تکرار بیشترین کاربرد را داشته است. این واژه به همراه ۹ صفت خداوند متعال در قرآن کریم به کار رفته است. هرکدام از صفات، برای فهماندن حقیقتی است؛ یعنی خدا در عین عزّت و توانایی کارهایش از روی حکمت و مصلحت است چرا که وقتی عزیز با اسمائی چون غفور، وهّاب، رحیم همراه است در این موارد این واژه در مرتبه جمالی ظهور می کند و نیاز مخلوق را مرتفع می نماید. آنجا که با صفت قوی آمده، گویای جلالی بودن این اسم و شدید بودن حکم خداوند بر مخلوقات است چنانچه گاهی در مقام

تهدید است. مثل: (وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ) (آل عمران: ۴).

برای اینکه اقتران این اسم با این اسماء بیانگر اجرای حکم الهی بر میزان استعداد می-باشد که گاه موجب ظهور قهر خداوند و گاه موجب ظهور رحمت است (خرمشاهی، فانی، طاهری و صدرحاج سیدجوادی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۲۸۴).

عزیز از اسماء الهی است و بحث در مورد اسماء الهی از پیچیده ترین مباحث اعتقادی می باشد و تنها اولیاء الهی هستند که می توانند به حقیقت اسماء الهی پی ببرند و ائمه هدی در هنگام دعا کردن، خداوند متعال را به اسم «عزیز» قسم می-دادند و نکته قابل توجه این است که در مضمون این ادعیه، به معنای «عزیز» توجه شده است و زمانی که اسم عزیز واسطه طلب قرارداد شده است و معنایی متناسب با آن از خداوند متعال خواسته شده است. در صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام عرض می-کنند: «اللَّهُمَّ فَأُظَلِّبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أُظَلَّبُ، وَ أَجْزِي بِعَزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ»؛ «خدایا آنچه را از تو طلب می-کنم به قدرت خود روا گردان و از هر چه بیمناکم به عزت خویش پناه ده» (صحیفه سجادیه، نیایش ۲۰).

همچنین در فراز دیگری از دعایشان در محضر حق تعالی عرضه می-دارد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصِّنْ نُعُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعَزَّتِكَ»؛ «بار خدایا درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرزهای مسلمانان را به پیروزمندی خویش استوار گردان» (صحیفه سجادیه، نیایش ۲۷).

یکی دیگر از کاربردهای اسم «عزیز» در روایات این است که، قهر و غلبه خداوند به جمیع اشیاء با اسم عزیز است. در روایات آمده است که: «خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِكَ وَ فَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعَزَّتِكَ»؛ «خدایا همه اشیاء را با قدرت خویش خلق کردی و با عزت خویش بر همه اشیاء قهر و غلبه داری» (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۸۲). پیامبر گرامی اسلام در مناجات خویش می-فرماید: «يَا مَنْ هُوَ بِلاَ وُزِيرٍ، يَا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ ذُلٌّ، يَا مَنْ هُوَ بِلاَ ذُلٍّ»؛ «ای خداوندگار بی دستیار، ای عزیز بدور از ذلت، ای بی نیاز به دور از فقر» - (ری شهری، ج ۷، ص ۳۶۰)

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «كُلُّ عَزِيْزٍ دَاخِلٍ تَحْتَ الْقُدْرَةِ فَذَلِيْلٌ»؛ «هر عزیزی که زیر قدرت و سلطه-ای باشد، ذلیل است» (همان).

### ۲.۳ بیانیه گام دوم انقلاب

در این بخش به تعریف و بررسی بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته می‌شود.

#### الف) چستی «بیانیه گام دوم انقلاب»

گام دوم انقلاب بیانیه-ای است که از سوی آیت الله العظمی خامنه-ای رهبر جمهوری اسلامی ایران که به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردیده است و در آن بر «استمرار راه انقلاب ۱۳۵۷» به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازد. آیت الله خامنه-ای در این بیانیه با هدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» توصیه‌هایی ارائه می‌دهد. در این بیانیه ایشان، ملت ایران، «به ویژه جوانان» را مورد خطاب قرار می‌دهد و به توضیح و روشن کردن مسأله برداشتن «گام دوم» به سوی «تحقق کامل آرمان‌های انقلاب ۱۳۵۷» می‌پردازد.

#### ب) محورهای مهم در بیانیه گام دوم انقلاب

توصیه‌های مهم در این بیانیه عبارتند از:

۱. علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.
۲. معنویت و اخلاق: معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

۳. اقتصاد: اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است.

۴. عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی، چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است.

۵. استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است؛ و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسان‌هایند و هیچ کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دو هستند.

۶. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

۷. سبک زندگی: سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛

مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.

کارشناسان معتقدند عبارات به کار رفته شده در بیانیه گام دوم انقلاب به نوعی همانند سخنانی است که سید روح‌الله خمینی به آن باور داشت. نکته مهم در بیانیه گام دوم انقلاب سپردن کار به جوان‌هاست. مخاطب قرار گرفتن جوانان یعنی حدود ۳۵ میلیون نفر از جمعیت ایران در این بیانیه، از دیگر نکات مهم آن می‌باشد. لذا، محتوا و مضامین بیانیه گام دوم را به عنوان منشور انقلاب ۵۷ در نقطه عطف ۴۰ سالگی برمی‌شمرد.

بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، - [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)  
(content?id=41673)

#### ۴. تبیین مبانی روایی و قرآنی عزت در بیانیه گام دوم

«بیانیه گام دوم» راهکار تحقق عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها است. در این بیانیه به عزت ملی توجه ویژه‌ای شده است. راه کارهای متعددی در آیات و روایات برای حفظ جامعه عزتمند و دستیابی به عزت ملی مدنظر قرار گرفته است که در سخنان مقام معظم رهبری بازتاب داشته است. بر این اساس، به این موارد اشاره می‌شود.

#### ۱.۴ عزت خواهی از خداوند

در منطق قرآن کریم، خداوند صاحب عزت معرفی شده است: (الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا) (نساء: ۱۳۹)؛ (إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا) (یونس: ۶۵)؛ (سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ) (الصفات: ۱۸۰). در منطق قرآنی، عزت واقعی و کامل متعلق به خدای متعال و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، عزت متعلق به کسانی است که با شیاطین و طاغوت‌ها، مبارزه می‌کنند. در سوره فاطر می‌فرماید: (مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا) (فاطر: ۱۰).

هر آنچه از عزت واقعی قابل تصور باشد سزاوار ساحت مقدس کبریایی خداوند متعال

است و ائمه اطهار به این اصل مهم که عزّت در انحصار خداوند است و کسب عزّت و شرافت، از راه انتساب به او شدنی است، توجه کرده اند و در موارد گوناگون، بر این اصل اساسی تأکید فرموده اند، مولای متقیان امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «وَ الْعَزِيزُ بَعِيْرُ اللَّهِ ذَلِيْلٌ»؛ «کسی که از ناحیه ی غیرخداوند عزیز شود، دچار ذلت است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۸، ص ۱۰، ح ۶۷). و در جای دیگر فرموده است: «كُلُّ عَزِيْلٍ لَا يُؤَيَّدُهُ دِيْنٌ مَدَلَّةٌ»؛ «هر عزّتی که دین (اسلام) آن را تأیید نکند، خواری است» (محدث، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۵۴۶، ح ۴۴).

بنابراین هر عزّتی که منشاء آن، خداوند نباشد و از غیر او کسب شود، همراه با تحقیر انسان به دست آمده و از خورای و ذلّت هم، بدتر و منفورتر است. امام علی علیه السلام در مناجات خود با خداوند متعال، چنین می-گوید: «إِلٰهِي كَفَى لِي عَزًّا أَنْ أَكُوْنَ لَكَ عَبْدًا» «خداوندا در عزّت من، همین بس که بنده توام» (ابن بابویه، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۲۰).

در دعای عرفه به نقل از سیدالشهدا علیه السلام چنین آمده است که تمام عزّت و بلند مرتبگی، ویژه خداوند قادر متعال است و هرکس خدا را دوست بدارد، عزیز است و الا ذلیل خواهد بود: «يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوْ وَ الرُّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْرُهُ يَتَعَزَّزُوْنَ»؛ «ای کسی که خود را به بلند مرتبگی و ارجمندی، اختصاص داده-ای، به گونه-ای که دوستانت با تمسک به عزّت تو، کسب عزّت می-کنند» (ابن طاووس، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۶۵۸).

مؤمن واقعی که خواهان عزّت است به درستی منبع آن را جستجو می-کند چرا که می-داند عزّت واقعی متعلق به خداوند، پیامبر و مومنان است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمی-کنند و نمی-فهمند که مرکز عزّت واقعی کجاست (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۱/۳/۱۴). در جامعه مؤمنانه، مؤمن هرگز ذلت نمی پذیرد؛ زیرا عزّت خواهی، ریشه در فطرت و ایمان انسان دارد و اگر انسان را از عزّت نفسش جدا کنند، از انسانیت و ایمانش چیزی باقی نخواهد ماند.

در سورة مبارکه شعرا، گزارشی از مجموعه چالش های پیامبران بزرگ مطرح شده است؛



درباره چالش‌های این پیامبران بزرگ: حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی؛ بحث می‌کند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم می‌رساند. در هر مقطعی که می‌خواهد غلبه جبهه نبوت را بر جبهه کفر بیان بفرماید، می‌فرماید: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ؛ إِنَّ رَبَّكَ لَهَوَّ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ) (شعراء: ۱۲۱ و ۱۲۲)؛ یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت را داشتند و قدرت به دست آن‌ها بود، اما جبهه توحید بر آن‌ها پیروز شد (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۱/۳/۱۴). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>

بنابراین مشخص می‌شود که رهبر انقلاب اسلامی بر اساس آیات قرآن، عزت واقعی را متعلق به خداوند، پیامبر، مؤمنان و جبهه توحیدی می‌داند و این مقوله که در اندیشه رهبر فرزانه انقلاب استخراج شد در تناظر با آیات قرآن کریم است و آیات صراحت دارند که عزت واقعی متعلق به خداوند، پیامبر و مؤمنان است.

#### ۲.۴ توکل و پیروی از خداوند

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به الطاف الهی در چهل سال گذشته و عبور نظام اسلامی از گردنه‌های سخت خاطر نشان کردند: «عزت و اقتدار و اعتبار مادی و معنوی کشور در دنیا، و خیل عظیم جوانان انقلابی آماده به کار، و پیشرفت‌ها و جهش‌های کشور، غیرقابل مقایسه با ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی است و همه‌ی این موفقیت‌ها، مرهون لطف و عنایت الهی است. بنابراین توکل به خدا هیچ‌گاه نباید فراموش شود و باید در همه شؤون از خدا اطلاعات نمود» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۰۷/۰۴) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43591>

از طرفی، در آیات و روایات نیز یکی از عوامل اساسی در عزتمندی انسان‌ها اطلاعات از خدا و پیروی از فرامین الهی است. چنانچه پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ: أَنَا رَبُّكُمْ الْعَزِيزُ، فَمَنْ أَرَادَ عَزَّ الدَّارَيْنِ فَ لَيَطَّعَ الْعَزِيزُ»؛ «خداوند تعالی همه روزه می‌فرماید: من پروردگار عزیز شما هستم، پس هر کس خواهان عزت در دو جهان

است. باید از [خدای] - [عزیز اطاعت کند] (متقی، ۱۳۸۳، ج ۱۵، ص ۷۸۴).  
از امام علی علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند: «إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ»؛ «هرگاه خواهان عزت شدی، آن را در فرمانروایی [از خدای] بجوی» (محدث، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۲۷۹).

در آیات قرآنی، قرآن کتاب خداست؛ یاری جستن و تمسک به قرآن، بدون شک عزت آفرین است؛ (تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ) (زمر: ۱)؛ قرآن کلام الهی و جلوه‌ای از قدرت و عزت، علم و حکمت پروردگار است و آیات نورانی آن نشانگر عزت و عظمت خداوند متعال است؛ قرآن برنامه دست‌یابی انسان به عزت و شرافت دینی است، چراکه هم قرآن با عزت است و هم از جانب خداوند عزیز فرو فرستاده شده است و هم عزت بخش است: (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ؛ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ) (فصلت: ۴۱ و ۴۲).

چون خداوند متعال سرچشمه‌ی عزت و بزرگی است، پیروی از قرآن کریم که سخن اوست، در بردارنده‌ی عوامل عزت و بزرگواری انسان است. خداوند متعال می‌فرماید: (فَاسْتَمْسِكْ بِالذِّكْرِ أُوْحَىٰ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ) (زخرف: ۴۳ و ۴۴).

مقام معظم رهبر در خصوص عزت ملی بیان داشته‌اند: «ملت ایران نسبت به خود یک نگاه حقارت‌پندارانه داشت؛ یعنی اینکه این ملت بتواند بر اراده‌ی قدرت‌ها، بر اراده‌ی ابرقدرت‌ها فائق بیاید، مطلقاً به ذهن احدی خطور نمی‌کرد. نه فقط حالا اراده‌ی قدرت‌های جهانی، حتی اراده‌ی قدرت‌های داخلی، حتی اراده‌ی فلان مسئول - فرض کنید که - یک اداره‌ی امنیتی یا انتظامی، اصلاً به ذهن مردم خطور نمی‌کرد که بتوانند غلبه کنند بر اراده‌ی صاحبان اراده‌های تلخ و خطرناک. احساس حقارت می‌کردند، احساس توانایی نمی‌کردند؛ امام این را تبدیل کرد به احساس عزت، احساس اعتماد به نفس، و مردم را از این حالت که حکومت استبدادی را یک امر طبیعی بدانند - که این جور بود؛ آن زمان تصور

ماها کأنه این بود که خب بالاخره یک شخصی در رأس مملکت هست و اراده‌ی او حاکم است؛ خب طبیعت مسئله همین است و اصلاً این را یک امر طبیعی و عادی می‌دانستیم - تبدیل کردند به انسان-هایی که خودشان نوع حکومت را تعیین می‌کنند. از شعارهای مردم در انقلاب، اول، نظام اسلامی، حکومت اسلامی، بعد هم جمهوری اسلامی بوده؛ مردم خودشان تعیین‌کننده بودند، مطالبه‌کننده بودند؛ بعد هم در انتخابات‌های گوناگون شخص حاکم را، اشخاص مورد مسئولیت در بخش-های مختلف حکومت را مردم معین کرده‌اند؛ یعنی حالت خودحقیق‌پنداری که در مردم بود، بکلی تبدیل شد به حالت عزّت و اعتماد به نفس ملی» (آیت‌الله خامنه‌ای؛ سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)).

#### ۳.۴ پایبندی به اسلام و ارزش-های اسلامی

رهبر انقلاب یکی از منشأهای عزّت اسلامی را قرآن کریم و استفاده از آموزه-های ارزشمند و گرانقدر آن می‌دانند. در واقع ایشان عزّت اصلی مسلمانان را اسلام می‌دانند «ما باید استفاده کنیم از این مایه-ی عزّت و قدرت اسلامی و الهی (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰) عنصر عزّت اسلامی- یعنی اسلام - است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳)، میل برگشت به اصول و مبانی اسلامی [است] که مایه عزّت، پیشرفت و ترقی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۲/۲۹)، در واقع اسلام است که ملت‌ها را زنده می‌کند و به آن‌ها عزّت می‌بخشد. در واقع اسلام و عمل به دستورهای آن، عین عزّت و شرافت است. «در واقع، ما اسلام را نگه نمی‌داریم، اسلام است که ما را نگه می‌دارد. هر ملتی که به پای اسلام بایستد، خود را زنده، سرافراز و عزیز خواهد شد. اسلام عزیز است، اسلام دارای علو است. ما به اسلام احتیاج داریم، برای این که از تحقیر قدرت-های استکباری، تحقیر علمی-سیاسی و فرهنگی نجات پیدا کنیم.

هم‌چنانکه مقام معظم رهبری فرمود: «او [امام خمینی رحمته‌الله علیه] به اسلام عزّت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. او ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به

آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید...». بنا بر آمارها، تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می‌کنند و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان شده است.

از این رو بنا به گفته رهبری، اسلام، دین رهایی و آزادگی از تمام قیدها و «نه گفتن» به تمام دلبستگی‌ها به غیر از خدا است که منشأ تمامی خفت‌هایی است که می‌خواهد بشر را بنده و برده‌ی خود سازد. از این رو، نخستین گام برای رسیدن به عوامل عزت، پذیرفتن اسلام و تن دادن به دستورات عزت آفرین آن است. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه خود فرموده‌اند: «ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ وَ اصْطَنَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَ اصْفَاهُ خَيْرَةَ خَلْقِهِ وَ أَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ، أَذَلَّ الْأَذْيَانَ بِعِزَّتِهِ وَ وَضَعَ الْمَلَلَ بِرَفْعِهِ وَ أَهَانَ أَعْدَاءَهُ بِكِرَامَتِهِ وَ خَدَّلَ مُحَادِّبِهِ بِنَصْرِهِ وَ... وَ أَعْلَمَ فُصَيْدَ بِهَا فِجَاجُهَا وَ مَنَاهِلَ رَوِيَّ بِهَا وَرَادُهَا. جَعَلَ اللَّهُ فِيهِ مُنْتَهَى رِضْوَانِهِ وَ ذِرْوَةَ دَعَائِمِهِ وَ سَنَامَ طَاعَتِهِ؛ «همانا دین اسلام، دین خداوندی است که آن را برای خود برگزید و با دیده عنایت پروراند، و بهترین آفریدگان خود را مخصوص ابلاغ آن قرار داد، پایه های اسلام را بر محبت خویش استوار کرد، و ادیان و مذاهب گذشته را با عزت اسلام، خوار کرد و با سربلند کردن اسلام، دیگر ملت ها را بی ارزش نمود، و با محترم داشتن اسلام، دشمنانش را خوار کرد و با یاری کردن اسلام، دشمنان سرسختش را شکست داد و... اسلام پرچمی است که برای راهنمایی پویندگان راه خدا نصب گردیده و آبشخوری است که وارد شونندگان به آن، سیراب می‌شوند، خداوند نهایت خشنودی خود را در اسلام قرار داده است و بزرگ‌ترین ستون‌های دینش و بلندترین قله‌ی اطلاعات خداوند در اسلام جای گرفته است و...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۸).

#### ۴.۴ پیروی و پیوند با معصومین و مؤمنان

مقام معظم رهبری، منشأ عزت و کرامت را در فلسفه دعوت الهی پیامبران، از جمله پیامبر اسلام می‌داند و یکی از اصول دعوت این بزرگواران را دعوت به بازیافتن عزت و کرامت انسانی معرفی می‌کنند. ایشان معتقد هستند که انسان‌های آزاده و ستم دیده در

راستای این دعوت جهانی، این مهم را پی در پی خواستارند. «ملت های مظلوم دنبال عزت خودشان هستند؛ همان عزتی که یکی از پایه‌های دعوت پیغمبر بود» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۱/۰۸). بنا به فرموده ایشان پیروی و پذیرفتن دعوت پیغمبران خود عزت یک ملت را تضمین می‌کند چرا که؛ رسول گرامی اسلام و اهل بیت عزیز آن حضرت علیهم السلام مصداق کامل پیوند یافتن با خدا به وسیله ایمان آوردن و انجام کردار شایسته و عزت آفرینی هستند. پیامبر اسلام در مقام راه یافتن به سرچشمه کمال الهی به جایی رسید که خداوند درباره‌ی او فرمود: (وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ) (قلم: ۴)

از جمله فضایل برجسته اخلاقی آن حضرت، عزت و شرافت نفس است. قرآن کریم با تاکید بر پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا) (نساء: ۵۹) بدین ترتیب، پیروی از پیامبر و جانشینان آن حضرت که هر کدام به سرچشمه‌ی عزت، پیوسته‌اند، مایه‌ی عزتمندی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۴۳۴).

در واقع، یک دین زمانی عزتمند است که بتواند تصویر درستی از هستی برای مخاطبانش ایجاد کند به عبارت دیگر تصویر صحیحی از خالق و جهان هستی ارائه نماید. مکتب اهل بیت در این ویژگی، خصوصاً توحیدی که معرفی کرده است بی نظیر می باشد، آنان با اتصال به سرچشمه وحی، مفسران حقیقی قرآن کریم هستند و معارف بلندی را برای بشریت به ارث گذاشته‌اند. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «لَا يَزَالُ السَّلَامُ عَزِيْزًا مَا وَلِيَهُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيْفَةً كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»؛ «دین اسلام عزیز خواهد بود به واسطه وجود ۱۲ خلیفه که همگی از قریش هستند» (ابن طاووس، ۱۳۷۰ هج، ص ۱۰۱).

قرآن کریم، عزت را مخصوص خدا و رسولش و مومنان می‌داند و مصداق بارز مومنان راستین، ائمه اطهار هستند، لذا هر کسی که به دنبال عزت و سربلندی است باید مطیع و پیرو آنان باشد، آن چنان که امام سجاد علیه السلام فرموده‌اند: «طَاعَةُ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ»؛ «پیروی

از صاحبان امر، همه عزّت است» (حرانی، ۱۲۹۷ق، ص ۲۸۳).

پیامبر گرامی هیچگاه از خود ذلت نشان نداد و از مؤمنان نیز خواست به ذلت تن در ندهند. ایشان می-فرماید: «هیچ مؤمنی نباید نفس خود را خوار بشمارد» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۵۸).

هنگامی که از حضرت امام حسین علیه السلام درخواست شد سخنی را که خود از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده است، بازگوید، ایشان این گفته را فرمود: «خداوند کارهای بزرگ و با شرافت را دوست دارد و کارهای پست و ذلیل را خوش نمیدارد» (احسائی، بی تا، ج ۱، ص ۶۷).  
در سخنان مقام معظم رهبری نیز پیوند یافتن با مؤمنان که افتخار بندگی خدا را دارند و عزّت خویش را از سرچشمه-ی اصلی - خداوند عزیز- گرفته-اند، عامل عزّت و مانع ذلت پذیری است (حسینی خامنه-ای، ۱۳۹۸/۲/۱۴). قرآن کریم می-فرماید: (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ) (منافقون: ۸).

عزّت و سعادت هیچگاه با ولایت کافران و منافقان به دست نمی-آید و خداوند هرگونه ولایت کافران و مشرکان را بر مؤمنان نفی کرده است. خداوند در قرآن می-فرماید: (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) (نساء: ۱۴۱). از آیات یاد شده برمی-آید که کافران و مشرکان در منطق و گفت و گو و روابط نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... هیچگونه برتری و ولایتی نسبت به مؤمنان و مسلمانان نخواهند داشت و حق هیچ-گونه سلطه - ای بر امور مسلمانان را ندارند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۵۸).

#### ۵.۴ عزّت و قدرت نظامی و اقتصادی

از دیدگاه رهبری عواملی که برای عزّتمندی انسان ها بیان شده-اند تنها در حیطه فردی خلاصه نمی-شوند. بلکه جامعه هم از این امر مهم مستثنی نیست. جامعه نیز به جامعه عزّتمند یا جامعه ذلیل قابل تقسیم است. قاعده کلی در عزّتمندی جامعه اسلامی این است که در هر زمان و مکانی که لازم است اقتدار جامعه اسلامی در تمامی عرصه-های سیاسی - نظامی - اقتصادی و فرهنگی حفظ شود و نباید به گونه-ای رفتار شود که جوامع دیگر

بتوانند بر مسلمین تسلط یابند. تولید ثروت در جامعه و نیروی انسانی توانمند و کارآمد سبب عزتمندی جامعه می-شود ( بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

هر جامعه ای که به لحاظ قدرت نظامی وابسته به سایر جوامع باشد، به همان میزان در برابر قدرت های خراجی آسیب پذیر و ذلیل خواهد بود. توانمندسازی جامعه در عرصه نظامی رابطه مستقیمی با عزتمندی آن جامعه دارد. خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ)؛ (انفال: ۶۰).

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَرْبَطُوا الْخَيْلَ فَإِنَّ ظَهْرَهَا لَكُمْ عَزٌّ، وَ أَجْوَأَهَا كَنْزٌ»؛ «به پرورش اسب پردازید؛ که سواری بر آن [در مراسم و به هنگام دفاع] مایه عزت و زایمان آن، مایه-ی گنج است» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۵۵۵).

اقتصاد پویا و توانمند سبب عزت جامعه است. در مقابل وابستگی اقتصادی مایه ضعف و ذلت جامعه است در هم تنیدگی قدرت نظامی - سیاسی با قدرت اقتصادی به قدری زیاد است که به راستی نمی توان اثرات یان دو مقوله را از هم جدا کرد. رابطه معیشت انسان با عزتمندی او در دو حوزه فردی و اجتماعی یک رابطه تنگاتنگی است. روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام وارد شده است: «عَنْ الْمَعْلِيِّ بْنِ خَنَيْسٍ قَالَ: رَأَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَقَدْ تَأَخَّرَتْ عَنْ السُّوقِ، فَقَالَ: أَعَدَّ أَلِيَّ عَزُّكَ»؛ «معلی بن خیس می گوید امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام مرا دید که دیر بر سر کار رفته بودم فرمود: از صبح [ اول وقت ] در پی عزت خود باش» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳).

تقویت قدرت دفاعی و افزایش امنیت ثمرات اقتدار علمی در کشور است که می-تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بنیه دفاعی و امنیتی کشور را در مقابل تهدیدات نرم (فکری

و فرهنگی) و نیمه سخت (امنیتی و ساختاری) مصون سازد. لذا رهبر انقلاب معتقدند: «حرکت علمی برای کشور ما یک ضرورت مضاعف است؛ یک نیاز مضاعف و مؤکد است. نیاز است؛ چرا؟ چون علم، عامل عزّت و قدرت و امنیت یک ملت است - که مختصراً توضیح خواهم داد - مضاعف و مؤکد است؛ چرا؟ چون به این وظیفه، در طول صد سال از بهترین زمان‌ها عمل نشده؛ از دوران اواسط قاجار که نهضت علمی و نهضت صنعتی دنیا اوج گرفته و شکوفا شده بود - از اواسط نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم - و علم در شکل استعمار خودش را نشان داده بود؛ غرب با دستیابی به ابزار علم، مشغول استعمار دنیا شده بود. از آن روز - تقریباً صد سال یا بیشتر - که وقت بیداری و هوشیاری ما بود، این وظیفه‌ی بزرگ، وظیفه‌ی رشد دادن علمی کشور، به دلایل گوناگون تعطیل و متوقف شد. عمده دلیل هم عبارت بود از: حاکمیت استبداد، حاکمیت طاغوت-ها، حاکمیت سلاطین دست نشانده، ضعیف و زبون. ما وارث این عقب‌ماندگی هستیم. لذا تلاش ما باید مضاعف باشد. پس، یک نیاز است و این نیاز مؤکد و مضاعف است. در این زمینه که علم نیاز است، شماها می‌دانید، اما خوب است مجدداً من این را بگویم که حقیقتاً کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزّت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیت و توقع رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

#### ۴.۶ عزّت در سیاست خارجی

آیت الله خامنه‌ای با توجه به آیه نفی سبیل (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)؛ «... و خداوند هرگز کافران را بر مومنان تسلطی نداده است» و حدیث «الاسلام یعلو و لا یغلی علیه»؛ «اسلام برتر است و چیزی بر او برتری ندارد (ابن بابویه؛ ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۳۴)، معتقد است عزّت اسلامی براساس اعتقاد و ایمان توحیدی به دست می‌آید نه تکیه بر نژاد؛ و اگر کشوری بخواهد استکبار را ملاک رابطه خود با دیگر کشورها قرار دهد، مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران نیست (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان وزارت



امور خارجه، ۱۸/۰۴/۱۳۷۰). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>

برخی از مفسران بر این باورند که مقصود از آیه نفی سبیل، این است که مؤمنان به اذن خدا دائماً بر کفار غالب هستند، البته مادام یک ملتزم به لوازم ایمان خود باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۵، ص ۱۱۶). بنابراین اگر مؤمنان ملتزم به لوازم ایمان خود باشند، بر کفار غلبه می-یابند و غلبه بر کفار نیز عزت-آور است. پس می-توان به این نتیجه رسید که عزت اسلامی در سایه اعتقاد و ایمان به دست می-آید و با اعتماد بر عوامل دیگری همچون قدرت، ثروت، نژاد و مانند آن ها، عزت اسلامی به دست نمی-آید.

افزون بر آیه نفی سبیل، آیات دیگر (نساء: ۱۳۹؛ یونس: ۶۵؛ صافات: ۱۸؛ منافقون: ۸؛ هود: ۹۲؛ یس: ۱۴؛ آل عمران: ۲۶؛ ابراهیم: ۲۰؛ فتح: ۳؛ فاطر: ۱۰ و ۱۷) نیز دلالت دارند که راه به دست آوردن عزت اسلامی فقط از طریق ایمان به پروردگار است.

از جمله آثار اصل عزت محفوظ ماندن جامعه و افراد از آسیب دشمن بیرونی و درونی است. در همین رابطه رهبر انقلاب اسلامی بیان می-کند: «وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه می-شود، مثل یک حصار عمل می-کند، مثل یک باروی مستحکم عمل می-کند؛ می-دارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه های عمیق-تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر م-یشود؛ کار به جایی می-رسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ می-ماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی می-ماند» (امام خامنه ای، بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>. (۱۳۹۱/۳/۱۴)

#### ۷.۴ عزت ملی و مرزبندی با دشمن

رهبر انقلاب با اشاره به مسیر طی شده و جایگاه کنونی ملت ایران و عبور کردن از گردنه های سخت توصیه هایی را در حوزه روابط خارجی مطرح کردند که محور اصلی آن بر عزت و افتخار ملی تاکید داشت، ایشان در توصیه خود در زمینه روابط خارجی تاکید کردند عزت

ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛ هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌الملل هستند (صباحی و فهیمی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰).

عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن را یکی از راهبردهای اساسی در بیانیه گام دوم دانست. از دیدگاه رهبری، کشوری عزیز است که هم مستحکم باشد و هم از درون احساس ضعف و سستی نکند. کشوری که در مقابل دشمن کم بیاورد، نمی‌تواند عزیز باشد، نمی‌تواند مستحکم باشد. کشوری عزیز است که از هر جهت احساس قدرت کند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرد. این منطق قرآن است که (من کان یرید العزّة فللّٰه العزّة جمیعاً). عزت مربوط به جبهه حق است «و لله العزّة و لرسوله و للمؤمنین»؛ عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ جبهه کفر و نفاق نمی‌فهمند که عزت و مرکز عزت واقعی کجاست (مروتی، ۱۳۹۸، ص ۲۹).

خداوند در سوره نساء، درباره کسانی که خود را متصل به مراکز قدرت های شیطانی می‌کنند، برای اینکه حیثیت و قدرتی به دست بیاورند، می‌فرماید: (أیبتغون عندهم العزّة فانّ العزّة لله جمیعاً)؛ عزت تنها در نزد خداست؛ عزت ملی، در یک بستر باید تعریف شود. زندگی و تفکر در چارچوبی که در رأس آن خدای عزیز و مقتدر قرار گیرد، به انسان انگیزه-عزت و اندیشه-با-عزت القا می‌کند.

انقلاب اسلامی بر اساس همین هدف و انگیزه، شکل گرفت تا بسترساز عزت در این کشور باشد و در چهل سال گذشته با همه مشکلات این رویکرد وجود داشت و برای رسیدن به گام دوم و تمدن نوین اسلامی توجه به عزت ملی به مثابه راهبردی است که جهت دهی کشور را تعیین می‌کند.

در بیانیه گام دوم آمده است که «عزّت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» شاخه-هایی از اصل عزّت، حکمت و مصلحت در روابط بین-المللی هستند. گسترش حضور قدرتمندانه-سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید.

به توجه به پدیده‌های نوظهور صحنه جهانی که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند، تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه؛ بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. رهبر انقلاب با بیان اینکه سرمداران نظام سلطه نگران هستند تاکید کردند پیشنهادهای آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقّت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزّت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت (مروتی، ۱۳۹۸، ص ۳۰-۳۵).

راهبردی که مقام معظم رهبری در حوزه سیاست خارجی ترسیم کردند مبتنی بر حفظ قدرت انقلاب اسلامی است. دشمنان انقلاب اسلامی تلاش داشتند تا آن را در درون مرزهای ایران محصور کنند و موجب شکل-گیری حرکت-های ضدّ انقلابی در داخل کشور بشوند؛ اما واگذاری سفارت رژیم صهیونیستی به فلسطین و تسخیر لانه جاسوسی نمونه-های

بارزی برای جلوگیری از حرکت-های ضد انقلابی در داخل بوده-است و در عین حال می-توان گفت که دیوار کشی تل آویو در اطراف سرزمین-های اشغالی از ترس نفوذ انقلاب اسلامی انجام-شده است. عابدینی مدعی شد امروز اندیشه انقلاب اسلامی در قالب محور مقاومت متبلور شده که در کشورهایی مانند یمن، سوریه، عراق و لبنان ظهور پیدا کرده است و تنها به مرزهای کشور ما محدود نمی-شود و این موضوع یکی از نکته-های مهم در بیانیه گام دوم رهبر انقلاب اسلامی است (امام خامنه ای، بیانات دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۶/۱۳۹۲).  
[https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=23810](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=23810)

بنابراین طبق بیانیه گام دوم، انقلاب ایران در حالی وارد دهه پنجم خود می-شود که باید همچنان اصول چهار دهه گذشته را با توجه به تحولات صورت گرفته و تغییر نسل ادامه بدهد. ایران پس از چهل سال در منطقه از یک بازیگر دست نشانده و ژاندارم به یک بازیگر مستقل، مقتدر و قدرتمند تبدیل شود تا جاییکه امروزه مهم ترین بحران های منطقه جز با وساطت و حضور ایران حل و فصل نخواهد شد که نمونه آن را می-توان در بحران سوریه و نشست -های آستانه دید بعید به نظر می رسد که کسی امروز شکست و نابودی داعش را در راستای تفکر مقاومت و حمایت ایران از دولتهای مشروع نداند. ایران امروز به یک کشور مولف برای تمام دولتهای اسلامی و غیر اسلامی تبدیل شده است لذا این موضوع نشان می-دهد راه آمده نه تنها بر ترکستان نیست، بلکه مستقیماً بر کعبه آمال می-رسد (صبحی و فهیمی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷ - ۱۰۸).

#### ۴.۸ تقابل عزت و ذلت

در اندیشه آیت الله خامنه-ای، نقطه مقابل عزت، ذلت است و اگر فرد یا جامعه-ای، راه عزت اسلامی را پی نگیرد دچار ذلت و خواری خواهد شد. ایشان بر این باور هستند که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه روح عزت را در مردم احیا کرد درحالی که دوران طولانی دویست ساله منتهی به انقلاب، یک دوران سخت تاریک ذلت، بوده است. بر

همین اساس مقام معظم رهبری خطاب به مسئولان وزارت امور خارجه، سفیران و کارداران جمهوری اسلامی ایران، بیان می‌کند که باید بر اساس اصل عزت نه خواری، روابط بین المللی جمهوری اسلامی ایران را با دیگر کشورها شکل دهند:

«ملت ما باید در روابط بین المللی، خواری نبیند و اهانت نشود. هیچکس حق ندارد اهانت به ملت ایران را در کمترین برخورد با دیگران قبول کند. اگر کسی اهانت پذیر است، برای خودش اهانت پذیر است؛ برای ملت ایران نمی‌شود؛ حق ندارد» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸).  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>

در آیات قرآن نیز به تقابل عزت با ذلت اشاره شده است. این تقابل در برخی از آیات مشاهده می‌شود: (... تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ..) (آل عمران: ۲۶). (يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ)؛ (منافقون: ۸).

#### نتیجه

«بیانیه گام دوم» راهکار تحقق عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها است که در آن به عزت ملی توجه ویژه‌ای شده است. در بازشناسی اصل عزت در قرآن کریم و روایات مشخص شد مقوله‌هایی که در این بیانیه بیان شده‌اند، همه بر مبنای آیات قرآن و روایات هستند. این مقوله‌ها عبارتند از: عزت خواهی از خداوند؛ توکل و پیروی از خداوند؛ پابندی به اسلام و ارزش‌های اسلامی؛ پیروی و پیوند با معصومین و مومنان؛ عزت و قدرت نظامی و اقتصادی؛ عزت در سیاست خارجی؛ عزت ملی و مرزبندی با دشمن و تقابل عزت و ذلت.

عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛ هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت»، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌الملل هستند. پس اولاً، عزت در یک جامعه زمانی به وجود می‌آید که آن جامعه در عرصه‌های مختلف از وابستگی‌های خود کاسته و با اتکا به

نیروی لایزال الهی بر روی پای خود بایستد و مسیر پیشرفت را با صبر و بردباری طی کند؛ در چنین جامعه‌ای بین تمامی افراد در زمینه‌های مختلف همدلی و صمیمیت برقرار بوده و تکیه افراد بر روی نیروی داخلی است. اگر جامعه‌ای وابسته شد دیگر نمی‌تواند شجاعانه در برابر بی‌منطقی‌ها و زورگویی‌ها و زیاده‌خواهی‌های دیگران ایستادگی کند و از حق خود دفاع کند، چراکه بلافاصله با ابزار تحریم او را به‌زانو درمی‌آورند؛ و ثانیاً، یک جامعه زمانی عزت دارد که جلوی متجاوزان و مستکبرانی که دندان طمع برای اشغال یا دخالت و اخلال در امور آن جامعه تیز کرده‌اند بایستد و کشوری که مردم آن شجاعت نداشته و از قدرت‌های خارجی هراس داشته باشند و یا باوجود شجاعت هیچ‌گونه قدرت دفاعی در برابر تهاجمات دشمنان را نداشته باشند، همواره آماج حملات دشمنان و مورد طمع استعمارگران خواهند بود.

## فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
- نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، الخصال، چاپ ششم، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۶.
  ۲. ابن طاووس، سید علی بن موسی، اقبال الاعمال، قم: قرآن ساعد، ۱۳۹۳.
  ۳. \_\_\_\_\_، کشف المحججه لثمره المهجه، نجف: منشورات المطبه الحیدریه، ۱۳۷۰ ه.ج.
  ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفعی الإفريقي، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ه.
  ۵. احسائی، ابن ابی جمهور ابو جعفر بن علی، عوالی اللئالی، قم، سید الشهداء، بی تا.
  ۶. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، قم: قرآن ساعد، ۱۲۹۷ق.
  ۷. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین، وسائل الشیعه، بی جا: نشر آل البيت، ۱۴۱۴ق.
  ۸. حسینی خامنه ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
  ۹. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصالای امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۲/۸/۲۹.
  ۱۰. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۰/۴/۱۸.
  ۱۱. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری

- در پایان اجلاس دو روزه خبرگان. نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
۱۲. \_\_\_\_\_، بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۱/۳/۱۴.
۱۳. \_\_\_\_\_، سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۱۱/۱۹.
- i. \_\_\_\_\_، گزیده‌ای از بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۸/۰۷/۰۴.
۱۴. \_\_\_\_\_، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۳، ۱۳۸۲/۱۲/۲۹، ۱۳۸۰/۱۲/۱، ۱۳۹۰.
۱۵. \_\_\_\_\_، بخشی از بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان جوان، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۲/۰۶/۱۳۸۶.
۱۶. حق پناه، رضا، عزّت از منظر قرآن و سنت، دو فصلنامه الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی (آموزه-های قرآنی)، شماره ۴ و ۵.
۱۷. خرمشاهی، بهاء‌الدین، فانی، کامران، طاهری، ابراهیم، صدرحاج سیدجوادی، احمد، دایره المعارف تشیع، بی-جا: نشر حکمت، ۱۳۹۱ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی‌چا، قم، سعید بن جبیر، ۱۳۷۶.
۱۹. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۳ش.
۲۰. سعادت نیا، رضا، حیدری، نرگس، راهکارهای عزّت و اقتدار اسلامی از منظر قرآن و روایات، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۴۷.
۲۱. صباحی، امیرحسین، فهیمی، مریم، تبیین مولفه های عزّت ملی در



۲۲. بیانیه گام دوم انقلاب، فصلنامه اندیشه های نوین، سال سوم، شماره ۱۷، ۱۳۹۹، ۹۹-۱۱۹.
۲۲. صحیفه سجادیه، آیتی، عبدالمحمد، ترجمه صحیفه سجادیه، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۴.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۷.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: محمدباقر کمره ای، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۲۷. متقی، علی بن حسام الدین، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۳.
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء، چاپ ۱۴۰۴ ق.
۲۹. محدث، جلال الدین، شرح غررالحکم، اتپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۳۰. مروتی، نادره، گام دوم انقلاب، عزّتمندی انقلاب، نهمین همایش ملی بررسی عزّت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب، تهران، ۱۳۹۸. ۲۸-۳۹.
۳۱. معتمد کویانی، عزّت الله، رضایی، احمد، ستوده آرانی، محمد، اصل عزّت و تسامح و رابطه آن با نرمش قهرمانانه در مذاکرات سیاسی از دیدگاه اسلام، دو

فصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی، شماره ۱۲.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ اول، بی جا، دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

## عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده عزت ملی در قرآن و روایات

محمدصادق شهبازی راد<sup>۱</sup>

### چکیده

عزت ملی ششمین بند بیانیه گام دوم انقلاب است. پژوهش به دنبال جستجوی عوامل مؤثر بر عزت ملی در آیات و روایات است. این کار را از طریق روش کتابخانه‌ای و با جستجوی مفاهیم مرتبط با عزت صورت گرفته است. در نتیجه سه سطح از مسائل مرتبط با عزت در آیات و روایات یافت شده است: مربوط به آحاد امت، حاکمان و عموم جامعه. عوامل مختلفی برای آن یافته شده‌اند: توجه به خدا در سطح بینشی و گرایشی و بندگی در سطح عملی، روابط صحیح مردم با رهبری دینی، مبارزه و اصلاح اجتماعی برای توحیدی کردن دنیا، تلاش برای تغییر واقعیت‌ها به آرمانها، کسب فضائل اخلاقی، رفتار رحمانی و اصولی، عدالت‌ورزی، محاسبه واقع‌بینانه، استقلال، اشتغال، دانش و اتقان عمل، مواظبت بر دشمن و برنامه داشتن، پنهان‌کاری و نخواستن نیاز از او، عدالت‌ورزی حاکمان، و عوامل اجتماعی و مادی عزت‌آفرین.

کلمات کلیدی: عزت ملی، استقلال، عزت، ذلت، وابستگی، بیانیه گام دوم.

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه امام صادق (ع)

Mohammadsadegh.shahbazi@gmail.com

## مقدمه

عزت ملی ششمین بند از بندهای بیانیه گام دوم را به خود اختصاص داده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۵ - ۴۳) اما اینکه چه عواملی عزت می‌آفریند محل سوال است. در فضای علوم اجتماعی و علوم انسانی امروز، استقلال در بسیاری موارد نفی شده و شرکت در تقسیم کار جهانی و صرف بالا بردن تولید ناخالص ملی برای عزت اصلی برشمرده می‌شود. در حالی که در نگاه دینی ما عزت عوامل متعددی دارد که در صورت بی‌توجهی به آن عزت کامل نیست و حتی می‌تواند تأکید بر آن بدون توجه به موارد دیگر و رفتار غیر اصولی موجبات ذلت را فراهم آورد. لذا ارائه یک نگاه از بالا به عوامل موجد عزت در آیات و روایات برای تغییر نگاه ما به عزت در سطح ملی مهم است.

درباره عوامل موجد عزت در سطح فردی و در سطح اجتماعی در آیات و روایات عناصر مختلفی قابل ردیابی است. یک سطح عواملی است که به عزت و ذلت یک جامعه پرداخته یا عوامل اجتماعی موثر بر عزت را بررسی کرده است. یک سطح به عزت و ذلت حاکمان و پیشوایان پرداخته است که طبیعتاً به عزت و ذلت جامعه می‌پردازد و سطحی دیگر به افراد برمی‌گردد. بعضی از مباحثی که خطاب به فرد گفته شده است استفاده اجتماعی هم دارد. بنای این پژوهش بررسی اسنادی عزت در آیات و روایات برای یافتن سنت‌های الهی عزت‌آفرین و ذلت‌آور از درون آن‌ها است. لذا ابتدا به بررسی مفاهیم مرتبط با عزت در آیات و روایات پرداخته و سپس این عوامل را بررسی می‌کنیم و تلاش می‌کنیم گزارشی از این عوامل ارائه کنیم.

## معرفی مفاهیم مرتبط با عزت و ذلت در آیات و روایات

در معنای لغوی مفاهیمی وجود دارد که مستقیماً ناظر به عزت و ذلت است: عزت به معنای برتری و استعلا نسبت به کسی که پایین‌تر است دانسته شده است (مصطفوی، ۱۴۳۰ه. ق، ج ۸، ص ۱۳۸ - ۱۳۷) و ذلت در معنای خواری و کوچکی در قبال کسی که برتر است. (همان، ج ۳، ص ۳۵۲)

مفاهیمی داریم که غیرمستقیم افاده معنای عزت می‌کند: مثل غنی در معنای بی‌نیازی، (همان، ج ۷، ص ۳۳۴) هیبت به معنای بزرگی و ترس‌ناکی، (ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱، ص ۷۸۹) وُد به معنای تمایل پیدا کردن به چیزی، (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۱۳، ص ۶۹) نصر به معنای نجات پیدا کردن از ابتلا و سختی (همان، ج ۷، ص ۳۳۸) و کمک یافتن به هر نحو. (همان، ص ۳۳۹) هم‌چنین مفاهیمی نظیر حفظ شدن به وسیله خدا یا عزت خدا یا ملائکه او، کفایت شدن از مردم، ترسیدن همه چیز و همه افراد از انسان، بودن خدا با انسان، رفع به معنای بالا بردن و برافراز دیگری قرار گرفتن، (همان، ح ۴، ص ۱۹۳)، محبوب شدن به معنای علاقه و میل شدید، (همان، ج ۲، ص ۱۷۸) شرف به معنای علو و برتری، (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۷۴)، فلج به معنای غلبه، (همان، ج ۲، ص ۳۲۲) سیادت به معنای تشخیص یافتن همراه با برتر نسبت به دیگران، (همان، ج ۵، ص ۳۱۱)، ظفر به معنای غلبه در راه رستگاری (همان، ج ۷، ص ۱۹۶)، وفق به معنای دستیابی به افکار و افعال مطلوب (همان، ج ۱۳، ص ۱۷۵)، وقار به معنای سنگینی بار شده بر شخص به صورت مادی یا معنوی (همان، ج ۱۳، ص ۹۵) و... برشمرده شده‌اند.

عوامل ذلت‌آور غیرمستقیم نیز با مفاهیم مختلفی مورد توجه قرار گرفته‌اند. نظیر خفص به معنای تواضع همراه با نرمی (همان، ج ۳، ص ۱۰۳)، خذلان به معنای ترک یاری کردن (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۳، ص ۳۷)، ضیع به معنای محو شدن صورت و نظم در چیزی و اثر نداشتن آن به گونه‌ای که مهمل شود (همان، ج ۷، ص ۵۸) که در فارسی به آن ضایع کردن گفته می‌شود، وضع به معنای گذاشتن چیزی در جایگاه پایین (همان، ج ۱۳، ص ۱۴۳) و...

در معنای اصطلاحی اما رهبر انقلاب تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان

سلطه را عرصه‌های عزت ملی جمهوری اسلامی دانسته‌اند. ( <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673> ) در بررسی ما هم این عوامل هم سایر عوامل ذکر نشده که غیرمستقیم بر عزت مؤثر هستند در آیات و روایات ردیابی می‌شوند.

#### پیشینه

در مورد عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده عزت و مشخصاً عزت ملی تک‌نگاری‌های متعددی هست. بخش عمده‌ای از آن‌ها متوجه عزت و ذلت از بعد فردی است، مثل کتاب «عزت نفس در فقه» منتشر شده در دانشگاه علوم اسلامی رضوی. (جعفری گنابادی، ۱۳۹۸، ص ۱۵ - ۵۰) بخشی از آنها عزت و ذلت را در روایات و آیات بررسی کرده‌اند، اما مثلاً آن را در یک موضوع خاص مثل واقعه عاشورا جستجو کرده‌اند یا نظر به عزت به صورت عمومی داشته‌اند که لزوماً به عزت ملی بر نمی‌گردد مثل سلوک عاشورایی منزل هفتم از مرحوم آیت‌الله‌الطعمی مجتبی طهرانی (طهرانی، ۱۳۹۴، ص ۲۵ - ۹۸) یا کتاب عزت ملی در پرتوی تولید ملی از انتشارات به‌نشر (تقی‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۴۵ - ۱۳۱). بخشی نیز متمرکز بر مفاهیمی مانند اقتدار و توضیح آن هستند. در مجموع در تحقیق‌های گذشته کمتر مواجه هستیم که چهارچوب کلی نگاه روایات بر عزت و ذلت بررسی شده و آن را بر عزت ملی تطبیق داده باشند.

#### عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده عزت ملی

در اینجا ما با سه دسته عوامل مواجه هستیم. عوامل تقویت‌کننده عزت ملی، عوامل تضعیف‌کننده و عوامل بی‌اثر.

#### عوامل تقویت‌کننده عزت ملی

در متون اسلامی عواملی قابل‌ردیابی است که در آیات و روایات به صورت مشخص از آن‌ها به عنوان عامل عزت‌آفرین یاد شده است.

#### خدامحوری

عواملی داریم که به نسبت افراد و جامعه به خدا برمی‌گردد. اکثر این موارد ناظر به فرد

است و می‌توان آن را در آحاد امت اسلامی یا حاکمان جامعه جستجو کرد. یعنی اگر جامعه‌ای به صورت کامل به این عوامل پایبند باشد یا هویت اصلی این جامعه به ایمان نسبت داشته باشد و مؤمنان در کمیت یا کیفیت وجهه اصلی این جامعه را شکل دهند، این عزت‌آفرینی می‌تواند تداوم داشته باشد.

در بعد نگرشی و بینشی توجه و تسلیم امر خدا شدن مسئله اصلی است. لذا تسلیم امر خدا شدن و ایمان پیدا کردنی که ثمره عملی داشته باشد؛ عزت‌آفرین دانسته شده است. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، آیه ۸) امیرمؤمنان علیه السلام هیچ عزتی را بالاتر از تسلیم شدن به امر خدا نمی‌داند: «لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ الْإِسْلَامِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴. ه. ق، ص ۵۴۱) در نگاه امام صادق علیه السلام نیز مسلمانان و مؤمنان حقیقی دلیل نمی‌شوند، حتی اگر دیگران بخواهند آنان را دلیل کنند: «وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا يُعِزُّهُ اللَّهُ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ» (کلینی، ۱۴۰۷. ه. ق، ص ۶۴) این حقیقی بودن از آن رو است که شرط آن را عزیز شدن از جانب خدا با اسلام و قرآن دانسته است.

در تداوم ایمان، بندگی خدا و ترک معصیت عزت‌آفرین است. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَ غَنَى بِلَا مَالٍ وَ هَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۹) امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۸۴۱) ایشان این بندگی کردن را باقی‌ترین عزت برشمرده است: «الطَّاعَةُ أَبْقَى عِزٍّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۴) و خشم مردم نمی‌تواند چنین کسی را پایین بکشد: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَضُرَّهُ مَنْ أَسَخَطَ مِنَ النَّاسِ» (همان) لذا عمل صالح و نیک نیز عزت می‌آفریند: «أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (قرآن کریم، سوره مریم، آیه ۹۶)

در تداوم بندگی، کنترل خویش در برابر اراده و خواست الهی (خودنگه‌داری یا تقوا) عزت‌آور یا برترین عامل عزت است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ» (ورام، ۱۴۱۰. ه. ق، ج ۲، ص ۱۱۷) امام علی علیه السلام فرمود: «التَّقْوَى نُعْزُّ» (تمیمی آمدی،

۱۳۶۶، ص 462) ایمان و تقوا پیوند با خدا ایجاد می‌کند که خودش عامل از بین رفتن خوف و حزن و در نتیجه عزت‌آفرین است. (قرآن کریم، سوره یونس، آیه ۶۲-۶۵)

در نگاه امام علی علیه السلام یاری جستن از خدا و ترک توجه به وسائل مادی، وسیله دیدن آن‌ها و توکل و یاری جستن به خدا نیز عزت می‌آفریند: «مَنْ انْتَصَرَ بِاللَّهِ عَزَّ نَصْرُهُ». (تمیمی آمدی، 1366، ص ۷۰)

بر این مبنا امیر مؤمنان علیه السلام تواضع ورزیدن (برای خدا) را عامل عزت‌افزایی می‌داند: «فَإِنَّ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ». (ابن حیون، نعمان بن محمد، ۵۱۳۸۵. ق، ج ۲، ص ۱۱۶) گاهی این تواضع به عظمت خدا تعلق یافته است. در حدیث قدسی آمده است: «إِنَّمَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ مِمَّنْ يَتَوَاضَعُ لِعِظَمَتِي... أَكَلُوهُ بِعِزَّتِي وَاسْتَحْفِظُهُ مَلَائِكَتِي» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۱۲) حدیث قدسی نیز به گذراندن روز به یاد خدا به عنوان عامل عزت و حفظ شدن به وسیله عزت خدا و ملائکه اشاره می‌کند: «إِنَّمَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ مِمَّنْ... يَقْطَعُ نَهَارَهُ بِذِكْرِي... أَكَلُوهُ بِعِزَّتِي وَاسْتَحْفِظُهُ مَلَائِكَتِي». (همان )

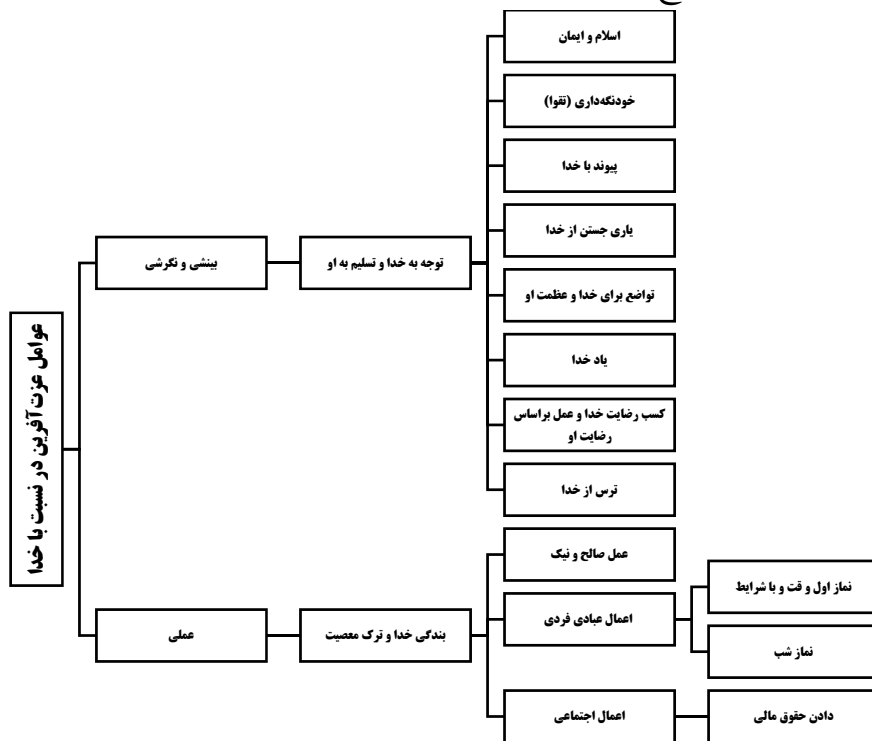
در حدیث قدسی رضایت خدا و عمل بر اساس او به عنوان عامل محبوب شدن فرد ذکر شده است: «فمن عمل برضای الزمه ... محبة لا یؤثر علی محبتی حب المخلوقین، فإذا أحببني أحببته وحببته إلی خلقی». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶. ق، ج 26، ص 471) حد عالی کسب رضایت خداوند که عزت‌آفرین است مربوط به شرایطی است که علی‌رغم ناراحت شدن مردم است. امام حسین علیه السلام در این باره فرمود: «مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاءُ اللَّهِ أُمُورَ النَّاسِ». (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱) پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ترس از خدا را عامل ترسیدن همه چیز از انسان و در نتیجه عزت یافتن او دانسته‌اند: «مَنْ خَافَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَافَ مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۸)

در بعضی عملی نیز اعمال مختلف عبادی عزت‌آفرین دانسته شده‌اند. مشخصاً نماز اول وقت (کلینی، ۱۴۰۷. ق، ج 3، ص 268) و نماز شب. (ابن بابویه، ۱۴۰۳. ق، ص ۱۷۸) از عبادات اجتماعی نیز بیش از همه حقوق مالی دینی این اثر را دارد. لذا دادن حقوق مالی



به‌عنوان پایه‌ای مهم در استقرار حاکمیت دینی یکی از عناصر اصلی عزت‌آفرین است. هم‌جزء عوامل معنوی و حتی به‌مثابه عنصر مادی می‌توان به آن نگاه کرد. «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ... أَتَيْتُمُ الرِّكَاءَ.» (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۱۲)

به‌صورت خلاصه این رابطه در این روایت موجود است که اصلاح رابطه با خدا موجب اصلاح رابطه با مردم می‌شود: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ» (ابن‌ابی‌الحدید، ۵۱۴۰۴. ق، ج ۱۸، ص ۲۴۲)

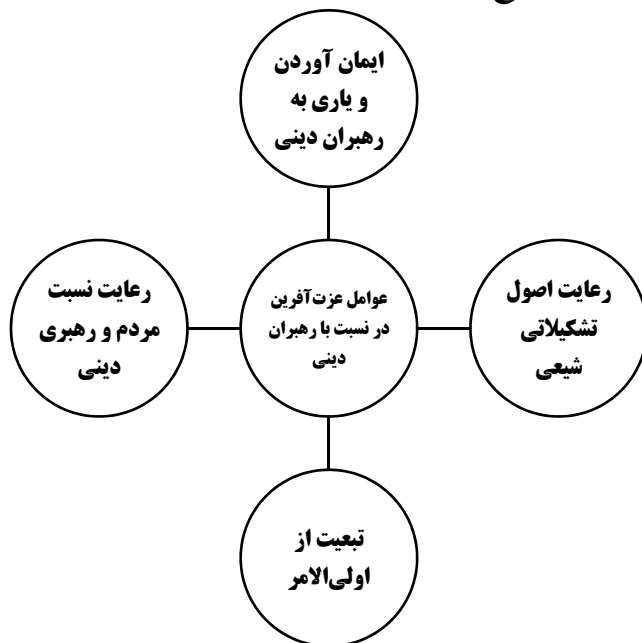


شکل ۱ عوامل عزت‌آفرین در نسبت با خدا

پیوند با رهبران دینی

عواملی داریم که مرتبط با رهبران دینی اعم از پیامبر ﷺ، ائمه و نواب آنان، در شئون ملی و ولایت است که به آن‌ها انتقال پیدا میکند. یعنی همه شئون به جز شئون معنوی. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۱۱۵) اینجا هم مسئله فردی هم اجتماعی است. اوین مسئله ایمان آوردن و

یاری به رهبران دینی است. با توجه به آنکه رسالت به شان اجتماعی پیامبران اشاره دارد یاری آنان جزو عواملی است که بودن خدا با انسان و جامعه و عزت یافتن آنان را به دنبال دارد. «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ... آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّزْتُمْهُمْ». (مانده، آیه ۱۲) بر همین مبنا امام صادق علیه السلام رعایت اصول تشکیلاتی شیعی، نسبت با رهبری دینی و خودداری از افشای راز تشکیلاتی شیعه را عزت آفرین دانسته‌اند: «فَإِنَّهُ مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يُذِعْهُ أَعَزَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا». (برقی، ۱۳۷۱ ه. ق، ج ۱، ص ۲۵۵) در این چهارچوب، امام سجاد علیه السلام تبعیت از رهبران دینی را عامل عزت می‌داند: «طَاعَةُ وُلَاةِ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۸۳) رعایت نسبت مردم و رهبری دینی در نهایت از جانب امام علی علیه السلام شاخص عزت یافتن جامعه برشمرده می‌شود: «فَإِذَا أَدَّتْ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَ طُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَبَسَّتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ». (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۳۳۳)



شکل ۲ عوامل عزت آفرین در نسبت با رهبران دینی

### عزت ملی در سایه مبارزه اجتماعی و جامعه‌سازی

عواملی داریم که به جامعه‌سازی و مبارزه اختصاص دارد. این عوامل نه تنها به فرد که به مجموعه جامعه و حکومت دینی و تلاش آن برای جامعه‌سازی درون خود و جامعه‌سازی در سطح بین‌الملل برمی‌گردد. عمده موارد اینجا اجتماعی به حساب می‌آید چون جنس مسئله از جنس اجتماعی است. برپا داشتن (اقامه) نماز یکی از مهم‌ترین جلوه‌های آن است: «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ» (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۱۲ مشخص است منظور صرف نماز خواندن نیست، بلکه جاری کردن یاد خدا در سراسر زندگی، توحیدی کردن دنیا، دعوت مردم به دین و مقابله با مخالفان اراده خدا و طواغیت است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۷۱) لذا پیامبر ﷺ مبارزه برای احیای حق و نفس مبارزه برای حاکم شدن حق را عزت‌آفرین می‌دانند: «اغزوا تُورثوا أبناءكم مجدداً» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱۵، ص ۱۳) یا امیر مؤمنان علیه السلام مشخصاً به مبارزه برای برپا کردن حق را اینگونه دانسته است: «مَنْ جَاهَدَ عَلَيَّ إِقَامَةَ الْحَقِّ وَفَقَّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۳)

لذا پیامبر ﷺ امر به معروف و نهی از منکر را عامل عزت و ترک آن را باعث ذلیل شدن دانسته‌اند: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَ التَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ مِنْهُمُ الْبَرَكَاتُ وَ سَلِطَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ» (ورام، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۲، ص ۱۲۶) امام علی علیه السلام نیز فرمود: «لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ التَّهْيِي عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولِي اللَّهُ أَمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (نوری، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۱۲، ص ۱۸۰) ترک این وظیفه آن قدر ذلت ایجاد می‌کند که هیچ کمک‌کننده‌ای در زمین و آسمان نمی‌ماند و از این طرف موجب مستجاب شدن دعا می‌شود. در بعضی نقل‌ها آمده حتی دعای خوبان امت نیز این‌گونه مستجاب نمی‌شود: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۷) این نشان‌دهنده اهمیت این مورد است. امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ التَّهْيِي عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ

فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ.» (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۴۸) دلیل این اهمیت و محوریت به تعبیر امام حسین علیه السلام اقامه شدن همه واجبات و جلوگیری از تمام بدی‌ها به وسیله امر به معروف و نهی از منکر است: «فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لِعَلِمِهِ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِيَتْ وَ أُفِيَّتْ اسْتَفَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيْئُهَا وَ صَعْبُهَا.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۷)

بر همین مبنا همیاری (تعاون) بر نیکی و خودنگه‌داری (تقوا) عزت آفرین دانسته شده است (ورام، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۲، ص ۱۲۶) و همان تأکیدات در مورد امر به معروف و نهی از منکر اینجا هم وجود دارد. حتی امام صادق علیه السلام مطلق تعاون را عزت آفرین دانسته‌اند: «التَّعَاوُنُ لِيَتَسَمَّلَهُمُ الْعِزَّةُ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۳)

به عاریه دادن و به جریان انداختن مال در مسیر خواست الهی (قرض الحسنه) جزو عوامل عزت بخش است. طبیعی است قرض دادن به مسلمانان بخشی از این وظیفه است نه تمام آن. «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ... أَفْرَضْتُمْ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا.» (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۱۲)

در این چارچوب تبعیت از قرآن، مبارزه در راه آن و با استفاده از آن نیز در منطق امام علی علیه السلام عزت آفرین دانسته شده است: «مَنْ خَاصَمَ بِهِ فَلَاحَ وَ مَنْ قَاتَلَ بِهِ نُصِرَ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۸۹، ص ۲۶) در مسیر این مبارزه باید صبر کرد و سختی و رنج تحمل کرد؛ این صبر ورزیدن (به ویژه مقابل هزینه‌های مبارزه در راه خدا) موجبات عزت را فراهم می‌آورد: «إِنْ تَصَبَّرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُواكُمْ مِنْ قُورِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ.» (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۲۵) امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «لَا يَعْدَمُ الصَّبُورُ الظَّفَرَ وَ إِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ.» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۴۹۹) «وَ بِاخْتِمَالِ الْمُؤْنِ يَجِبُ الشُّؤْدُدُ.» (همان، ص ۵۰۸) مبارزه در راه خدا هزینه دارد، اما در نگاه امیر مؤمنان علیه السلام نترسیدن از زخم زبان‌ها در راه خدا عزت آفرین است: «لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَئِيمَةً يَكْفِيكُمْ مَنْ أَرَادَكُمْ وَ بَعَى عَلَيْكُمْ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳،

لذا عمل به حق، حق‌گرایی و یاری کردن حق اهمیت پیدا می‌کند. در نگاه امیر مؤمنان علیه السلام عمل کردن به حق، تسلیم خواست دیگران نشدن برای پابندی نداشتن به حق و آمادگی برای پرداخت هزینه‌های حق‌گرایی موجب عزت می‌شود: «بِلُزُومِ الْحَقِّ يَحْصُلُ الْإِسْتِظْهَارُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص 69) «مَنْ عَمَلَ بِالْحَقِّ مَالَ إِلَيْهِ الْخَلْقُ». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۰) این فرد حتی اگر از روی حق‌گرایی مغلوب شود، غالب است و دلیل نمی‌شود: «الْمَغْلُوبُ بِالْحَقِّ غَالِبٌ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۸) غالب بودن حق، سنت الهی است. «لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ». (همان) و کسی که حق را آشکار کرده و به آن تمسک و احتجاج می‌کند پیروز است: «لَا يُغْلَبُ مَنْ يَسْتُظْهِرُ بِالْحَقِّ». (همان). «لَا يُخْصَمُ مَنْ يَحْتَجُّ بِالْحَقِّ». (همان، ص ۶۹) عزت جستن به حق، موجب شکست نخوردن است: «لَا يُدْرِكُ مَنْ اعْتَرَى بِالْحَقِّ». (همان) حق اندک و کوچک هم می‌تواند بر باطل بزرگ و بسیار غلبه کند: «قَلِيلُ الْحَقِّ يَدْفَعُ كَثِيرَ الْبَاطِلِ». (همان، ص ۶۸) در نگاه امام صادق علیه السلام گردن گذاشتن به حق هنگامی که انسان با آن مواجه می‌شود همین‌گونه عزت‌آفرین است: «الْعِزُّ أَنْ تَذِلَّ لِلْحَقِّ إِذَا لَزِمَكَ». (مجلسی، ۱۴۰۳. ه. ق، ج 75، ص 228) هم‌چنین در نگاه امام علی علیه السلام یاری کردن حق، عامل عزت شمرده شده است: «مَنْ نَصَرَ الْحَقَّ أَفْلَحَ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۹) «مَنْ نَصَرَ الْحَقَّ غَنِمَ». (همان)

در راستای حق‌گرایی، در نگاه امام علی علیه السلام احتجاج کردن با راستی عزت می‌آفریند: «لَا يُغْلَبُ مَنْ يَحْتَجُّ بِالصِّدْقِ». (همان، ص ۲۱۹)

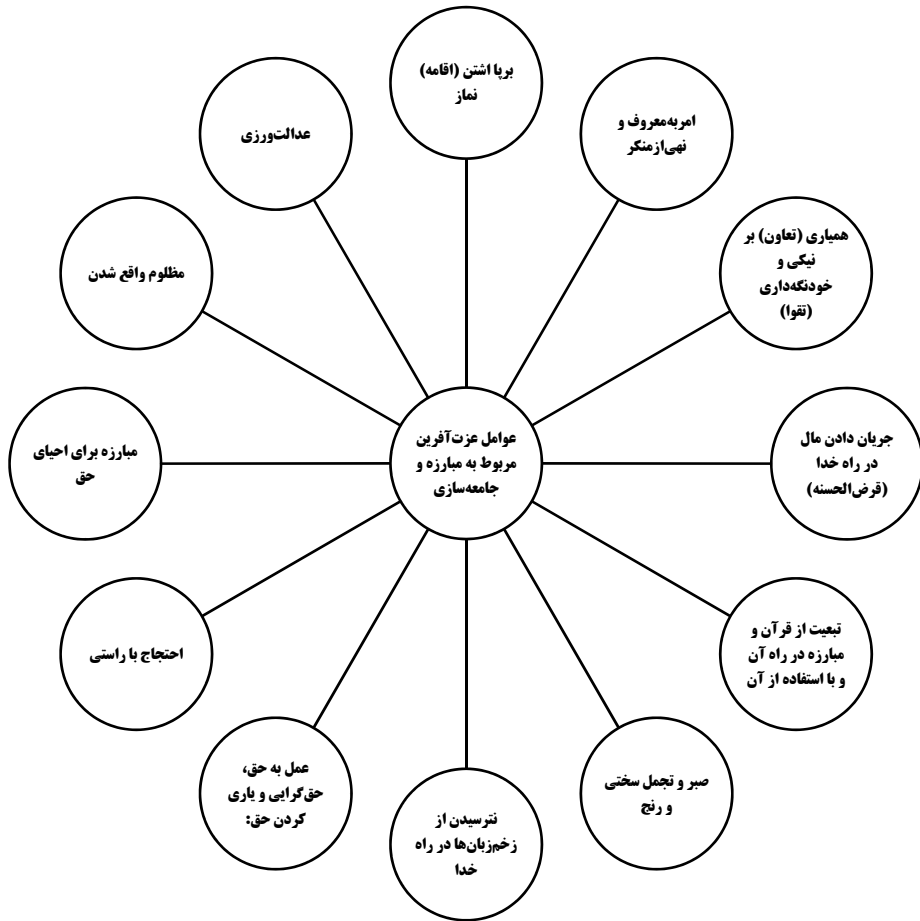
در این مبارزه اگر از روی حق‌گرایی مظلوم واقع شد، عزت پیدا می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِيَّاكُمْ أَنْ يَبْغِيَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ... فَإِنَّهُ مَنْ بَغَى صَيَّرَ اللَّهُ بَغْيَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَ صَارَتْ نُصْرَةُ اللَّهِ لِمَنْ بَغَى عَلَيْهِ وَ مَنْ نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَبَ وَ أَصَابَ الظَّفَرَ مِنَ اللَّهِ». (کلینی، ۱۴۰۷. ه. ق، ج 8، ص ۸) پر واضح است که مظلوم واقع شدنی که از روی حق نباشد، عزت‌آفرین نیست. همان‌گونه که در قرآن کریم، مستضعفی (ضعیف‌نگه‌داشته‌شده‌ای) که پابند به حق نیستند مثل ضعفا برشمرده شده‌اند، یعنی ضعیف‌نگه‌داشته شده نیستند و مسئول اعمال

خویش و حتی ظالم به حساب آمده است. (قرآن کریم، سوره سبأ، آیه ۳۱ - ۳۳ و همان، سوره ابراهیم، آیه ۲۱، و همان، سوره غافر، آیه ۴۷)

عدالت‌خواهی و عدالت‌ورزی از مهم‌ترین عرصه‌های جامعه‌سازی برشمرده شده که عزت‌آفرین نیز هست. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَدَلَ نَقَدَ حُكْمَهُ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۰) «مَنْ عَدَلَ تَمَكَّنَ.» (همان) «لِيَكُنْ مَرْكَبُكَ الْعَدْلُ فَمَنْ رَكِبَهُ مَلَكَ.» (همان) «مَنْ عَدَلَ فِي سُلْطَانِهِ وَ بَدَلَ إِحْسَانَهُ أَعْلَى اللَّهِ شَأْنَهُ وَ أَعَزَّ أَعْوَانَهُ.» (همان) «اعْدِلْ تَحْكُمْ.» (همان، ص ۳۴۷) «اعْدِلْ تَمْلِكْ.» (همان) «الرَّعِيَّةُ سَوَادٌ يَسْتَعِيدُهُمُ الْعَدْلُ» (مجلسی، ۱۴۰۳. ق، ج ۷۵، ص ۸۳) «أَلَا إِنَّهُ مَنْ يُنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا» (کلینی، ۱۴۰۷. ق، ج ۲، ص ۱۴۴) امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ رُضِيَ بِهِ حَكْمًا لَغَيْرِهِ.» (همان، ص ۱۴۶) «مَا تَدَارَأُ اثْنَانِ فِي أَمْرٍ قَطُّ فَأَعْطَى أَحَدَهُمَا النَّصْفَ صَاحِبَهُ فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ إِلَّا أُدِيلَ مِنْهُ.» (همان، ص ۱۴۷)

امام خمینی علیه السلام بر همین مبنا به عنصر قیام لله (در معنای ترک خودخواهی و تلاش برای توحیدی کردن خویش، جامعه و جهان را تنها راه اصلاح دو جهان خواندند. (خمینی،

۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۱-۲۳)



شکل ۳ عوامل عزت آفرین مربوط به مبارزه و جامعه‌سازی

### عزت ملی در سایه اصلاح اخلاقی

بعضی عوامل اخلاقی است، که متون اسلامی به‌صرف اتیان یا ترک آنها را موجب عزت خوانده است. یعنی چه در مورد فرد چه در مورد آحاد امت یا حاکمان این مسئله برقرار است و اگر هویت جامعه‌ای به لحاظ کمیت یا عناصر اساسی شکل‌دهنده آن این موارد را رعایت کرد، آن جامعه می‌تواند عزت پیدا کند. این عوامل نمودهای گوناگونی دارد.

در نگاه امام صادق علیه السلام حفظ کرامت نفس، عزیز و بزرگ حساب کردن خویشتن و خوار نکردن آن با دست خود عامل عزت است: «اِحْفَظْ عِرْكَ... [أَي] اِكْرَامُكَ نَفْسَكَ.» (طوسی،

۵۱۴۰۷. ق، ج ۷، ص ۴)

مسئله عزت آفرین دیگر همت عالی ضمن دیدن واقعیت‌هاست. امام علی علیه السلام همت عالی و توجه به افق‌های دوردست را عزت آفرین می‌داند: «مَنْ رَفَى دَرَجَاتِ الْهَمِّ عَظَمَتْهُ الْأُمَمُ»، «مَا رَفَعَ امْرَأً كَهَمَّتِهِ» و «الشَّرْفُ بِالْهَمِّ الْعَالِيَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۸۴) اما در قبال آن، مواجهه نکردن خود با مورد یا بلای فراتر از تحمل نیز مورد توجه است. در نگاه امام صادق علیه السلام بخشی از کرامت، خوار نکردن خویش با مواجهه نشدن با فراتر از توان دانسته شده است: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذَلَّ نَفْسُهُ... [أَي] يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ». (طوسی، ۵۱۴۰۷. ق، ج ۶، ص ۱۸۰) طبیعی است در مورد بلا به موارد اختیاری برمی‌گردد نه عواملی که شخص در آن نقشی ندارد و می‌تواند کفاره عمل (مجلسی، ۵۱۴۰۳. ق، ج ۶۴، ص ۲۳۶)، آزمایش و امتحان (همان، ج ۷۸، ص ۲۰۸) یا درجه (شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۶) باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذَلَّ نَفْسُهُ... يَتَعَرَّضُ مِنَ الْبَلَاءِ لِمَا لَا يَقْوَى عَلَيْهِ وَ لَا يَقُومُ بِهِ». (هلالی، ۵۱۴۰۵. ق، ج ۲، ص ۹۶۸) لذا هم نگاه به آرمان‌ها و همت عالی باید داشت، اما باید واقعیت‌ها و توان‌ها را دید. وضع موجود بهانه پذیرش واقعیت‌ها شود، بلکه باید واقعیت‌ها را دید و تلاش کرد آنها را در جهت آرمان‌ها تغییر داد. (سرابندی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۳۳)

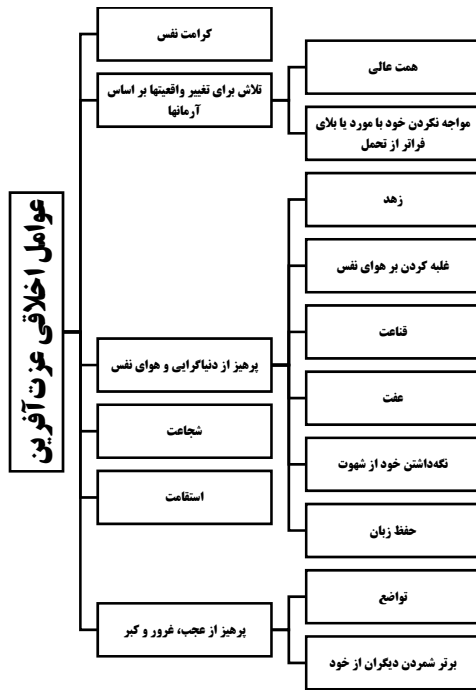
پرهیز از دنیا‌گرایی و هوای نفس از لوازم این اصلاح اخلاقی است. این عنصر با موارد متعددی مورد توجه قرار گرفته است. لذا امیر مؤمنان علیه السلام زهد، ترک دنیا و فراموش کردن مواهب آن را عزت آور خوانده است: «مَنْ سَلَاحَ عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا عَزَّ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۶) این زهد در نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها از دنیا که نیز از چیزهای نزد مردم است: «وَ أَزْهَدُ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ تَأْمَنُهُمْ». (ورام، ۵۱۴۱۰. ق، ج ۲، ص ۱۲۰) در چارچوب زهد، غلبه کردن بر هوای نفس از نگاه امیر مؤمنان علیه السلام عزت آور است: «مَنْ يَغْلِبُ هَوَاهُ يِعَزَّ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۱) در همین چهارچوب، امیر مؤمنان علیه السلام قناعت را پایدارترین عزت برشمرده است: «الْقَنَاعَةُ أَبْقَى عِزٍّ». (همان، ص ۳۹۱) همین نگاه را درباره عفت دارد: «مَنْ أُتْحَفَ [التَّحَفَ] الْعِفَّةَ وَ الْقَنَاعَةَ



حَالَفَهُ الْعِزُّ» (همان، ص ۳۹۲) و در حدیث قدسی نگه داشتن خود از شهوت نیز عزت‌آور خوانده شده است: «إِنَّمَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ مِمَّنْ... يَكُفُّ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَجْلِي... أَكَلُوهُ بِعِزِّي وَ أَسْتَحْفِظُهُ مَلَائِكَتِي» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۱۲) امام رضا علیه السلام نیز از حفظ زبان گفته‌اند: «أَحْفَظُ لِسَانَكَ تَعَزُّ» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰۴) و امیر مؤمنان علیه السلام متوجه زیادی سکوتند: «بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۵۰۸) و هم چنین حیاء: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ لَمْ يَرِ النَّاسُ عَيْبَهُ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۵، ص ۱۷۱)

شجاعت نیز در نگاه ایشان عزت‌آفرین دانسته شده است: «الشَّجَاعَةُ عِزٌّ حَاضِرٌ» (همان، ص ۲۵۹) به‌ویژه آنکه در مباحث اخلاقی ما ملکه شجاعت عامل غلبه بر قوه شهوانی (به‌عنوان یک عنصر خوارکننده) معرفی شده است (پارسانیا، ۱۳۹۵، ص ۶۳) استقامت در این مسیر نیز به سلامت و در نتیجه عزت می‌انجامد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مَنْ لَزِمَ الْإِسْتِقَامَةَ لَزِمَتْهُ السَّلَامَةُ» (کراجکی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۸۰)

آخرین عنصر اخلاقی بررسی شده پرهیز از عجب و غرور است که در قالب ملکه‌های اخلاقی مربوط به تواضع مورد توجه قرار گرفته است. گذشته از تواضع برای خدا که قبلاً بررسی شد، امام صادق علیه السلام مطلق تواضع را هم عزت‌آفرین دانسته‌اند: «إِذَا تَوَاضَعَ رَفَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَنْتَعِشْ نَعَشَكَ اللَّهُ فَلَا يَزَالُ أَصْغَرَ النَّاسِ فِي نَفْسِهِ وَ أَزْغَعَ النَّاسِ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۲، ص ۱۲۳) یک شاخه تواضع برای معلمان و علم‌آموزان است. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَ ذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ سَادَ بِعِلْمِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۷۵، ص ۶) بر همین مبنا امام رضا علیه السلام شعبه‌ای از تواضع یعنی برتر شمردن دیگران از خود را عزت‌آفرین می‌خوانند: «لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ أَتْقَى... فَإِذَا لَقِيَ الَّذِي سَرُّ مِنْهُ وَ أَدْنَى قَالَ لَعَلَّ خَيْرَ هَذَا بَاطِنٌ وَ هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ خَيْرِي ظَاهِرٌ وَ هُوَ سَرُّ لِي وَ إِذَا رَأَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَ أَتْقَى تَوَاضَعَ لَهُ لِيَلْحَقَ بِهِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ عَلَا مَجْدُهُ وَ طَابَ حَيُّهُ وَ حَسُنَ ذِكْرُهُ وَ سَادَ أَهْلَ زَمَانِهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۴۳)



شکل ۴ عوامل اخلاقی عزت آفرین

### اصلاح اخلاقی در سایه تعامل با مردم و دنیا

بعضی عوامل نیز موجود است که مربوط به تعامل با مردم است. بخشی از آن می‌تواند به تعامل با مردم کشور و برخی در سطح روابط بین‌الملل مورد توجه قرار بگیرد.

بی‌نیازی از مردم و سایرین در دنیا در نگاه امام علی علیه السلام عزت آفرین است: «عِزَّةُ اسْتِعْتَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ». (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ه. ق، ص ۱۷۸) و زیاد کمک و نیاز خواستن از مردم عامل خوار شدن است و دربرابرش کم بودن آن، عامل عزت برشمرده شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «كَثْرَةُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ». (حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۴۲)

رفتار رحمانی و سبقت رحمت بر غضی در تعامل با مردم هم عزت آفرین دانسته شده است. بر این اساس، باید رفتار در برابر مردم و سایرین بر اساس رحمت باشد. امام ترک کردن بگو مگو کردن را یکی از جلوه‌های عزت آفرین آن دانسته‌اند: «عِزَّةُ (المؤمن) تَرْكُ الْقَالِ وَ

الْقِيلِ» (طبری آملی، ۱۳۸۳ ه. ق، ص ۲۶) بخشندگی نیز در نگاه ایشان بعد دیگر عزت آفرین ذیل آن است: «بِالْإِفْضَالِ تَعْظُمُ الْأَقْدَارُ.» (سید رضی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۵۰۸) «وَمَنْ جَادَ سَادَ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۸، ص ۲۱) ایشان بعد دیگر این رویکرد رحمانی را بردباری دانسته‌اند: «مَنْ كَثُرَ حِلْمُهُ نُبِلَ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۸، ص ۲۱-۲۲) بالاترین عزت را نیز به همین مورد نسبت داده‌اند: «لَا عِزَّ أَرْفَعُ مِنَ الْحِلْمِ.» (ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۳۹۸ ق، ص ۷۳) هم‌چنین از مهمترین عرصه‌های بردباری عزت آفرین را بردباری در برابر نادانی خوانده‌اند. «وَبِالْحِلْمِ عَنِ السَّفِيهِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ عَلَيْهِ.» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۵۰۸) در نگاه پیامبر اعظم ﷺ جلوه دیگر محبت به مردم است: «تَقَرَّبَ بِالْمَحَبَّةِ مِنْهُمْ.» (ورام، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۲، ص ۱۲۰) در نگاه امیر مؤمنان ﷺ هم نیکی در تمام امور ذیل برخورد رحمانی با مردم عزت آفرین دانسته شده است: «أَيَسِّرْكَ أَنْ تَكُونَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ الْعَالِيَيْنِ اتَّقِ اللَّهَ شُبْحَانَهُ وَ أَحْسِنْ فِي كُلِّ أَمْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۹) جلوه دیگر در حدیث قدسی بزرگی نکردن بر مردم دانسته شده است: «إِنَّمَا أَقْبِلُ الصَّلَاةَ مِمَّنْ... لَا يَتَعَطَّطُ عَلَيَّ خَلْقِي... أَكَلُوهُ بِعِزَّتِي وَ اسْتَحْفِظُهُ مَلَائِكَتِي (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۱۲) یک بعد آن در نگاه امام صادق ﷺ آزار نرساندن به مردم است: «عِزُّهُ كَفَّ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ.» (ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۸۵) بعد دیگر نیز در نگاه ایشان، خوش خلقی و نرم‌خویی خوانده شده است: «حُسْنُ الْخُلُقِ مَجْلِبَةٌ لِلْمَوَدَّةِ... وَ إِنْ شِئْتَ أَنْ تُكْرَمَ فَلِنْ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۱، ص ۲۷)

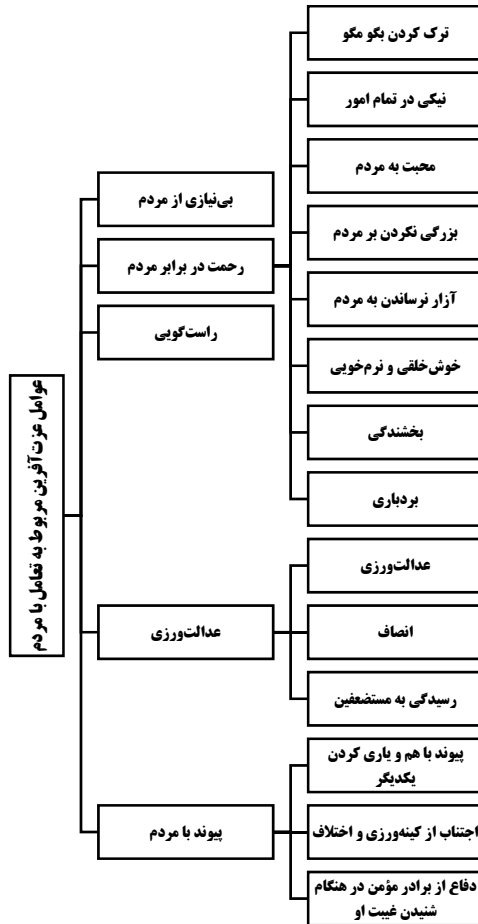
امام صادق ﷺ راست‌گویی را عنصری عزت آفرین در تعامل با دیگران دانسته است:

«الْصِّدْقُ عِزٌّ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۱، ص ۲۶)

عدالت‌ورزی عنصر بعدی مهم در تعامل با مردم و دنیا است که با زوایای مختلفی طرح شده است. امیر مؤمنان ﷺ انصاف‌ورزیدن (حق دادن از جانب خود به مردم) را عامل عزت می‌دانند: «أَلَا إِنَّهُ مَنْ يُنْصَفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا.» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۸، ص ۳۴۴) «وَ بِالْتَّصَفَةِ يَكْثُرُ الْمُوَاصِلُونَ.» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ ه. ق، ج ۲۱، ص ۲۹۲) به خود

عنصر عدالت‌ورزی نیز مستقیماً اشاره دارند: «و بِالسَّيْرِ الْعَادِلَةِ يُفْهَرُ الْمُنَاوِيُّ» (سید رضی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۵۸۵) این عدالت‌ورزی اگر فراگیر باشد موجب نصرت بر دشمن است: «مَنْ عَمَّ عَدْلُهُ نُصِرَ عَلَى عَدُوِّهِ» (کراجکی، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۱، ص ۱۳۵) در حدیث قدسی نیز رسیدگی به مستضعفین (اطعام گرسنه، پوشاندن برهنه، مهربانی کردن به مصیبت‌زده، پناه دادن به غریب) مورد توجه قرار گرفته شده است: «إِنَّمَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ مِنْ... يُطْعَمُ الْجَائِعَ وَ يَكْسُو الْعَارِيَ وَ يَرْحَمُ الْمُصَابَ وَ يُؤْوِي الْغَرِيبَ... أَكَلُوهُ بِعِزَّتِي وَ اسْتَحْفِظُهُ مَلَائِكَتِي» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۱۲)

پیوند داشتن با مردم و دیگران نیز با ادبیات مختلفی مطرح شده است. مثلاً امام علی علیه السلام اجتناب از کینه‌ورزی و اختلاف و پیوند با یکدیگر و همیاری یکدیگر را معرفی کرده‌اند: «تَجَنَّبُوا تَصَاغُنَ الْقُلُوبِ وَ تَشَاخُنَ الصُّدُورِ وَ تَدَابِرَ النُّفُوسِ وَ تَخَاذُلَ الْأَيْدِي تَمْلِكُوا أَمْرَكُمْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۴) امام باقر علیه السلام جلوه دیگر را در قالب دفاع از برادر مؤمن در هنگام شنیدن غیبت او معرفی کرده‌اند: «مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَنَصَرَهُ وَ أَعَانَهُ نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ه. ق، ص ۴۰۶)



شکل ۵ عوامل عزت‌آفرین در تعامل با مردم

عوامل اجتماعی تقویت‌کننده عزت ملی

بعضی عوامل وجود دارد که به خودی خود با رعایت آن در محیط اجتماعی، عزت ایجاد می‌کند.

۶.۱-۱. کسب و کار

یکی از این موارد کسب‌وکار و داشتن اشتغال. در نگاه امام صادق علیه السلام داشتن کار و رفتن به محیط کسب‌وکار عزت می‌آفریند و رها کردن آن و وبال دیگران بودن ذلت‌آفرین دانسته

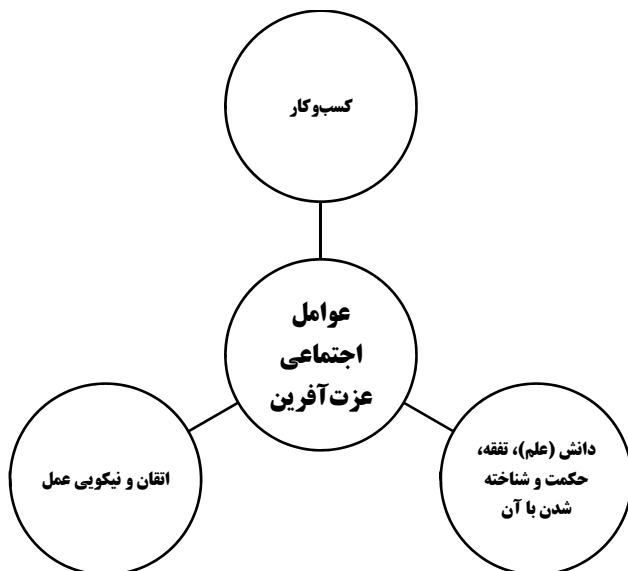
شده است: «اِحْفَظْ عِرْكَ... [أَي] عُدُوكَ إِلَى سُوقِكَ وَ إِكْرَامَكَ نَفْسَكَ.» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱۷، ص ۱۳)

۱-۶-۲. علم، تفقه و حکمت

عنصر دیگر دانش (علم)، تفقه، حکمت و شناخته شدن با آن است در نگاه امیر مؤمنان علیه السلام دانش اساساً عزت آفرین دانسته شده است: «الْعِلْمُ جَلَالَةٌ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۲) «الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ» (همان، ص ۴۷) «فَالْعِلْمُ يَرْفَعُ الْوَضِيعَ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۷۵، ص ۶) «العلم سلطان من وجده صال به و من لم يجده صيل عليه.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹) امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «مَنْ هَجَمَ عَلَى أَمْرٍ بَغَيْرِ عِلْمٍ جَدَعَ أَنْفَ نَفْسِهِ وَ مَنْ لَمْ يَعْلَمْ لَمْ يَفْهَمْ وَ مَنْ لَمْ يَفْهَمْ لَمْ يَسْلَمْ وَ مَنْ لَمْ يَسْلَمْ لَمْ يُكْرَمْ وَ مَنْ لَمْ يُكْرَمْ يُهْضَمْ وَ مَنْ يُهْضَمْ كَانَ أَلْوَمَ وَ مَنْ كَانَ كَذَلِكَ كَانَ أُخْرَى أَنْ يَنْدَمَ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۱، ص ۲۷) در چارچوب علم، امام علی علیه السلام حکمت را نیز مورد توجه قرار داده‌اند: «غِنَى الْعَاقِلِ بِحِكْمَتِهِ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۲) در نگاه ایشان نه تنها خود حکمت که شناخته شدن با حکمت نیز همین نقش را دارد: «مَنْ عُرِفَ بِالْحِكْمَةِ لَحِظَتْهُ الْعَيْنُونَ بِالْوَقَارِ وَ الْهَيْبَةِ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۸، ص ۲۳) پیامبر صلی الله علیه و آله اراده کردن خدا از این دانش را عامل عزت دانسته‌اند: «العالم إذا أراد بعلمه وجه الله عز و جل هابه كُ كُلُّ شَيْءٍ.» (محمدی ری شهری و همکاران، ۱۴۲۹ ق، ۲۹۹) امام علی علیه السلام از مهم‌ترین وجوه علم عزت آفرین را تفقه در دین برشمرده‌اند: «مَنْ تَفَقَّهَ وَفَّرَ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۸، ص ۲۰)

۱-۶-۳. اتقان و نیکویی عمل

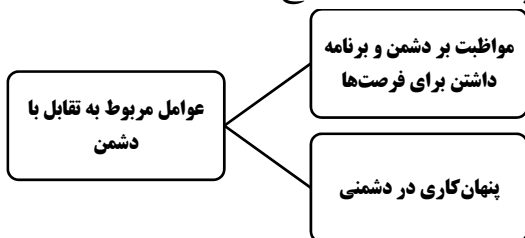
پیامبر صلی الله علیه و آله نفس نیکو عمل کردن را عزت آفرین دانسته‌اند: «بِحُسْنِ الْعَمَلِ يَرْفَعُ اللَّهُ أَقْوَاماً فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةَ.» (ورام، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۲، ص ۱۱۹)



شکل ۶ عوامل اجتماعی عزت آفرین

عزت ملی در سایه مرزبندی با دشمن

امام علی علیه السلام مواظبت بر دشمن و برنامه داشتن برای فرصت‌ها مقابل او را عزت آفرین خوانده‌اند: «اسْتَعْمِلْ مَعَ عَدُوِّكَ مُرَاقِبَةَ الْإِمْكَانِ وَ انْتِهَازَ الْفُرْصَةِ تَطْفُرُ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۳) پنهان‌کاری در دشمنی را هم در این چهارچوب طرح کرده‌اند: «أَقْتُلِ الْأَشْيَاءَ لِعَدُوِّكَ أَلَا تَعْرِفُهُ أَنْكَ اتَّخَذْتَهُ عَدُوًّا». (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۲۰، ص ۲۸۳)

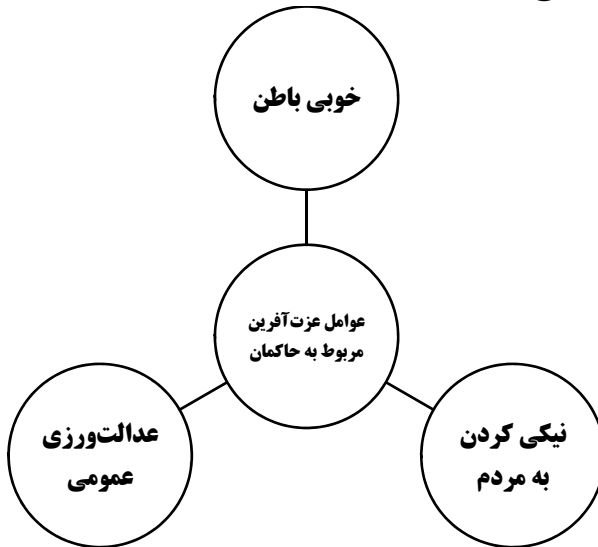


شکل ۷ عوامل مربوط به تقابل با دشمن

عزت ملی در سایه رفتار حاکمان

عواملی وجود دارد که به صورت مشخص در مورد اعمال حاکمان در مورد عزت یافتن مورد بحث قرار گرفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله خوبی باطن، نیکی کردن به مردم و عدالت‌ورزی

فراگیرا عزت آفرین دانسته اند: «مَنْ وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ أُمَّتِي فَحَسَنْتُ سَرِيرَتَهُ لَهُمْ رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى الْهَيْبَةَ فِي قُلُوبِهِمْ وَمَنْ بَسَطَ كَفَّهُ لَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ رَزَقَ الْمَحَبَّةَ مِنْهُمْ وَمَنْ عَمَّ عَدْلُهُ نُصِرَ عَلَى عَدُوِّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴. ق، ج ۷۲، ص ۳۵۹)



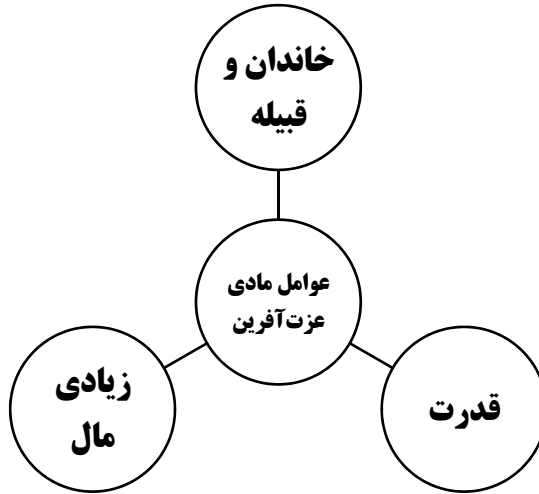
شکل ۸ عوامل عزت آفرین مربوط به حاکمان

عوامل مادی مؤثر بر عزت ملی

این عواملی است که در فضای عمومی عامل عزت آور به حساب می آید و در جهان واقعی سطحی از عزت را نیز به دنبال دارد. مگر اینکه با عوامل از بین برنده عزت مثل معصیت همراه شود. البته باید توجه کرد که عوامل مادی به خودی خود، کافی نیست و در صورتی که فرد از عوامل دینی یا سنت های جاری الهی تخطی کند، عزت به دست خداست و می تواند خلاف جهت های مادی به کار بیفتد: «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ.» (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۲۶) چرا که پیروزی و عزت جز از جانب و خواست خدا نیست: «مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.» (همان، آیه ۱۲۶) خاندان و قبیله و کثرت افراد، توانایی، هم بستگی و آمادگی برای فداکاری برای یکدیگر عزت آور دانسته شده است. (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۹) قدرت یافتن عزت آور است. پس تمام کارهایی که به کسب قدرت کمک می کند،



می تواند عزت ایجاد کند. (همان) امیر مؤمنان علیه السلام زیادی مال را نیز عامل سطحی از عزت برشمرده اند: «مَنْ كَثُرَ مَالُهُ رَأَسَ». (کلینی، ۵۱۴۰۷. ق، ج ۸، ص ۲۱)



شکل ۹ عوامل مادی عزت آفرین

عوامل تضعیف کننده عزت ملی:

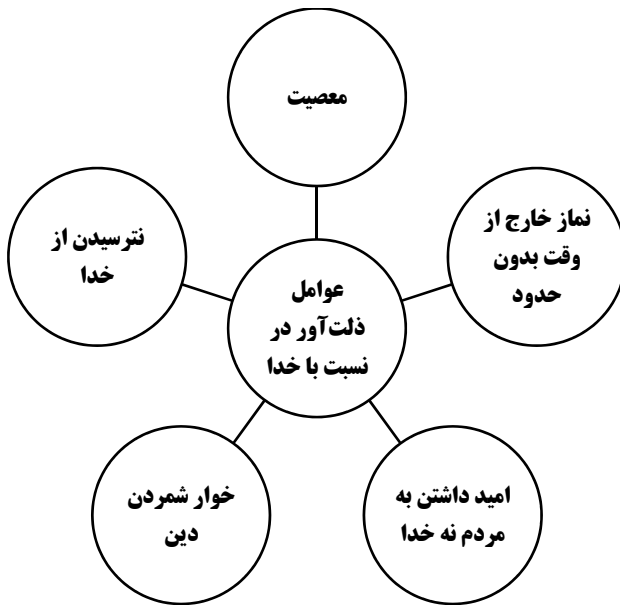
عواملی نیز داریم که موجب از دست دادن عزت و ذلیل شدن می شود. بعضی از این عوامل نقیض های موارد بالاست، برخی هست که لزوماً اینگونه نیست، لذا ما تنها به عواملی که در متون ذکر شده بسنده می کنیم و از ذکر نقیض منطقی موارد بالا خودداری می کنیم.

تضعیف عزت ملی در سایه ضعف در رابطه با خدا

معصیت مؤمنان باعث حاکم شدن غیرمؤمنان بر آنها می شود. در حدیث قدسی آمده است: «إِذَا عَصَانِي مَنْ عَرَفَنِي سَلَطْتُ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَعْرِفُنِي.» (فیض کاشانی، ۵۱۴۰۶. ق، ج ۵، ص ۱۰۰۸) امام علی علیه السلام نیز فرمود: «الْفُجُورُ يُدِلُّ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۲) برخی اعمال عبادی نظیر نماز خارج از وقت بدون حدود نیز از امام باقر علیه السلام ذلت آفرین نقل شده است: «إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بِغَيْرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ سَوْدَاءٌ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ صَبَّغْتَنِي صَبَّغَكَ اللَّهُ.» (کلینی، ۵۱۴۰۷. ق، ج ۳، ص ۲۶۸)

در حدیث قدسی امید داشتن به مردم نه خدا یکی از عوامل بینشی ذلت اور دانسته

شده است: «وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَمَجْدِي وَارْتِفَاعِي عَلَى عَرْشِي لَأَقْطَعَنَّ أَمَلَ كُلِّ مُؤْمَلٍ [مِنَ النَّاسِ] غَيْرِي بِالْيَأْسِ وَالْكَسْوَةِ نُوبَ الْمَذَلَّةِ عِنْدَ النَّاسِ.» (شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۶۰) خوار شمردن دین نیز از نگاه امیر مؤمنان علیه السلام ذلت اور است: «مَنْ تَهَاوَنَ بِالِدِّينِ هَانَ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص 68) در بعد بینشی نیز امام صادق علیه السلام نترسیدن از خدا را ذلت آور خوانده‌اند: «مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۸)



شکل ۱۰ عوامل ذلت آور در نسبت با خدا

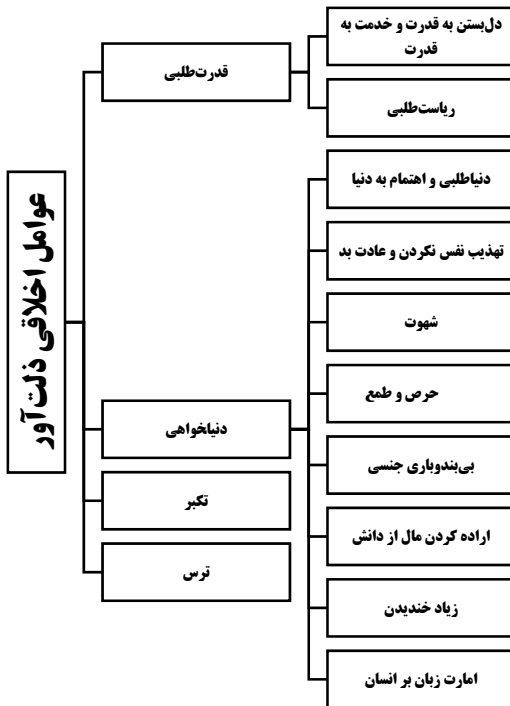
تضعیف عزت ملی در سایه ضعف اخلاقی

دنياخواهی به انحای مختلف عامل ذلت دانسته شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیاطلبی و اهتمام به دنیا اشاره کرده‌اند: «مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ أَفْسَى اللَّهُ صَنِيعَتَهُ وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ.» (ورام، ۱۴۱۰ ه. ق، ج 2، ص 120) امیر مؤمنان علیه السلام به تهذیب نفس نکردن و عادت بد توجه کرده‌اند: «مَنْ لَمْ يَهْدِبْ نَفْسَهُ فَضَحَهُ سُوءُ الْعَادَةِ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۰) هم چنین به شهوت رانی توجه کرده‌اند: «لَا وَصَعَهُ كَشَهْوَتِهِ.» (همان، ص ۳۰۵) نیز از حرص و

طمع سخن گفته‌اند: «الطَّمَعُ مُذَلُّ». (همان، ص ۲۹۷) «الْمَذَلَّةُ وَالْمَهَانَةُ وَالشَّقَاءُ فِي الطَّمَعِ وَ الْحِرْصِ». (همان، ص ۲۹۸) این ذلت ابدی است: «الطَّمَعُ أَبَدًا ذَلِيلٌ». (همان) به زیاد خندیدن توجه کرده‌اند: «مَنْ كَثُرَ ضِحْكُهُ ذَهَبَتْ هَيْبَتُهُ». (کلینی، ۵۱۴۰۷. ق، ج ۸، ص ۲۲) لجام‌گسیختگی زبان و امارت او بر انسان را نیز ذلت‌آور خوانده‌اند: «هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَمَرَ عَلَيْهِ لِسَانَهُ». (سید رضی، ۵۱۴۱۴. ق، ص ۴۶۹) پیامبر ﷺ نیز از عناصری نظیر بی‌بندوباری جنسی سخن گفته‌اند: «فِي الرِّثَا سِتُّ خِصَالٍ... فَيَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ». (ابن بابویه، ۵۱۴۱۳. ق، ج ۴، ص ۳۶۷) یا به اراده کردن مال از دانش توجه کرده‌اند: «العالم... إذا أرادَ بِعِلْمِهِ أَنْ يَكْنِزَ بِهِ الْكُنُوزَ هَابَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ». (محمدی ری شهری و همکاران، ۱۴۲۹ ق، ۲۹۹)

قدرت طلبی عنصر دیگری است که انسان را به خضوع مقابل قدرت بالاتر و ظلم به دیگران می‌کشد. در حدیث قدسی تاکید می‌کند که عزت در خدمت به قدرت به دست نمی‌آید. البته خدمت به قدرت صالح یا خدمت به قدرت به نیت حفظ جامعه دینی از دایره این بحث بیرون است چراکه بندگی خدا است: «وَضَعْتُ الْعِزَّ فِي طَاعَتِي وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ فَلَا يَجِدُونَهُ». (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۴، ص ۶۲) امام صادق علیه السلام به دنبال قدرت بودن بدون اینکه انسان شرایط را داشته باشد یا حق با او باشد را عامل ذلت خوانده‌اند: «مَنْ طَلَبَ الرِّئَاسَةَ بِغَيْرِ حَقِّ حُرْمِ الطَّاعَةِ لَهُ بِحَقِّ». (بحرانی اصفهانی، ۵۱۴۱۳ ه. ق، ص ۸۳۷)

بعضی ملکات رذیله نیز مورد توجه است. در نگاه امیر مؤمنان علیه السلام تکبر ورزیدن چه به صورت مطلق «مَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ اللَّهُ». (ابن‌ابی‌الحدید، ۵۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱۱، ص ۱۰۴) چه تکبر ورزیدن در برابر خدا «مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى اللَّهِ وَضَعَهُ». (همان، ج ۷، ص ۱۱۱) عامل ذلت معرفی شده است. امیر مؤمنان علیه السلام ترس را ذلت آشکار می‌دانند: «الْجُبْنُ ذُلٌّ ظَاهِرٌ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۳)



شکل ۱۱ عوامل اخلاقی ذلت آور

### ۳.۲. تضعیف عزت ملی در سایه رفتار بد با مردم

حریم‌هایی برای دیگران وجود دارد که حفظ نکردن آن در تعامل با دیگران موجبات ذلت را فراهم می‌آورد. به صورت نمونه تجاوز به حقوق دیگران موجبات ذلت را فراهم می‌آورد. (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۸، ص ۸) امیر مؤمنان علیه السلام ورود بی‌اجازه به راز دیگران را ذلت آور می‌دانند: «إِنْ أُهِنُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ... الدَّاخِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي سِرِّ لَمْ يُدْخِلَاهُ فِيهِ.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۴، ص ۳۵۵) هم چنین در مورد عیب‌جویی و بردن آبروی دیگران چنین می‌گویند: «وَمَنْ هَتَكَ حِجَابَ غَيْرِهِ انْكَشَفَ عَوْرَاتُ بَيْتِهِ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۸، ص ۱۹) «مَنْ تَتَبَعَ خَفِيَّاتِ الْعُيُوبِ حَرَمَهُ اللَّهُ مَوَدَّاتِ الْقُلُوبِ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۱) یک عرصه دیگر را هم تحقیر مؤمن و مسلم به‌یژه ضعیف و مسکین می‌دانند: «لَا تُحَقِّرُوا ضَعْفَاءَ إِخْوَانِكُمْ فَإِنَّهُ مَنِ احْتَقَرَ مُؤْمِنًا حَقَّرَهُ اللَّهُ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۵)

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ حَقَّرَهُمْ وَ تَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ زَلَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَهُ حَاقِرٌ مَاقِتٌ... مَنْ حَقَّرَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَلْقَى اللَّهُ عَلَيْهِ الْمَقْتِ مِنْهُ وَ الْمَحْقَرَةُ حَتَّى يَمُوتَهُ النَّاسُ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۸، ص ۸)

مسئله دیگر حفظ نکردن شأن خود است. گاهی فرد یا جامعه با حفظ نکردن شأن خود و انجام اقدامات خارج از چهارچوب آن موجبات ذلت خود را فراهم می‌کند. امیر مؤمنان علیه السلام در این مورد به قرار دادن خود در موضع تهمت اشاره می‌کنند: «مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ.» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۵۰۰) رعایت نکردن شان در ارتباطات خارجی نیز مورد توجه است. گرچه اصل روایت پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فرد است، اما می‌توان در سطح ملی مواردی را برای آن جستجو کرد، مثل رفتن به مجامعی که دعوت نشده یا امر و نهی کردن به صاحبخانه در مورد حضور نمایندگان کشور در کشورهای دیگر: «إِنْ أَهَيْتُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمُ الدَّاهِبُ إِلَى مَايِدَةٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهَا وَ الْمُتَأَمِّرُ عَلَى رَبِّ الْبَيْتِ.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۴، ص ۳۵۵) هم چنین قرار گرفتن در جایگاهی بدون داشتن صلاحیت: «إِنْ أَهَيْتُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ... الْجَالِسُ فِي مَجْلِسٍ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ.» (همان) یا سخن گفتن با کسی که از انسان نمی‌شنود: «إِنْ أَهَيْتُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ... الْمُقْبِلُ بِالْحَدِيثِ عَلَى مَنْ لَا يَسْمَعُ مِنْهُ.» (همان) امیر مؤمنان علیه السلام در این چارچوب به آشکار کردن زیان خود اشاره دارند: «رَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ ضُرِّهِ.» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۴۶۹)

عنصر دیگر محاسبات غلط است. گاه محاسبات غلط انسان را به ذلت می‌کشد، نظیر خوارشمردن قدرت و ندیدن سطح واقعی توان او و قوت و ضعف خود. پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «إِنْ أَهَيْتُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ... الْمُسْتَخْفُ بِالسُّلْطَانِ.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۴، ص ۳۵۵) البته این به معنای تن دادن به قدرت‌های ناحق نیست، بلکه به معنای در نظر نگرفتن سطح توان و نحوه مقابله است. (باید توجه کرد اصل روایت هم ناظر به فرد بوده است.)

وابستگی چه در درون چه در روابط بین‌المللی عامل ذلت است. امام علی علیه السلام درخواست کردن از دیگران را ذلت‌آور خوانده‌اند: «الذُّلُّ فِي [إِلَى] مَسْأَلَةِ النَّاسِ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶،

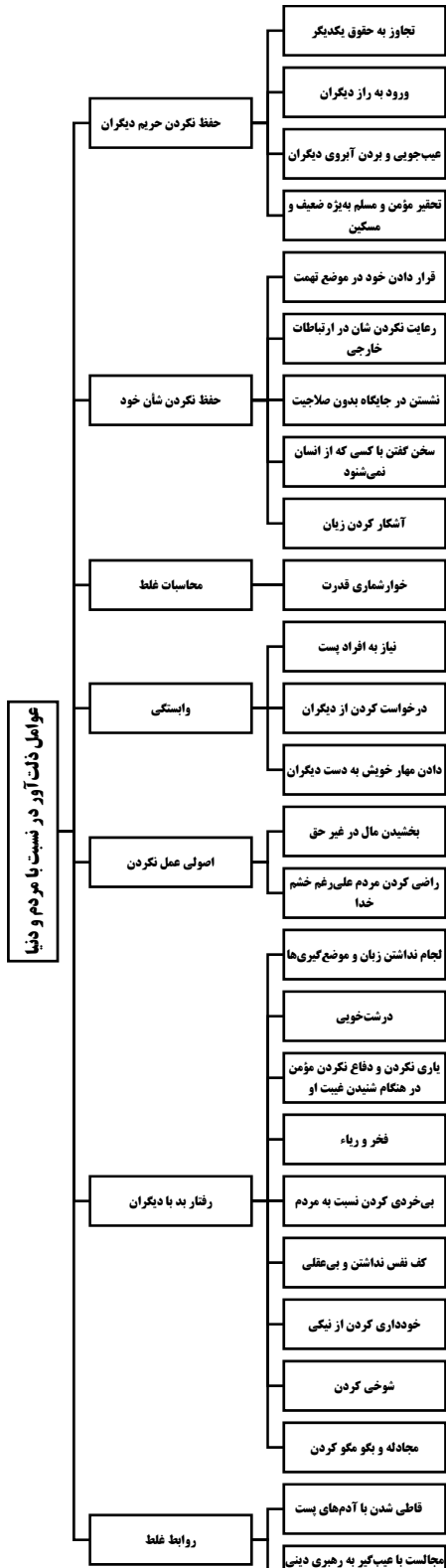
ص ۳۶۱) به نیاز داشتن به افراد پست نیز توجه کرده‌اند: «الْمَحْذُولُ مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّيِّامِ حَاجَةٌ.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۹) امام رضا علیه السلام نیز دادن مهار خویش به دست دیگران را ذلت آور خوانده‌اند: «لَا تَمَكِّنِ النَّاسَ مِنْ قِيَادِكَ فَتَذَلَّ رَقَبَتُكَ.» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۹۲)

اگر بر اساس اصول عمل نشود، انسان خواه‌ناخواه به ذلت می‌افتد. امام حسین علیه السلام راضی کردن مردم علی‌رغم خشم خدا را ذلت آور خوانده‌اند: «وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱) امیر مؤمنان علیه السلام به بخشیدن مال در غیر حق اشاره می‌کنند که ممکن است در کوتاه‌مدت عزت‌آفرینی دنیایی کند، اما در نهایت فرد را در دنیا و آخرت ذلیل می‌کند: «أَلَا إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَمْ يَضَعْ أَمْرُؤَ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ لَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَ كَانَ لِعَيْرِهِ وَدُهُمْ فَإِنْ زَلَّتْ بِهِ النُّعْلُ يَوْمًا فَاحْتِاجَ إِلَى مَعُونَتِهِمْ.» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۱۸۳)

روابط نادرست و غیراصولی نیز موجب ذلت برشمرده شده است. امام علی علیه السلام به قاطی شدن با آدم‌های پست اشاره کرده‌اند: «مَنْ خَالَطَ الْأَنْدَالَ حُقُورًا.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰) و مجالست با عیب‌گیر به رهبری دینی و مدح آنان نزد دشمنان‌شان را همین‌گونه ارزیابی کرده‌اند: «لَا تُجَالِسُوا لَنَا عَائِبًا وَ لَا تَمْدَحُونَا مُعْلِنِينَ عِنْدَ عَدُوِّنَا فَتُظْهِرُوا حُبَّنَا وَ تُذِلُّوْا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَ سُلْطَانِكُمْ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۴)

رفتار غیر اصولی و بد با دیگران نیز ذلت آور است. امیر مؤمنان به لجام نداشتن زبان و موضع‌گیری‌ها اشاره کرده‌اند: «هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ.» (سید رضی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۶۹) و به درشت‌خویی توجه داشته‌اند: «مَنْ كَثُرَ خُرْفُهُ اسْتُزْدَلَّ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۳۶) امام باقر علیه السلام یاری نکردن و دفاع نکردن از مؤمن در هنگام شنیدن غیبت را ذلت آور خوانده‌اند: «وَمَنْ لَمْ يَنْصُرْهُ وَ لَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ وَ عَوْنِهِ خَفَضَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۴۸) پیامبر صلی الله علیه و آله فخر و ریاء را حتی در ازدواج

ذلت اور خوانده اند (دیلمی، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۱۳) امام علی علیه السلام بی خردی کردن نسبت به مردم را مدنظر قرار داده اند: «مَنْ سَفِهَ عَلَى النَّاسِ شْتِمًا» (کلینی، ۵۱۴۰۷. ق، ج ۸، ص ۲۰) به کف نفس نداشتن و بی عقلی در این تعامل متوجند: «وَمَنْ لَا يَزِيدُ لَإِعْقَلٍ، وَمَنْ لَا يَغْفِلُ يُهِنُ، وَمَنْ لَا يُؤَفِّرُ، وَمَنْ لَا يُؤَفِّرُ يَتَوَبَّخُ» (کلینی، ۵۱۴۰۷. ق، ج ۸، ص ۲۰) خودداری کردن از نیکی را نیز دلت اور خوانده اند: «مَنْ لَا يُحْسِنُ لَا يُحْمَدُ» (کلینی، ۵۱۴۰۷. ق، ج ۸، ص ۲۰) پیامبر صلی الله علیه و آله به شوخی کردن بیجا اشاره کرده اند: «لَا تَمْرُخْ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۵) و امام صادق علیه السلام از مجادله و بگو مگو کردن سخن گفته اند: «لَا تُمَارِ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ وَلَا تُمَارِخْ فَيَجْتَرَأَ عَلَيْكَ» (کلینی، ۵۱۴۰۷. ق، ج ۲، ص ۶۶۵)

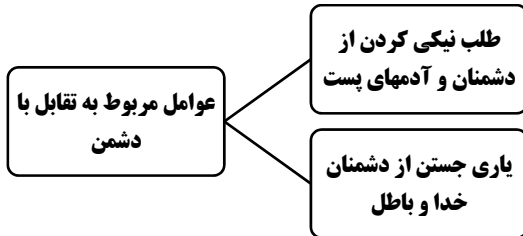




### شکل ۱۲ عوامل ذلت اور در نسبت با مردم و دنیا

۱-۱- تضعیف عزت ملی در سایه برخورد غلط نسبت به دشمن

بعضی عوامل خاص نیز در نسبت با دشمن ذلت آور اعلام شده است. پیامبر ﷺ طلب نیکی کردن از دشمنان و آدم‌های پست را ذلت آور خوانده‌اند: «إِنْ أُهِنُّوا فَلَا يُلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ... طَالِبُ الْخَيْرِ مِنَ أَعْدَائِهِ وَ طَالِبُ الْفُضْلِ مِنَ اللَّئَامِ» (ابن بابویه، ۵۱۴۱۳. ق، ج ۴، ص ۳۵۵) امام علی علیه السلام هم به یاری جستن از دشمنان خدا و باطل توجه داده‌اند: «مَنْ انْتَصَرَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ اسْتَحَقَّ الْخِذْلَانَ [اسْتَوْجَبَ الْخِذْلَانَ]» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۷۱) «لَا يِعْزُّ مَنْ لَجَأَ إِلَى الْبَاطِلِ» (همان)



### شکل ۱۳ عوامل ذلت اور مربوط به تقابل با دشمن

تضعیف عزت ملی در سایه ضعف در جامعه‌سازی

عوامل ذلت آوری هست که مربوط به عرصه مبارزه و جامعه‌سازی است. لذا ترک کردن مبارزه و لوازم آن ذلت آور دانسته شده است. امام علی علیه السلام ترک کردن چیزی از دین برای رسیدن به دنیا را ذلت آور خوانده‌اند: «لَا يَثْرُكُ النَّاسُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ» (حلوانی، ۵۱۴۰۸. ق، ص ۴۲) یکی از مهمترین مصادیق آن ترک امر به معروف و نهی از منکر است. (ورام، ۱۴۱۰. ه. ق، ج ۲، ص ۱۲۶، نوری، ۱۴۰۸. ه. ق، ج ۱۲، ص ۱۸۰، فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۷ و طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۴۸) امیر مؤمنان علیه السلام رصه دیگر را نگرفتن حق مظلوم از ظالم می‌دانند: «مَنْ لَمْ يُنْصَفِ الْمَظْلُومَ مِنَ الظَّالِمِ سَلَبَهُ اللَّهُ قُدْرَتَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۱)

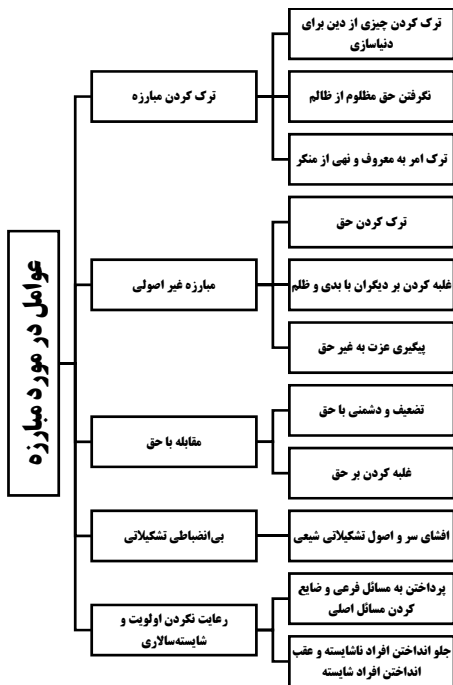
گاهی اوقات اصل مبارزه رها نشده است، اما در فرآیند مبارزه غیراصولی عمل می‌شود.

امام حسن عسگری علیه السلام به ترک کردن حق توجه دارند: «مَا تَرَكَ الْحَقُّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلَّ وَلَا أَحَدٌ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزَّ». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۸۹۴) امیر مؤمنان علیه السلام به غلبه کردن بر دیگران با بدی و ظلم اشاره کرده‌اند: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «الْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ». (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ ق، ج ۲۱، ص ۴۱۳) «كُلُّ غَالِبٍ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۰۶) «مَنْ يَغْلِبُ بِالْجَوْرِ يُغْلَبُ». (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۸، ص ۲۰) و پیگیری عزت به غیر حق را ذلت آور خوانده‌اند: «مَنْ يَظْلِبُ الْعِزَّ بغيرِ حَقٍّ يَذَلُّ». (ابن قاریاغدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۵) این خوار شدن با حق صورت می‌پذیرد: «مَنْ اعْتَرَى بِغيرِ الْحَقِّ أَذَلَّهُ اللَّهُ بِالْحَقِّ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۷۸)

گاهی انحراف این قدر بالا تس که اساساً انسان در جهت دشمنی و مقابله با حق قرار گرفته است و این‌گونه خود را در موضع ذلت قرار می‌دهد. امیر مؤمنان علیه السلام به تضعیف و دشمنی با حق اشاره کرده‌اند: «مَنْ عَانَدَ الْحَقَّ لَزِمَهُ الْوَهْنُ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۷۰) نه فقط دشمنی که ضعیف کردن و رها کردن یاری حق نیز همین اثر را دارد. «مَنْ أَضْعَفَ الْحَقَّ وَ حَذَلَهُ أَهْلَكَهُ الْبَاطِلُ وَ قَتَلَهُ». (همان) غلبه کردن بر حق نیز ذلت آور اعلام شده است: «مَنْ غَالَبَ الْحَقَّ لَانَ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۸)

بی‌انضباطی تشکیلاتی نیز ذلت آور است. امام صادق علیه السلام افشای سر و اصول تشکیلاتی شیعی را عامل ذلت می‌خوانند: «مَنْ أَدَاعَ حَدِيثَنَا وَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يَكْتُمْهَا أَذَلَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا». (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۹، ص ۱۹۲)

همچنین اولویت‌سنجی غلط و پرداختن به مسائل فرعی و رها کردن مسائل اصلی و عقب انداختن انسان‌های شایسته و جلوانداختن افراد فاقد شایستگی موجب ذلت به شمار آمده است: «يَسْتَدَلُّ عَلَى إِذْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعِ تَضْيِيعِ الْأُصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْعُرُورِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَاذِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفَاضِلِ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۲)



شکل ۱۴ عوامل ذلت‌آور در مورد مبارزه و جامعه‌سازی

عوامل مادی تضعیف‌کننده عزت ملی

عوامل مادی نیز در ذلت موثرند. امیر مؤمنان به صورت مشخص کم‌داشتن در کمال یا

مال را عامل ذلت دانسته‌اند: «إِنَّهُ مَنْ قَلَّ [قَلَّ] ذُلٌّ.» (کلینی، ۵۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۱)

عوامل اجتماعی تضعیف‌کننده عزت ملی

عوامل اجتماعی ذلت‌آور هم داریم. امام علی علیه السلام به رفتن زیر بار چیزی بدون توانایی

اشاره کرده‌اند: «وَمَنْ حَمَلَ مَا لَا يُطِيقُ عَجَزَ.» (کلینی، ۵۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰) امام

صادق علیه السلام هم نادانی و ترک علم‌آموزی را مورد توجه قرار داده‌اند: «الْجَهْلُ ذُلٌّ.» (کلینی،

۵۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۶) امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «فَالْعِلْمُ... تَرْكُهُ يَضْعُ الرِّفِيعَ.» (مجلسی،

۵۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۶)

عوامل بی‌اثر بر عزت

برخی عوامل نیز در متون اسلامی برشمرده شده و عزت‌دهنده بودنشان نفی شده

است. مثل نسل‌های پیش و مردگان: «الْكَشْرُفُ... لَا بِالرِّمِّ الْبَالِيَةِ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۸)

### نتیجه‌گیری

در متون دینی ما سه سطح برای عزت‌یابی مطرح شده است. آنچه مربوط به آحاد امت اسلامی است، آنچه مربوط به حاکمان است و آنچه مربوط به جامعه است.

در روایات عناصر ایجابی و سلبی برای عزت داریم که در مجموع با نه دسته عوامل برای عزت مواجه هستیم.

۱- در نسبت با خدا در دو سطح: سطح بینشی و گرایشی که به توجه و پایبندی به خدا اشاره دارد. بعد دوم به پایبندی عبادی نسبت دارد، یعنی در سطح حاکمان و مردم باید توجه به خدا و بندگی او اصل باشد و در سطح جامعه رضایت خدا محور تصمیم‌گیری‌ها قرار بگیرد.

۲- عوامل عزت‌آفرین در نسبت با رهبران دینی که به تولی با رهبران دینی و رعایت اصول تشکیلاتی در نسبت با آنان اعم از تبعیت، خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر نسبت پیدا می‌کند.

۳- عوامل عزت‌آفرین مربوط به مبارزه و جامعه‌سازی است که نفس تلاش برای جامعه‌سازی و اصلاح دنیا عزت‌آفرین است. تلاش برای محقق کردن حق و توحیدی کردن عرصه‌های زندگی، امر به معروف و نهی از منکر، همیاری بر نیکی و تقوا، مبارزه مکتبی و اصولی، عمل به حق و شیوه اصولی در مبارزه، رها نکردن مبارزه، انضباط تشکیلاتی، اولویت‌سنجی و شایسته‌سالاری، عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در آن اصالت پیدا می‌کند.

۴- ملکات اخلاقی عزت‌آفرین است. در میان آنها به صورت خاص حفظ کرامت نفس، همت عالی ضمن دیدن واقعیت‌ها، پرهیز از دنیاگرایی، هوای نفس و قدرت‌طلبی و داشتن شجاعت، استقامت و تواضع.

- ۵- عوامل عزت‌آفرین مربوط به تعامل با مردم و دنیا در چارچوب بی‌نیازی از مردم و سایر ملت‌ها، رفتار رحمانی در برابر آنها، راست‌گویی و رفتار اصولی، عدالت‌ورزی، پیوند با آنها، پرهیز از اختلاف، حفظ حریم دیگران، حفظ شأن و تشخیص قدر خویش، محاسبه واقع‌بینانه، استقلال و وابستگی نداشتن، رفتار صحیح و روایط اصولی اصل شمرده شده است.
- ۶- در سطح اجتماعی، داشتن اشتغال، دانش و دین‌فهمی، اتقان و نیکویی عمل عزت‌آفرین است.
- ۷- در سطح تقابل با دشمن، مواظبت بر او و برنامه داشتن برای فرصت‌ها در برابر او، پنهان‌کاری، براءت از آنان و نخواستن نیاز از آنها عزت‌آفرین است.
- ۸- حاکمان در صورت خوبی باطن، نیکی کردن به مردم و عدالت‌ورزی عمومی عزیز شده و موجب عزیز شدن حاکمیت می‌شوند.
- ۹- عوامل مادی عزت‌آفرین نیز خاندان و قبیله، قدرت داشتن و زیادی مال و کمال است.
- بخشی از این عوامل به اصلاح آحاد افراد برمی‌گردد. بخشی از آنها به اصلاح روابط درونی امت و امام و امت باز می‌گردد. برخی از آنها نیز به روابط خارجی برمی‌گردد. پس عزت در آیات و روایات امری درونی - بیرونی و فردی - اجتماعی - فراملی است. و بین این موارد نسبت رفت و برگشتی برقرار است.

## فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه انصاریان، ۱۳۸۳ ش: اسوه، قم
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴ هـ. ق، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، چاپ اول، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
  ۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ هـ. ق، عوالي اللثالی العزیزية في الأحادیث الدینیة، چاپ اول، قم، دار سید الشهداء للنشر.
  ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، الخصال، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
  ۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶، الأمالی، چاپ ششم، تهران، کتابچی.
  ۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۸ ق، التوحید، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
  ۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳ هـ. ق، معانی الأخبار، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
  ۷. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۶ ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم، دار الشریف الرضی للنشر.
  ۸. ابن بابویه، محمد، ۱۴۱۳ هـ. ق، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
  ۹. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۴ هـ. ق، إعتقادات الإمامیة، چاپ دوم، قم، کنگره شیخ مفید.
  ۱۰. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، تحف العقول، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
  ۱۱. ابن قاریاغدی، محمد حسین، ۱۳۸۷، البضاعة المزجاة، چاپ اول، قم، دار الحدیث.

۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ه. ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
۱۳. احمدی میانجی، علی، ۱۴۲۶ ق، مکاتیب الأئمة عليه السلام، چاپ اول، قم، دار الحديث.
۱۴. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ۱۴۱۳ ه. ق، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، چاپ اول، قم، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام فرجه الشریف.
۱۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الإسلامية، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۱۶. پارسانیا، حمید، ۱۳۹۵، اخلاق و عرفان، چاپ اول، قم، کتاب فردا.
۱۷. تقی زاده، علی اکبر، ۱۳۹۶، عزت ملی در پرتو تولید ملی از منظر آیات و روایات، چاپ اول، مشهد، به نشر.
۱۸. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۸۰، الحیاة، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. حلوانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۸ ه. ق، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، چاپ اول، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام فرجه الشریف.
۲۰. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۲، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ اول، تهران، صهبا.
۲۱. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۸، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران، چاپ اول، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
۲۲. خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۹، صحیفه امام، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی عليه السلام.
۲۳. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ ق، أعلام الدين في صفات المؤمنين،

چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.

۲۴. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ ق، إرشادالقلوب إلى الصواب، چاپ اول، قم، الشريف الرضي.

۲۵. سرابندی، محمدرضا، ۱۳۸۶، سخنرانی ها و مصاحبه های آیت الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۶. سید رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ه. ق، نهج البلاغة، چاپ اول، قم، هجرت.

۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۳۷۷، شرح مصباح الشریعة، چاپ اول، تهران، پیام حق.

۲۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۰۹ ق، منیة المرید، چاپ اول، قم، مکتب الإعلام الإسلامي.

۲۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ه. ق، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.

۳۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ه. ق، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، چاپ اول، مشهد، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية.

۳۱. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۴۴، مشکاة الأنوار في غرر الأخبار، چاپ اول، نجف، المكتبة الحيدرية.

۳۲. طبری آملی، عماد الدین، ۱۳۸۳ ه. ق، بشارة المصطفى لشیعة المرتضى، چاپ دوم، نجف، المكتبة الحيدرية.

۳۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، چاپ سوم، تهران، مجمع البحرين.



۳۴. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ ه. ق، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۵. طهرانی، مجتبی، ۱۳۹۴، سلوک عاشورایی: منزل هفتم: عزت و ذلت، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
۳۶. علوی، گنابادی، سید جعفر، ۱۳۹۸، عزت نفس در فقه، با نگاهی به آثار تربیتی آن، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، چاپ اول، قم، انتشارات رضی.
۳۸. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۰۶ ه. ق، الوافی، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۳۹. کراجکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ ق، کنز الفوائد، چاپ اول، قم، دار الذخائر.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ه. ق، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۴۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، چاپ اول، قم، دارالحدیث.
۴۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ ه. ق، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۴۳. مجلسی، محمد تقی، ۱۴۰۶ ق، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۴۴. محمدی ری شهری، محمد، و همکاران، ۱۴۲۹ ق، حکم النبی الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم، چاپ اول، قم، دارالحدیث.
۴۵. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ ه. ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ

سوم، بیروت - قاهره - لندن، دار الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی،  
٤٦. ورام، مسعود بن عیسی، ١٤١٥ هـ. ق، مجموعة ورام، چاپ اول، قم، مکتبه  
فقیه.

٤٧. نوری، حسین بن محمد تقی، ١٤٥٨ هـ. ق، مستدرک الوسائل و  
مستنبذ المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت علیہ السلام.

٤٨. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ١٤٥٥ هـ. ق، منهاج البراعة فی شرح  
نهج البلاغة، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الإسلامیة.

٤٩. هلالی، سلیم بن قیس، ٥١٤٥ هـ. ق، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، چاپ اول، قم،

الهادی

---

## مؤلفه های عزتمندی در بیانیه گام دوم با رویکرد قرآنی و حدیثی

---

احمد مسعود باختری<sup>۱</sup>

### چکیده

در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، به سه اصل (عزت، حکمت و مصلحت) در روابط بین‌المللی تأکید شده است. اصل عزتمندی جامعه‌ی اسلامی، در واقع در رأس اضلاع سه‌گانه‌ی فوق قرار دارد. جوامع اسلامی با وجود در اختیار داشتن بخش اعظم منابع طبیعی و نیروی انسانی، قرن‌هاست که با چالش عمده در این زمینه مواجه است، در حالی که آیات متعدد بر عزتمندی مؤمنین تصریح دارد. لذا با توجه به مطلب فوق، این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی به بررسی این پرسش اساسی می‌پردازد که چگونه می‌توان به عزتی که خدای متعال مؤمنین را شایسته‌ی آن فرموده است، نایل شد؛ و مؤلفه‌های حصول آن از منظر قرآن چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیات متعدد قرآن با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری، توحید، باور به عزتمندی، تمسک به قرآن و سنت، عدم پذیرش سلطه‌ی کفار، تحکیم وحدت و همگرایی، اقتدار علمی - نظامی - اقتصادی و فرهنگی، عملگرایی و تقوای پیشگی، از مؤلفه‌های اساسی نیل به اصل عزتمندی جامعه‌ی اسلامی، و شرط تداوم آن

---

۱. دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه - واحد گلستان - گرگان.

محسوب می‌شود.

کلیدواژگان: مؤلفه های عزتمندی، جامعه اسلامی، بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری،

قرآن و حدیث

## مقدمه

در منظومه‌ی فکری قرآن، انسان همانگونه که موجودی با کرامت آفریده شده است، فطرت سالم او خواستار عزت نیز می‌باشد. این ارزش متعالی، همانگونه که در هر فرد - بما هو فرد - لحاظ می‌شود، در مقیاس بالاتر مانند: خانواده، قوم، روستا، شهر، کشور، امت و... نیز - برحسب معدل کل آن گروه یا مجموعه - قابل محاسبه می‌باشد. با عنایت به این نکته، قرآن نیز جامعه‌ی اسلامی و مؤمنین را، همانند تن واحد، جامعه‌ای عزتمند توصیف نموده و آنرا شایسته‌ی عزتی فرموده است که مخصوص خدا و پیامبر ﷺ می‌باشد.

عزتمندی یک جامعه بیشتر از هر زمان دیگر، در تعامل یا تقابل با سایر جوامع و ملت‌ها، مطرح می‌باشد. همسو با این نگرش قرآنی، مفسران و اندیشمندان مسلمان همواره بر این امر تاکید دارند، به ویژه مقام معظم رهبری (حفظه الله)، که در موارد متعدد - و به صورت خاص در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب - رعایت اصل عزت جامعه را یکی از اصول سه‌گانه‌ی الزامی در مثلث روابط خارجی، بلکه در رأس آنها، تأکید نموده است. با توجه به این نکته، پرسشی که مطرح می‌شود، اینست که جامعه، چگونه می‌تواند به این عزت نایل آید؛ شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی که بتواند یک جامعه‌ی اسلامی را عزتمند بسازد و این عطیه‌ی الهی را در آن ثابت و پایدار نگهدارد، چیست. آیات قرآن کریم با تاکید بر بیانات و قرائت مقام معظم رهبری، در این زمینه چگونه قابل ارزیابی است.

پژوهش حاضر سعی دارد تا به بررسی پرسش‌های فوق بپردازد. فرضیه‌ی مورد حمایت نگارنده مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، تفاسیر فریقین و دیدگاه مقام معظم رهبری، اینست که توحید/خداباوری، تمسک به ثقلین، وحدت، تقویت بنیان‌های (علمی، نظامی، اقتصادی و سیاسی)، تلاش، عمل‌گرایی، تقوای پیشگی و امر به معروف و نهی از منکر، از مؤلفه‌های عمده‌ی نیل به عزتمندی جامعه و پایداری آن محسوب می‌شود.

پرداختن به مسئله‌ی فوق و بررسی این موضوع، از مباحث مهم در عصر حاضر به‌شمار می‌رود، زیرا با توجه به افت هزارساله‌ی دانشی و اقتصادی و سیاسی/مدیریتی در جوامع

اسلامی/مسلمان زیست، به مرور شاهد کم‌رنگ شدن عزتی هستیم که خداوند متعال، تحقق آنرا برای مؤمنان وعده داده است؛ و کفهی ذلت/تذلل بیشتر از پیش سنگین‌تر شده است. ازینرو می‌طلبد تا جهت دستیابی به عزتمندی لازم و شایسته‌ی جوامع اسلامی، مؤلفه‌های نیل به این موهبت الهی را، کاوش و تبیین کرد؛ تا بتوان در روشنائی قرآن کریم و با عطف به بیانات مقام معظم رهبری، جوامع و ملت‌های مسلمان را به این شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها، آشنا ساخت.

#### پیشینه

پیشینه‌ی این تحقیق به صورت عام به صدر اسلام باز می‌گردد، و معمولاً در تفاسیر قرآن، ذیل آیات مرتبط به عزت به آن اشاره شده است، که اکثراً مختصر و پراکنده و یا هم کلی و اجمالی می‌باشد؛ زیرا هر کدام به بخشی از آن پرداخته است. البته برخی تحقیقات معاصر به صورت خاص یا اخص در قالب پایان‌نامه و مقاله و رساله‌های کوچک و حتی یادداشت‌های کوتاه، به برخی از زوایای این بحث پرداخته‌اند. نزدیک‌ترین عنوان با تحقیق حاضر، یک پایان‌نامه‌ی ارشد «العزة فی القرآن الکریم» و سه مقاله با عناوین «عزت از منظر قرآن و سنت»، «عزت و ذلت از دیدگاه قرآن» و «عوامل عزت و ذلت از دیدگاه قرآن کریم» می‌باشد. اما آنچه که وجه تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های قبلی را روشن، و انجام آنرا موجه می‌سازد، نگاه تطبیقی پژوهشی کنونی با عطف به نظریات مقام معظم رهبری مبتنی بر بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است، که نوشته‌های پیشین فاقد آن می‌باشد.

مقاله‌ی حاضر از نظر ساختاری/شکلی به سه بخش تقسیم شده، که بخش نخست مفهوم شناسی واژگان، بخش دوم بررسی مؤلفه‌های عزتمندی و بخش سوم نتیجه‌گیری و منابع می‌باشد. جهت سهولت و سادگی در مطالعه، عناوین اصلی و فرعی با اعداد ترتیبی، از هم تفکیک شده‌اند. همچنان روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی، و جمع‌آوری مطالب به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و استفاده از پایگاه اینترنتی انجام شده است.

#### ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱.۱) معنای لغوی عزت

واژه‌ی عزت/عزتمندی، مصدر ثلاثی مجرد «عَزَّ يَعَزُّ»، به معنای حالت صلابت و نفوذناپذیری می‌باشد، که مانع شکست و مغلوب شدن/مقهور شدن صاحب آن می‌شود؛ به همین دلیل زمین سخت را «ارض عزاز» و گوسفندی را که دوشیدن شیر اش دشوار است، «عزوز» گویند. (فراهیدی، بی‌تا: ۱/ ۷۶؛ راغب اصفهانی بی‌تا: ۵۶۳)

ابن فارس در مورد ریشه و اصل معنایی این واژه می‌گوید: «عین و زاء اصل صحیح و واحدی است که بر شدت و قوت و نیز معانی همسان آن از نوع برتری، دلالت می‌کند. (ابن فارس، بی‌تا: ۴/ ۳۸) همچنان به معنای تفوق، رفعت، امتناع، استمداد، استغناء، شدت و غلبه نیز به کار رفته است. (ن. ک: ابن سیده، بی‌تا: ۱/ ۷۲؛ مصطفوی، بی‌تا: ۸/ ۱۱۶ - ۱۱۷) عزیز به کسی گفته می‌شود که موصوف آن، مقهور و مغلوب واقع نمی‌شود. (راغب اصفهانی، بی‌تا: همان) عزیز حقیقی خدای متعال است و از حیث اینکه قادر مطلق است، نسبت شکست و مقهور شدن به او تعالی، محال است. البته استعمال آن برای غیر خدا، حیثیت اعتباری دارد، نه ذاتی. (ن. ک: ابن سیده، همان؛ مصطفوی، همان) واژه‌های رفعت، منعت، قوت، شدت، شرافت، عظمت، کرامت، مشقت، قلت، ندرت، سمو و إباء الضیم مترادف عزت، و واژه‌ی کبر و غرور از نوع مذموم آن به کار می‌رود. (جابر، ۱۴۳۰ق: ۴۷ - ۶۴)

### ۱.۲) معنای اصطلاحی عزت

فخر رازی در تعریف عزت می‌گوید:

«عزت شناخت و معرفت انسان از حقیقت نفس خویش و اکرام آن از قرار دادن در امور زودگذر دنیوی می‌باشد، چنانچه کبر، جهل انسان نسبت به نفس خویش بوده، که آنرا از مقام حقیقی اش تنزل می‌دهد. البته عزت در ظاهر شبیه به کبر/غرور می‌نماید، ولی در ماهیت/حقیقت میان این دو تفاوت است، مانند فروتنی و فرومایگی، که فروتنی ممدوح، اما فرومایگی مذموم می‌باشد، و همینطور غرور مذموم، و عزت ممدوح است.» (فخر رازی،

(۱۴۲۰ق: ۳۰ / ۵۴۹)

علامه طباطبایی در توضیح معنای عزت آورده است: «عزت عزیز، آن حالتی است که به خود گرفته و دست یافتن به وی دشوار شده است، و عزیز قوم هم آن کسی است که بر همه قاهر است، و کسی بر او قاهر نیست، چون مقامی دارد که هر که قصد او را کند، مانعش می‌شوند، و از دسترسی به او باز می‌دارند تا نتواند مقهورش کند... و اگر خدای سبحان عزیز است (و بلکه همه‌ی عزت‌ها از اوست) برای اینست که او ذاتیست که هیچ چیز و از هیچ جهت بر او قهر و غلبه ندارد، و او بر همه چیز و از هر جهت قهر و غلبه دارد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۲ / ۱۰)

مصطفوی عزت را برتری و استعلا نسبت به غیر تعریف نموده و می‌افزاید که ممکن است به طریق تکوینی و نفس‌الامری یا به سبب عوارضی چون کمال، تلاش، دعوا، انتساب و غیره، حاصل شود. (مصطفوی، بی تا: ۸ / ۱۱۴)

مقام معظم رهبری، در تعریف عزت می‌گویند: «عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار می‌کند، و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد.» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۹۹۹۶>)

ایشان میان دو اصطلاح عزت ملی و غرور ملی تفکیک قائل شده و عزت را غیر از غرور می‌دانند؛ زیرا غرور/غرر، معنای فریفتگی جاهلانه را رسانده، و غرور ملی مبتنی بر مادیگری می‌باشد، اما عزت ملی تداعی کننده‌ی معنای احساس اعتزاز و شرف می‌باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۵۲۱>) همچنان لازم به ذکر است که در نگاه رهبری، ذلت غیر از ضعف است. یعنی ممکن است کسی ضعیف باشد، اما ذلیل نباشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۵۹>)

براساس تعاریف بالا و وجوه مشترک میان آنها، می‌توان در تعریف مفهوم عزت چنین نگاشت: عزت در مقابل ذلت قرار داشته، و آن حس یا حالتی است که انسان مبتنی بر



مبانی و ارزش های متعالی انسانی و فطری، در نفس خویش احساس اکرام نموده و با توجه به نیروی بازدارندگی لازم، در برابر تحمیل های درونی و بیرونی با صلابت ایستادگی کند، طوری که مقهور واقع نه شود.

همچنان جامعه‌ی عزتمند آنست که مبتنی بر شاخصه‌ها و اصول قرآنی، از جهات مادی و معنوی، در موقف مناسب و برتر قرار داشته، و در برابر هر نوع اعمال فشار و تحمیل، مقاوم و شکست‌ناپذیر باشد. البته این غیر از تکبر و خودخواهی است، که آن منشأ در مبانی مادگرایی و دنیاطلبی دارد، در حالی که عزتمندی و حیوانی مبنا و اساس اش بر تعالی و غایت‌گرایی معنوی و الهی استوار است؛ و مادیات در آن، یکی از معابر و وسایل دستیابی به عزت واقعی محسوب می‌شود.

### ۱.۳. جامعه‌ی اسلامی

جامعه‌ی اسلامی عموماً در دو معنا کاربرد دارد، یکی آن حالت آرمانی / ایده‌آل است که در تمامی عرصه‌ها بر بنیاد شاخصه‌های قرآن و اسلامی تشکیل شده باشد. (<http://eslahe.com/2905/>) معنای دوم آن، عبارت از جغرافیای مسلمان‌نشین یا جوامع موجود مسلمان‌زیست می‌باشد، البته بدون توجه به اینکه چه اندازه عامل به قرآن و اسلام هستند و یا اینکه آن جامعه تا چه حد با اصول و آموزه‌های قرآن کریم سازگاری دارد.

همین تفکیک در سخنان مقام معظم رهبری نیز به وضوح آمده است، زیرا ایشان جامعه‌ی اسلامی را در دو معنای فوق به کار برده‌اند. در غالب بیانات ایشان، استعمال جامعه‌ی اسلامی، به معنای دوم و در واقع همان تعریفی است که در بالا ذکر شد، یعنی جغرافیایی که مسلمان‌نشین‌اند، مگر اینکه قرینه‌ای دلالت بر آن معنای آرمانی در سخنان شان کند.<sup>۱</sup> اما آن جاهایی که منظور جامعه‌ی اسلامی به معنای اول (حالت آرمانی) است،

---

۱. برای مشاهده‌ی این مطلب، به سخنرانی‌ها و بیانات ایشان در پایگاه اینترنتی رهبری، به لینک زیر مراجعه شود.

تشکیل آن در قدم چهارم (بعد از ایجاد انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و دولت اسلامی) و قبل از ایجاد تمدن اسلامی می‌باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech->  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۲۵۵>؛  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۲۴۷۵>) و آن جامعه ایست که توحید، عدالت، دوری از تنازع و تعارض و تبعیض و امتیازات اشرافی و فساد و آلودگی، برافراشتن شعائر الهی، کمک به مستمندان و نیازمندان، تقوایب‌شکستگی، وحدت، مساوات و... جزء ویژگی‌های اساسی آن بوده و جوهره‌ی اصلی آنرا تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد ملت تشکیل می‌دهد. (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۶۱۲۷>؛  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۶۱۷۱>)

## ۲. مؤلفه‌های عزتمندی جامعه‌ی اسلامی

مؤلفه‌های کسب عزتمندی در جامعه‌ی اسلامی، از حیث میزان تاثیرگذاری و شدت و ضعف، به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. مؤلفه‌هایی بنیادی ۲. مؤلفه‌های تکمیلی

مؤلفه‌های بنیادی نقش رکن و ستون را داشته، و در صورت ضعف هرکدام از آنها، عمارت اقتدار و عزت جامعه‌ی اسلامی متزلزل می‌شود؛ و در صورت شکستن، درصد احتمال فروپاشی و شکست آن، بسیار بالا می‌باشد. مؤلفه‌های تکمیلی در جایگاه دوم قرار داشته و نقش مکمل و تفضیلی را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، حیثیت‌حمایوی داشته و پایداری عزت جامعه‌ی اسلامی را در عرصه‌های مختلف، در درازمدت، توسعه می‌بخشد. در مقاله‌ی حاضر قصد بر اینست تا به مؤلفه‌های بنیادی یا اساسی پرداخته شود، و از پرداختن به مؤلفه‌های تکمیلی به دلیل طولانی شدن و اختلافی بودن آنها، صرف نظر می‌شود. مؤلفه‌های اساسی، از حیث اهمیت و جایگاه، به ترتیب زیر، قابل بررسی می‌باشند:

### توحید باوری

در منظومه‌ی فکری قرآن، عزت حقیقی مخصوص خداوند است «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» - «تمام عزت از آن خداست» (یونس: ۶۵؛ همچنان ن. ک: یونس: ۶۵؛ نساء: ۱۳۹) زیرا ذاتی

برتر و قاهرتر از او در عالم وجود ندارد، و او منبع همه‌ی عزت و شرف است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴ / ۱۵۱) عزتمندی خدای متعال، مظهر عالی‌ترین صفات و مثل‌اعلای او تعالی می‌باشد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳ش: ۲۰ / ۳۶۱) چون می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.» - «و برای خدا، صفات عالی است؛ و او قدرتمند و حکیم است» (نحل: ۶۰)

انحصار عزت به خدای متعال، به معنای نفی عزت طلبی برای غیر خدا نیست، و قرآن طلب آنرا محال نمی‌داند، بلکه ناظر بر این معناست که اگر کسی دنبال عزت است، باید آنرا از مالک حقیقی و صاحب بالذات آن طلب کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۱ / ۱۲؛ ۱۱ / ۱۷) زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» «هر که طالب عزت است، تمام عزت خاص خدا است. (فاطر: ۱۰)

عزت پیامبر ﷺ و مؤمنین، در طول عزت خدای متعال قرار داشته و بالعرض می‌باشد، که منتهی به عزت بالذات می‌شود، و پیامبر ﷺ واسطه و راهنمای رسیدن به آن، میان خدا و مؤمنین است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۶ / ۲۲۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۰ / ۲۴۰) لذا مؤمن می‌تواند بالاصاله و یا بالعرض در جستجوی عزت از خدای متعال باشد. که مسیر آن از ایمان و عمل صالح، می‌گذرد. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲۲ / ۲۳۴؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳ش: ۲۰ / ۳۷۸)

همچنان خداوند متعال در جای دیگر قرآن، مؤمنین را در کنار اسم جلاله‌ی خویش و پیامبر اعظم اش، عزتمند بیان فرموده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» «عزت فقط از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.» (منافقون: ۸) واژه‌ی «مؤمنین» بیانگر این نکته است که مسلمانان جهت عزتمند شدن، باید شاخصه‌های اصلی ایمان را کسب نموده و در قالب مصداق عینی جامعه‌ی مؤمنین، عرض اندام کنند.

قرآن همانگونه که با روش ایجابی، توحید را راه درست رسیدن به عزت بیان می‌فرماید، با روش سلبی، راه‌های نادرست مانند شرک و کفر و نفاق و فساد را مایه‌ی ذلت بیان فرموده و

آنانی را - که به پندار نادرست شان - از طریق عبادت غیر خدا، در طلب عزت هستند، مورد نکوهش و سرزنش قرار می دهد. (اعراف: ۱۵۲) چنانچه مشرکان می پنداشتند که پرستش معبودان جعلی، مایه‌ی عزت آنهاست: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا» «و به جای خدا، معبودانی اختیار کردند تا برای آنان [مایه‌ی] عزت باشد. (مریم: ۸۱) اما خدای متعال در رد این پندار غلط آنان فرمود: «كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» - «نه چنین است. به زودی [آن معبودان] عبادت ایشان را انکار می کنند و دشمن آنان می گردند» (مریم: ۸۲) واژه‌ی «كَلَّا» ردع و انکار نسبت به پندار غلط مشرکان است که پرستش معبودها را مایه‌ی عزت می پنداشتند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ ش: ۵۵۸ / ۱۰)

علاوه بر آن، قرآن در مورد زعم منافقین - که کفار را بجای مؤمنین دوستان خویش برگزیده و عزت را نزد آنان می جستند - با عبارت سؤال انکاری و تأکید می فرماید که آنان دچار خطای عظیم شده و عزت فقط از مسیر توحید و خداپرستی میسر است «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ أَيْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹).

مقام معظم رهبری عزت حقیقی را از آن خدای متعال دانسته، و در بیانات متعددشان آمده است که آن فقط از طریق توحید، برای بندگان مؤمن میسر است. ( <https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3355>؛ <https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2453>) همچنان به باور ایشان یکی از پاداش بیعت و استقامت در راه خدا، برخورداری از عزت الهی می باشد. ( <https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19917>؛ <https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>)

باور/ایمان به عزتمندی

نخستین شرط دستیابی به یک شی، باور داشتن و خواستن آن است. در صورتی که روحیه‌ی لازم نسبت به تغییر وضعیت یا دستیابی به چیزی، در فرد یا جامعه وجود نداشته

باشد، راهی را برای جست‌وجو و حصول آن دنبال نخواهد کرد؛ زیرا اراده‌ی انجام یک فعل، مقدم بر فراهم‌آوری اسباب تحقق آن است. (صدرالسادات و حسن شمس اسفندآباد، ۱۳۸۰ش، ۱۳۲) بنابراین، یکی از شرایط دستیابی به عزت، تقویت حس اعتزاز و از بین بردن روحیه‌ی حقارت‌پذیری در اذهان جامعه می‌باشد. یعنی افراد تا از درون، اراده‌ی تحول و عزتمند شدن را نداشته باشند، وضعیت بیرونی آنان بهتر نخواهد شد، چون خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.» (رعد: ۱۱)

اسلام از منابع کافی/غنی در ایجاد انگیزه‌ی عزت‌طلبی بر پایه‌ی توحید و ارزش‌های قرآنی/انسانی برخوردار است، و آیات و روایات فراوان در قرآن و سنت وجود دارد، که انسان را تشویق به احساس اعتزاز و دوری از تذلل می‌کند. چند نمونه آیاتی که قبلاً در بحث توحیدباوری گذشت و نیز مجموعه آیات و روایاتی که ناظر بر ظلم‌ستیزی و برپایی قسط و عدالت و مبارزه علیه طغیان‌گران و سلطه‌طلبان است، به صورت بسیار گسترده/عمیق به نفی روحیه‌ی تذلل و ترغیب روحیه‌ی عزت‌طلبی می‌پردازد.<sup>۱</sup> سخن فخر رازی بسیار مناسب این بحث است که گفته است: «چه زیباست صاحب عزتی که کتابی عزیز را بر پیامبری عزیز برای امتی عزیز فروفرستاده است.» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲/۲۶۴)

مقام معظم رهبری در بیانات متعدد شان، احساس عزت را، از عناصر عمده‌ی کسب عزت واقعی دانسته، و شرط دستیابی به آنرا، اراده‌ی قاطع و مصمم یک ملت فرموده اند.  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34703>؛  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3531> نکته‌ی دیگری که در سخنان ایشان

۱. ظرفیت مقاله عاجز از نقل آیات و روایات در این باب است، یکی از آیات کلیدی از باب نمونه قرار ذیل است:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید. (آل عمران: ۱۳۹)

قابل توجه است، اینکه احساس عزت را مایه‌ی پیروزی، و احساس حقارت را مایه‌ی شکست دانسته و معتقدند که وقتی انسان در وجود خویش، احساس عزت کرد، زیر بار دشمن نمی‌رود؛ و برعکس، وقتی احساس حقارت کند، به راحتی در چنبره‌ی سلطه‌ی بیگانگان قرار می‌گیرد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۵۴>؛

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۶۶۴۲>)

این دیدگاه رهبری نه تنها ناظر به افراد -بما هو فرد- است، بلکه متوجه عموم افراد جامعه نیز می‌باشد، و البته برای مسؤلان و کارگزاران، بیشتر از دیگران آنرا لازم می‌دانند؛ زیرا از نظر ایشان، علت مقهوریت جوامع، عدم شجاعت و اعتماد به نفس کافی مسؤلان آن جوامع می‌باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۹۹۲>) مبتنی نگاه فوق، مصلحین و مبلغین فکری جامعه را اکیداً توصیه به خودداری از بیان مطالب تکراری و بیدار ساختن حس عزت‌باوری در مردم می‌کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۰۲: بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر؛ -<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۳۷>)

### ۲.۳) تمسک به قرآن و سنت

تمسک به قرآن و سنت، سومین مؤلفه‌ی اساسی رسیدن به عزت است، که در آیات و روایات متعدد، به این مطلب تاکید شده است. تمسک به قرآن و سنت، یعنی اطاعت از احکام و دستورات خدای متعال و پیامبر ﷺ می‌باشد، که در واقع این دو ثقل اسلام، شاهراه‌های اصلی صعود مؤمن به عرش عزت محسوب می‌شود. (ن.ک: مقدسی، ۲۰۱۷م،

<https://ar.islamway.net/article/۷۴۶۲۶>)

مراد از تمسک به قرآن و سنت، رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی مانند: تحکیم وحدت، توسعه عدالت/امنیت/آبادانی، ارتقای سطح دانش و بینش، پرهیز از نزاع/نفاق/تملق و رفتارهای تحقیرآمیز، تساوی در برابر قانون، دوری از ظلم/تبعیض/فساد، امر به معروف و نهی از منکر، و رعایت اصل شایستگی در نصب و

عزل، تعاون در امور خیر و...، در زندگی فردی و اجتماعی، می باشد. (حق پناه، ۱۳۸۱ش: ۱۴۵؛ جابر، ۱۴۳۰ق: ۲۸۶-۲۹۱)

خدای متعال قرآن را به عزتمندی توصیف فرموده (فصلت: ۴۱) و آنرا کتابی سوی دانای عزیز می فرماید. (زمر: ۱) با توجه به اینکه او تعالی خود عزیز و سرچشمه ی نزول برکات و عزت است، لذا چنگ زدن به کتاب او، لازمه ی کسب شایستگی عزت می باشد. (<https://www.rslantext.com/Article.aspx?ID=594>)، همچنان دوری از کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ مایه ی ذلت است. آنانی که بعد از بعثت به میزانی که متمسک به قرآن و سنت بودند، به همان میزان از عزت و شرف الهی برخوردار بودند، و خداوند ملک و سروری را به آنها بخشید، و برعکس وقتی مسلمانان و مؤمنین، به جای پیروی از قرآن و سنت، بنده ی هوا و نفس شدند، ذلت و نگون بختی، آنها را فراگرفت و جوامع اسلامی از کاخ عزت به ورطه ی ذلت سقوط کردند. (جابر، ۱۴۳۰: ۲۹۰)

طبق فرمایش قرآن، سنت الهی اینست که هر که رو سوی خدا و هدایت او کند، خداوند دست او را می گیرد و او را یاری می رساند. (حج: ۴۰) همچنان وعده ی خداوند است که یاری دهنده ی دین اش را، در برابر سختی ها و مصائب، ثابت قدم و استوار نگه می دارد. (محمد: ۷) آن هم نصرتی که توأم با عزت و شرف می باشد. «وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا» (و پیروزی شکست ناپذیری نصیب تو کند) (فتح: ۳) وقتی خدای متعال جامعه ای را به دلیل قرآن محوری و ایمان آنها، یاری فرمود، دیگر هیچ کسی را یاری غلبه بر آنها نخواهد بود؛ و نیز اگر خداوند فرد یا اجتماعی را با روگردانی از قرآن و سنت، خوار و ذلیل ساخت، دیگر هیچ یاری رسانی نخواهد داشت؛ چون وعده ی الهی حق است. (آل عمران: ۱۶۰)

در روایت معروف ثقلین نیز بر تمسک به قرآن و سنت تاکید شده است، که بیمه ی نجات امت از گمراهی و ضلالت می باشد. (ابن انس، ۱۴۲۵ق: ۵/۱۳۲۳؛ کلینی، ۱۴۱۷ق: ۲/۴۱۵) در خطبه ای از حضرت علی (رض) آمده است که می فرماید: «قرآن عزتیبست برای کسی که ولایت آنرا بپذیرد.» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۹۸، ص ۳۱۵) همچنان به قول

یکی از محققان معاصر برتری و عزت امت را متناسب با میزان توجه و اعتنای آنها به قرآن می‌گوید. (<https://www.rslantext.com/Article.aspx?ID=۵۹۴>)

در خطبه‌ی تاریخی سید جمال الدین افغانی در مصر، وی بازگشت به قرآن را عنصر اصلی احیاء عزت و سعادت، و پشت کردن به آنرا، به منزله‌ی سقوط به ورطه‌ی ذلت بیان نموده است که راه نجات جوامع اسلامی را پیاده سازی آموزه‌های قرآن در زندگی (حسینی تهرانی، نور ملکوت قرآن، ۱۳۸۹ش: ۳/ ۱۵۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۷ش: ۱۴۴)

مقام معظم رهبری، تمسک به قرآن را زمینه‌ساز عزت، رفاه، پیشرفت، قدرت، و تأمین‌کننده‌ی سعادت دنیا و آخرت دانسته و همچنان ایشان، امت را توصیه به استفاده از عناصر مختلف عزت نموده که تمسک به قرآن و سنت، در رأس آنها قرار دارد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۶۰> - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۲۲۵۳>) در بخش دیگری از بیانات ایشان آمده است که علت اصلی وضعیت ذلت بار بسیاری از جوامع اسلامی امروز و گذشته، ناشی از قرآن‌گریزی و پشت کردن به آموزه‌های عزت بخش آن می‌باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۷۵۰۱>)

عدم پذیرش سلطه‌ی کفار (قاعده‌ی نفی سبیل)

یکی از مؤلفه‌های دیگر رسیدن به عزت اجتماعی، سلطه‌ستیزی علیه کفار یا قاعده‌ی نفی سبیل می‌باشد. در نظام فکری قرآن، موالات با کفار، و به ویژه پذیرش استیلا و سلطه‌ی آنها، از هر طریقی، نفی شده است. ازینرو جامعه‌ی اسلامی نباید تعاملی با کفار انجام دهد که زمینه‌ساز علو و حاکمیت غیر مسلمانان بر جامعه‌ی اسلامی را فراهم سازد. زیرا خدای متعال می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» - «خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» (نساء: ۱۴۱)

خدای متعال عزت جامعه‌ی اسلامی را با نفی هرگونه راه سلطه‌گری کفار بر مسلمانان، تأمین فرموده است. (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ۲/ ۷۷۵) همچنان از آیه‌ی فوق برداشت می‌شود



که خدای متعال در هیچ زمینه‌ی فردی/اجتماعی و بین‌المللی، هرگز اجازه‌ی تسلط کفار بر مسلمانان را نمی‌دهد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶ش: ۵۱ و ۵۵) زیرا در آیه‌ی فوق، کلمه‌ی «سبیل» نکره در سیاق نفی به کار رفته و افاده‌ی عموم را می‌کند. لذا «سبیل» مطلق ذکر شده و عموم راه‌ها اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و... را در بر می‌گیرد. (رشید رضا، ۱۴۱۴ق: ۵/ ۴۶۶؛ خمینی، ۱۴۱۰ق: ۲/ ۵۴۲)<sup>۱</sup>

مبنی بر حکم قرآن، اگر فرد یا گروهی، دنبال عزت در سایه‌ی غیرمسلمانان باشد، آن جز عزتی دروغین و پوشالی نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۰/ ۲۴۱) علاوه بر آن، پذیرش سلطه‌ی کفار، به گونه‌ای روگردانی از پذیرش قدرت خداوند بوده و آن نوعی نفاق سیاسی تلقی می‌شود، که در واقع ناشی از نفاق عقیدتی می‌باشد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۴/ ۸۰؛ حق پناه، ۱۳۸۱ش: ۱۳۰) نه تنها پذیرش سلطه‌ی کفار، که حتی ترجیح دوستی/موالات با آنها، نسبت به مسلمانان، به پنداز عزت‌یابی، مورد نکوهش قرآن قرار گرفته است؛ (نساء: ۱۳۹) دوستی با کفار نه تنها مایه‌ی عزت نیست، بلکه مایه‌ی ذلت نیز می‌باشد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۲۰/ ۳۷۹)

البته در معنای «موالات» باید تصریح کرد که آن، دوستی ایست که مملو از محبت بوده و به سبب آن یک گروه، گروه دیگر را در سختی‌ها/مشکلات، کمک و پشتیبانی مالی/جانی می‌نماید، و آن غیر از پیمان‌ها و میثاق‌های امروزی در دنیای معاصر است. با عطف به معنای فوق، مسلمانان مکلف به دوستی میان خود شان (امت) هستند، و از موالات با کفار نهی شده‌اند، زیرا آن یکی از نقاط ضعف و مانع عزت جامعه‌ی اسلامی به‌شمار می‌رود. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۲۰/ ۳۷۹؛ جابر، ۱۴۳۰ق: ۲۸۴) قرطبی کسانی را که با کفار موالات دارند، از حزب خدا و اولیاء او بیرون دانسته است. (قرطبی: ۱۳۸۴ق: ۴/ ۵۷)

۱. جهت مطالعه‌ی بیشتر در تفسر این آیه، ر.ک: رحمانی، محمد، ۱۳۸۲ش، قاعده‌ی نفی سبیل از منظر

قرآن نه تنها سلطه‌ی کفار بر مسلمانان را مردود دانسته، بلکه حتی ارتباط/دوستی با آنهایی که در حق مسلمانان ظلم روا دانسته اند، را نیز نهی فرموده است. (ممتحنه: ۱؛ مائده: ۲۳؛ توبه: ۲۳) و نیز به این هم اکتفا نکرده، بلکه ضمن نهی صریح، آنانی را که با ظالمان/مستکبران و حامیان آنان، طرح دوستی بریزند، نیز در زمره‌ی ستمگران محسوب فرموده است. (ممتحنه: ۹) خلاصه اینکه، از منظر قرآن، جامعه‌ای که سلطه‌ی استکبار و غیر مسلمانان را بپذیرد، قرآن برای آن جامعه، هیچ‌گونه رفعت و عزتی قائل نیست. (حق پناه، ۱۳۸۱ش: ۱۴۰)

لازم به ذکر است که با توجه به عزت‌های ظاهری/مادیگری، گاهی اوقات مشاهده‌ی استیلا و شوکت برخی از اربابان قدرت، باعث می‌شود دیگران تحت تاثیر آنها قرار گرفته، و آنرا قریب عزت بدانند؛ (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ۲/۸۴۵) و تلاش کنند تا با تقرب به آن دستگاه، خود را عزتمند بسازند، در حالی که آن، عزتی میان‌خالی و گذرا بیش نیست؛ چنانچه بنابر فرمایش قرآن، ساحران قبل از دیدن معجزه‌ی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و شناخت حق، خطاب به فرعون گفتند: «بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالِيُونَ» «به عزت فرعون که ما حتماً پیروزیم.» (شعراء: ۴۴)

مقام معظم رهبری، سلطه‌پذیری را به معنای تسلیم شدن به استکبار و سپردن سرنوشت خویش به دست نیروهای زورگو دانسته، و در موارد متعدد، به شدت سلطه‌پذیری و سلطه‌گری را دو سویه، تقبیح و نفی نموده اند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21969>) همچنان با تاکید بر شکست سلطه‌ی مستقیم و غیر مستقیم قدرت‌های استکباری، به این باور اند که ملت‌ها وقتی عزت شان را از دست دادند، گرفتار مصائب شده و با نوکری دیگران، ارزش خویش را فراموش می‌کنند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19124>)

در بیانات ایشان تصریح و تاکید شده است که مستکبران با اعمال فشار، سعی می‌کنند تا مقاومت کشورها را بشکنند، و آنها را تحت سلطه‌ی خویش درآورده و منابع مالی و انسانی

آنها را غارت کنند. این نوع نظام‌ها دشمن ملتی اند که می‌خواهد عزتمند و پیشرفته شده و زیر بار سلطه‌گران نرود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۲۴>) به باور ایشان، راه دستیابی به عزت و توسعه، استقامت در برابر استکبار می‌باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۸۰۴>) همچنان راه مقابله با استکبار را پیروی از احکام و آموزه‌های اسلامی دانسته، که ملت‌های اسلامی می‌توانند به برکت آن، سلطه‌ی ظالمانه‌ی دولت‌های غربی را بشکنند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۹۶۹>)

#### وحدت/همگرایی/اخوت

اخوت و برادری بر محور خداآوری، یکی دیگر از اسباب و مؤلفه‌های عزتمندی جوامع اسلامی محسوب می‌شود. کم‌توجهی/تساهل مسلمانان در پابندی به این اصل قرآنی، یکی از علل انحطاط/تضعیف عزت اجتماعی مسلمانان به حساب می‌رود، که باعث فروپاشی اقتدار و حاکمیت آنان در جهان و شده، و حتی در ادوار مختلف باعث تسهیل مستعمره شدن بسیاری از ممالک اسلامی شده است. (مقدشی، ۲۰۱۷م، <https://ar.islamway.net/article/۷۴۶۲۶/>) اگر اتحاد و اخوت واقعی میان مسلمانان برقرار باشد، هیچ گروه و قدرتی نمی‌تواند آنان را تحت سلطه‌ی خویش در آورده و یا به استثمار بکشد. به همین دلیل، قرآن کریم مؤمنین را با تاکید فراوان بر وحدت کلمه فراخوانده و از تفرقه و نزاع جداً برحذر داشته است. (انفال: ۴۶)

قرآن، مسلمانان را برادر همدیگر می‌خواند (حجرات: ۱۰)، همچنان امت اسلامی را بر پایه‌ی دین و کتاب واحد، به یکپارچگی دستور داده و آنرا نعمتی بزرگ بر آنها بیان می‌فرماید که باعث ایجاد الفت میان آنان شده است «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» «وهمگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم

شدید..» (آل عمران: ۱۰۳)

چنگ زدن به ریسمان خدا، مایه‌ی نجات از ذلت و خواری می‌باشد، چنانچه قرآن می‌فرماید: «ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلِيلَةَ أَيِّنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ» «آنها محکوم به ذلت و خواری هستند به هر کجا که یافت شوند، مگر اینکه به دین خدا و عهد مسلمین درآیند.» (آل عمران: ۱۱۲) همچنان خداوند متعال، همانگونه که اخوت و اتحاد را مایه‌ی عزت بیان فرموده است، نزاع و تفرقه را عنصر ضعف و ذلت معرفی نموده است؛ و مسلمانان را به صراحت از آن نهی می‌فرماید «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (نزاع (وکشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (وشوکت) شما از میان نرود!) (انفال: ۴۶)

در منظومه‌ی فکری قرآن، نزاع و تفرقه به حدی مردود و زشت است که وقتی حضرت موسی علیه السلام برادرش حضرت هارون علیه السلام را به دلیل گوساله‌پرستی بنی اسرائیل توبیح کرد، هارون علیه السلام با عطف به اهمیت و ترجیح وحدت قوم تا برگشت موسی، در پاسخ وی چنین گفت: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» - «من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!» (طه: ۹۴)

از مجموع آیات قرآن بر می‌آید که عزت و شکوه جامعه در گرو وحدت و اُلفت میان افراد آن است. خداوند عزت را به بندگانی می‌بخشد که این ویژگی میان‌شان بیشتر باشد، نه جامعه‌ای که به‌ظاهر منسجم، اما در اساس از هم پراکنده و متفرق اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۵ / ۳۷۴) چنانچه خدای متعال می‌فرماید: «تَحَسَّبُهِمْ جَمِيعاً وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» «آنها را متحد می‌پنداری، در حالی که دل‌هایشان پراکنده است» (حشر: ۱۴)

مقام معظم رهبری وحدت و یکپارچگی مسلمانان را بیش از هر زمان دیگر، از نیازهای

مبرم جوامع اسلامی دانسته، و آنرا مایه‌ی عزت و قدرت امت می‌داند. ( ) <https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39947>

<https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3406> -

<https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=336>

به باور ایشان، وحدت امت نه تنها مهم‌ترین مسئله‌ی امروز جهان اسلام

است، بلکه یک تکلیف شرعی بوده که عزتمندی جوامع اسلامی از آثار می باشد. سخن ایشان در این مورد برای جهان اسلام، الهام بخش است که در ذیل آنرا نقل می کنیم:

«امروز مهم ترین مسئله در دنیای اسلام وحدت است. اتحاد به سمت هدفها؛ هدف استقلال سیاسی، هدف استقرار مردم سالاری دینی، هدف پیاده کردن حکم الهی در جوامع اسلامی؛ اسلامی که دعوت به آزادی می کند، اسلامی که انسان ها را دعوت به عزت و شرف می کند؛ این امروز تکلیف است، این وظیفه است. نخبگان سیاسی هم باید بدانند عزت و شرف آنها با تکیه ی به مردم و آحاد ملتها است، نه با تکیه ی به بیگانگان، نه با تکیه ی به کسانی که از بُن دندان با جوامع اسلامی دشمنند...؛ اگر ملتها به خود بیایند، خود را بیابند، به خود تکیه کنند، با یکدیگر دست دوستی بدهند، این منطقه، منطقه ی برجسته و درخشانی خواهد شد و دنیای اسلام روی عزت و کرامت و آقایی را خواهد دید.» ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25056> )

اقتدار (نظامی / اقتصادی / علمی / فرهنگی)

یکی دیگر از مؤلفه های عزتمندی، داشتن اقتدار است. اقتدار در عصر حاضر، تک بعدی نبوده و مختص به امور نظامی نیست، بلکه علاوه بر آن ابعاد اقتصادی، علمی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد. ( <https://donya-e-eqtasad.com/> / ۴ - ۸۶ - ۳۱۲۲۱۹۵۶۲ )

قرآن کریم، مسلمانان را دستور می دهد تا تدابیر لازم را در این زمینه ها اتخاذ کنند، چنانچه می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد - بترسانید.» (توبه: ۶۰) در این آیه نکات ادبی و تفسیری ظریف ذیل پیرامون بحث حاضر نهفته است:

الف) در آیه ی فوق، «قوه» نکره به کار رفته که دلالت بر عموم می کند، و مصادیق آن

متنوع و بی‌شمار است. البته تجهیزات نیروی رزمی، بخشی از مصادیق آن محسوب می‌شود؛ لذا هر نوع توان دفاعی‌ای را شامل می‌گردد که طبق شرایط زمان و مکان باعث ایجاد قدرت بازدارندگی و تخویف دشمن بالقوه و بالفعل شود. ( <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=45225>)

ب) حرف «من» در عبارت «وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ» بعضیه است، و اسب آماده و رزمی، یکی از نمونه های تجهیزات نظامی طبق زمان نزول می‌باشد، نه یگانه مصداق آن. نتیجه این می‌شود که اگر آن نیرو به تنهایی قدرت بازدارندگی تهدید دشمن را نداشته باشد، لازم است به سایر امکانات نیز توجه گردد. مؤید این نظر، همچنان نکره بودن واژه‌ی «سبیل» در آیه‌ی نفی سبیل است که افاده‌ی عموم را می‌کند؛ و از آیه استفاده می‌شود که کافران از هیچ منظر -اعم از طرق سیاسی/فرهنگی/اقتصادی و یا علمی- نباید بر مؤمنان تسلط داشته باشند. لازمه‌ی این امر، انجام تدابیر پیش‌گیرانه با استفاده از اسباب فوق می‌باشد.

ج) عبارت (تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...) در آیه دلالت بر این نکته دارد که تجهیز نیرو باید جهت تخویف/هراساندن دشمن به کار رفته و جنبه‌ی بازدارندگی داشته باشد، نه جنبه‌ی تهاجمی و وسیله‌ی کشتار/سلطه‌گری، و لذا باید در جهت دفاع از امنیت مالی/جانی امت اسلامی و مستضعفان بکار گرفته شود.

یکی از محققان معاصر می‌گوید: «با آمادگی مسلمانان، دشمن دیگر جرئت حمله به کیان اسلامی را نخواهد داشت. تولید قدرت در کشورهای اسلامی، ضامن حفظ عزت و استقلال دنیای اسلام است.» (ارجینی، ۱۳۸۶ش: ۱۵۱)

مقام معظم رهبری، اقتدار ملی کشور را، مایه‌ی عزت و حفظ هویت آن جامعه می‌داند. ( <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=3058>) از نظر ایشان اگر ملتی قدرت دفاع از خود را نداشته باشد، عزت او هم هیچ‌گونه تضمینی نخواهد داشت. ( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3311>) در جای دیگر تاکید می‌کنند که در دنیای مادی، آن ملتی از آسیب محفوظ می‌ماند که ثابت کند آماده‌ی دفاع از خود است.

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17868>)

چنانچه در بالا ذکر شد، اقتدار مخصوص نیروی رزمی نیست، بلکه توان اقتصادی، علمی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود و تا اینجا به بعد نظامی اشاره شد، اما سه عنوان بعدی، هر کدام طور جداگانه در زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

#### ۱-۶-۲) اقتدار اقتصادی

مراد از اقتدار اقتصادی، کاهش وابستگی (نه کاهش روابط اقتصادی و تجاری) به دنیای خارج، و شکوفایی اقتصادی مبتنی بر تولید داخلی و رسیدن به خودکفایی لازم می‌باشد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶ش: ۷۷) اقتصاد در قرآن از اهمیت ویژه برخوردار است. خداوند متعال در موارد متعدد آنرا فضل خویش نامیده و دستور به اکتساب رزق حلال فرموده است. (جمعه: ۱۰) همچنان از خوردن مال به باطل نهی فرموده، (بقره: ۱۸۸) ولی دادوستد حلال را جواز داده است. (بقره: ۲۷۵؛ ر.ک: حسینی کوهساری، ۱۳۹۱ش: ۷-۱۸) در روایات متعدد نیز بر اهمیت اقتصاد و تلاش مالی توجه جدی شده، تا جایی که کسب رزق حلال از اعمال انبیا خوانده شده و پیامبر ﷺ حشر تاجر راستگو را همجوار انبیا و راستگویان و شهدا بیان فرموده است. (ترمذی، ۱۹۹۸م: ۲/۵۰۶؛ کلینی، ۱۴۱۷ق: ۵/۷۶؛ پاینده، ۱۳۸۲ش: ۳۹۴)

لازم به ذکر است که آن ثروتی عزت‌آور است که طبق هدایت و فرامین خدا و پیامبر ﷺ در راستای سعادت و تکامل انسانی هزینه شود، چه بسا ثروت‌های هنگفت، مایه‌ی ذلت و خواری صاحبان آن در آخرت می‌باشد. (دخان: ۴۹) چنانچه به زعم مشرکان فقط ثروتمندان نزد خدا عزتمند اند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۲۰/۳۳۳) رمز عزتمندی از راه ثروت آنست که در عین حبی که انسان به ثروت دارد (زین للناس حب الشهوات من...) بخشی از آنرا در یاری مستمندان و نیازمندان و یا رفع نیازهای مخلوق خدا انفاق کند. (انسان: ۸؛ آل عمران: ۹۲) در روایات نیز آمده است که احساس بی‌نیازی از غیر، مایه‌ی عزت و شرف است. و وقتی در مورد مردم عادی اینگونه باشد، عدم نیازمندی به کفار، به طور اولی مایه‌ی

عزتمندی جامعه‌ی اسلامی خواهد بود. (فرهوش، ۱۳۹۶ش: ۲۰)

مقام معظم رهبری، اقتصاد محکم را مایه‌ی اقتدار دانسته و اقتصادی قوی و مطمئن را که جامعه متکی به خود بوده، از لوازم پیشرفت همه‌جانبه به شمار می‌آورد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۰۹۱>) به باور ایشان، اقتصاد نه تنها مایه‌ی عزت است، بلکه در امنیت، فرهنگ و حضور جهانی، و حتی در کاهش توطئه‌های دشمن نیز تاثیرگذار است. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>) همچنان تصریح می‌کنند که خفّتی بزرگتر از وابستگی جامعه و جنایتی سنگین‌تر از وابسته ساختن جامعه برای مسؤلان وجود ندارد، که از سوی آنها در حق یک ملت انجام شود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۹۳>)

#### ۲-۶-۲ اقتدار علمی

در قرآن، میان علم و اقتدار رابطه‌ی تنگاتنگ وجود دارد، و در موارد متعدد به آن تذکر داده شده است. قرآن مقام دانشمند را به بلند مرتبگی وصف می‌کند. (مجادله: ۱۱) همچنان گزینش طالوت را برای فرماندهی، تعلیل به توان علمی و جسمی وی می‌کند. (بقره: ۲۴۷) و نیز ذکر توان علمی در آیه مقدم بر توان جسمی، نشان از اهمیت و تقدم دانش دارد. (قرآنی ۱۳۸۳/۱: ۳۹۲) همینطور استدلال حضرت یوسف بر احراز کرسی خزانهداری مصر، علم و امانت‌داری آمده است. (یوسف: ۵۵)

در قرآن آمده است که تخت بلقیس توسط یکی از درباریان حضرت سلیمان علیه السلام در مدت کمتر از یک چشم برهم زدن، فقط با قدرت دانش آن شخص انتقال یافت. (نمل: ۴۰) اقتدار علمی، در قرآن هدف و غایت نیست، بلکه ابزاریست که باعث ایجاد توانایی در دستیابی به هدف می‌شود؛ و ممکن است در دو جهت (اهداف نیک و سوء) به کار گرفته شود. اما مبتنی بر آموزه‌های قرآن، دانش وسیله‌ای برای اقتدار یک نظام مبتنی بر فرامین قرآن/اسلام باید در جهت سعادت بشر، به کار رود، تا مانع عدالتی/ستم شود. (رهبر و



حسین زاده، ۱۳۹۴ش: ۱۵۲)

به قول یکی از کارشناسان، علم بر همه چیز مقدم است، و آنچه موجب اقتدار می شود علم است. (<https://donya-e-eqtesad.com> / ۴ - ۸۶ - ۳۱۲۲۱۹۵۶۲) همچنان یکی از محققان به این باور است که اگر جامعه‌ی اسلامی به اقتدار علمی نرسد، عزت و اقتدار سیاسی آن در خطر می باشد. (ساجدی و دیگران، ۱۳۹۳ش: ۱۲۳)

مقام معظم رهبری، قدرت واقعی را قدرت علمی دانسته، و عزتمندی را مسلتزم داشتن آن اقتدار می دانند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> ۳۳۱) همچنان تلاش در راه علم را، یکی از عناصر عزتمندی توصیف نموده اند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> ۱۷۸۶۸) ایشان، اقتدار علمی را زمینه‌ی رسیدن به عزت سیاسی و عزت اجتماعی جامعه دانسته، و تأکید می‌ورزند که با اقتدار علمی می‌توان توطئه‌های دشمن را بی‌اثر و کم‌رنگ ساخت. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>)

۳. ۶- ۲) اقتدار فرهنگی

یکی دیگر از ابعاد چهارگانه‌ی اقتدار، اقتدار فرهنگی است. فرهنگ مجموعه‌ای از دانش‌ها، بینش‌ها، منش‌ها، ارزش‌ها، آداب و سنن، نمادها و محصولات بوده که تاریخ و هویت یک ملت محسوب می‌شود، و آنرا از سایر ملل متمایز و منشأ پیوستگی آنان در یک فرآیند پایدار تاریخی و زمینه‌ساز نظم، انسجام و پویایی ملل می‌گردد. (نصرالله زاده و دیگران، ۱۳۹۴ش: ۴۰)

اقتدار فرهنگی در جامعه‌ی اسلامی زمانی ممکن است، که آن فرهنگ برگرفته از مبانی و آموزه‌های قرآن و سنت که مولد، پویا و الهام‌بخش است، باشد. (همان، ۴۱) وقتی این امر اتفاق بیفتد، جامعه از تاثیرپذیری فرهنگ غیر قرآنی مستقل و دارای اقتدار می‌گردد، طوری که دیگر فرهنگ غیراسلامی - به طور مستقیم و غیر مستقیم - بر آن قابل تحمیل نخواهد بود. (عباس نژاد و دیگران، ۱۳۸۴ش: ۱۶۹) البته پیش شرط تحقق وضعیت مطلوب، آگاهی آحاد

امت/ ملت به ارزش های قرآنی/ دینی بوده، که این امر سبب جاگزین و نهادینه ساختن ارزش های فرهنگ قرآنی بجای سنت های قبیله ای می باشد. (عادلی، ۱۳۹۱ش: ۲۵۶-۲۷۱)

قرآن منحیث آخرین نسخه ی هدایت الهی برای بشریت، فرهنگ ساز و فرهنگ سوز می باشد؛ فرهنگ ساز به این معنا که آموزه های آن منشأ ایجاد فرهنگ تمدنی بوده و صرف باورهای اعتقادی/ فردی نیست، بلکه از ویژگی هایی مانند شمولیت و ابدیت و جامعیت برخوردار است که در تمام بخش های زندگی اعم از باورها، ارزش ها و رفتارها، ورود حکیمانه دارد، و یک برنامه ی منسجم، در اختیار انسان قرار می دهد. فرهنگ سوز به این معنا که باورها و رفتارهای جاهلیت و ضد توحیدی و منافی عزت را، مردود اعلام فرموده، و با ارائه ی بدیل یا تصحیح نادرستی ها، طرح فرهنگی مخصوص به خود را ارائه می دهد. (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۳ش: ۲۰)

جامعه ای که برخلاف مسیر هدایت قرآن حرکت کند، نمی توان آنرا متصف به فرهنگ قرآنی و دارای عزتی دانست که خداوند آنرا وعده داده است، ولو اینکه افراد آن جامعه خود را مسلمان بخوانند. بنابراین در واقع تطبیق کامل آموزه های قرآنی در ابعاد مختلف زندگی، پدیدآورنده ی فرهنگ اسلامی در آن جامعه می باشد، و آن زمان است که اجتماع مصداق عینی جامعه ی مؤمنین را به خود گرفته، و مشمول عزت الهی خواهند شد. (ن.ک: هاشمی علی آبادی، ۱۳۹۵ش: ۵۳-۶۱؛ امام جمعه، ۱۳۸۳ش: ۳۶-۵۶)

مقام معظم رهبری یکی از مصادیق تجهیز نیرو در آیه ی (اعدوا لهم...) را، اقتدار فرهنگی می دانسته؛ (<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=> ۴۵۲۲۵) و اقتدار فرهنگی را یکی از مؤلفه های دستیابی جامعه به عزت و آبروی اجتماعی نزد جهانیان می داند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> ۳۲۵۸۷)؛

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> ۳۲۳۲)

از مجموع آیات قرآن، و همینطور بیانات مقام معظم رهبری، این نکته برداشت می شود که عزتمندی جامعه ی اسلامی در گرو اقتدار چهارگانه ی فوق می باشد. لذا جامعه تا در این

زمینه‌ها به اندازه‌ی کافی نیرومند و خودکفا نه‌شود، روی عزتمندی را در سطح ملی و بین‌المللی نخواهد دید، چون دنیا پر از دولت‌های سلطه‌طلب است که همیشه به فکر استثمار جوامع ضعیف اند و ضعف در عرصه‌های چهارگانه‌ی مذکور زمینه‌ی سلطه‌طلبی آنان را فراهم می‌کند؛ چنانچه متاسفانه چند قرن است که کشورهای اسلامی از این ناحیه متأثر و متضرر اند.

### ۲.۷) تقوای پیشگی

تقوا نیز از مؤلفه‌های دستیابی به عزت مؤمنانه است. عزت و کرامت انسان‌ها نزد خدای متعال، بستگی به میزان تقوای آنها دارد، و هر که تقوایش بیش، اکرام و عزت اش بیش «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)

در روایات نیز به اهمیت تقوا و رابطه‌ی آن با عزت تاکید شده است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد با عزت‌ترین مردم باشد، تقوای الهی پیشه کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۷/۱۷۰) همچنان از حضرت علی (رض) روایت است که فرمود: «هیچ اکرامی عزیزتر از پرهیزگاری نیست». (کلینی، ۱۴۱۷ق: ۸/۱۹)

مقام معظم رهبری، تقوا را به پروا داشتن، مراقب بودن و ملاحظه کردن معنا نموده و آنرا تشبیه به راه امنی می‌کنند که در میان مسیرهایی پر از مین قرار داشته که در صورت انحراف، از خطر مصون نخواهیم بود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42512>) ایشان تقوا را به فردی و اجتماعی و سیاسی تفکیک نموده، و انجام واجبات و پرهیز از محرمات را فرع تقوا می‌دانند، نه کل تقوا. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34429>)

از نگاه معظم له، تقوای اجتماعی اعم از تقوای فردی بوده، و آن عبارت از تلاش برای تحقق آرمان‌هایی که اسلام از ما مطالبه دارد، می‌باشد؛ مانند: سعی در توسعه‌ی عدالت اجتماعی، حمایت از مظلومین/مستضعفین، نرفتن زیر بار ظلم، و سایر مواردی که مربوط به ارتقای مادی/معنوی جامعه و مردم می‌شود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech>)

همچنان <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۲۵۹content?id=۳۰۰۶۹> ایشان تقوا - و به ویژه تقوای اجتماعی را - از عوامل عزتمندی کشور دانسته و نسبت به آن تاکید جدی دارند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۴۱>)  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۰۳>

### ۲.۸ عمل‌گرایی / تلاش / فداکاری

هیچ تحول و دست‌آوردی بدون زحمت و تلاش بدست نمی‌آید. قرآن ضمن تاکید بر اراده‌ی قاطع و نیت، بر عمل‌گرایی / حرکت / شجاعت و فداکاری نیز تاکید دارد. عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» ده‌ها مرتبه در قرآن تکرار آمده است، که انجام عمل صالح را در کنار ایمان، شرط تحقق رستگاری و عزت، بیان می‌فرماید.

همچنان در روایات، عمل به ارکان دین، جزو ایمان بیان شده است؛ چنانچه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِفْرَازٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (بیهقی، ۱۴۱۰ق: ۱/ ۴۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش: ۵/ ۱۲۰)

مقام معظم رهبری در بیانات مختلف، به عمل‌گرایی تاکید فراوان نموده، و اکتفای صرف به اسم و گفتار را، مایه‌ی اسارت در پنجه‌ی طاغوت و استکبار می‌دانند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۷۴۳۵>) ایشان به این باور اند که جامعه با تنبلی و تن‌آسایی هرگز به عزت نمی‌رسد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۳۰>) بر همین مبنا، دستیابی به عزت را جز از طریق تلاش و ابتکار، ممکن نمی‌دانند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۲۵>؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۹۰/۱۱/۱۹>)  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۹۸۹>

نمونه‌ای از سخن ایشان در این مورد چنین است: «آن ملتی به عزت و سربلندی دست پیدا می‌کند که با شجاعت وارد میدان بشود، کار را تعقیب کند و هزینه‌های آن را هم با شادت تمام بپردازد» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۲۲>)

برخی‌های به تعداد مؤلفه‌های بالا اکتفا نکرده، بلکه مواردی چون: امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، توکل، حاکمیت ارزش‌های اسلامی، قناعت، صبر، آخرت‌طلبی، صداقت، عفو، عبادت، گسترش عدالت، بردباری و کسب روزی حلال را نیز در زمره‌ی مؤلفه‌های اصل عزتمندی جامعه‌ی اسلامی برشمرده اند. (ن.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۵/ ۲۶۳؛ حق‌پناه، ۱۳۸۱ش: ۱۴۵ - ۱۵۳؛ جابر، ۱۴۳۰ق: ۲۷۹؛ حسینی، ۱۳۸۲ش: ۱۳ - ۱۹؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳ش: ۲۰ / ۳۷۸ (مقدشی، ۲۰۱۷م، <https://ar.islamway.net/article/74626>؛ امیرخانی، ۱۳۸۱ش: ۵۷ - ۵۸)

البته عناصر مذکور را نمی‌توان، مؤلفه‌ی عزتمندی شمرد، زیرا اکثر آنها ذیل عنوان‌های قبلی مانند تقوا و تمسک به قرآن و توحید و... جای می‌گیرد، و از زیرمجموعه/فروعات عناوین مذکور محسوب می‌شود. برخی دیگر هم یا جزو آثار و پیامدهای عزتمندی محسوب می‌شوند، و یا هم ارتباط شان در آیات قرآن با اصل عزتمندی جامعه به درستی روشن نیست، و بیشتر مستند به اخبار آحاد اند، که خارج از موضوع ما نحن فیه مقاله می‌باشد؛ زیرا در تحقیق حاضر تلاش بر این است تا بررسی موضوع از منظر قرآن و باکید بر بیانات و قرائت مقام معظم رهبری و تطبیق آن با آیات قرآن، مورد مطالعه قرار گیرد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

از مباحثی که گذشت، با عطف به سوال اصلی تحقیق، این نتیجه حاصل شد که مؤلفه‌های اساسی اصل عزتمندی جامعه‌ی اسلامی عبارت اند از: تقویت باورمندی و ایمان به حس اعتزاز، توحید باوری در روشنایی آیات قرآن کریم، تمسک به قرآن و سنت، عدم پذیرش سلطه‌ی کفار، تحکیم وحدت و همگرایی میان مسلمانان، داشتن اقتدار در ابعاد نظامی - اقتصادی - علمی و فرهنگی جامعه، و تقویت تقوای اجتماعی. این مواردی است که قرآن کریم در آیات متعدد به آنها تاکید فرموده و بیانات مقام معظم رهبری نیز به وضوح تبیین شده است.

فهرست منابع:

- قرآن کریم، ترجمه انصاریان، ۱۳۸۳ش: اسوه، قم.  
کتاب‌ها:
۱. ابن انس، مالک، ۱۴۲۵ق، الموطأ، ابوظبی، جلد ۵، چاپ اول، مؤسسة زاید بن سلطان آل نهران للأعمال الخيرية و الانسانية.
  ۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل، بی‌تا، المحکم و المحيط الاعظم، محقق: عبد الحمید هنداوای، بیروت، جلد ۱، چاپ اول، دارالکتب العلمیة.
  ۳. ابن فارس، احمد بن فارس، بی‌تا، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبد السلام محمد هارون، قم، جلد ۴، چاپ اول، مکتب الاعلام اسلامی.
  ۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴ش، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة، قم، جلد ۵، چاپ اول، مؤسسه بعثت.
  ۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، ۱۴۱۰ق، شعب الایمان، بیروت، جلد ۱، چاپ اول، دارالکتب العلمیة.
  ۶. پاینده، ابو القاسم، ۱۳۸۲ش، نهج الفصاحه، تهران، چاپ چهارم، دنیای دانش.
  ۷. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۹۹۸م، سنن الترمذی، محقق: بشار عواد معروف، بیروت، جلد ۲، بی‌تا، دار الغرب الاسلامی.
  ۸. جابر، وائل بن محمد، ۱۴۳۰ق، العزة فی القرآن الکریم، مکه، پایان نامه ارشد دفاع شده در دانشگاه ام القرى مکه - دانشکده تفسیر و علوم قرآن.
  ۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، تفسیر تسنیم، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم، چاپ اول، نشر اسراء.
  ۱۰. حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶ش، قدرت و منافع ملی، تهران، چاپ اول، نشر جمالی.
  ۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، محقق: مؤسسه آل البيت،

- قم، جلد ۲۷، چاپ اول، مؤسسه آل البيت.
۱۲. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، ۱۳۸۹ش، نور ملکوت قرآن، مشهد، جلد ۳، بی‌نا، انتشارات علامه طباطبایی.
۱۳. خمینی، روح الله موسوی، ۱۴۱۰ق، کتاب البیع، قم، جلد ۲، چاپ اول، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، چاپ اول، دار القلم.
۱۵. رشید رضا، محمد، ۱۴۱۴ق، تفسیر المنار، بیروت، جلد ۵، چاپ اول، دار المعرفه.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۹۷ش، دیدگاه متفکران معاصر قرآنی، قم، چاپ دوم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۱۷. زمخشری، محمد بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، جلد ۲۲، چاپ سوم، دار الکتب العربی.
۱۸. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، محقق: صبح صالح، قم، چاپ اول، نشر هجرت.
۱۹. صدرالسادات، سید جلال و حسن شمس اسفندآباد، ۱۳۸۰ش، عزت نفس در افراد با نیازهای ویژه، تهران، چاپ اول، نشر سازمان بهزیستی کشور.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، جلد ۸، ۱۲، و ۱۷، چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. عباس نژاد، محسن و دیگران، ۱۳۸۴ش، قرآن - مدیریت و علوم سیاسی، تهران، چاپ اول، بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب = تفسیر الکبیر، بیروت، جلد ۲، ۴، ۲۶ و ۳۰، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، بی‌تا، العین، قم، جلد ۱، چاپ دوم، نشر هجرت.

۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران، چاپ اول، جلد ۱، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۸۴ق، الجامع لاحکام القرآن = تفسیر القرطبی، قاهره، جلد ۴، چاپ دوم، دار الکتب المصریة.
۲۶. سید قطب، ۱۴۲۵ق، فی ظلال القرآن، بیروت، جلد ۲، چاپ ۳۵، دار الشروق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، جلد ۲، ۵ و ۸، چاپ چهارم، دار الکتب الاسلامیة.
۲۸. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۳ش، اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶ش، تهاجم فرهنگی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۰. مصطفوی، حسن، بی‌تا، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت - قاهره - لندن، جلد ۸، چاپ سوم، دار الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۶ش، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، گردآوردندگان: جمعی از محققان، قم، جلد ۴، ۶، ۱۰ و ۲۰، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۲. -----، ۱۳۸۳ش، فرهنگ قرآن، قم، جلد ۲۰ و ۲۲، چاپ دوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مقالات:
۳۳. ارجینی، حسین، ۱۳۸۶ش، نفی سلطه‌پذیری در سیاست خارجی دولت اسلامی، مجله تخصصی فقه و اصول، شماره ۳، ص ۱۴۹-۱۶۱.
۳۴. امام جمعه، فرهاد، ۱۳۸۳ش، آموزه‌های فرهنگ‌شناسی در قرآن کریم، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۳۳ و ۳۴، ص ۳۵-۵۹.



۳۵. امیرخانی، علی، ۱۳۸۱ش، عزت و افتخار حسینی، فصلنامه صباح، شماره ۳۴، ص ۵۵-۷۱.
۳۶. حسینی کوهساری، سید مفید، ۱۳۹۱ش، اعجاز اقتصادی قرآن کریم، تهران، اولین همایش اعجاز قرآن.
۳۷. حسینی، سید جواد، ۱۳۸۲ش، عوامل عزت در روایات معصومین، مجله مبلغان، فروردین ۱۳۸۲ش، شماره ۳۹، ص ۸-۲۰.
۳۸. حق پناه، رضا، ۱۳۸۱ش، عزت از منظر قرآن و سنت، مجله الهیات و حقوق، شماره ۴ و ۵، ص ۱۲۸-۱۵.
۳۹. رحمانی، محمد، ۱۳۸۲ش، قاعده نفی سییل از منظر فریقین، مجله طلوع، سال دوم - شماره ۶، ص ۱-۲۸.
۴۰. رهبر، فرهاد و حسن حسین زاده، ۱۳۹۴ش، تبیین ارتباط اقتدار و مرجعیت علمی و فناوری جمهوری اسلامی ایران در جهان با اقتدار و امنیت ملی براساس مبانی انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۱۲، ص ۱۳۷-۱۶۲.
۴۱. ساجدی، اکبر و دیگران، ۱۳۹۳ش، اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۷، ص ۱۱۹-۱۴۰.
۴۲. عادل، محمد صادق، ۱۳۹۱ش، گذر از فرهنگ قبیله ای به سوی فرهنگ ملی و اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی بلاغ، شماره ۳۸ و ۳۹، ص ۲۴۳-۲۷۲.
۴۳. فرهوش، محمد و دیگران، ۱۳۹۶ش، جایگاه و مؤلفه های عزت نفس در قرآن و روایات، مجله معرفت، سال بیست و ششم، شماره ۲۳۹، ص ۱۳-۲۴.
۴۴. نصرالله زاده، محمد جواد و دیگران، ۱۳۹۴ش، راهبردهای نیل به اقتدار فرهنگی به مثابه اقتدار حقیقی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۳۵-۶۸.
۴۵. هاشمی علی آبادی، سید احمد، ۱۳۹۵ش، شاخصه های فرهنگ اسلامی در نگاه

قرآن، مجله مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره اول - شماره ۲، صص ۵۰ - ۶۴.

پایگاه‌های اینترنتی:

۴۶. امام خامنه‌ای، سید علی، بیانات و سخنرانی‌ها در مناسبت‌های مختلف،

پایگاه رسمی مقام معظم رهبری،

<https://farsi.khamenei.ir/> . ۴۷

۴۸. رسلان، محمد بن سعید، بی‌تا، الموعظة التاسعة عشرة: «القرآن سبيل النصره و العزة للامة»،

<https://www.rslantext.com/Article.aspx?ID=۵۹۴>،

۵۰. محمد قطب، ۱۳۹۰ش، جامعه‌ی اسلامی چگونه جامعه‌ی ای است، مترجم: احمد حکیمی،

<http://eslahe.com/2905> . ۵۱

۵۲. مقدشی، عبدالفتاح بن آدم، ۲۰۱۷م، من الاسباب المهمة لحصول العزة للمسلمين، پایگاه طریق اسلام،

<https://ar.islamway.net/article/۷۴۶۲۶> . ۵۳

۵۴. منصوری، عباسعلی، ۱۳۹۵ش، مؤلفه‌های اقتدار هر کشور چیست؟، سایت دنیای اقتصاد،

<https://donya-e-eqtesad.com/3122195۶۲-۸۶-۴/> . ۵۵

## مستندات قرآنی و روایی توصیه ششم (عزتمندی) بیانیه گام دوم

مجتبی میرزایی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> مسعود شیرازی<sup>۲</sup>

### چکیده

حضرت آیت الله خامنه‌ای یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین رهبران دینی جهان هستند که تطبیق کلام ایشان با کلام صاحبان دین امری ضروری و بدیهی است. اساساً مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی ایران در تبعیت نمودن از فرمایشات قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، در توصیه ششم، به یک اصل کلی در روابط بین الملل جمهوری اسلامی ایران، اشاره فرموده‌اند. و این اصل را دارای سه شاخه می‌دانند، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن.

در این مقاله مستندات قرآنی و روایی شاخه عزت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب در ارتباطات بین الملل جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌های جهان تبیین شده است.

روش تحقیق تحلیلی و توصیفی و روش جمع‌آوری منابع کتابخانه‌ای است، از جمله دستاوردهای این تحقیق استخراج مستندات قرآنی عوامل، موانع و فوائد عزت ملی از منظر امام خامنه‌ای دام‌ظله و تطبیق مواضع ایشان با آیات و روایات است.

کلیدواژه: بیانیه گام دوم، مستندات قرآنی و روایی، سیاست‌های کلی روابط بین الملل، عزت ملی.

۱. سطح ۳ حوزه علمیه قم، mojtabamirzaey@yahoo.com

۲. سطح ۳ حوزه علمیه قم Nosrat1214@gmail.com

## مقدمه

راهبردها و جهت گیری های نظام مقدّس جمهوری اسلامی ایران، بر اساس سیاستهای کلیّی مقام معظم رهبری، تنظیم می شود. روابط بین الملل هم از این قاعده مستثنا نیست. بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان رهنمود ایشان برای راهبردهای گام دوم انقلاب، در بردارنده سیاست های کلیّی تعیین شده توسط ایشان در روابط بین الملل است.

این طبیعی است که در نظام مبتنی بر اسلام، رهبری نقشه راه را بر اساس آیات و روایات، برای دولت و ملت تبیین کند. مسأله ای که با مرور بیانات ایشان آن را درخواهیم یافت. اما قانون ایجاز و بیان کلیّات در موارد لازم، که راه فراری از آن نیست، مستندات روایی را که عامل تقویت قوه اعتقاد به منویات امام خامنه ای است، به مسأله ای برای پژوهش تبدیل کرده است.

در این مقاله ابتدا به بررسی مفاهیم کلیدی مرتبط با بحث می پردازیم. از جمله این مفاهیم، بررسی لغوی و اصطلاحی عزّت، حکمت، مصلحت، است. مقام معظم رهبری در متن بیانیه گام دوم انقلاب، اولین شاخه اصل عزّت، حکمت، و مصلحت در روابط بین المللی را، عزّت ملیّی می دانند؛ از همینرو ابتدا از مظاهر عزّت ملیّی، سپس عوامل عزّت ملیّی و در پایان از موانع عزّت ملیّی و مستندات قرآنی و روایی آن بحث کرده ایم.

با بررسی آیات و روایات و شواهد تاریخی مذکور در منابع قرآنی و حدیثی، مستندات عزّت ملیّی که یکی از شاخه های اصل عزّت، حکمت، و مصلحت، در روابط بین الملل است، که این اصل از سیاست های کلیّی مقام معظم رهبری در روابط بین الملل است، تبیین می گردد.

## کلیّات

## مفاهیم

درست فهمیدن عزّت، حکمت و مصلحت و ارتباطشان با روابط خارجی و بین الملل، مبتنی بر فهم ریشه ای این مفاهیم کلیدی است. برای دستیابی به فهم ریشه ای، لازم است

ابتدا این سه واژه را از جهت لغوی مورد بررسی قرار داده و سپس استعمالات قرآنی و روایی آن‌ها را واکاوی کرده و معنای اصطلاحی آن را از کلمات مقام معظم رهبری تبیین کنیم.

### عزّت

#### بررسی لغوی:

خلیل در معجم "العین"، عزّت را جامعیت نسبت به هر امری معرفی می‌کند؛ حتی چیزهایی که به جهت کمی، سخت پیدا می‌شوند (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱/۷۶).

ازهری نیز در "تهذیب اللّغة" علاوه بر ذکر این معنا، عزّت را قوّت و شدّت دانسته و می‌گوید وقتی به خداوند متعال "عزیز" اطلاق می‌شود یعنی او قوی است و بر هر چیزی غلبه دارد (ازهری، ۱۴۲۱: ۱/۶۵).

راغب اصفهانی در "مفردات الفاظ قرآن"، همراه اشاره به استعمالات قرآنی و روایی، این جمع بندی را ارائه می‌کند: عزّت حالتی است که مانع از مغلوب شدن می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۵۶۴).

جمع بندی که می‌توان در مورد معنای لغوی عزّت ارائه داد، آن چیزی است که در مقابل ذلّت است. همانگونه که ذلّت به معنای حقارت و کوچکی است و در مقابل بزرگی قرار دارد، عزّت نیز به معنای بزرگی و استعلاء نسبت به پایین دست است.

#### بررسی اصطلاحی:

"عزّت یک ملّت در سیاستهای گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولت‌ها و قدرتها این است که از استقلال رأی برخوردار باشد. دولت و نظام در مقابل قدرت‌ها آنچنان ظهور کند که نتوانند در هیچ مسئله‌ای اراده‌ی خودشان را بر او تحمیل کنند" (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7089>، ۱۳۸۸/۰۳/۱۴).

وظیفه‌ای که معنای عزّت را مشخص می‌کند و بر اساس آن باید گفت: "معنای عزّت

این است که جامعه و نظام اسلامی در هیچ یک از برخوردهای بین‌المللی‌اش نباید جوری حرکت کند که به ذلیل شدن اسلام و مسلمین منتهی بشود" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2259>).

و در مرتبه‌ای عالی‌تر "عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد" (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>).

### عزت ملی:

با توجه به اینکه "ملت ایران، عزت و سربلندی خود را از استقامت و خودباوری و نفی خودباختگی به دست آورده است" (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۷۶/۰۳/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2843>)، پاسخ به این سؤال که عزت ملی چیست؟ روشن است؛ "عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند" (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲، <https://www.leader.ir/fa/speech/5237/www.leader.ir>).

### حکمت

#### بررسی لغوی:

حکمت محصول کسب عدل و علم و حلم است (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/

۶۶).

چنین محصولی با چنین ریشه‌ای، می‌تواند انسان را از ظلم (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۹۲/۲)، و فساد (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶۸/۳)، منع کند؛ از این هم بالاتر، راهنمایی است که شخص را موعظه و به بزرگی و بزرگواری دعوت و از هر قبیحی نهی می‌کند (ابن درید، ۱۹۸۷: ۵۶۴/۱)؛ افزون بر این، حق را به علم و عقل تجهیز می‌کند و شخص را به انجام بهترین‌ها سوق می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱/۲۵۰). درنهایت می‌توان گفت: حکمت عبارت است از معرفت و شناخت بهترین‌ها؛ آن هم به وسیله بهترین دانش‌ها (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱/۴۲۰). دانشی که به آدمی کمک می‌کند افعالش را متقن و محکم انجام دهد. از این رو به کسی که توانایی تشخیص درستی کار یا عملی را دارد، حکیم گفته می‌شود.

#### بررسی اصطلاحی:

رهبری حکیم "اندیشه‌ی مستحکم را تعبیر به حکمت می‌کنند" و می‌فرمایند: "حکمت یعنی مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۵/۰۲/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2801>). استحکامی که از آن با عنوان سنجیده کار کردن (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسؤولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸، <https://www.leader.ir/fa/speech/536>)، یاد کرده و آن را "خردگرایی در کارها؛ کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهار نظر"، معرفی می‌کنند (امام خامنه‌ای، در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶، <https://www.leader.ir/fa/content/11015/%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1>).

۷۰).

#### مصلحت

بررسی لغوی:

اهل لغت مصلحت را خیر و صواب (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳ / ۳۱۷) معنا کرده‌اند و صواب را قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش و به طور کلی هر چیزی که ضد فساد است معنا کرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳ / ۳۰۳).

البته باید به دو نکته هم توجه کرد که اولاً لغویین حکمت را هر چیزی می‌دانند که انسان را از فساد منع می‌کند (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۳ / ۶۷)، لذا باید گفت که مصلحت رابطه تنگاتنگی با حکمت دارد؛ ثانیاً خلیل در کتاب العین ذیل ریشه صَلَح، صَلَح را مصالحه مردم با هم دانسته (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۳ / ۱۱۷) و از کلمه‌ای استفاده کرده که در روایات از سیره نبی مکرم اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام پرده برمی‌دارد. توضیحات تکمیلی و نمونه‌هایی از این سیره در مباحث پیش رو خواهد آمد.

#### بررسی اصطلاحی:

از بیانات رهبر معظم انقلاب برمی‌آید مصلحت، رعایت سود و منفعت ملت در اداره کشور، آن هم در ابعاد مختلف است که گاهی با اتحاد کلمه به دست می‌آید (امام خامنه‌ای، پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۸، ۱۳۷۸/۰۱/۰۱، <https://www.leader.ir/fa/content/8062/%D9%BE%D9%8A%D8%A7%D9%85-%D8%AF>) و گاهی با عدالت، جهاد و مقاومت در مقابل زیاده خواهی‌های داخلی و خارجی (امام خامنه‌ای، بازدید از دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲، <https://www.leader.ir/fa/content/2435/%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%8A-%D8%AF>)؛ و البته گاهی هم در نرمش قهرمانانه (-newspar <https://farsi.khamenei.ir>) (index?tid=4952). اگر بخواهیم مصلحت در سیاست خارجی را از منظر ایشان در یک جمله خلاصه کنیم، استفاده تام و تمام از ظرفیت‌های موجود در ارتباط با دولت‌هاست (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با رئیس جمهور موقت افغانستان و رهبران مجاهدان افغانی، ۱۳۶۸/۰۷/۱۱، <https://www.leader.ir/fa/speech/169/%D8%A8%D9%8A%D8%A7%D9%86%D8%A7%D8>





سابقه تاریخی و مستند روایی آن، می توان امروز و فردای تمدن نوین اسلامی را تا رسیدن به قله «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبة: ۳۳)، بیمه کرد. پُر واضح است که برای تحقّق این تمدن جهانی باید تلاش کنیم و برای هدفمندی این تلاش، تبیین زوایای مثلث الزامی آن، ضروری است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسؤولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸، <https://www.leader.ir/fa/speech/536/%D8%A8%D9%8A%D8%A7%D9%86%D8%A7%D8>).

### پیشینه تحقیق

از زمان صدور بیانیه گام دوم انقلاب تا کنون در حوزه مکتوبات، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده که هر کدام از زاویه‌ای خاصّ به آن نگاه کرده و به تبیین آن پرداخته‌اند. در این میان برخی از پژوهشگران توجّه به منابع روایی این بیانیه را دستور کار خود قرار داده‌اند. به عنوان نمونه مقاله ای با عنوان "تبیین و تحلیل مستندات قرآنی روایی عدالت اجتماعی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی" (زارعی رضایی محمدحسین / محمدپور اسماعیل / ۱۳۹۹ / کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب) به رشته تحریر درآمده که چنانچه در عنوان مقاله ذکر شده است، موضوع عدالت اجتماعی را موضوع برجسته در بیانیه معرفی کرده و به بیان مستندات قرآنی و روایی آن می‌پردازد.

همچنین کتاب مبانی روایی بیانیه گام دوم انقلاب (میرزایی، مجتبی / ۱۳۹۹ / عاصم) به تمامی روایات مربوط به متن بیانیه پرداخته ولی کنکاشی دقیق در مورد موضوع مقاله صورت نگرفته است.

کارهایی که تا کنون پیرامون بیانیه گام دوم انقلاب شده معمولاً بررسی نمای کلی آن با نگاه مورد نظر نویسندگان بوده است. اما در این مقاله سعی شده تا با عنایت به توصیه ششم به عنوان بخشی مهمّ و تأثیرگذار در سیاست خارجه و روابط بین الملل، بررسی دقیق‌تری رقم بخورد و شاخه اول (عزّت ملی) از سه شاخه اصل عزّت، حکمت، و مصلحت در روابط بین

الملل تبیین گردد.

### شاخه عزت ملی

عزت ملی یکی از شاخه های اصل عزت، حکمت، و مصلحت در روابط بین المللی ایران اسلامی است. مقام معظم رهبری معتقدند برای تحقق گام دوم انقلاب این شاخه باید درست و دقیق رقم بخورد و این مطلب را بعنوان توصیه ای اکید در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح می نمایند.

مقام معظم رهبری در تبیین شاخه عزت ملی، ابتدا به برخی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی اشاره می فرمایند و از عوامل و موانع تحقق عزت ملی سخن گفته اند که در ادامه به بررسی مستندات این فرمایشات می پردازیم.

### مظاهر عزت ملی

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به سه مظهر از مظاهر عزت جمهوری اسلامی اشاره می فرمایند:

#### الف) نهضت بیداری اسلامی بارزترین مظهر عزت جمهوری اسلامی:

ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم را از مصادیق عزت جمهوری اسلامی می دانند.

مقام معظم رهبری در برهه های مختلف به تعریف نهضت بیداری اسلامی پرداخته اند. ایشان بیداری اسلامی را به معنی توجه نخبگان و جوانان مسلمان به دارایی های معرفتی و معنوی خود بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم می دانند (امام خامنه ای، پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت ایام حج، ۱۳۹۹/۰۵/۱۸، <https://www.leader.ir/fa/content/24540/%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85-%D8%A8%D9%87->

ایشان بارزترین مظهر عزت جمهوری اسلامی را نهضت بیداری اسلامی می دانند و

معتقدند همانطور که الگو گیری انقلاب ایران از قیام امام حسین علیه السلام انکار نشدنی است، الگو گیری حرکت بیداری اسلامی از انقلاب ایران هم قابل انکار نیست.

ایشان در تبیین اهمیت و جایگاه انقلاب اسلامی در برابر نهضت بیداری اسلامی می‌فرمایند: "امروز شما چه بخواهید، چه نخواهید، چه خودتان بدانید، چه ندانید، چه تصدیق بکنید یا نکنید، برای بسیاری از ملت‌ها الگو و أسوه شده‌اید. این بیداری اسلامی که مشاهده می‌کنید، چه بگوئیم، چه نگوئیم، چه به رو بیاوریم، چه نیاوریم، چه دیگران به رو بیاورند، چه نیاورند، اثرگرفته‌ی از حرکت عظیم ملت ایران است. این انقلاب عظیم، این انقلاب بزرگ، این تحوّل بنیان‌برافکن سُنّتهای طاغوتی و نظام طاغوتی و نظام سلطه، ملت ایران را به یک أسوه تبدیل کرد" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از شعرا، ۱۳۹۰/۰۵/۲۵، <https://www.leader.ir/fa/speech/8459>).

مقام معظّم رهبری در تبیین عوامل وقوع نهضت بیداری اسلامی می‌فرمایند: "در هر جایی که اسلام توانسته است بر دل و جان مردم مسلط بشود، استکبار سیلی خورده و ما جدّاً معتقدیم که استکبار، بار دیگر از بیداری اسلامی در این منطقه سیلی خواهد خورد" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41007>).

ایشان درباره نهضت بیداری اسلامی پیش بینی و آینده نگری نیز دارند: افزون بر این، "گسترش موج بیداری اسلامی در دنیای امروز" (امام خامنه‌ای، پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴، <https://www.leader.ir/fa/content/7572/:D9:BE:DB:8C:D8:A7:D9:85>)، "تا قلب اروپا خواهد رفت؛ آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آن‌ها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰/۰۲/۱۴، <https://www.leader.ir/fa/content/7572/:D9:BE:DB:8C:D8:A7:D9:85>).

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12400>. این‌ها همه امتداد و عمق حرکت و انقلاب مردم ایران است. به همین خاطر "سخنگویان جبهه‌ی استکبار و ارتجاع حتی از به زبان آوردن نام آن نیز پرهیز می‌کنند و می‌ترسند" (امام خامنه‌ای، بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>).

در راستای همین آینده‌نگری است که رهبر انقلاب ایران، در دو نامه که یکی به جوانان اروپا و آمریکای شمالی در سال ۹۳ و دیگری خطاب به عموم جوانان در کشورهای غربی در سال ۹۴، در مورد اسلام و به طور خاص، درباره تصویر و چهره‌ای که از اسلام به جوانان اروپایی نشان می‌دهند و راجع به درد مشترک تروریسم و چاره‌اندیشی برای آینده‌ای با امنیت بیشتر طرح گردیده است.

آری انقلابی که با شعار استکبار ستیزی، صدایش را در هیبت فریاد به جهان رساند، امروز همان فریاد را در جای جای جهان اسلام از زبان ملت‌های مختلف به گوش مستکبرین رسانده است. پژواکی که توان و قدرت پابرهنگان شده و ترس و دلهره را در دل قدرت‌های زورگو قرار داده است؛ و این همان عزتی است که بیداری اسلامی مظهر آنست.

اگرچه برخی قائلند به اینکه تعیین تاریخی دقیق برای آغاز بیداری اسلامی کاری مشکل است و نمی‌توان خاستگاه تاریخی مشخصی را برای آن در نظر گرفت و لکن با عنایت به مفهوم بیداری اسلامی می‌توان گفت جریانی که امروز به عنوان عزت ایران اسلامی به دنیای اسلام صادر شده است، ریشه در جریان بیداری مردم در صدر اسلام دارد. به تعبیر بهتر می‌توان گفت نقطه ابتدایی سلسله بیداری اسلامی، بعثت رسول خدا ﷺ و حوادث پس از آن است.

حضرت صدیقۀ طاهره علیها السلام در خطبه فدکیه به همین نکته اشاره کرده و یادآوری می‌کنند که عزت و عظمت حکومت اسلامی، نتیجه بیدارگری‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹/۲۲۱). درباره شیوه زندگی مردمان در زمان ظهور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و روش برخورد آن حضرت با این اوضاع، با استشهاد به آیه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ»

(توبه: ۱۲۸) می‌فرماید: پیامبری از خود شما برایتان آمد که آنچه شما را به زحمت می‌انداخت بر او دشوار بود، نسبت به [خیر و صلاح] شما علاقه شدید داشت، و به ایمان آورندگان مهربان و دلسوز بود.

اساساً حرکت خود ایشان هم در مسیر بیداری اسلامی بود. مسیری که نتیجه اش قرار گرفتن حکومت در دستان ولایت بود. جریانی که نه در زمان خود بلکه در زمان عثمان و با مرگ او مردم را چنان بیدار کرد که برای درک عدالت راهی جز رفتن به در خانه امیرالمومنین علیه السلام نداشتند. راهی که به دست خوارج و در نهایت مکر و حيله معاویه به انحراف کشیده شد. ولی مدتی بعد از آن با خون اباعبدالله علیه السلام دوباره خون بیداری در جامعه اسلامی تزریق و قیام‌های متعددی را رقم زد. قیام‌هایی که در فراز و نشیب‌های تاریخ با حضور مصلحی آغاز<sup>۱</sup> و در نهایت پیروزی آن به نام ایران اسلامی ثبت شد.

#### ب) شکست سیاست‌های آمریکا:

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه را دومین مظهر عزت جمهوری اسلامی می‌دانند.

سال‌های ابتدایی پس از هجرت و وقوع غزوات و سریه‌های مختلف در آن‌ها سال‌هایی

۱. ناکامی دولت عثمانی در فتح وین (۱۰۹۴ق/۱۶۸۳م) و افتادن آرف به دست روسیه (۱۱۰۸ق/۱۶۹۶م) و انعقاد قرارداد کارلوویتس (۱۱۱۱ق/۱۶۹۹م) میان روسیه و عثمانی (که برای نخستین بار عثمانی به عنوان دولتی شکست خورده قراردادی را امضاء می‌کرد) و سرانجام، از دست دادن شبه‌جزیره مسلمان‌نشین کریمه (۱۲۷۲ق/۱۸۵۶م)؛ و شکست ایران در برابر روسیه، از دست رفتن بخشی از آذربایجان و متصرفات ایران در قفقاز و امضای دو معاهده گلستان (۱۲۲۸ق/۱۸۱۳م) و ترکمانچای (۱۲۴۳ق/۱۸۲۸م)؛ و حمله ناپلئون به مصر (۱۲۱۳ق/۱۷۹۸م) و شام (۱۷۹۹م)؛ و تسلط استعمار انگلستان بر شبه قاره هند و شکست مقاومت مسلحانه مسلمانان هند در برابر انگلستان در نبرد پلاسی (۱۱۷۰ق/۱۷۵۷م) از مهم‌ترین حوادثی است که با حضور یک مصلح، موجب آشنایی مردم این سرزمین‌ها با تمدن و بیداری آنان شد. (برگرفته از: ولایتی، علی اکبر. بیداری اسلامی. دائرة المعارف بزرگ اسلامی. ۱۳)

پراز عبرت و درس است. روزی پیروزی بزرگی مثل بدر و روزی غم از دست دادن بزرگی مثل حمزه سیدالشهداء، فراز و نشیب‌هایی را برای مسلمانان رقم زد که مرور آن به معنایی راه نمای امروز ماست.

بعد از آنکه قریش در روز بدر شکست خورد، و فراری‌های آنها به مکه برگشتند، و از آن طرف ابو سفیان هم با مال التجاره‌اش به مکه برگشت عبد الله بن ربیع و عکرمه بن ابی جهل و صفوان بن امیه به اتفاق عده‌ای از مردان قریش به سر وقت يك يك افرادی که مال التجاره داشتند رفته و گفتند: ای قریش! محمد شما را بی کس کرد و نیکان شما را کشت، بیائید و با این اموال ما را علیه او یاری کنید، باشد که ما از او تلافی نموده و انتقام بگیریم، صاحبان اموال نیز پذیرفتند، و به گفته ابن عباس آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ» (الأنفال: ۳۶) در این باره نازل شد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۸۷/۹).

امروز هم شاهد این هستیم که آمریکا پس از کوتاهی دستش از سلطه بر منابع مادی و انسانی ایران، برای بازگشت به دوران طاغوت و استکبار، هزینه‌های سنگینی را روی دوش ملت و هم پیمانان خود تحمیل کرده و می‌کند.

رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که در این منطقه‌ی غرب آسیا هفت تریلیون دلار پول خرج کرده‌اند! خودش می‌گوید که صحبت میلیون و میلیارد نیست، صحبت تریلیون است. «هفت تریلیون دلار ما در این منطقه خرج کرده‌ایم و چیزی دستمان نیامد»، این را خود او می‌گوید؛ این معنایش شکست است؛ آمریکا در منطقه شکست خورده است. شیطان بزرگ با آن همه تلاش و وسوسه و دمدمه نتوانسته است به مقصود خود در این منطقه برسد (امام خامنه‌ای، خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۷/۰۳/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39933>).

ج) گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه:

سومین مظهر از مظاهر عزت جمهوری اسلامی که در بیانیه گام دوم انقلاب بدان اشاره

شده است، عبارت است از: گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

مقام معظم رهبری معتقدند "اقتدار و حقانیت" دو مؤلفه‌ای هستند که امروز ما به آن احتیاج داریم. چون در راه حق حرکت می‌کنیم، به اقتدار نیازمندیم. تاریخ، این نمایشگر سرگذشت‌ها، بستر ظهور و بروز حوادثی بوده که گواه ادعای ایشان است. مباحثه، نزول سوره هل آتی، عید بزرگ غدیر و... نمونه‌هایی از مظاهر اقتدار و حقانیتند. "در واقع مظهر اطمینان و اقتدار ایمانی و تکیه‌ی بر حقانیت است و این، آن چیزی است که ما همیشه به آن احتیاج داریم" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40421>).

شجره طیبه انقلاب در حال پیشرفت است؛ این رجزخوانی نیست. انقلاب و مبانی انقلابی در حال پیشرفت است. در زمینه‌های مختلف به ویژه در "زمینه‌ی عزت سیاسی پیشرفت داریم". برای این پیشرفت‌ها مظاهری در تاریخ ثبت و ضبط شده است که باید به آن‌ها پرداخت (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40421>).

یکی از ابزارهای اقتدار ملی ما همین حضور قدرتمندانه‌ی جمهوری اسلامی در منطقه است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۶/۱۰/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38675>). از آن طرف "می‌بینیم استکبار با هزینه‌های سنگینی که در منطقه‌ی غرب آسیا - منطقه‌ی ما - انجام داده است، تا امروز ناکام بوده!" این دو در کنار هم یعنی می‌توان به قدرت معنوی ایمانی اعتماد و تکیه کرد و به آینده امیدوار بود (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۳۹۸/۰۸/۰۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43866>).

اقتدار و امید برآمده از ایمان، راهبرد پرتکرار نبی مکرم اسلام ﷺ است که می‌توان از آن با عنوان راهبرد اسلام در سیاست خارجی یاد کرد.



در صدر اسلام حکومت نوپای آن، دشمنان آشکار و پنهانی در درون و بیرون مدینه داشت و باید توان حکومت به رخ آنان کشیده می شد تا امنیت مردم را تهدید نکنند. از سویی دیگر قریش نیز نمی توانست گسترش اسلام را بپذیرد و دیر یا زود تمامی توان و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را برای آسیب زدن به حکومت دینی به کار میبایست. پس میبایست برای ناتوان سازی قریش تدبیر می شد. پیامبر با اعزام سرایایی<sup>۱</sup> مسیر تجاری قریش به شام را که نقش بسیار مهمی در قدرت آنان داشت از سیطره کامل ایشان درآورد. این روند هم ضربه ای اقتصادی به آنان وارد می کرد و هم اهرم فشار سیاسی خوبی بود و می توانست با ایجاد شوک برنامه ریزی آنان را در هم بریزد یا آنان را به مدارا با حکومت اسلامی وا دارد. اعزام این گروه های نظامی ثمرات دیگری چون تقویت روحیه جهاد گری مسلمانان، شناخت منطقه و ایجاد ارتباط مثبت با همسایگان را نیز داشت (مونس، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۶۹).

از جمله این سرایا، سریه سعد بن ابی وقاص بود که پیامبر وی را به همراه بیست و یک نفر از مهاجران، با هدف اعلام حضور نظامی مسلمانان در منطقه، برای تعقیب قریشیان به جنوب اعزام کردند. یاران رسول خدا با پیمودن مسافت طولانی مدینه تا منطقه خزّار ضمن نشان دادن محدوده اقتدار حکومت نوپای اسلام، مسیر تجارت مشرکین را نا امن کرده و آنان را فراری دادند (مونس، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۷۶).

علاوه بر این سرایا که به فرماندهی یاران حضرت صورت می گرفت، غزواتی که خود ایشان آن ها را فرماندهی می کردند هم با هدف نمایش اقتدار اسلام و مسلمین صورت می گرفت. از میان این غزوات می توان غزوه بواط و ذوالعشیره را نام برد که در آنها، قدرت نمایی در منطقه، رکن آن ها به شمار می رفت (مونس، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۸۰). این حضور مقتدرانه اسلام در منطقه باعث شد تا کفار و مشرکین، مسلمان ها را به عنوان یک قدرت مؤثر در منطقه بشناسند و پیامبر به هدفشان، که قطع دست مستکبرین قریش از منطقه بود، برسند.

---

۱. سرایا: جمع سریه؛ به جنگ هایی در دوره پیامبر اکرم ﷺ اطلاق می شود که بدون حضور مستقیم ایشان و به فرماندهی یکی از اصحاب بوده است.

البته اعزازهای نبی مکرم اسلام به اعزازهای نظامی منحصر نبود. در مواردی حضرت مبلغینی را برای تبلیغ اسلام اعزام می‌کردند که این اعزازها هم به نوبه خود سهم به سزایی در روابط بین‌المللی داشت. به عنوان نمونه هجرت به حبشه گام نخست در تبلیغ برون مرزی اسلام بود. اساساً هجرت شخص جعفر بن ابی طالب، نشان می‌دهد پیامبر به تبلیغ بین‌المللی اسلام نیز توجه داشته‌اند (مونس، ۱۳۷۵: ۲/۱۱۲).

امروز هم که حضور قدرمندان نظام اسلامی در غرب آسیا، با نام و یاد فرمانده بزرگ سپاه اسلام شهید سلیمانی رقم خورده است، یادآور تدبیرهای حکیمانه رسول خداست. "او<sup>۱</sup> به کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد، توانست هم‌هی نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا را خنثی کند. این آدم توانست در مقابل هم‌هی نقشه‌هایی که با پول، با تشکیلات تبلیغاتی وسیع آمریکایی، با توانایی‌های دیپلماسی آمریکایی، زورگویی‌هایی که آمریکایی‌ها روی سیاستمداران دنیا بخصوص کشورهای ضعیف دارند، تهیه شده بود قد علم کند و این نقشه‌ها را در این منطقه‌ی غرب آسیا خنثی کند" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>، و پیام معنوی انقلاب که همان دفاع از مظلومان و کیان اسلام بود را به گوش جهانیان برساند.

### عوامل عزت ملی

تا اینجا براساس کلمات رهبری مشخص گردید که عزت ملی چه مصادیقی دارد. اکنون این سؤال مطرح است که چه عواملی منجر به تحقق عزت ملی می‌شوند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به سه عامل عزت جمهوری اسلامی اشاره می‌فرماید: این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید.

۱. شهید سپهبد قاسم سلیمانی

## الف) وجود مدیران جهادی

رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی نوروزی در حرم مطهر رضوی ضمن اشاره به وجود ضعف در مدیریت کشور فرمودند: "ما هرجا یک مدیریت انقلابی فعال پُر تحرک داشتیم، کار پیش رفته است؛ اگر مدیریت در بخش‌های مختلف کشور، متدین، انقلابی و کارآمد باشد، همه‌ی مشکلات کشور حل خواهد شد" (امام خامنه‌ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۰۱/۰۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36091>). ایشان در بیاناتشان تحقیر صدام به دست فرماندهان جهادی دفاع مقدّس، دستیابی به دانش هسته‌ای توسط دانشمندان جوان و دستاوردهای علمی و نظامی فراوان مثل دستاوردهای پژوهشگاه رویان، را مصادیقی از مدیریت جهادی دانسته و افرادی مثل مرحوم کاظمی آشتیانی<sup>۱</sup>، شهیدان رضایی نژاد، علی محمدی، احمدی روشن<sup>۲</sup> و تهرانی مقدم<sup>۳</sup> و اخیراً آقای رئیسی را الگوی مدیر جهادی معرفی کرده‌اند. بررسی شخصیت این مدیران جهادی ملاک‌هایی که مدّ نظر رهبری است را روشن‌تر می‌کند. ایمان، تقوا، توکل، توسّل، شجاعت، رعایت اتقان در کارها، تکیه بر اصل "ما می‌توانیم"، ابتکار و نوآوری، ویژگی‌هایی است که کارآمدی مدیریت جهادی را در این مردان میدان علم و عمل ایجاد کرده بود (<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5386>). ملاک‌هایی که ریشه در آیات و روایات دارند.

---

۱. مثل مرحوم کاظمی آشتیانی که این سلول‌های بنیادی و این تشکیلات عظیم را راه انداخت و انسانهای زیادی را تربیت کرد - همکارانش هم همان‌جور هستند؛ (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28344>).

۲. همان

۳. در دفاع مقدّس نیاز داشتیم به خیلی چیزها و در اختیارمان نبود، امکاناتش را نداشتیم و نیروهای مؤمن، فداکار رفتند به فکر اینکه درست کنند. مثلاً فرض کنید مرحوم شهید حسن [تهرانی]مقدم در همان اوقات، در یک بخشی این ماجرای موشک‌سازی را به یک شکلی راه انداخته بود. (امام خامنه‌ای، بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدّس، ۱۳۹۹/۰۶/۳۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46525>).

از دستورات قطعی اسلام است که «إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقِن» (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰ / ۲۳۰)؛ اتقان به معنای درست و کامل به سامان رساندن کارها است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3289>، اطاعت این دستور دو اثر مطلوب برای ما به ارمغان می‌آورد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ» (صدوق، قرن چهارم قمری: ۳۸۵) اولاً جلب محبت الهی می‌کند؛ ثانیاً ویژگی‌هایی خاصی به همراه دارد که در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران به آن‌ها اشاره شده است: صبر و تقوی و عزم راسخ بر انجام کارهای محکم و قابل اطمینان (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۳ / ۲۰۵).

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴). پیام آیه در موضوع مدیریت جهادی این است که به مدیری نیاز داریم که مدیریت انقلابی با تمام ملاک‌های آن خُلُق و خو و روحیه او شده باشد؛ و این حاصل نمی‌شود مگر با تمرین و تکرار و تلاش.

اساساً "معیار جهاد، شمشیر و میدان جنگ نیست. معیار جهاد، همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه «مبارزه» وجود دارد. فلانی آدم مبارزی است؛ فلانی آدم مبارزی نیست. نویسنده مبارز؛ نویسنده غیرمبارز. عالم مبارز؛ عالم غیر مبارز. دانشجوی مبارز و طلبه مبارز؛ دانشجوی غیر مبارز و طلبه غیر مبارز. جامعه مبارز و جامعه غیرمبارز. پس، جهاد یعنی «مبارزه»" (امام خامنه‌ای، بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۳/۰۶/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2723>). مبارزه در کجا معنا پیدا می‌کند؟ در مقابل دشمن. سؤال دیگر اینست که چه ویژگی‌هایی دارد؟ پاسخ اینست که در آن جدیت و تلاش است. لذا قرآن کریم با اشاره به همین ویژگی‌ها می‌فرماید: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَىٰ الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء: ۹۵).

#### ب) شجاعت مدیران جهادی

دوران پس از بعثت و قبل از هجرت، شاهد یکی از الگوهای شجاعت در مدیریت است. شخصیت بزرگی مثل ابوطالب که حمایت از پیامبر اسلام را وظیفه خود می‌دانست،

با همین هدف جریانی را راه اندازی و مدیریت می‌کرد. نمود این جریان را می‌توان در خدمات وی مشاهده کرد.

	خدمات ابوطالب به پیامبر پس از بعثت
۱	حمایت از ایشان در مجلس انذار و دعوت خویشاوندان.
۲	انتقاد شدید از دو برادرش ابولهب و عباس که پیامبر را تکذیب کرده بودند و سرودن شعر در تصدیق پیامبر
۳	برخورد جدی با اهانت کنندگان و آزاردهندگان به پیامبر مثل عبدالله بن زبیری
۴	تهدید شدید کفار با تصمیم به حرکت مسلحانه و سرکوبی آنان در جریان اسراء
۵	پاسداری از پیامبر در تمام شب‌ها هنگام محاصره شعب.
۶	خواباندن حضرت علی به جای پیامبر در دوران محاصره شعب
۷	پاسخ منفی به درخواست های قریش مبنی بر تسلیم کردن پیامبر در مقابل وعده های گوناگون.
۸	وصیت و تشویق قریشیان به حمایت و پیروی از پیامبر اکرم هنگام وفات
۹	همراهی تبلیغی با پیامبر از قبیل دعوت فرزندش جعفر، همسرش فاطمه و حاکم حبشه به اسلام.
۱۰	نامه هایی به پادشاه حبشه در دعوت به اسلام و تشکر از حمایت های او از مسلمانان مهاجر.
۱۱	پشتیبانی مالی از پیامبر و مسلمانان در عرصه های مختلف.
۱۲	مدیریت نیرومند و آگاهانه در دوران محاصره و پایان بخشی هوشمندانه آن.
۱۳	سرودن اشعار ادبی و حماسی در دفاع از پیامبر اکرم در مواقع متعدد.

شخصیتی که وقتی پیامبر به معراج رفته بودند و ایشان را در شهر نیافت، هفتاد مرد مسلح از بنی عبدالمطلب را گردآورد تا با قریش برخورد کند. حتی وقتی پیامبر را سالم یافت، دست از اعلام برنامه حمایتی خود از پیامبر برداشت و قریش را تهدید کرد و رُعب و وحشتی شدید در دل آن‌ها انداخت (حسین مونس، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۱۸ - ۱۳۴).

نمونه‌ای دیگر از این شجاعت، درسیره علوی برجسته است. امیرالمومنین علیه السلام در جریان جنگ صفین برای مدیریت صفوف لشکر در مقابل دشمن، ضمن قرائت این آیه: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُومٌ» (صف: ۴)، خطاب به سپاهیان خود خصوصیتی را بر می‌شمارند که از ویژگی‌های مدیر شجاع حکایت می‌کند. گویا حضرت با برشمردن این ویژگی‌ها به تک تک رزمندگان سپاه اسلام می‌فرمایند در هر جا

و هر مقامی که هستید، باید صحنه نبرد را در محدوده پیش روی خود مدیریت کنید. این مدیریت هم باید شجاعانه باشد. دستوراتی می دهند که نتیجه اش، وقار و دوری از سستی است؛ در ادامه می فرمایند پرچم را به دست شجاعان خود دهید؛ دلیرانی که جانانه از آن دفاع می کنند (نصر بن مزاحم، ۱۳۶۴: ۲۳۵) نه تنها مدیران جامعه اسلامی بلکه هر کس، در هر جایی که وظیفه ای بر عهده و پرچمی به دست دارد، باید از شجاعت برخوردار باشد.

همان طور که امیرالمومنین علیه السلام یاران خود را به بکارگیری پرچم داران شجاع دعوت می کنند، امام خامنه ای هم در سیاست خارجی به عنوان خط مقدم روابط خارجی، قائل به این هستند که به مدیرانی نیاز داریم که شجاعت و اعتماد به نفس لازم را داشته باشند. چرا که "آن ملت‌هایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده‌ی علت این بود که مسئولان - پیشروان قافله‌ی ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>).

### ج) هوشیاری در عمل به حکمت و مصلحت

در عرصه سیاست خارجی که مدیر جهادی در ارتباط با دنیا و به خصوص در ارتباط با دنیای غرب است، باید به آیه ۱۲۰ سوره بقره و آیات ابتدایی سوره ممتحنه دقت ویژه داشته باشیم. آیاتی که حکمت مدیران جهادی را تفسیر می کنند. مقام معظم رهبری می فرمایند: وقتی از حکمت صحبت می کنیم، یعنی رعایت مصلحت (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2259>) این آیات حکمت و مصلحت را روشن و باید‌ها و نبایدهای آن را مشخص کرده‌اند.

به نص صریح قرآن که می فرماید: «وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰)، مدیر حکیم کسی است که اصرار بر جلب رضایت دشمن نداشته باشد. دشمنان اسلام و انقلاب ثابت کرده‌اند که تا بر ظرفیت‌های عظیم مادی ما مسلط

نشوند، کوتاه نخواهند آمد. چنانچه در چند سال اخیر در جریان مذاکرات هسته‌ای دیدیم قدرت‌هایی که دیروز در جای جای جهان در استثمار بودند و در طول تاریخ دستشان به خون آلوده بوده، نه تنها به برج‌های ما خسارات فراوانی داشت، پایبند نبودند، بلکه تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران را تمدید و تشدید و ثابت کردند مصلحتی که در لغت، تصالح النَّاس<sup>۱</sup> ترجمه شد، معنایش زیر بار پذیرش‌های ذلیلانه رفتن نیست. به تعبیر سوره ممتحنه دست‌هایی که از سوی چنین مستکبرینی به سوی شما دراز می‌شود، دست‌های بدی هستند. این یعنی هوشیاری در عمل به حکمت و مصلحت. باید بدانیم که اگر در موردی مثل حزب الله، حکمت و مصلحت یعنی کمک‌های همه‌جانبه، در مورد غرب یعنی مقاومت و ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی. این درسی است که از سیره نبوی بدست می‌آید.

پیامبر اکرم در غزوه حدیبیه (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۸/۱۰/۰۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2985>)، از طرفی دستور دادند کسی با خود سلاحی غیر از سلاح مسافر حمل نکند، از طرفی برای پیشگیری از حمله احتمالی قریش، بیست نفر از یاران خود را برای ارزیابی منطقه و حضور دشمن و قدرت نمایی مسلمانان به عنوان یک راهبرد نظامی اعزام کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۳۲۲ - ۳۲۷). با این حال با تدبیرهای نبوی مکرم اسلام صلح بر اساس اقتدار و عزت اسلام شکل گرفت. برخی از آثار و برکات قرآننامه حدیبیه از قبیل پذیرش قدرت سیاسی و نظامی اسلام توسط قریش و از همه مهم‌تر زمینه‌سازی برای فتح مکه، آشکارا پیروزی و فتح اسلام را فریاد می‌زد. نزول سوره فتح در بازگشت از این غزوه و معرّفی صلح حدیبیه به عنوان «فتح مبین»، نشان از پیروزی الگوی مدیریت حکیمانه است (واقدی، ۱۹۸۹: ۲/۶۱۷ - ۶۲۳). الگویی که در نهایت کمال، با نقض طرف مقابل، از موضع قدرت، عکس‌العمل مناسب را نشان داده است. قریش کمتر از دو سال، بند اول عهدنامه را نقض کرد و پیامبر ضمن عدم پذیرش

عذر خواهی شخص ابوسفیان به عنوان نماینده قریش، در اندک مدتی، با سپاهی انبوه، که در زمان صلح و گسترش اسلام گردآمده بودند، عازم فتح مکه شدند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲/ ۲۳۹-۲۴۴).

عملکرد سفیر شجاع و کاردان اسلام در حبشه، الگوی دیگری در حکمت مدیر جهادی است. جناب جعفر بن ابی طالب، در برخورد با فرمانروای حبشه و کشیشان دربار چنان از آیات قرآن استفاده کرد که به ارج و قُرب والایی دست یافت. تا آنجا که وقتی قریش به خاطر نگرانی از رشد بُعد بین المللی اسلام برای حبشیان هدایایی بردند که مسلمانان را تحویل بگیرند، نجاشی نپذیرفت و فرستادگان قریش را اخراج کرد (حسین مونس، ۱۳۷۵: ۱۱۲/۲-۱۱۳).

تاریخ اسلام شهادت می‌دهد که اگر امروز امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم به حکمت مدیران جهادی اشاره می‌کنند به خاطر اینست که مظاهری مثل حضور قدرتمندانه در منطقه و عزت، با این ویژگی است که به دست می‌آید.

#### موانع عزت ملی

مقام معظّم رهبری در متن بیانیه گام دوم به برخی از موانع تحقق عزت ملی اشاره می‌فرمایند. ایشان سردمداران نظام سلطه را نگران وقوع عزت ملی می‌دانند. از همینرو این افراد دست به پیشنهادهایی عموماً فریب و خُدعه و دروغ می‌زنند.

آری هر چیزی آفتی دارد که مایه فساد آن می‌شود و فساد همان چیزی است که مانع از ایصال به هدف است. ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان هدف مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب، در مسیر پیش روی خود موانعی دارد که برای رفع و دفع آن‌ها باید شناخته شوند.

#### الف) وجود سردمداران نظام سلطه

نظام سلطه یعنی اینکه چند قدرت دست یافته‌ی به توانایی مادی و سلاح و پول و امثال این‌ها بخواهند بر دنیا حکومت کنند؛ یعنی آن نظام بین‌المللی‌ای که متکی است به



تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25260>). در واقع اینان پیروان فرعونی هستند که در صدد برتری جویی در عالم هستند. همان‌هایی که در روایت به عنوان دشمن معرفی شده‌اند:

«وَإِنَّ عَدُوَّنَا يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - عَلَى سُنَّةِ فِرْعَوْنَ وَ أَشْيَاعِهِ، فَلْيَقْرَأْ هُوَ لِآيَةِ: إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ» (حسکانی، ۱۳۸۰: ۱/۵۵۷).

نظام سلطه را باید با تمام ابعاد و لایه‌ها و اهداف و راهبردهای واقعی آن شناخت و تحلیل کرد. جنگ‌های دنیا در این دو سه قرن اخیر، غالباً تحت تأثیر نفوذ نظام سلطه بوده؛ یا خودشان با کسی جنگ داشتند یا دو گروه را به جنگ هم انداختند برای اینکه سود ببرند. پس علاوه بر اینکه جنگ افروز است، فقراًفرین است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۰۶/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24033>). ثروتمندان سلطه‌گر هستند که با ممانعت از دستیابی فقرا به منابع مادی، گرسنگی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورند. از این رو امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ غَنِيٌّ» (حرعاملی، ۱۳۸۶: ۹/۲۹)، یعنی گرسنگی فقرا نتیجه سلطه ثروتمندان است. "یعنی هر جا شما دیدید ثروت انباشته‌ای به وجود آمده، بدانید در کنارش حقوق ضایع شده‌ی فراوانی وجود دارد" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3149>).

### ب) پیشنهادهایی بر اساس دروغ و فریب

امروز چهره واقعی آمریکا به عنوان تجسم استکبار برای همه روشن است. رفتار او در افغانستان و عراق و سوریه و... از دروغ ایجاد امنیت و رفاه برای ملت‌ها پرده برداشته و دیگر حنای خیرخواهی شیطان بزرگ و ایادی غربی‌اش بین ملت‌ها رنگی ندارد. با توجه به اینکه برخی از دولت‌ها و دولتمردان نمی‌خواهند این حقیقت آشکار را بپذیرند، باید تاریخ را برای

امروزمان مرور کنیم.

معاویه برای اینکه بتواند با استفاده از جهل مردم به تسلط بر آن‌ها دست یابد، از حيله‌ها و دروغ‌هایی که نمونه آن را در تبلیغات رسانه ای غرب و به ویژه آمریکا می‌توان دید، بهره برد. امروز اجماع جهانی علیه ایران که رهبر انقلاب از آن با عنوان خُدعه تبلیغاتی یاد کردند، آینه‌نامه ایست که معاویه به قیس بن سعد فرستاد و به دروغ همراهی او را اعلام کرد؛ و یا به روز شده رفتار او با شُرَحِبیل است (ابن ابی الحدید، ۶۴۹ق: ۱/ ۱۲۹). این، عکس همان مسأله ایست که در سلوک سیاسی امیرالمومنین علیه السلام به آن اشاره شده است: به خدا قسم معاویه زیرک‌تر از من نیست، ولی او خیانت می‌ورزد و گناه می‌کند، و اگر غدر و مکر، نکوهیده نبود، من از زیرک‌ترین مردمان بودم، ولی هر نیزنگی معصیت است، و هر معصیتی نوعی کفر (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۲۲۰).

### ج) سادگی مدیران و اسارت آن‌ها در دام خُدعه و نیزنگ ظالمان

در طول تاریخ، رنج‌نامه‌ها از درد و رنج و دل شکسته‌ی پر از غم و اندوه حکایت کرده اند؛ حکایت سادگی، زودباوری، سطحی‌نگری و غفلت از توطئه‌ها و شیطنت‌ها. گاهی این سادگی کار را به جایی می‌رساند که رهبری مجبور می‌شود حاصل عُمر خویش را از سِمَتش برکنار کند و به او بگوید: از آنجا که ساده لوح هستی و سریعاً تحریک می‌شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید؛ شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد (امام خمینی، ۱۳۷۸ش: ۲۱/ ۳۳۰). ضربات سادگی به اسلام و انقلاب آنقدر سنگین است که نیاز به طلب مغفرت از خداوند متعال دارد؛ تا جایی که در صورت استغفار شاید خدا کمک کند (امام خمینی، ۱۳۷۸ش: ۲۱/ ۳۳۰).

ابوموسی اشعری در جریان جنگ صفین و حکمیت تحمیلی‌اش بر امیرالمومنین علیه السلام، به خاطر سادگی، در دام فریب و نیزنگ عمرو عاص افتاد و شد آنچه نباید می‌شد. درآوردن انگشتی و عزل امیر علیه السلام چنان ضربه‌ای زد که کمترین اثرش، شکل‌گیری جریان خوارج بود.

۱. رنج‌نامه نام مفصل سیداحمد خمینی پس از برکناری آیت الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری به اوست.

خوارچی که جنایاتشان دل تاریخ را به درد آورده و پر خون کرده است.

اما در مقابل این اسلام آمریکایی، اسلام اصیل علوی است که مؤمن را کَیْس و زیرک می‌داند: فَقَالَ ﷺ يَا هَمَّامُ الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۲۲۷).

امروز مدیرانی که از روی کیاست، اهل بصیرت و صبر هستند می‌توانند "در برابر مجموعه قدرت مادی جهان و امپراطوری خطرناک غربی‌ها به مقابله برخاسته" و این علم را بلند کنند: وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۲۴۸)

فواید عزت ملی

الف) برخورد حکیمانه، مصلحت جویانه و رعایت عزت کشور و ملت در همه حال:

مواضع انقلابی یعنی تصریح به مبانی امام عجل الله فرجه و خجالت نکشیدن و رودربایسی نکردن (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴، نقشه طراحی شده توسط دشمن (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30598>)؛ در یک جمله قرار نگرفتن در نقشه طراحی شده توسط دشمن (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30598>). همان کاری که جعفرین ابی طالب در مقابل درخواست کفار قریش از پادشاه حبشه انجام داد. وی در سخنان خود، پیشینه فسق و فجور و ظلم‌های موجود در جامعه جاهلی را مطرح و نقش اسلام را در دور ساختن آن‌ها از بُت پرستی و آلودگی‌ها بیان و نظر نجاشی را به آئین اسلام جلب کرد (مؤنس، ۱۳۸۵: ۲/۱۳۸۵).

---

۱. همام صحابه‌ی حضرت امیر عجل الله فرجه، شخصیتی پارسا، متعهد و مجتهد بوده که از ایشان درخواست میکند صفات متقین را، باز گوید؛ امام صادق عجل الله فرجه می‌فرمایند هنگامی که علی عجل الله فرجه خطبه می‌خواندند، همام بلند شد و عرض کرد: مومن را برای ما توصیف کنید طوری که گویا او را می‌بینیم. فَقَالَ يَا هَمَّامُ الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۲۲۷).

(۱۱۲) تا آنجا که نجاشی گفت: "عقیده درست همین است" و به مسلمانان آزادی کامل داد. رعایت موضع انقلابی توسط جعفر برای جامعه اسلامی آن قدر مهم و اثر بخش بود که در زمان بازگشتش از حبشه که پس از فتح خیبر واقع شد، رسول خدا فرمودند: نمی دانم از آمدن جعفر مسرورترم یا از فتح خیبر (مؤنس، ۱۳۸۵: ۱۱۲/۲).

این همان برخورد حکیمانه، مصلحت جویانه و رعایت عزت کشور و ملت در همه حال است که در توصیه ششم بیانیه گام دوم انقلاب آمده است. برخوردی که امروز و در اوج بدعهدی‌های کدخدای غربی‌ها، به شدت در سیاست خارجی باید پررنگ‌تر از گذشته باشد.

#### ب) حفظ ارزش‌های انقلابی و ملی

حفظ جهت‌گیری و روحیه‌ی انقلابی و دینی در دیپلماسی، از مهم‌ترین هنجارهای ملی، یعنی هنجارهای برآمده از انقلاب است. این پایبندی باعث تشخص و برانگیختن احترام دیگران می‌شود، ضمن اینکه این کار با استفاده از نرمش‌ها و پیچش‌ها و طتازی‌های هنر دیپلماسی منافاتی ندارد (امام خامنه‌ای، دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت با رهبر انقلاب، ۱۳۹۶/۰۶/۰۴، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=37490>).

مُصَعَب بن عُمیر، شهیدی که پس از شهادتش در غزوه أُحُد، پیامبر بر بالای پیکرش حاضر شد و این آیه قرآن را تلاوت فرمودند: *مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ؛* از مؤمنان مردانی‌اند که آنچه را با خدا بر سر آن پیمان بستند (که در جنگ تا مرگ ثابت قدم باشند) به مرحله صدق درآوردند، پس برخی از آنها به نذر خویش وفا کردند (شهید شدند) و برخی از آنان انتظار می‌کشند. (احزاب: ۳۳).

مُصَعَب از جمله کسانی بود که بعد از پیمان عقبه نزد قوم خود آمده و تبلیغ را با کسانی که زمینه هدایت بیشتری داشتند آغاز نمود. برخورد نرم و حکیمانه او باعث شد سعد بن معاذ، از بزرگان یثرب و مخالفان تبلیغ دینی که به تازگی ظهور کرده، حاضر به شنیدن آیات قرآن شود. بدین ترتیب مؤمنان یثرب که تبلیغ دینشان آرام و پنهانی بود، کم کم به اجتماعی

بدل شدند که سرانجام زمینه هجرت پیامبر به مدینه را فراهم ساختند (مؤنس، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۶۴ و ۱۶۵).

این همان مسیر امامت است که حضرت رضا علیه السلام به تصویر کشیدند. ابن مسلم می‌گوید در مرو خدمت امام رضا علیه السلام بودیم. از ایشان در مورد امامت سؤال کردم. حضرت توضیحاتی دادند تا کلامشان به اینجا رسید که دعوت امام، مطابق این آیه شریفه قرآن: اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (نحل: ۱۲۵) بر اساس حکمت و موعظه حسنه است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۰۰) دعوتی که می‌تواند با حفظ تمام ارزشها مخصوصاً ارزش‌های انقلابی، امروز دیپلماسی ما را به دیپلماسی تراز انقلاب اسلامی نزدیک کند.

### ج) نترسیدن از تهدیدهای ظالمان

امام علیه السلام این نترسیدن از قدرت را به همه‌ی ما یاد داد که از قدرت‌های ظالم و زورگو نترسید (امام خامنه‌ای، سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۰۲/۰۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45426>). آن زمان که در پاسخ به فشارهایی که پیرامون جاسوس‌های آمریکایی و جاسوس‌خانه‌ی آمریکایی به مقامات میشد، فرمودند: از آمریکا می‌ترسید؟ اگر نه، لازم نیست آزادشان کنید. اگر چنانچه کسی قرار بود از آمریکا بترسد و ملاحظه بکند، نتایج بسیار تلخی را آن روز عاید کشور می‌کرد. ما دیده‌ایم مواردی را که دولت‌ها و قدرت‌های کشور خودمان از دشمن می‌ترسیدند و این ترس، آن‌ها را دچار مشکلات فراوانی کرد (امام خامنه‌ای، سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۰۲/۰۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45426>). این درسی است که قرآن کریم آن را این گونه بیان می‌کند: این فقط شیطان است که پیروان خود را می‌ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید: اِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوْنِ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ (آل عمران:

مرحوم علامه طباطبایی در المیزان ذیل این آیه، ضمن بحثی روایی، به غزوه حَمْرَاءُ الْأَسَد اشاره می‌کنند که در آن پیامبر اکرم با دستور حکیمانه خود مبنی بر اینکه فقط مجروحان و ثابت قدمان جنگ اُحُد باید در این غزوه شرکت کنند، ثابت کردند که نباید از قدرت‌های پوشالی دشمن ترسید. تصمیمی که در نهایت پیروزی بزرگی را برای مسلمانان به همراه داشت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۷۴).

### نتیجه‌گیری:

بیانیه گام دوم انقلاب، مطلع تازه‌ای پیش روی ملت ایران گشوده است و همچون چراغی، مسیر پر تلاطم و پیچ در پیچ موفقیت را نمایان می‌کند. دانستیم برای تحقق عزت ملی، بعنوان یکی از شاخه‌های اصل عزت، حکمت، و مصلحت در روابط بین الملل، علاوه بر در پیش بودن موانعی، عوامل و برکاتی نیز خواهد داشت و مستندات قرآنی و روایی آن را، جهت اطمینان مردم مسلمان ایران، علی‌الخصوص جوانان، بیان کردیم؛ تا سند محکمی بر اتقان کلام نایب به حق امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبری عظیم الشان جمهوری اسلامی باشد و به همگان بار دیگر یادآور می‌شویم وصیت تمامی شهدا را که برای پیروزی و سربلندی ایران، پیرو رهبر باشیم.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. سید رضی، ۴۰۰ق، نهج البلاغه.
۳. صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، اول، موسسه دارالهجره.
۴. آیت الله خامنه ای، سید علی. بیانات. <https://farsi.khamenei.ir/>
۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ه. ق، کتاب العین، دوّم، نشر هجرت.
۶. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ه. ق، تهذیب اللغة، اول، دار احیاء التراث العربی.
۷. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۹۷۹م، أساس البلاغة، اول، دار صادر.
۸. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ه. ق، معجم مقاییس اللغة، اول، مكتب الاعلام الاسلامی.
۹. ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸م، جمهره اللغة، اول، دار العلم للملایین.
۱۰. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ه. ش، النهاية في غريب الحديث و الأثر، چهارم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ه. ق، الصحاح، اول، دار العلم للملایین.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ه. ق، مفردات ألفاظ القرآن، اول، دار القلم.
۱۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق، تحف العقول، غفاری، علی اکبر، دوّم، جامعه مدرّسین.
۱۴. سید محمد حسین راجی، ۱۳۹۷، صعود چهل ساله، سید محمدرضا خاتمی، اول، انتشارات معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۵. ولایتی، علی اکبر. بی تا. بیداری اسلامی. دائرة المعارف بزرگ اسلامی. دوره ۱۳.
۱۶. مؤسسه تاریخ اطلس تاریخ شیعه، ۱۳۹۵ه. ش، اطلس تاریخ اسلام، اول، اطلس تاریخ شیعه.

۱۷. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعة، اول، مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
۱۸. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ ش، الأمالی، ششم، کتابچی.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش، اول، دار الکتب الإسلامية.
۲۰. نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ ق، وقعة صفین، دوّم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۲۱. کلینی، محمّد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چهارم، دار الکتب الإسلامية.
۲۲. محمّد بن عمر بن واقد (واقدی)، ۱۴۱۸ هـ. ق، کتاب المغازی، دوّم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. ابن اثیر، عزّالدین علی، ۵۱۳۸۶ هـ. ق، الکامل فی التاریخ، -، دار صادر.
۲۴. پاینده، ابو القاسم، ۱۳۸۲ ش، نهج الفصاحة، چهارم، دنیای دانش.
۲۵. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، ۱۴۱۱ ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، اول، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
۲۶. ابن أبي الحديد، عبد الحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغة، اول، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۲۷. صحیفه امام، امام خمینی، قرن ۱۵، نرم افزار.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۶، بحار الانوار، چهارم، انتشارات اسلامیة.
۲۹. بیانیته گام دوّم انقلاب
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم.



## فصل دوم

---

تمدن نوین اسلامی و انقلاب اسلامی

---

## آمادگی ظهور، هدف آرمانی انقلاب اسلامی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی

محمد فاکرمیدی<sup>۱</sup>

### چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به مناسبت چهلمین سال انقلاب اسلامی از قلم امام خامنه‌ای (دام‌الله) صادر گردید، رصدی است که علاوه بر گذر بر گذشته انقلاب اسلامی، نظری به آینده آن دارد. معظم‌له در این بیانیه ضمن برشمردن بسیاری از مسائل مهم و توصیه‌های اساسی، به مقوله‌ای به نام «آرمان بزرگ» اشارت کردند که از دو عنصر مهم تشکیل شده است، یکی «تمدن نوین اسلامی» و دیگری «آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی». این مقاله با عنوان آرمان بزرگ انقلاب، با محوریت عنصر دوم، تلاش دارد تا ضمن تبیین مراحل ششگانه انقلاب، به مؤلفه‌ها، شرایط و الزامات حصول این آمادگی (مسأله تحقیق)، با روش نقلی قرآنی و روایی همراه با تحلیل و توصیف دست یابد (روش تحقیق). باشد تا از یک سو مقوله «مِنَ أَيْنَ»، «فِي أَيْنَ» و «إِلَى أَيْنَ» انقلاب تبیین و از سوی دیگر به وظائف و حقوق معنوی اهالی انقلاب دست یابیم (انگیزه تحقیق). و به این نتیجه برسیم

۱. استاد تمام گروه تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه M\_faker@miu.ac.ir

که این امر، مسئولیت خطیری است که بر دوش نسل سوم و چهارم انقلاب و در بازه زمانی چله دوم انقلاب گذارده شده است تا زمین و زمان را آماده ظهور خورشید موعود مهدوی نمایند. (یافته تحقیق).

کلید واژگان: بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری، ظهور، آمادگی طلوع، قرآن.

## ۱. مفهوم شناسی

## ۱.۱ آرمان

آرمان، واژه‌ای فارسی است که به معنی آرزو، امید، کمال مطلوب و اندوه است. (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۶۳: واژه آرمان). این واژه را می‌توان بازگردان کلمه امل و رجاء در ادبیات عرب دانست. شکی نیست که معنی مراد از کلمه آرمان در بیانیه گام دوم، کمال مطلوب است. معنی آرزوی بزرگ نیز می‌تواند مقصود باشد لیکن چون در کاربست واژه آرمان در متن بیانیه، وصف بزرگ آمده است، قید توضیحی خواهد بود.

## ۲.۱ بیانیه گام دوم

در بیست و دوم بهمن هزار و سیصد و نود و هفت خورشیدی، همزمان با کامل شدن چهل سالگی انقلاب اسلامی و در آستانه دهه پنجم، امام خامنه‌ای، بیانیه‌ای ممتاز از خطابات و بیانات در بازه زمانی بیش از سی سال رهبری نظام اسلامی، صادر فرمودند که در آن به تفصیل از سرفصل‌های مهم گذشته و آینده انقلاب اشارت کردند که در ادبیات انقلاب به بیانیه گام دوم نامبردار شد. این بیانیه در واقع منشور استمرار انقلاب و نقشه راهی برای پساچهل سالگی آن است.

## ۳.۱ انقلاب اسلامی

در خرداد ۱۳۴۱ خورشیدی نهضتی بیدارگرانه در ایران آغاز شد، که نزدیک به دو دهه، در مسیری پرفراز و نشیب به حرکت خود ادامه داد، تا این‌که در سال‌های ۵۷ - ۱۳۵۶ شمسی به اوج خود رسید، و در نهایت در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی، برابر با ۱۴ ربیع الاول ۱۳۹۹ قمری و مصادف با ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ میلادی، به ثمر نشست، رژیم شاهنشاهی سرنگون و حکومت اسلامی بر اساس نظریه نوین ولایت فقیه جایگزین آن گردید. با توجه به این‌که رهبر این انقلاب، روحانی اسلامی شیعی، یعنی حضرت آیت‌الله العظمی سید روح‌الله مصطفوی، ملقب به امام خمینی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۸ خ)، و اصلی‌ترین شعار مردم انقلابی اسلامی خواهی آنان بود، انقلاب اسلامی لقب گرفت.

## ۱. نگاهی به دیگر انقلاب‌ها

امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم فرمودند: «کمتر [انقلابی] دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده [باشد]» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

این حقیقتی است انکارناپذیر، چراکه در گستره زمان مشهود است و شاهد آن انقلاب‌های چندصد ساله‌های اخیر قبل از انقلاب اسلامی است که با همه آثاری که داشتند لیکن هیچ‌کدام مانند انقلاب اسلامی نتوانسته است به اهداف نهایی خود برسد. و این بدان جهت است که این انقلاب شباهتی با دیگر انقلاب‌ها حتی از نوع اسلامی آن ندارد، نه در منشأ انقلاب، نه در فراست و کیاست رهبری آن، و نه در تعیین چشم‌انداز آینده انقلاب، و نیز رسیدن به اهداف تعیین شده بر آن. البته لازم است به صورت علمی و منصفانه مقایسه‌ای بین انقلاب‌های دنیا صورت گیرد. لیکن در این مجال به اجمال برای پی بردن به ویژگی‌های ممتاز این انقلاب از سایر انقلابات، به برخی اشارت می‌شود، از جمله:

۱. انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه که به عنوان انقلاب کبیر و با هویت لیبرالی از آن یاد می‌شود، در اواخر قرن هفدهم و در سال ۱۷۸۹ میلادی روی داد و منجر به سرنگونی لوئی شانزدهم (لوئیس آگوست) آخرین پادشاه فرانسه گردید. این انقلاب با فراز و نشیب‌های خود، بیش از ده سال دوام نیاورد. زیرا در سال ۱۷۹۹ با شدت گرفتن نارضایتی‌ها، ناپلئون علیه انقلاب کودتا کرد و رژیم (دیرکتورها = گردانندگان) را سرنگون کرد و با این اقدام، عملاً پایان انقلاب فرانسه اعلام و عصر ناپلئونی آغاز شد، تا این‌که در سال ۱۸۷۰ میلادی به ایجاد جمهوری در فرانسه انجامید. (رک: محجوب، گیتاشناسی کشورها، ۱۳۶۲: ص ۲۱۵ - ۲۲۰).

۲. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی روسیه. این انقلاب که به عنوان یک انقلاب کبیر با هویت چپ‌گرایی یاد می‌شود، توسط حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه و در اعتراض به امپراتوری روسیه رخ داد و مسأله اصلی انقلابیون صلح، نان و زمین بود و در نهایت منجر

به سرنگونی حکومت تزارها و برپایی اتحاد جماهیر شوروی گردید. این انقلاب در دو مرحله صورت گرفت: مرحله اول در فوریه ۱۹۱۷، به وسیله منشویک‌ها (جناح اقلیت حزب) و پس از یک سری اعتصابات، تظاهرات و درگیری‌ها رخ داد و در پی آن، الکساندر وویچ رومانوف یا نیکلای دوم (۱۸۶۸ - ۱۹۱۸) تزار (امپراتور) روسیه از سلطنت خلع شد و یک دولت موقت به قدرت رسید که اکثر اعضای آن، از شاخه منشویک (اقلیت) حزب بود. مرحله دوم در اکتبر ۱۹۱۷ به رهبری ولادیمیر لنین و توسط بلشویک‌ها (اکثریت) از شاخه رادیکال حزب صورت گرفت و طی یک یورش نظامی همه‌جانبه به کاخ زمستانی سن پترزبورگ و سایر اماکن مهم، قدرت را از دولت موقت منشویک‌ها گرفت. لازم به ذکر است که اوضاع نابسامان اقتصادی، گرسنگی، عقب ماندگی و سرمایه‌داری و نارضایتی‌های گوناگون در بین مردم، سربازان، کارگران، کشاورزان و نخبگان روسیه بعد از شکست روسیه در جنگ ۱۹۰۵ با ژاپن از یک سو، و سرکوب‌های شدید حکومت تزار از سوی دیگر عامل اصلی این انقلاب بود. (همان: ص ۱۹۳ - ۱۹۴).

۳. انقلاب ۱۹۴۵ میلادی هند، به رهبری مهاتما گاندی (۱۸۶۹ - ۱۹۴۸ م)، در کشور پهناور هند در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی که شامل هندوستان، بنگلادش و پاکستان کنونی بوده است. کشور هند در سده هفدهم (۱۷۶۰) به تدریج مستعمره و تحت الحمایه انگلیس قرار گرفت. مردم هند در سال‌های ۱۸۵۷ تا ۱۹۴۷ به مدت ۹۰ سال، سلسله انقلاب‌هایی برای استقلال هند صورت دادند، که یکی از آن‌ها جنبش خروج از هند به رهبری مهاتما گاندی بود که با همراهی مردم هند در مقابل استعمار بریتانیا با هدف رسیدن به استقلال سیاسی هند به وقوع پیوست، تا این‌که در اوت ۱۹۴۷ تحقق یافت. (همان: ص ۳۷۱ - ۳۷۵). از ویژگی این جنبش مقاومت غیر خشونت‌آمیز مردم بود که در آن ۵۰ میلیون نفر شرکت داشتند.

۴. انقلاب کمونیستی کوبا، به رهبری فیدل کاسترو از نظامیان کوبا با همکاری ارنستو چه‌گوارا آرژانتینی، در سال ۱۹۵۹ میلادی که منجر به سرنگونی گروه‌بان فلوخنسی باتیستا

دیکتاتور مورد حمایت آمریکا شد.

۵. انقلاب اسلامی ۱۹۶۴ الجزائر یکی از انقلاب‌های بزرگ جهان است که در ردیف انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران ارزیابی می‌شود. مردم الجزائر که از فرانسه ناراضی بودند برای رهایی از استعمار فرانسه و خلاصی از ستم‌های آن، نهضتی را به رهبری عالم اسلامی شیخ عبد الحمید بن بادیس (۱۳۰۷-۱۳۵۸ ق) در مبارزه با فرانسویان شکل دادند. تا این‌که در سال ۱۹۵۴ به اوج خود رسید و انقلاب آغاز شد تا این‌که بعد از هفت سال مقاومت و مبارزه به هدف استقلال رسیدند. (همان: ص ۳۵). معروف است که در انقلاب الجزائر یک میلیون شهید تقدیم شد تا به پیروزی و استقلال از فرانسه رسیدند.

۶. دو انقلاب لیبی، انقلاب اول در سال ۱۹۳۹ م، به رهبری عمر مختار (۱۸۶۲-۱۹۳۱ میلادی) در مقابل نیروهای ایتالیائی. انقلاب دوم (کودتا) در سال ۱۹۶۹ میلادی، به رهبری سرهنگ مُعَمَّر قَدَافِی (۱۹۴۲-۲۰۱۱ میلادی). این انقلاب که در حقیقت کودتایی آرام علیه حکومت محمّد ادریس سنوسی، پادشاه وقت لیبی بود وی را سرنگون و سیستم حکومتی ترکیبی از سوسیالیسم و اسلام جایگزین آن نمود.

۷. همزمان با انقلاب اسلامی در ایران، انقلاب نیکاراگوئه، در سال ۱۹۷۹ م با حمایت مردمی و اصحاب کلیسای کاتولیک به رهبری جبهه آزادی بخش ساندنیستا (برگرفته از نام اوگوستو سزار ساندینو / Augusto César Sandino الهام بخش تفکر انقلابیون) روی داد که با مشابهت‌هایی که با انقلاب ایران داشت، تمایزات اساسی و از جمله عمر کوتاه آن بود که با شبه کودتای داخلی مورد حمایت خارجی، انقلاب عقیم ماند.

۸. نهضت استقلال عراق. به دنبال شکست دولت عثمانی در جریان جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۰ میلادی، عراق جزء مستعمرات انگلیس شد و به اشغال نظامی آن کشور در آمد. در پی این تحول گروه‌های استقلال طلب تشکیل و به مبارزه با انگلیس با هدف استقلال عراق از بریتانیا پرداختند، تا این‌که در سال ۱۹۳۲ میلادی به استقلال عراق و برون‌راندن اشغال‌گران انگلیسی انجامید. (محبوب، گیتاشناسی کشورها، ۱۳۶۲:

ص ۲۰۳). در دوران مبارزه افراد مجاهدی چون عبدالرحمن گیلانی (۱۸۴۱-۱۹۲۷) حضور داشتند. اما رهبری اصلی نهضت بر عهده حضرت آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی (۱۲۵۸ - ۱۳۳۸ ق) معروف به میرزای دوم، از مراجع تقلید بود. نهضت استقلال تنها به همین موضوع بسنده کرد و تحول عمده اساسی و سیاسی در عراق آن زمان روی نداد.

۹. جنبش تحریم تنباکو، در سال ۱۳۰۹ قمری، برابر با ۱۲۶۹ شمسی، که در مبارزه و اعتراض به قرارداد استعماری اعطای امتیاز تجارت توتون و تنباکو توسط ناصرالدین شاه قاجار با کمپانی رژی انگلیسی به وقوع پیوست. رهبری این نهضت به عهده آیت الله العظمی سید محمدحسن حسینی (۱۲۳۰-۱۳۱۲ ق) مشهور به میرزای شیرازی از مراجع تقلید شیعه صورت گرفت. (رک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۴ - ۳۰). نهضت تنباکر گرچه حرکتی عظیم بود و در لغو قرارداد رژی مؤثر افتاد اما از گستردگی برخوردار نبود.

۱۰. انقلاب مشروطه، این حرکت در دوره قاجاری (عصر مظفرالدین و محمدعلی شاه) با هدف کنترل استبداد و مشروط کردن قدرت، حکومت قانون، رفع مشکلات اقتصادی، تشکیل حکومت مشروطه به وقوع پیوست. و مورد تأیید و رهبری مراجع شیعه چون آیت الله محمدکاظم خراسانی (۱۲۱۸ - ۱۲۹۰ شمسی) معروف به آخوندخراسانی، آیت الله شیخ عبدالله گیلانی مازندرانی (۱۲۵۶ - ۱۳۳۰ ق) و آیت الله میرزا حسین خلیلی تهرانی (۱۲۳۰ - ۱۳۲۶ ق)، شهید آیت الله سید عبدالله بهبهانی (۱۲۵۶ - ۱۳۲۸ ق) آیت الله سید محمد طباطبایی (۱۲۵۷ - ۱۳۳۹ ق) و حمایت علمی آیت الله محمدحسین غروی نائینی (۱۲۳۹ - ۱۳۱۵ شمسی) با تدوین کتاب تنبیه الأمه قرار داشت. روشنفکران آزادی خواه نیز با آن موافق بودند. این نهضت به دلیل فقدان برنامه منسجم و معلوم نبودن آینده، انقلاب به هدف خود نرسید و مشروعه خواهی آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری (۱۲۲۲ - ۱۲۸۸ شمسی) نیز نتوانست به جایی برسد. (رک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۵۳ - ۵۹)، و کار بدان جا رسید که وی محاکمه و به شهادت رسید.

وجوه تمایز



انقلاب‌های پیش‌گفته، هرکدام دچار نوعی تک‌بعدی بودند، بعضی فقط انگیزه اقتصادی داشتند، در بعضی تنها مسائل سیاسی اجتماعی مدنظر بوده است، برخی روی یکی دو موضوع تکیه داشتند، برخی تنها به آزادی و استقلال می‌اندیشیدند، برخی متعلق به صنف خاصی چون کارگران، کشاورزان و بعضی صرفاً نظامی و به تعبیری کودتا بود. اما انقلاب اسلامی، هم به لحاظ انگیزه فراگیر بود و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی را شامل می‌شد، هم استقلال‌طلبی بود، هم آزادی‌خواهی و هم مطالبات دینی داشت. و هم از جهت عنصر مردمی همه اقشار جامعه اعم از روحانی، دانشگاهی، فرهنگی، کارگر، کشاورز، زن و مرد در آن دخیل بودند. در عرصه جغرافیا نیز محدود به ایران نشد بلکه الگوی بسیاری از ملت‌ها در فراتر از مرزهای ایران گردید.

افزون بر آن چه گفته شد، باید گفت: جویبار انقلاب اسلامی ایران، امید دارد تا در آینده نه چندان دور، به دریای عدل منتظر پیوندند و آماده‌ساز زمینه ظهور منجی جهانی باشد امر مهمی که در هیچ انقلابی تا کنون سابقه نداشته است.

## ۲. مراحل انقلاب اسلامی

برای انقلاب اسلامی ایران از لحظه پیدایش تا نقطه هدف، مراحل وجود دارد که برخی از آن‌ها را پشت سر گذاشته و بعضی دیگر را باید طی شود. عواملی باعث شد تا پدیده انقلاب ظاهر شود، لیکن در کنار علل مُحدثه، علل مُبقیه‌ای دست به دست هم داد تا بر خلاف دیگر انقلاب‌های شرقی و غربی از چهل سالگی خود فراتر رود، اموری نیز لازم است که پس از این، تا رسیدن به هدف نهایی و آرمان بزرگ باید محقق شود، و گرنه حرکت انقلاب اسلامی اُبتَر و ناتمام خواهد ماند. حضرت امام خامنه‌ای در ترسیم بسیار دقیق، مراحل انقلاب اسلامی در پنج مرحله مترتب بر یکدیگر این‌گونه ترسیم فرمودند. ۱. شکل‌گیری انقلاب اسلامی. ۲. تشکیل نظام اسلامی. ۳. تشکیل دولت اسلامی. ۴. تشکیل کشور اسلامی. ۵. ایجاد تمدن اسلامی. رک: ([khamenei.ir/speech-contentid=21453](http://khamenei.ir/speech-contentid=21453)).

لازم به یادآوری است که این امور مرتبط با یکدیگر و هرکدام مترتب بر دیگری است.

بدین معنی که تا انقلاب اسلامی روی ندهد، نظام اسلامی شکل نخواهد گرفت، تا نظام اسلامی تشکیل نشود، دولت اسلامی به وجود نمی‌آید، تا دولت اسلامی به وجود نیاید. جامعه اسلامی ایجاد نخواهد شد. تا جامعه اسلامی ایجاد نشود، تحقق تمدن و امت اسلامی ناممکن خواهد بود. در نتیجه، هر یک از این امور، مبتنی بر ماقبل و مبنی مابعد خواهد بود و به دیگر سخن، هدف برای ماقبل، و علت برای مابعد است.

### ۱.۲) مرحله اول؛ شکل‌گیری انقلاب اسلامی

در مرحله شکل‌گیری انقلاب اسلامی، با توجه به فضای ظلمانی ناشی از حاکمیت طاغوت به خصوص دهه‌های بیست تا پنجاه قرن چهارم هجری شمسی، مردم با شعار سلبی نفی طاغوت، و ایجابی اسلام خواهی وارد صحنه شدند و با مبارزات حساب شده خود مرحله اول انقلاب را رقم زدند، که صد البته کاری بسیار بزرگ بود. که به فرموده امام خامنه‌ای «در میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارند و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و - به جز تغییر حکومت‌ها - آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند».

([خامنه‌ای، ۱۳۷۹]، بیانیه گام دوم انقلاب: ص ۱۱). این سخن رهبری مشتمل بر دو نکته قابل توجه است: یکی انقلاب‌های رخ داده در جهان. دوم انقلاب اسلامی ایران.

### ۱.۲-۲) علل اربعه انقلاب اسلامی

هر پدیده اجتماعی اگر خللی در علت تامه آن باشد محقق نخواهد شد، و اگر پا به عرصه وجود بگذارد در ظهور خود به کمال نمی‌رسد بود. همان‌طور که گفته شد برخی از حرکت‌ها، قیام‌ها و نهضت‌ها به دلیل نقص در علل یا در وجود با مشکل روبرو بودند و یا در وسط راه ابتر مانده، و یا با محدودیت زمانی و مکانی توأم شدند. اما انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک پدیده اجتماعی با هویت الهی از یک سو، و تمامیت و کمال در علل وجودی خود از سوی دیگر، یک تحول همه جانبه در ابعاد مختلف نه تنها در مرزهای جغرافیای ایران موفق بود بلکه مرزهای ایران را درنوردید و در منطقه بلکه برای همه آزادی خواهان الگو

شد. به هر صورت این انقلاب دارای علل چهارگانه فاعلی، مادی، صوری و غایی با اندک مسامحه به شرح زیر است.

### الف) علت فاعلی؛ امام خمینی

در حضيض حاکمیت زمامداران وابسته به استکبار جهانی در ایران، یعنی بازه زمانی ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ خورشیدی، که می‌رفت تا جامعه ایرانی با فراموش کردن ارزش‌های خود، و روی‌آوری به ارزش‌های وارداتی که در حقیقت ضدارزش بودند، به زدودن فرهنگ ملی و دینی خود و تحقق فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی بیانجامد، و بر اساس سیاست‌های دیکته شده، ارزش‌ها یکی پس از دیگری سقوط کند، مردی از ذراری پیامبر اسلام ﷺ و از تبار امام حسین علیه السلام و دانش‌آموخته مکتب امام صادق علیه السلام در خرداد ۱۳۴۱ شمسی پیاخاست و بر اساس آموزه‌های قرآنی که فرمود: «الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (ابراهیم: ۱)»، کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی‌های (شُرک و ظلم و جهل)، به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)، به فرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید». پرچم مبارزه را بر دوش گرفت و اکثریت مردم اعم از روحانی، دانشگاهی، کارگر، کشاورز و... را با خود همراه نمود تا با برون‌رفت از وادی ظلمت، به سوی نور حرکت کند و معالم و حیانی قرآنی را جایگزین قوانین و احکام غیرالهی نماید. این نهضت بیدارگرانه در طول نزدیک به دو دهه، در مسیری پرفراز و نشیب به حرکت خود ادامه داد تا این که در سال‌های ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ به اوج خود رسید، و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به پیروزی رسید، و رژیم شاهنشاهی پهلوی سرنگون گردید. (مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۵۰). این تاریخ مصادف بود با ربیع‌الاول ۱۳۹۹ قمری و فوریه ۱۹۷۹ میلادی. با سقوط حکومت سلطنتی، حکومت اسلامی در قالب جمهوری بر اساس نظریه نوین ولایت فقیه جایگزین آن گردید.

رهبری امام خمینی به عنوان یک عالم اسلامی شیعی در انقلاب اسلامی، چنان برجسته است که به فرموده مقام معظم رهبری، این انقلاب بی نام خمینی در هیچ جای

جهان شناخته شده نیست.

### ب) علت مادی؛ افشار مختلف مردم

مردم ایران بعد از آن که از یک سو ناهنجاری های نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، خلاف ها و تخلف ها، و ستم ها را از ناحیه حاکمیت طاغوت مشاهده، و از سوی دیگر ندای امام خمینی مبنی بر مبارزه را شنیدند بدان پاسخ مثبت دادند. این حرکت عظیم ابتدا از روحانیون حوزه علمیه قم آغاز و به تدریج به دیگر افشار تسری یافت، و از قم در قالب اربعین ها به تبریز، یزد و دیگر شهرها کشید و فراگیر شد. فعالیت مردمی بیشتر در قالب پخش اعلامیه رهبران انقلاب، راهپیمایی و تظاهرات محقق می شد. مبنای حرکت مردم اولاً آموزه های قرآنی بود که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)، خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند» و نیز فرمود: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (انفال: ۵۳)، خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند». بدین معنی که برای ایجاد تحول در جامعه، خود باید وارد صحنه شوند. ثانیاً مردم ایران به دلیل اعتماد به علماء و التزام به پیروی از مراجع تقلید، فرمان امام خمینی را یک تکلیف شرعی می دانستند و لذا به دستور بلکه با اشاره ایشان در این مسیر حرکت کردند.

### ج) علت صوری؛ مبارزه برای اسلام خواهی

وقتی مردم ایران تصمیم گرفتند به رهبری امام خمینی نسبت به ایجاد تحول در جامعه ایرانی اقدام کند و بر اساس نظام توحیدی به نفی آلهه و طواغیت بپردازد، چنان که قرآن کریم فرمود: «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)، خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید»، وارد صحنه کارزار شدند و دست از کسب و کار کشیده و برای اعلام مخالفت با سیاست ها و برنامه های رژیم حاکم، در شهر و روستا، مزرعه و کارخانه، اداره و مدرسه، حوزه و دانشگاه، به خیابان ریختند، و با بذل جان و مال خویش خواستار تغییر و

تحول اساسی و در رأس آن محو حکومت شاهنشاهی شدند

ملت ایران در این مسیر چنان تلاش کردند که ده‌ها هزار شهید و مجروح تقدیم کردند، و مصداق عینی این آیه کریمه قرار گرفتند که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ (توبه: ۱۱۱)، خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند».

#### د) علت غائی؛ اجرای احکام و قوانین نورانی قرآن

علت غایی و در حقیقت علة العلل وقوع انقلاب اسلامی، همان است که انبیای الهی و از جمله موسی عَلَيْهِ السَّلَام و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پی آن بودند که فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (ابراهیم: ۵)، ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم: ) قومت را از ظلمات به نور بیرون آر!»، و در باره پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (حدید: ۹)، او کسی است که آیات روشنی بر بنده‌اش [محمد] نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور برد» و نیز فرمود: «رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُم آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (طلاق: ۱۱)، رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها بسوی نور خارج سازد». اسناد مکتوب انقلاب اسلامی و مشاهدات عینی اصحاب انقلاب و نیز نویسندگان سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، گواه این واقعیت است که از آغازین روزهای انقلاب تا چهلمین سال آن یعنی از تولد تا بلوغ، اصلی‌ترین شعار مردم انقلابی اسلامی خواهی آنان و اجرای فرامین الهی و آموزه‌های دینی بود. و اصلاً به همین جهت به انقلاب اسلامی نامبردار شد. به عبارت دیگر در انقلاب اسلامی، هرچند اصلاح برنامه‌های فرهنگی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و به خصوص رفع فقر مالی و علمی در برنامه خود داشت، اما محور عمده و هدف اساسی این قیام عظیم، اجرای احکام اسلامی بود.

در پایان این مرحله، توجه به چند نکته مهم ضروری است:

۱. در مرحله نخست انقلاب، رژیم شاهنشاهی و به خصوص حاکمیت وابسته و فاسد پهلوی سرنگون شد، و جمهوری اسلامی با انتخاب مردم، جایگزین آن گردید.
۲. ملت ایران باید با انصاف، گذشته خویش را به یاد داشته باشد که چه بود و چگونه می‌زیست و به کجا رسید. چنان‌که قرآن در ادامه رسالت موسوی فرمود: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (ابراهیم: ۵)»، و ایام الله را به آنان یادآور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار! لذا باید ایام الله انقلاب را گرمی داشت تا از یک سو یادآور عنایات و نعمت‌های الهی باشد و از سوی دیگر از شعارها و شعائر انقلاب مراقبت نماید.

۳. همه اقدامات صورت گرفته با همه اهمیتی که دارد، قدم نخستین برای حرکت سازنده و مقدمه‌ای برای مراحل بعدی است. در این مرحله می‌توان گفت که تنها «لا إله» محقق شد، و باید برای «الّا الله» اقدام می‌شد.

## ۲. ۲) مرحله دوم؛ تشکیل نظام اسلامی

دومین مرحله انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی است. مراد از نظام اسلامی این است که هندسه اداره کشور و بنیادهای آن بر اساس آموزه‌های اسلامی و قرآنی نهاده شود. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ (یوسف: ۴۰)»، حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا». بدیهی است زمانی این مهم تحقق می‌یابد که تدوین قانون اساسی مستند به قرآن، سنت پیامبر ﷺ و سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و عرف ممضای شرع صورت بگیرد. وضع قوانین بر اساس نیاز جامعه اسلامی و در مسیر رشد مادی و معنوی آن باشد. نهادهای کشوری، اعم از دولت / قوه مجریه، مجلس / قوه مقننه، دستگاه قضا / قوه قضائیه بر مبنای اسلامی بنا شود. مجلس شورای اسلامی و شوراهای عالی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بر پایه «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (شوری: ۳۸)»، و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنه است» و «شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ

(آل عمران: ۱۵۹)، و در کارها، با آنان مشورت کن!» تشکیل گردید. قوه قضائیه بر پایه احکام، حدود و حقوق اسلامی و مطابق آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ (مائده: ۸)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید» و آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا (نساء: ۱۳۵)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنا بر این، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد». ایجاد شود. دستگاه نظام اسلامی در همه ارکان به خصوص رکن قضائی، داوری و دادرسی باید با این باور توأم باشد که خداوند علیم، بصیر و خبیر ناظر امور آنان است که فرمود: «إِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرِضُوا فإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا». انهاده شود.

### ۲. ۳. مرحله سوم؛ تشکیل دولت اسلامی

مرحله سوم، تشکیل دولت اسلامی است. این بدان معنی است که دولت اسلامی بر شاکله ولائی طولی استوار است، به گونه‌ای که گارگزاران دولت تنها ولایت الله و متولیان الهی را بپذیرند که فرمود: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا (مائده: ۵۵)، سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند»، و فقط اطاعت از الله و منصوبان و مآذونان او سرلوحه کار خود قرار دهند که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: ۵۹)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را!». در دولت اسلامی همه عزل‌ها و نصب‌ها باید بر اساس معیارهای اسلامی و الهی صورت گیرد، و با انگیزه تحقق عینی احکام اسلامی به کار گمارده شوند که فرمود: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ (حج: ۴۱)، همان کسانی که هر گاه در زمین به

آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند».

البته باید توجه داشت که مراد از دولت در این مرحله، دولت به معنی عام آن، اعم از رهبری، رییس جمهور، وزراء، سفراء، نمایندگان مجلس، امیران و افسران نظامی، مسؤولان قضایی و قضات و همه متصدیان و کارگزاران امور کشوری و لشکری است که باید بر اساس معیارهای اسلامی گزینش شوند گزینشی که بر معیار مسؤلیت پذیری قرآنی «اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵)، (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم» و «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بِسَطَّةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷)، خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است» باشد، و طبق موازین اسلامی عمل کنند به گونه‌ای که بتواند مقاصد انقلاب و مردم انقلابی را تأمین کنند. یعنی دولتی که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت المال نباشد. و بالاخره چیزی جز اجرای عدالت فردی و اجتماعی دغدغه دیگری نداشته باشند.

#### ۲. ۴) مرحله چهارم؛ تشکیل کشور اسلامی

منظور از تشکیل کشور اسلامی، جامعه اسلامی است و آن جامعه‌ای است که در آن تمام حب و بغض‌ها، رضایت و اعتراض‌ها، شادی و غم، سکوت و سخن، ارتباط و قطع رابطه، همه و همه بر اساس ارزش‌های اسلامی باشد. مردم و افراد جامعه با توجه به تحول فرهنگی و دینی که در خویش احساس می‌کنند خود قیام به قسط و عدل کنند چنان‌که قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند». در کشور اسلامی باید حکمت قرآنی متجلی باشد، حقیقتاً به احکام اسلامی عمل شود. طبق فرموده



مقام معظم رهبری، در جامعه اسلامی باید که اسلام حیات بخش، اسلام نشاط آور، اسلام تحرك آفرین، اسلام بدون كج اندیشی، اسلام بدون تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت بخش به انسان‌ها، و اسلام هدایت کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش، بر آن حاکم باشد.

بر اساس آیات حکمت و به خصوص آیه شریفه: «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ، از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده» مهمترین مأموریت انقلاب اسلامی، احیاء آموزه‌های نورانی اسلام و قرآن است که می‌بایست باورهای مردم اصلاح شود، تهذیب اخلاقیات در جامعه صورت گیرد، حقوق فرد و جامعه ایفاء شود، قوانین صحیح وضع و به درستی اجرا گردد، فرهنگ سالم به جامعه ایجاد شود، داد و عدل اسلامی گسترش یابد. و بالاخره به جایی برسیم که مردم به توسل به زور حکومت خود مجری قسط و عدل باشند که فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید، ۲۵)».

لازم به ذکر است که گرچه انقلاب اسلامی به چهل سالگی و بلوغ خود رسید، اما مسیری پر فراز و نشیب را طی کرد و از گردنه‌های سخت و درّه‌ها عمیق و خطیر عبور نمود. از جمله: خیانت‌های نخستین رئیس جمهور، ظهور پدیده شوم تروریسم و ترور نزدیک به بیست هزار نفر از مردم و مسؤولان، انفجارهای پی‌در پی از جمله انفجار حزب جمهوری و کشته شدن ۷۲ یار انقلاب و از جمله آیت الله سید محمد بهشتی رییس قوه قضائیه کشور، انفجار ساختمان نخست وزیری و کشته شدن رییس جمهور و نخست وزیر، جنگ تحمیلی هشت ساله عراق ایران با حمایت تمام کشورهای اردوگاه شرق و غرب از عراق، سقوط شهرهای و بازپس‌گیری آن‌ها و شهادت صدها هزار نفر از بهترین جوانان کشور، و نیز تحریم همه جانبه ایران توسط امریکا و اروپا. حوادثی که به اعتراف رسانه‌های غربی هر یک از این حوادث، کافی بود که کشور به طور کلی سقوط کند.

طرح تمدن نوین اسلامی در قالب واژه تمدن اسلامی چند سالی است که وارد ادبیات سیاسی و انقلابی ایران شده است. مقام معظم رهبری «حفظه الله» در سال ۱۳۷۹ برای اولین بار در مدرسه فیضیه درباره مراحل اهداف انقلاب سخن گفته و به این مسأله اشارت کردند. و در فاصله کوتاهی در جمع کارگزاران نظام، مرحله پنجم انقلاب اسلامی را تشکیل تمدن اسلامی اعلام کردند. (رک: [khamenei.ir/speech-contentid = 21453](http://khamenei.ir/speech-contentid=21453)). تعریف تمدن اسلامی، الزامات و مؤلفه‌های آن در مقاله‌ای مستقل تبیین شده است.

### ۲. ۶. مرحله ششم؛ آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی

پس از چهل سالگی و در واقع رسیدن انقلاب به بلوغ لازم خود، و باور به تنومند شدن درخت انقلاب و ریشه دواندن آن در اعماق جان انسان‌ها، اهداف انقلاب نیز تطور یافت و با ترقی از اجرای احکام در جامعه شیعی و اسلامی به گستره جهانی حکومت مهدوی بدل می‌شود. و در حقیقت این مقوله، مرحله ششم انقلاب اسلامی است که حتی ایجاد تمدن اسلامی نیز خود مقدمه‌ای بر این مهم خواهد بود. البته چنان‌که بعداً اشارت خواهد شد، امام خمینی نیز در خصوص اتصال انقلاب به قیام حضرت مهدی علیه السلام بیاناتی دارند خود تحقیق مفصل می‌طلبد.

### ۳. تحقق آرمان بزرگ

مکرر گفته شد که آرمان بزرگ انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، از دو بخش عمده تشکیل شده است: «ایجاد تمدن نوین اسلامی» و «آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی». قبل از چهل سالگی انقلاب، این مقوله در ادبیات انقلاب و مفاهیم انقلابی مشاهده نمی‌شد، و گویا اهداف انقلاب را در مرحله تمدن‌سازی به پایان می‌رسید و اگر سخن از اجرای قوانین الهی نیز می‌شد انقلاب به عنوان زمینه‌ساز حکومتی تلقی می‌شد تا فقه را عملی و اجرایی کند.

### اندیشه اتصال انقلاب اسلامی به قیام مهدی

برخی از کچ‌اندیشان بر این گمانند که هر پرچم اصلاحی قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

برافراشته شود محکوم به شکست است. از این رو برای تصحیح این باور غلط رهبران انقلاب اسلامی، ایده اتصال انقلاب به قیام را مطرح کردند. که در رأس همه شخصیت‌ها امامین انقلاب بودند. چنان‌که امام راحل «ره» فرمود: «من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا اینجا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا این جا رسانده است، باقی باشد. این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی - ان شاء الله - بیاید و ما، شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم». (امام خمینی، بی تا، ج ۲۱، ص ۲۸۹). و در جای دیگر فرمود: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۷۴).

### ۳. ۱. دولت منتظر و رسالت آن

هر انسانی در هر کیشی بنا به نوع تفکر خویش ممکن است حکومت آخر الزمانی را توصیف کند که هر کدام در جای خود صحیح است. اما آن چه صحیح‌تر می‌نماید تعبیر معصومانه‌ای است که در آثار قرآنی و روایی اسلامی وجود دارد چون: حکومت صالحان، حکومت مستضعفان و دولت کریمه. در مورد اول فرمود: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)، در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد»، و در مورد دوم فرمود «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)، ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم». این دو عنوان باید با تأویل و تفسیر به دولت مهدوی معنی کرد. لذا عنوان دولت کریمه برای خورشید عظمی ولایت مناسبتر به نظر می‌رسد. چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَزَعُبُ إِلَيْكَ فِي ذَوْلَةِ كَرِيمَةٍ؛ خدایا ما با تضرع به درگاهت دولت کریمه را خواستاریم». (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۴۲۴ و طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۱۱). اینک باید دید مراد از دولت کریمه چیست؟

واژه دَوْلَت از ریشه دَوْل، دال، به معنی دست به دست شدن است. برخی از ارباب لغت معتقدند: دَوْلَت به ضم دال، مربوط به مال است. و دَوْلَت به فتح دال مربوط به جاه و حرب است. (فیومی، المصباح المنیر، دول). برخی نیز هر دو را به یک معنی دانسته‌اند. (راغب اصفهانی، مفردات، دول). مفسرین نیز می‌نویسند: دَوْلَت به ضمّ دال، به معنی انتقال نعمت از گروهی به گروهی دیگر است. و دَوْلَت به فتح دال، به معنی نوبت استیلاء و غلبه است. (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا، ج ۹، ص ۵۶۴). در نهج البلاغه نیز به واژه دولت اشارت شده که منظور همان حاکمیت و دستگاه هیأت حاکمه می‌باشد، چنان که حضرت در فرمان به مالک اشتر می‌فرماید: «أَتِي قَدَّ وَجْهَتُكَ إِلَيَّ بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دَوْلٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلٍ وَجُورٍ، اَي مالک! تو را به کشوری می‌فرستم که پیش از تو دولت‌های عدل و جور بر آن حکومت کرده‌اند». (نهج البلاغه، صبحی الصالح، نامه ۵۳). در علوم اجتماعی نیز در تعریف دولت گفته‌اند: «حکومت و سازمان عالی اداری یک ملت»، و «مجموع شهروندانی که به عنوان هیأت سیاسی شناخته می‌شوند». (ساروخانی، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۰۴).

کَرَم در اصل به معنی شرافت در ذات و شرافت در اخلاق است. (ابن فارس، مقائیس اللغة، کرم). برخی نیز گفته‌اند: کرم در اصل به معنی عزّت، و کریم به معنی نفیس و عزیز است. (فیومی، المصباح المنیر، کرم). بعضی از لغت‌شناسان قرآن پژوه بر این باورند که واژه کرامت و کرم در مقابل هَوَان است. (مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، کرم). یعنی هوان به معنی ذلت و خواری و کَرَم به معنی عزّت و تَفَوُّق ذاتی یک چیز است. و مفاهیمی چون جود، اعطاء، سخاء، صفح، رضایت بخش بودن و محمود بودن، از لوازم و آثار کرامت است. در جمع‌بندی می‌توان گفت با توجه به کاربرت کرامت در امور مختلف چون: صفات حسنی الهی، انسان، قرآن، نوشته و کتاب، پاداش، رزق، مقام و بالأخره دولت به معنی تجمیع همه خوبی‌ها و ارزش‌ها است و در دولت کریمه همه اوصاف کریمه وجود دارد، در یک جمله دولت کریمه به معنی دولت همه ارزش‌ها است.

### ۳-۲- رسالت دولت کریمه منتظر

دولت کریمه مهدویه بر اساس نص خطبه باقریه و دعای کاظمیه - دعای افتتاح - و نصوص دیگر، چند رسالت مهم بر عهده دارد که برخی عبارتند از:

۱. اجرای عدالت فراگیر، چنان که در فقرات پیش از آمده است که: «اللَّهُمَّ وَصَلِ عَلَيَّ وَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ؛ خدایا بر ولی امرت، آن قیام کننده امیدبخش و عدل مورد انتظار درود بفرست». گرچه همه دولت ها و حکومت ها اعم از حکومت های دینی، سکولار و لائیک، از عدل سخن می گویند، اما در مقام عمل یا جاهل به معنی و یا مصداق عدالتند و یا اراده ای بر تحقق آن ندارند و یا ناتوان از اجرای آنند. حکومت مهدوی در تمامی عرصه ها تقنینی، اجرایی و قضایی عدالت را گسترده خواهد کرد. چنان که پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در وصف مهدی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيُّ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا؛ قیام کننده حق، مهدی این امت، آن کسی که زمین را بعد از آن که پر از ظلم و جور شد، سراسر پر از عدل و قسط می کند». (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۵۸).

امام خامنه ای در رابطه عدل مهدوی می فرماید: ایجاد قسط و عدل؛ این آن چیزی است که جز به دست قدرت الهی که از آستین حضرت بقیة الله بیرون می آید، امکان پذیر نیست. این عدلی هم که انتظار است حضرت به وجود بیاورند، عدل در یک بخش خاص نیست، عدل در همه شئون زندگی است، عدالت در قدرت، عدالت در ثروت، عدالت در سلامت، عدالت در کرامت انسانی و در منزلت اجتماعی، عدالت در معنویت و امکان رشد، [عدالت] در همه ابعاد زندگی، این ها چیزهایی است که انتظار است که به وسیله حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) در عالم وجود، در دنیا به وجود بیاید و ان شاء الله به لطف الهی [محقق] خواهد شد. ([45317farsi.khamenei.ir](http://45317farsi.khamenei.ir)).

۲. عزت بخشی به اسلام و مسلمین. در ادامه دعای افتتاح این گونه فرمود: «تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ». اسلام گرچه در ابتدای امر با عزت و سربلندی ظهور کرد و به سرعت آموزه های خود را در سراسر عالم منتشر کرد و موجب تمدنی عظیم گردید اما به وسیله حکام

ناشایست به چنان ذلتی دچار شد که گویا هیچ قوم و ملتی ذلیل‌تر از جوامع اسلامی یافت نمی‌شود. لذا باید اسلام و مسلمین را به عزت خود بازگردند. مسلمین باید از اعماق جان‌شان این باور را داشته باشند که عزت به دست خدا است نه قدرت‌های استکباری که فرمود: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدَلُّ مَنْ تَشَاءُ (آل عمران: ۲۶)، بگو: بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می‌کن»، و نیز فرمود: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً (فاطر: ۱۰)، کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست».

۳. سالم‌سازی جامعه از نفاق. یکی از مهمترین رسالت‌های دولت کریمه مهدویه زدودن نفاق از جامعه و پاکسازی آن از لوث وجود منافقین است که فرمود: «تُذَلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلُهُ، دولتی که نفاق و منافقان را خوار می‌کند». امت اسلامی از همان ابتدای ظهور اسلام دچار نفاق برخی از مسلمان‌نمایانی شد از درون تیشه بر پیکر جامعه اسلامی می‌زدند تا بدان جا بسیاری از آیات و حتی سوره‌ای به نا منافقین در نکوهش این پدیده شوم نازل شد. این عارضه همچنان ادامه داشت و دارد و هر از چند گاهی چهره کریمه خود را بازسازی و به روز می‌کند. جامعه اسلامی که باید در پرتو آموزه‌های قرآن «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح: ۲۹)، در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند» باشد، به خاطر ابتلا به حکام منافق کاملاً بر خلاف مسیر سعادت امت حرکت می‌کند و به جای مبارزه با ظالم به پیکار با مظلوم می‌پردازند، و به جای دشمنی با دشمنان اسلام به دوستی با آنان و به جای دوستی با دوستان به دشمنی به آن اقدام می‌کند. در قلمرو حکومت جهانی مهدوی از چنین متصدیان امور تطهیر خواهد شد.

۴. جامعه‌سازی مبتنی بر خداخواهی. رسالت دیگری بر دوش دولت مهدوی است این است که فرمود: «وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ، [خدایا] ما را از دعوت کنندگان به سوی اطاعت خودت و رهبری در مسیر خودت قرار بده». در یک جامعه

دینی و ایمانی، اصل بر این است که افراد یکدیگر را به سوی اطاعت الهی دعوت کنند و رهبر رهروان در این مسیر باشند، اما در روزگار حاضر بالعیان می بینیم که بسیاری از افراد نه تنها چنین نیستند بلکه به سمت مسیرهای انحرافی و حتی شیطان پرستی فرامی خوانند. در دولت کریمه مهدوی این امور اصلاح خواهد شد.

۵. تأمین کرامت دنیا و آخرت. بسا مهمترین رسالت دولت کریمه این است که فرمود: «وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، در پرتو این دولت کرامت دنیا و آخرت روزی ما قار بده». (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۱۱). بی تردید تأمین نیازهای بشری در دنیا، در جای خود اهمیت بسیار دارد تا بدان حد که امام امیرالمؤمنین علیه السلام تدبیر صحیح معاش را نشانه ایمان حقیقی دانست و فرمود: «لَا يَدُوقُ الْمَرْءُ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: ... وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعَاشِ، انسان طعم حقیقت ایمان را نمی چشد مگر این که سه خصلت داشته باشد؛ ... تدبیر صحیح در میشت». (حمیری، قرب الإسناد، ۱۴۱۳: ص ۹۵). همگان اعم از دینداران و بی دینان در خصوص معیشت، تلاش دارند و حتی می توان گفت دنیای غرب در این زمینه بسیار موفقتر عمل کرده است، اما جمع بین دنیا و آخرت مقوله ای است که کمتر توفیقی در آن حاصل شده است، دولت مهدوی چنین مهمی رامحقق خواهد کرد.

۶. نشر دین الهی در گستره زمین. یکی از اساسی ترین رسالت های دولت کریمه ظهور دین حقیقی و واقعی است که فرمود: «اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ مِلَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ؛ خدایا به وسیله دولت کریمه دینت و امت نبیت را پیروز بفرما، تا مباد از ترس مردم، چیزی از حق پنهان بماند». مسأله مهمی که در دولت مهدوی رخ خواهد داد پیروزی دین حق بر دیگر ادیان است چنان که قرآن نیز فرمود: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه: ۳۳)، او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند». البته این امر چندان مورد خوشنودی

ارباب ادیان منسوخ و باطل و نیز جبهه استکبار نیست، لیکن قطعاً محقق خواهد شد.

۷. رونق علم و دانش. از ملاحظه آثار روایی چنین مستفاد است که در دولت مهدوی علاوه بر امور دینی، اهتمام به رونق علمی نیز وجود دارد. چنان‌که امام امیرالمؤمنین علیه السلام در باره عصر مهدوی و دولت کریمه اش می‌فرماید: «قَدْ لَبَسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَ أَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَ الْمَعْرِفَةِ بِهَا وَ التَّفَرُّغِ لَهَا فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ الَّتِي يُطَلَّبُهَا؛ زره دانش بر تن دارد، و با تمامی آداب و با توجه و معرفت کامل آن قرار گرفته است، حکمت گمشده اوست که همواره در جستجوی آن می‌باشد». (نهج البلاغه، صبحی صالح: خطبه ۱۸۲، ص ۲۶۳).

۸. استکمال عقل. در رونق علم و گسترش دین، عقول نیز در پرتو دولت منتظر کریمه به کال خود خواهد رسید. چنان‌که در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَّعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ، هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به بندگانش عنایت کرده و عقل‌هایشان را کامل می‌کند». (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۵). شکی نیست وقتی در جامعه‌ای عقل و خرد حکمفرما باید امور به درستی تمشیت می‌شود.

۹. سلامت اقتصاد و جامعه. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمَرْأِيَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَايَمْتَنَعُهُ، هنگامی که قائم قیام کند، بدی‌ها از بین می‌رود تا جایی هر کس نیاز داشته باشد از کیسه بردارش بدون ممانعت بر می‌دارد». (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴). مراد از مزایله، رخت بر بستن بدی‌ها است.

نکته قابل توجه این‌که انقلاب اسلامی در چند رسالت با دولت مهدوی هم‌هدف و در یک راستا است، لیکن وظیفه آن به دلیل محدودیت در عده و عده تنها می‌تواند زمینه‌ساز دولت کریمه مهدوی باشد. به عبارت دیگر دولت برخاسته از انقلاب اسلامی در تفکر، ایده و آرمان همان اهداف دولت مهدویت را پیگیری می‌کند. ضمن این‌که معوم شد که شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی با رسالت دولت منتظر یکسان است، در حقیقت تمدن



نوین اسلامی با دولت کریمه مهدوی از هویت یکسان، اهداف واحد و رسالت متحد برخوردارند.

### ۳-۲-۳) ارکان کرامت در دولت کریمه

زمانی دولت کریمه محقق می‌شود که همه ارکان آن دولت کریمانه باشند چرا که کرامت در یک رکن مثل رهبر هر چند لازم است، اما برای ایجاد دولت کریمه به تنهایی کافی نیست، بلکه دیگر ارکان نیز باید دارای شرایط لازم باش. بنابراین در دولت کریمه؛

۱. قانون‌گذار که در دولت کریمه مهدوی خدا کریم است، در اصل تشریح قوانین فرمود:

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ (انعام: ۵۷)، حکمرانی تنها از آن خدا است»، و در کریم بودن او فرمود: «... فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (نمل: ۴۰)، پروردگار من بی‌نیاز و کریم است».

۲. قوانین جاریه در دولت کریمه قرآن و سنت نبویه است که فرمود: «وَأَقِمِ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسَنَّ رَسُولَكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأُخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، خدایا به وسیله قائم، کتاب و حدود و احکامات و سنت پیامبرت را به پا دار، وآن چه ستمگران از دین تو از بین برده‌اند به وسیله قائم احیاء کن». (صحیفه سجاده: دعای ۴۷) کریم است که فرمود: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقعه: ۷۸ - ۸۱)، قرآن کریمی است، که در کتاب محفوظی جای دارد و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست یابند».

۳. در دولت کریمه، حاکم و مجری قانون نیز کریم است. چنان‌که در آثار آمده است که: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّاتِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا، و عارف به آیاتش، سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آیات او» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۱۷۱) و در زیارت جامعه نسبت به ذوات مقدسه ائمه عليهم السلام فرمود: «اصول الكرم»، «عباده المکرمین»، «المعصومون المکرّمون»، «الفائزون بکرامته»، «کرامتکم علیه»، «سجیتکم الکرّم». (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۰۹).

۴. در دولت کریمه، کارگزاران نظام نیز کریمند، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ سَبْعَةً وَ عِشْرِينَ رَجُلًا؛ خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى "الَّذِينَ يَقْضُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ"، وَ سَبْعَةً مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَ يُوشَعَ وَصِيِّ مُوسَى وَ مُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ، وَ مَالِكَ الْأَشْجَرِيِّ، هُنْكَامِي كه قائم آل محمد قیام کند بیست و هفت نفر از نزد کعبه خارج می شوند، پانزده نفر از قوم موسی (آنان که به حق قضاوت کردند)، هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع وصی حضرت موسی، مؤمن آل فرعون، و سلمان فارسی، و ابودجانه انصاری و مالک اشتر». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۲). این افراد از بهترین و برترین های تاریخند.

۵. در پرتو دولت کریمه، جامعه انسانی، جامعه ای کریمه و دارای حیات کریمه خواهد شد. زیرا وقتی در دولت کریمه همه عناصر زندگی کریمانه شد، و افراد جامعه نیز مؤمن و متقی واقعی هستند که مشمول آیه کریمه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ (اعراف: ۹۶)، و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم»، می باشند. به یمن ایمان و تقوایشان عرصه زندگی شان سراسر مملو از برکت سماوی و ارضی خواهد شد.

۶. در پرتو دولت کریمه، بنا هست انسان مکرم و مفضّل به کرامت ذاتی و اکتسابی خویش نائل شود. انسانی که بنا به صراحت قرآن که فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۷۰)، ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم» موجودی مکرم و مفضّل است. به بیان برخی از مفسران تکریم انسان به عقل است که در برابر دیگر موجودات این نظام از قبیل نبات، حیوان و غیره، تنها به انسان داده است. و تفضیل او به فزونی همان اموری است که به انواع دیگر نیز داده شده است؛ از قبیل غذا و شرب و تولید نسل و... (طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰، ج ۱۳،

ص ۱۵۸.

### ۳-۲-۴) آمادگی برای ظهور

همان‌گونه که مکرر پیش از این بیان شد امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم فرمودند: شما باید این انقلاب را باید هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید». (بیانیه گام دوم انقلاب: ص ۱۲ و ۱۶) (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

(در این سخن برترین ایده در موضعگیری جامعه منتظر نسبت به ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نهفته است. چراکه نسبت به مسأله ظهور چهار دیدگاه عمده منفی و مثبت وجود دارد که عبارتند از: ۱. همسانی ظهور امام زمان، با وقوع قیامت که به دست خدا است و جامعه هیچ نقشی در آن ندارد. ۲. اشاعه ظلم برای پر شدن پیمان، تا ظهور تحقق یابد. ۳. بر طرف کردن موانع غیبت برای تحقق حضور. ۴. انجام وظائف خاص برای زمینه‌سازی ظهور. به نظر می‌رسد با توجه به مجموع ادله قرآنی و روایی نظریه چهارم صحیح‌ترین نظریه است، که در بیانیه نیز بدان اشارت شده است.

آمادگی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در گرو اعمالی است که جامعه منتظر باید انجام دهد، چنان‌که در روایت نبوی می‌خوانیم که فرمود: «يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤَيِّدُونَهُ لِمَهْدِيٍّ، گروهی از مردم از سمت مشرق بیرون می‌آیند و زمینه حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می‌کنند». (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۸۷ و ابن‌ماجه، سنن، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۶۸). توطئه برای مهدی به آمادگی و زمینه‌سازی حکومت معنی شده است. اما اعمالی که باید برای زمینه‌سازی انجام داد:

۱. انتظار فرج. چنان‌که در روایت نبوی می‌خوانیم که فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ، برترین اعمال امت من انتظار فرج است». (ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۴). بنا به تفسیر امام خامنه‌ای این انتظار فرج عام است و انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداقی از آن است. در روایت دیگری امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «أَقْرَبُ مَا

يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَأَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ لَا مِيثَاقُهُ، فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛ در زمانی که حجت خدا غائب است، و ظاهر نیست، و مردم نمی دانند او کجا است؟ لیکن می دانند حجت خدا و میثاقش باطل نشده، در آن زمان بهترین عملی که انسان را به خدا نزدیک و باعث رضایت او می شود، انتظار فرج در صبح و شام است». (کلینی، کافی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۳).

اثر انتظار در اندیشه امام خامنه‌ای: رهبر معظم انقلاب در زمینه انتظار فرج فرموده‌اند: «مسئله انتظار ظهور صاحب الزمان (علیه الصلاة والسلام) یکی از آن مسائل پُر مغز و پُر معنا و دارای مضامین عالی در مجموعه تفکرات شیعه است. این امیدی که در دل یک انسان به وجود می‌آید، به برکت ایمان و اعتقاد و یقین به وجود منجی و به حضور منجی، این امید خیلی دارای ارزش و قیمت است. یقیناً مایه حرکت‌های بزرگ در جوامع اسلامی و در جوامع شیعی و مایه اصلی حرکت عظیم انقلاب اسلامی، همین عقیده و همین انتظار فرج است». (khamenei.ir 45306).

ایشان در ادامه فرمودند: «شیعه یاد گرفته است که با فضیلت‌ترین اعمال، انتظار فرج است. معنای این جمله آن است که در هر شرایطی و لو سخت‌ترین شرایط باشد، شیعه حق ندارد مایوس بشود و ناامید بشود، [چون] منتظر است، منتظر فرج، منتظر گشایش، منتظر باز شدن افق و نفس این انتظار به او نیرو می‌دهد و او را قدرتمند می‌کند و به او نشاط می‌دهد و نیرو و نشاط و امید هر جا بود، زندگی به طرف سامان پیش می‌رود، به طرف اصلاح حرکت می‌کند». (khamenei.ir 45306).

لازم به ذکر است که انتظار بر دو قسم است: تکوینی و تشریحی. انتظار تکوینی این است انسان مجبور باشد بر آن چه برای وی رقم خورده صبر نماید و قادر به تغییر نباشد. اما در انتظار تشریحی، انسان تلاش می‌کند وضعیت را با برنامه‌ریزی علمی و عملی تغییر دهد. بر این اساس امام سجاد علیه السلام وصف منتظران فرمود: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ

الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْظَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، بهترین انسان‌ها در زمان غیبت قائم، کسانی هستند که قائل به امامت او هستند، منتظر ظهور او هستند، آنان برترین افراد در همه زمان‌ها هستند، زیرا خداوند عقل و فهم و معرفت به آن‌ها عطا می‌کند که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است». (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۲). بنابر این برای منتظر واقعی غیبت امام برای وی همانند زمان حضور است، و با عقل و فهم برنامه‌ریزی می‌کند.

۲. دعوت به دین خدا. در ادامه بیان منور امام سجاد علیه السلام چنین آمده است که: «... جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شَيْعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا، خداوند شیعیان ما در زمان غیبت به منزله مجاهدان در رکاب پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار داده است، آنان به حق مخلص و شیعه صادق و دعت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار هستند». (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۲). بر اساس این روایت منتظران واقعی در عصر غیبت، همانند یاران در رکاب رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند که با شمشیر می‌جنگند، شیعه مخلص و صادق هستند، و دعوت کننده مردم به سوی خدا در آشکار و نهان هستند. در نتیجه منتظر، کسی نیست که دست بر دست بگذارد و ذکر بگوید!

۳. صبوری. در روایتی امام رضا علیه السلام فرمود: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ» [هود: ۹۳]، «فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» [اعراف: ۷۱]، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ؛ چقدر صبر و انتظار فرج زیبا است! پس بر شما باد به شکیبائی، چراکه فرج بعد از نومی‌دی خواهد آمد». (ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۵).

۴. دعا و تضرع. در توقیع شریفی که برای اسحاق بن یعقوب صادر شده است خود حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ، برای تعجیل در فرج زیاد دعا کنید، زیرا خود آن دعا فرج شما است». (ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه،

۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۵). یعنی نفس دعا کردن خود فرج است و وظیفه‌ای است که منتظر باید انجام دهد.

۵. انقطاع و یأس. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ وَ لَا وَ اللَّهِ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَ لَا وَ اللَّهِ حَتَّى تُمَحَّصُوا؛ امر ظهور محقق نمی‌شود مگر بعد از نومیدی. به خدا ظهور حاصل نمی‌شود تا این که مردم تمحص و تمییز پیدا کنند». (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷۰). بنابراین روایت یکی از نشانه‌ها و یا یکی از زمینه‌های ظهور این است جامعه بشری به حالت نومیدی و یأس برسد و واقعاً از حکومت‌ها مأیوس شود. ممکن است سؤال شود که حکومت از حاکمان جبار عقول است اما نومیدی از حکومت‌های عادلانه چرا؟ در پاسخ باید گفت، متعلق یأس‌ها متفاوت است، یأس از حاکمان طاغوت و جبار به خاطر نخواستن در اجرای قسط و عدل است. اما نسبت به حاکمان عدل، نتوانستن آنان است، یعنی می‌خواهند اما نمی‌توانند.

۶. همدلی شیعیان. در توفیح برای شیخ مفید، مرقوم فرمودند که: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا [وَقَفَّهِمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ] عَلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا فَمَا يُحْبَسُ عَنْهُمْ مُشَاهِدَتُنَا إِلَّا لِمَا يَنْصَلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ، اگر شیعیان ما که خدا آنان را موفق به طاعتش کند، همدل می‌شدند، لقای ما به تأخیر نمی‌افتاد. محرومیتان‌ها از مشاهده ما تنها به خاطر این است که کارهای ناشایست که ما از آن اکراه داریم مرتکب می‌شوند». (راوندی، الخرائج والجرائح، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۰۳). بنابراین اگر شیعیان همدل باشند حضور، ظهور و طلوع خورشید ولایت تعجیل می‌شود.

۷. ساماندهی و آمادگی. یکی از وظائف منتظران واقعی در عصر غیبت، سازماندهی و آمادگی برای حضور منجی است. برخی از علماء در این باره می‌نویسند: برای تحقق ظهور آمادگی فکری و فرهنگی، آمادگی اجتماعی، آمادگی فردی و آمادگی تکنولوژی و ارتباطی ضروری است. (مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۱۰۰). بسا آمادگی تکنولوژی مستند به این روایت امام صادق علیه السلام باشد که می‌فرماید: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يُنْظَرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ، هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به گوش و چشم شیعیان ما قدرتی می‌دهد که برای شنیدن و دیدن او بین قائم و آنان واسطه‌ای نیست». (کلینی، کافی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۴۱). و نیز فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ در زمان قائم، اگر مؤمن در مشرق باشد برادرش را در مغرب می‌بیند، و اگر در مغرب باشد برادرش را در مشرق می‌بیند» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۹۱).

۸. تشکیل حکومت تمهیدی. در کنار همه آن چه گذشت، مناسب است دولت آماده‌ساز تشکیل شود تا زمینه را هموار و فراهم سازد. و بسا بتواند مصداقی از «يُؤَطِّئُونَ لِلْمَهْدِيِّ» باشد، بدین معنی که سایه‌ای از دولت کریمه تشکیل شود و با آماده‌سازی جامعه تحویل صاحب اصلی آن گردد

یکی دیگر از زمینه‌های تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عج بالا بردن قدرت اسلام و تلاش در جهت تحقق آموزه‌های متعالی آن در سراسر زمین و تثبیت حاکمیت اسلام است. اسلام باید گسترش یابد و زیبایی‌های آن بر همگان آشکار گردد تا مقدمه‌ای شود برای پذیرش عمومی و جهانی انقلاب و حکومت مهدوی.

### ۳-۲-۵) راز ماندگاری انقلاب تا طلوع شمس ولایت

مهمترین علت پایداری انقلاب اسلامی شعارهای آن است که منطبق با فطرت بشری است که تعمیم در سه مقوله مکانی، زمانی و افرادی را در پی دارد. مقام معظم رهبری در باره شعارهای انقلاب فرمود: «شعارهای جهانی این انقلاب دینی هرگز بی مصرف و بی فائده نخواهد شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره دیگر افول کند. [خامنه‌ای، ۱۳۷۹]، بیانیه گام دوم انقلاب: ص ۱۳). روح این سخن رهبری این است که شعار انقلاب اسلامی هماهنگ با فطرت دینی است که در درون

انسان‌ها به ودیعت گذاره شده است. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)، پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند». در نتیجه این انقلاب و شعارهای آن خصیصه هر مکانی، هر زمانی و همگانی دارد. و وقتی پدیده‌ای چنین ویژگی داشته باشد، حقیقتی مستمر، زنده و پویا خواهد بود. آری ممکن است چند صباحی غباری بر آن بنشیند اما هرگز نخواهد رفت.

### نتیجه‌گیری

نظر به آن چه گفته شد چنین استنتاج می‌شود که:

۱. انقلاب اسلامی ایران، از آغاز تا کنون چهار مرحله را پشت سر گذاشته و منتظر تحقق دو مرحله اساسی دیگر به عنوان آرمان بزرگ خود است.
۲. انقلاب اسلامی در تمام علل چهارگانه وجودی از نقطه آغاز و عنصرمردمی، تا صفات رهبری و هدف مورد نظر از دیگر انقلابات ممتاز است.
۳. اندیشه اتصال انقلاب به قیام، ابتدا از نظرگاه امام راحل رویش یافت و در ادامه در تفکر امام خامنه‌ای شکوفا شد تا بدان جا که از طرح یک آروز در اندیشه امام، به یک اصل تحقق پذیر بدل گردید و مرحله ششم انقلاب را رقم زد.
۴. انقلاب اسلامی از این مرحله به بعد، منتظر عدل مهدوی و دولت کریمه آن حضرت است، دولتی که در تمام ارکان از کرامت الهی برخوردار است.
۵. رسالت دولت کریمه مهدوی که این انقلاب زمینه‌ساز آن است، عدالت‌گستر، عزت‌بخش اسلام و مسلمین، پاکساز جامعه از نفاق و منافق، جامعه‌سازی مبتنی بر خداخواهی، تا این‌کننده کرامت دنیا و آخرت، رونق‌دهنده علم و دانش، استکمال عقل و خرد، سالم‌ساز اقتصاد و جامعه است.
۶. راز ماندگاری انقلاب تا چهل سالگی و چله دوم آن تا اتصال به قیام مهدوی، فطری بودن اهداف مقدس آن است.



## فهرست منابع

\* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.

- \* نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
  ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۵، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، اسلامی، تهران.
  ۳. ابن ماجه، ابوعبد الله محمد بن یزید قزوینی، بی تا، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربيه.
  ۴. امام خمینی (سید روح الله)، بی تا، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
  ۵. حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳، قرب الإسناد، چاپ اول، قم.
  ۶. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۱، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، مؤسسه پژوهشی.
  ۷. [خامنه ای، ۱۳۹۷]، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران، انتشارات انقلاب اسلامی، وابسته به مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران.
  ۸. راوندی، (قطب الدین)، سعید بن هبة الله، ۱۴۰۹، الخرائج و الجرائح، چاپ اول، قم.
  ۹. ساروخانی، باقر، فرهنگ علوم اجتماعی، کلمه دولت.
  ۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰، المیزان في تفسیر القرآن، چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
  ۱۱. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷، تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، چاپ چهارم،

تهران.

۱۲. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۳. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، تفسیر عیاشی، چاپ اول، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، چاپ چهارم، تهران.

۱۵. محجوب، محمود و فرامرز یآوری، گیتا شناسی کشورها، ۱۳۶۲، چاپ دوم، انتشارات گیتا شناسی، تهران.

۱۶. مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۶۱، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الأنوار، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت

۱۸. معین، محمد، ۱۳۶۳، فرهنگ فارسی، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۱۹. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳، الإختصاص، قم، چاپ اول، قم.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، چاپ دهم، دار الکتب الإسلامیه، ایران، تهران.

۲۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری: [http:](http://farsi.khamenei.ir)

//farsi.khamenei.ir

## چهار ویژگی بنیادین انقلاب اسلامی در «بیانیه گام دوم»

(همراه با مستندات قرآنی و حدیثی)

سید حسین شفیعی دارابی<sup>۱</sup>

### چکیده

شناسائی ویژگیهای متنوع انقلاب اسلامی و بازگوئی آنها برای دیگران، از جمله مسائل پایه ای است که از دیر باز مورد توجه موافقان و مخالفان با این پدیده سیاسی بی بدیل در دوره معاصر قرار گرفته است؛ بر اساس واقعیت های موجود، اگر بگوئیم: مقام معظم رهبری، گوی سبقت را از همه فعالان در این عرصه مهم تحلیلی، ربوده است، سخنی به گزافه نگفته ایم؛ البته متن جامع «بیانیه گام دوم انقلاب» را باید اوج تلاش های معظم له در این حوزه فرهنگی - سیاسی دانست؛ زیرا با تأمل مناسب صورت گرفته در محتوای فرازهای مختلف این بیانیه، روشن گردید که در تدوین آن، بیش از ۳۰ ویژگی اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و.. انقلاب اسلامی مورد بازگوئی معظم له قرار گرفته است. قطعا انجام پژوهش پیرامون تک تک آنها، امری لازم (بلکه ضروری) است؛ اما به جهت لزوم رعایت محدودیت حجم مقاله، چاره ای جز این نبود که در صفحات پیش روی، به ذکر خوانش

۱. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکترای تفسیر و علوم قرآنی، هیئت علمی و استادیار جامعه

المصطفی ﷺ، مدیرگروه تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهراء ﷺ، Shafieidarabi@chmail.ir

چهار ویژگی اساسی: «تأثیرپذیری همه جانبه از اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، عدم الگوگیری از قیام های مارکسیستی و امثال آن، تبدیل جهان «دو قطبی» به جهان «سه قطبی»، و «گسترش اقبال و توجه به «معنویت» بسنده شود. براینده محتوای این مقاله این است: تمامی ویژگی های انقلاب اسلامی که در متن بیانیه گام دوم به آنها توجه داده شده است؛ بویژه چهارویژگی مورد اشاره؛ افزون بر همخوان بودن با واقعیات بروز یافته در روند انقلاب اسلامی، ریشه در آیات و روایات و سخنان امام راحل رحمته الله علیه و نیز دیگر آثار گفتاری و نوشتاری مقام معظم رهبری دارد. این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی به مهم ترین ویژگی های انقلاب اسلامی می پردازد.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی، اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، جهان دو قطبی، عدم الگوگیری از قیام های مارکسیستی، توجه به «معنویات»، بیانیه گام دوم انقلاب.

## ۱. مقدمه

بی تردید، آگاهی یافتن، و آگاهی بخشی همه جانبه نسبت به ویژگی های انقلاب اسلامی ایران، از ضریب اهمیتی بسیار بالائی برخوردار است؛ بدین جهت، پرداختن به آن، یکی از اقدامات معرفتی لازم بلکه ضروری در عرصه اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی محسوب می شود؛ همین جایگاه موجب گردید تا این مسئله از دیر باز، کانون توجه محافل سیاسی، اشخاص و احزاب انقلابی، و تحلیل گران امور اجتماعی داخلی و خارجی قرار گیرد، و آثار گفتاری و نوشتاری فراوانی در این راستا نگاشته شود.

واقعیات بروز یافته در چله اول انقلاب اسلامی حاکی از این است: تقصیر (؛ و یا دست کم، قصور و غفلت ناخواسته) خودیها از شناسائی و بازگویی ویژگیهای متنوع این حماسه دینی - سیاسی، موجب گردیده است تا معاندان داخلی و خارجی انقلاب، زمینه نفوذ در صف واحد امت انقلابی ایران اسلامی و آسیب رسانی به روند متعالی این پدیده مهم سیاسی را فراهم شده تلقی نمایند؛ و بصورت مستقیم و غیر مستقیم، تحریف شعارها و آرمان های اصلی این حماسه مهم دینی - اجتماعی در دوره معاصر را در رأس کار خویش قرار دهند؛ آنان ضمن اعمال شیوه سیاه نمائی های بی حد و حصر خویش نسبت به آورده های کمی و کیفی انقلاب اسلامی ملت ایران در حوزه های مختلف؛ از سوئی سعی نمودند تا از توجه افکار عمومی به ویژگیهای مثبت آن بکاهند، و از ناحیه دیگر کوشیدند تا چالش ها و نقاط منفی طبیعی و غیر طبیعی بروز یافته در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را بزرگ جلوه دهند؛ تا از این طریق بتوانند از روند تکاملی و رو به پیش آن جلوگیری نمایند<sup>۱</sup>. در

---

۱. خیزها و تلاشهای معاندان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی در قالب دو محور پیش روی، برای ایجاد وقایع تلخ در عرصه داخلی، گواه صادقی است بر اینکه آنان، با اعمال شگردهای مرئی و نامرئی خود در پی به بن بست کشاندن این حماسه بی نظیر ملت ایران اسلامی بوده اند:

الف) وقایع تلخ رخ داده در ماه های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ش؛ از قبیل: راه اندازی غائله کردستان در اواخر اسفندماه ۱۳۵۷ش (؛ یعنی پس از گذشت کمتر از دو ماه از پیروزی انقلاب

طول چهاردهه گذشته، متأسفانه تنها جمع محدودی از مدافعان و دوستداران انقلاب اسلامی، از هر فرصت ممکن در جهت طرح و برشمردن ویژگی های متنوع آن و تبیین و شناساندن آنها برای دیگران بهره جسته اند؛

بی هیچ اغراقی باید اعتراف کنیم: براساس واقعیت های موجود، خوشبختانه مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، گوی سبقت را در این عرصه ضروری فرهنگی - سیاسی از همگان ربوده است؛ زیرا معظم له همانند مربی شایسته خود (امام خمینی - ره-)، هیچگاه از بازگویی و شناساندن ویژگیهای انقلاب اسلامی برای اقشار مختلف در داخل و خارج از کشور دریغ نورزیده است؛ او با بهره گیری از دو شیوه گفتاری و نوشتاری حکیمانه و عالمانه خویش، آثار گرانبگی را در این راستا برجای نهاده است<sup>۱</sup>؛ که صدور و انتشار

اسلامی ایران؛ برنامه ریزی گروه موسوم به «چریک های فدائی خلق» برای برپائی آشوب در منطقه گنبد کاووس و بندر ترکمن، و به راه انداختن جمعیتی تحت عنوان «خلق ترکمن»، و لشکرکشی های خیابانی و گشودن آتش بر روی مردم و... در ۵ فروردین ۵۸ در شهر گنبد؛ بروز غائله جدائی طلبان خوزستانی و مطرح شدن تقاضای خود مختاری توسط هیئت نمایندگی عرب زبان در خوزستان از دولت موقت در هفتم اردیبهشت ۱۳۵۸، و مباحث پیرامونی آن؛ شکل گیری «حزب جمهوری خلق مسلمان» و راه اندازی آشوب در ۱۴ دی ماه ۱۳۵۸، با حمله به بیت امام خمینی رحمته الله علیه در قم و نیز تصرف صدا و سیما مرکز تبریز توسط اعضاء آن و... طراحی کودتای نوژه همدان توسط جمعی از نظامیان وفادار به رژیم منحوس پهلوی و لورفتن آن در ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹ (۹ ژوئیه ۱۹۸۰) همراه با دستگیری و کشته شدن تعدادی از کودتاگران؛

ب) وقایع تلخ رخ داده در ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸ و پس از آن؛ از باب نمونه: ایجاد درگیری ها در روزهای ۱۸ تا ۲۳ تیر ماه ۱۳۷۸ در کوی دانشگاه تهران؛ راه اندازی غائله و فتنه بسیار خطرناک و مدیریت شده در خرداد ماه ۱۳۸۸؛ ابراز هتاکی نسبت به تصویر امام خمینی رحمته الله علیه توسط حامیان به اصطلاح «جنبش سبز» در ۱۶ آذر ماه ۱۳۸۸؛ برنامه ریزی برای اغتشاش و حرمت شکنی در روز عاشورای حسینی (مطابق با ۴ دی ماه ۱۳۸۸)؛ توسط حامیان یکی از سران فتنه ۸۸؛ طراحی بحران آبان ماه ۹۸؛ به بهانه افزایش قیمت بنزین؛ و...

۱. خوشبختانه، مؤسسه های فرهنگی و نیز برخی از پژوهشگران خوش قریحه، به گردآوری مجموعه گفته ها و نوشته های مقام معظم رهبری در مورد «ویژگیهای انقلاب اسلامی» و ارائه تحلیلی مناسب پیرامون آنها روی

«بیانیه» معروف به «بیانیه گام دوم انقلاب» از سوی معظم له در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش، از جامع ترین و برترین آنها محسوب می شود.

نکته شایان توجه اینکه: اگرچه هدف اصلی مقام معظم رهبری از صدور بیانیه مذکور، بازگوئی آثار و ارمغان های متنوع انقلاب اسلامی و گوشزد نمودن آسیب ها و توجه دادن به چالشهای موجود و آینده بوده است؛ ولی نمی توان آگاهی بخشی معظم له نسبت به بخش مهمی از ویژگی های این حماسه بزرگ در خلال این بیانیه را انکار نمود.

## ۲. پیشینه

صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش از سوی مقام معظم رهبری و انتشار متن آن در رسانه های داخلی و خارجی، بازتاب گسترده ای در عرصه داخلی و خارجی داشته است؛ به گونه ای که نه تنها این اقدام حکیمانه معظم له، مورد توجه تحلیلگران موافق با انقلاب اسلامی قرار گرفته است؛ بلکه حتی جمع چشمگیری از معاندان هم، تبیین علت صدور این بیانیه و تحلیل محتوایی بخشهای مختلف آن را در دستور کار

آورده اند؛ از باب نمونه:

الف) موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۴ ش، ویژگیهای انقلاب اسلامی و راههای تداوم آن در آیین نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، نوبت ۴، در ۲۱۲ صفحه؛

ب) سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران، در قالب فیشهای حاکی از گفته ها و نوشته های مقام معظم رهبری در این راستا؛

ج) شفیعی، احمد، ۱۳۸۵ ش، انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، مجله حصون، شماره ۷؛

د) مهري، کریم، بهار ۱۳۹۵، نظریه ای در خصوص انقلاب اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبر، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۴، ص ۴۷ تا ۷۰؛

ه) حاجی صادقی، تابستان ۱۳۹۲، عبدالله، انقلاب اسلامی و برجسته ترین ویژگی ها از نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۵، ص ۳۵ تا ۵۶؛

و) جمال زاده، ناصر؛ بابا هادی، محمد باقر؛ فیاضی، رضا، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش، مولفه های مانائی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری، دو فصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶،

شماره ۱، پیاپی ۱۲، ص ۱۰۵ تا ۱۲۸.

خود قرار داده اند<sup>۱</sup> این بازخورد ها حکایت از آن دارد که تبیین تک تک بخش های این بیانیه، امری مهم می باشد؛ خود مقام معظم رهبری (حفظه الله) بارها و بارها به اهمیت این اقدام توجه داده است؛ و در مورد ضرورت آن فرموده است: «تجاوب قشرهای مختلف از نخبگان و آحاد جوانان و دانشجویان و روحانیون و طلاب و دیگران به این بیانیه چهلمین سال، بیانیه گام دوم، بسیار بجا و خرسندکننده بود. این نشان دهنده این است که نیاز به تبیین وجود دارد» (سخنرانی مقام معظم رهبری در اول فروردین ۱۳۹۸ش در حرم مطهر رضوی).<sup>۲</sup>

۱. جهت آگاهی از بازتاب صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» در رسانه ها و مطبوعات خارجی، شایسته است به تحلیل های مخابره شده از سوی: خبرگزاری های معاندی همچون: آسوشیتدپرس (خبرگزاری آمریکایی)، رویترز (خبرگزاری بین المللی بریتانیایی)، تایمز آو اسرائیل (رسانه صهیونیستی)، و خبرگزاری فرانسه، و... در آغازین لحظات پس از انتشار «بیانیه گام دوم انقلاب» توجه شود.

۲. به نظر می رسد: از میان مجموعه اقداماتی که تا کنون از سوی ارگان ها، احزاب و اشخاص داخلی و خارجی در این راستا صورت یافته است، دو تلاش ذیل، گسترده تر و تاثیر گذار تر بوده است:

(۲/۱) گره مائی ها و نشست های علمی - پژوهشی

برنامه ریزی مناسب برای برگزاری کنگره ها، کنفرانس ها، و همایش های ملی و بین المللی چشمگیر توسط ارگانها و مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در شهرهای مختلف ایران اسلامی و در عرصه های مجازی؛ از جمله:

الف) کنفرانس ملی مؤلفه های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب، مشهد، دانشگاه جامع المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نمایندگی خراسان؛

ب) کنگره بین المللی «گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث»، قم، مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

ج) همایش «آینده نگاری تمدن نوین اسلامی»، قزوین، پژوهشکده آینده پژوهی دانشگاه بین المللی امام خمینی عَلَيْهِ السَّلَام؛

د) همایش بین المللی «بیانیه گام دوم انقلاب و جهان اسلام»، قم، دفتر تبلیغات اسلامی؛

ه) همایش «تصویر جامعه آرمانی در بیانیه گام دوم انقلاب با رویکرد جایگاه زن و خانواده در جامعه آرمانی»، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواران؛



## کتاب‌ها

از باب نمونه از برخی از این کتابها یاد می‌نمائیم:

الف) مشرقی، محسن؛ عقیقی، فاطمه، ۱۳۹۹ش، کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات آینده سازان، در ۱۹۲ صفحه؛

ب) گام تمدن ساز: بسط بیانیه گام دوم انقلاب با تکیه بر اسناد بین المللی، دفتر نشر معارف وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، (برگزیده چهاردهمین دوره پویش کتابخوانی روشنا)، قم، ۱۳۹۸ش، در ۳۲۴ صفحه؛

## مقاله‌ها

از باب نمونه: تنها در یکی از فصلنامه‌ها، شاهد درج ۱۳ مقاله سودمند علمی - پژوهشی در این راستا هستیم. (نک: فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، زمستان ۱۳۹۹ش، دوره ۹، شماره ۳۵، ص ۹ تا ۲۲۱).

نکته شایان توجه اینکه: اگرچه در جهت تبیین ویژگیهای انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، کتابها و مقالات متعددی نگارش یافت؛ ولی با تتبع فراوانی که صورت گرفت، مشخص گردید: تا کنون، مقاله‌ای در راستای عنوان «خوانش چهار ویژگی کلیدی انقلاب اسلامی در آینه بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری» نگاشته نشده است؛ بدینجهت می‌گوییم: تهیه و تدوین این مقاله، اقدامی بدیع، پراهمیت، و ضروری محسوب می‌شود؛ امید است تلاش صورت یافته، سودمند واقع شود؛ و توفیق تکمیل آن در آینده‌ای نه چندان دور، رفیق راهمان گردد. ان شاء الله.

۳. کثرت و تنوع ویژگی‌های انقلاب اسلامی مطرح شده در «بیانیه گام دوم»

---

و) همایش ملی «ظرفیت‌های علوم انسانی برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب»، قم، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی‌العالمی، مجتمع‌آمین؛  
ز) همایش بین المللی «نقش عقلانیت و همگرایی مسلمانان در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی»، گرگان، جامعه المصطفی‌العالمیه، نمایندگی گلستان؛

شواهد درونی و برونی «بیانیه گام دوم» حاکی از این است که هدف و انگیزه اصلی مقام معظم رهبری از صدور این بیانیه، چیزی جز «توجه دادن به ارمغان ها و آورده های متنوع چله اول انقلاب اسلامی ایران و بازگوئی مهمترین مصادیق آن» نبوده است؛ ولی با انجام تاملی مناسب در مفاد مجموعه فرازهای این بیانیه آراسته به زیور حکمت و صداقت، روشن می شود که در قسمتهای مختلفی از آن، بصورت گذرا و فشرده به بخشی از ویژگیهای این حماسه جاوید نیز توجه داده شده است.

با بررسی محتوایی اولیه ای که اینجانب در متن این بیانیه داشته ام، روشن گردید که هم حجم ویژگیهای مطرح شده از انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری در خلال بیانیه گام چشمگیر است و هم متنوع می باشند؛ شاهد بر درستی این مدعا اینکه: در فرازهای مختلف این بیانیه، از ۳۴ ویژگی معرفتی، اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی سخن به میان آمده و بدانها توجه داده شده است.

#### ۴. مستندات قرآنی و حدیثی بازگوئی ویژگیهای انقلاب اسلامی

تعبیر قرآنی مشهور «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (ابراهیم، آیه ۵) در خطاب به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام حاکی از این است که آن حضرت پس از رهانیدن بنی اسرائیل از سیطره فرعون و نجات دادن آنان از ستم ها و جنایات بی شمار فرعونیان، ماموریت یافت تا روزهای سرنوشت ساز بروز یافته در عرصه ستیز با فرعون و فرعونیان را برای آنان بازگو نماید؛ در روایتی از پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که آن بزرگوار، در جهت تبیین مقصود از «أَيَّامِ اللَّهِ» فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ نِعْمَاؤُهُ وَ بَلَاؤُهُ وَ مَثَلَاتُهُ سُبْحَانَهُ»: «أَيَّامُ اللَّهِ، نعمت های خدا و بلاها و عقوبت ها و مجازات های اوست» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۹۱؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲؛ ص ۴۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۰، ح ۱۷). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز چنین فرموده است: «وَ ذَكِّرْهُمْ بِنِعَمِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي سَائِرِ أَيَّامِهِ»: «نعمت های خدای متعال را در سایر روزهای خدا به یادشان بیاور» (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۲۶).

مفاد آیات ۶ سوره ابراهیم<sup>۱</sup> و ۲۰ سوره مائده<sup>۲</sup> حاکی از این است که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، کاملاً در جهت اجراء فرمان الهی «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ» تلاش نموده؛ و به بیان اقدامات صورت یافته در جهت مبارزه با فرعون، عظمت پیروزی بدست آمده، و آورده های مهم سیاسی و غیر سیاسی که در این راستا نصیب بنی اسرائیل گردیده است پرداخت؛ بدین جهت می گوئیم: بر همه مؤمنان به انقلاب اسلامی لازم است، با تأسی به منش این پیامبر بزرگ الهی، به بازگوئی عظمت انقلاب اسلامی، ارجمندی پیروزی بدست آمده در مقابله با رژیم منحوس پهلوی، و به تبیین ویژگیهای متنوع این حماسه سیاسی - معنوی به پردازند.

#### ۵. تأثیرپذیری همه جانبه از اندیشه سیاسی امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ

بی تردید، مسئله اندیشه سیاسی امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ، یکی از مهم ترین ابعاد شخصیتی آن بزرگوار محسوب می شود؛ همین جایگاه موجب گردیده است تا جمع چشمگیری از محققان داخلی و خارجی فعال در عرصه «سیاست»، بدان توجهی عمیق و دقیق نموده، و از زاویه های مختلفی به تبیین آن به پردازند<sup>۳</sup>؛ آنچه که با الهام از بیانیه گام دوم انقلاب در

---

۱. «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ؛ و [یاد کن] زمانی را که موسی به قومش گفت: نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید، آنگاه که شما را از [چنگال] فرعونیان رهایی بخشید، [همانان] که پیوسته شما را شکنجه سخت می دادند، و پسرانتان را سر می بریدند، و زنانتان را [برای بیگاری] زنده می گذاشتند، و در این [حوادث] آزمایش بزرگی از سوی پروردگارتان بود.»

۲. «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»؛ و [یاد کنید] هنگامی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را حاکمان و فرمانروایان ساخت، و به شما نعمت های ویژه ای داد که به هیچ یک از جهانیان نداد.»

۳. از باب نمونه:

الف: شورو، فضل، مقاله تأثیرات عملی پیروزی اندیشه و انقلاب امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ، ترجمه مهدی سرحدی؛ مندرج در کتاب: رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ، ج ۱، ص ۲۵۵ و...؛

ب) مقیمی، غلامحسین، ۱۳۹۴ ش، اندیشه سیاسی، اجتماعی امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ، قم: مرکز بین المللی ترجمه

این بخش از این مقاله مورد نظر می باشد، چیزی جز اشاره محدود به «تأثیر پذیری همه جانبه انقلاب اسلامی از اندیشه سیاسی امام خمینی» رحمته الله علیه در پرتو محورهای پیش روی نمی باشد:

### ۵/۱) بارزترین شاخصه «اندیشه سیاسی امام خمینی» رحمته الله علیه

اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، ترکیبی است از شاخصه هائی متنوع؛ که «عینیت دیانت با سیاست»، از بارزترین آنها محسوب می شود؛<sup>۲</sup> بدین جهت است که می بینیم آن بزرگوار، جدا دانستن مقوله «دین» و «روحانیت» از «سیاست» را، اقدامی انحرافی در حوزه دین، و مصداقی از سیاست شیطانی «بنی امیه» و «بنی عباس» میدانست و به صراحت اعلان نمود: «طرح مسئله جدا بودن سیاست از روحانیت (و دین) چیز تازه ای نیست. این

ونشرالمصطفی صلی الله علیه و آله، چهارم؛

فوزی تویسرکانی، یحیی، ۱۳۹۸ش، اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، دفتر نشر معارف (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها)، ششم؛

ج) زین الدینی، نورالله، ۱۳۹۲ش، اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه براساس تالیف یحیی فوزی، تهران: نورا، دوم؛

د) جمشیدی محمد حسین، ۱۳۸۸ش، اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، دوم؛

ه) طلایی، محمد، ۱۳۹۹ش، مکتب سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه در بستر تاریخ انقلاب، قم، انتشارات پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، اول؛

۱. مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۴ / ۳ / ۱۳۸۳ش در مراسم بزرگداشت رحلت امام خمینی رحمته الله علیه، از اموری همچون: درهم تنیده بودن معنویت با سیاست، اعتقاد به نقش مردم، نگاه بین المللی و جهانی، پاسداری از ارزشها، و عدالت اجتماعی؛ به عنوان شاخص های مکتب سیاسی امام یاد نموده، و به شرح و بسط تک تک آنها پرداخته است.

۲. نک: سبحانی نیا، ۱۳۹۶ش، پیوند دین و سیاست از منظر امام خمینی، کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی / مبانی کلامی، ج ۱، ص ۱۲۷؛ قاضی زاده، کاظم، بهار ۱۳۷۳ش، پژوهشی در خطوط کلی اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، راهبرد، شماره ۳، ص ۸ تا ۴۵.

مسئله در زمان بنی امیه مطرح شد<sup>۱</sup> و در زمان بنی عباس قوت گرفت. در این زمان های اخیر هم که دست های بیگانه در ممالک باز شد آن ها هم به این مسئله دامن زدند. (نک: امام خمینی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۶، ص ۲۴۸).

مقام معظم رهبری، برای توجه دادن به عظمت این اندیشه معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران، فرموده است: «جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه‌ی دین و دنیا است؛ یعنی همان چیزی که از آن به مساله‌ی دین و سیاست و دین و زندگی هم تعبیر می‌کنند. (امام خامنه ای، بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی - ره - در ۱۴/۳/۱۳۸۴ ش). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3295>).

دو نکته شایان توجه اینک:

۱. اندیشه «عینیت دیانت با سیاست»، ریشه در آیات فراوان قرآنی دارد؛ از جمله، آیاتیکه در آنها از اموری همانند: تعلیم و تربیت (جمعه ۲/ بقره ۱۲۹؛ بقره ۱۵۱)، اقامه قسط و عدل (حدید ۲۵)، تأمین آزادی انسان ها (اعراف ۱۵۷)، رفع اختلافات (بقره ۲۱۳)، بشارت و انذار (نساء ۱۶۵؛ انعام ۴۸)، دعوت به حیات و زندگی (انفال ۲۴) و... به عنوان اهداف بعثت نبوی یاد شده است؛ بی تردید، دست یابی به این اهداف، جز در سایه حکومت اسلامی (که نماد بارزی از عینیت دیانت با سیاست است) ممکن نخواهد بود.

۲. در متون روایی نیز شاهد نقل روایاتی هستیم که بطور مستقیم، حاکی از «عینیت

دیانت با سیاست» می باشند؛ از باب نمونه:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «...؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبُهُ فَلَمَّا اكْمَلَ لَهُ

۱. طبری گوید: «معاویه پس از صلح در سال چهل هجری در سخنرانی خود گفت: «من با شما جنگ نکردم که نماز بخوانید یا روزه بگیرید یا حج کنید و یا زکات دهید. شما این کارها را می کنید. من با شما جنگ کردم تا بر شما حکومت کنم و به مقصود خود نیز رسیدم.» (نک: طبری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۲۴)؛ علامه طباطبائی رحمته الله علیه، پس از نقل این سخن معاویه، اینگونه نگاشت: «معاویه با این سخن نشان داد که سیاست را از دیانت جدا خواهد کرد و مقررات دینی ضمانتی نخواهد داشت و همه نیروی خود را در زنده نگه داشتن حکومت خود به کار خواهد بست.» (طباطبائی، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۱).

الْأَدَبَ قَالَ - إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَ الْأُمَّةِ لِيُسَوِّسَ عِبَادَهُ؛ «خداوند، پیامبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت کرد. چون تربیت او را تکمیل کرد، فرمود: تو دارای خلق عظیم هستی. سپس امر دین و امت را به او واگذار کرد، تا سیاست بندگانش را بر عهده گیرد»؛ امام صادق (علسه السلام) در ادامه گفتارش فرمود: «وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ مُسَدِّدًا مُوَفَّقًا مُؤَيَّدًا بِرُوحِ الْقُدْسِ لَا يَزِلُّ وَ لَا يُحْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوْسُ بِهِ الْخَلْقَ؛ همانا رسول خدا ﷺ استوار و موفق و مؤید به روح القدس بود و در سیاست و تدبیر مردم، هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱ / ۲۶۶).

## ۵/۲) امام خمینی رحمته الله علیه و دعوت مسلمین به تأسی از سیره سیاسی نبوی

امام خمینی رحمته الله علیه در پرتو باور مذکور، نه تنها ملت شریف ایران بلکه همه مسلمانان عالم را به تأسی از سیره سیاسی بلند نبوی صلی الله علیه و آله فرا خواند، و اینگونه اعلان نمود: «مسلمین باید سیره انبیا و خصوصاً سیره ی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را مطالعه کنند. ببینند چه کرده است و ما باید (به آن حضرت) تأسی کنیم. اگر پیغمبر آمده بود و فقط تو مسجد مدینه نشسته بود و قرآن را ذکر کرده بود و دیگر کاری (به سایر امور) هم نداشت، ما هم می رفتیم همین کار را می کردیم، ما تأسی می کردیم، اما (آن بزرگوار)... از همان اولی که آمده است در مکه، مشغول مبارزه بوده است تا وقتی آمد مدینه، در مدینه که آمد حکومت تشکیل داد. مبلغ فرستاد در همه جا، آن جایی که دستش می رسید» (نک: همان، ج ۴، ص ۲۱).

تاکید امام خمینی رحمته الله علیه بر الگوگیری از پیامبر اکرم (صلوات الله و سلامه علیه و آله) و تأسی به آن بزرگوار، ریشه در آیات و روایات دارد؛ مشهور ترین آیه در این راستا، آیه ۲۱ سوره احزاب میباشد؛ که در آن آمده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند»

برخی از مفسران فریقین، بر این نکته تصریح دارند که: با توجه به اطلاق آیه، هم در حوزه

گفتاری می‌بایست به پیامبر ﷺ تاسی نمود و هم در عرصه رفتار (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۶، ص ۲۸۸)؛ به عبارت دیگر: «در تمامی افعال، احوال و اخلاق لازم است از رسول اکرم ﷺ الگو گرفت و به حضرتش اقتداء نمود» (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۴، ص ۱۵۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۱۸۰).

### ۵/۳) انکار تاثیرپذیری همه جانبه انقلاب اسلامی از اندیشه سیاسی امام ﷺ

واقعیات بروز یافته در تاریخ انقلاب اسلامی گویای این حقیقت است که این مهمترین پدیده سیاسی در دوره معاصر، در سه مرحله: شکل‌گیری، پیروزی، و تداوم خود، کاملاً متأثر از اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی ﷺ بوده و می‌باشد (نک: وکیلی، ۱۳۹۷ ش، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۱۸۵ - ۲۰۷)؛ و این حقیقتی است که نه تنها نویسندگان داخلی؛ بلکه حتی برخی از نویسندگان خارجی (اعم از لبنانی و غیر لبنانی) نیز بدان اعتراف نموده‌اند (شرو رو، ۱۳۸۰ ش - ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۲۵۵)؛ ولی متأسفانه در طول سال‌های گذشته، برخی از اشخاص و افراد در داخل و خارج از کشور، تلاش نموده‌اند تا در تمام مراحل یاد شده (بویژه در مرحله سوم)، این تاثیر پذیری بارز را مورد انکار قرار دهند، و حتی نغمه «به موزه سپرده شدن اندیشه سیاسی» را سردهند؛ یکی از تندترین چهره‌های فعال در عرصه امام‌زدائی، در حاشیه کنفرانس حزب سبز آلمان (برگزار شده در ۱۹ تا ۲۱ فروردین ۱۳۷۹) در مصاحبه با خبرنگار روزنامه «تاگس اشپیگل»، اعلان داشت: «... خمینی دیگر وجود ندارد آنچه وجود دارد فقط برداشت‌های ما از سخنان اوست. او به هر حال یک روزی به موزه خواهد رفت و هیچکس نمی‌تواند جلوگیری کند. این یک تکامل تاریخی است...» (نک: پایگاه خبری نیلکوه، ۱۳۷۹ ش).

نکته شایان ذکر اینکه: «انکار تاثیرپذیری همه جانبه انقلاب اسلامی از اندیشه سیاسی امام ﷺ» توسط اشخاص و احزابی خاص، ریشه در منیت‌های گروهی و شخصی آنان دارد، و معلول بدخواهی‌هایی است که در درون و برویشان ریشه دوانده است؛ بی‌هیچ تردیدی، اینگونه از اشخاص در شمار آنانی قرار دارند که خداوند در حقشان فرموده است:

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَصْلُ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ» (اعراف، آیه ۱۷۹): «و مسلماً بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [زیرا] آنان را دل هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی یابند، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه های حق را] نمی بینند، و گوش هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه ترند؛ اینانند که بی خبر و غافل [از معارف و آیات خدای] اند».

علی بن ابراهیم قمی رحمته الله علیه نیز در مقام تفسیر این آیه چنین نگاشته است: «امام باقر علیه السلام فرمود: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» (یعنی) «خدا بر دل هایشان مهر زد. پس تعقل نمی کنند و نمی فهمند. «و لَهُمْ أَعْيُنٌ» یعنی (بر چشمان) آن ها پوششی در برابر هدایت است، لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا یعنی بر گوش هایشان مهر زده و هیچ گاه هدایت را نمی شنوند». (قمی، ۱۳۶۳ ه. ش، ج ۱، ص ۲۴۹)

#### ۵/۴) تلاش مدعیان روشنفکری در جهت ترویج تز «جدائی دین از سیاست»

متأسفانه برخی از روشنفکران دینی (که زمانی مدعی حمایت از حرکت امام رحمته الله علیه بوده اند)، با چراغی خاموش به مقابله با کلیدی ترین شاخصه اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه؛ یعنی شاخصه «عینیت دین با سیاست» برخاسته، و مزورانه ترویج تز انحرافی «جدائی دین از سیاست» را در دستور کار خود قرار داده؛ و اینگونه نگاشت: «انجام کارهای اصلاحی و تکمیل دنیا در سطح مردم دور از شأن خدا و تنزل دادن مقام پیامبران [به] حدود مارکس و پاستور و گاندی است» (بازرگان، ۱۳۷۴ ش، ماهنامه کیان، شماره ۲۸، ص ۴۸)؛ وی در سخن دیگری نیز گفته است: «نیازی ندارد که خدا و فرستادگان خدا راه و رسم زندگی و حل مسائل فردی و اجتماعی را به او یاد بدهند خصوصاً که گرفتاری و سختی و تلاش و تدبیر برای رفع مشکلات، جزیی از برنامه آفرینش آدمی است» (همان، ص ۴۹)؛ فرد دیگری از همین قماش، رسماً نوشت: «دین نباید کاری به دنیای مردم داشته باشد و دنیا را عقلا اداره



می کنند و دین برای آباد کردن دنیای مردم نیامده است» (سروش، ۱۳۷۵ش، ماهنامه کیان، شماره ۳۲، ص ۸)؛ و «دین داران، عاشق دین خود هستند. وقتی شما عاشقانه در چیزی نظر می کنید اولاً، کاستی های آن را نمی بینید و ثانیاً مایلید همه کمالات را در معشوق خود متجلی ببینید. وقتی کسی عاشق دین است برای او جامعیتی را می طلبد که دین در واقع واجد آن نیست. دین داران از دین انتظار دارند که هم دنیای مردم را آباد کند و هم آخرت آن ها، را اما این انتظار هیچ دلیل عقلی و شرعی ندارد. این تلقی اگر از عاشقان مقبول باشد از عاقلان قوم پذیرفته نیست» (سروش، همان)؛

۵/۵) نقد اجمالی اندیشه «جدائی دین از سیاست»

اگر کسی کمترین آگاهی از آموزه های دینی و سیره زندگی انبیاء الهی و امامان معصوم علیهم السلام داشته باشد، به وضوح می یابد که صاحبان این نگاهشته ها، مفاد روشن بسیاری از آیات و روایات حاکی از ضرورت دخالت دین در امور دنیوی را نادیده گرفته اند؛ از باب نمونه: فرمان خدای متعال به رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به «... وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْلِلَ بَيْنَكُمْ...»<sup>۱</sup> و نیز به عموم مسلمانان به «... وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...»<sup>۲</sup>؛ و توصیف مؤمنان راستین به «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»<sup>۳</sup>؛ گویای این حقیقت است که آموزه های دینی محدود به امور شخصی و محصور به برقراری ارتباط فردی با خدای متعال نمی باشد؛ زیرا بستر اجراء «عدالت» (که خود مصداق بارزی از امور دنیوی و سیاسی محسوب می شود)، چیزی جز جامعه نخواهد بود.

۱. شوری، آیه ۱۵: «... و بگو: به کتابی که خدا نازل کرده است ایمان دارم و به من فرمان داده اند که در میان شما به عدالت رفتار کنم...».

۲. نساء، آیه ۵۸: «... و چون در میان مردم به داوری نشینید به عدل داوری کنید...».

۳. سوره لشوری، آیه ۳۸: «و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند».

خوشبختانه رهروان امام خمینی رحمته الله علیه، در قبال این کج اندیشان ساکت ننشسته، و با تمام توانشان به پاسداری از مجموعه اندیشه سیاسی معمار کبیر انقلاب اسلامی برخاسته؛ و با برپائی همایش های علمی<sup>۱</sup>، نوشته های متنوعی را در جهت مقابله با «تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه» به رشته تحریر در آوردند (نک: داستانی بیرکی، ۱۳۸۰ش)؛

۵/۶) تلاش چشمگیر مقام معظم رهبری در جهت تبیین تاثیر پذیری همه جانبه انقلاب اسلامی از مکتب سیاسی امام رحمته الله علیه

شواهد عینی حکایت از این دارد که مقام معظم رهبری، بیش از هر شخص دیگری، به تبیین تاثیر پذیری همه جانبه انقلاب اسلامی از مکتب سیاسی امام رحمته الله علیه پرداخته است؛ معظم له، ضمن تصریح به اینکه «امام بزرگوار ما در سطح دنیای اسلام، ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام را احیاء کرد» (سخنان رهبر انقلاب اسلامی در مراسم سالگر امام رحمته الله علیه در تاریخ ۱۴ / ۳ / ۱۳۸۳)؛ بارها و بارها از تأثیر پذیری انقلاب اسلامی در سه مرحله شکل گیری، پیروزی، و تداوم خود از اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه سخن به میان آورده است (نک: ۱۳۹۲ش، پیشخوان شماره ۱۳)؛ از جمله، در فرازی از بیانیه گام دوم، در مقام توجه دادن به این امر مهم، چنین نگاشته است:

«انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد؛ و این نخستین درخشش انقلاب بود».

#### ۶. عدم الگوگیری از قیام های مارکسیستی و امثال آن

دیگر ویژگی مهم انقلاب اسلامی که در بخشی از «بیانیه گام دوم انقلاب» بدان توجه داده شده، عبارت است از «عدم الگوگیری از قیام های مارکسیستی و امثال آن»؛ پیرامون این ویژگی نیز، به ذکر و تبیین مباحث ذیل بسنده می شود:

۱. از جمله: همایش برگزار شده در بیروت - لبنان، ۱۵ و ۱۶ شعبان ۱۴۲۰ ه. ق؛ برابر با ۳ و ۴ آذرماه ۱۳۷۸ ه.

ش، مطابق با ۲۳ - ۲۴ نوامبر ۱۹۹۹ م.

### ۶/۱) تبیین خاستگاه و آداب «الگوگیری مشروع»

الگوگیری از کارکردهای نیک دیگران و تقلید از آنان، افزون بر آنکه آموزه ای قرآنی (نحل)، آیه ۴۳؛ انبیاء، آیه ۷؛ احزاب، آیه ۲۱؛ ممتحنه، آیات ۴ و ۶؛ و... و روایی (نک: شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۲؛ همان، ۱۳۶۵ش، نامه شماره ۶۷؛ مفید، ۱۴۲۶ق = ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۹۴؛ مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۴۵، ص ۳؛ شیخ حرّ عاملی، بی تا، ج ۲۷، ص ۱۴۶، ح ۳۳۴۴۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق = ۱۳۶۰ش، ج ۱۷، ص ۳۱۵؛ عسکری، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۹ - ۳۰۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۷) محسوب می شود؛ ریشه در فطرت بشری دارد (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۶۵)؛ ولی تحقق درست این امر مهم فطری در عرصه حیات فردی و اجتماعی، متفرع بر رعایت آداب و دستورات عمل‌هایی خاص می باشد؛ که پرهیز از تأسی به الگوهای منفی، و دوری جستن از تقلید کوکورانه، از جمله این آداب محسوب می شود (بقره، آیه ۱۷۰؛ مائده، آیه ۱۰۴؛ زخرف، آیات ۲۲ تا ۲۵)؛ توجه به این آموزه دینی موجب گردید تا معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران و مجموعه انقلابیون رهرو ایشان، در مراحل سه گانه شکل گیری، پیروزی، و تداوم انقلاب اسلامی، تنها تأسی به منش انبیای الهی و سیره آل الرسول ﷺ را سرلوحه کاری خویش قرار دهند، و از آلوده نمودن این حرکت الهی به زنگار الگوگیری از انقلاب‌ها و جنبش‌های کمونیستی پرهیز نمایند؛

با تتبع در آثار گفتاری و نوشتاری امام خمینی رحمته الله علیه به وضوح می یابیم که اصل سیاست «نه شرقی، نه غربی»، در سرلوحه کاری آن بزرگوار قرار داشته است؛ خواسته او از همه طوایف و اقشار مستضعف این بوده است: «من اکنون به ملت‌های شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند بوده، و لحظه‌ای از شکر این نعمت غفلت نکرده و دست‌های ناپاک عمال ابرقدرتها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی، تزلزلی در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۹۹).

## ۶/۲) وجه عدم الگوگیری انقلاب اسلامی از قیامهای ماکسیستی و امثال آن

مقام معظم رهبری، در فرازهایی از بیانیه حکیمانه «گام دوم انقلاب»، به دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم از ویژگی «عدم الگوگیری انقلاب اسلامی از قیامهای مارکسیستی و امثال آن» یاد نموده است؛ معظم له، ابتداء به این نکته اشاره دارد که: «انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد، ... هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت»؛ (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

رهبر انقلاب، در خلال این جملات به این نکته توجه داده است: با توجه به اینکه در تاریخ سیاسی ملل مختلف جهان، نمی‌توان پیشینه‌ای را برای حرکت سیاسی امام راحل علیه‌السلام یافت و شروع آن از نقطه صفر بوده است؛ پس بستر مناسب برای الگوگیری این حماسه الهی از حرکت‌های سیاسی پیشینیان نیز فراهم نبوده است؛ در نتیجه، حرکتی نو و بدیع محسوب می‌شود.

مقام معظم رهبری، سپس به تبیین علت عدم الگوگیری انقلاب اسلامی از قیامهای مارکسیستی و امثال آن، پرداخت؛ و این‌گونه نگاشت: «بدیهی است که قیامهای مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه (انقلاب خویش را) آغاز کردند».

## ۶/۳) اعتراف دانش‌وران غربی به ویژگی دوم انقلاب اسلامی

اگرچه جامعه‌شناسی همانند «آنتونی گیدنز» (Anthony Giddens) (متولد ۱۸ ژانویه ۱۹۳۸)، در کتاب «مبانی جامعه‌شناسی»<sup>۱</sup> خود در بیان انقلاب‌هایی که در قرن بیستم رخ

۱. از آنتونی گیدنز به عنوان مشهورترین جامعه‌شناسان بریتانیایی یاد می‌شود. نگاشته‌های وی که دست‌کم به ۳۴ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله می‌رسد، به عنوان کتاب‌های درسی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های سرتاسر

داده است، از انقلاب ۱۹۷۹ رخ داده در ایران اسلامی نامی نبرده است (نک: ویکی‌پدیا دانشنامه آزاد، مقاله انقلاب اسلامی)؛ ولی تعدادی از تحلیل‌گران غربی برخوردار از خصلت «انصاف»، در نگاشته‌های خویش، ضمن یاد نمودن از این پدیده مهم سیاسی دوره معاصر، صراحتاً از مسئله «بدیع بودن انقلاب اسلامی» و عدم الگوگیری آن از قیام‌های بروز یافته در تاریخ ملل مختلف، به عنوان یکی از نقطه‌های امتیاز آن یاد نموده‌اند؛ از باب نمونه، به ذکر دو اعتراف بسنده می‌شود:

۱. «پُل میشل فوکو» (Paul Michel Foucault) (زاده ۱۵ اکتبر ۱۹۲۶ – درگذشته ۲۴ ژوئن ۱۹۸۴) اندیشمند نام‌دار فرانسوی، در کوران مبارزات انقلابی مردم ایران اسلامی، دو بار به ایران سفر کرد. نخستین بار از ۱۶ تا ۲۴ سپتامبر یعنی ۲۵ شهریور تا دوم مهر ۱۳۵۷ و بار دوم از نهم تا ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸ یعنی ۱۸ تا ۲۴ آبان ۱۳۵۷ بود. او در این سفرها در تهران، قم و آبادان، با برخی از رهبران ملی و دینی و گروه‌های مختلفی که در انقلاب دست داشتند ملاقات کرد (نک: فوکو، ۱۳۹۳ش، ص ۷-۸)؛ حاصل این سفرها مجموعه گزارش‌ها و مقالاتی شد که «فوکو» برای روزنامه ایتالیایی «کوریه دلا سرا» (یکی از قدیمی‌ترین روزنامه‌های اروپایی) نوشت. (نک: گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۹۸). این مقالات با عنوان «ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند» در ایران ترجمه شده‌است. همچنین مصاحبه او درباره انقلاب ایران نیز با عنوان «ایران روح یک جهان بی‌روح» ترجمه شده‌است

جهان آموزش داده می‌شوند؛ او همچنین در دوره نخست‌وزیری تونی بلر، مشاور وی بوده و از قرار معلوم همچنان هم مشاور نخست‌وزیری بریتانیا است.

۱. کتاب جامعه‌شناسی تالیف آنتونی گیدنز، یکی از متون درسی دانشگاه در این رشته محسوب می‌شود؛ این کتاب، تا کنون توسط دو مترجم فارسی زبان، ترجمه شده است؛ یکبار توسط حسن چاوشیان و بار دیگر توسط منوچهر صبوری کاشانی؛ البته ترجمه دوم، رایج‌تر است؛ بگونه‌ای که در فاصله زمانی ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۵، در ۱۸ نوبت به چاپ رسیده است. جهت آشنائی با محتوای این کتاب مراجعه شود به: توکل، محمد، دی ۱۳۷۳ش، معرفی کتاب جامعه‌شناسی گیدنز، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، دوره ۷، شماره ۷ - شماره پیاپی ۱۱۹۱.

(فوکو، ۱۳۹۹ش، نشر نی)، فوکو در این مقاله‌ها و مصاحبه‌ها نگاهی ستایش‌آمیز به انقلاب ایران و رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه داشته که باعث شده کلیشه‌های رایج درباره این انقلاب را در رسانه‌های غربی بشکنند؛ وی در خلال کتاب مذکور، از سه ویژگی شگفتی‌آور انقلاب ایران یاد نموده؛ از جمله: مشارکت اقشار و طبقات ناهمگون و همچنین گروه‌های سیاسی نامتجانس در انقلاب است؛ و در این راستا چنین نگاشته است: «آن‌چه این رخداد انقلابی را مشخص می‌کند، واقعیت حضور یک اراده‌ی مطلق جمعی است. اراده‌ی جمعی یک اسطوره سیاسی است، که به کمک آن فلاسفه و حقوقدانان می‌کوشند نهادهای اجتماعی را تحلیل کنند و به آن مشروعیت بخشند. اراده‌ی جمعی را کسی به چشم ندیده است، اما باید آن را ابزاری تئوریک به حساب آورد. من نیز بر این باور بودم که اراده‌ی جمعی چیزی همچون خدا و یا روح است، زیرا مشاهده آن ناممکن است. نمی‌دانم با این سخن من موافقت، اما ما در حال حاضر شاهد اراده‌ی جمعی مردم در تهران و تمام ایران هستیم» (فوکو، ۱۳۹۹ش)؛ بدین جهت است که می‌بینیم «فوکو»، «انقلاب اسلامی ایران را انقلابی فرامدرن خوانده است» (نک: خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۵ش)؛

۲. دو خبرنگار روزنامه فرانسوی «لیبراسیون» (Liberation)<sup>۱</sup>، در کتاب تحلیلی خویش (ایران: انقلاب بنام خدا)<sup>۲</sup> اعلان داشته اند: «انقلاب ایران در تاریخ انقلاب‌های جهان بی نظیر بوده و با هیچ معیار و ملاکی جز با اراده ملی و قدرت مذهبی قابل سنجش نیست».

محققان و نویسندگان عضو انجمن تحقیقاتی خدمات ارتشی وزارت دفاع ملی اتریش نیز، در کتابی با عنوان «نیروهای ارتشی در کشورهای خاور نزدیک و شمال آفریقا» می‌نویسند: «همزمان با سقوط رژیم شاه و آغاز حکومت (امام) خمینی در ایران، یک تجدید حیات اسلامی در پیمان‌های وسیع و غیر قابل انتظاری آغاز شد که طی مدت زمان کوتاهی،

۱. خانم: «کلربری» (Clair Briere) و آقای «پیربلانشه» (Pierre Blanchet).

۲. کتاب «ایران: انقلاب بنام خدا» در سال ۱۳۵۸ توسط قاسم صنعوی در ایران ترجمه شده و مؤسسه جغرافیایی سحاب هم آن را منتشر کرده است.

تأثیرات بسیار مهم سیاسی و فرهنگی خویش را بر سر تا سر جهان اسلام به نحوی وارد کرد که هرگز قابل پیش بینی نبود. بدون تردید، این نهضت تجدید حیات اسلامی چنان با شخصیت (امام) خمینی گره خورد که (امام) خمینی به عنوان سمبل و مظهر «بیداری اسلامی» شناخته شدند. همزمان با طلوع سیاسی (امام) خمینی، دین اسلام به عنوان مهمترین نیروی موجد انگیزه برای رویدادهای سیاسی شد». (نک: محققان و نویسندگان انجمن تحقیقاتی خدمات ارتشی وزارت دفاع ملی اتریش، بی تا، ص ۲۸۳-۲۸).

#### ۶/۴) مستندات و حیانی ویژگی سوم انقلاب اسلامی ایران

بی شک، عدم الگوگیری انقلاب اسلامی ایران از دو نظام سیاسی غربی (لیبراستی و کاپیتالیستی) و شرقی (سوسیالیستی و کمونیستی)، برآمده از آموزه های وحیانی است، و ریشه در جمعی از آیات و روایات دارد؛ دارد؛ از باب نمونه می توان از آیه معروف به «آیه نفی سبیل»<sup>۱</sup> یاد نمود؛ در این آیه شریف، از نفی سلطه کفار، خبر داده شد؛ قطعاً ارمغان الگوگیری از دو نظام سیاسی مذکور، چیزی جز وابستگی همه جانبه به آن دو و فراهم آمدن زمینه سلطه زمامداران غربی و شرقی بر ایران اسلامی و دیگر ملل مسلمان نخواهد بود؛ برخی از محققان قرآنی معاصر به صراحت اعلان داشته اند: «قاعده نفی سبیل، از قواعد فقهی مهم و شناخته شده است که به ویژه در فقه اقتصادی و فقه سیاسی، در همه روابط فردی و اجتماعی بین مسلمانان و غیرمسلمانان، به عنوان قانونی کلی جریان دارد» (عمید زنجانی، ۱۳۹۲ش، ج ۳، ص ۲۴).

در بیان نورانی امام علی علیه السلام نیز آمده است: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَصَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ عَلَيْهَا بَاقِي الْكِتَابِ وَ آثَارُ النَّبُوَّةِ»: «چپ و راست گمراهی، و راه میانه، جاده مستقیم الهی است که قرآن و آثار نبوت، آن را سفارش می کند. (صالح، ۱۳۷۴، خطبه ۱۶، ص ۵۸؛ دشتی، ۱۳۷۹ش، خطبه ۱۶، ص: ۶۰).

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۱: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»: «و خدا هرگز هیچ راه سلطه ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است».

### ۷. تبدیل جهان «دو قطبی» به جهان «سه قطبی»

یکی از ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران که در فراز کوتاهی از «بیانیه گام دوم انقلاب»، صراحتاً به آن توجه داده شده، عبارت است از «تبدیل جهان دو قطبی، به جهان سه قطبی»؛ حجم مباحث پیرامونی این ویژگی و الای نهضت امام خمینی رحمته الله علیه بسیار است؛ بناچار، به ذکر مباحث پیش روی بسنده می شود:

#### ۷/۱) زمان شکل گیری جهان دو قطبی

با پایان رسیدن جنگ جهانی دوم در اواخر ماه آوریل و اوایل ماه مه سال ۱۹۴۵م، جهان به دو بلوک غرب و شرق تقسیم شد. بلوک غرب که بر مبنای سرمایه‌داری بود در برابر کشورهای متحد شوروی و پیمان ورشو قرار داشت. آمریکا در راس بلوک غرب و شوروی مرکز بلوک شرق بود. کشور ایران در دوره جنگ سرد و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی جزو بلوک غرب بود و از سوی آمریکا به عنوان ژاندارم منطقه شناخته می شد. منطقه غرب آسیا و به عبارت دیگر خاورمیانه نیز به شدت تحت تأثیر بلوک بندی شرق و غرب بود و هیچ کشور و حکومتی نبود که خارج از این بلوک بندی باشد، حتی جنبش عدم تعهد نیز که در اوج جنگ سرد و در سال ۱۹۶۱ در یوگسلاوی به وجود آمد و بخشی از کشورهای جنوب آسیا و آفریقا عضو آن شدند، در اسم غیرمتعهد بودند، اما اجزایشان متعهد بود، به طور مثال کشورهای یوگسلاوی، اندونزی و هند جزو بلوک شرق بودند. در چنین شرایطی، شاهد شکل گیری تعبیر ترکیبی «جهان دو قطبی»، در عرصه اصطلاحات سیاسی هستیم؛ اصطلاحی که شدیداً ایده های تحلیلی دانشوران فعال در عرصه امور سیاسی - اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد؛ به گونه ای که دست کم تحلیل غالب آنها، با صبغه باور به «جهان دو قطبی» عرضه می شد.

#### ۷/۲) مقابله همه جانبه امام خمینی رحمته الله علیه با ایده «جهان دو قطبی»

انقلاب اسلامی در خارج از چارچوب و تقسیم بندی بلوک غرب و شرق به وقوع پیوست و



به خلاف اینکه بسیاری از سران رژیم شاهنشاهی تصور می‌کردند که امام خمینی رحمته الله علیه و انقلاب او وابسته به شرق هستند، اما انقلاب اسلامی با تاکید بر سیاست «نه شرقی - نه غربی» و برپایه «حکومت اسلامی» و نه «حکومت کمونیستی» و «لیبرالی» به پیروزی رسید؛ و ایده «جهان دو قطبی» رو به افول نهاد. معمار کبیر انقلاب اسلامی، در مورد عظمت این ویژگی فرموده است: «شما می بینید که انقلاب ما از نظر کمی ضررها و کثرت نتایج مفید، در میان همه انقلابهای دنیا بی همتاست از نتایج این انقلاب خارج شدن از سیطره شرق و غرب بود و این چیز کمی نیست. در دنیا سابقه ندارد که کشوری از سلطه همه نیروهای خارجی آزاد شود، بلکه آنچه در آن کشورها اتفاق افتاده، آزادی از یک قدرت و رفتن به دامان قدرت دیگری بود؛ اما ما امروز به ابرقدرتها نیاز نداریم و چرخ مملکت خود را با همکاری یکدیگر به گردش درمی آوریم» (امام خمینی، ۱۹۹۵م، یکپارچگی فرهنگی، ص ۹۰، ۹۱، ۱۵۰)؛ «ما باید ایران را به کشوری مستقل از نظر سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل کنیم که از اتکا، به امریکا و شوروی و انگلیس، این قدرتهای سیری ناپذیر جهانی، رها شود ما باید هویت اصیل خود را به دنیا اعلام کنیم. متأسفانه بعضی از روشنفکران نمی توانند از وابستگی به شرق و غرب رها شوند. امیدواریم این افراد جدا شده از ملت، در سایه تحول فرهنگی اسلامی موجود، آگاه شوند و اصالت خود را بازیابند». (همان، استقلال فرهنگی، ص ۴۲).

### ۷/۳ تبیین نقش امام رحمته الله علیه در جهت تثبیت قطب سوم جهانی

در پرتو ایده بلند و حکیمانه امام خمینی رحمته الله علیه، و تحقق پیروزی انقلاب اسلامی، قطب سومی تحت عنوان «تقابل اسلام و استکبار» در جهان شکل گرفت؛ معمار کبیر انقلاب، برای تثبیت این وضعیت در سراسر جهان، دیگر ملت‌ها را نیز به پیروی از سیاست «نه شرقی - نه غربی» دعوت کرد؛ و چنین فرمود: «من اکنون به ملت‌های شریف و ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر وابسته است، بلکه بصیرتی است که خداوند بر آن‌ها نصیب فرموده است، محکم و

استوار و متعهد و پایدار و پایبند باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۰ش، ج ۲۱، ص ۳۹۹).  
مقام معظم رهبری نیز، در بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، از ویژگی سوم انقلاب اسلامی یاد نموده و اینگونه نگاشت: «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد».

#### ۷/۴ بیانیه گام دوم انقلاب و بازگویی پدیده قطب سوم جهانی

مقام معظم رهبری، در بخش آغازین «بیانیه گام دوم انقلاب»، از بروز قطب سوم جهانی (؛ یعنی قطب «تقابل اسلام با استکبار») یاد نموده؛ و در این راستا چنین نگاشته است:

«آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست و پنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود».

پیش می‌رود» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

(//farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

بخش مذکور از بیانیه گام دوم، به وضوح حکایت از این دارد که در پی پیروزی انقلاب

اسلامی، از سوئی هیمنه استکباری آمریکا در سراسر جهان (بویژه در جهان اسلام) شکسته شد و در سرایشی احتضار و زوال قرار گرفت، و از ناحیه دیگر، نظام کمونیستی شوروی فروپاشید؛ بروز این وضعیت، موجب گردید تا در دهه هشتاد قرن بیستم، شاهد شکل گیری تقابل دوگانه «اسلام و استکبار» و تبدیل جهان دو قطبی به سه قطبی باشیم.

نکته شایان توجه اینکه: مقام معظم رهبری در طول چله اول انقلاب اسلامی ایران و قبل از صدور «بیانیه گام دوم»؛ ضمن توجه دادن به واقعیت تلخی بنام «جهان دو قطبی»، تبیین اهداف مشترک بازیگران در این عرصه را نیز در دستور کار خویش قرار داد، و چنین فرمود: «دنیا دو قطبی بود؛ یک طرف نظام غربی به سرپرستی و رهبری آمریکا بود، یک طرف هم نظام شرقی به سرپرستی شوروی. این دو نظام، در صد مسأله هم با یکدیگر توافق داشتند. یکی از آن مسائل حفظ نظام سلطه بود. یعنی هر دو این را پذیرفته بودند که دنیا به دو منطقه تقسیم می‌شود». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2772>، ۱۳۷۴/۸/۱۰)

#### ۷/۵) مهمترین ارمغان برآمده از بروز «قطب سوم جهانی»

واقعیات بروز یافته در دو عرصه داخلی و بین المللی، گویای این حقیقت است که پدید آمدن قطب سوم جهانی در قالب «تقابل اسلام و استکبار»، ارمغان های متعددی را در پی داشته است؛ بی هیچ تردیدی، «گسترش توجه به معنویت» از مهمترین آنها محسوب می شود؛ بحث تفصیلی پیرامون این امر مهم را به ادامه این مقاله و در قالب تبیین «ویژگی چهارم» انقلاب اسلامی ماکول می نمائیم؛ اکنون به ذکر اعتراف جامعه شناس مشهور انگلیسی یعنی «آنتونی گیدنز» بسنده می نمائیم؛ وی در یکی از نوشته هایش اینگونه اعتراف می کند:

«در گذشته سه غول فکری جامعه شناسی یعنی «کارل مارکس» (۱۸۱۸-۱۸۸۳م)، «امیل دورکیم» (۱۸۵۸-۱۹۱۷)، و «ماکس وبر» (۱۸۶۴-۱۹۲۰) با کم و بیش اختلافاتی فرآیند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می دیدند ولی از آغاز دهه

هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرآیند عمومی جهان روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن (و گرایش به معنویت) پیش می‌رود». (گیدنز، ۱۳۸۵ ش، ص ۷۵).

#### ۸. گسترش اقبال و توجه به «معنویت»

از جمله ویژگیهای مهم انقلاب اسلامی ایران؛ که به دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم، در بخشهای مختلفی از «بیانیه گام دوم انقلاب» بدان توجه داده شده، عبارت است از: نقش والای این پدیده سیاسی در گسترش توجه مردم به «دین» و «معنویت»؛ خوشبختانه، این ویژگی انقلاب اسلامی، بیش از بقیه ویژگیهای آن، مورد توجه بیگانگان قرار گرفته (نک: قطبی، ۱۳۹۳ ش، بی چا)، برخی از پژوهشگران نیز، نگاشته های مستقلی پیرامون آن نگاشته اند (نک: صالحی، ۱۳۸۲ ش، ص ۴۴؛ دوازده امامی، جمشیدی مهر، عبدی پور، ۱۳۹۴، سال ۱۲، ش ۴۲)؛ از میان مجموعه مباحث مربوط به این ویژگی مهم انقلاب اسلامی، به ذکر پنج مبحث پیش روی بسنده می شود:

#### ۸/۱) کاربردهای مختلف واژه «معنویت» و مقصود از آن در این تحقیق

واژه «معنویت»، از جمله واژگانی است که برای آن، تعاریف مختلفی مطرح شده است (نک: سقای بی ریا، ۱۳۸۷، شماره ۱۶، ص ۷۷ تا ۱۰۱)؛ از جمله آنها عبارت است از: «هر آنچه که در برابر امور مادی قرار گیرد»؛ این کاربرد در تألیفات بسیاری از اندیشمندان اسلامی دیده می شود. به عنوان مثال استاد شهید مطهری در بحثی تحت عنوان «فقر معنوی» با استفاده از روایت امام حسن مجتبی علیه السلام (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۴۳)<sup>۱</sup>، معنویت را در مقابل هر آن چه مادی نیست مانند فکر و اندیشه به کار می برد.

۱. نک: متن این روایت چنین است: «عَجِبْتُ (عَجَبْتُ) لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كُوِّلَهُ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيَجِبُ بَطْنَهُ مَا يُؤَدِّهِ، وَيُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُؤَدِّهِ؛ در شگفتم از کسی که درباره خوراکیهای خود اندیشه و تأمل می کند ولیکن درباره نیازمندیهای فکری و عقلی اش تأمل نمی کند، پرهیز می کند از آنچه معده اش را اذیت می نماید و سینه و قلب خود را از پست ترین چیزها پرمی کن» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱،

(سقای بی ریا، ۱۳۸۷، شماره ۱۶، ص ۷۷؛ به نقل از: مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۳۹-۲۴۵)؛ به نظر میرسد، مفاد برخی از آیات قرآنی، مؤید این کاربرد بوده باشد؛ از جمله آیه «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (بقره ۲۸۵): «پیامبر به آنچه از پروردگارش به او نازل شده، ایمان آورده، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب ها و پیامبرانش، ایمان آورده اند [و بر اساس ایمان استوارشان گفتند: ] ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی گذاریم. و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا! آمرزش را خواهانیم و بازگشت [همه] به سوی توست. (۲۸۵).

در فرهنگ قرآنی، معنویت گریزی و دوری جستن از یاد خدا (که نماد بارزی از آن محسوب می شود)، پیامد سختی را در پی دارد؛ اینست که می بینیم خدای متعال، برای توجه دادن افراد به چنین پیامدی میفرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» (طه ۱۲۴ - ۱۲۶): «و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می کنیم. می گوید پروردگارا چرا مرا نابینا محسور کردی با آنکه بینا بودم. می فرماید همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی امروز همان گونه فراموش می شوی».

## ۸/۲ نقش انقلاب اسلامی در افزایش توجه مردم به «دین» و «معنویت»

بسیاری از چهره های سیاسی (اعم از معاندان و موافقان) در سراسر جهان، به نقش والای انقلاب اسلامی در افزایش توجه مردم جهان به «دین» و «معنویت» اعتراف نموده اند؛ از باب نمونه:

(۸/۲/۱) «مارگارت تاچر» (نخست وزیر سابق انگلیس)

«ما غربی‌ها در دهه ۱۹۸۰ از وسایل جنگی و ابزار نظامی شوروی و اقمارش واهمه نداریم؛ زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو مجهز به سلاح‌های نظامی بوده و به ادوات مخرب و ویران‌گر مسلح باشند، ما نیز به سلاح‌های مدرن مسلح و مجهزیم، لیکن از حضور فرهنگ اسلامی (معنویت) انقلاب ایران می‌ترسیم» (علوی، و قربانی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۶)؛

۸/۲/۲ «ریچارد نیکسون» (از رؤسای جمهور اسبق آمریکا):

«آن چه که انقلاب اسلامی به اثبات رسانده و به دنیا بیان کرده است، این است که اسلام شایستگی حاکمیت بر جامعه را دارد؛ زیرا که دین آسمانی است. از این رو در کشورهای اسلامی عربی تأثیر گذاشته است و انقلاب‌هایی که هم اکنون در سایر کشورهای عربی شکل گرفته‌اند، جز ثمره درخت انقلاب اسلامی چیز دیگری نیست. انقلاب‌های دیگری نیز دارد که اثرات آن را در کشورهایی چون تونس، الجزایر، مصر، آذربایجان و کشورهای استقلال یافته شوروی سابق و سایر نقاط دنیا می‌بینیم. این انقلاب‌ها نهرهایی هستند که از سرچشمه جوشان انقلاب اسلامی ایران در نقاط مختلف جهان شاخه شاخه شده‌اند. انقلاب اسلامی ایران تکرار و تجدید نهضت امام حسین علیه السلام است» (علوی، و قربانی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۵).

۸/۲/۳ «لئونید برژنف» (رهبر سابق شوروی):

«امروز مهم‌ترین خطر برای کشور ما و تمامی بلوک شرق شوروی هیجان دینی حاصل از انقلاب در ایران است. تجدید حیات اسلام ناشی از انقلاب ایران بزرگ‌ترین واقعه سیاسی قرن بیست است و انقلاب ایران خطری مستقیم برای مرزهای جنوبی کشور شوروی می‌باشد» (علوی، و قربانی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۲).

۸/۲/۴ «احمد هوبر» (روزنامه‌نگار سوئیسی):

«هدف این انقلاب نیز یک پدیده منحصر به فرد است، چرا که تمام انقلاب‌ها نظیر انقلاب فرانسه، انقلاب آمریکا، انقلاب انگلیسی‌ها در قرن هفتم میلادی می‌خواستند یک

جامعه بهتر از نظر مادی، برای انسان بسازند، جامعه ای که توسط انسان سازمان داده شده و در آن ثروت بیشتر تولید گردد و این ثروت دوباره در میان جامعه توزیع شود، اما انقلاب اسلامی در ایران پیگیر مقصدی کاملاً متفاوت است، چرا که این انقلاب می خواهد دوباره خدا را در محور حیات انسان قرار داده و بشر را به طرف خدا راهنمایی کند و دوباره قانون و نظام الهی را بر روی زمین برقرار سازد و این چیز کاملاً متفاوت است، تمام انقلابهای دیگر می خواستند یک نظام انسانی را در زمین استقرار دهند، یعنی نظام ژان ژاک روسو، یا نظام کارل مارکس، لینین و یا آدولف هیتلر را در صورتی که شما می خواهید نظام خدا را نظام الله را در زمین مستقر کنید» (صالحی، ۱۳۸۲، ش ۴۴)؛

### ۸/۳) عنایت همیشگی امام خمینی علیه السلام به امور «معنوی»

توجه داشتن به امور معنوی و توصیه پیاپی دیگران در جهت کسب معنویت و...، واقعیتی است که در تمام مراحل زندگی امام خمینی علیه السلام بویژه در عرصه انقلاب اسلامی بروز و ظهور یافته است؛ بدین جهت باید گفت: اصلی ترین عامل مؤثر در پیروزی قیام صورت گرفته توسط این عبد صالح الهی، چیزی جز ارتباطات معنوی او با پروردگار کریم نبوده است؛ مقام معظم رهبری، بارها از این حقیقت ظهور یافته در زندگی امام علیه السلام خبر داده است؛ از جمله: در فرازی از سخنرانی ۱۳۶۸ / ۳ / ۲۰ فرمود:

«نکته‌ی اصلی این است که اگر در مجموعه‌ی ذی‌قیمتی که شخصیت معنوی امام علیه السلام را تشکیل داده بود، عنصر عبودیت و اخلاص وجود نمی‌داشت، او به این موفقیتها نمی‌رسید. بنابراین، کارهای انجام شده، خیلی عظیمتر از آن است که شخصیتی با همه‌ی آن خصوصیات - منهای ارتباط با خدا - بتواند آن کارها را انجام دهد. امام که توانست این حرکت عظیم را در دنیا به وجود آورد، به خاطر آن بود که با خدا ارتباط داشت و در این راه ملاحظه‌ی هیچ چیزی را نمی‌کرد. امروز که او در میان ما نیست، سیل اعترافها و تعریفها سرازیر شده است و همه‌ی دنیا به اقدام عظیم او که اقیانوس انسانها را به حرکت درآورد، معترفند. این کار بزرگ، تنها در سایه‌ی قاطعیت و اراده و هوش و شجاعت و تیزی و

آینده‌نگری به وجود نیامد؛ این خصلتها قادر نبودند این طوفان عظیم را پیش آورند؛ عنصر اصلی، ارتباط با خدا و کمک خواستن از او بود که نام امام ع و کار او را در تاریخ جاودانه کرد؛»

۸/۴ دو گام اساسی مقام معظم رهبری در بازخوانی نقش انقلاب اسلامی در افزایش توجه

به معنویات

مقام معظم رهبری؛ افزون بر اینکه در زندگی شخصی خویش، همچون پیر مرادش امام خمینی ع سخت به امور عبادی و معنوی (دعا، تهجد شبانه، توسل، انس با قرآن، ...) پای بند است؛ در عرصه اجتماعی نیز همواره می‌کوشد تا اقشار مختلف از وجود پیوستگی همیشگی و عمیق بین انقلاب اسلامی و امور معنوی و حفظ آن در تداوم انقلاب غفلت ننمایند؛ واقعیات موجود حاکی از این است که معظم له، در این راستا گامهای متنوعی برداشته است؛ اساسی‌ترین آنها عبارت است از:

۸/۴/۱ ارائه ترسیمی مناسب از فضای بی‌توجهی به «معنویت» و «معنویت‌ستیزی» در

دوره مدرن

رهبر فرزانه، بارها از اقدامات متنوع صورت گرفته در دوره‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت مقابله با «معنویت» یاد نموده است؛ از جمله: در یکی از دیدارهایش با کارگزاران نظام فرموده است: «سال‌های متمادی است (که) روال حرکت عالم به سمت دوری از معنویت و دین است. چند قرن است که دنیا این‌گونه حرکت می‌کند و البته این دلایلی دارد و چیز ناشناخته و مجهول‌العله‌یی هم نیست. در دویست سال اخیر - یعنی قرن نوزدهم و بیستم که اصطلاحاً قرن روشنفکری و انسان‌گرایی و اوج پیشرفت‌های صنعتی و علمی است - حرکت با سرعت به سمت بی‌دینی و جدا شدن از معنویت بوده است. مقداری از این سیر طبیعی است؛ زیرا لازمه‌ی آن چیزهایی که پیش آمد، همین بود. یک مقدار هم حرکت آزادی و از روی برنامه‌ریزی بوده است. تمام دستگاه‌های قدرتمند عالم به این نتیجه رسیده‌اند که باید دین را از صفحه‌ی عالم بزایند. نه اینکه به کلی اسم دین را از بین ببرند؛



بلکه معنای دین حقیقی و خالص را - اگر چه به ظواهرش هم احتفاظ بشود - از بین ببرند. ایمان واقعی دینی باید از بین می‌رفت و چقدر پول صرف شد و چه قدر آدم‌ها از روی عقیده - و نه خیانت گونه - حذف ایمان دینی را برای بشریت لازم دانستند. آنها کتاب نوشتند، کار هنری کردند، تبلیغات کردند، زور به خرج دادند، پول خرج کردند تا معنویت را در دنیا - از جمله در جهان اسلام - از بین ببرند. آن وقت در چنین دنیایی که این همه تلاش ضد معنوی صورت گرفته است، در یک نقطه‌ی حساس، حکومت و نظامی بر اساس معنویت و اسلام به وجود می‌آید». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۹ / ۱۱ / ۱۳۶۸ ش). [https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=2259](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=2259)

۸/۴/۲) بازگویی نقش انقلاب اسلامی در گسترش توجه به «معنویت»

اگرچه تبیین نقش انقلاب اسلامی در گسترش توجه اقشار مختلف به «معنویت»، همواره مورد توجه مقام معظم رهبری بوده، و بارها در خلال سخنرانیهایش به آن توجه داده است؛ ولی به جهت اهمیت این موضوع، بخش چشمگیری از متن حکیمانانه «بیانیه گام دوم انقلاب» را نیز به آن اختصاص داده، و در این راستا چنین نگاشته است:

«عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تظاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و

ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاها‌ی دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهادسازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و با کیفیت‌تر شده است؛ و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### نتیجه

با ملاحظه مجموعه مطالب مطرح شده در صفحات پیشین، و با انجام تأملی مناسب در مفاد آنها، به وضوح می‌یابیم:

۱. در بخش‌های متخلف بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری شاهد بازگویی، تبیین و تحلیل بیش از ۳۰ ویژگی از مجموعه ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران هستیم؛ برخی ناظر به عوامل مؤثر در شکل‌گیری این پدیده سیاسی مهم دینی در دوره معاصر است؛ بعضی در جهت ره‌آوردها و ارمغان‌های متنوع آن می‌باشد؛ دسته دیگر مربوط به بازتاب جهانی آن؛ و...

۲. تاثیر پذیری همه جانبه انقلاب اسلامی از اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه،

حقیقتی انکار ناپذیر است؛ و تلاشهای مدعیان روشنفکری برای نادیده گیری این ویژگی مهم، کاملاً غیر همخوان با واقعیات بروز یافته در عرصه های مختلف این حماسه بزرگ دینی می باشد؛

۳. عدم الگوگیری فعالان در عرصه انقلاب اسلامی از نظامهای سیاسی غربی و شرقی، تبدیل جهان دو قطبی به جهان سه قطبی، و حفظ استقلال سیاسی، یکی از بارزترین ویژگیهای انقلاب اسلامی است؛ طنین انداز بودن شعار جاوید «نه غربی، نه شرقی؛ جمهوری اسلامی» در کف خیابانها، و سایه افکنی آن بر فضای سیاسی کشور و مراکز تصمیم گیریها، شاهد صدقی بر درستی این مدعا می باشد؛

۴. اگرچه تاثیر منفی کارکرد بد برخی از مسئولان اجرائی و غیر اجرائی کشور در کاهش توجه به باورهای دینی غیر قابل انکار می باشد؛ ولی نقش فزاینده انقلاب اسلامی ایران در گسترش توجه به معنویات در داخل و خارج کشور، افزایش توجه و گرایش به آموزه های دینی از سوی اقشار مختلف، و فزونی ضریب باور به کارآمدی دین در رفع مشکلات اجتماعی و...؛ حقیقتی است که انکار آن غیرهمخوان با واقعیات می باشد.

## فهرست منابع

- قرآن کریم، ۱۳۸۰ش، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، تهران، تحقیق و تصحیح هیئت علمی دارالقرآن الکریم، بی جا.
۱. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، ۱۴۱۵ق، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چهارم.
  ۲. امام خمینی رحمته الله علیه، سید روح الله موسوی، ۱۹۹۵م، کلمات قصار، یکپارچگی فرهنگی، چاپ بیروت، اول،
  ۳. -----، استقلال فرهنگی، راه رسیدن به هویت اسلامی.
  ۴. -----، ۱۳۶۸، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
  ۵. -----، ۱۳۷۰ش، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
  ۶. -----، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
  ۷. بازرگان، مهدی، ۱۳۷۸ش، آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا، ماهنامه کیان، دوره ۵، ش ۲۸.
  ۸. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۱ق، حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار عليهم السلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، اول.
  ۹. پایگاه خبری نیلکوه، ۱۳۷۹ش، ۲۲ فروردین ماه، به نقل از روزنامه کیهان.
  ۱۰. توکل، محمد، ۱۳۷۳ش، معرفی کتاب جامعه شناسی گیدنز، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، دوره ۷، ش ۷، شماره پیاپی ۱۱۹۱،
  ۱۱. جمال زاده، ناصر؛ بابا هادی، محمد باقر؛ فیاضی، رضا، ۱۳۹۷ش، مولفه های مانائی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری، دو فصلنامه جامعه

- شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۱، پیاپی ۱۲.
۱۲. جمشیدی محمد حسین، ۱۳۸۸ش، اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، دوم.
۱۳. حاجی صادقی، عبدالله، ۱۳۹۲ش، انقلاب اسلامی و برجسته ترین ویژگی ها از نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۲، ش ۵.
۱۴. خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۵ش، دیدگاه میشل فوکو درباره انقلاب ایران.
۱۵. داستانی بیرکی، علی، ۱۳۷۹ش، رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه، ترجمه مهدی سرحدی، ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی رحمته الله علیه، اول.
۱۶. دشتی، محمد، ۱۳۷۹ش، نهج البلاغه، قم، موسسه چاپ الهادی، پنجم.
۱۷. دفتر حفظ و نشر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، بی تا، سیره سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه در کلام حضرت آیت الله خامنه ای، پیشخوان شماره ۱۳.
۱۸. دوازده امامی، سید غلامرضا؛ جمشیدی مهر، پرویز؛ عبدی پور، نصیبه، پاییز ۱۳۹۴ش، بررسی تطبیقی مدرنیته، عقلانیت و معنویت از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه و میشل فوکو (با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۲، ش ۴۲.
۱۹. زین الدینی، نورالله، ۱۳۹۲ش، اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه براساس تالیف یحیی فوزی، تهران: نورا، دوم.
۲۰. سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران.
۲۱. سبحانی نیا، محمد تقی، ۱۳۷۸ش، پیوند دین و سیاست از منظر امام خمینی، مبانی کلامی، کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی.

۲۲. سروش، عبد الکریم، ۱۳۷۵ش، تحلیل مفهوم حکومت دینی، ماهنامه کیان، ش ۳۲.
۲۳. سقای بی ریا، محمدناصر، ۱۳۸۷، نقش معنویت در زندگی و میدان رزم، مجله حصون، شماره ۱۶.
۲۴. شرو رو، فضل، ۱۳۸۰ش، تأثیرات عملی پیروزی اندیشه و انقلاب امام خمینی رحمته الله علیه، ترجمه مهدی سرحدی؛ مندرج در کتاب: رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه، اول.
۲۵. شفیع، احمد، ۱۳۸۵ش، انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، مجله حصون، شماره ۷.
۲۶. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، بی تا، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، بی جا.
۲۷. صالحی، نادعلی، ۱۳۸۲ش، معنویت‌گرایی در نهضت امام خمینی رحمته الله علیه، فصلنامه حضور، ش ۴۴.
۲۸. (صالح، صبحی، ۱۳۷۴، نهج البلاغه، قم، مجمع البحوث الاسلامیه، بی جا.
۲۹. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۸۸ش، شیعه در اسلام، قم، بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، پنجم.
۳۰. پدیدآور: طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ه. ق، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی أهل اللجاج، محقق، مصحح، خراسان، محمد باقر، مشهد، نشر مرتضی، اول.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷، تاریخ الطبری، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام، بی جا.
۳۳. طلائی، محمد، ۱۳۹۹ش، مکتب سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه در بستر تاریخ

- انقلاب، قم، انتشارات پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، اول.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: عاملی، احمد حبیب، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۳۵. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، الأمالی، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، اول.
۳۶. عسکری، امام ابو محمد حسن بن علی علیه السلام، ۱۴۰۹ق، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی عج، اول.
۳۷. علوی، سید نادر؛ قربانی، علیرضا، بهار ۱۳۷۹ش، انقلاب اسلامی در گستره نظام بین الملل، قم، مؤسسه انتشارات عصر ظهور.
۳۸. عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، ۱۳۹۲ش، تهران، سمت، اول.
۳۹. فصلنامه علمی - پژوهشی، ۱۳۹۹ش، پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۹، ش ۳۵.
۴۰. فوزی توپسیرکانی، یحیی، ۱۳۹۸ش، اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، دفتر نشر معارف (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها)، ششم،
۴۱. فوکو، میشل، ۱۳۹۳ش، ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند؟، مترجم: حسین معصومی همدانی، تهران، شرکت نشر کتاب هرمس، هفتم.
۴۲. -----، ۱۳۹۹ش، روح یک جهان بی روح، مترجمان: جهانانگیده، افشین - سرخوش، نیکو، تهران، نشر نی، چاپ ۱۶.
۴۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، مقدمه و تصحیح: اعلمی، حسین، تهران، مکتبه الصدر، دوم.
۴۴. قاضی زاده، کاظم، ۱۳۷۳ش، پژوهشی در خطوط کلی اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، راهبرد، شماره ۳.
۴۵. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو،

- اول.
۴۶. قطبی، هادی، ۱۳۹۳ش، انقلاب اسلامی ایران در نگاه دیگران، قم، انتشارات احمدیه، اول.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، محقق / مصحح: دارالحدیث، کافی، قم، دار الحدیث، اول.
۴۸. گزارش خبرگزاری مهر، ۱۳۹۸ش، روایت متفاوت احسان نراقی از سفر فوکو به ایران.
۴۹. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۵ش، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشر نی، چاپ ۱۸،
۵۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۴۰ق، بحارالانوار، بیروت داراحیاء التراث العربی بی جا.
۵۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم.
۵۲. محققان و نویسندگان انجمن تحقیقاتی خدمات ارتشی وزارت دفاع ملی اتریش، بی تا، نیروهای ارتشی در کشورهای خاور نزدیک و شمال آفریقا، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور.
۵۳. مشرقی، محسن؛ عقیقی، فاطمه، ۱۳۹۹ش. کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات آینده سازان، اول.
۵۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳ش، حکمتها و اندرزها، قم، انتشارات صدرا، هفدهم.
۵۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۲۰۰۵م = ۱۴۲۶ق = ۱۳۸۴ش، الارشاد [الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد]، قم: محبین،
۵۶. مقیمی، غلامحسن، ۱۳۹۴ش، اندیشه سیاسی، اجتماعی امام خمینی رحمته الله علیه، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، چهارم،
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷ش، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی



طالب علیه السلام، اول.

۵۸. موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۴ ش، ویژگیهای انقلاب اسلامی و راههای  
تداوم آن در آئینه نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران، چهارم.

۵۹. مهري، کریم، ۱۳۹۵ ش، نظریه ای در خصوص انقلاب اسلامی بر اساس بیانات  
مقام معظم رهبر، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، ش ۳۴.

۶۰. نوری، ۱۴۰۸ ق = ۱۳۶۰ ش، میرزا حسین، مستدرک وسائل الشیعة، قم، موسسه آل  
البيت علیهم السلام، الإحياء التراث، بی چا.

۶۱. وکیلی، الهه، ۱۳۹۷ ش، نقش مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی در پیروزی  
انقلاب اسلامی (با تأکید بر وصیت‌نامه سیاسی - الهی)، فصلنامه پژوهشهای  
انقلاب اسلامی، دوره ۷، ش ۲۶.

۶۲. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، مقاله انقلاب اسلامی.

## ویژگی های نظام اسلامی از منظر قرآن و حدیث

سید رضی زکی مرتضوی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> - حسین علوی مهر<sup>۲</sup>

### چکیده

سرآغاز نظام مقدس جمهوری اسلامی، که در سایه توکل بر خدا از نقطه صفر و در محیطی سراسر خفقان شکل گرفته و روز به روز بر شکوه آن افزوده می شود، انقلابی منطبق بر اصول اساسی و بنیانهای مستحکم برخواسته از معارف ناب مکتب متعالی اسلام و ثمره روشن تمسک به امانت نبی مکرم اسلام «قرآن و عترت» است که به رهبری فقیهی فرزانه و دردآشنا که از بن دندان مسلح به قدرت ایمان و علم بود، به بار نشسته است، لذا خصائص نظام مقدس اسلامی، ویژگیهایی است که قرآن کریم و روایات اهلبیت علیهم السلام برای یک حرکت الهی و خالصانه و در عین حال اجتماعی و عظیم ترسیم کرده و بیان نموده اند؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه ای نیز در بیانیه موسوم به «گام دوم انقلاب» به برخی از مهمترین ویژگیهای آن همچون حرکت و تغییر، پیروزی قطعی، پای فشاری بر ارزشها، جوشش مندی و انقلابی گری، آرمانگرایی در عین توجه به واقعیت ها، فطری بودن پیامها، مقتدر و قدرتمند

۱. دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه

raazy2474@gmail.com

۲. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

(halavimehr5@gmail.com)

بودن در عین صلح طلبی، و توجه توأمان به دین و دنیا، اشاره کرده اند، این ویژگیها، صفات بی بدیل و کم نظیری هستند که جمع شدن آنها در یک انقلاب به وسعت و عظمت انقلاب اسلامی ایران، فردائی بهتر و با شکوه تر را فراروی این حرکت انقلابی نوید می دهد؛ این مقاله با روش کتابخانه ای و تحلیلی توصیفی، به تطبیق این خصائص با ملاکها و معیارهای حرکت‌های انقلابی و ویژگیهای آن در قرآن و روایات عترت طاهره پرداخته و انقلاب شکوهمند مردم ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی را از بارزترین مصادیق آنها دانسته است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، نظام اسلامی، ویژگی های نظام اسلامی، انقلاب اسلامی

ایران

## مقدمه

نظام مقدس جمهوری اسلامی و حرکت انقلابی مردم ایران، بی نظیرترین جنبش اسلامی تاریخ است، که با هدفی الهی آغاز شده و با توکل و صبر و امید به لطف الهی امتداد یافته است؛ این انقلاب شکوهمند به اذعان امامین انقلاب هنوز تا تحقق کامل اهداف خود که پیاده شدن کامل اسلام و برنامه های روح بخش و زندگی ساز آن فاصله فراوان دارد و این تنها یک آغاز برای یک تحول عظیم است، به این معنی که تحول سیاسی حتما باید منجر به تحولات فرهنگی و اقتصادی گردد والا عقیم مانده و عقبگرد خواهد کرد؛ این نکته خطریست که همیشه در طول تاریخ همه انقلابهای بزرگ را تهدید کرده و در بسیاری از موارد آنها را بی نتیجه گذاشته است، لکن انقلاب اسلامی مردم ایران دارای ویژگی های منحصر به فردیست که اولاً آن را از دیگر انقلابها متمایز ساخته و ثانيا رسیدن به اهداف و آرمانهای این انقلاب را تضمین کرده است، در بیانیه گام دوم انقلاب که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت آغاز چله دوم انقلاب اسلامی صادر شد، به برخی از این ویژگی های خاص که در ذات این انقلاب الهی وجود دارد همچون «حرکت و تغییر، پیروزی قطعی، پای فشاری بر ارزشها، جوشش مندی و انقلابی گری، تطبیق آرمانها و واقعیت ها، فطری بودن پیامها، اقتدار و صلح طلبی، توجه توأمان به دین و دنیا»، اشاره شده است؛ این مقاله با روش کتابخانه ای و توصیفی تحلیلی به بررسی این ویژگی ها و مستندات قرآنی و روایی آن می پردازد.

## پیشینه

پس از صدور بیانیه گام دوم، مراکز علمی و پژوهشی فراوانی در سطح کشور و حتی دنیا، کنگره ها و همایشهای فراوانی را با محوریت این بیانیه برگزار کردند و مقالات فراوان علمی تخصصی و پژوهشی ارائه شد که به تبیین بیانیه و مستندات قرآنی و روایی و ارزیابی های تخصصی آن می پردازد؛ در موضوع «ویژگی های نظام اسلامی» بصورت مستقیم، مقاله ای مشاهده نشده لکن موضوعات مشابه فراوانی در این آثار وجود دارد، و در این میان می

توان به «اصول و مولفه های نظام سازی اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم نوشته ابراهیم موسی زاده، روش شناسی تقابل دو نظریه نظام انقلابی و انحطاط تاریخی در بیانیه گام دوم نوشته ابوالفضل عبدی، روشهای تحقق کرامت و عزت نظام اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم،» و... اشاره کرد.

### مفهوم شناسی

**ویژگی:** این واژه در اصل به معنی «خصوصیت و اختصاص» است (دهخدا/۱۳۶۳/۱۳/۲۵۶) که وقتی برای چیزی به کار می رود یا اضافه می شود به معنی امتیازاتی است که آن چیز را از دیگر عناوین مشابه آن جدا ساخته و موجب برجستگی یا تفاوت آن می شود، در مورد نظام اسلامی، مراد از ویژگی ها، خصوصیت‌های منحصر به فردیست که در آن وجود داشته و باعث تفاوت آن با دیگر انقلاب های تاریخ می گردد.

**نظام اسلامی:** کلمه نظام در لغتنامه ها به معنی «آراستگی، عادت و روش، رشته مروارید، سپاه و ارتش، رژیم و حکومت» آمده است (معین/۱۳۸۸/۶/۶۸) و مراد از نظام در این مقاله، مورد آخر یعنی حکومت است، البته چنانکه رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در تاریخ دوازدهم تیر ۱۳۹۵ فرمودند: «بعضی تصور میکنند که منظور از نظام که در اینجا گفته میشود صرفاً همین ساختار سیاسی موجود است که این را ما باید به هر قیمتی حفظ کنیم؛ [نه]، تنها این نیست، نظام فقط ساختار سیاسی نیست؛ نظام یعنی ساختار سیاسی با مجموعه‌ی اهداف و آرمانهایی که در آن است. حفظ نظام، یعنی حفظ همه‌ی ارزشهایی که نظام اسلامی خودش را متعهد به آنها میداند؛ مثل عدالت، مثل پیشرفت، مثل معنویت، مثل علم، مثل اخلاق، مثل مردم‌سالاری، مثل قانون‌گرایی، مثل آرمان‌گرایی؛ آرمان‌گرایی جزو مؤلفه‌های اصلی نظام اسلامی است و نظام اسلامی بدون آرمان‌گرایی یک چیز سطحی و صوری است. خب، حالا دانشجو که زبده و عصاره‌ی توانایی‌های یک ملت است - چون جوان است و عالم است و آینده‌دار است و آینده‌ی مملکت دست او است - نمیتواند خودش را از این مبارزه برکنار بداند؛ باید مبارزه کند امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی

از دانشجویان، ۱۲ تیر ۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33694>

## ۱- حرکت و تغییر

اساسی ترین نکته در ایجاد تغییر اجتماعی، خودسازی و تغییر از درون است و اصلاح نفس در نهایت منجر به اصلاح پیرامونی خواهد شد، قرآن کریم با اشاره به این اصل اساسی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند».

در حدیثی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام آمده است که آنحضرت فرمودند: «خداوند متعال پیامبری را به سوی قومی فرستاد و به او امر کرد که به آنها بگوید: هر قوم و جمع گنهکاری که با سختگیری من بابت گناهشان از آنچه من دوست ندارم دست برداشته و به آنچه من دوست دارم مشغول شوند، من نیز در وضعیت آنها تبدیل ایجاد کرده و آنچه آنان دوست ندارند را از آنان برداشته و هرچه دوست دارند به آنها می دهم»: «لَيْسَ مِنْ أَهْلِ قَرْيَةٍ وَلَا أَهْلِ بَيْتٍ كَانُوا عَلَىٰ مَعْصِيَتِي فَأَصَابَهُمْ فِيهَا صَرَاءٌ فَتَحَوَّلُوا عَمَّا أَكْرَهُ إِلَيَّ مَا أَحَبُّ إِلَيَّ إِلَّا تَحَوَّلْتُ لَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُونَ إِلَيَّ مَا يُحِبُّونَ» (فیض کاشانی / محمد محسن / ۱۴۱۵/۲/۳۱۰).

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز به رهبری و راهنمایی پیر خردمند تاریخ «امام خمینی»، که از چشمه زلال معارف آل الله می نوشید، با اصلاح از درون، به تغییرات بیرونی فائق آمده و ففس اسارت و بندگی شیاطین شرق و غرب که عالم را بین خود تقسیم کرده بودند در هم کوبید؛ در بیانیه گام دوم با اشاره به این ویژگی اساسی، آمده است: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب ها را شکست؛ کهنگی کلیشه ها را به رخ دنیا کشید» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

## ۲- پیروزی قطعی

سنت خداوند متعال در حرکت‌هایی که هدفشان در معنویت و بندگی خلاصه شود این است که آنان را به پیروزی نهایی رسانیده و دست قدرتهای جهان با تمام هیبت ظاهری را از آنان کوتاه می گرداند، زیرا در حقیقت حرکت های الهی، به دنبال روشن کردن ظلمات عالم با نور الهی هستند و خدا خود محافظت از این نور را به عهده گرفته است: «يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف/ ۸) «می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند».

علامه بزرگوار طباطبائی، در تفسیر المیزان می نویسد: «کافران گمان می کنند که نور خدا مانند نور شمع است که با یک پُف خاموش شود، ولی در پندار خود خطا کرده اند زیرا دین نور خداست که به هیچ وجه خاموشی نمی پذیرد و برعکس خدا تمامیت آن را اراده کرده است هر چند کافران اکراه داشته باشند». (طباطبائی/ ۱۴۱۷/ ۱۹/ ۴۳۱).

در روایت جالبی ذیل این آیه آمده است که حضرت باقر علیه السلام قسم یاد کرده و فرمودند: «و الله لو تركتم هذا الأمر، ما تركه الله» «ببخدا قسم اگر شما هم این امر را یعنی ولایت اهل بیت علیهم السلام که حرکت در مسیر حق و حقیقت است را ترک کنید، خدا آن را رها نمی کند و به سرانجام می رساند» (استرآبادی/ ۱۴۰۹/ ۶۶۱).

در بیانیه گام دوم با اشاره به شرارت ها و دشمنی های انقلاب اسلامی و در نهایت پیروزی قطعی این حرکت الهی، آمده است: «طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه ی انقلاب و چهل دهه ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار میدهند، دست و پنجه نرم میکند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به

پیش می‌رود» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### ۳- پای فشاری بر ارزشها

یکی از مهمترین چالشهای پیش رو در حرکتهای انقلابی، وفاداری به شعارها و آرمانهاست، و انقلاب مقدس اسلامی ایران، بهترین کارنامه را در این زمینه دارد، در بیانیه گام دوم آمده است: «از میان همه ملتهای زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملتهایی که بپا خواسته و انقلاب کرده اند کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند، اما انقلاب پرشکوه ملت ایران، ... در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است»؛ (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

در قرآن کریم نیز، شرط نصرت الهی و نزول رحمت و برکت از سوی خداوند، استقامت و پایداری و جدا نشدن از ارزشها و آرمانها دانسته شده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/۳۰) «به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «ترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است»؛ امیرالمومنین علیه السلام با اشاره به این نکته مهم می‌فرماید: «قَدْ قُلْتُمْ رَبُّنَا اللَّهُ فَاسْتَقِيمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَعَلَى مِنْهَاجِ أَمْرِهِ وَعَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّالِحَةِ مِنْ عِبَادَتِهِ ثُمَّ لَا تَمُرُّوا مِنْهَا وَلَا تَبْتَدِعُوا فِيهَا وَلَا تُخَالِفُوا عَنْهَا» (نهج البلاغه/خ ۱۷۶) شما الله را خدای خود دانستید، پس بر کتاب او و دستورات و راه و روش درست عبادتش استقامت کنید و از گرد آن پراکنده نگردید و بدعت در آن وارد نکرده و با آن مخالفت نکنید»

هیچ انقلاب و حکومتی در تاریخ، با انقلاب و حکومت اسلامی مقدس ایران، قابل



مقایسه نیست، زیرا گرچه بعضا طلیعه ای زیبا داشته اند لکن پس از گذشت اندک زمانی از ارزشها و آرمانهای خود فاصله گرفته و به دامن ابرقدرتهای شرق و غرب غلتیدند و سرانجامی نافرجام را تجربه کردند، در حالیکه این انقلاب مقدس، دوره چهل ساله دوم خود را آغاز کرده و مستحکمتر از گذشته به پیش می رود.

#### ۴- جوشش مند و انقلابی

ممکن است حرکتی در عین اینکه معتقد به ارزشهای خویش باشد، ولی با دیدن موانع و مشکلات و دشمنی دشمنان، به وادادگی و انفعال برسد، در این حالت، اعتقاد به ارزشها باقیست، ولی حرکت به سمت آن بعلت وجود موانع، متوقف شده است؛ انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، هرگز در حرکت خویش به سوی ارزشهای متعالی، متوقف نبوده و با همان شور انقلابی به سمت هدف خود در حرکت است؛ هرگز انقلابی گری و روحیه جهادی را در تضاد با پیشرفت و توسعه نیافته و به ذبح هیچ کدام به بهانه دیگری دست نیازیده است؛ در بیانیه گام دوم در این خصوص آمده است: «انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی عمل می شمارد، اما به هیچ بهانه ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمیگیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند، بلکه از نظریه ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،

*(<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)*

این همان روحیه ایست که خداوند متعال مومنین را به آن فرامیخواند، در جنگ احد، پس از آنکه مسلمین در ظاهر از کفار مکه شکست خوردند و زخمهای فراوانی به مومنینی که فرار نکرده و پیامبر را یاری کرده بودند، وارد شده بود، خداوند متعال به آنان دستور داد به

تعقیب کفار مکه بردازند (بخاری / صحیح / ۱۴۰۷ / ۴ / ۱۴۹۷ و ابن کثیر / البدایه و النهایه / ۱۴۰۷ / ۴ / ۵۰)، و جالب آنکه تنها کسانی حق داشتند در این تعقیب شرکت کنند که زخم برداشته باشند (بحرانی / البرهان / ۱۴۱۶ / ۱ / ۶۹۴)، در اینحال منافقین که تعدادشان هم کم نبود، به تبلیغات سوء پرداخته و اینگونه القاء می کردند که این تعقیب مساوی با هلاکت است، ولی جوشش انقلابی که در قلبهای آهنین یاران پیامبر موج می زد، مشکلات را در راه رسیدن به هدف، در چشم آنان ناچیز می ساخت؛ خداوند متعال در سوره آل عمران از این جوشش انقلابی با این عبارات یاد می کند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ \* فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضِّلْ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» (آل عمران / ۱۷۲ تا ۱۷۴)؛ ، با اینکه خود زخمی و خسته بودند؛ همین نگاه و روحیه، باعث شد با قدرت در این مسیر گام نهاده و با پیروزی بازگردند.

#### ۵- آرمانها و واقعیت ها

قطعا در هر انقلابی، اهداف بلند و آرزوهای بزرگ انقلابی وجود دارد که منطبق با واقعیت های دنیا نیست، و گاهی رسیدن به آنها به خیال می ماند؛ انقلاب عزیز اسلامی ایران نیز از این نکته مستثنی نیست؛ ولی مهم آن است که با توکل به ذات الهی و تلاش خستگی ناپذیر به سوی آن اهداف حرکت کرده و به بسیاری از آنها دست یافته و همچنان به پیش می رود؛ در روزگاری که امام خمینی قدس سره، در حجره های مدرسه فیضیه قم و حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، مخفیانه با همفکران و شاگردان دیدار می کرد و از حاکمیت دین و قرآن می گفت، قطعا این آرزو محال به نظر می رسید که آن حالت خفقان و وحشت و ظلم و تاریکی، جای خود را به حکومتی اسلامی بدهد که دین، سخن آخر را در تصویب قوانین بزند؛ بی شک هنوز هم چنانکه بارها رهبری گرانقدر انقلاب فرموده اند، با حکومت طراز اسلامی فاصله فراوانی وجود دارد، ولی این راه رفتنی است و طی خواهد شد، در بیانیه گام دوم در این خصوص آمده است: «جمهوری اسلامی، متحجّر و در برابر پدیده ها

و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی شک فاصله ی میان بایدها و واقعیتهای، همواره وجدانهای آرمان خواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

گرچه مغرضان و بدخواهان، در برابر این شکفتن روز افزون، چاره ای جز استهزاء و تمسخر و نادیده گرفتن پیشرفتهای ندارند، چنانکه همیشه از صدر اسلام تا کنون عملکرد دین ستیزان چنین بوده است، و با بلندپروازی های مسلمین و آرمانهای انقلاب اسلامی نبی مکرم اسلام نیز چنین برخوردی داشتند، نقل شده که هنگام حفر خندق مسلمین چنان در مضیقه بودند که تنها روزی یک عدد خرما به هر کس می رسید، با اینحال تمام روز را کار کرده و دور مدینه گودال می کنند، روزی سلمان به سنگ بزرگی برخورد کرد که کندنش برایش مشکل بود، پیامبر که نزدیک او بودند کلنگ را از دستش گرفته و با سه ضربه سنگ را شکستند که با هر ضربه نوری از آن سنگ بیرون جست و آسمان مدینه را روشن ساخت و پیامبر و مسلمین تکبیر می گفتند، (بیهقی / دلائل النبوه / ۱۴۰۵ / ۳ / ۴۰۰ و صالحی شامی، سبل الهدی / ۱۴۱۴ / ۴ / ۳۶۸)؛ سپس سلمان از حقیقت جریان پرسید و پیامبر پاسخ دادند: با ضربه و نور اول قصرهای حیره و مدائن کسری برای من روشن شد و جبرئیل به من خبر داد که پس از من اتم آنها را فتح خواهند کرد، و با نور دوم قصرهای سرخ روم برای من روشن شد و جبرئیل به من خبر داد که پس از من اتم آن را فتح خواهد کرد، و با نور سوم قصرهای صنعاء برای من روشن شد و جبرئیل به من خبر داد که اتم آن را نیز فتح خواهند کرد؛ اما منافقین به مسخره کردن پیامبر پرداخته و گفتند: «محمد به ما وعده گنجهای

کسری و قیصر را می داد، اما امروز وضع ما به جایی رسیده است و چنان محاصره شده ایم که کسی نمی تواند حتی برای قضای حاجت برود» (ابن هشام / السیره النبویه / بیتا / ۱ / ۵۲۲ و طبری / جامع البیان / ۱۴۱۲ / ۲۱ / ۸۴)؛ آرمانهای بلند جمهوری اسلامی نیز همیشه مورد استهزاء قرار گرفته است، در عین حال بسیاری از آنها محقق شده و دیگر آرمانهای آن نیز در آینده نه چندان دور، با تکیه بر تقوی و توکل، لباس تحقق خواهند پوشید.

قرآن کریم در جمله ای که سه مرتبه با عین عبارات یا قریب به آن در سوره های مختلف تکرار کرده است درباره امید به آینده و آرمانهای پیش روی امت اسلامی می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (خداست که پیامبرش را فرستاده تا او را بر تمامی نحله ها برتری داده و مطرح سازد هرچند مشرکان ناخشنود باشند) (صف / ۹)

#### فطری بودن پیامها

شعارها و آرمانهای انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، ریشه در فطرت پاک الهی دارد و از این رو مورد تایید و پذیرش هر ملتی جدا از رنگ و زبان و فرهنگ قرار گرفته و هیچ گاه مندرس نمی گردد، امام خامنه ای در بیانیه گام دوم با اشاره به این نکته فرمودند: «برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره ای بدرخشد و در دوره ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم اندازهای مبارک دل زده شوند»؛ این مولفه ها، همان ارزشهایی است که مورد تاکید قرآن کریم قرار گرفته است، مثلا در مورد آزادی اندیشه می فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره / ۲۵۶) در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است» و در مورد استقلال و عزت می فرماید: «وَلَا تَزْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود / ۱۱۳) و بر

ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در مورد عدالت که یکی از مهمترین ارزشهای قرآنی است و بارها مورد تاکید قرار گرفته است می فرماید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/۸) «دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است» لذا از نظر قرآن، حتی در مورد دشمنان نیز نباید بی عدالتی به خرج داد و هیچ گاه نباید از مسیر عدالت خارج شد؛ و در مورد برادری و مساوات می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰) «مؤمنان برادر یکدیگرند پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید»؛ انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، با سرلوحه قرار دادن این شعارهای انسانی که دل هر آزاده ای را به خود جذب می کند، محبوب دلهای آزادمردان و آزاداندیشان جهان قرار گرفته است.

#### مقتدر و صلح طلب

معمولا جریانهای انقلابی گرفتار آفت تندروی و افراط شده و در نتیجه نمی توانند تعاملی سازنده با دیگران داشته باشند، و دست تعدی به سوی آنان دراز کرده و تجاوزگری می کنند؛ و یا برعکس، دچار تفریط و انفعال شده و با دشمنان خود مماشات می ورزند و ظلم پذیر می گردند؛ قرآن کریم با تاکید بر اصل عزت و اقتدار و سرفروود نیابردن در مقابل زورگویان و تجاوز گران می فرماید: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء/۱۳۹) «انها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می جویند؟ همه عزتها از آن خداست» در حدیثی از وجود مقدس امام رضا علیه السلام آمده است که آنحضرت فرمودند: «مَنْ وَآلَىٰ أَعْدَاءَ اللَّهِ فَقَدْ عَادَىٰ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَمَنْ عَادَىٰ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَقَدْ عَادَىٰ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ وَحَقٌّ عَلَىٰ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَدْخِلَهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» «هرکس با دشمنی از دشمنان خدا دوستی ورزد در حقیقت با دوستان خدا دشمنی کرده است که دشمنی با خداست و برخداست که او را در آتش جهنم بیاندازد» (ابن

همچنین قرآن کریم پاسخگویی متقابل به تجاوزگری و عداوت دشمنان را نیز لازم دانسته است: «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ» (بقره/۱۹۴) «هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید»؛ لکن در عین حال، اصل اولیه و اساسی از نظر قرآن کریم، صلح و تعامل سازنده است: «وَ الصُّلْحُ خَیْرٌ» (نساء/۱۲۸) «صلح بهتر است»؛ «لَا یُنْهَیْکُمْ اللهُ عَنِ الذِّیْنَ لَمْ یُقَاتِلُوْکُمْ فِی الدِّیْنِ وَ لَمْ یُخْرِجُوْکُمْ مِنْ دِیَارِکُمْ اَنْ تَبْرُوْهُمْ وَ تُقْسِطُوا اِلَیْهِمْ اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ» (ممتحنه/۸) «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد».

در بیانیه گام دوم نیز با تاکید بر این اصل قرآنی، آمده است: «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط ها و چپ روی هایی که مایه ی ننگ بسیاری از قیامها و جنبشها است، نشده است. در هیچ معرکه ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله ی اوّل را شلیک نکرده و در همه ی موارد، پس از حمله ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### توجه به دین و دنیا

انقلاب مقدس اسلامی ایران، گرفتار افراط و تفریط نشده است، به این معنی که نه دین را فدای رسیدن به منافع دنیوی ساخته و نه دنیا و نیازمندی های طبیعی انسانی و اجتماعی را به بهانه های دینی و مذهبی نادیده انگاشته و مورد بی مهری قرار داده است؛ امام خامنه ای در بیانیه گام دوم در این زمینه فرمودند: «انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب ها را شکست؛ کهنگی کلیشه ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در

کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود».

این همان دستوری است که قرآن کریم نیز به آن اشاره کرده و در نصیحت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به قارون، ذکر شده است: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص/۷۷) «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن» (مکارم شیرازی، ترجمه قرآن) این قاعده اساسی به این معناست که از نظر قرآن کریم، آخرت جوئی مساوی با ترک لذت‌های دنیایی نیست و هیچ منعی در بهره‌گیری حلال (مانند خوراکیها و نوشیدنیها و لباس و مسکن و ازدواج) (ابن کثیر/تفسیر/۱۴۱۹/۶/۲۲۸) و صحیح از لذت‌های دنیا به اندازه کافی و لازم (زمخشری/کشاف/۱۴۰۷/۳/۴۳۱) وجود ندارد و باید از نعمتهای الهی بهره جست.

البته بهترین استفاده اینست که انسان، امکاناتی که خدا در اختیار او قرار داده است را در راه صحیح و درستی که خداوند متعال دستور فرموده، مصرف کند؛ به عبارتی از آنجا که اعضای بدن، خانواده، دوستان و... هر یک حقی بر گردن انسان دارند، حق هر یک را ادا کردن و نعمتها را در این جهت به کار گرفتن، بهترین استفاده از این نعمتهاست (زحیلی/المنیر/۱۴۱۸/۲۰/۱۶۱)؛ چنانکه از امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که در توضیح این آیه فرمودند: «لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فَرَاغَكَ وَ شِبَابَكَ وَ نَشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ» (صدوق/امالی/۱۳۷۶/۲۲۹) «فراموش نکن که سلامتی و تندرستی و قدرت و فراغت و جوانی و شادابی ات را در راه رسیدن به آخرت صرف کنی»؛ لذا کسانی که دین داری و تدین را به «درویش مسلکی و ترک دنیا گفتن و تحریم نعمتهای الهی بر خود» معنی می‌کنند، در حقیقت در ورطه انحراف غلطیده‌اند (سید قطب/فی ظلال/۱۴۱۲/۵/۲۷۱۱)؛ چنانکه خداوند متعال بارها در قرآن کریم بر این سخن تاکید کرده است، مثلاً در اولین آیه سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» (تحریم/۱) «ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده، بر خود حرام می‌کنی؟» (مکارم/ترجمه قرآن)، روشن است که این دستور گرچه خطاب به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، لکن وظیفه تمام مسلمین را بیان می‌دارد؛ و نیز در سوره

اعراف می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (اعراف/۳۲) «بگو چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند».

سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر همین روش استوار بوده است و روایات فراوانی در این خصوص در منابع روایی نقل شده است که به روایتی در کافی شریف از امام صادق علیه‌السلام اشاره می‌کنیم: «روزی سفیان ثوری که از زهدفروشان ریاکار بود، امام صادق علیه‌السلام را در مسجد الحرام دید در حالیکه آنحضرت لباسهای گرانبه‌ای بر تن داشته و بسیار آراسته بودند، با خود گفت بخدا قسم به سراغش می‌روم و او را توبیخ می‌کنم، سپس به نزدیک امام آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا، جدت مانند تو لباس نمی‌پوشید و آنچه از علی علیه‌السلام و پدران تو سراغ داریم جز اینست، آنحضرت در جواب فرمودند پیامبر اکرم در زمان سختی و فشار زندگی می‌کردند و بهمین جهت بر خود تنگ می‌گرفتند ولی بعد از آن دوره، سختیها از بین رفته و مردم در راحتی هستند، و سزاوارترین افراد نسبت به نعمتها، بندگان خوب خداوند، سپس آیه مذکور را تلاوت کرده و فرمودند ما از هر کسی نسبت به این نعمتها سزاوارتریم، سپس دست سفیان را گرفته و به نزد خود کشیدند و پیراهن خود را بالا زدند و لباس خشنی که زیر آن پوشیده بودند را به او نشان دادند و فرمودند: این لباس راحت را برای مردم و این لباس خشن را برای خودم می‌پوشم، سپس لباس خشنی که سفیان پوشیده بود را بالا زدند و لباس راحت زیرش را نشان داده و فرمودند: اما تو این لباس خشن را برای ریاکاری و لباس نرم زیر را برای راحتی خودت پوشیده‌ای» (کلینی/کافی/۱۳۶۵/۶/۴۴۳).

انقلاب مقدس اسلامی، چنانکه در کالبد مرده معنویت فردی و اجتماعی مردم ایران و جهان، روحی تازه دمید، در ارتقاء سطح زندگی مادی جامعه نیز خوش درخشید و موفق بود، مقایسه ساده، بین وضعیت معیشتی مردم در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، به روشنی بر این سخن گواهی می‌دهد و در بیانیه گام دوم نیز به این مقایسه اشاره شده است: «در رژیم



طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه ی زیرساختی و خدمت رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق ترین حاکمیت های جهان در جابه جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور، و از مناطق مرفه نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. آمار بزرگ راه سازی و خانه سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است» علاوه بر این پیشرفت ها در عرصه ارتقای سطح زندگی، انقلاب شکوهمند اسلامی در صحنه علمی جهان نیز به ستاره ای پرفروغ بدل گشته و حال آنکه قبل از انقلاب، حتی نامی از علم و فناوری در کشور نبود، در بیانیه گام دوم در این زمینه آمده است: «اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته های حساس و نوپدید به رتبه های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته ایم و این نعمت بزرگی است»؛ (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، - <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

لذا انقلاب اسلامی با اتکای به خدا و رهبری داهیانیه مقام معظم رهبری امام خامنه ای، هرگز دین و دنیا را فدای یکدیگر نساخته و به افراط و تفریط نیافتاده است، بلکه با توجه به هر دو بعد دینی و دنیوی، در طریق تکمیل آرمانها و اهداف خود در حرکت است.

## نتیجه

ویژگیهایی که امام خامنه ای در بیانیه گام دوم، برای نظام مقدس جمهوری اسلامی برشمرده اند، خصوصیات روشنی از یک حرکت انقلابی منطبق بر اصول اساسی و بنیانهای مستحکم الهی است که برخاسته از تعالیم تمدن ساز و معارف متعالی قرآن و روایات است و نظام مقدس اسلامی استناد خود به این ویژگیها را نه در ادعا بلکه عملاً در طول چهل سال گذشته ثابت کرده و در گام دوم «چله دوم انقلاب» با حرکت به سوی تعالی این خصائص آینده روشن خود را تضمین نموده و بر شکوه و عظمت خود در سایه تعالیم الهی خواهد افزود، این انقلاب با این ویژگیها، بی شک زمینه ظهور مصلح کل و روشنگر نظام هستی و آفتان درخشان آسمان ولایت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم خواهد آورد.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.

\* نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.

\* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.

\* نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، صفات الشیعه، تهران، اعلمی، ۱۳۶۲.

۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، البدایه و النهایه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.

۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۵. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دار المعرفه، بی تا.

۶. استرآبادی، علی، تاویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ ق.

۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.

۹. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

۱۰. خامنه ای، سید علی، بیانیه گام دوم: khamenei.ir

۱۱. زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج،

- بیروت، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۱۲. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. سید بن قطب شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت قاهره، دار الشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر صافی، نشر صدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم، دار القرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.

## عوامل جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد رضا حقیقت سمنانی<sup>۱</sup> - حسین علوی مهر<sup>۲</sup> - باقر ریاحی مهر<sup>۳</sup>

### چکیده

سرنوشت قریب به اتفاق انقلاب‌ها در طول تاریخ، پس از مدتی، تغییر و تحریف در شعارها و آرمان‌های آن انقلاب بوده است، اما انقلاب اسلامی به مثابه معجزه قرن در این نیم قرن، انقلابی زنده و پویا بوده و شعارهای آن نیز مانند روز اول زنده و پابرجاست، رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم که ترسیم‌کننده گذشته، حال و آینده انقلاب است، بر جاودانگی شعارهای انقلاب تاکید ورزیده و عوامل آن را بیان داشته اند، هدف این پژوهش روشن نمودن مبانی قرآنی و حدیثی چرایی جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی است، از آنجا که شعارهای اصلی انقلاب شعارهایی با ماهیت دینی است و در متون دینی نیز به راز و رمز این جاودانگی پرداخته شده، اهمیت مساله جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی و ضرورت بررسی این عوامل از منظر قرآن و حدیث روشن می‌گردد، براساس نتایج به دست آمده، فطری

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه

Mohammad.hagh54@yahoo.com

۲. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

(halavimehr5@gmail.com)

۳. دکتری قرآن و مستشرقان، استادیار مجتمع قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه

بودن، دل‌پذیری و جذابیت شعارهای انقلاب، حفاظت و حراست از شعارهای انقلاب توسط امام جامعه و مردم، دشمن‌شناسی و ایستادگی در برابر دشمن و مقابله فکری و عملی با منافقین داخلی، عوامل جاودانگی شعارهای انقلاب است که از بیانات رهبری به دست آمده و قرآن و حدیث بر آن دلالت دارد. روش پژوهش در این مقاله تحلیلی و توصیفی می‌باشد.

کلید واژه: شعارهای انقلاب اسلامی، جاودانگی، قرآن و حدیث، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم

## مقدمه

یکی از مسائلی که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مطرح نموده اند بحث کهنه نشدن و پیش روی انقلاب اسلامی علی رغم همه دشمنی هاست این پویایی و زنده بودن در حالی است که ماهیت این انقلاب ماهیتی دینی در زمانه ای است که دنیا میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و به تعبیر رهبری کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمیبرد، در عین حال انقلابی دینی به وجود آمد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. پس از رویش این معجزه الهی به دست معمار کبیر انقلاب سردمداران گمراهی و ستم از چپ و راستِ مدرنیته، به سردمداری شوروی و آمریکا به شکل های گوناگون در صدد برآمدند تا با این انقلاب دینی و مردمی مقابله کنند و آن را نابود یا تحریف نمایند اما اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار میدهند، دست و پنجه نرم میکند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش میرود و شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده‌ی انقلاب اسلامی هنوز زنده و پابرجاست، این شعارها تاریخ مصرف نداشته کهنه نمی شود و هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، سر افول ناپذیری این شعارها از منظر رهبر انقلاب آن است که فطرت بشر در همه‌ی عصرها با این شعارها سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل زده شوند.

سرنوشت قریب به اتفاق انقلاب ها در طول تاریخ، پس از مدت کوتاهی، تغییر و تحریف در شعارها و آرمان های آن انقلاب بوده است، اما انقلاب اسلامی به مثابه معجزه قرن در این قریب به نیم قرن، انقلابی زنده و پویا بوده و شعارهای آن نیز مانند روز اول زنده و پابرجاست، رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم که ترسیم کننده گذشته، حال و آینده

انقلاب است، بر افول ناپذیری و جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی تاکید ورزیده و عوامل آن را بیان داشته اند، با توجه اهمیت مساله جاودانگی انقلاب اسلامی و افول ناپذیری شعارهای آن و با توجه به ماهیت دینی انقلاب اسلامی، ضرورت بررسی این عوامل از منظر قرآن و حدیث روشن می گردد. هدف این پژوهش روشن نمودن مبانی قرآنی و حدیثی چرایی جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی است، از آنجا که شعارهای اصلی انقلاب شعارهایی با ماهیت دینی است و در متون دینی به راز و رمز این جاودانگی اشاره شده است، اهمیت مساله جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی و افول ناپذیری آن و ضرورت بررسی این عوامل از منظر قرآن و حدیث روشن می گردد، بر این اساس پژوهش پیش رو پس از بررسی ماهیت شعارهای انقلاب اسلامی عوامل افول ناپذیری این شعارها را از منظر قرآن و حدیث و با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم و سایر بیانات ایشان بررسی می نماید روش پژوهش در این مقاله تحلیلی و توصیفی بوده و روش گرد آوری مطالب کتابخانه ای و مراجعه به اسناد نوشتاری است همچنین جهت سهولت امر به منابع اینترنتی و نرم افزارهای مربوطه مراجعه گردیده است.

#### پیشینه

تاکنون کتب و مقالاتی پیرامون شعارهای انقلاب اسلامی به رشته تحریر در آمده است مانند کتاب «فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی» از منشورات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، و مقالاتی همچون بررسی زمینه ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعارهای انقلاب و ارزش های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی نوشته محمدحسین پناهی و هویت ملی در شعارهای انقلاب اسلامی نوشته اسماعیل حسن زاده، اما تاکنون پژوهشی پیرامون چرایی و عوامل افول ناپذیری انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث انجام نشده لذا بررسی عوامل افول ناپذیری و جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث با توجه به ماهیت اسلامی این انقلاب روشن پژوهشی نو و بی سابقه می باشد.

#### مفهوم شناسی



## شعار در لغت

خلیل فراهیدی شعار را به معنی لباس زیرین که روی بدن قرار گرفته و به بدن می چسبد، دانسته و علت این نامگذاری را تمایز آن با سایر لباس ها از حیث هماهنگی لباس زیرین با بدن و تماسش با موی بدن انسان دانسته است. همچنین از منظر خلیل فراهیدی قرب، مودت، توجه، درک، عقل، فهم و علم نیز از دیگر معانی است که از مشتقات ماده شعر فهمیده می شود. وی علت نام گذاری شعر (به کسره) را آن دانسته که شاعر به امری متفطن و آگاه می گردد که سایرین از آن بی خبرند. وی مشعر را به معنی موضع مناسک و شعائر را به معنی علامات و اعمال معنا نموده است. (فراهیدی، بی تا: ۲۵۰/۱). جوهری نیز شعار را به معنی لباس زیرین معنا نموده و شِعَارُ الْقَوْمِ فِي الْحَرْبِ را علامات هایی که مردم برای شناخت یکدیگر به هنگامه جنگ به کار می برند معنا کرده است. (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۶۹۹ / ۲) از منظر ابن فارس برای شَعَرَ دو اصل در زبان عرب وجود دارد که یکی به معنای ثبات است و دیگری به معنی عِلْمٍ وَعَلْمٍ. اولین اصل مثل شعر به معنی مو که به بدن چسبیده و در بدن ثبات دارد. و اصل دوم که به معنای علم است مثل شعر گفتن که از مقوله علم و سبب آگاهی است. همچنین شعار به معنی آن رجزی که در جنگ خوانده می شود و باعث می شود شخص شناخته شود نیز از همین باب است. (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۳ / ۱۹۳) راغب نیز ماده این لغت را به معنی علم دقیق، احساس و آگاهی معنا نموده است و شعار را لباس زیرین آنچه انسان خودش را بدان در معرکه جنگ می شناساند معنا نموده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱/۴۵۶)

## شعار در اصطلاح

کلمه شعار در قرآن کریم نیامده اما شعائر که جمع شعار است دو بار آمده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ» (مائده: ۲) و «ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج ۳۲) که مقصود از آن معالم دین و علاماتی است که خداوند برای طاعت خود نصب می کند و برخی آن را مناسک حج یا قربانی در حج معنا نموده اند (طبرسی،

۱۳۷۲ش: ۷/ ۱۳۳، طباطبایی ۱۴۱۷ق: ۱۴/ ۳۷۳)

مرحوم نراقی در تعریف شعائر الله چنین نوشته است: ان شعائر الله: هي علامات طاعة الله وأعلام دينه. فيدخل فيها كل طاعة وكل علامات دين الله المحترمات التي تنسب إليه والتي لا يجوز انتهاكها، كالقرآن والنبي وسنته والكعبة والحج والصلاة والصيام والمساجد والمشاهد المشرفة وأمثالها التي تكون رموزاً للدين، فيجب على المسلمين حفظها وتعظيمها. (تسخیری، ۱۴۳۱ق: ۳/ ۱۸) از منظر ایشان شعائر الله اختصاص به حج ندارد بلکه مطلق علامات و طاعات دين خدا را شامل می شود هر علامتی که منسوب به خدا و دين خداست و هتكش جایز نیست علاماتی که رموزی برای دين است و بر همه ی مسلمين حفظ و تعظیمش واجب است. پس شعائر در اصطلاح اختصاص به مشاعر حج ندارد گرچه شان نزولش برای حج باشد و حج یکی از مصداق است.

شعار در اصطلاح اهل بیت علیهم السلام به معنی عباراتی که در جنگ یا غیر جنگ برای اعلان اعتقاد یا دعا بیان می شود مانند **يَا نَصْرَ اللَّهِ أَقْتَرِبُ أَقْتَرِبُ** به عنوان شعار مسلمين در جنگ بدر، لبیک در موسم حج و شعار یامحمد یا محمد به عنوان شعار اهل بیت علیهم السلام (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۲۳۰، کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/ ۱۵۵، حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، ۱۴۰۹ق: ۳۳) همچنین لباس زیرین مانند شعار صالحین دانستن بلا و فقر در روایات که به معنی لباس چسبیده به بدن می باشد (جمعی از علما، ۱۳۸۱ش: ۱۲۵، قمی، ۱۳۶۳ش: ۱/ ۳، کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/ ۱۵۵) در نهج البلاغه نیز حضرت علی برای بیان معنای نزدیکی از شعار به معنی لباس زیرین استفاده نموده اند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۲۱۵ / خطبه ۱۵۴، همان: ۴۱۲، همان: ۳۱۳، خطبه ۱۹۸) همچنین برای بیان معنای درون از لفظ شعار استفاده نمودند (همان: ۲۲۴، خطبه ۱۵۸) و یا به معنی علامت جداکننده شخص یا گروه از دیگران (حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، ۱۴۰۹ق: ۲۰)

در لغات فارسی نیز شعار به معنی علامت، رسم، ندای مخصوص و علامت گروهی از مردم که یکدیگر را به وسیله آن بشناسند و نیز به معنای قبا و لباس زیر می باشد. (عمید،

(۱۳۷۱ش: ۶۷۲)

در نتیجه می توان گفت شعار علامت و نشانه ای است که به واسطه آن شخص یا گروه یا مکتب یا کشوری شناخته می شود.

### ماهیت شعارهای انقلاب اسلامی از منظر رهبر انقلاب

یکی از مباحثی که به عنوان مبحثی مقدماتی و به عنوان مبادی بحث برای روشن شدن چرایی جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی لازم است به آن پرداخته شود، چیستی و ماهیت شعارهای انقلاب اسلامی از منظر رهبری است در این راستا، علامت بودن و ترسیم کننده بودن شعارهای انقلاب، دینی بودن آنها و جاودانه بودن شعارهای انقلاب از جمله ویژگی های ماهوی و اساسی شعارهای انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری است که در ادامه بدان پرداخته می شود.

### الف) شعارها، ترسیم کننده اهداف

از منظر رهبر انقلاب ماهیت شعار، علامتی است که کارش نشان دادن راه مستقیم است، ایشان می فرماید: « شعارها هدف ها را نشان می دهند، شعارها راه را به ما نشان می دهند، شعارها مثل علامت هایی هستند که در راه می گذارند برای اینکه انسان راه را اشتباه نکند» (امام خامنه ای، بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین ع،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33172> ۱۳۹۵/۳/۳

از منظر رهبری شعار ماهیت ترسیم کننده اهداف انقلاب را دارد و بر همین اساس تثبیت کننده انقلاب است لذا ماندگاری شعارها نشان سلامت انقلاب است. رهبر انقلاب در این زمینه فرموده اند: «شع (ارهای انقلاب، امروز همان شعارهای روز اول است؛ که این نشان دهنده ی سلامت انقلاب است. شعارها مثل انگشت اشاره ای هستند که به هدف ها اشاره می کنند، هدفها را ترسیم می کنند. وقتی شعارها تثبیت شده در یک نظامی، در یک انقلابی باقی ماند، معنایش این است که هدف ها در این نظام به شکل اول است؛ هدف ها

تغییر پیدا نکرده است؛ دست‌اندرکاران و مردم از صراط مستقیم و هدف‌های اصلی منحرف نشده‌اند. امروز شعارهای ملت ایران، همان شعارهای اول انقلاب است.» (امام خامنه‌ای، بیانات درخطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>)

### ب) ماهیت دینی

شعارهای اصلی انقلاب اسلامی از منظر رهبری شعارهایی اسلامی و مبتنی بر مبانی دینی است، به فرموده ایشان: «اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی؛ سلطه‌ستیزی؛ ستیزه‌ی با استکبار و دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه‌ی از همه‌ی مظلومان.» (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۸۷/۳/۱۴) نه شرقی، نه غربی، شعار رد و نفی استکبار و مستکبران، شعار استقلال ملت ایران، شعار اعتماد به این جوانهای مؤمن در هر نقطه‌ای از کشور، شعارهای زنده و جاوید ماست؛ هر کدام از دل پر حکمتی برخاسته است که با ارتباط با عالم غیب، با ارتباط با خدا، با بندگی خدا، آن مرد بزرگ، آن پیر فرزانه، آن حکیم دلاور آنها را به ما ملت ایران آموخت. (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3429>)

### ج) جاودانگی

رهبر معظم انقلاب معتقدند شعارهای انقلاب در قلب مردم همیشه زنده و جاودانه و افول‌ناپذیر است، ایشان در این زمینه در بیانیه گام دوم چنین می‌فرماید: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و

در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پابندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

شعارهای انقلاب کهنه شدنی نیست؛ همیشه برای آحاد مردم تازه و جذاب است. شعاری که به نفع مستضعفین و عزت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است، این شعارها هیچ وقت برای هیچ ملتی کهنه نمیشود، برای نظام ما هم کهنه نخواهد شد. (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033>)

### عوامل جاودانگی شعارها

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم و سایر بیانات خود به شعارهای انقلاب پرداخته و عوامل جاودانگی شعارهای انقلاب اسلامی را بیان نموده‌اند این عوامل، ریشه در بیانات و مبانی قرآنی و حدیثی دارد فطری بودن، دل‌پذیری و جذابیت شعارهای انقلاب، حفاظت و حراست از شعارهای انقلاب توسط امام جامعه و مردم، دشمن‌شناسی و ایستادگی در برابر دشمن و مقابله فکری و عملی با منافقین داخلی، عوامل جاودانگی شعارهای انقلاب است که از بیانات رهبری به دست آمده و قرآن و حدیث بر آن دلالت دارد، در ادامه به تشریح و تحلیل این عوامل پرداخته می‌شود

#### الف) فطری بودن

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، فلسفه افول ناپذیری شعارهای انقلاب را فطری بودن این شعارها دانستند، چرا که فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است و هرگز از آنها دل‌زده نمی‌شود (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033>)

(//farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

فطرت از ماده فطر بر وزن فعله که بیانگر حالت فعل است می باشد، خلیل فراهیدی دوشیدن و استخراج شیر، طلوع، عجین کردن، تخمیر، خلقت، ابتداء در آفرینش شی وانشقاق را از معانی فطر ذکر نموده است (فراهیدی، بی تا: ۷ / ۴۱۷) ازمنظر جوهری فطر به معنی شَقُّ و پاره کردن، شکافتن، ابتدا نمودن به چیزی و اختراع آمده است (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۲ / ۷۸۱) ابن فارس برای آن یک اصل صحیح به معنی بازنمودن شیء و ابراز آن دانسته است، وی بازگشت معنای شیر دوشیدن و خلقت را نیز به همین معنا دانسته است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۴ / ۵۱۰)

ریشه فطر ۲۰ بار در قرآن کریم در ۱۷ سوره و ۱۹ آیه آمده است، در همه جا در مفهوم این کلمه، ابداع و خلق هست. «ابداع» به يك معنا یعنی آفرینش بدون سابقه. لغت «فطرة» با این صیغه - یعنی بر وزن «فعله» - فقط در يك آیه آمده است که در مورد انسان و دین است که دین «فطرة الله» است آیه ۳۰ سوره روم: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰)

تنها در همین یک جا فطرت به معنای اصطلاحی فطرت انسانی است، وزن «فعله» دلالت بر نوع - یعنی گونه - می کند. «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» یعنی آن گونه خاص از آفرینش که ما به انسان داده ایم؛ یعنی انسان به گونه ای خاص آفریده شده است. این کلمه ای که امروز می گویند «ویژگیهای انسان»، اگر ما برای انسان يك سلسله ویژگیها در اصل خلقت قائل باشیم، مفهوم فطرت را می دهد. فطرت انسان یعنی ویژگیهایی در اصل خلقت و آفرینش انسان. (مطهری، ۱۳۷۶ش: ۳ / ۴۵۵)

در روایات اهل بیت علیهم السلام فطرت الله در آیه فوق همان توحید دانسته شده (قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق: ج ۲ / ۱۵۵) که خلقت انسان بر مبنای آن صورت گرفته و بدین معناست که انسان با قابلیت معرفت به خداوند خلق شده که اگر این فطرت نبود امکان معرفت خداوند برای انسان نبود. (برقی، ۱۳۷۱ق: ۱ / ۲۴۱) براساس برخی روایات این فطرت به هنگام اخذ

میثاق در عالم ذر شکل گرفته است (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۳۲۹ و ۳۳۰)

مرحوم طبرسی فطرت الله را همان ملت و دین و اسلام و توحید می داند که خداوند مردم را بر اساس آن خلق کرده و غایت و هدف خلقت انسان نیز رسیدن به آن و تمسک به آن است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸ / ۴۷۴) دینی که خلقت الهی که تغییر ناپذیر است به آن دعوت می کند، همان دین معتدلی که همراه با چگونگی خلقت انسان است، دینی که خلقت بدان دعوت، و فطرت الهی به سویس هدایت می کند... همه ی موجودات به گونه ای خلق شده اند که با غایت و هدف خلقتشان متناسب باشد، انسان نیز که هدفش سعادت است، دین سنت حیات و راه و رسم رسیدن به سعادت برای انسان می باشد لذا خلقت انسان متناسب با دین طرح ریزی شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶ / ۱۷۸ - ۱۸۸) این آفرینش خاص انسان به گونه ای است که قابلیت دریافت و اجرای احکام دین اسلام را داشته باشد و تعالیم دین نیز با خلقتش تناسب داشته باشد و موجب رویگردانی انسان نشود، مانند توحید خداوند که با عقل بشر قابل فهم و سازگار است. لذا فطرت به معنای خلقت و هیئتی در نفس انسانی است که انسان را برای تمییز و استدلال آماده می کند. فطرت همان نظامی است که خداوند در وجود هر مخلوقی ایجاد نموده است و انسان نیز نظام خاص خودش را دارد که متشکل از جسم و عقل است و بعد عقلانی انسان بر اساس ضوابط خاصی به تفکر و استنتاج و استدلال می پردازد. (ابن عاشور، بی تا: ۲۱ / ۴۸)

در نتیجه می توان گفت این چگونگی خاص در آفرینش انسان که خدای متعال همه انسانها را بر این چگونگی آفریده است تغییر پذیر نیست، جزء سرشت انسان است؛ تا انسان در عالم هست و تا انسان انسان است، انسانی که متولد بشود باز با این سرشت متولد می شود؛ یعنی سرشت را نمی شود در انسانها عوض کرد و تغییر داد و آنچه فطری باشد نیز تغییر ناپذیر است.

مرحوم علامه در اثبات تغییر ناپذیری فطرت و بقای آن چنین فرموده اند: «نوع انسان يك سعادت و شقاوت دارد، چرا که اگر سعادت افراد انسانها به خاطر اختلافی که با هم دارد

مختلف می‌شد، يك جامعه صالح و واحدی که ضامن سعادت افراد آن جامعه باشد، تشکیل نمی‌گشت، و همچنین اگر سعادت انسانها به حسب اختلاف اقطار، و سرزمینهایی که در آن زندگی می‌کنند، مختلف می‌شد، و سنت اجتماعی که همان دین است تابع اقتضائات منطقه بود آن وقت دیگر انسانها نوع واحدی نمی‌شدند، بلکه به اختلاف منطقه‌ها مختلف می‌شدند، و نیز اگر سعادت انسان به اقتضای زمانها مختلف می‌شد، یعنی اعصار و قرون یگانه اساس سنت دینی می‌گشت. باز انسانهای قرون و اعصار نوع واحدی نمی‌شدند، و انسان هر قونی و زمانی غیر انسان زمان دیگر می‌شد، در نتیجه اجتماع انسانی سیر تکاملی نمی‌داشت، و انسانیت از نقص متوجه به سوی کمال نمی‌شد، چون نقص و کمالی وجود ندارد مگر اینکه يك جهت مشترك و ثابت بین همه انسانهای گذشته و آینده باشد. البته منظور ما از این حرف این نیست که اختلاف افراد و مکانها و زمانها هیچ تاثیری در برقراری سنت دینی ندارد، بلکه ما فی الجمله و تا حدی آن را قبول داریم، چیزی که هست می‌خواهیم اثبات کنیم که اساس سنت دینی عبارت است از ساختمان و بنیه انسانیت، آن بنیه‌ای که حقیقتی است واحد و مشترك بین همه افراد و اقوام، و ثابت در همه. می‌خواهیم بگوییم برای انسانیت سنتی است واحد، و ثابت به ثبات اساسش، که همان انسان است، و همین سنت است که آسیای انسانیت بر محور آن می‌گردد، و همچنین سنت‌های جزئی که به اختلاف افراد و مکانها و زمانها مختلف می‌شود، پیرامون آن دور می‌زند.» (طباطبایی، ۱۴۷ق: ۱۶ / ۱۸۸)

اینکه دین، شعارها و مبانی اصلی دین افول ناپذیرند برای این است که ریشه در فطرت انسان دارد فطرتی اصیل و یگانه که به فرهنگ انسان یگانگی می‌دهد. شهید مطهری معتقد است اسلام به حکم اینکه در جهان‌بینی‌اش قائل به فطرت یگانه است، هم طرفدار ایدئولوژی یگانه است و هم طرفدار فرهنگ یگانه. براین اساس تنها يك ایدئولوژی فطری نه يك ایدئولوژی سودگرایانه می‌تواند بر ارزشهای انسانی متکی باشد. (مطهری، ۱۳۷۶ش: ۲ / ۶۳) از منظر شهید مطهری چنانچه یک تفکر خاستگاهش فطرت نوعی انسان و هدفش



سعادت نوع انسان باشد مطلق خواهد بود و نه نسبی و چنانچه خاستگاهش منافع گروهی و احساسات قومی و طبقاتی [و هدفش سعادت گروه خاص] باشد، ایدئولوژیی نسبی خواهد بود، از نظر دیگر آنگاه که جامعه‌ای متحول می‌شود و دوره‌ای را پشت سر می‌گذارد و دوره جدیدی را آغاز می‌کند، قوانین اصلی تکاملی جامعه و مداری که در آن تحول می‌یابد ثابت است، جامعه تغییر منزل و مرحله می‌دهد نه تغییر مدار و قانون تکامل، آنچنان که جانداران از نظر زیستی متحول و متکامل می‌شوند اما قوانین تکامل همواره ثابت است (همان)

### ب) جذابیت

از منظر مقام معظم رهبری دل‌پذیری و جذابیت شعارهای انقلاب اسلامی یکی دیگر از علل افول ناپذیری شعارهای انقلاب اسلامی است. رهبر انقلاب این دوست داشتنی بودن و جذابیت شعارها را سبب افول ناپذیری شعارهای انقلاب می‌داند: «شعارهای انقلاب کهنه شدنی نیست؛ همیشه برای آحاد مردم تازه و جذاب است. شعاری که به نفع مستضعفین و عزت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است، این شعارها هیچ وقت برای هیچ ملتی کهنه نمیشود، برای نظام ما هم کهنه نخواهد شد» (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰) رهبری دلنشینی شعارهای انقلاب را سبب علاقه مندی ملت‌ها به جمهوری اسلامی می‌داند، ایشان در این زمینه فرموده‌اند: «ملت‌ها هر جایی که جمهوری اسلامی را میشناسند، به جمهوری اسلامی علاقه‌مندند، طرفدار جمهوری اسلامی‌اند، شعارهای جمهوری اسلامی برای آنها دلنشین است» (امام خامنه‌ای، بیانات در اجتماع مردم گیلان‌غرب، ۱۳۸۸/۷/۲۳ <https://farsi.khamenei.ir/speech-7/23>)

(content?id=175681390)

«ملت‌های مسلمان تا قبل از آن‌که انقلاب اسلامی به صحنه بیاید، می‌پنداشتند نام عدالت در اردوگاه چپ و سوسیالیستی است، ... اسلام به صحنه آمد؛ وعده‌ی زندگی همراه بارفاه مادی و عدالت اجتماعی را به مردم داد و آنها مجذوب این شعار و این حرکت

عظیم شدند؛ لذا در تمام دنیای اسلام، نام انقلاب اسلامی و نام امام این انقلاب برای مردم به صورت یک خورشید درخشان و یک نقطه‌ی پُر جاذبه درآمد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان، ۱۸/۲/۱۳۸۴ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3288>)

جذابیت و دلنشینی شعارهای انقلاب عامل مطالبه تحقق این شعارها توسط مردم از مسئولین است. «مردم به این شعارها دل بسته‌اند، علاقه‌مندند... اینها چیزهایی است که مردم دوست میدارند و اینها را میخواهند. یک جامعه و یک کشور و یک ملت بیدار از مسئولینش این چیزها را مطالبه میکند: مطالبه‌ی عدالت، مطالبه‌ی انصاف، مطالبه‌ی خدمت، مطالبه‌ی ارتباط صمیمی با مردم، مطالبه‌ی دین، پایبندی به ارزشهای دینی، پایبندی به شرع. این چیزها را مردم میخواهند و دوست میدارند.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10129>

بلند کرده است؛ مردم هم مجذوب همین شعار بسیار مهم و اساسی هستند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان، ۱۳۸۴/۲/۱۸) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3288>

از آنجا که شعارهای انقلاب اسلامی شعارهایی دینی است، سر جذابیت و دلنشینی این شعارها نیز همین دینی بودن آن است، در قرآن کریم ایمان به عنوان امری معرفی گردیده که خداوند آن را در قلوب مردم دوست داشتنی گردانیده و در دل‌های مومنین زینت بخشیده است «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ» (حجرات، آیه ۷) عشق به ایمان و زیبایی آن در قلب انسان، امری فطری و الهی است، تحبیب ایمان و تزئین آن به قرینه «فی قلوبکم» یعنی، سرشت انسان متمایل به ایمان و مجذوب آن آفریده شده است. محبت واقعی به ایمان، مقتضی اطاعت از پیامبر ﷺ است و حرکت مؤمنان راستین در طریق ایمان و اطاعت از پیامبر ﷺ، براساس عشق و

محبت به دین و نه تحمیل و تحکم شکل گرفته، نیرو و جاذبه محبت، اصلی ترین و نیرومندترین محرک مؤمنان برای حرکت به سمت ایمان و اطاعت از رسول الله است. بر اساس آیه شریفه خداوند، پدید آورنده زمینه بیزاری مؤمنان از کفر، فسوق و عصیان است و نفرت درونی مؤمنان، از کفر، فسق و عصیان ریشه در سرشت انسان دارد چرا که خداوند وجود انسان را با همه تمایلات و گرایش ها به گونه ای آفریده است که به طور طبیعی از کفر ... متنفر است.

در روایات اهل بیت علیهم السلام محبوب کردن و زینت دادن ایمان در قلوب فعل خداوند و در راستای قضا و قدر الهی برای کمک به بندگان صالح خداوند تبیین گردیده (منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶ ق: ۳۴۹) محبوب کردن ایمان در دل مؤمنین از منظر مفسران به این معنا است که: خدای تعالی ایمان را به زیوری آراسته که دل‌های شما را به سوی خود جذب می‌کند، به طوری که دل‌های شما به آسانی دست از آن برنمی‌دارد، و از آن رو به سوی چیزهای دیگر نمی‌کند، معنای مکروه کردن کفر و فسوق و عصیان این است که دل‌های شما را طوری کرده که خود به خود از کفر و توابع آن تنفر دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۳۱۳ / ۱۸) در نتیجه دین در قلوب مردم دوست داشتنی گردیده و دارای جذابیت است و به تبع آن شعارهای دینی نیز دوست داشتنی و جذاب اند سر این نکته آن است که وقتی شخص حکیم کاری را می‌خواهد تحقق بخشد زمینه‌های آن را از هر نظر فراهم می‌سازد، این اصل در مورد هدایت انسانها نیز کاملاً صادق است. خدا می‌خواهد همه انسانها - بی آنکه تحت برنامه جبر قرار گیرند - با میل و اراده خود راه حق را بپویند، لذا از يك سو ارسال رسل می‌کند، و انبیا را با کتابهای آسمانی می‌فرستد، و از سوی دیگر "ایمان" را محبوب انسانها قرار می‌دهد، آتش عشق حق طلبی و حقجویی را در درون جانها شعله‌ور می‌سازد، و احساس نفرت و بیزاری از کفر و ظلم و نفاق و گناه را در دلها می‌آفریند. و به این ترتیب هر انسانی فطرتاً خواهان ایمان و پاکی و تقوا است و بیزار از کفر و گناه. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۲۲ / ۱۵۹) دوست داشتنی کردن ایمان در قلوب مردم همان شرح صدری است

که خداوند به مومنین داده و قلوب آنان را به سوی دین تحریک نموده و روح آنان را برای پذیرش آن به پرواز درآورده تا انسان بتواند خیر و جمال دین را درک کند. (سیدقطب، ۱۴۱۲ ق: ۶ / ۳۳۴۲) این امر نشانه آن است که فطرت بر نور اصلی خود باقی است و استعداد نفسانی انسان در انقیاد و تسلیم در برابر احکام خداوند امری نهادینه شده درجود انسان است (تفسیر ابن عربی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲ / ص ۲۷۴)

نتیجه این درک، پذیرش، دوست داشتن و جذابیت، دل بستن، متعهد شدن و پایبندی به دین و شعارهای دینی است که ضامن جاودانگی و افول ناپذیری آن خواهد بود.

### ج) حفاظت از شعارها توسط امام جامعه

یکی از وظائف امام جامعه اسلامی حفظ شعارها و آرمان های دینی و استمرار آنها و جلوگیری از تحریف، بدعت و به انزوا کشیده شدن دین در جامعه است.

از منظر رهبر معظم انقلاب یکی از علل افول ناپذیری شعارهای انقلاب که همان شعارهای دین است حفاظت و حراست امام جامعه از این شعارهاست ایشان در این زمینه می فرماید: «جبهه‌ی مقابل انقلاب و ضدانقلاب، شعارهای انقلاب را هرگز فراموش نخواهد کرد؛ یعنی میداند که در این رویارویی، در این هم‌آوردی، آن چیزی که توانست جبهه‌ی انقلاب را پیروز کند و جبهه‌ی ضدانقلاب را به هزیمت وادار کند، در درجه‌ی اول این شعارها بود؛ که هرچه شعارها پرمغز و جذاب و واقعی و برای مردم مفهوم و ملموس بود، کمک آن به پیشرفت انقلاب بیشتر شد. سعی میکنند این شعارها را بتدریج محو کنند، کم‌رنگ کنند. در مورد کشور و انقلاب ما هم این کار را دشمن شروع کرد؛ البته موفق نشدند؛ خدا را شکر میکنیم. دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را کم‌رنگ و سپس محو کند. به نظر من یک بخش عمده‌ای از این هم مربوط میشود به هوشیاری امام بزرگوارمان. آنچه که امام بزرگوار از اظهارات خود، از گفته‌های خود، از نوشته‌های خود در میان ما باقی گذاشت، بیانات است، محکّمات است؛ متشابهات نیست که کسی آنها را نفهمد. آخرین سخن امام هم وصیتنامه‌ی امام است. من همیشه به مسئولین و کسانی که در دولتهای گوناگون یک

کار مهمی دستشان بوده است، توصیه می‌کردم که به وصیتنامه‌ی امام مراجعه کنند. وصیتنامه‌ی امام، لبّ ارزشهای مورد نظر امام است؛ اینها را امام باقی گذاشته، زنده گذاشته است. لذاست که این ارزشها قابل تحریف نیست، قابل تغییر نیست. بله، ندیده گرفتن اینها امری است که میسر است برای کسانی که بخواهند ندیده بگیرند». (امام خامنه‌ای، بیانات در آخرین دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت دهم، ۱۳۹۲/۴/۲۳) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23094>

خداوند در آیه ۵۹ سوره نساء پیامبر و جانشینان پیامبر در امر حکومت و ولایت را «اولی الامر» خطاب کرده «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» و در آیه ۸۳ سوره نساء «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» بر لزوم رجوع به اولی الامر به هنگام مشکلات و معضلات و مشتبه شدن امور، سخن گفته چرا که آنان جایگاهی دارند که می‌توانند حقیقت مطلب را فهمده یعنی صواب و موافق صلاح بودن امر و حق و باطل بودن را در درک کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۲/۵) از جمله ویژگی‌های امام جامعه اسلامی در روایت معروف امام رضا علیه السلام آن است که امام کسی است که حدود الهی را اقامه نماید از دین خدا و حرمت‌های الهی پاسداری کند و حافظ دین خدا باشد (يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ... وَ يَدْبُ عَنْ دِينِ اللَّهِ... الدَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ... وَ حَافِظٌ لِدِينِ اللَّهِ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۴۸۹/۱) همچنین براساس روایات اهل بیت علیهم السلام یکی از کارکردهای امام در جامعه اسلامی هدایت مردم به دین و وحفظ بینات و حجت‌های شرعی در جامعه است. لا تخلو الأرض من قائم لله بحجة اما ظاهرا مشهورا و اما خائفا مغمورا، لئلا تبطل حجج الله و بیناته (تفقی، ۱۳۹۵ق: ۱/ ۱۵۳) اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ عَلَى خَلْقِهِ يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ وَيَعْلَمُهُمْ عِلْمَكَ (خصیسی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۲)

در آیه ۴۱ ویژگی حاکمیت مومنین را برپاداشتن نماز در زمین معرفی می‌نماید. «الَّذِينَ

إِنَّ مَكْتَنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (۴۱ حج) طبق این آیه شریفه مومنین در میان همه انواع و انحاء زندگی يك زندگی صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته، و زکات داده می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۸۶) لذا زمینه سازی صحیح و معقول برای دین داری و بندگی خدا و اقامه ی نماز وظیفه ای است در راستای حفاظت از دینداری مردم که خداوند بر عهده حاکمیت دینی گذاشته است. بنابراین «حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه: أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۵۲)

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (نحل ۱۲۵) آیه شریفه رسول خدا را مامور می‌کند تا مردم را بوسیله قرآن، بدین خداوند دعوت نماید، زیرا دین، یگانه راه رسیدن به خشنودی خداوند است. قرآن را حکمت نامیده است، زیرا به منزله سدی است در برابر فساد و امور ناپسند. حکمت، یعنی شناسایی نیک و بد و صلاح و فساد کارها، زیرا از برکت شناسایی است که از فساد جلوگیری می‌شود و مردم به راه صواب و راستی و کارها و گفتارهای نیکو و پسندیده، راه می‌یابند. همچنین از رسول خدا می‌خواهد مردم را از راه موعظه نیکو به راه خدا دعوت نماید. موعظه نیکو یعنی ترغیب و تشویق مردم به ترک زشتیها و به انجام کارهای پسندیده. به گونه ای که زشتیها در نظر آنها تنفر آور و نیکیها در نظر آنها لذتبخش جلوه کند. واعظ نیکو سخن، دلهای مردم را نرم می‌کند و بذر خشوع و خضوع را در دلهای مردم می‌افشاند. به وسیله قرآن که بهترین دلیل هاست، با آنها به بحث و گفتگو پردازد و شرک را در نهاد مشرکین به کام هلاک افکن و با مدارایی و ملایمت، آنها را نصیحت کن تا تورا اجابت کنند و به راه خدا آیند. «جدل» یعنی از راه استدلال، نیروی خصومت و مخالفت مخالف را در هم شکستن و او را به راه راست آوردن. برخی گویند: مقصود این

است که به اندازه قدرت فهم و تحملشان با آنها بحث و گفتگو کند، نه بیشتر، چنان که در حدیث آمده است: ما پیامبران مأموریم که با مردم به قدر عقلشان سخن گوئیم. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش: ج ۶، ص: ۶۰۵) بنابر این و از آنجا که انسان، دارای بعد روحی و معنوی است و حیات اخروی پس از انقضای مرحله حیات دنیوی به دست می‌آید، تنظیم حیات و تدبیر زندگی او به صورتی باشد که بتواند رفتار او را در حوزه فردی و جمعی به گونه‌ای سامان دهد که سعادت و کمال دنیوی و اخروی او را تضمین و تأمین کند. از این رو، حکومت وظیفه هدایت و پاسداری از ارزش‌ها و هنجارهای مقرون به حقیقت را دارد. وظیفه حکومت به تنظیم امور اجتماعی و تأمین امنیت در راستای بهبود حیات مادی و رفاه اقتصادی محدود نمی‌شود. ترویج ارزش‌ها و اجرای احکام و قوانین دینی و صیانت از حدود الهی به لحاظ نقش آنها در سعادت ابدی انسان، از وظایف عمده و نهایی حکومت است. (نیازی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹)

لذا در آیه ای دیگر نیز دستور تشکیل جمعیت «امران به معروف و ناهیان از منکر» می‌دهد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) | امت " در اصل از ماده "ام" به معنی هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن بضمیمه گردد و به همین جهت "امت" به جماعتی که جنبه وحدتی در میان آنها باشد گفته می‌شود خواه وحدت از نظر زمان یا از نظر مکان و یا از نظر هدف و مرام باشد، بنا بر این به اشخاص متفرق و پراکنده "امت" گفته نمی‌شود. "امر به معروف و نهی از منکر" دو مرحله دارد: یکی "مرحله فردی" که هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد، و دیگری "مرحله دسته جمعی" که امتی موظفند برای پایان دادن به نابسامانیهای اجتماع دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند. قسمت اول وظیفه عموم مردم است، و چون جنبه فردی دارد طبعا شعاع آن محدود بتوانایی فرد است، اما قسمت دوم شکل واجب کفایی بخود می‌گیرد و چون جنبه دسته جمعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع و طبعا از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود. این دو شکل از

مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق، از شاهکارهای قوانین اسلامی محسوب می‌گردد، و مسئله تقسیم کار را در سازمان حکومت اسلامی و لزوم تشکیل يك گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمانهای حکومت مشخص می‌سازد. (تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش، ج ۳/ص ۳۶) همچنین یکی از وظائف حاکم اسلامی در راستای حفظ دین در جامعه اجرای حدود الهی است، در بسیاری از آیاتی که ضرورت تشکیل حکومت را بیان می‌کند فهمیده می‌شود که به‌خاطر اجرای احکام اسلامی است. السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما؛ [مائده/سوره ۵، آیه ۳۸]، فالزانیة و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة؛ [نور/سوره ۲۴، آیه ۲]، و الذین یرمون المحصنات ثم لم یاتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدة؛ [نور/سوره ۲۴، آیه ۴]، انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یرعون فی الارض... فی الآخرة لهم عذاب عظیم؛ [مائده/سوره ۵، آیه ۳۳]، انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اتاک الله. [نساء/سوره ۴، آیه ۱۰۵]

در اسلام نسبت به اجرای حد بسیار سفارش شده است. از جمله در روایات بسیاری آمده است که اجرای یک حدّ از چهل روز (یا چهل شبانه روز) باران سودمندتر است. البته تأکید شده است که اجرای حدود باید با دقت و اتقان باشد. (خمینی، ۱۴۲۴ ق/ج ۲، ص ۸۱۵) براساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام وظیفه اقامه حدود بر عهده حاکم جامعه است: «حفص بن غیاث» می‌گوید: «از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: چه کسی - سلطان یا قاضی - حدود را اجرا می‌کند؟ امام فرمودند: برپا داشتن حدود الهی به عهده کسی است که حکومت در ید قدرت اوست». (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق: ج ۱۸/ص ۱۰۱). در نتیجه حاکم جامعه متولی این امر حیاتی است.

#### د) حفاظت از شعارها توسط مردم

رهبر معظم انقلاب پشتیبانی مردم از انقلاب را عامل حفظ انقلاب و شعارهای انقلاب دانسته و حراست و حفاظت از انقلاب را از وظایف آحاد امت می‌دانند ایشان در این زمینه فرموده اند: «مسلم‌ها حفاظت و حراست از چنین فرهنگی (فرهنگ اسلامی) حفاظت از



انقلاب است؛ انقلابی که حضرت امام (رحمة الله علیه) فرمودند: «نگذارید به دست ناهلان بیفتد». بی تردید امر امام و کلام امام، یک امر دو سویه است. از سویی همه‌ی مسئولان و همه‌ی برنامه‌سازان جامعه را نشانه می‌رود... از سویی دیگر هم متوجه مردم و آحاد جامعه است. مردم جامعه‌ی ما با حضور خود در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی، با نظارت دقیق، با حمایت همه جانبه و بلکه در جهات و زمینه‌هایی که لازم است، با دخالتها و هدایت‌های بجا، باید همه را متوجه مسؤلیتهای خود کنند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از بانوان اندیشمند و سخنان بانوان در این دیدار ۱۳۷۷/۷/۱۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2910>)

ایشان در بیاناتی زنده بودن شعارهای انقلاب را نتیجه حضور و همراهی مردم با انقلاب بیان نموده اند: «بحمدالله اهداف انقلابی و شعارهای انقلابی زنده است؛ دشمن نتوانسته است شعارهای انقلابی را کم‌رنگ بکند؛ جوری است که اگر کسانی هم در دل با این شعارها همراه نیستند، در زبان ناچارند به خاطر افکار عمومی، به خاطر دل مردم و حضور مردم، با این شعارها همراهی کنند. شعارها بحمدالله زنده است؛ حرکت انقلابی حرکت زنده‌ای است و این از استثناهای تاریخ است؛ هیچ انقلابی را در دنیا ما سراغ نداریم که در طول ۳۵ سال ۴۰ سال، با این همه مخالفت، با این همه دشمنی، آن خط مستقیم و صراط مستقیم خودش را توانسته باشد ادامه بدهد؛ (امام خامنه ای، بیانات

در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» ۱۳۹۴/۷/۲۲: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31105>) هرکسی که شعارهای جمهوری اسلامی را شنیده است، ایستادگی جمهوری اسلامی را دانسته است، پایداری همراه با مظلومیت را دانسته و فهمیده است... نظام جمهوری اسلامی یعنی مردم ایران، یعنی ملت ایران؛ ملت از نظام جدا نیستند؛ ملت پشت سر نظامند؛ این است راز استحکام و اقتدار نظام) امام خامنه ای، بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۲/۱۱/۱۹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25260>

مورد دیگر، انگیزه‌ها و شعارهای انقلابی مردم است. شما نگاه کنید جشنهای یادبود انقلابهای دنیا در کشورها چگونه انجام میگیرد. یک مراسم رسمی ای درست میکنند، یک عده‌ای از رجال یک جایی جمع میشوند، احیاناً نیروهای مسلحی هم رژه میروند. در ایران، سالروز پیروزی انقلاب - یعنی بیست و دوی بهمن - به وسیله‌ی میلیونها مردم در سرتاسر کشور با شوق و ذوق فراوان انجام میگیرد؛ هر سال هم از سال قبل شورانگیزتر و مهمتر و بزرگتر؛ این نشان‌دهنده‌ی زنده بودن این ملت و پیشرفت این ملت در اهداف انقلابی است (امام خامنه ای، بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=199961391/3/14>)

ملت ایران نشان دادند که اهل اقدامند، اهل عملند. در طول این سی سال که دشمنان ما انتظار داشتند که شعارهای انقلاب فراموش شود، امروز که شما در سی سالگی انقلاب نگاه میکنید به اجتماعات مردم، به اظهارات مردم، به شعارهای مردم، میبینید همان احساسات اول انقلاب و همان شعارها هست؛ این صراط مستقیم محفوظ مانده است؛ این خیلی چیز مهمی است. در انقلابهای گوناگون تاریخ چنین چیزی را ما شاهد نیستیم. این به برکت ایمان به خدا و به برکت اسلام است. و شعارهای انقلاب را بایستی حفظ کرد. این را باید جوانها بخصوص مغتنم بشمارند؛ قدر بدانند. خوشبختانه نسل جوان امروز ما زنده‌تر و کارآزموده‌تر از نسل جوان آن روز است. اگر آن روز غلبه با احساسات بود، امروز حضور جوانها در میدان به خاطر اندیشه و فکر است؛ صرف احساسات نیست؛ اگر چه احساسات هم هست و مهم هم هست؛ اما فکر هم هست، درک صحیح و حضور در میدان هم است. امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5744>

یکی از وظائف مردم و امت اسلامی در مقابل دین و شعائر دینی تلاش برای حفظ دین و مجاهده در این راه است، قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.» (توبه: ۴۱) با اموال و جان های خود در راه

خدا جهاد کنید و این برای شما بهتر است؛ اگر بدانید.

روشن است که در این آیه شریفه، دفاع از حریم دین خدا و جامعه اسلامی، «سبیل الله» عنوان گرفته است که مؤمنان را مکلف به جهاد با جان و مال در این راه کرده است. در راه خدا با اموال و جانها جهاد کنید" (وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ). یعنی جهادی همه جانبه و فراگیر، چرا که در برابر دشمن نیرومندی که از ابر قدرتهای آن زمان محسوب می شد قرار داشتند، و بدون آن پیروزی ممکن نبود. (ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ). یعنی اگر بدانید که جهاد کلید سر بلندی و عزت و بر طرف کننده ضعف و ذلت است. اگر بدانید که هیچ ملتی بدون جهاد در جهان به آزادی واقعی و عدالت نخواهد رسید. و اگر بدانید که راه رسیدن به رضای خدا و سعادت جاویدان و انواع نعمتها و مواهب الهی در این نهضت مقدس عمومی و فداکاری همه جانبه است! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۷/ ۴۲۵)

در قرآن، از وظیفه مؤمنان در یاری و حفاظت از دین خدا به «نصرت خدا» و یاری دادن

او تعبیر شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِثْ أَقْدَامَكُمْ. (محمد: ۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین و دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد.

رهبر انقلاب در تفسیر این آیه شریفه فرموده اند: «این آیه شریفه و آیات بسیار دیگری، یاری دین خدا را «یاری خدا» نامیده است و این، تکلیف سنگین و مهم مؤمنان را به آنها گوشزد می کند. رهبر انقلاب در تبیین این آیه شریفه فرموده اند: إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ، اگر شما یاری کردید دین خدا را، جهت گیری الهی را، منطق خدایی را، راه خدا را، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد و یاری خواهد کرد؛ این همان چیزی است که امروز وجود دارد. این جریان عظیم انقلابی در کشور دارند اهداف الهی را دنبال میکنند، ایجاد جامعه ی اسلامی را دارند دنبال میکنند، تحقق شریعت الهی را در کشور دارند طلب میکنند و دنبال میکنند؛ پس کار خدا است، راه خدا است، نصرت خدا است؛ وقتی نصرت خدا شد، خدای متعال

هم نصرت خواهد کرد، و وقتی خدای متعال نصرت کرد، فَلَا غَالِبَ لَكُمْ؛ هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار بسیجیان، ۹۸/۹/۶: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44267>)

پس از آنکه حکومت اسلامی با کمک مردم شکل گرفت و برپایی قسط و عدالت اجتماعی، با یاری و نصرت مردم و خواست آنان تحقق یافت: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. (حدید ۲۵) حفظ و استمرار انقلاب و آرمان های آن نیز از جمله وظائف مردم است. آیه شریفه از "خود جوشی مردم" سخن می گوید، نمی فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسانها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه می گوید: هدف این بوده که مردم مجری قسط و عدل باشند! آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند، و این راه را با پای خویش بپویند. ولی از آنجا که به هر حال در يك جامعه انسانی هر قدر سطح اخلاق و اعتقاد و تقوا بالا باشد باز افرادی پیدا می شوند که سر به طغیان و گردنکشی بر می دارند و مانع اجرای قسط و عدل خواهند بود لذا در ادامه آیه می فرماید: " ما آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و نیز منافی برای مردم!" (تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ج ۲۳ / ص: ۳۷۲)

در طول تاریخ موارد بسیاری مشاهده می شود که مردم ابتدا با شور و حرکتی بر محور حق، عدالت را طلب کرده اند، اما از ادامه راه باز مانده و نتوانستند دولت اسلامی تازه تأسیس را در تمام سختی ها همراهی کنند و همین کوتاهی و یا بی تفاوتی، سبب شکست آن حرکت و حکومت گردیده است لذا مردم مسئولیت دارند از رهبر جامعه تبعیت کنند و پایبند قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشند. (و لَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَانُ فَاتَّبِعُونِي وَ أَطِيعُوا أَمْرِي سوره طه، آیه ۹۰) جناب هارون به عنوان جانشین حضرت موسی در حکومت می فرماید: از من پیروی کنید و اطاعت فرمان من نمائید" (فَاتَّبِعُونِي وَ أَطِيعُوا أَمْرِي). مگر فراموش کرده اید برادرم موسی، مرا جانشین خود

ساخته و اطاعتم را بر شما فرض کرده است چرا پیمان شکنی می‌کنید؟ چرا خود را به دره نیستی سقوط می‌دهید؟ (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۷۳)

همچنین مردم باید برای اجرای قوانین اسلام، پیشرفت جامعه و ناکام گذاشتن دشمنان خدا و مردم، از خود استقامت و پایداری نشان دهند. زیرا با تشکیل حکومت اسلامی، منافع ظالمان و مستکبران به خطر می‌افتد و آنان با تمام امکانات و ابزارهایی که دارند، می‌کوشند که مردم را دچار سختی و مشکلات کنند تا بالاخره دست از حق طلبی خود بردارند. (فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْعَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ سوره هود، آیه ۱۱۲) یعنی همگیتان استقامت بورزید. و اگر رسول خدا ﷺ را جداگانه اسم برده به خاطر احترام و تجلیل از مقام نبوت است. آری، سنت خدای تعالی در کلامش بر همین منوال جریان یافته (المیزان، ج ۱۴۱۷، ق، ج ۴۹/۱۱) استقامت در راه تبلیغ و ارشاد کن، استقامت در طریق مبارزه و پیکار کن، استقامت در انجام وظائف الهی و پیاده کردن تعلیمات قرآن کن. ولی این استقامت نه به خاطر خوش آیند این و آن باشد و نه از روی تظاهر و ریا، و نه برای کسب عنوان قهرمانی، نه برای بدست آوردن مقام و ثروت و کسب موفقیت و قدرت، بلکه تنها به خاطر فرمان خدا و آن گونه که به تو دستور داده شده است باید باشد (کَمَا أُمِرْتَ). اما این دستور تنها مربوط به تو نیست، هم تو باید استقامت کنی " و هم تمام کسانی که از شرک به سوی ایمان باز گشته‌اند و قبول دعوت الله نموده‌اند. " (وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ). (تفسیرنمونه، ج ۹، ص ۲۵۷)

در خطبه ۳۴ نهج البلاغه امیرالمومنین عليه السلام در رابطه با حق امام بر امت می‌فرماید: وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۷۹ / خطبه ۳۴)

(الوفاء بالبيعة) وفاداری به پیمان یعنی مردم در برابر پیمانی که با رهبر دینی بسته‌اند باید وفادار باشند. زیرا با بیعتی که انجام داده‌اند متعهد شده‌اند تا تمامی امکانات خود را در

اختیار حاکم جامعه اسلامی قرار دهند و او را در تمامی ابعاد کشورداری یاری رسانند و در هیچ بُعدی که یاری آنان نیاز است کوتاه نیایند. و امام جامعه را برای تحقق شعارها و اهداف دین یاری نمایند آیه «و أنفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بأیدیکم ألی التهلکة» (بقره/ ۱۹۵) به همین حقیقت اشارت دارد. یعنی از هرگونه مساعدت شایسته در راه پیشرفت و اقتدار نظام بکوشید، وگرنه با دست خود، مایه نابودی خود را فراهم کرده‌اید. (النصیحة فی المشهد و المغیب) مقصود خیرخواهی همگان برای امام است چه در حضور و چه در غیاب او (و الأجابة حین أدعوکم) یعنی هنگام فراخوانی آمادگی کامل خود را نشان دهید. مقصود اجابت بدون تعلل است. امام هرگاه برای جهاد یا انجام اموری جهت تحقق شعائر الهی نیاز به یاری امت داشته باشد، باید همگی، هر کس به اندازه وسع و توانایی خود، این دعوت را لبیک گوید و هرگز بهانه‌جویی نکند همانگونه که بنی اسرائیل در برابر فرمان حضرت موسی عذرتراشی کردند و گفتند: «فأذهب أنت و ربک فقاتلانا هاهنا قاعدون (۱)». تو و خدایت برای جهاد بروید، ما اینجا آرمیده‌ایم تا آنگاه که راه هموار شد با تو می‌آییم. زیرا سخت از مشکلات پیش آمده هراسیده بودند «ان فیها قوماً جبارین» (گروهی گردنکش در پیش رو داریم) یعنی: مشکلات بسیار دشوار سر راه داریم و ما توان همکاری در رفع آنها را نداریم. و بدین بهانه رسوا، از همکاری با رهبر دلسوز خود حضرت موسی، سر باز زدند. (وَ الطَّاعَةُ حِینَ أُمْرُکُمْ) مقصود اطاعت کامل است. بدین معنا: امت برای حفاظت و حراست از دین و شعائر دینی باید فرمانبردار امام جامعه باشند. و هرگونه تعلل در انجام دستورات پذیرفته نیست.

یکی دیگر از مصادیق حراست مردمی از دین و شعارهای انقلاب اسلامی اصل امر به معروف و نهی از منکر است، آیاتی همچون آیه ۱۰۴ سوره آل عمران: «و لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند»، و آیه ۱۱۴ همین سوره: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ

عَنْ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند؛ و آنها از صالحانند»، به دست می‌آید که حفاظت و حراست از دین به واسطه امر به معروف و نهی از منکر بر عهده امت می‌باشد، معلوم است بخشی از مراتب این اصل، که همان مراحل تنفر قلبی و تذکر لسانی باشد، نیازمند قوه قهریه شاید نباشد و بر عهده عموم جامعه است ولی مراتب دیگری از آنها، نیاز اساسی به قدرت و امکانات مادی دارد. تهیه این قدرت و اقتدار، تنها با تشکیل حکومت اسلامی و استمرار آن حاصل می‌گردد. بنابراین، اصل مذکور در وقتی می‌تواند به طور کامل در حیات فردی و جمعی پیاده بشود که نظام اسلامی پابرجا باشد. به همین سبب است که امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند که: «هذه خاص غیر عام. كما قال الله: «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَى أُمَّةٌ يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ» (سوره اعراف/آیه ۱۵۹) و لم يقل: على أمة موسى. قال: إنما هو على القوي المطاع، العالم بالمعروف من المنكر، لا على الضعفة الذين لا يهتدون سبيلا إلى أي من أي. و قال: وليس على من يعلم ذلك في هذه الهدنة من حرج، إذا كان لا قوة له و لا عدد و لا طاعة؛ این امر به معروف، وظیفه افراد خاص است نه عموم مردم. همانطور که خداوند به جای «علی امة موسی» فرمود: و از قوم موسی، افرادی هستند که با حق هدایت می‌نمایند...، امام فرمود: آن اصل بر عهده قوی مطاع است که عالم به معروف از منکر هستند نه بر افراد ضعیفی که راهها را نمی‌شناسند و بر دوش کسانی که متحمل مشقت می‌شوند هم نیست؛ چرا که آنان، قدرت، نفرت و افراد مطیع ندارند. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۸/۸۳؛ فیض کاشانی ۱۴۱۹ق: ۱۶۶/۱)

#### ه) دشمن شناسی و ایستادگی در برابر آن

یکی از عوامل افول ناپذیری شعارهای انقلاب شناخت دشمنان این شعارها و مقابله با آنان است رهبر انقلاب در ارتباط با ضرورت شناخت دشمنان عدالت که یکی از شعارهای اصلی انقلاب است فرموده اند: «عدالت دشمنانی دارد. همه‌ی کسانی که نانشان در بی

عدالتی است، با عدالت دشمن‌اند. همه‌ی کسانی که با قلدری و زورگویی - چه در صحنه‌ی ملی، چه در صحنه‌ی بین‌المللی - تغذیه می‌شوند، با عدالت مخالفند. عدالت، شعار اصلی و هدف بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست. (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۴/۵/۱۲) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3300> رهبر معظم انقلاب راه حفظ شعارهای انقلاب را شناخت صحیح دشمن دانسته و در این زمینه فرموده‌اند: «دانشگاه و دانشجو امروز آماج بزرگ‌ترین توطئه‌ها است؛ از اینکه ما دانشگاهی داشته باشیم که دانشجوی آن، استاد آن با روحیه‌ی انقلابی، با روحیه‌ی تهاجمی وارد میدان بشود، خطهای قرمز را که دشمنها برایش درست کرده‌اند به هم بزند، پیش برود، کشور را پیش ببرد، پرچم علم را بالا ببرد، شعارهای انقلابی را پُررنگ کند وحشت دارند؛ برای اینکه این اتفاق نیفتد، دارند برنامه‌ریزی میکنند؛ پولها خرج میکنند. دشمنان راه سلطه‌ی آینده [را برنامه‌ریزی میکنند]. آن شکل استعمار قدیمی، امروز دیگر عملی نیست؛ آن چیزی هم که به آن میگفتند «استعمار نو»، حالا یواش‌یواش کهنه شده؛ آن چیزی که لازم است و دنبالش هستند این است که تفکرات در درون عناصر فعال و هوشمند و نخبه در یک کشور جوری بشود که اهداف آنها را برآورده کند؛ دارند برای این سرمایه‌گذاری میکنند، دارند برای این پول خرج میکنند. به این دغدغه‌ها باید توجه کرد (، امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31386> یکی از کارهای مهمی که جبهه‌ی ضدانقلاب - چه انقلاب ما، و چه انقلابهای دیگر - در طول تاریخ و در عرض دنیا داشتند و میکردند، این بوده است که سعی کنند ارزشهای انقلاب را کمرنگ کنند. به اینجا هم محدود نمیشود؛ اول ارزشها را کمرنگ میکنند، بتدریج آنها را محو میکنند؛ اگر میدان پیدا کنند، آنها را تبدیل به ضدارزش میکنند؛ این کاری است که در دنیا معمول است؛ این را ما در تاریخ انقلابهای دنیا مشاهده میکنیم؛ و در انقلابهایی هم که زمان خود ما - در طول این



عمر طولانی‌ای که ما کردیم - دیدیم و خبر شدیم، این را مشاهده کردیم. جبهه‌ی مقابل انقلاب و ضدانقلاب، شعارهای انقلاب را هرگز فراموش نخواهد کرد؛ یعنی میدانند که در این رویارویی، در این هم‌آوردی، آن چیزی که توانست جبهه‌ی انقلاب را پیروز کند و جبهه‌ی ضدانقلاب را به هزیمت وادار کند، در درجه‌ی اول این شعارها بود؛ که هرچه شعارها پرمغز و جذاب و واقعی و برای مردم مفهوم و ملموس بود، کمک آن به پیشرفت انقلاب بیشتر شد. سعی میکنند این شعارها را بتدریج محو کنند، کم‌رنگ کنند. در مورد کشور و انقلاب ما هم این کار را دشمن شروع کرد؛ البته موفق نشدند؛ خدا را شکر میکنیم. دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را کم‌رنگ و سپس محو کند. امام خامنه‌ای، بیانات در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت دهم <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23094>

ما اگر بدانیم انگیزه‌های دشمن از کجا ناشی میشود، تکلیف خود را در برنامه‌ریزی‌ها بهتر می‌فهمیم. به نظر من یکی از علل این دشمنیها، همین پیشرفتهای شماست؛ یعنی میخواهند این پیشرفتهای شما را بکنند. جمهوری اسلامی با داعیه‌ی اسلام‌خواهی، با داعیه‌ی مردم‌سالاری اسلامی، با داعیه‌ی رد و نفی مستدل لیبرال دموکراسی، برای تشکیلات استکباری دنیا یک خطری است. هرچه شما بیشتر پیشرفت کنید، این خطر برای آنها بیشتر خواهد شد. میخواهند جلوی این را بگیرند. عامل دوم این دشمنیها، زنده شدن شعارهای انقلاب است. وقتی شعارهای انقلاب کم‌رنگ شود، پنهان شود، آنها طبعاً بیشتر خوششان می‌آید و چهره‌ی همراه‌تری می‌گیرند؛ هرچه شما شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر کنید، آنها چهره‌شان عبوس‌تر و خصمانه‌تر میشود؛ این چیز طبیعی است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۱/۶/۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20831>)

نقطه‌ی بعدی، استکبارستیزی است؛ عدم تسلیم در مقابل فشارها. در این زمینه هم ایستادیم. این کار، سخت بود؛ اما جمهوری اسلامی توانست این کار سخت را با موفقیت

انجام دهد. خیلیها بودند از همان اوائل انقلاب، میگفتند آقا حالا که انقلاب پیروز شد، دیگر بس است؛ برویم با آمریکائیا مسائل را تمام کنیم! این معنایش این بود که شعار ظلم‌ستیزی انقلاب تخطئه شود. این را تشویق میکردند. در طول زمان، بودند کسانی که دنبال این بودند؛ یعنی برویم با آمریکا همراه شویم؛ آن کسی که دشمن اصلی ماست، برویم زیر بال او؛ به دامن او پناه ببریم. معنای این حرف، فروختن قضیه‌ی فلسطین است. معنای این حرف، اغماض کردن از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان و امثال اینهاست. معنای این حرف، چشم بستن بر روی این همه ظلمی است که آمریکا در جهان بر ملتها دارد انجام میدهد. معنای این حرف، یعنی به این مسائل اعتراض نکنیم. خب، عادی کردن روابط معنایش این است که دیگر ملت ایران و مسئولین ایران نتوانند صریح اعتراض کنند و حرفشان را بزنند؛ و یک مرحله آن طرف‌تر، تدریجاً مجبور بشوند حرف آنها را قبول کنند. خب، این ثبات و استقامت، پر زحمت بود؛ اما بابرکت بود، رحمت الهی را هم جلب کرد، توجه ملتها را هم جلب کرد. ایستادگی شما ملت ایران ظرف این سی و دو سال بر روی شعارهای اصلی انقلاب، این برکت بزرگ را داشته است که امروز دنیای اسلام به چشم عظمت نگاه میکند. وقتی مسئولین کشور شما به کشورهای مختلف سفر میکنند، آنجور استقبالی از آنها میشود. وقتی حسابگرها میخواهند محبوبیت شخصیتهای سیاسی را محاسبه کنند، مسئولین کشور شما در ردیف اول قرار میگیرند. ملت ایران کارش الگو شد؛ امروز دارید نشانه‌های این را مشاهده میکنید. این برکت بزرگ و این خصوصیت از خصوصیات است که جز با گذشت زمان معلوم نمیشد. ۱۳۸۹/۱۱/۱۵ خطبه‌های نماز جمعه تهران)

در قرآن کریم بر ضرورت دشمن شناسی و مقابله با دشمنان تاکید شده است و از دشمن در قرآن معادل «عدو» است. راغب اصفهانی درباره «عدو» می‌گوید: «عدو، تجاوز و درگذشتن از حد است که با التیام منافات دارد؛ یعنی با بهبودی بخشیدن و سازگاری دادن میان دو چیز تفاوت دارد. عدو دو گونه است: ۱. عداوت به قصد دشمنی و خصومت، مثل

آیات: «فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ» (سوره نساء/۴، آیه ۹۲) «جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ». (سوره فرقان/۲۵، آیه ۳۱) و دشمنی از دیگری و از غیر جنس خود در آیه: «عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» (سوره انعام/۶، آیه ۱۱۲). ۲. دشمنی و عداوتی که از روی قصد نباشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۵۳) یکی از مصادیق دشمن در قرآن کریم مشرکان هستند که از دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان معرفی شده اند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا.... وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا»؛ (سوره مائده/۵، آیه ۸۲). به طور مسلم... و مشرکان را دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت. گروه یهود به جهت عناد و دشمنی خاص نسبت به مؤمنان چنین معرفی شده است: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ»؛ (سوره مائده/۵، آیه ۸۲). به طور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت. همچنین سایر کافر نیز به عنوان دشمن معرفی شده اند: کفار همواره به عنوان مانعی در برابر حرکت توحیدی پیامبر و مسلمانان بوده اند. آنها نیز در قرآن به دشمنان آشکار معرفی شده اند: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا». (سوره نساء/۴، آیه ۱۰۱)

به اعتقاد مرحوم طبرسی آیه شریفه وصف یهود و مشرکین به دشمنی شدیدشان با مومنین است، و اینکه هر دو را ذکر نموده از آن جهت است که یهود مشرکین را در این امر کمک کی می کنند با وجود اینکه مومنین به نبوت موسی و تورات ایمان دارند و سزاوار این است که با کسانی که موافق آنها در بسیاری از مسائل اعتقادی هستند نزدیک تر باشند تا مشرکینی که منکر نبوت هستند اما یهود از روی حسد چنین می کردند (طبرسی، ۱۳۷۲ش:

(۳۶۲/۳)

از منظر قرآن مؤمنان برای مقابله با دشمنان، باید ابتدا به صفاتی آراسته شوند که بتوانند خود را ابتدا از آفات درونی حفظ نموده و یقین خویش را افزایش دهند. شرط پیروزی این است که در صف مؤمنان باشند و گرنه راه برای نفوذ دشمن باز خواهد ماند. یاد خدا، ایمان،

صبر، استقامت، پرهیزگاری، توکل و یقین به وعده‌های الهی است که قدرت معنوی بی‌اندازه‌ای به انسان می‌دهد. قرآن در این باره می‌فرماید: «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»؛ (آل عمران ۱۲۰) (اما) اگر (در برابر آنها) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنها به شما زیانی نمی‌رساند. در آیه دیگری می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»؛ (۹۶ اعراف) و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم.

هر چند اسلام آرمان‌های بزرگی را برای بشر به ارمغان آورده است، اما به واقعیت بیرونی نیز توجه زیادی دارد. اسلام به مؤمنان برای قوی شدن در برابر دشمنان دستور می‌دهد تا خود را تجهیز نمایند و همواره در حال آماده باش باشند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ (انفال ۶۰) در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید. خداوند در آیه ۱۲ سوره توبه: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتِئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يُنتَهُونَ»؛ و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند!« به مسلمانان دستور می‌دهد که با سران کفر مقاتله بکنند؛ چرا که آنان برای همه اعصار و امکنه، پیمان شکن هستند و از طرف دیگر، در دین مسلمانان، به دنبال طعنه و ضربه به اسلام هستند. (سید بن قطب، ۱۴۱۲ق: ۳/۱۶۱۰) روشن است، چنین آیاتی مختص عصر رسول گرامی اسلام نیست و از طرفی، عمل به چنین تکلیفی برای هر مسلمانی، در صورتی میسر است که نظام به شکل حکومت اسلامی تاسیس گشته، و قدرت و اقتدار هم متمرکز گردد تا بتوان توسط آن، در مقابل زورگویان عالم ایستاد. همینطور، با بقاء حکومت اسلامی است که می‌توان در برابر ظالمان و توطئه‌گران مقاومت نمود و از حیثیت دین اسلام حمایت و دفاع نمود. سستی در برابر دشمنی که از هر فرصتی برای ضربه زدن استفاده می‌کند باعث نابودی دین و مؤمنان خواهد بود. براین اساس است که

خداوند متعال جهاد را یکی از واجبات مهم قرار داد و به پیامبرش دستور داد که بر دشمنان سخت گرفته و با آنان جهاد نماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»؛ (۷۳ توبه) ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت گیر.

در دین اسلام ارتباط با مشرکان و کفار در جهت رفع نیازهای اضطراری مانعی ندارد، اما دوستی و تکیه کردن به آنان و نیز گره زدن سرنوشت جامعه دینی در قالب مسائل مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی برای جوامع دینی ممنوع می باشد. به عبارت دیگر، سطح روابط نباید در حد ائتلاف‌ها و اتحاد با آنان باشد؛ زیرا این عمل باعث می شود تا آنان بر مؤمنان مسلط شده و بر اعتقادات آنان و فرزندانشان تأثیر منفی بگذارند. با عدم ارتباط طبعاً دشمنان نیز چنین تسلطی را از دست خواهند داد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَّ لَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَاكْفَارًا أُولَئِكَ»؛ (۵۷ مائده) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، افرادی که آئین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند، از اهل کتاب و مشرکان، دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید.

درباب ضرورت دشمن شناسی و هشیاری نسبت به برنامه ریزی های دشمنان و ضرورت پیروی از امام جامعه برای مقابله با دشمن، امیرالمومنین علی ع می فرماید: مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ انْتَبَهَ بِوِطْأَةِ عَدُوِّهِ. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش: ۴۴۱) کسی که به هنگام یاری ولی (رهبر) خود، بخوابد با لگد دشمن از خواب بیدار خواهد شد!

همچنین در روایتی رسول اسلام صلی الله وعلیه وآله نیز در این باره هشدار داده و فرموده است: أَلَا إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۳۷) بدانید عاقل ترین مردمان کسی است که پروردگار خود را بشناسد و او را فرمان برد و دشمنش را نیز بشناسد و با او به مخالفت برخیزد.

#### و) مقابله فکری و عملی با مخالفان

یکی دیگر از عوامل افول ناپذیری شعار های انقلاب اسلامی مقابله فکری و عملی مجموعه نظام، مردم و خصوصاً اندیشمندان جامعه با غربگرایان و منافقین داخلی است.

رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید: «امروز در محیط‌های روشنفکری، کسانی هستند با شکلهای گوناگون، با قد و قواره‌های گوناگون، اینها ما را از شعارهای مکتبی برحذر میدارند؛ دوران اوج شعارهای مکتبی را که دهه‌ی ۶۰ است، زیر سؤال میبرند؛ امروز هم از تکرار شعارهای مکتبی و شعارهای انقلابی و اسلامی، خودشان واهمه دارند و میخواهند در دل دیگران واهمه بیندازند؛ میگویند آقا، هزینه دارد، دردسر دارد، تحریم دارد، تهدید دارد. نگاه خوشبینانه این است که بگوئیم اینها تاریخ نخوانده‌اند - البته نگاه‌های بدبینانه هم وجود دارد - اینها اگر تاریخ خوانده بودند و اطلاع داشتند از سرگذشت و منشأ و مبدأ تمدنهائی که وجود دارد و همین تمدن مادی غرب که امروز میخواهد دنیا را فتح تصرف کند و این حرف را نمیزدند. باید بگوئیم اینها بی‌اطلاعتند، تاریخ نخوانده‌اند. جامعه‌ی بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه میشود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمیخواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه‌ی عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده‌ی خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است» امام خامنه‌ای،

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

بی شک لازمه مقابله فکری با دشمنان داخلی که به دنبال تغییر و انحراف شعارها هستند داشتن بصیرت و ژرف نگری است مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «شعارهای انقلاب را باید حفظ کرد؛ این یکی از هدفها است. یکی از کارهای بزرگ و [یکی] از بخشهای بزرگ این جهاد عظیم - جهاد بزرگ - عبارت است از حفظ شعارهای انقلاب. شعارها هدفها را نشان میدهند، شعارها راه را به ما نشان میدهند، شعارها مثل علامتهایی هستند که در راه میگذارند برای اینکه انسان راه را اشتباه نکند؛ اَلْیَمِیْنُ وَ اَلْیَسَارُ مَضَلَّةٌ و

الطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ؛ به چپ و راست نغلتند، راه مستقیم و صراط مستقیم را بروند؛ هنر این شعارها این است، نقشش این است. در مورد این شعارها و حقایق هم فقط به احساسات اکتفا نشود. من البتّه برای احساسات نقش زیادی قائلم، برای عواطف نقش زیادی قائلم، اما کافی نیست؛ لازم است اما کافی نیست. عمق، تعمّق و ژرف‌نگری در همه‌ی این شعارها باید وجود داشته باشد. سعی کنید در مسائل تعمّق کنید؛ وقتی عمق‌یابی کردید، این ایمان مستقر با هیچ نیرویی از شما جدا نخواهد شد. مشکل اینهایی که می‌بینید یک روز تندتر از همه‌ی تندهایند و یک روز ۱۸۰ درجه به این طرف می‌غلتند، عمق نداشتن آن ایمان است. داشتیم ما؛ اوایل انقلاب بعضی‌ها بودند که آن‌چنان تند و آتشی بودند که انقلابی‌های اصلی و قدیمی و سابقه‌دار را هم قبول نداشتند و به آنها هم ایراد می‌گرفتند اما سطحی بودند؛ این سطحی بودن بلای جانشان شد، از این طرف ۱۸۰ درجه غلتیدند؛ ممشایشان عوض شد. عمق و ژرفا [داشته باشید]؛ بروید در اعماق فکر و اندیشه و از راهنمایی استاد‌های صالح در این راه استفاده کنید. «امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین ع» <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33172>

منافق از ریشه ریشه (ن، ف، ق) گرفته شده است و به دو اصل برمی‌گردد. اصل اول انقطاع و رفتن یک چیز و اصل دوم پنهان کردن و نادیده گرفتن چیزی است (ابن فارس، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۵۴). صاحب مقائیس اللغه، به خاطر اینکه منافق کفر خود را پنهان می‌کند «نفاق» را شامل اصل معنوی دوم یعنی پنهان کردن و نادیده گرفتن می‌داند.

نَفَقٌ، ایجاد سوراخی در زمین است که راه‌هایی داشته باشد - همانند سوراخ موش (العین نویسنده: الخلیل بن أحمد الفراهیدی جلد: ۵ صفحه: ۱۷۷)

اکثر اهل لغت (خلیل فراهیدی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۸۱۹؛ فیومی، ۱۴۱۴، ص ۶۱۸ ابن فارس، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۵۴؛ عسکری، ۱۴۰۰، ص ۵۴۷)، معنای «نفاق» را به یک خروجی مخفی و اضطراری

باز می گردانند، که یربوع (نوعی موش صحرايي) ۱۴ هنگام حفر تونل زیرزمینی برای فرار ایجاد می کند، و «نافقاء» نام دارد (خلیل فراهیدی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۸۱۹؛ فیومی، ۱۴۱۴، ص ۶۱۸ و ابن فارس، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۵۴ عسکری، ۱۴۰۰، ص ۵۴۷). در مقابل نافقاء، واژه ی قاصعاء وجود دارد. موش از قاصعاء وارد و از ناحیه نافقاء در حالی که با سر خود خاک را از دهانه ی خروجی کنار می زند، بیرون می رود. این عمل جانور، از این جهت به عمل منافق شبیه شده که منافق نیز از در ایمان وارد شده ولی به سوی کفر خارج می شود (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۹/ص ۱۵۶)

قرآن کریم درباره منافقان که دشمن مهم مؤمنان هستند، می فرماید: «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ»؛ (منافقون، ۱) هنگامی که منافقان نزد تو آیند می گویند: ما شهادت می دهیم که به یقین تو رسول خدایی! خداوند می داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغ گو هستند. این آیه شریفه نشان دهنده لزوم عدم پذیرش سخنان منافقین و مقابله با آنان توسط امام جامعه و مردم می باشد.

منافق "اسم فاعل از باب مفاعله از ماده "نفاق" است، این کلمه در عرف قرآن به معنای اظهار ایمان و پنهان داشتن کفر باطنی است. این آیه شریفه حکایت اظهار ایمان منافقین است که گفتند شهادت می دهیم که تو حتما رسول خدایی، گفتاری که متضمن ایمان به حقانیت دین است خداوند نیز رسول خدا بودن حضرت محمد ﷺ را تایید نمود تا قرینه ای صریح بر کاذب بودن منافقین باشد، از این جهت که آنان بدانچه می گویند معتقد نیستند، هر چند گفتارشان یعنی رسالت آن جناب صادق است، پس از منظر آیه شریفه منافقین در گفتارشان کاذبند به کذب مخبری، نه به کذب خبری (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۲۷۹)

فخر رازی خبر دادن از چیزی و اعتقاد به خلافش را دروغ دانسته و دروغ منافقین را



ناشی از اختلاف وجود لفظی با وجود ذهنی منافقین در ارتباط با مفهوم نبوت پیامبر می داند چراکه آنان با زبان می گویند تو رسول خدایی اما در باطن به این مساله اعتقادی ندارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۰/۵۴۵)

همچنین در وصف منافقان خدای تعالی فرموده «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ، أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِن لَّيَشْعُرُونَ، وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِن لَّيَعْلَمُونَ.» (بقره، ۱۱) داعیه منافقین اصلاح طلبی است در حالی که مفسد واقعی همانها هستند، اصرار و پافشاری آنها در راه نفاق و خو گرفتن با این برنامه های زشت و ننگین سبب شده که تدریجا گمان کنند این برنامه ها مفید و سازنده و اصلاح - طلبانه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۹۵/۱) ابن عاشور معتقد است از نکات قرآنی که مفسران از آن غفلت کرده اند تقييد فعل (قالوا..) به ظرف (فی الارض) است که متبادر از آن به ذهن این معنا است که محل مذمت منافقین گفتن جمله (إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ) می باشد، اما با تامل در آیه روشن می شود که قائل به این قول به مذمت نزدیک تر است چراکه در جواب (لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ) چنین سخنی می گوید، چنین جوابی فقط از قلب مریض صادر می شود چراکه ماهیت فساد اینگونه است که مخفی نمی شود و اگر مخفی شود اصرار بر آن و اعتقاد به اینکه چنین چیزی فساد نیست بلکه اصلاح است بعد از روشن شدن فسادش، افراط در نادانی یا مکابره و جهلی فوق جهل است، دلیل تقدیم ظرف بر جمله قالوا... نیز همین است، چراکه این مطلب محل تعجب از حال آنهاست، نکته ای که بیان شد از اعجاز های بیانی نامتناهی قرآن است (ابن عاشور، بی تا، ۲۷۹/۱)

رهبر معظم انقلاب در تفسیر این آیه می فرماید: «مسأله ای اصلی در این آیات، ترسیم چهره ی منافقین است. که مقصود عمده از منافقین، عبارتست از آن جریان نفاق در جامعه ی اسلامی، یعنی سخن بر سر این نیست که کسی ظاهر و باطنش با هم یکی نیست. این البته یک بیماری است، اما این آن چیزی نیست که این آیات با این همه توجه و شدت

به مقابله با آن برخاسته باشد، بلکه مقصود اینست که در جامعه یک جریان خصومت و دستگاہ توطئه‌ای زیر پوشش دین و زیر ظاهر ادعای ایمان وجود دارد، که این آیات، با آن جریان مقابله میکنند و او را میخواهد افشاء کند، در حقیقت یک گروه دشمنی را میخواهد ترسیم و چهره‌نگاری کند. ولذا آیات سیزده‌گانه‌ای که اینجا هست، هر کدام از یک بعد بر شخصیت این مجموعه‌ی زیانبخش خطرناک یک پرتوی از افشاگری می‌اندازد و میافشاند تا مؤمنین اشتباه نکنند و دشمن را بشناسد. جریان نفاق در جامعه، بعنوان یک جریان دشمن و مخاصم، مسأله‌اش این نیست که باطنش با ظاهرش یکی نیست، بلکه پشت سر این یکی نبودن یک خدعه و نیرنگ و یک مقصود باطل است که میخواهد اجرا شود «واذا قيل لهم لا تفسدوا فی الارض» وقتی که به ایشان گفته شود فساد نکنید، قبل از آنکه ما به جواب آنها پردازیم، یک قضاوتی را از قرآن احساس میکنیم، قضاوت قرآنی این است که اینها دارند در زمین فساد میکنند، حقیقت قضیه هم این است، که کدام فساد بالاتر از خدعه‌ی مؤمنین و کدام فساد بالاتر از خنجر در پشت پنهان کردن برای فرود آوردن - در کتف یک حرکت جوان پرشتاب نورانی به سمت ارزشها و هدفهای والاست؟ از این فسادی بالاتر نیست، در آن روز هم اینطور بود، امروز هم اینطور است، همیشه هم همینطور خواهد بود، وقتی یک ملتی با اتکاء به ایمان به سمت هدفهای والایی دارد حرکت میکند، طبیعی است که با زحمت دارد حرکت میکند، چون هرگز حرکت به سمت ارزشهای والای الهی آسان و بیدردسر نخواهد بود، و طبیعی است که عوامل گوناگون، چون گرگ و دزد و خار و سنگ و صخره و همه چیز سر راهش قرار میگیرد و او افتان و خیزان از همه‌ی اینها با همت حرکت میکند و می‌رود و با دشواری دارد این حرکت را ادامه میدهد، که اگر این دشواریها و برخورد با مشکلات نبود و بروز توانائیهای والای انسان هم نبود، آنوقت یکی از پشت بیاید به این حرکت خنجر بزند، آیا هیچ فسادی از این بالاتر هست؟ آنها در جواب وقتی به ایشان گفته میشود در زمین فساد نکنید چه میگویند؟ اینست که: «قالوا انما نحن مصلحون» ما داریم اصلاح میکنیم یک خطاب طبیعی است در تاریخ به اینها، یعنی اگر فرض کنید صاحب

دانشی و خردی و وجدان بیداری پیدا شود به اینها بگوید شما چرا اینطور فساد میکنید؟ چه میخواهید از جان یک ملتی که دارد در یک راه درستی با این اخلاص و صفا حرکت میکند؟ چرا شما میخواهید برای خاطر قدرت خودتان که حکومت دست شما باشد یا برای خاطر آن سیاست مطلوب خودتان که میخواهید با فلان قطب، مثلاً: با روم آن روز دنیا، یا با آمریکای امروز میخواهید پیوند داشته باشید یا در آن دورانی که گروههای چپ در ایران نفاق میورزیدند و مخالفت میکردند، که میخواستند مثلاً فرض کنید با امپراطوری سوسیالیستی آنروز که از هم پاشیده و نابود شد، میخواهید با او پیوند داشته باشید، چرا بخاطر اینها میآیید فساد میکنید در میان این مردمی که حالا طبق میل شما حرکت نمیکند؟ این خطابی است که همیشه ممکن است به یک عده منافق بشود، چه داعیه‌ای دارید؟ چه مرضی دارید؟ چرا مردم را اذیت میکنید؟ چرا جلوی این ملتی که راهی را شناخته و فهمیده و دارد حرکت میکند، مانع میگذارید و فریب‌گری و اغواگری میکنید، داعیه شما چیست؟ چه انگیزه‌ای دارید؟ چرا فساد میکنید؟ اگر این سؤال بشود آنوقت آنها در جواب میگویند «قالوا انما نحن مصلحون» این فساد نیست که ما داریم میکنیم ما داریم اصلاح میکنیم و کارهای خراب را درست میکنیم. یعنی با همه‌ی این خرابکاریها، داعیه‌ی اصلاحگری هم دارند (امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه سیزدهم تفسیر سوره بقره) ۱۳۷۰/۸/۲۹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17175>

علاوه بر آنچه بیان گردید لازمه مقابله با عناصر داخلی دشمن و منافقین کسب بصیرت و آگاهی و روشنگری در جامعه است چنانچه امیرالمومنین فرمودند که *وَلَا يَحُولُ هَذَا الْعِلْمُ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمُ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ*. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۲۴۸ / خطبه ۱۷۳) و این پرچم را به دوش نمی‌کشد مگر آن که اهل بصیرت و استقامت و دانای به موارد حق باشد.

### نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی عوامل افول ناپذیری شعارهای انقلاب اسلامی از منظر قرآن

وحدیث با رویکرد بیانیه گام دوم پرداخت در این زمینه پس از روشن شدن ویژگی های ماهوی شعارهای انقلاب که عبارت از علامت و ترسیم کنندگی اهداف انقلاب، دینی بودن شعار های انقلاب و افول ناپذیری شعارهای انقلاب بود به بررسی عوامل افول ناپذیری شعارهای انقلاب اسلامی پرداخته شد این عوامل عبارت اند از: فطری بودن شعارهای انقلاب اسلامی - دل پذیری و جذابیت شعارهای انقلاب اسلامی - حفاظت و حراست از شعارهای انقلاب اسلامی توسط امام جامعه - حفاظت و حراست از شعارهای انقلاب اسلامی توسط مردم - دشمن شناسی و ایستادگی در برابر دشمن و مقابله فکری و عملی با غربگرایان و منافقین داخلی

## فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه انصاریان، ۱۳۸۳ش: اسوه، قم.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۸ ق: التوحید (للمصدق)، محقق / مصحح: حسینی، هاشم، ناشر: جامعه مدرسین، قم.
  ۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، التحرير و التنوير، بیروت، مؤسسه التاريخ.
  ۳. ابن عربی، محی الدین، ۱۴۲۲ ق، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، .
  ۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، ۱۳۹۹ق، معجم مقاییس اللغة، المحقق: عبد السلام محمد هارون، بیروت، دار الفکر.
  ۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ ق، المحاسن، محقق / مصحح: محدث، جلال الدین، دار الکتب الإسلامية، قم.
  ۶. تسخیری، محمد علی، ۱۴۳۱ق، القواعد الأصولية و الفقهية علی مذهب الإمامية، المجمع العالمي للتقريب بین المذاهب الاسلامیة. المعاونیة الثقافیة، قم.
  ۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، ۱۳۹۵ ق، الغارات (ط - الحدیثة)، محقق / مصحح: محدث، جلال الدین، انجمن آثار ملی، تهران.
  ۸. جمعی از علما، ۱۳۸۱ش، الأصول الستة عشر (ط - دار الحدیث)، محقق / مصحح: محمودی، ضیاء الدین و جلیلی، نعمت الله و غلامعلی، مهدی، مؤسسه دار الحدیث الثقافیة، قم.
  ۹. جوهری، أبو نصر، ۱۴۰۷ق، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، محقق/گردآورنده/...: عطار، احمد عبدالغفور (محقق)، بیروت، دار العلم للملایین.
  ۱۰. حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، ۱۴۰۹ ق، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسة الإمام

المهدي عَلَيْهِ السَّلَام، قم.

۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعه، قم، آل البيت.
۱۲. خصیصی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۹ق، الهدایة الكبرى، البلاغ، بیروت.
۱۳. خمینی، سید روح الله موسوی، ۱۴۲۴ق، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام، مؤسسة آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام، قم.
۱۵. راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد، بی تا، المحقق: صفوان عدنان الداودی، دمشق، دار القلم، الدار الشامیة.
۱۶. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲ق، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت - قاهره.
۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغة، محقق / مصحح: صالح، صبحی، قم.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۰. عمید، حسن، ۱۳۷۱ش، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
۲۱. فراهیدی، خلیل، بی تا، العین، المحقق: د مهدي المخزومي، د ابراهیم السامرائی، بیروت، دار ومکتبة الهلال.
۲۲. قرائتی، محسن ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.

۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق: تفسیر القمی، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، دارالکتاب، قم.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، کافی (ط - دارالحدیث)، قم، دارالحدیث.
۲۶. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ ش، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، دارالحدیث، قم.
۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶ ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا، قم.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۹. نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ ق، وقعة صفین، محقق / مصحح: هارون، عبد السلام محمد، مکتبة آية الله المرعشي النجفي، قم.
۳۰. نیازی، احمد علی ۱۳۸۹ ش، معرفت سیاسی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۴۹-۱۷۹.

## شاخصه‌ها، موانع و راهکارهای انقلابی ماندن از منظر فرهنگ و حیانی

دکتر زینب روستایی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> - حمیده شفیعی<sup>۲</sup> - سیمین محمد صالح<sup>۳</sup>

### چکیده

فرهنگ انقلاب اسلامی از پایدارترین فرهنگ‌ها و برآمده از بطن دین و باورهای دینی است. که با همت و فداکاری قشرهای مختلف جامعه ایرانی به ثمر نشسته است. پاسداشت این گوهر گران بها با توجه به گستره ی نفوذ جهانی آن وظیفه‌ای همگانی است. آراستگی به پشتوانه‌های فرهنگ انقلاب اسلامی چون؛ خدا محوری، ولایت پذیری، آرمان خواهی، بصیرت افزایی، عدالت خواهی و ظلم ستیزی و از همه مهم‌تر انتظار و منتظر پروری بایستی در اولویت امور زندگی جامعه انقلابی قرارگیرد. و نسبت به آسیب ها و موانع پیش رو در تثبیت جایگاه این انقلاب الهی نظیر؛ رنگ باختن معنویت، دنیاگرایی، انحراف در مبانی فکری، تعبیر وارونه معارف و منکرات، انحراف نخبگان و خود باختگی غافل نماند. تکمیل کننده این حضور سازنده و آگاهانه برای صیانت از آرمان‌های انقلاب اسلامی توجه مراکز

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز) .

zeinabroostae@yahoo.com .۰۹۱۷۳۱۴۷۱۸۳

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی shafiei88shiraz@gmail.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی devotee313.69@gmail.com



تولید فرهنگ و ارتباط جمعی و در نگاه کلان مجهز شدن به دیپلماسی فرهنگی است. از این رو در پژوهش پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تلاش برای توسعه فرهنگ انقلاب اسلامی به جستاری پیرامون شاخصه‌ها، موانع و راهکارهای انقلابی ماندن از منظر فرهنگ قرآنی پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** فرهنگ، انقلاب اسلامی، انقلابی ماندن، شاخصه‌ها، موانع، راهکارها، فرهنگ و حیانی.

## مقدمه

اگر جامعه‌ای بخواهد از زندگی انسانی برخوردار باشد و شرافت انسانی‌اش را حفظ نماید، در درجه‌ی نخست می‌بایست به فرهنگ، که به صورت مستقیم با اندیشه و روانش سروکار دارد، اهمیت دهد؛ چراکه فرهنگ به مثابه‌ی موتور محرک، مایه‌ی شکوفایی ذهن‌های خلاق و مستعد می‌باشد. دوام و قوام هر جامعه به فرهنگ آن جامعه است. چنان‌چه ملتی در حفظ اصول و ارزش‌های فرهنگی خود، موفق باشد در سایر زمینه‌ها نیز سربلند خواهد بود. اما ملتی که در پاسداری از فرهنگ خود کوشا نباشد شکی نیست که در مسیر تهاجم فرهنگی دشمنان قرار خواهد گرفت. اگر فرهنگی زنده و مبارز باشد، افراد جامعه به رشد و استقلال سیاسی، اقتصادی می‌رسند و پویایی آن تمامی جهان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران به مانند نهضت‌ها و انقلاب‌های دینی بر بستری از داده‌های فرهنگی و اعتقادی پایه‌ریزی شده؛ و مرهون یک زمینه‌ی فرهنگی قرآنی است که به رهبری عالمانه امام خمینی رحمته‌الله علیه و جانشین صالح ایشان، امام خامنه‌ای (مدظله العالی) و همدلی و همراهی مردمی که اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی در دل و جان‌شان رسوخ کرده بود، به بار نشست. بنابراین بقای آن هم بیش از هر چیز مرهون تداوم این فرهنگ و رشد و گسترش آن است. بر این اساس باید در جهت حفظ و توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب، آن هم فرهنگی که برخاسته از مبادی اسلام و سیراب شده از سرچشمه‌ی زلال قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و اهل بیت علیهم‌السلام و نیروی عقل و اندیشه و بصیرت است، تلاش نمود. انقلابی ماندن از منظر قرآن و مقام معظم رهبری، شاخصه‌های انقلاب، موانع هر یک اما در این عصر که استعمار فرهنگی بیداد می‌کند، این سؤال مطرح است که انقلابی کیست و چه آسیبی فرد و جامعه انقلابی را تهدید می‌کند؟ چگونه می‌توان فرهنگ انقلابی را حفظ نمود؟ و چه کسانی گروهی باید در این مسیر پیشگام باشند؟ بدیهی است که چنین کار بزرگی، عزم عظیمی می‌طلبد تا در این دوره که فرهنگ اسلامی به برکت انقلاب کبیر امام خمینی رحمته‌الله علیه امکان پذیر شده و تحت رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) استمرار می‌یابد، شاهد توفیقات

همه جانبه‌ای در عرصه‌های فرهنگی شویم. بنابراین در این نوشتار تلاش شده تا شاخصه‌ها، موانع انقلابی بودن بررسی و راهکارها و ابزارهایی جهت توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی ارائه گردد. با توجه به آن‌که پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی این موضوع به صورت پراکنده به مبحث شاخصه‌ها، موانع و راهکارهای انقلابی ماندن با توجه به فرهنگ و حیانی پرداخته‌اند - به این نحو که هر کدام تنها به یک مورد توجه نموده‌اند - می‌توان گفت مقاله حاضر در این زمینه پژوهشی نوین است. امید است که موجبات رستگاری را فراهم و زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ باشد. ان شاء الله

## ۱. مفهوم شناسی

پیش از ورود به محورهای سه‌گانه‌ی بحث، ابتدا شناختی نسبت به مفاهیم انقلاب، فرهنگ و انقلابی بودن به دست می‌آوریم.

### ۱.۱. انقلاب

«انقلاب» در لغت از ریشه‌ی «قَلَبَ» به معنای تغییر و تحول است. اروپاییان برای القای معنای نجومی این واژه از دیر باز، لفظ «Revolution» شورش، اعتراض را به کار می‌برده‌اند. ولی از نیمه دوم قرن هفدهم میلادی این لفظ در غرب، معنای جدید دیگری نیز یافت و برای قیام سریع و پرشور و همگانی مردم بر ضد نظام حاکم به کار رفت. (آقایی و علی بابایی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۴) در قرآن کریم این کلمه در دو معنای «رجوع و بازگشت» (عنکبوت/ ۲۱) و «تحول و دگرگون شدن» (احزاب/ ۶۶) استعمال شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۳۹). انقلاب در اصطلاح بنا بر فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی) یک دگرگونی بنیادی است، که در بیش‌تر موارد بدون چالش‌های دشوار و زورآزمایی امکان‌پذیر نیست. ایشان همچنین ضمن رد دیدگاه‌هایی که انقلاب را با شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی برابر می‌دانند، می‌فرماید: «انقلاب آن‌جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود». (امام خامنه

ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۱۲ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>

شهید مطهری نیز انقلاب را طغیان علیه نظم موجود دانسته و می‌گوید: این به نظم سیاسی ارتباط ندارد. یعنی این‌که برخلاف انقلاب‌های سیاسی که صرفاً در آن حکومت تغییر می‌کند، در انقلاب اسلامی ساختار فرهنگی، اجتماعی و غیره نیز تغییر می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۹). بنابراین انقلاب اسلامی به معنای تغییر بنیادین جامعه توسط مردم مسلمان است که بر اساس قوانین اسلامی برای تحقق ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در جامعه پدید می‌آید. (نصری، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

### ۲.۱. فرهنگ

فرهنگ مرکب از فر، پیشاوند و هنگ از ریشه‌ی ثنگ (Than) اوستایی به معنی کشیدن و فرهختن؛ (تربیت کردن، ادب آموختن، تأدیب نمودن) است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲). در فرهنگ فارسی معین آن را ادب (نفس)، تربیت، دانش، علم و معرفت و مجموعه‌ای آداب و رسوم و مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم معنا کرده است. (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۷۴۵). در معنای اصطلاحی فرهنگ معانی متعددی ذکر شده از جمله؛ فرهنگ مفهومی گسترده است که تمام الگوهایی را که در جامعه آموخته می‌شوند، و در آن غنا می‌یابند و از طریق نمادها منتقل می‌شوند، را در بر می‌گیرد. فرهنگ به عنوان وجه ممیز انسان از دیگر موجودات شامل تمام دستاوردهای جامعه یا گروه؛ نظیر زبان، هنر، صنعت، حقوق، دانش، دین، اخلاق، سنت‌ها و حتی ابزار مادی می‌شود. در دانش هر آن‌چه را که از طریق ارتباط متقابل آموخته می‌شود، شامل می‌شود. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۵). و نیز در تعریف تایلور، فرهنگ به مفهوم وسیع مردم شناختی آن، کل پیچیده‌ای است که دانش، اعتقاد، هنر، اخلاق، قانون، رسم و هر نوع قابلیت و عادت دیگری را که انسان به صورت عضوی از جامعه کسب می‌کند در بر می‌گیرد. (گولد، جولیسوس. ویلیام ل. کولب. ۱۳۷۶، ص ۶۳۰ - ۶۳۲). «فرهنگ از مفاهیم ارزشمند جامعه بشری بوده و شاید

عمده‌ترین تمایز انسان از سایر جانداران فرهنگ پذیری او باشد». (شرفی و طاهری پور، ۱۳۸۷، ص ۵۲ - ۵۴). منظور از فرهنگ و حیانی نیز، آن دسته از ارزش‌ها، اعتقادات، باورها و... است که توانسته با اثرگذاری بر جامعه قانون‌گریز جاهلیت، بسیاری از آداب و رسوم آنان را تغییر، متحول و یا پالایش نماید، این فرهنگ متعالی در طول تاریخ پایه‌گذار تمدن پر باری شده است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری خردمندان و داهیان امام خمینی (قدس سره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) مولود چنین اندیشه‌ای است. با توجه به تعاریف ذکر شده فرهنگ انقلاب اسلامی نیز مشتمل بر مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و باورهایی است، که بر اساس مبانی و اصول اسلامی شکل گرفته است.

## ۲.۱-۱. انقلابی ماندن

پذیرش فرهنگ قرآنی مستلزم التزام به هنجارها و بایسته‌های اسلامی در تمام ابعاد زندگی است. شخص انقلابی با داشتن چنین ویژگی‌هایی فراتر از وظایف قانونی و تعریف شده جامعه مدنی و شهروندی با احساس مسئولیت و با تکیه بر روحیه جهادی همواره از زنجیرهای روزمرگی می‌رهد. آرمان او اعتلای کلمه حق در تمام عرصه‌های زندگی است.

## ۲. شاخصه‌ها

انقلاب اسلامی ایران به عنوان امتداد دهنده فرهنگ و حیانی قرآن کریم بر یک سری اصول و ضوابط بنیادین بنا شده است. این اصول، شاخصه‌ها و معیارها در دین مبین اسلام و به تبع آن در گفتمان نظام مقدس انقلاب اسلامی صرفاً یک شعار نیست، بلکه تنها یک روش عملی برای خوب زیستن و پیشرفت جامعه بشری است. اگر نسل امروز، بخواهد نسلی انقلابی و مورد رضایت خداوند متعال باشد بایستی به سمت پرورش این ویژگی‌ها در خود حرکت نماید.

## ۱.۲. خدا محوری و پرهیزگاری

قرآن کریم درباره جوان و جوان مردان و ویژگی‌های آنان مطالب مختلفی را بیان کرده است. از جمله این‌که در آیه ۳۳ سوره مبارکه یوسف در رابطه با پاکدامنی حضرت یوسف علیه السلام در عنفوان جوانی و به نقل از ایشان آمده است: (قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ)؛ (یوسف) گفت پروردگارا زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آن‌چه مرا به آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من باز نگردانی به‌سوی آنان خواهم گریید و از (جمله) نادانان خواهم شد». گفتار ملکوتی حضرت یوسف علیه السلام بیانگر تعالی روح الهی ایشان در پذیرش تربیت الهی است در واقع وی می‌خواست عرض کند: پروردگارا! در سایه محبت و رضای تو زندان را بر لذت معصیت و دوری از تو ترجیح می‌دهم. و این گفتارش نظیر آن حرفی بود که در روز خلوت با زلیخا گفت: (مَعَادَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ) (یوسف/۲۳)؛ «(یوسف) گفت: «پناه می‌برم به خدا! او (عزیز مصر) صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟! بدرستی که ظالمان رستگار نمی‌شوند». پس در هر دو کلام افتخار ورزیدن به داشتن چنین خدایی بزرگ و مهربان است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۰۶) و سرانجام هم، محبت الهی از او دفاع کرده است. (... وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ...) (یوسف/۲۱) و بدین سبب از قعر ظلمانی سیاهچال زندان به اوج منصب صدارت رسید، (وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَ لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (یوسف/۵۶)؛ و این‌گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم، که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گریید (و تصرف می‌کرد)! ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) می‌بخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.» در دین اسلام، راه قرب به خداوند متعال منحصر به عبادت نیست. یعنی هر جایی مانند خانه، کلاس درس، مدرسه، دانشگاه، اطاق‌های عمل، حوزه‌های علمیه، تمام مشاغل و مسئولیت‌های دولتی و سیاسی و... می‌تواند مزرعه آخرت باشد. بنابراین

نسل امروز انقلابی بایستی خدا محوری را در همه امور زندگی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری سرلوحه‌ی کار خود قرار دهد تا بدین وسیله به پیشرفت حقیقی برسد. و بداند که اگر بعضی‌ها در داخل کشور و نیز تلقین‌های دشمن از بیرون، آن‌ها را از خدا و معنویت حقیقی دور می‌کنند و به کارهایی تشویق می‌کنند که مورد رضایت الهی نیست این‌ها ادامه‌ی دهنده‌ی وعده‌های حکومت ری هستند و دیدیم که چگونه به جای ملک ری به زباله دان تاریخ افتادند. بنابراین اگر معیار کار، خدا نباشد، کار خسرانی بیش نیست. خداوند با وعده‌ای زیبا به نصرت و کفایت برای کسانی که تقوی پیشه نموده و احسان کنند، می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ) (نحل / ۱۲۸)؛ «خدا با کسانی است که تقوی پیشه کردند و کسانی که نیکوکار باشند.» از این رو نسلی که خدا محور و خود نگه‌دار باشد، یک نیروی کارآمد فکری، اقتصادی و فرهنگی است که می‌توان گفت فرهنگ انقلاب در او تجلی یافته است.

## ۲.۲. ولایت‌پذیری

زعامت و سرپرستی جامعه و پذیرش این مسند از ملزومات زندگی اجتماعی است. ولایت و رهبری در آیین و حیانی اسلام بعنوان یکی از احکام ضروری و بدیهی، تأیید و مورد تأکید واقع شده است. به همین سبب در زمان حیات رسول اکرم ﷺ و به ویژه پس از هجرت وی از مکه به مدینه‌النبی ولایت و رهبری به صورت جامع و کامل در اداره امور مردم و نسب ولات و قضات و اداره صدقات و اوقاف و تعلیم و تربیت عمومی و ارسال مبلغین و غیر آن‌ها عملی می‌شد، به همین جهت مسلمین از اصل لزوم این معنی سوالی نکردند، با این‌که از بسیاری از امور مهم و غیر مهم نظیر ارث کلاله (برادر و خواهر) (نساء/ ۱۷۶) اهله (بقره/ ۱۸۹)، انفاق (بقره/ ۲۱۵)، کوه‌ها (طه/ ۱۰۵) سوال شده، ولی درباره اصل نیاز جامعه به رهبری پریشی صورت نگرفته است. جریان واقعه سقیفه بهترین گواه این مطلب می‌باشد - با وجود آن‌که واقعه عظیم غدیر خم نادیده گرفته شد. زیرا همه با فطرت خود درک می‌کردند

که چرخ جامعه اسلامی بی گرداننده‌ای، خود به خود گردش نخواهد کرد و دین اسلام این معنی را که در میان مسلمین باید حکومتی وجود داشته باشد، امضای قطعی نموده است. (نک: طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۷۴ - ۷۵). امر خطیر زعامت منحصر به عصر نبوی و ائمه هدی علیهم‌السلام نبوده است. بنابر برخی روایات موثق در زمان غیبت معصوم علیه‌السلام جامعه ایمانی بایستی به فقیهان جامع شرایط رجوع کنند. از جمله این روایات توقیع مشهور حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) است که در آن می‌خوانیم: «... وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۱۴۰)؛ یعنی در رویدادها و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.

«فقیه» در اصطلاح امروز همان شخصی است که در روایات با تعبیر «عارف به حلال و حرام» و امثال آن معرفی شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۶۱) و در عصر غیبت حق حاکمیت و ولایت دارد، و این حق با موافقت مردم تحقق عینی می‌یابد. (همان، ص ۲۲) بنابراین اوست که فرمان می‌دهد و امور جامعه را بر اساس قوانین الهی حل و فصل می‌کند و بر مردم است که از چنین فقیهی تبعیت کنند. نسل انقلابی و مبارز باید به این خصیصه زینت یافته باشد، یعنی در هر شرایطی از زمان ولایت‌پذیری خود را حفظ نماید. امروزه دست‌هایی در کار است تا به اصل اسلام، ولایت فقیه و انقلاب اسلامی خدشه وارد کنند. و همه‌ی توان و تلاش خود را به کار بسته‌اند تا به شیوه‌های گوناگون به آن ضربه بزنند از این رو همه باید به هوش باشیم که این ارزش‌ها را به رایگان از دست ندهیم. ستیز با ولایت ریشه‌های گوناگونی دارد که شناخت آن‌ها می‌تواند افراد جامعه‌ی امروز را در برابر خطر ولایت‌گریزی و نیز تأثیر شبهات دشمنان ایمن سازد و زمینه‌ی پذیرش ولایت و دفاع از آن را فراهم نماید برخی عوامل و ریشه‌های مخالفت با ولایت عبارتند از: نادانی و بی‌بصیرتی، دنیاگرایی و منفعت‌طلبی، جاه‌طلبی، عدالت‌گریزی، تعصبات باطل، کینه‌های پنهان، تحجر و ظاهر بینی، و ناآگاهی از جایگاه ولایت اشاره نمود. (نک، روستایی، ۱۳۹۴،



### ۲.۳. حافظ آرمان‌های اسلام و انقلاب

با توجه به آیه زیر (وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ)؛ «محمد ﷺ فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند؛ و خداوند بزودی شاکران (و استقامت‌کنندگان) را پاداش خواهد داد». روشن می‌شود که پس از درگذشت رسول اکرم (خواه با مرگ، خواه با قتل) سیرت و سنتی که با بعثت ایشان به وجود آمده است، مطلقاً باید محفوظ ماند و به هیچ وجه ترک نشود، زیرا آن حضرت رسولی بیش نیست و دین از آن خداست و تا خدا خداست، دینش از آن او است. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۷۴-۷۵) از این رو باید گفت که اسلام حقیقت همیشه زنده بوده و خداوند خود ضامن حفظ آن است. و چون انقلاب ما بر گرفته از همین اسلام ناب و مبانی آن صورت گرفته است، باید حافظ آن باشیم؛ زیرا دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با اصول اساسی و آرمان‌های انقلاب اسلامی مصرف می‌کند. نسل امروز باید به درستی اهداف و آرمان انقلاب اسلامی را بداند، چراکه به خاطر فاصله زمانی از وقوع انقلاب، ممکن است دلایل این فداکاری‌ها توسط دشمن کم‌رنگ و یا بی‌رنگ شود تا راهی برای نفوذ میان نسل امروز و حتی نسل‌های بعدی انقلاب بیابد. به فرموده‌ی آیت الله خامنه‌ای (مد ظله) آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۱۴/۰۶/۱۳۹۲) وی هدف از مبارزات ملت ایران چه قبل و بعد از انقلاب اسلامی را، تشکیل حیات طیبه‌ی اسلامی ذکر می‌کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در

کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی. ۱۳۶۸ / ۱۱/۱۲- //farsi.khamenei.ir/speech-  
content?id=2260

تمدن اسلامی یعنی پیشرفت همه جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش ابزاری و سخت افزاری، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و... بخش نرم افزاری تمدن اسلامی، به عنوان حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در همه مظاهر زندگی؛ بر اساس عقلانیت دینی، اخلاقی، حقوقی و ابزاری جهت شکوفا سازی دنیای مادی مسلمانان در راستای پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی. (معینی پور، ۱۳۹۱، ص ۵۴ - ۵۵). و منظور از حیات طیبه اسلامی هم آن معنایی است که در قرآن کریم آمده است. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (نحل/۹۷) که مراد از این حیات، حیاتی است خالص که خبائثی در آن نیست که فاسدش کند و یا آثارش را تباه سازد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۹۳). اگر این اهداف و آرمان‌ها را در یک مقایسه‌ی کلی با دولت‌های مدعی مقایسه کنیم و همانطور که مقام معظم رهبری جوانان غرب را به فطرتشان سوق دادند، ما هم به فطرتشان ارجاع می‌دهیم، آن هنگام است که خواهند دید که آن چه آن‌ها را به گمشده‌ی خود می‌رساند، اسلام و حقایق آن است که در بسیاری از کشورها به واسطه انقلاب اسلامی ایران شناخته شد. بنابراین نسل انقلابی، با وجود این برتری نظام اسلامی باید دوستدار کشور و نظام و حافظ آرمان‌های اسلام و انقلاب باشد تا ان شاء الله به ظهور صاحب حق ختم گردد.

## ۲.۴. بصیرت

بصیرت به معنای فهم درست و توانایی تحلیل واقعیت‌های جامعه نقش بارزی در پاسداری از انقلاب اسلامی دارد. تجزیه و تحلیل مسائل و آینده‌نگری از ویژگی‌های مهم اهل بصیرت است. این ژرف نگری و ژرف اندیشی منحصر به احکام دینی نیست بلکه دایره بصیرت همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد. قرآن با اشاره به این

موضوع می‌فرماید: (قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَنْبَصَرَ فَلْيَنْفُسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ) (انعام/۱۰۴)؛ «دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که به وسیله آن، حق را ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم پبوشد، به زیان خودش می‌باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی‌کنم».

رهبر فرزانه انقلاب درباره بصیرت می‌گوید: «در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید، قدرتی که بتوانید از آن برای واقعیت‌های جامعه یک جمع بندی ذهنی برای خودتان به وجود بیاورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل بسیار مهم است. هر ضربه‌ای که ما مسلمانان در طول تاریخ خورده‌ایم از ضعف قدرت تحلیل بود». (امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) ۱۳/۱۱/۱۳۷۷). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>

بنابراین بصیرت نگاه عمیق و عالمانه به مسائل است. فرد انقلابی با کنار زدن لایه‌های ظاهری و سطحی مسائل و موضوعات به حقیقت هر آن‌چه موجود است، دست می‌یابد. و در فتنه‌ها و آشوب‌های روزگار و دسیسه‌های زهراآگین دشمن دچار حیرت و سرگردانی نمی‌گردد.

## ۲.۵. عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی

از جمله مطالبات و خواسته‌های نیروهای انقلابی در حرکت عظیمشان بر ضد نظام فاسد و جبار پهلوی برپایی عدالت و ستم‌سوزی در جامعه ایران اسلامی و بلکه در گستره جغرافیای جهانی در همه ابعاد است. ظلم یکی از بدی‌های است که زشتی آن بر هیچ کسی پوشیده نیست. قرآن کریم در بسیاری از آیات آن را نفی کرده و سفارش می‌کند که (... لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ...) (بقره/۱۲۴)؛ «... نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود...»، از این رو دفاع از مظلوم و مستضعف ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد، بنیانگذار

انقلاب اسلامی امام خمینی رحمته الله علیه می‌گوید: منطق اسلام این است که نه ظالم باشید و نه زیر بار ظلم بروید ما هم می‌خواهیم این طور باشیم که نه ظلم کنیم و نه زیر بار ظلم برویم. (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۹۴). مردم ایران به این باور رسیده بودند که جز راه پیامبران نمی‌تواند آنان را به عدالت فراگیر برساند، بدین سبب با تمسک به آموزه‌های وحیانی و سیره معصومین علیهم‌السلام حرکت توفنده خویش را آغاز کردند. (آل عمران/۲۱) و با میثاق با رهبر عدالت خواه خود (بقره/۱۲۴؛ اسراء/۲۵) استوار و پابرجا حرکت الهی خویش را دنبال نمودند. سازندگان و نقش آفرینان انقلاب اسلامی در اولین گام با مرفهان و مترفین عدالت‌گریز و ستم پیشه (انبیاء/۱۱ و ۱۶) مطابق با حکم الهی به مقابله برخاستند. (نساء/۳۹؛ ۷۵) در دومین اقدام برای تحقق عدالت فراگیر و ریشه کنی ظلم و ستم وحدت و همبستگی خود را حفظ نموده و از تفرقه و اختلاف دوری می‌کنند. (عابدینی، ۱۳۸۷، kayhannews.kayhan.ir).

## ۲.۶. انتظار و منتظر پروری

یکی دیگر از شاخصه‌های انقلابی ماندن انتظار فرج و امید داشتن به فرجام نیکوست. در مکتب حیات بخش اسلام انتظار جایگاهی بس عظیم دارد به گونه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَرُ الْفَرَجِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۲۵، باب ۲۲). طرح مسئله زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور، در چهارچوب حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه و نیابت عام از امام غائب (عج الله تعالی فرجه الشریف) که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمد، قابل درک است. حکومتی که اصالت و مشروعیت خود را از مهدویت و امام غائب می‌گیرد و به نوعی وامدار آن حکومت است. و شکل آرمانی خود را باید در افق مهدویت و جامعه موعود آخرالزمانی مشاهده کند، ناگزیر باید نسبت به آن متعهد باشد و برای تحقق آن جامعه آرمانی و مدینه فاضله بکوشد. (پرهیزکار، ۱۳۸۹، ص ۱۶۷). امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرماید: «امیدواریم که این انقلاب یک

انقلاب جهانی بشود، و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) باشد». (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۸) این یک تکلیف شرعی است؛ منتها ما نمی‌توانیم.... حضرت عالم را از عدالت پر می‌کند، از این تکلیفتان دست بر ندارد. (صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۹۷) رزم‌آوران نبرد طولانی با جبهه باطل پیشه، منتظران حقیقی هستند که پیوسته بیدار و هوشیار در درون کمینگاه صبر و جهاد با نفس پیکار مقدس خود را ادامه می‌دهند.

### ۳. موانع انقلابی بودن

انقلاب اسلامی ایران وامدار فرهنگ و حیانی و معارف اصیل و انسان ساز آن است. این انقلاب برای استمرار و ثبات خود نیازمند کیاست، هوشمندی و هوشیاری است. زیرا به مانند هر انقلابی با دو خطر عمده مواجه است. یکی خطر «دشمنان خارجی» و دیگری خطر «اضمحلال داخلی». دشمن خارجی یعنی کسی که از بیرون مرزها و یا در داخل کشور اما بیرون از نظام حاکم، با انواع سلاح‌ها، موجودیت یک نظام را با فکرش و دستگاه زیربنایی عقیده‌اش و قوانینش و هر آن چه در اختیار دارد هدف قرار می‌دهد. اما دشمن و آفت دوم، آفت اضمحلال درونی است. زمانی که در درون نظام نیروهای خودی بر اثر خستگی، اشتباه در فهم راه درست، بر اثر مغلوب احساسات نفسانی شدن و بر اثر نگاه کردن به جلوه‌های مادی و بزرگ انگاشتن آن‌ها، ناگهان در درون، دچار آفت زدگی شوند. این البته خطرش بیشتر از خطر اولی است. (انسان ۲۵۰ ساله، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵-۱۶۶) آسیب اضمحلال درونی تحت عنوان موانع انقلابی ماندن در این قسمت مورد بررسی قرار گرفته شده است.

### ۱.۳. رنگ باختن معنویت

شاکله و قوام انسان مرهون معنویت و اخلاق اوست. رسوخ و نفوذ روح تعهد و اخلاق در آدمی موجب می‌شود تا او دارای عقاید و باورها و رفتارهای الهی گونه گشته و از انحراف و تباهی دور گردد. بدین معنا بین ذخیره معنوی و لغزش و گمراهی انسان رابطه

مستقیمی وجود دارد. هر چه ذخیره معنویت انسان بالاتر باشد، احتمال لغزش و گمراهی نیز کمتر است. نمود بارز رنگ باختن معنویت توجه به امور دنیوی و پیروی از هواهای نفسانی است. در فرهنگ دینی هیچ چیز خطرناکتر از دنیا گرایی نیست. اگر این روحیه در جامعه‌ای رشد و ترویج نماید، معنویت و خداگرایی از بین خواهد رفت؛ چراکه دنیا دوستی و خدا دوستی قابل جمع نیستند. قرآن کریم می‌فرماید: (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتِرَاهُ مُضْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَعْفَرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ) (حدید/۲۰)؛ «بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود بگونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی؛ سپس تبدیل به کاه می‌شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی؛ و (به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.»

علی بن ابیطالب علیه السلام در خطبه شششنبه با بررسی دوران خلفای پیش از خویش می‌فرماید: «إِلَىٰ أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ، نَافِجًا حِصْنِيهِ بَيْنَ نَثِيلِهِ وَ مُعْتَلِفِهِ وَ أَسْرَعَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خَضْمَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ...»؛ (موسوی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸) تا سومین آن‌ها بر سر کار آمد. او همانند شتر پرخور و شکم برآمده، همتی جز جمع‌آوری و خوردن بیت‌المال نداشت. بستگان پدریش به همکاری‌اش پرداختند. آن‌ها نیز چون اشتران گرسنه‌ای که در بهار به علفزار می‌رسند و با ولع عجیبی گیاهان را می‌بلعند، برای خوردن اموال خدا دست از آستین برآوردند.»

قرآن کریم ضمن هشدار دادن در این باره می‌فرماید: (فَحَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ...) (مریم/۵۵)؛ «اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند.» مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در تشریح این آیه می‌فرماید: «دو عامل از عوامل اصلی این انحراف عمومی است:

یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است؛ یعنی فراموش کردن خدا و معنویت از زندگی و جدا کردن حساب معنویت از زندگی و از یاد بردن توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب توفیق از خدای متعال و توکل بر خدا و کنار گذاشتن محاسبات خدایی از زندگی. و عامل دوم (اتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ) است؛ یعنی دنبال شهوترانی‌ها و هوسرانی‌ها و در یک جمله دنیا طلبی‌ها و جمع‌آوری ثروت و مال اندوزی بودن و التذاذ و به دام شهوات دنیا افتادن و اصل دانستن این‌ها و فراموش کردن آرمان‌ها، این درد اساسی و بزرگ ماست، ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه‌ی اسلامی، آن حالت آرمان‌خواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد، این که «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.» (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴).

### ۲.۳. انحراف در مبانی فکری

یکی از بزرگترین آفات و خطرات برای هر انقلاب، نهضت و مکتب دینی انحراف مردم پس از هدایت است. پیروزی صالحین و نابودی ستمگران و طاغوت به معنای محو همیشگی فساد و شرک از صفحه‌ی زمین و تاریخ نیست، بلکه بعد از چندی بار دیگر تحت تأثیر دو عامل یا دو نیروی محرک؛ تمایلات ضد اجتماعی در درون افراد و شرایط مناسب اجتماعی - اقتصادی بار دیگر فساد و تباهی و استعمار بصورت تازه‌ای که با شرایط تاریخی و اجتماعی و اقتصادی جدید تناسب دارد بروز می‌کند. (نک: قرآن کریم می‌فرماید: (وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ) (اعراف/ ۱۳۸)؛ «و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت‌هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار

ده، همان‌گونه که آن‌ها معبودان (و خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیتی جاهل و نادان هستید.»

«عکوف» بمعنی التزام بر چیزی در گذر زمان است. (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۹۹) رسوبات فرهنگ شرک و بت پرستی در ذهن و دل بنی‌اسرائیل از یک سو و خوی مادی و حس‌گرایی قوم موسی از جهت دیگر باعث شد تا با قرار گرفتن در چنین موقعیتی از رهبر انقلاب خویش چنین تقاضایی کنند. موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ که زمینه انحراف را در قوم خود می‌دید احساس خطر کرد و به آنان هشدار داده و از این عقیده نادرست برحذر داشت. و بار دیگر آنان را به پرستش خداوند یکتا فرا خواند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۰۱). بنابراین مردم باید حافظ آرمان‌های انقلاب اسلامی این موهبت الهی باشند و بدور از ظاهرگرایی و سطحی‌نگری بن‌مایه‌های دینی خویش را تقویت نمایند تا در طوفان شبهات گرفتار نشوند.

### ۳.۳. تعبیر وارونه معارف و منکرات

امر به نیکی‌ها و نهی از زشتی‌ها و پلیدی‌ها یک اصل عبادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی است که مربوط به زمان یا مکان و نژاد و منطقه و محیط خاصی نیست. فراگیر بودن این مسئله، بیانگر فطری بودن آن است. جایگاه ممتاز و برتر این فریضه و نقش کلیدی آن نسبت به سایر فرایض، در قرآن کریم این‌گونه مورد توجه قرار گرفته است (و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (توبه/۷۱)؛ «مردان و زنان با ایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند. بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد، خداوند توانا و حکیم است.» لازمه ایمان حقیقی، رابطه و علاقه به سرنوشت یکدیگر است و لازمه این محبت و علاقه، امر به معروف و نهی از منکر است. لازمه‌ی امر به معروف و نهی از منکر نیز اطاعت از خداوند و زنده شدن همه‌ی دستوره‌های الهی است. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۷۶) حال اگر این فریضه واجب



مورد غفلت قرار گیرد و یا دچار تعبیر وارونه گردد، یعنی معروف، منکر دیده شود و در مقابل منکر، معروف پنداشته شود. در آن صورت طبق فرهنگ قرآن باورمندان به چنین دیدگاهی منافقند، کسانی که به مکتب ایمان نیاورده‌اند و تنها شعار آن را سر می‌دهند در واقع آنان سمبل عالی بی تفاوتی در برابر دین‌اند: (نک: خاتمی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶) (الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ...) (توبه/۶۷)؛ «مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروهند! آن‌ها امر به منکر، و نهی از معروف می‌کنند.»

امام خمینی (قدس سره) در تبیین نهضت اسلامی مردم ایران فرموده‌اند: «ما برای آن نهضت کردیم که اسلام و قوانین اسلام، قرآن و قوانین قرآن در کشور ما حکومت کند.» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۷۱) بدین ترتیب جامعه انقلابی تا زمانی که در مسیر تحقق اصل امر به معروف و نهی از منکر باشد، چون آب روانی است که طراوت و شفافیت خود را حفظ کرده و در برخورد با موانع هر چند عظیم، به مسیر خود ادامه می‌دهد، ولی اگر این وظیفه الهی ترک گردد و حالت جمود و سکون به خود گیرد، مانند آب ساکن به زوال و فساد دچار خواهد شد و آفاتی از قبیل ترک ارزش‌های اسلامی و بازگشتن به ارزش‌های طاغوتی و وارداتی، نفوذ فرصت‌طلبان بی صلاحیت، خستگی و بی تفاوتی انقلابیون و ناتمام ماندن انقلاب اسلامی را در پی خواهد داشت. (بهرامی، ۱۳۹۴، ۹۷-۱۰۹). رهبر فرزانه انقلاب نیز با عنایت به این مطلب فرموده‌اند: «جامعه اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است. بقای حاکمیت اختیار به این است که در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر زنده بماند.» (همان، ص ۱۱۶).

### ۴.۳. انحراف نخبگان

یکی از بسترهای مناسب برای رشد و تعالی اندیشه‌های انقلابی سلامت فکری و همه جانبه نخبگان جامعه است. نخبگان یا خواص به گروه زبده و شاخص اجتماع می‌گویند که دارای قدرت تجزیه و تحلیل‌اند، این گروه در انتخاب راه و روش خود استقلال

دارند، و از جهت وجه اجتماعی در چشم عموم مردم دارای حشمت و جلال اند به گونه‌ای که عمل، رفتار و گفتار آنان در افراد تأثیر چشمگیری می‌گذارد و بسیاری از مردم را همراه خود می‌سازد. در مقابل این گروه کم‌شمار، عموم مردم جای دارند. (حیدری، ۱۳۸۴، ص ۱۸) انحراف، کجروی و کژاندیشی این گروه اندک، اما تأثیرگذار گاه لطمات جبران ناپذیری بر جای می‌گذارد. مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) با بررسی انحراف سابقه داران و پرچمداران دین اسلام در زمینه بهره‌مندی از مزایای اجتماعی بیان فرموده‌اند: وابستگی انسان به بهرمندی از قدرت و ثروت، امری انکار ناپذیر است اما مطلق کردن و چشم بسته به دنبال این نیازها حرکت کردن و هدف‌ها را به فراموشی سپردن، بسیار خطرناک است. رشد طبقه اشرافی (عصر شیخین بخصوص دوره عثمان بن عفان) محصول چنین اندیشه‌ای است. زمانی که برجستگان صحابه‌ی پیغمبر، جزء بزرگترین سرمایه داران زمان خود محسوب می‌شدند. یعنی صحابه عالی مقامی که نامشان به واسطه سابقه‌ی افتخارات درخشان‌شان در نبرد با دشمن تعظیم و تکریم می‌شدند، در ردیف اولین سرمایه داران اسلام قرار گرفت. (انسان ۲۵۰ ساله، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸ - ۱۶۹) پس سابقه ایمانی زمانی ارزشمند است که همراه با آینده درخشان نیز باشد. «لاحقه تاریک انسان سابقه درخشان را تباه می‌سازد. بی‌شک آنانی که در دوره غربت و محنت به صف مجاهدان پیوستند و تا پایان عمر در این مسیر قدم زدند، از ارج و قرب والاتری برخوردارند. (حدید/۱۰) (خاتمی، ۱۳۹۱، ص ۷۵).

قرآن کریم با اشاره به نقش خواص جبهه‌ی حق که عملکرد بدی داشتند می‌فرماید: (أَلَمْ تَر إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لَنَبِيِّنَا لَئِن لَّمْ يَأْتِنَا مِنْ اللَّهِ آيَاتٌ نَّكْفُرُ بِهِ إِنَّ اللَّهَ فَدَّ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ... (بقره/ ۲۴۶ - ۲۵۱)؛ «آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: «زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم... و پیامبرشان به

آن‌ها گفت: «خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با این‌که ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟...»

«الْمَلَأَ» به بزرگان و اشرافی گفته می‌شود که هیبت آن‌ها چشم و سینه‌ها را پر می‌کند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸۹) بزرگان و افراد صاحب نفوذ بنی اسرائیل با وجود درخواست از پیامبرشان مبنی بر داشتن فرماندهی برای مقابله با جالوتیان، زمانی که با نصب فرماندهی طالوت از سوی حق تعالی روبه رو شدند از فرمان حضرت اشموئیل عَلَيْهِ السَّلَام سرباز زدند، بهانه‌ها گرفتند تا جایی که بیشتر آنان از همراهی و هم‌رکابی طالوت خودداری ورزیدند.

قرآن حکیم در موضعی دیگر با بیان سیر نزولی انقلابیون زمان موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَام و نقش خواص و صاحبان اندیشه می‌فرماید: موسی پس از بازگشت از میقات و دریافت الواح تورات (اعراف/۱۴۲) با انحراف آشکارتر و مخرب‌تری روبه رو گشت. سامری از نخبگان و نزدیکان به کادر مدیریت نهضت عامل این انحراف بود. (... وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ) (طه/۸۵) سامری با حيله و نیرنگ گوساله‌ای ساخت که صدایی از آن خارج می‌شد، پس از عزیمت موسی به طور یکدفعه آن را به مردم نشان داد و گفت: این خدای شما و موسی عَلَيْهِ السَّلَام است. (طه/۸۸) وی باعث شد تا شرک در بدترین صورتش دامان بنی اسرائیل را بگیرد. تا جایی که توان آن جز با قتل بدعت‌گذاران و گمراهان به دست یکدیگر راهی نداشت. (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۶۸). بنابراین برای برطرف کردن انحراف، ابتدا باید ریشه‌ی انحراف را بررسی کرد. (فَمَا حَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ) سپس با منحرفان و مفسدان فرهنگی بایستی برخورد نمود. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۶۹) زیرا انحراف نخبگان موجب بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر و به نظام حاکم می‌شود. اعتماد مهمترین سرمایه هر جامعه است که با فرو ریختن آن بازار دروغ، خیانت و بی‌وفایی هموار شده و زمینه بحران‌های اساسی در جامعه ایجاد می‌شود. امروزه رسانه‌های زنجیری و ابزارها و فن‌آوری‌های نوین

ماهواره و غول‌های رسانه‌ای بر آن است تا در جامعه با شایعه پراکنی و رفتارهای طاغوتی و استکباری در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ریشه‌ی اعتماد را بین مردم انقلابی و خواص و مهره‌های انقلابی را از بین برده و آنان را در دام نقشه‌های پلید خویش گرفتار نمایند.

### ۵.۳. خودباختگی

اصل خودباختگی يك تعبیر قرآنی و معادل با خسران نفس است. خودباختگی حالتی است که در روح انسان به وجود می‌آید. در این حالت انسان خودش، خودش را می‌بازد؛ یعنی تمام قوا و نیروها و استعدادهایی که دارد وضعی پیدا می‌کند که گویی چیزی ندارد. اگر يك بیمار در بیماری خود، خودش را ببازد، و باور داشته باشد که درد و ناراحتی‌اش خیلی خطرناک است دیگر معالجات برای او سودی ندارد، و به طور قطع خیلی زود از پا در می‌آید. در رابطه دو ملت، قوم و... نیز چنین است. دوستی و روابط باید دو جانبه باشد و گر نه مایه‌ی ذلت و خودباختگی و احساس حقارت است. قرآن کریم می‌فرماید: (ها أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ وَ تَوَمَّنُونَ بِالْكِتَابِ كُذِّبَ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ إِنَّا اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) (آل عمران/۱۱۹)؛ «شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست می‌دارید؛ اما آن‌ها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید (و آن‌ها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.»

«خداوند در این آیه به مؤمنان هشدار داده است، تا دشمنان خود را جزء خاصان خویش قرار ندهند و رازهای مسلمانان را در برابر این گروه آشکار نسازند، این اعلام خطر به

صورت کلی و عمومی است و باید در هر زمان و در هر حال مسلمانان به این هشدار توجه کنند. ولی متأسفانه بسیاری از پیروان قرآن از این هشدار غفلت ورزیده‌اند، و در نتیجه گرفتار نابسامانی‌های فراوان شده‌اند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۶) به هر حال بایستی به هر اظهار ایمانی از طرف غیر مسلمانان اطمینان نکرد. (قَالُوا أَمَّأَ وَإِذَا خَلَوْا) زیرا در اثر محو شدن به مظاهر بیگانه و احساس ناتوانی راه پیشرفت مادی و معنوی بر مردم دشوار خواهد شد.

#### ۴. راهکارهای توسعه و ترویج فرهنگ انقلابی

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، استقلال فرهنگی زیربنای تحول و پویایی در سایر بخش‌های یک جامعه است. بنابراین برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی و سلطه‌ی دشمن، بایستی در حفظ و گسترش فرهنگ ناب انقلاب اسلامی در جامعه تلاش کرد. البته این‌کار بستگی زیادی به توجه و عملکرد مسئولان و عموم ملت دارد که با همدلی خود در اجرای این امر مهم، خود را مسئول و سهیم بدانند. در این بخش به برخی از راهکارها جهت توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی اشاره شده است:

#### ۱.۴. سازمان‌ها و نظام‌های تربیتی

در عصر ما تحولات عمیقی در کلیه‌ی بخش‌های فرهنگی شامل وضع تربیتی، ایده‌آل‌های اجتماعی، میزان‌ها و استانداردهای اخلاقی، آداب دینی و وضع طبقاتی حاصل شده است. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم این تمدن جدید در زندگی ما نفوذ خواهد کرد، لذا بعد از نظام تربیتی خانواده، سازمان‌ها و مراکز آموزشی وظیفه دارند که افراد را در برخورد درست با این تحولات آماده سازند و فرهنگ صحیح را به آن‌ها بشناسانند. این نظام‌ها مجموعه‌ای از سازمان‌های رسمی تأسیس شده‌اند؛ تا مهارت‌های ضروری را در جامعه ممکن سازند و افراد را در رشد و تعالی موقعیت‌های اجتماعی و علمی قرار داده و از فرهنگ

محافظت کنند. و نیازهای لازم فرهنگی را تأمین و نوآوری پدید آورند. اصل این نهادها در واقع همان نهاد آموزش و پرورش به معنای جامع کلمه است. که از یک سو از آموزش ابتدایی تا سطح عالی دانشگاه و از سوی دیگر مؤسسه‌های تحقیقی و پژوهشی و فن‌آوری را در بر می‌گیرد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۵۱). بخشی از راهکارهایی که این نظام‌ها می‌توانند در صورت توجه به آن‌ها، باعث توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه باشند، عبارت است از:

#### ۱.۴-۱. خانه و خانواده

خانواده اساسی‌ترین رکن شکل دهنده شخصیت انسان در نظام تربیتی است. الگوی رفتاری هر شخص ابتدا از درون خانه ایجاد و سپس وارد جامعه می‌شود. گفتنی است که خانواده جامعه‌ای کوچک به شمار می‌آید. قرآن کریم برای سالم سازی جوامع انسانی به این هسته‌ی اجتماعی، رویکردی خاص دارد. خداوند برای نجات و رهایی از گمراهی و توجه به تعلیم و تربیت به سرپرست خانواده چنین خطاب می‌فرماید: (.. قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ...) (تحریم/۶)؛ «... خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌ها است حفظ کنید...»، و نیز، (.. وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَبِرْ عَلَيْهَا...) (طه/۱۳۲)؛ «... و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش...» و به پیامبر اکرم ﷺ چنین خطاب می‌فرماید: (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (شعرا/۲۱۴)؛ «و خویشانِ نزدیک را هشدار ده». لقمان حکیم عليه السلام نیز فرزندش را با گفتاری نرم و همراه با مهربانی و با استدلال موعظه می‌کند و می‌فرماید: (وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ) (لقمان/۱۳)؛ «و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش - در حالی که وی او را اندرز می‌داد - گفت: «ای پسرک من، به خدا شرک می‌اور که به راستی شرک ستمی بزرگ است». این آیات نشان از اهمیت موضوع دارد و بیان می‌کند آموزش معارف اسلامی به عهده‌ی خانواده است. همه‌ی این احکام و

دستورهای مؤکد در قرآن کریم، برای آن است که خوبی‌ها و بدی‌های جامعه از خانواده بر می‌خیزد. و نقش آن تنها در فراهم ساختن نیازهای اقتصادی خلاصه نمی‌شود، بلکه وظیفه‌ی اساسی آن، مراقبت از فرزندان، نظام بخشی به رفتار غریزی نوجوانان و جوانان، تأمین نیازهای فرهنگی و اجتماعی آنان است.

#### ۱.۴-۲. آموزش و پرورش

از بین نهادهای تربیتی آموزش و پرورش نقش بسیار مهمی در زمینه‌ی توسعه‌ی فرهنگ در میان کودکان، نوجوانان و جوانان بر عهده دارد. و از آن جایی که این نهاد مهم، تربیت و آموزش نسل آینده را بر عهده دارد باید به طور خاص مورد توجه قرار گیرد. برای نهادینه کردن فرهنگ در وهله‌ی اول باید به آموزش مدیران و معلمان پرداخت، چراکه به فرموده‌ی مقام معظم رهبری (مدظله): «نقش معلم و مربی در جامعه‌ی ما نقش اول است. در حقیقت سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و فزون خواهی شیاطین سیاسی عالم، همین سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت و فرهنگ است». (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیعت معلمان و دانش آموزان ۱۳۸۸/۳/۲۶ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7181> در یک ارتباط متقابل، اگر معلم، فرهنگ حقیقی را پذیرفته و بر اساس آن عمل کند و بتواند آن را به نحو احسن، به دانش آموزان انتقال نماید؛ دانش آموز هم، آن را پذیرفته و در خود ایجاد می‌کند. این یعنی این‌که فرهنگ توسعه یافته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. به علاوه با غنی سازی مطالب کتب درسی و نظارت هوشمندانه و تهیه و تدوین آن‌ها بر اساس مبانی اسلامی و انجام فعالیت‌های جذاب فرهنگی که در میان دانش آموزان شور و هیجان فرهنگی ایجاد کند، می‌توان سهم عظیمی در توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی داشت. به هر حال باید گفت در عرصه‌ی تهاجم فرهنگی همواره باید سنگر مدرسه و آموزش و پرورش پربار و سرشار از تعالیم الهی و مسئله‌ی اصلی آن؛ تربیت انسان و تربیت نیروهای انقلاب باشد.

## ۱.۴-۳. دانشگاه‌ها و مراکز عالی

یکی دیگر از نظام‌های مهم تربیتی که نه تنها، دانشجو در آن آموزش می‌بیند بلکه مهارت لازم برای آموزش دادن را نیز کسب می‌کند دانشگاه است؛ از این رو دانشگاه، یک موتور مولد است و هر دانشجو یک نظام آموزشی نهفته در آن، اگر سنگ بنای آموزش در آن، براساس فرهنگ و تعالیم اسلامی باشد، موجب توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی خواهد شد. چرا که دانشجو در حین و بعد از تحصیل در ارتباط و تعامل با افراد مختلف قرار دارد، بنابراین پلی برای انتقال، توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی خواهد بود. به دلیل آگاهی از اهمیت همین موضوع و نقش اساسی دانشگاه، بیشترین هجمه‌ی تهاجم فرهنگی متوجه دانشگاه و دانشگاهیان است. بر همین اساس باید روح تعالیم اسلامی بر این فضا حاکم و برقرار باشد. علامه طباطبایی در پاسخ به شاگردشان جهت تشکیل جلسه‌ی تفسیر قرآن در تهران فرمودند: «حتماً این کار را انجام دهید. چون آینده‌ی کشور اسلامی در اختیار دانشگاهیان می‌باشد اگر این قشر با اسلام و معارف تشیع آشنا نشوند، در آینده برای اسلامی شدن کشورمان امیدی نخواهیم داشت.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴). در یک جمله دانشگاه‌ها باید به معنای واقعی به اسلام عمل کنند یعنی این‌که؛ «در محیط‌های علمی، فلسفه‌ی فکری اسلام سایه افکند. علوم اسلامی بر مبنای اسلام سامان یابند و نتیجه‌ی تحصیل در دانشگاه نزدیکی به خدا و آراستگی به معنویت باشد.» (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۳۵).

## ۱.۴-۴. حوزه‌های علمیه

مراکز تربیت دینی و بخصوص حوزه‌های علمیه منبع عظیمی از اطلاعات و آگاهی‌های اسلامی است که اگر این تعالیم همچون آب زلال و گوارایی به جامعه عرضه شوند، بدون شک جامعه‌ی ملی و جهانی آن‌را پذیرا و به سراغ آب‌های آلوده‌ی به ظاهر زیبا



نخواهند رفت. در نظام اسلامی روحانیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در واقع یکی از عناصر اصلی مولد فرهنگ دینی به شمار می‌آیند. قرآن کریم با اشاره به رسالت خطیر حوزه‌های علمیه می‌فرماید: (... فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ...) (توبه/۱۲۲)؛ «... پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند...». آیه فوق دلیل روشنی است بر این که همواره گروهی از مسلمانان به عنوان انجام یک واجب کفایی باید به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی بپردازند، و پس از فراغت از تحصیل برای تبلیغ احکام اسلامی به نقاط مختلف و مخصوصاً قوم و جمعیت خود بازگردند و آن‌ها را با مسائل اسلامی آشنا سازند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹۲).

عالمان دینی یکی از ارکان چهارگانه‌ای هستند که قوام دنیای تمدن انسانی و اسلامی به آن‌هاست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قَوَامُ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ: عَالِمٍ مُسْتَعْمِلٍ عِلْمِهِ...» (موسوی، ۱۴۱۴ق، ح ۳۷۲)، «استواری دین به چهار چیز است: عالمی که علم خویش را به کار گیرد...». یکی از بارزترین مصادیق استعمال علم، حضور در صحنه گسترش تعالیم اسلامی و بنا نهادن فرهنگ آن، در میان مردم است. بنابراین با عرضه داشتن صحیح مکتب اسلام در همه‌ی زمینه‌ها به زبان روز و همگام با تحولات و تجهیز به فناوری اطلاعات و نیز وارد کردن علمای دینی در عرصه‌ی فرهنگی و علمی دانشگاهی می‌توان زمینه‌ی توسعه و ترویج این امر مهم را در جوامع ایجاد کرد.

#### ۲.۴. وسایل ارتباط جمعی

هر ابزار و وسیله‌ای از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، فیلم و... که به گونه‌ای مستقیم و غیر مستقیم با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کنند بخشی از وسایل ارتباط جمعی را تشکیل می‌دهند. رسانه‌های جمعی به عنوان نیروهای اثر گذار در فرایند آموزشی می‌توانند

سبب تثبیت افکار، اعتقادات، اصول، معانی، ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات باشند و زمینه‌های اصلاح در نگرش‌های عمومی، نسبت به؛ سنت‌ها، آداب و رسوم اجتماعی، دانش‌ها، سبک زندگی، قوانین و نهادهای اجتماعی را فراهم آورند. همچنین ضمن ایفای نقش خود به عنوان میراث داران و نگهبانان فرهنگ و اهتمام به ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه، از طریق تبلیغ و معرفی محصولات فرهنگی، آموزه‌های اسلامی و...، توانایی خود را در اصلاح ذهنیت جامعه و شکل دهی به افکار و عادات عمومی و انشاء قوانین، آداب و رسوم اجتماعی نشان دهد. (دهشیری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰). امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرماید: «امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسان‌ها را القاء می‌کنند و تعیین کننده امور مختلفند. رسانه‌ها می‌توانند به صورت اخلاقی و استدلالی، مفاهیم ملت‌ها را میان یکدیگر تبادل کنند و داد و ستد معنوی و اخلاقی و فرهنگی کنند؛ این مسئله بسیار با ارزش است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مدیران و برنامه سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف ۱۳۸۵/۲/۲۶. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3340>)

امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان معمار نظام جمهوری اسلامی بر نقش آموزشی رسانه و رسالت آن تأکید کرده و می‌فرماید: «رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمت‌های گران مایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند.» (پیام به مناسبت ۲۲ بهمن و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی درباره جنگ و دانشگاه‌ها، وظایف قوای سه گانه، رسانه‌های گروهی و تشکر از امت ۱۳۶۳/۱۱/۲۲). بنابراین مسئولان و مدیران وسایل ارتباط جمعی و فرهنگی به قابلیت رسانه، که همانند شمشیر دو سوویه؛ هم توانایی تزریق فرهنگ مصرفی غربی و هم انتقال فرهنگ انقلاب اسلامی را دارد، توجه داشته و بایستی از آن در جهت گسترش و توسعه‌ی فرهنگ اسلامی بهره جویند.

#### ۳.۴. ارائه‌ی الگوی عملی

یکی از راهکاری مهم و پایه‌ای برای توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه ارائه نمونه‌های عینی و عملی فرهیختگان و اندیشه‌وران پاک طینت و متخصص در بخش‌های گوناگون جامعه است. زیرا انسان در مسیر زندگی خویش از کودکی تا بزرگسالی همواره در پی نمونه‌ای است که برایش معیار و الگو قرار گیرد. جهان خواران و مخالفین اسلام با آگاهی از همین نقش بسیار مهم الگوها در روحیه و افکار جوانان، هر روز با الگوسازی در نوع پوشش و آرایش و گفتار و رفتار، و عرضه‌ی رسوم و آیین‌هایی که با آداب و سنن مذهبی و ملی ما به هیچ وجه سازگار نیست، آنان را از فرهنگ غنی اسلام دور ساخته و در واقع از خود بیگانه می‌سازند، تا بدین وسیله به اهداف شوم خود نایل گردند. آری بخش عظیمی از راهکارهای تهاجمان فرهنگی بیگانگان را همین الگوسازی در زمینه‌های مختلف زندگی و حیات اجتماعی جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهد. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). بنابراین امت اسلامی باید برای جلوگیری از این تهاجم‌ها و برقراری و توسعه‌ی فرهنگ انقلاب اسلامی در سطح جامعه به ارائه‌ی الگوی تربیتی و اسلامی بپردازد. قرآن کریم می‌فرماید: «فَدَكَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ...» (ممتحنه/۴)، «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست». و نیز «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب/۲۰)، «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست...». الگویی بسیار والا همچون پیامبر اکرم ﷺ و نیز اهل بیت ﷺ در ایجاد یک تمدن و فرهنگ بزرگ نقشی ارزنده دارند. اعتقاد و باور عمیق و معرفت به ایشان و تلاش برای مشهود کردن این الگوها به عنوان نمونه‌های عملی در سطح جهان به توسعه‌ی فرهنگ اسلامی کمک شایانی می‌کند. به علاوه تاریخ اسلام سرشار از چهره‌هایی است که هر کدام دنیایی از عظمت و پاکی و قهرمانی را در خود دارند. اصحاب با ایمان و فداکار رسول خدا ﷺ و یاران با اخلاص امیرالمومنین ﷺ شهدای کربلا و شاگردان و اصحاب خودساخته‌ی امامان دیگر ﷺ، شهدای هشت سال دفاع مقدس و شخصیت

های علمی - اخلاقی - فرهنگی که هر یک از آن‌ها به عنوان یک الگوی عملی می‌توانند ارزش‌ها را به جامعه تزریق کنند.

#### ۴.۴. توجه به مساجد

مساجد یکی از مقدس‌ترین مکان‌هایی است که اگر مورد توجه قرار گیرند تأثیر به‌سزایی در توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی می‌توانند داشته باشد. بدین سبب کارکردهای مسجد را به گونه‌های مختلف عبادی، آموزشی، ارتباطی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، معماری، هنری و مانند آن تقسیم کرده‌اند. کارکردهای ارتباطی و فرهنگی مسجد هم به استناد متون دینی و هم به واسطه تجربه‌ی تاریخی مسلمانان، در قالب فرهنگ سازی و انتقال اطلاعات تجلی یافته است و در خدمت یک هدف والای دینی، یعنی تعالی فردی و اجتماعی می‌باشد. با توجه به این دایره وسیع تأثیرگذاری نباید از دسیسه و نیرنگ دشمن از طریق این جایگاه مقدس هم غافل شد. بدین سبب در قرآن کریم به مسلمین درباره نفوذ فرهنگ معاندین از طریق این مکان مقدس هشدار داده شده است. (لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَْسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ أَمَّنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمَّ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ...) (توبه/۱۰۸ - ۱۰۹) هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارد!». آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرنگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ بنابراین با توجه به کارکردهای متعدد مسجد می‌توان این مکان را محیطی مناسب برای بستر سازی و آموزش فرهنگ معرفی نمود. (افتخاری، ۱۳۸۹، ص ۷۱۹).

#### ۴.۵. دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی پل ارتباط بین یک فرهنگ با فرهنگ‌های دیگر است، که در کشورهای اسلامی می‌توان از آن در جهت توسعه‌ی فرهنگ اسلامی بهره برد. ملل اسلامی در مرحله نخست باید به داشته‌های خود اهمیت داده، و پس از آن به ترویج فرهنگ اصیل اسلامی در خارج از مرزها بپردازند. امام خامنه‌ای (مدظله) در این مورد می‌فرماید: تبادل فرهنگی لازم است. هیچ ملتی بی‌نیاز از ارتباط نیست. به واسطه ارتباط فرهنگی - آن مجموعه مسائلی که نام فرهنگ به آن داده شده - با فرهنگ دیگری آشنا و بدین طریق ملت‌ها در رفت و آمدهایشان، آداب زندگی، خلیات، علم، لباس پوشیدن، آداب معاشرت، زبان، معارف و دین را از یکدیگر فرا گرفته‌اند. این، مهم‌ترین تبادل‌های ملت‌ها با هم بوده است... خود ملت ما هم، در طول زمان بسیاری از مطالب را از ملت‌های دیگر آموخته است و این یک روند ضروری برای تر و تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی در سرتاسر عالم است. این تبادل فرهنگی مطلوب و شایسته است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>. همواره باید، در جریان دیپلماسی فرهنگی اقتدار و تدبیر حاکمیت در مورد مرزهای فرهنگی خود، حفظ شود بر این اساس این امکان وجود دارد که جریان واردات فرهنگی و ارتباطی به نحو‌گزینه‌ی و با رویکرد به‌گزینی، مدیریت شود و از انبوه پیام‌های فرهنگی مناسب‌ترین‌ها با جامعه را گزینش کرد. (افتخاری، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱).

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه برای ترویج حقایق اسلام و تبیین فرهنگ ایران اسلامی نقش قابل توجهی را برای سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی قائل بودند: «صدور اسلام به این است که اخلاق اسلامی، اعمال اسلامی، آن‌جا طوری باشد که مردم توجه کنند و از امور مهمه، داشتن یک نشریه در هر سفارتخانه هست... مخارج را صرف تبلیغات بکنید... صدور با سر نیزه صدور نیست. صدور با زور، صدور نیست. صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلامی، اخلاق انسانی در این جاها رشد پیدا کند و شما موظف به این معنا هستید.»

(بیانات در حضور سفیران و کارداران جمهوری اسلامی ایران و جمعی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور. صحیفه نور، ج ۱۳). مقام معظم رهبری در نامه ای به جوانان غربی به معنای واقعی آن‌ها را به اسلام و تمدن نوین اسلامی فراخواندند: «من از شما جوانان می‌خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف‌بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیان‌های یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید. در این صورت، در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده‌ای استوار کرده‌اید، سایه‌ی اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش می‌گستراند، گرمای امنیت و آرامش را به آنان هدیه می‌دهد، و فروغ امید به آینده‌ای روشن را بر صفحه‌ی گیتی می‌تاباند.» (نامه رهبری معظم انقلاب (مد ظله) به عموم جوانان کشورهای غربی در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۸).

### نتیجه

فرهنگ از اساسی‌ترین اموری است که به جامعه هویت می‌بخشد. رفتار فرهنگی در هر جامعه مبتنی بر باورها و تفکرات حاکم بر آن است. بدون شک ماندگاری و تعمیق یک تفکر سالم و تحول‌زا، معلول تبیین صحیح تفکر، ترویج و تبلیغ همه‌جانبه و عمل به آن تفکر است که به عمق بخشی و گسترش آن تفکر منجر می‌شود و بدین ترتیب چنین فرهنگی از آسیب‌های احتمالی محفوظ می‌ماند. بنابراین برای تعمیق و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی، ایجاد حساسیت دو جانبه ضروری می‌باشد؛ از یک طرف حساس بودن به فرهنگ اسلامی که به مثابه‌ی روح جامعه تلقی می‌گردد بایستی مورد احترام قرار گیرد و از دیگر سو از آن جایی که روح جامعه نیز همواره در معرض هجوم بی‌امان فرهنگ معاند قرار دارد، باید در تمامی حرکات از حریم اصول انسانی خارج نشود. از این‌رو مجهز شدن به شاخصه‌های انقلابی مانند: خدا محوری، ولایت‌پذیری، آرمان‌خواهی، بصیرت‌افزایی، عدالت و ظلم‌ستیزی و از همه مهم‌تر انتظار و منتظر‌پروری ضروری است.

برای ماندگاری در صف انقلابیون توجه به آسیب‌های مخربی چون رنگ باختن معنویت، دنیاگرایی، انحراف در مبانی فکری، تعبیر وارونه معارف و منکرات، انحراف نخبگان و خودباختگی بسیار با اهمیت است. زیرا هر کدام از این موانع می‌تواند امت انقلابی را از مسیر اهداف انقلاب منحرف سازد. بنابراین باید مدیران و سیاستمداران فرهنگی علاوه بر توجه به عملکرد خود با بهره‌گیری از سازمان‌ها و نظام‌های تربیتی، وسایل ارتباط جمعی، ارائه‌ی الگوی عملی، توجه به مساجد و دیپلماسی فرهنگی در نظام بیداری اسلامی مسیر انقلابی بودن و ماندن افراد را هموار و زمینه را برای رسیدن به تمدن نوین و حیات طیبه اسلامی فراهم آورد.

## فهرست منابع

۱. \* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۹۰)، فرهنگ تربیت، قم: دلیل ما، سوم.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، سیاست، دین، فرهنگ؛ مطالعه بین رشته‌ای، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، اول.
۴. آقایی، بهمن و غلامرضا علی بابایی (۱۳۶۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: ویس، دوم.
۵. بهرامی، صمد. (۱۳۹۴)، نسیم معرفت؛ امر به معروف و نهی از منکر. بی جا: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین - مدیریت آموزش بسیج. اول.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در باره‌ی زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام؛ (انسان ۲۵۰ ساله)، (۱۳۹۰)، تهران مؤسسه ایمان جهادی، اول.
۷. پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران، قم: انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله تعالی).
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، جامعه در قرآن، قم: اسراء، دوم.
۹. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البیت، اول.
۱۰. حیدری، احمد (۱۳۸۴)، نهضت انتظار ۲ سطح ۲، تهران: معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج، اول.
۱۱. خاتمی، احمد (۱۳۹۱)، عبرت‌های عاشورا، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم). چهاردهم.
۱۲. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «رسانه و فرهنگ»، فصل نامه فرهنگی تحقیقات



فرهنگی، دوم.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، محقق: صفوان عدنان، داوودی، بیروت: دار القلم - الدار الشامیه. اول.

۱۴. روستایی، زینب (۱۳۹۴)، «نقش امامزادگان به عنوان طلایه داران دفاع از حریم ولایت»، از مجموعه مقالات کنگره ملی حضرت محمد هلال ابن علی ابن ابی طالب علیه السلام. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، اول.

۱۵. شرفی، محمد رضا و محمد شریف طاهرپور (۱۳۸۷)، «نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروند (مهندسی فرهنگی)»، ۱۵ - ۱۶، (فروردین و اردیبهشت).

۱۶. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی (قدس سره)، (۱۳۶۹)، تهران: سروش.

۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، به کوشش: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.

۱۸. .... (۱۳۸۵)، معنویت تشیع، قم: تشیع، اول.

۱۹. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی. اول.

۲۰. عابدینی، محسن (۱۳۸۸)، عدالت خواهی و ظلم ستیزی دو ویژگی برجسته انقلاب اسلامی، [kayhannews.kayhan.ir](http://kayhannews.kayhan.ir)، شماره ۱۹۵۸۵.

۲۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. اول.

۲۲. گولد. جولیسوس. ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران: مازیار، اول.

۲۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت:

- دار احیاء التراث العربی، دوم.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها: ولایت فقیه و خبرگان، قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، اول.
۲۵. .... (۱۳۸۶)، تماشای فرزاندگی و فروزندگی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی رحمته‌الله علیه، اول.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، ده گفتار، تهران: صدرا، پنجم.
۲۷. .... (۱۳۷۲)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، نهم.
۲۸. معنویت و انقلاب اسلامی (لوازم، ضرورتها، دستاوردها، عوامل سایش و افزایش) از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای (مدظله العالی) (۱۳۹۱). مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، تهران: قدر ولایت، اول.
۲۹. معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات نامن، دوم.
۳۰. معینی پور، مسعود. لکزایی، رضا. «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری. مطالعات انقلاب اسلامی. سال نهم. بهار ۱۳۹۱. ش ۲۸.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیرنمونه، تهران: دارالکتب اسلامی. جلد ۸. اول.
۳۲. موسوی (شریف رضی) محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه، محقق / مصحح: صبحی صالح، قم: دارالهجره. اول.
۳۳. نصری، محسن (۱۳۸۹)، ایران دیروز، امروز، فردا تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف، سوم.
۳۴. نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۴)، فلسفه سیاست (سلسله دروس اندیشه های بنیادین اسلامی)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، نهم.

## عوامل عزت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سهیلا مرادی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> - نرگس خاتون امینی کمرودی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف دولت اسلامی که مبتنی بر دیدگاه اسلام تشکیل می‌شود، تحقق عدالت، عزت و اقتدار ملی است. عزت ملی این است که یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. عزت از جمله مفاهیمی است که با مفاهیم دیگری نظیر کرامت، قدرت و اقتدار قرابت معنایی دارد. و جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود.

کسب عزت و اقتدار از واجبات الهی و زمینه ساز امید و تلاش و کار جهادی است تا عاملی برای شکل‌گیری دولت و جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی شود لذا پژوهش حاضر به بررسی عوامل عزت ملی از دیدگاه امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم به شیوه توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای می‌پردازد.

۱. دانش آموخته سطح سه فقه و اصول، همکار در مرکز پژوهشی سطح ۴ حوزه علمیه عصمتیه، سمنان،

ایران، ۰۹۳۷۰۳۲۶۵۲۱، morad1366@chmail.ir.

۲. طلبه سطح چهار فقه خانواده، مجتمع حوزوی الزهراء (ع)، سمنان، ایران، ۰۹۳۹۸۸۶۰۲۸۶.

، Amini313@chmail.ir.

بر اساس نتایج به دست آمده از دیدگاه امام خامنه ای عوامل عزّت و اقتدار آفرین: اعتقاد به خدا و ایمان، ایجاد انقلاب اسلامی، اتحاد، خودباوری، ایستادگی در مقابل دشمن، تولید علم، مشارکت عمومی، استفاده از ظرفیت داخلی، عملکرد درست مسئولان و در خدمت مردم بودن آنان است.

کلیدواژه: عوامل، عزت ملی، بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، امام خامنه ای

## مقدمه

علاقه مندی به «عزت» و تنفر داشتن از «ذلت»، امری فطری است که در نهاد همه ی انسانها وجود دارد. وقرآن کریم و روایات بر کسب عزت تأکید دارند. خداوند متعال، سرچشمه ی عزت به معنای واقعی است و دیگر آفریده ها در ذات خود، فقیر و ذلیل هستند. آنان به خداوند نیازمندند و خداوند عزیز مالک همه ی آنها است. قرآن کریم می فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (هر که طالب عزت است بدانند که تحکم تمام عزت خاص خدا و خداپرستان است) (فاطر، آیه ۱۰) سخن اصلی این آیه آن است که عزت جوین باید عزت را از خداوند متعال بخواهند؛ زیرا عزت در ملک خداوند است و انسان در پرتو پرستش خدا و تسلیم شدن در برابر او به عزتمندی می رسد. پرستش خدای یگانه و کردار شایسته دو بال آدمی برای رسیدن به عزت است. خداوند متعال می فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (کلمه نیکوی توحید (روح پاک آسمانی) به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد) (فاطر، آیه ۱۰) حضرت علی علیه السلام نیز فرموده است: «العزیز بغیر الله ذلیل» (عزیزی که عزتش از غیر خدا باشد، ذلیل است) (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰/۷۵) انسانی که طعم شیرین عزت را بچشد، هیچگاه به ننگ ذلت و خواری، تن در نمی دهد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: کسی که نفس عزیز و شریفی دارد، آن را با پلیدی گناه، خوار نمی سازد. (آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۲۳۱) از این آیات و روایات فهمیده می شود کسی عزت به معنای واقعی را دارد که خود سازی کرده و با پرستش خدا و بندگی او و انجام کارهای شایسته بندگی غیر خدا را نمی کند و زیر یوغ طاغوت و ظالمین قرار نمی گیرد از این رو خودسازی که اولین بستر برای ایجاد تمدن نوین اسلامی شکل می گیرد.

امام خامنه ای با توجه به مبنای قرآن و روایات به کسب عزت و اقتدار جامعه اسلامی همیشه تأکید دارند. زیرا حکومت و جامعه اسلامی که همواره به خداوند متکی است و عزت و اقتدار خود را در همه عرصه ها در مقابل ظالمین و مستکبران حفظ می کند زمینه ساز تمدن نوین اسلامی می شود. از این رو امام خامنه ای محصول تلاش چهل ساله جمهوری اسلامی

را ایجاد و حفظ کردن عزّت و اقتدار کشور مستقل ایران از طریق پیشرفت علوم و تکنولوژی و توجه داشتن به جریان انقلابی و مقاومت در برابر استکباران و جهاد می دانند. «محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملت مستقل، آزاد، مقتدر، با عزّت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است». (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

از آن جا که شکوفایی «عزّت» به پیدایش عواملی نیاز دارد که بی توجهی به آنها سبب پذیرش ذلت و شکست در انسان می شود و کسب عزّت ملی سبب سرفرازی مسلمانان در مقابل کفار و استعمارگران است. از این رو نگارندگان بر آن شده اند که به بررسی عوامل عزّت ملی از دیدگاه امام خامنه‌ای بپردازند و به این سؤال پاسخ دهند که از دیدگاه امام خامنه‌ای عوامل کسب عزّت ملی چیست؟

### مفهوم شناسی

«عزّت» به معنای حالتی است که از شکست انسان پیشگیری می کند و «ذلت» همان نبود عزّت و شرافت انسان است، به همین دلیل شکست را به راحتی می پذیرد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۴۵-۳۴۴) عزّت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه‌ی مقابل احساس عزّت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه می کند، احساس عزّت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی

سنندج تاریخ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6642۱۳۸۸/۲/۲۲>

عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالشها غلبه می‌بخشد.

(بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۴ / ۳ / ۱۳۹۱) - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>

از این رو معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود (بیانات امام خامنه‌ای، در تاریخ ۹ / ۱۱ / ۱۳۶۸).

این تعریف امام خامنه‌ای از عزت رهنمود مهمی برای شکل‌گیری دولت و جامعه اسلامی می‌باشد که زمینه ساز تمدن نوین اسلامی است.

«بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم مایک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار

مسئولان نظام ۶ / ۸ / ۱۳۸۳) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3256>

### کسب عزت هدف دولت اسلامی

باید عزت و اقتدار ملی در هر دو طبقه‌ی تشکیل دهنده‌ی کشور یعنی ملت و دولت تحقق پیدا کند تا اینکه آحاد جامعه، انسان‌هایی مقتدر و باصلابت باشند و جلوه‌های اقتدار ملی در موضع‌گیری‌های دقیق و به موقع آنان در لحظات خطر و عقبه‌های سرنوشت‌سازی که حضور باصلابت را می‌طلبد؛ دیده شود و هم اینکه جلوه‌های اقتدار کشور در موضع‌گیری‌های مسئولین و دولت مردان مشاهده گردد چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «اقتدار ملی یک مسئله همه‌جانبه و بر دوش همه‌ی دستگاہ‌ها است یعنی یک ملت در مسئولان کشور باید جلوه‌های قدرت و عزت خود را مشاهده کند» بنابراین این گستره

ی این اقتدار در سطح داخلی و خارجی با ابعاد نظامی و سیاسی، فرهنگی، اجتماعی است زیرا یک کشور برای تأمین اهداف تعریف شده خود باید بتواند هم در سطح داخلی با اشرار و ناهلان و متعزّضان به حقوق فردی و اجتماعی مردم با قدرت کامل برخورد کند و هم در سطح بین المللی، توان پیگیری اهداف و منافع کشور و دفاع از هجمه های گوناگون رداشته باشد. البته ممکن است که نحوه اعمال اقتدار در این سطوح یکسان نبوده و در هر یک به فراخور وضعیت خاصی که دارند به تحقق اقتدار و نمایش قدرت اقدام شود. با توجه به آیات قرآن کریم به ویژه عموم مستفاد آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، آیه ۶۰) به صراحت فرمان کسب قدرت و ابزار و لوازم آن را ابلاغ می کند و با توجه به واژه «قوه» در این آیه باید گفت: در تمام قرون و اعصار، مسلمانان باید هر نیرویی را که بتواند عظمت و اقتدار ملی آنان را تأمین و تضمین کند، آماده ساخته و به کار گیرند.

وسیره ی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله و پیشوایان معصومین علیهم السلام و بادر نظر گرفتن شرایط کنونی جهانی باید گفت که تأمین هر نیرویی اعم از امکانات پیشرفته فرهنگی برای بالابردن سطح آموزش و فرهنگ دینی، اخلاقی و سیاسی مردم تا ایجاد بستر مناسب و پررونق و جذّاب برای فعالیت های اقتصادی و تا تجهیزات پیشرفته نظامی و فن آوری های مدرن دنیای کنونی حتی تکنولوژی هسته ای برای استفاده های نظامی و غیر نظامی و هر نوع امکاناتی که بتواند جنبه ی باز دازندگی رادر حدّاعلای آن برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد همگی از مصادیق آیات قرآن کریم و تحت امر «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» قرار می گیرند و هرگونه سستی و یا ترس از بدست آوردن آن ها به منزله ی سر باز زدن از این تکلیف الهی و فرمان صریح قرآن کریم شمرده خواهد شد. لذا امضا نمودن هر پیمانی که کشورهای اسلامی را در اجرای این فرمان، ناتوان و یا محدود سازد با توجه به شرایط سلطه ی ظالمانه ای که دشمنان کینه توز اسلام و مسلمین به صورتی کاملاً صریح و آشکار در جهان اسلام ایجاد کرده اند تخلف از دستورات حیات بخش اسلام و قرآن خواهد بود و عواقب زیانبار آن نیز متوجه کشورهای اسلامی خواهد شد. (محمودی خراسانی، ۱۳۸۸: ۳۱ - ۳۰) با توجه به این



مبنای قرآنی امام خامنه ای؛ هدف نظامی که مبتنی بر دیدگاه اسلام تشکیل می‌شود، را تحقق عدالت، عزت و اقتدار ملی می‌داند. (پیام در پی حماسه‌ی پرشکوه ملت در انتخابات ۲۴ آذر، ۲۸ آذر ۱۳۸۵) و از دیدگاه ایشان مبتنی بر این هدف، اهداف بزرگ ملت ایران نظیر استقلال، عزت ملی و رفاه عمومی، قابل تعریف است. (پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۶، ۱ فروردین ۱۳۸۶) البته باید توجه داشت که اگرچه تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را نیز اراده می‌کند، اما این پیشرفت «برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و هم‌زیستی مهربانانه‌ی مردم با یکدیگر» است که این خصوصیات، پشتوانه‌ی عزت ملت ایران نیز هست (بیانات امام خامنه ای در دیدار مردم شاهرود، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۵)

براساس آموزه‌های اسلامی، یک فرد مسلمان، نایبستی تحت سلطه کفار و بیگانگان قرار گیرد به همین دلیل فقهای شیعه بر این باورند که در مسائل سیاسی، اقتصادی براساس نصوص دینی، احکامی که موجب سلطه کفار بر مسلمانان شود ممنوع بوده و غیرممکن است. شیخ طوسی با استناد به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (خدا هرگز برای کافران راهی برای تسلط بر مؤمنان ننهاده است) (نساء، آیه ۱۴۱). و روایتی از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: خدا اختیار همه کارها را به مؤمن واگذاشته؛ ولی ذلت‌پذیری را به وی وانگذاشته است. آیا نشنیده‌ای که خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ قَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُقَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلاً أَوْ مَا تَسْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ - وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزاً وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلاً قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ لِأَنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْءٍ» همه عزت از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است؟ آن حضرت در ادامه این حدیث می‌فرماید: پس مؤمن عزیز است و ذلیل نیست. مؤمن از کوه نفوذ ناپذیرتر است؛ زیرا از کوه با ضربه‌های کلنگ کاسته می‌شود، اما با هیچ ابزاری نمی‌توان از ایمان مؤمن کاست. (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۹) درباره این هدف چنین می‌گوید: این هدف - نفی سلطه کافر بر مسلمان - در تمامی احکام اسلامی عمومیت داشته مگر اینکه با دلیل شرعی مستثنا شود». (طوسی، ۱۳۷۷: ۱/۶۹۶)

از آن جا که تنها روزنه پیشرفت و ترقی پاشیدن بذر امید درنظام و جامعه اسلامی است و آن حاصل نمی شود مگر آن که دولتمردان و ملت در کشور اسلامی؛ احساس عزت مندی و اقتدار را باتمام وجود خود احساس کنند. و در سایه عزت و اقتدار ملی است که روحیه امید و تلاش برای پیشرفت در درون یک کشور فراهم و زمینه ساز تمدن اسلامی می شود از این رو برآن شدیم که عوامل اقتدار و عزت را از دیدگاه امام خامنه ای بررسی نماییم.

### عوامل کسب عزت از دیدگاه امام خامنه ای

#### ۱. اعتقاد به خدا و ایمان داشتن

قرآن کریم که می فرماید: «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمانست) (منافقون، آیه ۸) عزت اختصاصاً از آن مؤمنان است و اوست که باید عزیز باشد. عزت شایسته اوست و او شایسته عزت است. این نوع توجه به نفس دادن است. (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۲/۸۱۶)

امام علی علیه السلام در روایتی فرمودند:

عن علی علیه السلام قال: «لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ الْإِسْلَامِ وَلَا عِزٌّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى.....» (فرمود: هیچ شرفی برتر از اسلام نیست، و نه عزتی ارجمند تر از پرهیزگاری.....) (شهیدی، ۱۳۷۵: کلمات قصار ۳۷۱/۴۲۷)

اگر مسلمانان اعتقاد و باور داشته باشند که دین اسلام برترین دین است با تقوا و پرهیزگاری سعی می کنند شرافت و عزت خود را در سراسر زندگی به خصوص در روابط بین المللی حفظ نمایند و مبنای عدم رکون به ظالمین و قاعده نفی سبیل را در روابط با بیگانگان اجرایی کنند.

و اگر چنین شخصی در معاهدات بین المللی مسئولیتی داشته باشد با توکل به خداوند می تواند قرار دادهایی وضع نماید که به نفع جامعه اسلامی باشد و عزت مسلمانان در آن حفظ شود هیچ گاه ترس و اندوهی به خود رانمی دهد تا منافع اسلام و مسلمانان را به خطر بیندازد. و این گونه در عرصه های بین المللی خوش می درخشد. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا

وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (و اگر مؤمنید سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید) (آل عمران، آیه ۱۳۹)

اگر مسئولین امور خارجه اعتقاد و باور داشته باشد که جز خدا از هیچ قدرتی نترسند سعی می کنند با آرامش حق را اجرایی نمایند و هیچ گاه در در تعهدات و قرار دادها راه بن بستى راه نمی بینند زیرا می دانند خداوند بهترین راه گشا است. به همین دلیل هیچ گاه قرارداد و تعهدی که برخلاف عزت ملی است امضاء نمی کنند و همواره حضور و قدرت خدا را ناظر و حاضر می بینند.

«وَلَوْ أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ كَانَتَا عَلَىٰ عَبْدٍ لَأَكْبَرْتَهُمَا لَعَجَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا، وَلَا يُؤْنِسُكَ إِلَّا الْحَقُّ.....» امام علی علیه السلام می فرماید: (اگر آسمان ها و زمین بر بنده ای بیند، و او از خدا بترسد، برای وی میان آن دو برون شوی نهد. جز حق مونس تو میباشد، و جز باطل تو را نترساند). (شهیدی، ۱۳۷۵: خطبه ۱۳۰ / ۱۲۹)

رهبر معظم انقلاب در مقاطع مختلف، بر حفظ عزت ملی ایران تأکید بسیار داشته و فرمودند: «همه‌ی ملت ایران، همه‌ی دلسوزان، در این جهت متفق‌اند که عزت ملی برای یک کشور، بسیار بسیار مهم است. اگر عزت بود، امنیت هم خواهد آمد؛ اگر امنیت بود، پیشرفت هم عملی خواهد بود، و الا اگر یک ملت تحقیر شد، همه چیز او به بازی گرفته خواهد شد، حتی امنیت او، حتی ثروت او و همه چیز او. عزت ملی بایستی محفوظ بماند. عزت از جمله مفاهیمی است که با مفاهیم دیگری نظیر کرامت، قدرت و اقتدار قرابت معنایی دارد. به عبارتی، هریک زمینه‌ساز تحقق دیگری است. در قرآن، عزت متعلق به خدا، رسولش و مؤمنین است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است. (منافقون، آیه ۸) از این جهت، عزت متعلق به مؤمن است که او تنها کسی است که با همه‌ی وجود، در مقابل هر چیزی که بوی شیطنت و ظلم و فساد می دهد، مبارزه و مقاومت می کند و فقط بنده‌ی خداست و غیر او را بندگی نمی کند.» (بیانات در دیدار ائمه‌ی جمعه و مسئولان و اقشار مختلف مردم سراسر کشور، ۱ آذر ۱۳۶۸)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2224>

با توجه به آنچه گفته شد، این اسلام است که به یک ملت و کشور عزت و شخصیت می‌دهد. (بیانات در مراسم بیعت مسئولان دستگاه قضایی، ۷ تیر ۱۳۶۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2117>) به عبارتی دیگر، «ملتی که با ایمان صادقانه و صحیح اسلامی حرکت کند، از عزت و راحتی و رفاه مادی برخوردار خواهد شد و دیگر کسی نمی‌تواند چیزی را بر او تحمیل کند» (بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم، ۱۴ تیر ۱۳۶۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2127>)

## ۲. تشکیل حکومت الهی و تکیه بر نیروی مردم

در قرآن کریم، در آیات بسیاری، زندگی زیر سلطه حکومت استبدادی را با بندگی یکسان دانسته و به مسلمانان دستور داده است که خود را از زیر سلطه ستمگران برهانند. (نائینی، بی تا: ۱۹) پس از آنکه فرعون به پرورش حضرت موسی علیه السلام در کاخ خود اشاره می‌کند و بر وی منت می‌نهد، حضرت موسی علیه السلام در پاسخ وی، با لحن قاطع و اعتراض آمیزی می‌گوید: «وَلَيْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ...» (شعراء، آیه ۲۲) [وآیا] این که فرزندان اسرائیل را بنده [خود] ساخته ای نعمتی است که منتشر بر من می‌نهی؟ با اینکه بنی اسرائیل، همانند قبطیان به خدایی فرعون باور نداشتند و به هیچ روی، او را پرشش نکردند، ولی قرآن، سلطه فرعون بر بنی اسرائیل را، گونه ای به بندگی در آوردن آنان دانسته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امویان و مروانیان فرموده است که: «إذا بلغ بنو العاص ثلاثين اتخذوا دين الله دولا وعباد الله خولا» هنگامی که شمار پسران عاص، به سی تن برسد، دین را به دولت تبدیل می‌کنند و بندگان خدا را به بردگی می‌گیرند. (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۸/۱۲۶)

امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه، در شرح گرفتاری بنی اسرائیل و عذاب آنان به دست فرعونیان می‌فرماید: «اتخذتهم الفراعنه عبیدا فساموهم سوء العذاب وجرّعوهم المرار فلم تبرح الحال بهم في ذل المهلكة وقهر الغلبة لا يجدون حيلة في امتناع ولا سبيلاً إلى دفاع»

(فرعونیان آنان را به بندگی گرفتند و در عذاب سخت کشیدند و تلخی -زندگانی را - جرعه جرعه بدیشان نوشانیدند. پس پیوسته در خواری و هلاک بودند و مقهور چیرگی و قدرت، نه چاره ای می یافتند، تا سرباززند و نه راهی که عذاب را از خود دور کنند.)» (شهیدی، ۱۳۷۵: خطبه ۲۱۹/۱۹۲). در همین خطبه، علی علیه السلام پادشاهان ایران و روم را، با اینکه آنان ادّعی خدایی نداشتند، و مردم نیز آنان را پرستش نمی کردند، ولی بدان سبب که رعایای خود را به سان چهار پایان می دانستند، مورد حمله قرار داده؛ و همین محنت را بردگی مقهورین و پروردگاری قاهرین دانسته و می فرماید: «آن روز که کسرها و قیصرها برآنان پادشاه بودند و آنان را از مرزهای پرنعمت و دریای عراق و سرزمین های سبز آفاق می ربودند و به زمین هایی که رستنی آنها درّمنه بود، روانه می نمودند (همان: ۲۲۰)

از این رو یکی از عوامل اصلی عزّت و اقتدار که زمینه ساز تمدن اسلامی است تشکیل حکومت الهی و تکیه حکومت بر نیروی مردمی است. از دیدگاه امام خامنه ای حکومت های طاغوتی و استکبار برای آنکه مردم از آنها اطاعت کنند چاره ای ندارند جز اینکه شخصیت انسانها را خرد کنند و همه عوامل استقلال را در درون انسانها از بین ببرند. روی دیگر سکه استکبار و طغیان دولتمردان، ذلّت و خفّت و بی ارزش شدن مردمی است که در جامعه زندگی می کنند. اگر زمامداران مستکبر و طاغی، بخواهند مردم از آنان اطاعت نمایند، چاره ای ندارند جز اینکه همه عوامل استقلال را در درون انسان ها از بین ببرند و شخصیت انسانها را خرد کنند.

قران درباره یک چهره طغیانگر معروف تاریخ، یعنی فرعون می گوید: «فاستخفّ قوم فأطاعوه» (زخرف، آیه ۵۴) استخفاف مردم، یعنی شخصیت و وزن معنوی آنها را نادیده گرفتن. نظام اسلامی، امروز در مقابل چشمان دوست و دشمن، نظامی مردمی است و باید این رکن اصلی نظام، یعنی اتکای به مردم را تأمین کند. مردم در نظام اسلامی، نقش واقعی دارند، که هیچ چیز نمی تواند جای آن را بگیرد. (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۶: ۲۴۳ تا ۲۴۱)

### ۳. انقلاب عامل تجدید روحیه‌ی عزت

قرآن کریم عزت و برتری را ویژه خداوند و فرستاده وی و مؤمنان می‌داند (فاطر، آیه ۱؛ یونس، آیه ۶۵ و منافقون، آیه ۸). براساس آیات سوره نساء (نساء، آیه ۱۳۸ - ۱۴۰) وابستگی به کافران و پذیرش سرپرستی آنان موجب ذلّت و عذاب الهی و پذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند و گسستن از ولایت غیر او سبب عزّت فرد و جامعه می‌شود (

طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۶ - ۲۱۷): «بَشِّرِ الْمُنْفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا • الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا». قرآن برای تأمین عزت و سربلندی مسلمانان و برتری آنان بر کافران و حفظ و صیانت این موقعیت، مؤمنان را موظف می‌کند تا از هر کاری که موجب سلطه و سیطره کافران گشته و مسلمانان را به وابستگی می‌کشاند دوری کنند (جصاص، ۱۴۰۵ق: ۲/۴۰۶ - ۴۱۰؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۷: ۵۱۳-۵۰۶). حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی و ملت ایران در مناسبات بین المللی، یکی دیگر از نقاط اصلی است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین المللی از دونظر به وجود آورد؛ اول اینکه هیمنه دو ابر قدرت آن روز دنیا را در رابطه شان با دولتهای ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به مرور در چشم ملتها و دولتها به دست آورده بودند به شدت تضعیف کرد. دوم آنکه به ملت ها، دلگرمی و شجاعت بخشید و جرأت و گستاخی در مقابله با دولتهای دست نشانده رابه آنان تزریق کرد. برای حفظ این روند روبه اشتعال و تقویت روحیه ملتهای اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچک ترین تغییری در چهره با صلابت و موضع باعزت خود درمناسبات بین المللی ایجاد نکند، با قلدان، از موضع قدرت و با دولت های ضعیف، از موضع حمایت و با ملتهای به پا خاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند.

(امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری، در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۱۰)

در طول تاریخ دویست ساله‌ی اخیر، قدرت‌های خارجی (مدتی انگلیس، مدتی نیز روسیه و دیگر دول اروپایی و پس از آن، آمریکا) ملت ایران را تحقیر کرده بودند. مردم هم باور

کرده بودند که قابلیت و لیاقت کارهای بزرگ نظیر سازندگی کشور را ندارند و ابتکاری از آن‌ها ساخته نیست. چنین القا شده بود که دیگران باید بر ملت ایران آقایی کنند. بنابراین روح غرور و افتخار ملی در میان مردم از بین رفته بود. اما امام خمینی مجدداً این روحیه را در ملت ایران بیدار و زنده کردند. (امام خامنه ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۳ تیر ۱۳۶۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2142>) در حقیقت، پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل، عاملی بود تا مجدداً روح عزت و استقلال درون بدنه‌ی جامعه دمیده شود؛ به طوری که اکنون انقلاب اسلامی پرچم عزت ملت ماست (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۲۸ بهمن ۱۳۸۱) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3165> و در همان حال که مردم ما از احساسات و نخوت‌های بیجای ناسیونالیستی (که استکبار عامل آن و رژیم منحوس پهلوی مروجش بود) مبرا هستند، اما احساس عزت و قدرت می‌کنند. (امام خامنه ای، بیانات

در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۳ تیر ۱۳۶۸) [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2142)

[content?id=2142](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2142)

#### ۴. اتحاد

قرآن، توجّه مؤمنان را به یگانگی مشرکان و هم دستی آنان در نبرد با مسلمانان جلب کرده و از آنان خواسته تا به سان دشمنانشان با یک پارچگی به نبرد آنان برخیزند: «و قَتَلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يَقْتُلُونَكُمْ كَافَّةً» (توبه، آیه ۳۶). این دستور قرآن کریم مبنی بر این که «[به هنگام نبرد] با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آن‌ها دسته جمعی با شما پیکار می‌کنند.» این مطلب را نمایان می‌سازد که اتحاد و یک پارچگی دشمنان دین در راه مقابله با اسلام و مسلمانان از عوامل گردآورنده مسلمانان در مقابل جبهه‌های مخالف خواهد بود (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶: ۲/ ۸۷) به استناد آیه ی «وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّنَّ طَائِفَةً مِنْهُمْ» (قصص، آیه ۴) فرعون از اهرم تفرقه بنی اسرائیل برای استضعاف و بهره‌کشی از آنان استفاده کرده است. مفهوم آیه این است که در سایه اتحاد بنی اسرائیل،

استثمار آنان ممکن نبوده است (همان: ۸۵/۲). قرآن، منازعه را باعث ایجاد سستی در صف مسلمانان می داند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹۵/۴): «وَلَا تَنْزَعُوا فِتْشَلُوا». (انفال، آیه ۴۶) از مفهوم آیه برمی آید که اتحاد، باعث استواری و استحکام صفوف مسلمانان در برابر دشمنان می شود؛ چنان که در جای دیگر، مؤمنانی را که در کنار یک دیگر صف تشکیل داده، بسان بنیان مرصوص در راه خدا به نبرد می پردازند، ستوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۵/۲۴): «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيُنٌ مَرصوصٌ» (صف، آیه ۴).

قرآن، از مسلمانان خواسته تا با تقویت قوای جسمانی و نظامی، زمینه رعب و وحشت دشمنانشان را فراهم سازند (انفال، آیه ۶۰)؛ بدین رو، آنان را از منازعه برحذر داشته و آن را زمینه ساز از دست رفتن جبروت آنان در دل دشمنان دانسته است: «وَلَا تَنْزَعُوا... وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ». (انفال، آیه ۴۶) گویا اتحاد و یگانگی مؤمنان باعث حفظ این هیمنه خواهد بود و اگر مسلمانان بخواهند این هیمنه خود را در میان جهانیان حفظ کنند، یگانه راه آن، پای بندی به این یگانگی است.» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶: ۸۵/۲)

در دنیای اسلام، اگر اتحاد وجود داشته باشد و دل‌ها به سوی خدا و در گرو احکام او قرار گیرد، عزت ملت‌های مسلمان نیز تأمین خواهد شد. (امام خامنه ای، بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۹ بهمن ۱۳۷۶) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2870>

اتحاد و وحدت کلمه در همه‌ی سطوح آن، خود عاملی برای تجمیع قدرت درونی یک کشور و افزایش توان آن ملت در مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی نیز هست: «اگر [ملتی] به عزت، شرف، استقلال و به هویت انسانی خود معتقد است، باید در خود قدرت دفاع به وجود آورد». البته بخشی از این قدرت، دفاع مادی و سلاح و نظامی است، اما این قدرت، معنوی و وحدت ملی است، همکاری و همدلی مردم با مسئولان کشور است، تلاش مسئولان کشور برای بهروزی مردم است، حفظ وحدت مردم است و در کنار این‌ها، آمادگی



بهترین و برترین و شجاع‌ترین جوانان برای دفاع از کشور، ارزش‌ها، استقلال و عزت ملی است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۴ دی ۱۳۸۲) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3209> به اعتقاد رهبر معظم انقلاب، ملت ما در سه سطح ملت با دولت، دولت با ملت، در بین مسئولان، ملت متحدی است و همین وحدت کلمه در خط اسلام و انقلاب، آن چیزی است که دشمن را عصبانی می‌کند «من به شما مسئولان، به شما کارگزاران کشور، به آحاد این ملت عرض می‌کنم که این را قدر بدانید. عزت شما به این وحدت شماست. عظمت شما در چشم دشمن به خاطر این وحدت شماست. احساس عجزی که می‌بینید دشمن می‌کند به خاطر این وحدت شماست. این را نگهش دارید». (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۱ تیر ۱۳۷۷) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2895>

## ۵. خودباوری

به گزارش قرآن اصحاب پیامبر (ﷺ) در انجیل به زراعتی تشبیه شده‌اند که جوانه‌های آن به تدریج نیرومند شده و بر پای خود ایستاده است، به‌گونه‌ای که کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۱۱۵-۱۱۷): «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْهًا فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّارِعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ...» (فتح، آیه ۴۸). استکبار شیطانی تلاش می‌کند تا با استفاده از امکانات تبلیغاتی و رسانه‌ای و تکنولوژی خیره‌کننده‌ی خود ملت‌ها را از اعتماد به توانایی‌های خودی باز دارد. او چنین تلقین می‌کند که: ... ما شعور و اراده‌ی لازم انسانی را نداریم و در نتیجه باید شعور و اراده خود را که هیچ به درد زندگی نمی‌خورند کنار انداخته، راهی را بشناسیم که اروپایی‌ها برای ما تشخیص می‌دهند و کاری را انجام دهیم که آن‌ها برای ما اراده می‌کنند (طباطبایی، بی تا: ۳۱) و آنان نیز می‌نشینند و چنین مقرر می‌دارند که: «ءامنوا بالذی أنزل علی الذین ءامنوا وجه النهار و اکفروا آخره و لعلهم یرجعون» (آل عمران، آیه ۷۲)؛ «در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد، ایمان بیاورید، و در پایان [روز] انکار کنید؛ شاید آنان [از اسلام] برگردند.»؛ زیرا با نیرنگ

مدعیان علم و فرهنگ اعتماد مؤمنان از آیات الهی سلب شده و گمان می‌کنند نقصی در دین وجود داشته که اینان از باور خود برگشتند. دشمنان، متناسب با منافع خود برای ما سیاست‌گذاری می‌کنند و ما را چون توپ فوتبال به یکدیگر پاس می‌دهند. روزی با اظهار دوستی و روز دیگر با بهانه‌های واهی سفرای خود را فرا می‌خوانند و ما را به قطع روابط اقتصادی و اجماع جهانی تهدید می‌کنند (لطفی، ۱۳۸۳: ۱).

ملت ایران، عزت و سربلندی خود را از استقامت و خودباوری و نفی خودباختگی به دست آورده است (بیانات امام خامنه ای، در تاریخ ۱۴/۳/۱۳۷۶ <https://www.leader.ir/fa/content/15215> // [www.leader.ir](http://www.leader.ir)) اتکای به نیروی درونی یک ملت و خودباوری ملی، یکی دیگر از منابع تأمین کننده ی عزت ملی است. یک ملت وقتی می‌تواند از کرامت، عزت و موجودیتش، به معنای واقعی کلمه دفاع کند که مستقل و متکی به نیروی و اراده‌ی خود باشد و با توکل به خداوند متعال، پیوسته این آمادگی را حفظ کند (در امام خامنه ای، بیانات مراسم مشترک نیروهای مسلح استان کردستان، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6913>) «برای اینکه دنیا روی شما حساب کند، شما باید خودتان را قوی کنید. برای اینکه دنیا مجبور بشود عزت و کرامت شما ملت ایران را نگه بدارد، باید به خودتان متکی بشوید و نیروهای ذاتی خودتان، نیروی علم، نیروی اقتصادی، نیروی کار و قدرت دفاع نظامی را شکوفا کنید. اگر ملتی قوی و یکپارچه شد، اگر ملتی به خدا متکی بود و از شیطان‌ها نترسید، آن ملت، حتی دشمنانش را وادار خواهد کرد که برای او احترام قائل بشوند» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار معلمان و کارگران، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2304>)

به اعتقاد مقام معظم رهبری، ملت‌ها باید به خودشان تکیه کنند تا بتوانند عزتی که شایسته‌ی آن‌اند را به دست بیاورند: (امام خامنه ای، بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام علی علیه السلام، ۶ مهر ۱۳۸۴) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3311> «آن ملتی که قدر خودش را دانست و از قبول ذلت دوری کرد، عزیز

خواهد شد. ملت‌هایی را که می‌بینید ذلیل شدند، خودشان تن به ذلت دادند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا، ۲۳ مرداد ۱۳۶۸) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2163>

اگرچه هر ملتی برای تأمین سعادت و عزت خود، به حرکت سازندگی نیازمند است، (پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۱ خرداد ۱۳۷۵) اما در این راه، «ما به کسی احتیاج نداریم، [زیرا] این ملت، ملتی با شصت میلیون نیروی انسانی و با ذخیره‌ی بسیار باارزشی از تجربه‌ها و سرمایه‌ها، سرمایه‌های مادی، سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های معنوی و دانش و تجربه است. این ملت، خیلی چیزها را در درون خود دارد. ما اگر همه‌ی دروازه‌هایمان را هم ببندیم، از پا نخواهیم افتاد. ما به خودکفایی نسبی کاملی در همه‌ی جوانب رسیده‌ایم.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش، ۲۷ فروردین ۱۳۷۶). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2832>

## ۶. ایستادگی در مقابل دشمنان

از الفبای فرهنگ و باور قرآنی، این است که کفار تحت هیچ عنوانی حق ندارند بر مؤمنین استیلا پیدا کنند و آنها را تحت سلطه قرار دهند؛ از همین رو قرآن کریم به عنوان یک ضابطه و اصل می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ هرگز خداوند برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است» (نساء، آیه ۱۴۱) خداوند کمترین سلطه‌ای را برای کافران بر مؤمنان تشریح نکرده و هرگونه پیمان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را که موجب سلطه کافران و وابستگی مسلمانان گردد حرام و باطل شمرده است (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱۹۰/۱-۱۸۹). سبیل در لغت به معنای «راه» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۲۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۱۹/۱۱) «سَبِيلٌ» و در این آیه به معنای نصر، حجت در دنیا، حجت در آخرت، سلطه اعتباری و سلطه خارجی دانسته شده است (ابن عربی، ۱۴۰۸ق:

۶۴۱/۱ - ۶۴۰). آیه نفی سبیل بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است: جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه جامعه اسلامی و حاکمان آن در حفظ استقلال و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است و جنبه سلبی آن ناظر به نفی سلطه بیگانگان بر سرنوشت سیاسی اجتماعی مسلمانان است (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱۹۰/۱). بر اساس مفاد حرف نفی «لن» که به معنای نفی ابد است کافران هیچ‌گاه در هیچ زمینه‌ای شرعاً نمی‌توانند بر مسلمانان مسلط شوند و نفی سبیل بر همه روابط خارجی در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی حاکمیت دارد و همه روابط باید بر این پایه استوار باشد و با آن ارزیابی گردد (شکوری، ۱۳۷۷: ۳۲۹). از آن جا که رهنمود امام خامنه‌ای به مسئولین به تمسک از قرآن کریم است ایشان به مجاهدت در راه حفظ استقلال کشور و عزت ملی تاکید کرده‌اند. «این مجاهدت، تنها راهی است که ما در پیش داریم و باید نگذاریم در عزم خودمان فتوری به وجود بیاید. این مجاهدت، در میدانهای گوناگونی است که اهم آن‌ها، یکی مجاهدت در راه حفظ استقلال کشور و عزت ملی در برابر سیاست توسعه طلبی و انحصار طلبی ای است که آمریکا در نگاه چند ساله اخیر خود به دنیا دارد. این انحصار طلبی و تجاوز گری، به کشورهای دنیای اسلام یا کشورهای شرق یا محیط خاورمیانه اختصاص پیدا نمی‌کند، ناظر به همه دنیا است. امروز، حتی اروپایی‌ها هم احساس می‌کنند که از سوی آمریکا مورد تعرض و تجاوز اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قرار گرفته‌اند و این یک واقعیت است. در این میدان باید هوشیارانه مجاهدت و مقاومت کرد و نگذاشت استقلال کشور آسیب ببیند و عزت ملی پایمال شود؛ عزتی که امروز به برکت اسلام و با مجاهدت مردم، برای کشور به وجود آمده است، باید با همه وجود آن را حفظ کرد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۲/۶/۱۹) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3192>)

دشمن مودبگری می‌کند، راه را دشوار می‌کند، هزینه‌هایی را بر ما تحمیل می‌کند؛ منتها رسیدن به مرتبه‌ی عالی عزت و پیشرفت، هزینه‌هایی هم دارد. پیدا کردن عزت و اعتلا هزینه دارد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵) <https://>

[//farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3186](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3186)

موفقیت هر ملت در پیشرفت‌های خود، نسبت معکوسی با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد؛ یعنی هرگاه نفوذ یک قدرت خارجی (گرچه علناً اظهار دشمنی نکرده باشد) در بین مردم و فضای سیاسی آن کشور بیشتر باشد، فاصله‌ی آن ملت از آینده‌ای همراه با عزت و افتخار بیشتر است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۱ آبان ۱۳۷۹). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3033>

هر نظام سیاسی که توانسته باشد به ملت خود تکیه کند و سرچشمه‌ی ایمان، اعتماد به نفس و وحدت ملی را میان آنان جوشان سازد، خواهد توانست در برابر نفوذ بیگانگان مقاومت کند (پیام به نشست سالیانه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، ۲۱ شهریور ۱۳۸۱).

ممکن است تصور شود که ایستادگی یک ملت در برابر نفوذ بیگانگان، موجب انزوای او شود، اما در حقیقت، این مقاومت، عزت ملی او را تقویت می‌کند. همچنان‌که باید توجه داشت رابطه با دولت آمریکا یا هر دولت دیگر، گرهی از کار ملتی که خودش نتواند دردهای خود را علاج کند، باز نمی‌کند. امروز عزت مردم ایران نیز بر اثر وجود همین روح استکبارستیزی در میان آحاد افراد جامعه است. مقام معظم رهبری بارها تکرار کرده‌اند: عزت ملت از استقرار او بر روی مواضع انقلابی و استحکام مواضع دینی و ملی اوست، نه از گرایش به این و آن. نه از اتکا به این و آن. نه از التماس کردن و ایجاد رابطه پیش این یا آن دولت. «ما بارها تکرار کرده‌ایم، ما ملتی هستیم که خودمان تصمیم می‌گیریم. ما نمی‌توانیم منتظر بمانیم تا فلان کشور، فلان دولت، فلان وزیر خارجه یا رئیس‌جمهور به ما توصیه کند که شما چاره‌ای ندارید جز اینکه با آمریکا رابطه برقرار کنید! نه آقا، چاره داریم. چاره این است که بر روی مواضع سرشار از عزت، که ناشی از اسلام، ناشی از ملت ایران و از قدرت اسلامی و ملی ماست، محکم بایستیم تا همه‌ی کسانی که بیگانه از ما هستند، احساس کنند در

مقابل این ملت، نمی‌شود با قلدری حرف زد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱ فروردین ۱۳۷۷ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2879>)

«از همین روی، مبارزه با استکبار (که مظهر استکبار، امروز دولت آمریکا است) از اجزای ذاتی انقلاب اسلامی و از جمله خواسته‌های اصلی و اساسی ملت ایران است. چنانچه این ملت مبارزه با استکبار را رها کند، بدین معناست که به ذلت دخالت بیگانگان در امور داخلی و وضعیت بسیار تهدیدآمیز قبل از انقلاب تن داده است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۲ آبان ۱۳۷۸. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2978>)

از این رو امام خامنه‌ای در بیانات خود به عدم مذاکره با آمریکا در شرایط تهدید تأکید داشتند. زیرا مذاکره با استکبار عزت مسلمانان را به خطر می‌اندازد. (امام خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3111> ۸۰/۱۲/۲۷)

### ۷. مشارکت عمومی

خداوند می‌فرماید: «لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ»: (رعد، آیه ۱۱) «هر چیز پاسبان‌ها از پیش رو و پشت سر بر گماشته که به امر خدا او را نگهبانی کنند (و خدا با آن همه مهربانی به خلق) و خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حال‌شان را تغییر دهند و هر گاه خدا اراده کند هر قومی را به بدی اعمال‌شان عقاب کند هیچ راه دفاعی نداشته و هیچکس را جز خدا یارای آن که بلا را بگرداند نیست.» (الهی قمشه‌ای، ۱۴۱۰) با توجه به این آیه که خداوند متعال به روشنی عامل پیشرفت و پس‌رفت هر جامعه‌ای را بیان می‌دارد و این عامل را اراده‌ی خود مردم آن جامعه می‌داند و به فرموده‌ی خودش سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که خودشان بخواهند و با تلاش فراوان خودشان به سمت پیشرفت خودشان قدم بردارند.

حضور در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مشارکت مردمی مظهر عزت ملی است. به نظر نگارنده، میزان شرکت مردم در عرصه‌های سیاسی نشان از حمایت و پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی است. و مقام معظم رهبری به این مؤلفه به‌عنوان عامل سربلندی ملت ایران وزمینه ساز برای دستیابی به آرمان‌های والای انقلاب می‌نگرند و معتقدند:

«هرکس که می‌خواهد این کشور و این ملت عزیز، سربلند و موفق باشد، باید در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی این کشور حضور داشته باشد که مظهر اعلاى آن هم همین انتخابات است». (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۹ مهر ۱۳۷۷) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2913>

خود انتخابات، مظهر اقتدار ملی است. اگر ملت عزیز ایران بتواند در... انتخابات، آرای فراوان خود را به میدان آورد و حضور مردمی، حضور چشمگیری باشد، این بزرگ‌ترین مظهر اقتدار و عزت ملی است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱ فروردین ۱۳۸۰) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3059>

همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «به شما ملت عزیز عرض می‌کنم که همین حضور در صحنه را حفظ کنید، تا عزت و اقتدار و قدرت مادی و معنوی‌تان محفوظ باشد. این اتفاق کلمه‌ای که بحمدالله در میان شما برقرار است و دشمن نتوانسته است آن را به هم بزند، حفظ کنید تا عزت و اقتدار و آبرو و حیثیت شما در دنیا و تأثیرگذاری‌تان بر روی ملت‌های دیگر، به همین شدت و قوت و قدرت و عظمت باقی بماند.» (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۲۱ بهمن ۱۳۷۵) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2826>

## ۸. تولید علم

علم و قدرت، عین یکدیگرند. علم، عین قدرت است و قدرت عین علم است و این تفکیکی که انسان میان علم و قدرت می‌کند، تنها از نظر مفهوم است. اصلاً خود علم،

قدرت است و قدرت، علم است. بنابراین در ذات پروردگار هر دو به شکل واحد، موجود است (احتشام، ۱۳۸۸: ۴۸).. ما می بینیم قرآن در آیه ای که صحبت از علم است می فرماید: «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (نجم، ۵). «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ» (نمل، آیه ۴۰)

و در آنجا که صحبت از قدرت است، علم را به میان می آورد (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۹۰). قرآن می فرماید: کسی که دانشی از کتاب نزد او بود، گفت من آن (تخت بلقیس ملکه سبا) را پیش از آنکه چشم برهم زنی، نزد توو هنگامی که آن را نزد خود مستقر دید، گفت: این از فضل و بخشش پروردگار من است (احتشام، ۱۳۸۸: ۴۸).

و در روایاتی امام علی علیه السلام علم را سلطان معرفی می کند: قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۲۰ / ۳۱۹). یک ملت برای زندگی راحت، عزیز و باکرامت، به قدرت علمی احتیاج دارد: «اینکه ما روی علم تکیه می کنیم، فقط به جهت احترام آرمانی به علم نیست که البته این خودش یک نقطه‌ی مهمی است [و] اسلام برای علم ارزش ذاتی قائل است، لیکن علاوه بر این ارزش ذاتی، علم قدرت است. یک ملت برای اینکه راحت زندگی کند، عزیز زندگی کند، باکرامت زندگی کند، احتیاج دارد به قدرت. عامل اصلی که به یک ملت اقتدار می بخشد، علم است. علم، هم می تواند اقتدار اقتصادی ایجاد کند، هم می تواند اقتدار سیاسی ایجاد کند، هم می تواند آبرو و کرامت ملی برای یک ملت در چشم جهانیان به وجود بیاورد. یک ملت عالم، دانا، تولیدکننده‌ی علم، در چشم جامعه‌ی بین‌المللی و انسان‌ها طبعاً باکرامت است.» (امام خامنه‌ای، بیانات، در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451>)

بر همین مبنا، «حرکت علمی برای کشور ما یک ضرورت مضاعف است، یک نیاز مضاعف و مؤکد است. از این جهت نیاز است که عامل عزت، قدرت و امنیت یک ملت محسوب می شود و از این حیث، مضاعف و مؤکد است که در طول صد سال از بهترین



زمان‌ها، به این وظیفه عمل نشده است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار نخبگان جوان،

۱۲ شهریور ۱۳۸۶ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3399>)

به همین علت، رهبر معظم انقلاب نقش و رسالت دانشگاه را یک نقش تعیین کننده (ولو برای زمان حال نباشد) برای آینده‌ی کشور می‌دانند: «امروز تصمیم دانشگاهیان و همت دانشگاهیان، مثل نقش سوزن بانی است که دو مسیر ریلی را به کلی از هم جدا می‌کند. شما الآن سوزن بانید؛ می‌توانید با همتی که در این برهه از زمان می‌کنید، ریل حرکت ملت ایران را به سمت رفاه و عزت و ترقی و استقلال کامل قرار بدهید و می‌توانید خدای نکرده با عدم تحرک لازم و با عدم اجابت به نیاز امروز، جور دیگری عمل کنید و نتیجه‌ی دیگری حاصل بشود».

به اعتقاد امام خامنه ای، اگر ملت ایران می‌خواهد آینده‌ای همراه با استقلال، عزت و عدم وابستگی داشته باشد، این امر جز با «عالم شدن این ملت» محقق نمی‌شود. [همه] باید عالم بشوند و علم در این کشور ترقی پیدا کند. «از سوی دیگر، باید توجه داشت که آن علمی مایه‌ی ترقی و عزت ملی است که درون‌زا باشد و به عبارتی، «علم وارداتی، علم (به معنای حقیقی کلمه) نیست؛ علم درون‌زاست که اقتدار می‌بخشد. اینکه من مسئله‌ی تولید علم و شکستن مرزهای علم را مطرح کردم، به خاطر این است و باید آن را جدی بگیرید. حوزه‌ها سهمی دارند در بخشی، دانشگاه‌ها هم سهم عمده‌ای دارند در بخش دیگری. امروز اساتید و مدیران دانشگاه باید این‌گونه به دانشگاه نگاه کنند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3382>

البته این مهم به‌سادگی به دست نیامده و هیچ ملتی با تنبلی و تن‌آسایی نمی‌تواند به عزت برسد: «رسیدن به استقلال، رسیدن به عزت ملی، رسیدن به کرامت انسانی، برای یک ملت هزینه دارد که باید این هزینه را متحمل شد و باید تلاش کرد، باید به عاقبت کار، امیدوارانه و واقع‌بینانه نگاه کرد که یک نگاه واقع‌بینانه، امید به انسان خواهد بخشید.» (امام

خامنه ای، بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی، ۱۸ بهمن ۱۳۸۴: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3330>

«بینید، علم مایه‌ی قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزشهای خود واز نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد... برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36851387/6/5>

دشمن دنبال این است که عوامل اقتدار ملی را از بین ببرد... حرکت علمی را متوقف کند (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۵/۱۰/۱۹) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35367>

#### ۹. استفاده از ظرفیتهای داخلی

از دیدگاه امام خامنه ای عامل مؤثری که می تواند در کسب عزت ملی اثر گذار باشد تکیه بر ظرفیت داخلی است و با برنامه ریزی درست و دقیق و حساب شده می توان ظرفیت داخلی را فعال کرد و آن را به ثمر رساند. «نکته ی سوم، تکیه بر ظرفیت های داخلی است که در این سیاست ها دیده شده، در این سیاست های اقتصاد مقاومتی تکیه ی اصلی بر روی ظرفیت های داخلی است». (امام خامنه ای، در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25795>

شریفه‌ی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، آیه ۶۰) به احتمال زیاد منظور از «قُوَّة» فقط قوه‌ی نظامی نیست؛ البته قوه‌ی نظامی هم هست اما فقط قوه‌ی نظامی نیست. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ هرچه میتوانید، درون خودتان را قوی کنید.

معنای این استحکام ساخت داخلی کشور که بنده مکرر میگویم، این است. از لحاظ علمی خودتان را قوی کنید، از لحاظ فناوری خودتان را قوی کنید، از لحاظ تولید داخلی قوی کنید، از لحاظ نفوذ در بازارهای خارجی قوی کنید، از لحاظ کشف ظرفیتهای فراوانی که در این کشور هست و هنوز استفاده نشده است، قوی کنید و این ظرفیتهای را به کار بگیرید. ما که در سیاستها اعلام کردیم که کشور باید به رشد هشت درصد برسد، بعضی گفتند نمیشود! بعد متخصصین و کارشناسها آمدند گفتند اگر ما ظرفیتهای را ملاحظه کنیم، رشد بیش از هشت درصد هم ممکن است در کشور اتفاق بیفتد! نه رشد به معنای اینکه ما نفت بیشتر بفروشیم - البته این مفید است لکن این آن چیزی نیست که مورد نظر ما است - یعنی رشد تولید داخلی کشور، استحکام اقتصادی داخل کشور؛ یعنی همان اقتصاد مقاومتی که ما بارها تأکید کرده ایم و تکرار کرده ایم. آن وقت یک عده ای می آیند روی کمبودها انگشت میگذارند، مبالغه میکنند، اغراق میکنند، پیشرفتهای را نمی گویند، راه حلها را هم نمیگویند! اتفاقاً اینها همان کسانی هستند که خودشان به دشمن گرا دادند که ایران را تحریم کنند؛ گرای تحریم را اینها دادند. خود همینها بیش از همه - در داخل کمتر، در خارج بیشتر - روی نقاط ضعف تکیه می کنند (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35690> (۱۳۹۵/۱۱/۲۷)

بنابراین از دیدگاه امام خامنه ای سه عامل اساسی اقتدار ملی اینها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون، و حفظ روحیه انقلابیگری در همه بخصوص در جوانها؛ اینها است که میتواند کشور را حفظ کند؛ آن وقت دشمن مأیوس خواهد شد (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۴ / ۱۶ / ۱۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30716>)

اقتدار ملی، یعنی اقتدار ملت. اقتدار ملت در عملکرد مسؤولان یک کشور خود را نشان می‌دهد. اگر عملکرد مسؤولان در گذاردن و اجرای قانونها، در صداقت و پاکدامنی، در تلاش و خستگی‌ناپذیری، در به میان آوردن ابتکارهای خلاق و کارساز، در الگو قرار دادن انسانهای برجسته و نمونه، در طرد کردن انسانهای فاسد - که این زمینه‌ها هم جز با ایمان مخلصانه‌ی به خدا به طور کامل میسر نیست - عملکرد خوبی باشد، ملت احساس اقتدار می‌کند. اقتدار ملی، هم زمینه‌ی نظامی دارد، هم زمینه‌ی اقتصادی دارد، هم زمینه‌ی سیاسی دارد، هم زمینه‌ی سازمانی دارد. در همه‌ی زمینه‌ها مسؤولان می‌توانند کاری کنند که ملت احساس اقتدار کند. وقتی که دشمنی به مرز حمله می‌کند، اگر مسؤولان دفاع از مرزها وظیفه‌ی خودشان را خوب به انجام رسانند، ملت احساس اقتدار می‌کند. هنگامی که سیاستمداران زورگویی جهانی با انواع بازیهای سیاسی خواستند بر کشور و ملتی چیزی را تحمیل کنند، اگر دستگاه سیاسی آن کشور توانست هوشیارانه و مدبرانه تحمیل دشمن را پس بزند، ملت احساس اقتدار می‌کند. وقتی که همه‌ی سرمایه‌اندوزان بین‌المللی سعی می‌کنند یک ملت و یک کشور را در چنبره‌ی اختاپوس اقتصادی خودشان درآورند و با نام‌های فریبنده و بناحق، منابع یک ملت را جذب کنند، اگر مسؤولان اقتصادی کشور توانستند با تدبیر و هوشیاری و با سرعت عمل متناسب، تدابیر لازم را پیش گیرند و مانع از نفوذ پنجه‌ی دشمن در اقتصاد کشور شوند و اقتصاد ملی را شکوفا کنند، ملت احساس اقتدار می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش ۲۸ /

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3060> (۱۳۸۰/۱)

(موسسه فرهنگی خاکیز ایمان و اندیشه، ۱۳۹۵: ۶۲)

اقتدار ملی یک مفهوم و مقوله‌ی کاملاً پیچیده و مرکب است که نه به معنای نظامیگری است و نه نظامیگری نبودن آن باید بهانه‌ای برای منزوی کردن کار نظامی شود. نظامیان هم به نوبه‌ی خود در اقتدار ملی شریکند. در یک مجموعه‌ی نظامی، اقتدار ملی با کارایی نظامی و رشد خُلقیات جوانمردانه در آنها، خود را نشان می‌دهد (امام خامنه‌ای، بیانات در

دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش ۲۸ / ۱ / ۱۳۸۰  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3060>

### ۱۱. در خدمت مردم بودن مسئولان

قرآن کریم نشانه‌های دولت اسلامی را مردمی فکر کردن و برای مردم بودن آنها می‌داند و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» «اوست خدایی که میان عرب امی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا تلاوت کند و آنها را از لوث جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد با آنکه پیش از این همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند (جمعه، ۲) (علیزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۵).

یکی از محورهای اساسی اهمیت و ضرورت خدمت به مردم نوع تعامل میان دولتمردان و ملت است. خدمت‌رسانی مسئولان و کارگزاران به ملت، و در مقابل، حمایت‌های ملت از سیاست‌های دولت تبلور حقیقی این تعامل است. نکته مهم و دقیقی که از آثار و اندیشه‌ها و دغدغه‌های امام و مقام معظم رهبری استنباط می‌گردد این است که مردم ایران تا موقعی در فرایند تثبیت و استمرار نظام جمهوری اسلامی و استحکام بنیان‌های آن قرار می‌گیرند و از پشتیبانی مسئولان و کارگزاران و سیاست‌های کلی نظام دریغ نمی‌ورزند که خدمات دولتمردان را عملاً در همه سطوح مشاهده نمایند؛ در غیر این صورت، گسست مسئولان و ملت پدید می‌آید و به مرور زمان، مطالبات به عنوان اهرمی قوی نقطه مقابل سیاست‌های دولت قرار می‌گیرد و این آغاز یک فاجعه است که نظام را به سمت دیکتاتوری سوق می‌دهد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۱۷).

البته جای بسی تأسف است که با یک توهم غلط دولتهای کشورهای ضعیف نه تنها در حال حاضر بلکه همیشه، به عنوان تحکیم موقعیت خود و گروه خاصی از مردم آن کشورها که یک اقلیت راحت طلب و فرصت طلبی را تشکیل می‌دهند، وابسته به

ابرقدرت‌ها بوده‌اند. در حالی که این امر نه تنها به مصلحت ملت‌ها نبوده حتی به مصلحت خود دولت‌ها و نیز آن اقلیتی هم که این‌ها می‌خواهند از آنها حمایت کنند، نیست چون طبیعی است کمترین پیامد وابستگی یک مملکت به یک ابرقدرت، از دست رفتن و یا حداقل ضربه خوردن ذخایر مادی آن مملکت است و از طرفی هم بدیهی است به هر مقدار که ذخایر یک مملکت استحکام خودش را از دست بدهد، به ثبات و استحکام آن دولت و ملت ضربه وارد می‌شود. همچنین خود آن دولت‌ها و اقلیت فرصت طلب نیز زیان خواهند دید (علیزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۶).

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «ما الآن تکلیف زیاد داریم، ما مواجه هستیم با یک ملتی که همه چیز خودش را در طبق اخلاص گذاشته است و برای اسلام دارد صرف می‌کند... شکر این نعمت به این است که ما مردم را شریک بزرگ بدانیم در این حکومت. حکومت نیست، باید همه خدمتگزار باشیم برای این ملت، برای این جوانها و برای این پیرها و زن‌ها و مردها». (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۵/۲۰).

دولت جمهوری اسلامی با دو عامل ارتباط واقعی با خدا و توجّه مردم دارای یک اقتدار حقیقی است. در واقع اقتدار دولت هم همان اقتدار ملی است. آنچه که به عنوان اقتدار ملی در یک کشور ذکر می‌شود، همین است که دولتی مقتدر و دلسوز و علاقه‌مند در رأس کارها باشد و مصالح مردم را درست تشخیص دهد و راهها را با قدرت و قوت پیماید و از تهدیدهای خارجی خصومت‌های گوناگون و احیاناً بعضی از کارشکنی‌های داخلی واهمه نکند این وضعیت بحمد الله در کشور ما مشاهده می‌شود. اقتدار ملی که در حقیقت قدرت دولت است، دو پایه دارد: یکی ارتباط واقعی با خدا؛ یعنی کار برای خدا انجام گیرد و هیچ کس برای جهات مادی و مسائل شخصی آن را انجام ندهد. نمی‌خواهیم بگوییم منظور از «هیچ کس» این است که در سطح کارکنان دولت احدی این گونه نباشد. طبعاً این یک آرزوی دوری است؛ ولی منظور ما مسؤولان و سررشته‌داران امورند که می‌باید رابطه‌ی خودشان را با خدا خوب کنند. اگر ما دیدیم که اقتدار ملی وجود دارد و دولت توانایی کار

دارد، باید کشف کنیم که این امر تأمین شده است.

رکن دیگر توجه مردم است که: «من کان لله کان الله له»، «من اصلاح ما بیننا و بین الله اصلاح الله ما بیننا و بین الناس»؛ اگر انسان رابطه خود با خدا را درست کرد، خداوند رابطه او با مردم را درست خواهد کرد. (امام خامنه ای، در بیانات در دیدار با رئیس جمهور و هیأت وزیران ۱۳۸۶/۶/۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7547>) راز این اقتدار ملی و این قدرت بزرگ در چیست؟ در ایمان اسلامی، در تعبد اسلامی، در وحدت کلمه، در همراهی و همدستی و همدلی ملت و دولت و همکاری مسوولین با مردم. این، راز اصلی است. این را باید حفظ کنید (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم استان چهارمحال و بختیاری در تاریخ ۱۳۷۱/۷/۱۵ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2637>)

باتوجه به مبانی قران کریم از دیدگاه امام خامنه ای دولت جمهوری اسلامی باید دارای اقتدار ملی و همراه و همدل با مردم باشد و از تهدیدهای خارجی خصوصتهای گوناگون و احیاناً بعضی از کارشکنی های داخلی نهراسد تا به تواند زمینه ساز تمدن نوین اسلامی باشد.

#### نتیجه:

عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله با دشمن، در مقابله با موانع، دارای اقتدار می کند و بر چالشها غلبه می بخشد. واقتدار ملی در زمینه نظامی، اقتصادی و سیاسی است. از مهم ترین عامل عزت و اقتدار از دیدگاه امام خامنه ای تشکیل حکومت الهی و مبارزه با طاغوت است زیرا حکومت های طاغوت برای اطاعت پذیری خود همواره به دنبال استخفاف مردم هستند در حالی که حکومت الهی با تکیه بر مردم به دنبال حفظ عزت مردم هستند. از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ جامعه و نظام اسلامی، در هیچ یک از برخوردهای بین المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود و این دیدگاه ایشان مبنای قرآنی و روایی دارد و از دیدگاه ایشان هدف نظامی که مبتنی بر دیدگاه اسلام تشکیل می شود، تحقق عدالت،

عزت و اقتدار ملی است. و امام خامنه ای راز اقتدار ملی را در ایمان اسلامی و وحدت کلمه بین ملت و مسئولین نظام، اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و حفظ روحیه انقلابی گری می دانند. شکوفایی «عزت» به پیدایش عواملی نیاز دارد که بی توجهی به آنها سبب پذیرش ذلت و شکست در انسان ها و جوامع می شود. از دیدگاه امام خامنه ای عوامل عزت و اقتدار آفرین اعتقاد به خدا و داشتن ایمان، ایجاد انقلاب اسلامی، اتحاد، خودباوری، ایستادگی در مقابل دشمن، ، مشارکت عمومی، استفاده از ظرفیت داخلی، عملکرد درست و در خدمت مردم بودن مسئولان است که اگر این عوامل اقتدار در نظام اسلامی و دولت و جامعه اسلامی ایجاد و پایدار شوند زمینه ساز تمدن نوین اسلامی می شوند.



## فهرست منابع

- \*قرآن کریم، (۱۲۹۹)، مترجم مهدی فولادوند، تهران، چاپ اول، مؤسسات تحقیقات و نشر معارف اهل بیت
- \*قرآن کریم، مترجم مهدی الهی قمشه ای (۵۱۴۱۰)، تهران، چاپ اول.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، قم، ج ۲۰، چاپ اول، آیت الله مرعشی النجفی
۲. ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن، بیروت، ج ۱، دار الجیل.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، ج ۱۱، دار صادر.
۴. احتشام، حسن، (۱۳۸۸)، خاستگاه تولید علم در قرآن، فصلنامه دین و سیاست، ش ۱۹-۲۰، ۱۳۸۸
۵. الاحسائی، محمد بن علی (۱۴۰۵)، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، قم، ج ۱، چاپ اول، انتشارات سید الشهداء.
۶. آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶ش)، غررالحکم ودررالكلم، قم، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۷. بجنوردی، سید محمد بن حسن، (۱۴۰۱ق)، قواعدالفقهیه، تهران، ج ۱، مؤسسه عروج
۸. جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، بیروت، ج ۲، دار إحياء التراث العربی.
۹. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۲)، ابعاد خدمت رسانی، انتشارات سپهر اندیشه، پژوهشکده تحقیقات اسلامی (نمایندگی ولی فقیه در سپاه).
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل وسائل الشریعه، قم، ج ۱۶، چاپ اول، مؤسسه ی آل البيت علیهم السلام
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳)، مفردات الفاظ قرآن، تهران، المکتبه

المرتضویه لاحیای آثار الجعفریه

۱۲. شکوری، ابوالفضل، (۱۳۷۷)، فقه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب قم.
۱۳. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۵)، نهج البلاغه، بی جا، چاپ نهم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، (بی تا)، معنویت تشیع، بی جا، انتشارات تشیع.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، جلد ۴، چ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ج ۳، چ سوم، انتشارات ناصر خسرو
۱۷. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام ۱۰ جلدی، تهران، ج ۶، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه
۱۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۳۷۷ق)، کتاب الخلاف، تهران، ج ۱، چاپخانه رنگین.
۱۹. علیزاده، محمد جواد، (۱۳۷۷)، قرآن و مدیریت راستین، مشهد: انتشارات رستگار.
۲۰. فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، ج ۷، الفهارس دارالملاک.
۲۱. لطفی، محمود، (۱۳۸۳)، فرهنگ و اجتماع خودباختگی و خودباوری در قرآن کریم، نامه جامعه ۱۳۸۳ شماره ۱.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲)، بحار الانوار، تهران، ج ۶۲، چاپ سوم، دارالکتب اسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴)، بحار الانوار، بیروت، ج ۷۵، موسسه الوفاء
۲۴. محمودی خراسانی، محمد (۱۳۸۸)، عوامل اقتدار ملی از منظر قران وحدیث، قم، چاپ اول، ناشر آشنا.

۲۵. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۶)، دائره المعارف قرآن کریم، قم، ج ۲، بوستان

کتاب

۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، ج ۲۲، صدرا.

۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، نبوت، تهران، صدرا.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، ج ۲۴ - ۲۲، چ اول، دارالکتب

الإسلامیه

۲۹. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، ج ۲۰، چاپ

اول، پاییز ۱۳۷۸.

۳۰. مؤسسه فرهنگی قدرولایت (۱۳۸۶)، ولایت بیانات و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب

اسلامی، تهران، چاپ دوم، ناشر مؤسسه فرهنگی قدرولایت

۳۱. نائینی، محمدحسین (بی تا)، تنبیه الامة و تنزیه الملة، تهران، شرکت سهامی انتشار

سایت ها

۱. سایت مقام معظم رهبری

---

## مبانی قرآنی «مرزبندی با دشمن» در بیانیه گام دوم انقلاب

---

احد داوری چلفائی<sup>۱</sup>

### چکیده

«مرزبندی با دشمن» یکی از شاخه‌های اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب بر آن تأکید کرده است، در این بیانیه که در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران منتشر شده است، نقشه کلان و سیاست‌های راهبردی انقلاب اسلامی در چهل سال دوم، ترسیم شده است؛ لذا بررسی آن از نگاه تعالیم و حیانی قرآن، علاوه بر تأکید بر مطلب و تأیید آن، علو محتوا و منشأ قرآنی بیانیه را روشن می‌کند. از این رو پژوهش حاضر در پی بررسی مهم‌ترین ریشه‌های قرآنی مرزبندی با دشمنان است و قصد دارد با تحلیل آیات قرآن به روش تحلیلی توصیفی و با کمک منابع کتابخانه‌ای، به این سؤال پاسخ دهد که ریشه‌ها و مستندات قرآنی مرزبندی با دشمنان چیست؟ نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد طبق آیات قرآن، نمونه‌هایی از مرزبندی شفاف در سیره پیامبرانی همچون پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت ابراهیم، حضرت لوط و حضرت موسی عَلَيْهِمُ السَّلَام در حوزه مسائل اعتقادی، اخلاقی،

---

۱. دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

رفتاری با دشمنان بیرونی و مفسدان داخلی وجود دارد تا جبهه نیروهای حق از باطل تمیز گردد.

واژگان کلیدی: مرزبندی، دشمن، بیانیه گام دوم انقلاب، رهبر معظم انقلاب، پیامبران، قرآن کریم

## ۱. مقدمه

ولی فقیه عهده‌دار مسئولیت رهبری انقلاب بوده و بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، وظیفه تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را بر عهده دارد؛ همچنین از آنجایی ولی فقیه، ولایت فقاہت را در عصر غیبت معصوم علیه السلام بر عهده دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳۷ - ۲۳۹)، وظیفه حفاظت از ثقلین (قرآن و روایات) را عهده دار است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۴۲ و ۲۴۳)، از طرف دیگر با توجه به توانایی اجتهادی از قرآن کریم (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳۷ و ۱۳۸) سیاست‌های کلی کشور را بر مبنای دستورات دینی، استخراج و تبیین می‌کنند؛ بررسی سیره نظری و عملی بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که تبیین سیاست‌های کلی و رهنمایی گروه‌های مختلف مردم و مسئولان، بر مبنای تعالیم و حیانی قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که کمتر می‌توان پیام یا سخنرانی از آنها یافت که به آیه‌ای استناد نشده باشد یا مطالب برگرفته از احادیث ائمه علیهم السلام نباشد. سیره نظری و عملی رهبران انقلاب، ریشه در این اندیشه دارد که انقلاب را ادامه راه بعثت انبیاء علیهم السلام می‌داند؛ لذا در تبیین سیاست‌های کلی انقلاب نیز، در موارد متعددی از انقلاب انبیاء و سیره آنها الگو می‌گیرند؛ حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در پیامی به این ویژگی اشاره کرده و می‌فرماید: «هدف انقلاب ما همان هدف پیامبر عظیم الشان است. با صبر و تحمل انقلابی به پیش، تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶ / ۴۴ و ۴۵). همچنین می‌فرماید: «انقلاب در راه هدف الهی و استقرار حکومت الله همان است که انبیای عظام در راه آن فداکاری‌ها نمودند و پیامبر عظیم الشان اسلام تا آخرین لحظات زندگی پربرکت خود در راه آن با همه توان، فداکاری و ایثار فرمود؛ و امامان بزرگوار اسلام هر چه داشتند نثار آن کردند. ما نیز که خود را پیرو آنان و امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - می‌دانیم باید اقتدا به آنان نموده و در سبیل حق، مشکلات را با صبر انقلابی تحمل نماییم و از خرابکاری‌های دغل‌بازان که آثار شکست و زبونی در آن مشاهده است نهراسیم؛ و در راه هدف حق و اسلام بزرگ چونان

انبیای عظام و اولیای معظم فداکاری و ایثار نماییم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۱۵ / ۶۳). در این اندیشه، انقلاب به قدرت و گروه خاصی وابسته نیست و تنها وابستگی آن به اندیشه‌های وحیانی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۱۴۶ / ۱۵ و ۱۴۶؛ نیز ۵ / ۵۴۴ و ۵۴۵؛ ۷ / ۲۴۰ و ۲۴۱).

بنابراین مسیر انقلاب، از ابتدای پیروزی بر محور انقلاب انبیاء در حرکت بوده و توانسته پس از چهل سال، از نهالی نوپا به درختی تنومند تبدیل شده و مسیر تعالی را در پیش بگیرد. رهبر معظم انقلاب پس از چهل سال حرکت انقلاب، در بیانیه‌ای سیاست‌های کلی چهل ساله دوم انقلاب را اعلام کردند که در بخشی از آن، «مرزبندی با دشمنان» را یکی از شاخه‌های اصلی «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی دانسته و بر ضرورت مرزبندی با کشورهای استکباری و کشورهای خدعه‌گر تأکید کردند: «امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند» (بیانیه گام دوم انقلاب، مورخه ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). مقام معظم رهبری، علاوه بر بیانیه گام دوم انقلاب، در موارد دیگری نیز به مرزبندی با دشمن تأکید کرده‌اند، از جمله به افرادی که فعالیت سیاسی دارند و ارتباط آنها با دشمن در حوزه‌های مختلف نسبت به بقیه افراد بیشتر است؛ تذکر می‌دهند: «مواظب باشید مرزهای میان شما و دشمن کم‌رنگ نشود؛ پاک نشود. مرز وقتی کم‌رنگ شد، احتمال اینکه کسانی از این مرز عبور کنند یا دشمن از این مرز عبور کند و بیاید این طرف یا دوست و خودی غافل شود و از مرز عبور کند و برود به دامن دشمن، زیاد خواهد بود. مرزها را روشن کنید؛ مشخص کنید» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزدهم

تعبیر دیگری که رهبر معظم انقلاب در باره مرزبندی به کار برده‌اند؛ حساسیت در برابر دشمن می‌باشد که به عنوان یکی از شاخص انقلابی ماندن معرفی کرده‌اند (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴: ر.ک. باکویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲ و ۳۳).  
[https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=33259](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=33259)

پژوهش حاضر با تحلیل آیات قرآن و با کمک روایات و منابع تاریخی، در پی تبیین مبانی قرآنی مرزبندی با دشمنان است و با گردآوری اطلاعات به کمک منابع کتابخانه‌ای می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که مرزبندی با دشمنان چه مبانی قرآنی دارد؟ به بیان دیگر چه دلیلی از آیات قرآن برای مرزبندی با دشمنان وجود دارد؟

## ۲. پیشینه بحث

در باره اصل مباحث دشمن‌شناسی، منابعی تألیف شده است، از جمله می‌توان به کتاب «تاریخ اسلام با رویکرد دشمن‌شناسی» تألیف علی‌اکبر مهدی‌پور اشاره کرد (۱۳۹۰) که درباره دشمنی یهود، نصاری، بنی‌امیه و منافقان با اسلام ناب است و به ذکر مصادیق تاریخی دشمنی با نظام اسلامی در صدر اسلام پرداخته است. کتاب «دشمن‌شناسی در آئینه وحی و نظام ارزشی» به قلم مهدی گنج‌پور (۱۳۸۹) و «دشمن‌شناسی از منظر قرآن کریم» اثر جواد جمشیدی حسن‌آبادی (۱۳۹۱) از دیگر آثار در این زمینه هستند. همچنین فتح‌الله نجار زادگان در کتاب «مصاف بی‌پایان با شیطان» به ذکر دشمن قدیمی انسان یعنی شیطان پرداخته است (۱۳۸۶). برخی منابع نیز به تحلیل دشمن‌شناسی از دیدگاه شخصیت خاصی اختصاص یافته‌اند؛ از جمله «دشمن‌شناسی از دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله)» به قلم حمید نگارش (۱۳۸۴) و «حدیث دشمن‌شناسی» که توسط حسین کریمی مجموعه سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون دشمن‌شناسی گردآوری شده است (۱۳۹۱). همچنین محمدجواد سلمان‌پور مقاله «دشمن‌شناسی از دیدگاه امام



خميني رحمته الله عليه را در فصلنامه مصباح منتشر کرده است (۱۳۷۸). کتاب «دشمن شناسي در کلام امام خامنه اي (مدظله العالی)» نیز توسط محمدحسين رضايي تدوين شده است (۱۳۹۱).

بررسی این منابع و منابع مشابه دیگر نشان می‌دهد که به‌رغم اهمیت بحث دشمن شناسي در نظر محققان و شخصیت‌های اسلامي، مبانی قرآنی مرزبندی با دشمن مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. البته همان‌گونه که اشاره شد، فرمایشات مقام معظم رهبری در زمینه دشمن شناسی، به آیات قرآنی مشحون است، لذا می‌توان سخنرانی‌های معظم له را از مهم‌ترین پیشینه‌های پژوهش دانست؛ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در جمع اعضای مجلس خبرگان، مرزبندی با دشمن را بر اساس سیره حضرت ابراهيم عليه السلام تشریح کرده و می‌فرماید: «وظیفه‌اي که همیشه باید مورد نظرمان باشد به خصوص امروز، وظیفه‌ي مرزبندی صحیح و صریح با جبهه‌ي دشمن است؛ مرزبندی. آیه‌ي شریفه می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ» [ممتحنه: ۴]. قرآن فقط تاریخ نگفته، تصریح می‌کند که این اسوه‌ي حسنه‌اي است برای شما - قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ - یعنی باید این جور باشید، مرزبندی باید بکنید» (امام خامنه‌ای، بیانات

در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۱۵ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25696>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25696>

ملاحظه می‌شود که معظم له، با توجه به الگو بودن حضرت ابراهيم عليه السلام بر اساس فوق، مرزبندی آن حضرت با دشمنان عقاید توحیدی را منتج از مبنای قرآنی می‌داند. همچنین ایشان با استناد به ماجرای صلح حدیبیه و آیات آغازین سوره فتح به مشخص شدن جبهه حق از باطل تأکید کرده‌اند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۰۴).

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2985>

از پژوهش‌های منتشرشده در این زمینه هم می‌توان به مقاله مراتب حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن به قلم مهدی باکویی و احد داوری چلقائی اشاره کرد که یکی از مراتب حساسیت را، با اتکا به آیات صریح قرآن، تبیین صریح و شفاف مواضع ذکر کرده‌اند (باکویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶ و ۴۷). بدین ترتیب با بررسی پیشینه‌های ذکر شده، می‌توان گفت که مبانی قرآنی مرزبندی با دشمنان، در پژوهش مستقلی مورد بررسی دقیق علمی قرار نگرفته است.

### ۳. مفهوم شناسی

برای انتقال صحیح مطالب، مهم‌ترین واژه‌های کلیدی پژوهش که امکان برداشت‌های متعدد دارد، به طور مختصر تبیین می‌گردد تا معانی مورد نظر نویسنده، روشن شده و فرایند انتقال پیام ناکام نماند، لذا واژه‌های «مبانی» و «دشمن» تبیین شده و نکاتی پیرامون «مرزبندی» بیان می‌شود.

#### ۱.۳. مبانی

«مبانی» جمع مبنی از ریشه بنا به معنای بناها و ساختمان است (عمید، ۱۳۷۷: ۱۰۴۷) که به دلیل پایه و اساس بودن ساختمان برای زندگی؛ یا پایه و ریشه داشتن ساختمان‌ها، این نام بر آنها نهاده شده است. در ادبیات عرب نیز ریشه بنا به معنای ساختمان و ساختن به کار می‌رود؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءِ بَنَاهَا» (نازعات: ۲۷). بررسی کاربردهای این کلمه نشان می‌دهد که اغلب آنها، به ریشه و اساس ارتباط دارند. لذا برخی لغویان، این کلمه را نقیض نابودی می‌دانند (فیروز آبادی، بی‌تا: ۴ / ۳۲۷).

«مبانی» در اصطلاح علوم مختلف به صورت‌های مختلفی معنا شده است؛ در علوم قرآنی و تفسیر مبانی را باور و اصول پذیرفته شده یا پیش‌فرض‌های بنیادین می‌دانند که پذیرش آنها باعث رویکرد خاصی در تفسیر می‌گردد. (شاکر، ۱۳۸۲: ۴۰؛ رضایی اصفهانی،

۱۳۸۷: ۱ / ۱۷؛ مؤدب، ۱۳۸۸: ۲۹ - ۲۷). بر این اساس می‌توان گفت مراد از «مبانی» در پژوهش حاضر، اساس و ریشه‌ها (دلایل) قرآنی است که بر طبق آنها، مرزبندی با دشمن جایز شمرده شده، یا ضرورت و الزام می‌یابد.

### ۲.۳. دشمن

دشمن واژه‌ای فارسی به معنای بدنفس، بددل، زشت طبع و به کسی یا کسانی اطلاق می‌گردد که به فرد ضرر می‌رسانند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷ / ۱۰۹۰۸) یا بدخواه بوده و بدی و زیان کس دیگر را می‌خواهد (معین، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۵۳۷)، لذا دشمنی در مقابل دوستی قرار دارد (عمید، ۱۳۷۷: ۶۰۳). در قرآن واژه‌های متعددی با تفاوت‌های جزئی در مفهوم، برای تبیین دشمن و دشمنی به کاررفته است؛ مهم‌ترین واژه «عدو» است که به معنی تجاوز به دیگری و گذشتن از حدود است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴ / ۲۴۹) مانند عبارت «وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ» (نساء: ۱۵۴)؛ و دشمن را از این جهت عدو می‌گویند که از حدود خود تجاوز کرده و به حقوق دیگری مجوز عبور می‌دهد یا به حقوق آنها تجاوز می‌کند؛ اینکه کفار دشمن معرفی شده‌اند: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا»؛ (نساء: ۱۰۱) به دلیل تجاوز به اعتقادات مسلمانان و موحدان است؛ همچنین شیطان در آیه ۵ سوره یوسف دشمن انسان معرفی شده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ زیرا به حقوق انسان‌ها تجاوز کرده است. بنابراین می‌توان گفت در فرهنگ وحی، هرکسی یا کسانی یا چیزی که بدخواه بوده و قصد زیان مسلمانان را بخواهند دشمن تلقی می‌شوند حتی اگر در رفتار خود چیزی بروز ندهند. (باکویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷ و ۳۸).

واژه‌های دیگری نیز برای بیان دشمنی در آیات قرآن دیده می‌شود که از ریشه خصم (یس: ۷۷)، لدد (بقره: ۲۰۴)، شنء (کوثر: ۳)، بغض (آل عمران: ۱۱۸)، قلی (شعراء: ۱۶۸)، شقق (انفال: ۱۳)، حدد (توبه: ۶۳) و عند (مدثر: ۱۶) مشتق شده‌اند

خاطر نشان می‌شود، مصادیق دشمنان با توجه به آیات قرآن، عبارت‌اند از:

- شیاطین: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»؛ (فاطر: ۶)؛ (و آیات دیگر از جمله

- اسراء: ۵۳؛ انعام: ۱۴۲، اعراف: ۲۲، یوسف: ۵)
- یهودیان و مشرکان: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (مائده: ۸۲).
  - کفار: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (نساء: ۱۰۱).
  - منافقان: «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ فَإِنَّمَا أَنَا اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (منافقون: ۴)
  - بعضی از خویشاوندان نظیر بعضی از همسران و فرزندان «بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ» (تغابن: ۱۴)
  - برخی مصادیق دیگر نظیر بت‌ها: «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۷۵ - ۷۷).

البته شدت دشمنی برخی از دشمنان بیشتر است؛ از جمله دشمنی یهودیان و مشرکان نسبت به مسلمانان شدیدتر است (مائده: ۸۲). در برخی روایات نیز دشمنی کسی بزرگ دانسته شده است که مخفیانه دشمنی کند: «أَكْبَرُ الْأَعْدَاءِ أَخْفَاهُمْ مَكِيدَةً» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۲۶) لذا مرزبندی با هر کدام باید به گونه مجزا و به نحوی صورت گیرد که متناسب با شدت دشمنی باشد.

### ۳.۳. مرزبندی

مرز به معنای سرحد و فاصله میان دو کشور است (عمید، ۱۳۷۷: ۱۰۷۵) که به صورت مجازی، به فاصله و حدود بین چیزهای مادی و غیرمادی به کار می‌رود، مانند مرز انسانیت و حیوان بودن. در بخشی از دعای امام سجاد علیه السلام آمده است که اگر انسان‌ها، شکر پروردگار را به جای نیابند از مرز انسانیت به مرز حیوانیت سقوط می‌کنند: «وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ» (صحیفه سجادیه، دعای اول). تعبیر مرزهای خداوند با عبارت «حُدُودِ اللَّهِ» که در آیات زیادی آمده (بقره: ۱۸۷؛ بقره: ۲۲۹؛ بقره: ۲۳۰؛ نساء: ۱۳ و...) بیانگر گسترش معنای مرز از مادیات به امور معنوی و

غیرمادی است. لذا مشخص کردن فاصله میان دو گروه در امور معنوی مانند اعتقاد، اخلاق، رفتار یا در امور مادی مانند کشورها را می‌توان مرزبندی دانست؛ البته سیاق بحث در مورد دشمنان، بیشتر مسائل غیرمادی است یعنی بینش‌ها، کنش‌ها و منش‌ها با دشمن مرزبندی می‌شود و چه بسا دشمنان متعددی که مرزهای مادی و خاکی با کشور دیگر ندارند ولی دشمنی شدیدتری دارند.

برای روشن شدن مسئله پژوهش، موارد زیر خاطر نشان می‌گردد:

- با توجه به مصادیق دشمنان، مرزبندی با همه آنها ضرورت دارد، اعم از دشمنان بیرونی یا دشمنان درونی با همه مصادیقی که در قرآن ذکر شده است؛ هرچند شاید نتوان در مورد چگونگی مرزبندی با همه جزئیات مربوط به آن، از آیات قرآن کمک گرفت، لذا در برخی موارد برای تبیین چگونگی مرزبندی می‌توان از روش‌های دیگر نظیر مراجعه به روایات معصومان علیهم‌السلام استناد کرد؛ البته هدف پژوهش حاضر، تبیین مبانی است و چگونگی مرزبندی، مجال دیگری می‌طلبد.

- مرزبندی با دشمن، لوازمی دارد مانند شناخت دشمن که مصادیق آن ذکر شد؛ لازمه دیگر مرزبندی، شجاعت در اقدام است، لذا کسی که توان علمی مرزبندی را دارد ولی شجاعت عملی را ندارد، سودی در این زمینه نمی‌برد؛ مثلاً کسانی که از نبرد در مقابل دشمن، هراس دارند، شجاعت مقابله با دشمن و مرزبندی را ندارند؛ لذا در مقابل دستور صریح پروردگار نیز مخالفت کرده و بهانه تراشی می‌کنند (نساء: ۷۷). در مقابل، برخی از افراد نیز هستند که در میدان نبرد نیز شجاع بوده و پیروزی یا شهادت را رستگاری می‌دانند: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ» (توبه: ۵۲) همچنان‌که ستایش قرآن از عده‌ای نقل شده است که در تبلیغ دین، از کسی نمی‌ترسند: «الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب: ۳۹)

- مرزبندی منافاتی با تعامل با آنها در برخی موارد ندارد؛ در قرآن کریم، علی‌رغم اینکه

مرزهای عقیدتی در موارد متعددی با اهل کتاب، روشن شده است (آل عمران: ۷۰ - ۷۲؛ آل عمران: ۷۵؛ نساء: ۱۵۳، نساء: ۱۷۱؛ مائده: ۵۹ و ۶۰...). با این حال تعامل با آنها نیز ذکر شده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۴)؛ همچنان که در باره عهد و پیمان با مشرکان که نوعی تعامل است آیاتی نازل شده است (توبه: ۱ - ۴)؛ رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرماید: «مرزبندی به معنای این نیست که ما رابطه‌مان را قطع بکنیم؛ توجه بکنید، مغالطه نکنند که شما می‌گویید ما با همه‌ی دنیا دشمنیم؛ نه، مرزبندی کنید، مرزها مخلوط نشود» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25696>)

- بر اساس آموزه‌های قرآن، دستورالعمل یکسان در باره مرزبندی با همه دشمنان نمی‌توان مطرح کرد؛ سیره قرآن کریم در این زمینه، استثناء کردن برخی از مصادیق است؛ مثلاً به‌رغم نکوهش‌های متعدد از اهل کتاب، برخی از آنها را تأیید کرده و می‌فرماید: «لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۱۱۳ و ۱۱۴). در تبیین این ویژگی، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «این مرزبندی با دشمن که عرض کردم، یک حاشیه‌ای دارد که آن حاشیه هم به نظر من خیلی مهم است و آن، همه را دشمن به حساب نیاوردن [است]؛ این هم یک مسئله‌ی مهم [است]. گاهی اوقات هست که ما به خاطر تعصبمان علیه دشمن - که آن تعصب، بجا هم هست، تعصب خوبی است - یک نفر تا یک حرفی می‌زند که با آن چیزی که رؤیت ما نسبت به دشمن است موافق نیست، این [فرد] را متهم می‌کنیم که تو با دشمن هستی؛ این درست نیست. خوب الآن فرض بفرمایید که در داخل کشور راجع به فلان کنوانسیون، راجع به فلان موضوع بین‌المللی من باب مثال، بحث هست و یکی مخالف است، یکی موافق است؛ هیچ دلیل ندارد که آن که موافق است، آن کسی را که مخالف است متهم کند؛ یا آن که مخالف است،

آن کسی را که موافق است متهم کند؛ خب دو نظر است، دو استدلال است؛ این [یکی] استدلال او را قبول ندارد، او هم استدلال این را قبول ندارد. متهم نکردن یکدیگر، به جان خودی نیفتادن، همان مطلبی است که قبلاً هم عرض کردم؛ یعنی ما مرزبندی را با دشمن از دست ندهیم؛ مسئله‌ی مرزبندی با دشمن خیلی مهم است اما این موجب این نشود که تا دیدیم کسی مثلاً یک خُرده‌ای در یک نقطه‌ای با ما اختلاف نظر دارد، فوراً او را به دشمن وصل کنیم، بگوییم این [فرد] عامل دشمن است؛ نه، این هم به نظر ما درست نیست» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41994>).

- مرزبندی به معنای اصرار بر بیان همه مرزبندی‌ها در همه زمان‌ها توسط همه اشخاص نیست؛ در فقه شیعه، عنصر تقیه در برخی موارد برای حفظ جان یا آبروی افراد ضروری است (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۵ق: ۵ / ۵۸۷ - ۶۳۵؛ انصاری، ۱۴۱۲ق: ۳۸ - ۶۹)؛ همچنان که قرآن در آیه ۲۸ سوره غافر، در مورد مؤمن آل فرعون (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۸۱۰ و ۸۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۸۸ - ۹۰) و عمار در آیه ۱۰۶ سوره نحل ذکر کرده است. (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۲ / ۲۷۲ و ۲۷۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۲۸۸ و ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۹۸). البته تقیه برای حفظ جان و آبروی افراد است؛ نه برای حفظ منافع مادی اشخاص یا گروه‌ها. لذا از این عنصر، می‌توان به عنوان یک تاکتیک در برخی مواقع استفاده کرد که محدوده آن با کمک سنت معصومان تبیین می‌شود.

- مرزبندی در مقام عمل می‌تواند فعالانه باشد یا منفعلانه، ابتکاری باشد یا عکس‌العملی، مایوسانه باشد یا امیدوارانه، با ترس همراه باشد یا با دلیری و شجاعت، با حزم و تدبیر باشد یا سهل‌انگارانه، تهدیدنگر باشد یا فرصت‌نگر، با شناخت واقعیت‌های دشمن باشد یا نشناختن واقعیت‌های میدانی حرکت‌های دشمن. (امام خامنه‌ای، بیانات دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری با رهبر انقلاب ۱۳۹۷/۱۲/۲۳ <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=41978>)؛ که با انتخاب هر یک از دوگانه‌های

---

فوق، در مقام اجرا شاهد تفاوت‌هایی بروز خواهد کرد.

#### ۴. مستندات قرآنی نظریه مرزبندی با دشمنان

برخی از مطالب مربوط به مرزبندی در لابلای مطالب فوق، مورد اشاره قرار گرفت؛ مثلاً عدم منافات مرزبندی با تعامل که با آیاتی از قرآن تذکر داده شد. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که مرزبندی‌های متعددی از سوی انبیاء با دشمنان متعدد صورت گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

##### ۱.۴. مرزبندی‌های پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از میان پیامبرانی که حرکت تکاملی خود را در بیشتر جنبه‌های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تکمیل کردند، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به موفقیت بیشتری نسبت به انبیای قبلی دست یافتند (فارسی، ۱۳۶۱: ۳۳ - ۳۵)؛ لذا مرزبندی‌های متعددی در حوزه‌های اعتقادی، سیاسی و اخلاقی با کفار، مشرکان و حتی اهل کتاب داشتند. نمونه‌هایی از مرزبندی‌های پیامبر در مکه و مدینه در آیات قرآن نیز انعکاس یافته است که می‌تواند به عنوان مبانی قرآنی مرزبندی مورد استناد قرار گیرد؛ مرزبندی‌ها بیشتر در موارد سیاسی مطرح می‌شود؛ که گاهی به صراحت سخن از مرزبندی است و گاهی در عمل مرزبندی شده است؛ از جمله:

الف) مرزبندی با کفار و مشرکان؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کفار به صراحت تبری جسته که در سوره یونس مورد اشاره قرار گرفته است: «وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ». (یونس: ۴۱). نمونه دیگر مرزبندی اعتقادی با کفار سوره کافرون است؛ آن هم خطاب به بخشی از کفار که از پذیرش دین پیامبر خاتم خودداری می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰ / ۳۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۸۴۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴ / ۸۰۸) در این سوره با تحقیر ضمنی کفار (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۳۰ / ۵۱۰)، با آنها



سازش ناپذیری را اعلام می‌کند: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون: ۱-۶).

ب) مرزبندی با اهل کتاب؛ همان‌گونه که در تبیین معنای مرزبندی اشاره شد، در مباحث اعتقادی، جبهه اسلام با اهل کتاب به طور کامل مشخص شده است؛ به ویژه در آیاتی که مربوط به توحید است، پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، با رد عقیده تثلیث (مائده: ۷۳) و رد اعتقاد به خدا بودن حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام (مائده: ۱۷)، به بنده بودن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام اشاره کرده است: «لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ» (نساء: ۱۷۲)؛ و به صراحت سخن از کفر هر کسی می‌گوید که اعتقاد به خدایی مسیح دارد: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ» (مائده: ۷۲).

مرزبندی در برخی موارد هزینه دارد، انکار عقاید مسیحیان، برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز دارای هزینه بود، هزینه‌ای که با تمام وجود حاضر به پرداخت آن گردید؛ جریان مباحله پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۷۶۲ و ۷۶۳) را می‌توان یکی از مواردی دانست که پیامبر حاضر به پرداخت هزینه، حتی به قیمت جان خود و عزیزترین کسانش شد که آمادگی برای پرداخت چنین هزینه‌ای منجر به شکست دشمن گردید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱).

ج) مرزبندی با منافقان؛ تعیین جبهه حق و مشخص کردن امتیاز آن با جبهه باطل، همچنین پایبندی بر آن از سوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، منحصر در دشمنان بیرونی نبود؛ طبق آیات قرآن، در برخی موارد در مقابل دشمنان درونی نیز، مرزبندی‌های صریح مشخص شده است. یکی از مصادیق مرزبندی با منافقان، عدم اطاعت از آنهاست که با صراحت بر آن تأکید شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (احزاب: ۱). در مقابل این مرزبندی مسلمانان، تعدادی از منافقان راه تزویر و فریب را در پیش گرفتند تا بتوانند در لباس متفاوتی، به اسلام و مسلمانان ضربه بزنند که باز

دستورات صریح اسلام بر مرزبندی با آنها تأکید کرد؛ برخی از منافقان، ظاهری آراسته و فریبکارانه دارند که هر فردی را به اشتباه می‌افکند و چنان شیرین سخن می‌گویند که نزدیک است مسلمانان را بفریبند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹ / ۲۸۰ و ۲۸۱) ولی آیه قرآن، ظاهرسازی آنها را نیز نپذیرفت: «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبْكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهِمْ خُشِبٌ مُّسْتَدَدٌ يَّحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (منافقون: ۴).

شیوه دیگر منافقان، استفاده از ابزارهای مورد تأیید مسلمانان از قبیل مسجد، برای اغواگری بود تا در پوشش آن، بتوانند به اهداف خود در اضرار مسلمانان، ترویج کفر، ایجاد تفرقه بین مؤمنان برسند و مسجد را کمینگاهی قرار دهند تا در موقع لزوم، از آنجا به مقابله با خدا و رسول خدا پردازند: «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِزْوَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلِ وَ لِيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنِي وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تُقَمُّ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدِ أُسُسِ عَلِي التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رَجُلٌ يَجِبُونَ أَنْ يَنْظَرُوا وَ اللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۷)؛ هوشیاری در مقابل این ترفندها از ضروریاتی است که باعث مرزبندی صحیح و دقیق می‌گردد؛ لذا قرآن خطاب به پیامبر پرده از اسرار آن مسجد برداشت و اجازه اقامه نماز در آن را نداد: «لَا تُقَمُّ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدِ أُسُسِ عَلِي التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رَجُلٌ يَجِبُونَ أَنْ يَنْظَرُوا وَ اللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۸). مسجد ضرار با دستور پیامبر و اقدام مؤمنان، تخریب شد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۶ / ۱۴۹). تا مرزبندی‌های اعتقادی به طور دقیق تبیین شود.

بنابراین می‌توان گفت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به عنوان الگوی مسلمانان (احزاب: ۲۱)، در موارد متعددی با مشرکان، اهل کتاب و منافقان در حوزه‌های گوناگون اعتقادی و رفتاری، مرزبندی داشتند.

#### ۲.۴. مرزبندی‌های حضرت ابراهیم علیه السلام

در قرآن کریم جایگاه خاصی برای حضرت ابراهیم علیه السلام ذکر شده است، آن حضرت امام

(بقره: ۱۲۶) و الگو (ممتحنه: ۴) معرفی شده است، از این رو بررسی رفتار سیاسی آن حضرت در مرزبندی اعتقادی و سیاسی با دشمنان و غیر موحدان، می‌تواند در پاسخ به چرایی و ضرورت مرزبندی مورد استفاده قرار گیرد. این پیامبر اولوالعزم در برخورد با افراد مختلف، مرزهای سیاسی و اعتقادی خود را با صراحت مشخص کرده است، اعم از اینکه طرف مقابل وی، خویشان نزدیک باشند یا دشمنانی چون نمرود؛ برخی از مرزبندی‌های آن حضرت عبارت‌اند از:

الف) مرزبندی اعتقادی با خویشان و نزدیکان؛ تذکر دادن به نزدیکان و انداز آنها در برابر دستورات الهی و تعیین محدودیت‌هایی برای آنها، از دشواری خاصی برخوردار است، حضرت ابراهیم علیه السلام نیز در مواجهه با عموی بت پرست خود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵ / ۳۰۳)، به انداز پرداخته و با منطقی آمیخته با احترام، محبت، دلسوزی و درعین حال توأم با قاطعیت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۸۰)، به انداز وی پرداخت تا مرزهای اعتقادی خود با وی مشخص کند: «يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا» (مریم: ۴۴ و ۴۵). حضرت ابراهیم علیه السلام زمانی که متوجه گردید که آزر، از دشمنی با خدا دست برنمی‌دارد، از وی اعلام براءت کرد، بدین ترتیب، مرزهای اعتقادی خود را با یکی از نزدیک‌ترین خویشان خود مشخص کرد: «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ» (توبه: ۱۱۴) آن حضرت به آزر وعده داده بود که برایش استغفار کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴ / ۳۸).

ب) مرزبندی اعتقادی با قوم؛ حضرت ابراهیم علیه السلام، علاوه بر عموی خود، در عبادت معبودان دروغین، با قوم خود مقابله کرد و مرزهای عبادی خود را با آنها در عبادت پروردگار عالمیان و بت‌های بی‌جان روشن نمود: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ أَفَكَاكُ إِلَهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (صافات: ۸۵-۸۷) بیان گمراهی آشکار آزر و قومش، با عبادت بت‌ها، دلیلی است که می‌تواند بیانگر تعیین دقیق جبهه‌بندی‌ها باشد: «وَإِذْ قَالَ

إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ أَرْزَأَ تَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۷۴). همچنان که اعلام برائت از رفتار آنها بود که باعث شد تا به عنوان الگوی همه موحدان در تاریخ ثبت گردد: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرءُاؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاؤُةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ...» (ممتحنه: ۴).

ج) مرزبندی با سران قوم و نمرود؛ معمولاً مترفین (سبأ: ۳۴ و زخرف: ۲۳) و اشراف و سران قوم (اعراف: ۶۵ و ۶۶؛ اعراف: ۷۸؛ مؤمنون: ۳۳) با پیامبران مخالفت می‌کنند؛ مانند مخالف نمرود با حضرت ابراهیم علیه السلام که تلاش کرد بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به آن حضرت وارد کرده و حتی آن حضرت را در آتش بسوزاند (انبیاء: ۶۸). نمرود نخستین پادشاه ذکر شده در قرآن در عصر حضرت ابراهیم علیه السلام است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۳ / ۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۳۵) که ادعای خدایی می‌کرد؛ حضرت ابراهیم علیه السلام نیز مرزهای اعتقادی خود را با وی روشن کرد تا مشخص کند که خدای ابراهیم، قدرت زنده کردن و میراندن دارد. از آنجایی که این مرزبندی دقیق نبود و قابلیت استفاده معنای حقیقی و مجازی مرگ و زندگی را داشت، لذا مورد سوء استفاده و مغالطه قرار گرفت، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۸۸)؛ این مغالطه در اقتناع مردم کارگر شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲ / ۳۵۱)، لذا حضرت ابراهیم علیه السلام، مرزبندی دقیق‌تری مطرح کرد که باعث مبهوت ماندن نمرود گردید؛ آن حضرت به حرکت خورشید اشاره کرد که خدای من خورشید را از شرق به غرب می‌برد؛ اگر تو خدای حاکم بر جهان، هستی آن را از مغرب بیاور! با این مرزبندی دقیق، دشمن مبهوت ماند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۲۵۸).

د) مرزبندی با افراد صالح و ناصالح؛ حضرت ابراهیم علیه السلام با اشاره به بت‌هایی که باعث گمراهی بیشتر مردم می‌شوند، به افرادی اشاره می‌کند که دو مسیر مختلف در پیش خواهند

گرفت؛ دسته‌ای از سیره ابراهیم علیه السلام تبعیت خواهند کرد و دسته‌ای دیگر، تابع ابراهیم نخواهند بود؛ آنگاه مرزبندی می‌کند که هر کس از ابراهیم علیه السلام تبعیت کند از اوست و در باره افراد نافرمان، به حکم خداوند راضی است: «رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلَّلْنَ كَثِيراً مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ابراهیم: ۳۶). بر اساس این دعا، حضرت بیان می‌کنند که حتی اگر فرزندان من از مسیر توحید منحرف گردند و به بت توجه کنند از من نیستند و اگر بیگانگان در این خط باشند آنها همچون فرزندان و برادران من هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۳۶۲). بدین ترتیب، مرز هدایت، اطاعت عملی از سیره حضرت ابراهیم علیه السلام است که شایسته‌ترین آنها، علاوه بر تبعیت کنندگان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان است: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۶۸). قرآن در این آیه، اشخاص را محور مرزبندی قرار داده است تا شناخت واضح و دقیق باشد.

#### ۳.۴. حضرت لوط علیه السلام

برخی موارد لازم است که در حوزه مسائل اخلاقی، مرزبندی با دشمنان رعایت شود؛ هر چند که مسائل اخلاقی به نوعی مرتبط با مسائل اعتقادی هستند و یا در رفتار بروز می‌کنند، لکن صبغه اخلاقی این رفتارها بیشتر به نظر می‌آید؛ بررسی سیره انبیاء علیهم السلام در این حوزه نیز حاکی از مرزبندی با دشمنان است؛ در برخی موضوعات اخلاقی، تفاوتی‌هایی بین دشمنان و نیروهای خودی وجود ندارد و این موضوعات جزء ارزش‌های بین‌المللی است و همه مردم خواه مؤمن و خواه کافر به این ارزش‌ها پای بند هستند، حداقل در ظاهر چنان نشان می‌دهند که این رفتار اخلاقی، جزء محدوده ارزشی آنها نیز می‌باشد، مثلاً در آیات قرآن سخن از عهد بستن با مشرکان به میان آمده است (توبه: ۴) که نشان می‌دهد این ارزش اخلاقی برای آنها نیز مورد قبول است؛ در کلامی از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز وفای به عهد ارزشی پذیرفته شده نزد همه جوامع معرفی گردیده است (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ ابن

شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۴۶). بی تردید وفای به عهد یکی از ده‌ها موردی است که کم‌وبیش دارای چنین ویژگی هستند. (علیدوست، ۱۳۹۱: ۸۸)؛ اما در برخی مسائل اخلاقی، تفاوت فاحشی بین موحدان و غیر موحدان وجود دارد؛ یکی از مهم‌ترین موارد اخلاقی، مسئله هم‌جنس‌بازی است که در عصر کنونی نیز در برخی کشورها، رسمیت یافته و قوانینی در حمایت از آن تصویب می‌شود؛ این رفتار ضد اخلاقی از نظر موحدان، مردود است و بیشتر یادآور قوم لوط است. پیامبر قوم لوط نیز با این خصوصیت اخلاقی زشت قوم خود مخالفت و به صراحت با آنها مرزبندی کرده است و برائت خود را با این عمل اعلام می‌کند: «قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ» (شعراء: ۱۶۸). استفاده از تعبیر «مِنَ الْقَالِينَ» به جای «انني لعملكم قال» بلیغ‌تر است و در بیان مقصود حضرت لوط علیه السلام رساتر می‌باشد. (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۱۹ / ۱۸۶). دقت در تعبیر حضرت لوط علیه السلام «القالین» به جای سایر واژه‌های دشمنی، بیانگر مرزبندی شفاف است؛ زیرا «قلی» شدت دشمنی را می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۸۳).

#### ۴.۴. حضرت هود علیه السلام

حضرت هود علیه السلام نیز از افرادی است که مرزبندی اعتقادی خود با بت‌پرستان و بت‌ها را ابراز کرده و با تأکیدات فراوانی آن را همراه می‌سازد: «إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُنِي جَمِيعاً ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَائِيَةٍ إِلَّا هُوَ أَخَذُ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود: ۵۴ - ۵۶). از این آیات می‌توان برداشت کرد که حضرت هود علیه السلام در تبیین مرزبندی، علاوه بر شهادت خدا، خود بت‌پرستان را هم شاهد می‌گیرد که با بت‌های آنها مرزبندی می‌کند و آنها را نمی‌پرستد، از طرف دیگر خود را آماده پذیرش پیامدهای این مرزبندی هم می‌کند، لذا همه آنها را به مقابله فرامی‌خواند و به خدا توکل می‌کند.

#### ۵.۴. یاران صالح علیهم السلام

همان‌گونه که از مؤمنان انتظار می‌رود که با کفار مرزبندی کنند، دقت در برخی آیات نشان می‌دهد که کفار نیز با مؤمنان مرزبندی کرده و جبهه خود به صراحت مشخص می‌کنند؛ این نکته نشان می‌دهد که مرزبندی با دشمنان، ارزشی پذیرفته شده در بین همه جوامع است. در سوره اعراف، سخن از یاران حضرت صالح علیهم السلام است که به آن حضرت ایمان آورده و در این مسئله اعتقادی - و ذکر ایمان به نبوت پیامبر حضرت صالح علیهم السلام - مرزهای خود را با مشرکان ابراز می‌کنند؛ از طرف دیگر مشرکان نیز مرزهای خود را با مؤمنان روشن می‌کنند: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنْ صَالِحًا مَرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (اعراف: ۷۵ و ۷۶).

#### ۶.۴. حضرت موسی علیهم السلام

از پیامبرانی که موفق شد حکومت شرک آلود را شکست داده و آغازگر حکومت‌های توحیدی بنی اسرائیل باشد حضرت موسی علیهم السلام است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۸۳ و ۸۴؛ فارسی، ۱۳۶۱: ۱۵-۱۰)، حضرت موسی علیهم السلام با گروه‌های متفاوتی در مسیر نهضت انقلابی خود، مواجه بود، حکومت دیکتاتوری فرعون، قدرت اقتصادی قارون، جهالت قوم خود در عدم توجه به دستورات جانشین و فساد درونی برخی از خواص قوم. در همه این موارد مرزبندی‌های دقیقی از سوی آن حضرت دیده می‌شود.

الف) مرزبندی در مقابل فرعون؛ حضرت موسی علیهم السلام که به دستور پروردگار به سوی فرعون حرکت می‌کند (طه: ۴۲؛ نازعات: ۱۷) در مقابل حکومت استبدادی فرعون، جبهه نیروهای توحیدی را مشخص کرده است و در موارد متعددی خدای یگانه را با خداانگاری فرعون تمییز می‌کند؛ از جمله می‌فرماید: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰) و نیز می‌فرماید: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ

السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى» (طه: ۵۳).

ب) مرزبندی با ثروتمندان مغرور مانند قارون؛ قارون از بستگان حضرت موسی عليه السلام بود و از نظر اطلاعات و آگاهی از تورات، معلومات قابل ملاحظه‌ای داشت، وی نخست در صف مؤمنان بود ولی به دلیل غرور ثروتش به آغوش کفر رفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۱۵۲) بی‌توجهی قارون به معاد و فراموشی روز جزا تا جایی پیش رفت که تعدادی از مؤمنان وی را نصیحت کردند که ضمن استفاده از نعمت‌های دنیوی، با انفاق و صرف مال در رضای الهی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶ / ۷۶) به فکر سرای آخرت باشد این مرزبندی صریح در قرآن چنین آمده است: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۷۶ و ۷۷)؛ بنابراین می‌توان گفت مرزبندی اقتصادی نیز در مقابل برخی افراد ضروری است، البته این مرزبندی در مسائلی نظیر رباخواری از سوی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم با صراحت بیشتری ذکر شده (بقره: ۲۷۵ و ۲۷۶) و مسئله تا جایی پیش رفته است که رباخواری را اعلان جنگ با خدا دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۸ و ۲۷۹).

ج) مرزبندی با قوم خود در مسئله تبعیت از هارون به عنوان جانشین؛ حضرت موسی عليه السلام زمانی که برای اخذ تورات به طور می‌رفت، هارون را جانشین خود قرار داد؛ لکن با توطئه سامری، قومش از روی جهالت به گوساله‌پرستی روی آوردند، قوم بنی‌اسرائیل که اغلب از نیروی اندیشه صحیح بی‌بهره بودند با مشاهده معجزات حضرت موسی عليه السلام بدون ضمیمه کردن برهان عقلی به رسالت آن حضرت گرویدند و در ادامه با مشاهده مجسمه گوساله سامری و شنیدن صدای مصنوعی که نوعی تردستی و شعبده بود از آیین آن رسول الهی روی‌گردان شدند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۶ - ۳۸). زمانی که حضرت موسی عليه السلام از



طور برگشت، مهم‌ترین مسئله را هدایت قوم دانسته و به بیان مرزهای اعتقادی پرداخت، حتی توجهی به الواح تورات نیز نکرد: «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَابَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّفُونِي وَكَادُوا يَفْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (اعراف: ۱۵۰). عدم ملاحظه فساد قوم و تذکر نکات هدایتی و انجام اقدامات عملی در مقابل آن، از دیگر مرزبندی‌های حضرت موسی علیه السلام در مقابل این حرکت جاهلانه بود: «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فُتُوبُوا إِلَيَّ بَارئِكُمْ فَاغْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۵۴)

د) مرزبندی با خواص مفسد؛ گاهی در میان نیروهای خودی روزه‌هایی از فساد دیده می‌شود و چه بسا برخی از افراد نیز به فساد آلوده شوند که باید با این فساد مبارزه کرد، یکی از خواص قوم موسی علیه السلام سامری است که با ساخت گوساله، باعث بت‌پرستی و گمراهی تعدادی گردید. حضرت موسی علیه السلام در مقابل این فرد نیز به صراحت، مرزبندی کرده و فرمودند: «قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه: ۹۷). بر اساس این آیه، حضرت موسی علیه السلام با نابودی آشکار دستاورد سامری، اقدام انقلابی انجام دادند و به گفتار اکتفا نکردند. خاطر نشان می‌گردد، در برخی آیات نیز از کتاب حضرت موسی علیه السلام با عنوان فرقان یاد شده است که بیانگر مرزبندی بین حق و باطل است: «وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره: ۵۳) در این آیه، مراد از «الْفُرْقَانَ» تورات یا معجزات آن حضرت است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۳۵) که در هر دو صورت با مرزبندی قرین است.

#### ۷.۴. مرزبندی صریح با ابلیس

ابلیس و شیطان از دشمنانی هستند که با ترفندهای مختلف، سعی در گمراهی انسان دارند؛ لذا زمانی که ابلیس به آدم سجده نکرد، خداوند مرزهای حقیقی را با مرزهای توهمی

وی مشخص کرد: «قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَّكِبَ فِيهَا فَأَخْرَجَ إِيَّاكَ مِنَ الصَّاعِرِينَ» (اعراف: ۱۲ و ۱۳). پس از این، دشمنی ابلیس با انسان آغاز شد (اعراف: ۱۶ و ۱۷) که در برخی زمینه‌ها از جمله اقامه نماز، ذکر پروردگار، شراب و قمار میدان دشمنی وی گستره‌تر می‌شود (مائده: ۹۱)؛ از این رو خداوند دستور داده است تا مرزبندی دقیقی با ابلیس و شیطان صورت گیرد؛ از جمله در آیات متعددی دستور به عدم تبعیت از شیطان و گام‌هایش داده شده است که لازمه مرزبندی است (بقره: ۱۶۸؛ انعام: ۱۴۲؛ نور: ۲۱). در برخی موارد هم دستورات عملی برای این مرزبندی‌ها، ارائه شده است، از جمله پس از تأکید به گفتار نیک، سخن از تلاش شیطان برای ایجاد دشمنی به میان آمده است تا نشان دهد بی‌دقتی در سخن گفتن زمینه دشمنی را فراهم می‌کند: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا» (اسراء: ۵۳)؛ مثلاً با انتخاب واژه «راعنا» به جای «انظرنا» چنین زمینه‌ای برای دشمنی ایجاد می‌گردد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره: ۱۰۴)؛ زیرا واژه راعنا دارای دو معنی است هم به معنی رعایت کردن و هم نوعی دشنام در زبان عبری به معنای تحمیق کردن یا آرزوی ناشنوایی برای شنونده (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲ / ۱۱۹، طوسی، بی تا: ۱ / ۳۸۸ و ۳۸۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۷ و ۳۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳ / ۶۳۴) قرآن دستور می‌دهد حتی در این مسائل جزئی نیز مرزبندی‌ها رعایت شود تا دشمن سوء استفاده نکند.

#### ۸.۴. دستور به مرزبندی مؤمنان با دشمنان

از برخی آیات قرآن می‌توان برداشت کرد که خداوند علاوه بر ذکر مصادیقی از مرزبندی پیامبران الهی در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و رفتاری، به همه مؤمنان دستور داده است تا مرزهای خود را با دشمنان روشن کنند؛ از جمله می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ (ممتحنه: ۱). همچنين می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أ تَرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۴۴) بر اساس این آیه، عدم مرزبندی و تولى كفار، باعث تسلط و سلطه آنها می گردد، سلطان در لغت به معنای حجت است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷ / ۲۱۳، ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۳ / ۹۳) و در برخی روایات نیز به همان معنی آمده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۳ / ۱۲۸). دستور کلی اسلام در مورد خانواده نیز به مرزبندی با برخی اعضای خانواده دلالت دارد که احتمال دشمنی آنها وجود دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن: ۱۴).

سیره معصومان علیهم اسلام نیز بیانگر مرزبندی صریح با دشمنان است؛ گرچه بررسی مسئله در سیره اهل بیت علیهم السلام مجال وسیع و مجزایی می طلبد؛ لکن برای نمونه به سیره امام حسین علیه السلام اشاره می شود: امام حسین علیه السلام می فرماید: من برای سرکشی و دشمنی و فساد کردن و ظلم نمودن خارج نشدم. بلکه، فقط به منظور ایجاد صلح در میان امت جدم خارج شدم، من قصد دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و مطابق سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم؛ «وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي [ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ] أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۴ / ۳۲۹). همچنین آن حضرت در مرزبندی با ظالمان، اشاره می کنند که زندگی با ظالمان، چیزی جز هلاکت نیست، بدین ترتیب مرزهای خود را با ظلم روشن می کند: «فَأَنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا»؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۵؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۷۹؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق: ۴۴).

## ۵. نتیجه‌گیری

مسئولیت شرعی و قانونی ولی فقیه ایجاب می‌کند که در راستای حفاظت از کیان اسلام و مسلمانان، سیاست‌های کلی انقلاب اسلامی را تبیین کند، لذا رهبر معظم انقلاب راهبرد کلی نظام را در چهل‌مین سال دوم انقلاب، با بیانیه موسوم به «گام دوم انقلاب» تعیین کردند، بخشی از این راهبرد کلان، «مرزبندی با دشمنان» است که پژوهش حاضر با تحلیل آیات قرآن و با کمک منابع تفسیری، روایی و تاریخی، در پی تبیین مبانی قرآنی مرزبندی با دشمنان است.

مبانی مرزبندی با دشمن، بررسی اساس، ریشه‌ها و دلایل قرآنی است که بر طبق آنها، مرزبندی با دشمن جایز شمرده شده، یا ضرورت و الزام می‌یابد. در آیات قرآن دشمن با واژه‌های متعددی از قبیل عدو، خصم، شانء، لدید، قالی، عنید و... به کار رفته است که برخی تفاوت‌های جزئی هم با هم دارند، همچنین با بررسی آیات قرآن می‌توان شیاطین، یهودیان، مشرکان، کفار و منافقان را از اهم مصادیق دشمنان برشمرد و با توجه به میزان دشمنی هر کدام، نوع مرزبندی و چگونگی آن متفاوت خواهد بود، اما از آیات قرآن، می‌توان مبانی مرزبندی با همه دشمنان درونی و بیرونی را استخراج کرد.

از جمله مبانی و مستندات قرآنی مبانی مرزبندی می‌توان به مرزبندی‌های اعتقادی، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله اشاره کرد که با کفار، مشرکان و منافقان داشتند، آن حضرت به عنوان الگوی همه مسلمانان، با اعلام برائت از بت‌های کفار، رد اعتقاد تثلیث و ثنویت اهل کتاب و مقابله با طرح‌های منافقان، مرزهای اعتقادی و سیاسی خود را از جبهه باطل جدا کردند. علاوه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مرزبندی‌های بقیه پیامبران نیز در آیات قرآن نشان داده شده است از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مرزبندی‌های حضرت ابراهیم علیه السلام در حوزه مسائل اعتقادی با خویشان، نزدیکان، اقوام، سران قوم و پادشاه حاکم به نام نمرود.

- مرزبندی‌های اخلاقی حضرت لوط علیه السلام در زمینه مسائل جنسی.

- مرزبندی‌های اعتقادی حضرت هود علیه السلام با بت پرستان

- مرزبندی‌های اعتقادی یاران حضرت صالح علیه السلام

- مرزبندی‌های حضرت موسی علیه السلام با استکبار و دیکتاتوری فرعون، ثروتمندان مغروری

چون قارون، جهالت قوم خود و مرزبندی با خواص فاسد.

همچنین قرآن به مرزبندی با دشمن دیرین انسان یعنی ابلیس و شیاطین دستور داده است، همان‌گونه که به مرزبندی با دشمنان دیگر نظیر کفار نیز تأکید کرده است که مصداق عملی این حرکت، در مرزبندی اهل بیت علیهم السلام با دشمنان در صفحات تاریخ ثبت شده است، نظیر مرزبندی امام حسین علیه السلام.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.

نهج البلاغه، (گردآوری: شریف رضی، محمد بن حسین، ترجمه حسین انصاریان؛ تهران، پیام آزادی، چاپ دوم: ۱۳۸۶).

### الف) کتاب‌ها

۱. صحیفه سجادیه، (ترجمه علی شیروانی، تهران/قم، دارالفکر، چاپ سوم: ۱۳۸۲).
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۴۸، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه: احمد فهري زنجاني، تهران، نشر جهان، چاپ اول.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۹۸۴م، التحرير و التنوير، تونس، دار التونسية للنشر، چاپ اول.
۵. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم المقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۶. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، ۱۴۰۶ق، مثير الأحزان، تحقیق: مدرسه امام مهدي علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدي علیه السلام، چاپ سوم.
۷. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۲ق، التقیه، تحقیق: فارس حسون، قم، موسسه قائم آل محمد علیهم السلام، چاپ اول.
۸. جمشیدی حسن آبادی، جوادی ۱۳۹۱، دشمن شناسی از منظر قرآن کریم، اصفهان، بساتین، چاپ اول.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، تحقیق: محمد محرابی، قم، اسراء، چاپ نهم.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، وحی و نبوت در قرآن، تحقیق: علی زمانی قمشه‌ای، قم، اسراء، چاپ دوم.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره دوم.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت / دمشق، دار القلم / الدار الشامیة، چاپ اول.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۷، منطق تفسیر قرآن، قم، جامعه المصطفی العالمیة، چاپ اول.
۱۴. رضایی، محمدحسین، ۱۳۹۱، دشمن‌شناسی در کلام امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، قم، ولاء منتظر عَلَيْهِ السَّلَامُ، چاپ اول.
۱۵. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، تحقیق: مصطفی حسین احمد، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم.
۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۲۵ ق، رسائل و مقالات، قم، موسسه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، چاپ دوم.
۱۷. شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۲، مبانی و روش‌های تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، [بی‌تا]، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.

۲۲. علی دوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، فقه و عقل، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ پنجم.
۲۳. عمید، حسن، ۱۳۷۷، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ دوازدهم.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، تفسیر العیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، [بی‌جا].
۲۵. فارسی، جلال الدین، ۱۳۶۱، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، التفسیر الکبیر/ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، کتاب العین، قم، هجرت، چاپ دوم.
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، [بی‌تا]، القاموس المحیط، بیروت، دار الکتب العلمية، چاپ اول.
۲۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۶۸، همراه با اصلاحات شورای بازنگری قانون اساسی.
۳۰. کریمی، حسین، ۱۳۹۱، حدیث دشمن‌شناسی: مجموعه سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون دشمن‌شناسی، تهران، پیام ماندگار، چاپ اول.
۳۱. گنجور، مهدی، ۱۳۸۹، دشمن‌شناسی در آینه وحی و نظام ارزشی، اصفهان، حیات طیبه، چاپ اول.
۳۲. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث، چاپ اول.
۳۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.



۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۴، انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، تدوین و نگارش: قاسم شبان نیا، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول.

۳۵. معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی متوسط، تهران، امیر کبیر، چاپ دهم.

۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.

۳۷. موسوی خمینی، روح الله [امام]، ۱۳۸۵، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره الشریف)، چاپ چهارم.

۳۸. مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۹۰، تاریخ اسلام با رویکرد دشمن شناسی، قم، نغمات، چاپ اول.

۳۹. مؤدب، سید رضا، ۱۳۸۸، مبانی تفسیر قرآن، قم، دانشگاه قم، چاپ اول.

۴۰. نجار زادگان، فتح الله، ۱۳۸۶، مصاف بی پایان با شیطان، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم.

۴۱. نگارش، حمید، ۱۳۸۴، دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله)، قم، زمزم هدایت، چاپ اول.

۴۲. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۱ ق، اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.

#### ب) مقالات

۴۳. باکویی، مهدی و داوری چلقائی، احد، ۱۳۹۶، مراتب حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن از دیدگاه قرآن، پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۲۶.

۴۴. سلمانیور، محمد جواد، ۱۳۷۸، دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، فصلنامه مصباح دانشگاه امام حسین علیه السلام، سال ۸، شماره ۳۰.

#### ج) منابع برخط

۴۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در وبگاه [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

## «خطر نفوذ» از منظر قرآن، حدیث و بیانیه گام دوم

سید رضی مرتضوی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - حسین علوی مهر<sup>۲</sup>

### چکیده

نفوذ، یکی از مهمترین راهبردهای دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی، برای رخنه در مراکز تصمیم سازی و تصمیم گیری برای مایوس کردن بدنه اجتماعی و حتی برخی لایه های مدیریتی، از طریق برجسته کردن عیوب و انکار نقاط مثبت، و با ترفند تحقیر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه اسلامی در برابر دشمن و سپس تغییر موازین و وارونه کردن ارزشهاست؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی، بارها خطر نفوذ را گوشزد و در بیانیه گام دوم نیز به برخی عوامل و پیامدهای آن اشاره کرده اند؛ این مقاله با روش کتابخانه ای و توصیفی تحلیلی، پس از شناخت مفهومی نفاق در قرآن و حدیث، و ارتباط مفهومی آن با «نفوذ» به تبیین مباحث مربوط به نفوذ همچون لایه ها، زمینه های پیدایش، اهداف و همچنین راهکارهای مقابله با آن، در کلمات امام خامنه ای و خصوصاً بیانیه گام دوم پرداخته شده است.

**کلید واژگان:** گام دوم، نفوذ، نفاق، قرآن، انقلاب اسلامی

۱. دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه

raazy2474@gmail.com

۲. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

(halavimehr5@gmail.com)

## مقدمه

یکی از مهمترین خطراتی که ثبات، استقرار و امنیت جامعه اسلامی را تهدید کرده و مانع از شکوفائی و بالندگی و رشد و پیشرفت آن در تمامی عرصه ها می گردد، «خطر نفوذ» بدخواهان و کینه توزان در بدنه قدرت و بدست گرفتن زمام امور در سطوح و لایه های مختلف، توسط آنان است؛ نفوذی ها با حرکت آرام و خزنده و در قالب ها و عناوین گوناگون، درون مراکز حساس و تصمیم ساز و تصمیم گیر، رخنه کرده و در مواقع حساس و کلیدی، تبدیل به بازویی پرتوان به نفع جبهه دشمن خواهند شد. انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز از این خطر مستثنی نبوده و نیست، و در طول چهل سالی که از طلوع آن می گذرد، همیشه با این پدیده که به تعبیر امام خامنه ای، چیزی جز همان «نفاق» نیست (رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولین و میهمانان کنفرانس اسلامی در آبان ۹۸ فرمودند: به نظر ما سلاح اصلی آمریکا هم در این منطقه که ما در جمهوری اسلامی مراقب این معانی هستیم، نفوذ است، نفوذ در مراکز حساس و تصمیم گیر؛ حقیقتاً آنچه انسان مشاهده میکند در کار اینها، همان نفاقی است که قرآن کریم فرموده است)، دست در گریبان بوده است؛ ایشان که با چشمان تیزبین و هوشیاری بی نظیر خود بارها خطر این پدیده شوم را به جامعه اسلامی گوشزد کرده و نسبت به آن هشدار داده اند، در بیانیه مهم موسوم به «گام دوم انقلاب اسلامی» که به مناسبت چهلمین سال انقلاب اسلامی ایران صادر شده است نیز، «خطر نفوذ» را مورد توجه قرار داده و در قسمتهایی از آن به بیان برخی عوامل زمینه ساز و ابعاد مختلف آن اشاره کردند.

## پیشینه

پس از صدور بیانیه گام دوم، مراکز علمی و پژوهشی فراوانی در سطح کشور و حتی دنیا، کنگره ها و همایشهای فراوانی را با محوریت این بیانیه برگزار کردند و مقالات فراوان علمی تخصصی و پژوهشی ارائه شد که به تبیین بیانیه و مستندات قرآنی و روایی و ارزیابی های تخصصی آن می پردازد؛ در موضوع نفوذ نیز مقالاتی ارائه شده که از آن میان می توان به

«دفاع در برابر نفوذ فرهنگی بر اساس بایسته های تمدن نوین اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نوشته پیمان پور نمازی، سید عبدالحمید طاهری، مسلم مرتضی پور، محمد علی موسوی» «راهبرد تهدیدات نرم دشمن و تاثیر آن بر استحاله فرهنگی با تاکید بر بیانیه گام دوم نوشته غفار زارعی و مسلم بامری» «فرایند و سازوکار پروژه نفوذ بر مبنای دیدگاه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم نوشته سیاوش صلواتیان»، «راهبرد نفوذ ایالات متحده امریکا و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری و بیانیه گام دوم نوشته رهبر طالعی حور و رستم بهرامی»، «نفوذ در مهندسی محاسبات نخبگان سیاسی و نقش آن در تغییر هویت با تاکید بر ایران نوشته مرتضی علویان» «نقش سناریوی نفوذ در بازگشت پذیری انقلاب اسلامی با تاکید بر اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای و بیانیه گام دوم نوشته مسعود معینی پور»، «راهبرد نفوذ دشمن و فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران نوشته شهرام اسفندیار»، «پیامدشناسی کارکردهای براندازی نرم ناشی از نفوذ دشمن با تاکید بر دیدگاه های مقام معظم رهبری نوشته فریبرز اصلانی»، «هندسه نفوذ سیاسی و تاثیر تهدیدهای آن بر امنیت ملی با تاکید بر رهنمودهای رهبری نوشته مرتضی توکلی محمدی»، «راههای مقابله با نفوذ فکری و فرهنگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای نوشته قاسم خانجانی» و... اشاره کرد.

#### معناشناسی واژه نفوذ

کلمه «نفوذ» به معنی عبور کردن و گذشتن و رد شدن از چیزیست (فراهیدی/۱۴۱۰/۸/۱۸۹)، مثلاً می گویند «نفذ السهم الرمیة»: تیر از شکار گذشت (ابن منظور/۱۴۱۴/۳/۵۱۴)، یا «نفذ الرجل القوم»: آن مرد از میان قوم گذشت، یا «نفذ المئقّب فی الخشب»: میخ از چوب رد شده و از طرف دیگر خارج شد (راغب اصفهانی/۱۴۱۲/۸۱۷)؛ ریشه «نفذ»، سه مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و هر سه مورد، در آیه سی و سوم از سوره الرحمن است:

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتِطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا

## تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ

در اصطلاح سیاسی و اجتماعی، نفوذ به معنی «راه یافتن پنهانی شخص، به درون محدوده یا گروه یا جامعه ای معین به منظور رسیدن به هدفی معین» دانسته شده است (عمید/۱۳۹۰)؛ لذا «نفوذ» همپوشانی معنایی با «نفاق» دارد و برای شناخت بهتر و دقیقتر آن، لازم است نفاق که گستره معنایی و مفهومی وسیعتری دارد مورد دقت قرار گیرد.

### معناشناسی نفاق

کلمه «نفاق» به دو معنی تمام شدن و یا مخفی بودن چیزی به کار می رود (ابن فارس/۱۳۹۹/۵/۴۵۴)، و گفته شده وقتی موش صحرائی در دل زمین برای خود خانه حفر می کند، قسمتی از لانه خود را به سمت زمین نازک می کند تا در موقع خطر آن را سوراخ کرده و بعنوان یک راه مخفی از آن استفاده کند، که به آن «نافقاء» می گویند (طریحی/۱۳۷۵/۵/۲۴۱؛ ابن منظور/۱۴۱۴/۱۰/۳۵۸؛ ۱۷۸/۵/۱۴۱۰؛ فیومی، ۱۴۱۴/۲/۶۱۸)، و واژه نفاق نیز، گرچه به گفته زبیدی، از مجعولات اسلامی است (زبیدی/۱۴۱۴/۲۶/۴۳۱) و بمعنای خاصش سابقه نداشته و عرب با آن آشنا نبوده است، ولی برگرفته از همین کلمه است (ابن فارس/۱۳۹۹/۵/۴۵۵) و به گفته راغب، منافق از دری به اسلام وارد شده و از دری دیگر خارج می شود، لذا به او منافق گفته می شود (راغب اصفهانی/۱۴۱۲/۸۱۹)، پس منافق انسانی دوروست که در ظاهر به نحوی خود را نشان می دهد در حالیکه باطنش دقیقا به خلاف آنست که در ظاهر نشان داده است و به عبارت دیگر چنانکه جعفر سبحانی می نویسد: منافق مکنون قلبی خود را مخفی نموده، و غیر آنرا اظهار میکند (سبحانی/۱۳۷۵/۴/۹)؛ نفاق در اصطلاح اسلامی به دو معنی نفاق عقیدتی و نفاق اخلاقی به کار رفته است؛ منظور از نفاق عقیدتی آن است که فرد در ظاهر مسلمان و در باطن کافر است و به هیچ یک از تعالیم اسلام اعتقاد ندارد و منظور از نفاق اخلاقی آن است که گرچه فرد از نظر اعتقادی به اصول اسلام معتقد است ولی از لحاظ عملی می لنگد و به علت نفوذ شیطان در درونش نمی تواند به احکام اسلام عمل کند، مانند مسلمانی

که دروغ میگوید، ریا میکند، حقه بازی دارد، خیانت در امانت می کند، و اعمالی از این قبیل، که اینها مصادیق نفاق عملی محسوب می شوند (محمد خاتمی/۱۴۲۸/۳۰).

### صفات کلی منافقین از دیدگاه قرآن کریم

خداوند متعال در سوره های زیادی از قرآن کریم از منافقین یاد کرده و به بیان اقدامات و ترفندهای آنان پرداخته است و بخوبی ویژگی های منافقین را منعکس می کند، مانند سوره بقره که در آیات ابتدائی آن، قرآن کریم در سیزده آیه پیاپی و در قالب مثالهای عمیق و تکان دهنده، به بیان ویژگی های منافقین می پردازد و آنها را با صفاتی مانند دودلی، دروغگویی، ریاکاری، فریب و نیرنگ، خیانت، سرکشی و نافرمانی، فسق عملی و اعتقادی، تعامل سوء اجتماعی، ترس از مرگ و رسوائی یاد می کند (بقره/۸-۲۰).

### صفات منافقین از منظر جامعه شناختی

برای بدست آوردن تعریف جامعه شناختی از «نفاق» باید به دو اصطلاح در علم جامعه شناسی توجه کرد: گروه؛ این کلمه فرانسوی (Groupe) یا ایتالیائی (Gruppo)، به معنی گروه، حلقه، بسته، مجموعه افراد گرد آمده در یک محل، دسته، جمع، فرقه و یا جمعیت است (آزاسته خو/۱۳۸۱/۷۷۷)؛ و در اصطلاح به مجموعه ای از افراد با هنجارها، ارزشها و توقعات مشابه و با تعامل منظم (شفر/۱۳۹۱/۷۴)، که با یکدیگر روابط متقابل داشته و از یکدیگر انتظار اعمال و رفتار مشترک دارند، و همچنین از عضویت خود در آن جمع آگاهند، گفته می شود (کوئن/۱۳۸۷/۱۲۹)؛ و هنجار؛ «معیارهای تثبیت شده رفتار حمایت شده از سوی جامعه» (شفر/۱۳۹۱/۱۱۰) یا «فرمولی مجرد و ملموس از آنچه باید باشد» (AndreLalande: 1867 - 1963) یا «الگوهای استاندارد و نشان دهنده رفتار ایده آل و مطلوب در یک جامعه» (ستوده/۱۳۷۳/۱۹) و لذا مترادف با «آرمان، قاعده، مدل و هدف» (آلن/۱۳۷۵/۲۴۸) مانند قوانین، قواعد، احکام و مقررات (منوچهر محسنی/۱۳۸۵/۳۰)؛ اعضای جامعه، برای اثبات عضویت (فرجاد/۱۳۷۴/۱۱)، سعی در تطبیق رفتار خود با هنجارها دارند زیرا صحت رفتارشان با آن سنجیده می شود (رفیع پور/۱۳۸۷/۱۴).

اکنون با توجه به این دو مفهوم می توان گفت، جریان نفاق یک شبه گروه ناهنجار است، که برخلاف هدف و آرمان و قواعد جامعه اسلامی که ترکیبی از هنجارهای دینی، رسمی، انتظامی، مردمی و اخلاقیست حرکت می کند، ولی از سوئی سعی در کتمان انحراف خود داشته و با اظهار صوری هنجارگرایی، می خواهد خود را به عنوان عضوی از جامعه اسلامی القاء نماید.

### انواع نفاق بر اساس منشا پیدایش

مهمترین هدف منافق، منفعت طلبی است؛ او با دورویی و فریبکاری به دنبال چیز است که در چهره واقعی خود، هرگز بدان دست نخواهد یافت، اما منفعتها یکسان نیستند، بعضی منافع، زود به دست می آیند و ماندگاری زیادی نیز ندارند، مانند رسیدن به مقداری پول، یا وسائل و امکانات بیشتر؛ رسیدن به این منافع زحمت زیادی نمی طلبد و اگر مستلزم تلاش زیاد یا خطر باشد، دیگر دنبال نمی شود؛ اما بعضی منافع، بزرگ و با ارزشند، زود به دست نمی آیند و زود نیز از دست نمی روند، به راحتی نیز نمی توان به آنها رسید بلکه در دراز مدت باید برای بدست آوردنشان تلاشهای فراوان کرد و زحمات طاقت فرسا کشید، حتی اگر منجر به ضررهای جانی و مالی گردد، چرا که شیرینی رسیدن به منفعت بزرگتر، تحمل آنها را آسان خواهد نمود.

منافقینی که به دنبال منافع زودگذر هستند، در کارهایی که زحمت زیادی برایشان نداشته و به آنها ضرر چندانی وارد نکند، مشارکت دارند، ولی در هنگام خطر به بهانه گیری و شانه خالی کردن از مسئولیتها روی می آورند و در نتیجه به سرعت چهره واقعی شان هویدا می گردد، آنها منافقین عادی هستند، اما گروه دیگری از منافقین، به منافع زودگذر توجهی ندارند و به اهداف بزرگ می اندیشند، اهدافی که آنقدر برایشان بزرگ و با ارزش است که برای رسیدن به آن براحتی از منافع کوچک چشم پوشی کرده و حتی از سرمایه های خود نیز مایه می گذارند، سختی ها را بیجان می خزند و حتی گاهی از دیگر افراد جامعه نیز جلو می افتند، بجاست که از این دسته، با نام «منافقین حرفه ای» یاد شود.

### تفاوت نفاق عادی و حرفه ای در قرآن

قرآن کریم در آیات فراوانی به معرفی انواع منافقین پرداخته است، منافقین عادی علاوه بر عدم التزام به احکام دین و آلوده بودن به فسق (نور: ۳۳): «... وَ لَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَىٰ الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَعُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»؛ یکی از منافقین کنیزان خود را مجبور به زنا می کرد، ر. ک: ابن کثیر ۵۰/۶/۱۴۱۹)، بدخواه اسلام و مسلمین بوده (المنافقون: ۷): «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ» و دائماً در حال تلاش برای ضربه زدن به پیکره اسلام و حکومت اسلامی، دلسرد کردن مسلمین (الانفال: ۴۹): «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هُوَ لَاءِ دِينِهِمْ»<sup>(۱)</sup> از پیامبر و سخنان و وعده های آنحضرت (الاحزاب: ۱۲): «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا»، و جلوگیری از گسترش اسلام بودند چراکه نه به پیامبر و رسالتش ایمانی داشتند (المنافقون: ۵): «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُؤُسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ»، و نه هیچ آینده ای را برای اسلام تصور میکردند، بلکه اساساً اینگونه مسائل برای آنها مسخره و بی معنی بود؛ آنها هر جایی که صحنه را خالی و خود را در امان می دیدند چهره واقعی خود را بروز داده و همه چیز را از شخص پیامبر اکرم تا احکام اسلامی به باد انتقاد و استهزاء می گرفتند (آل عمران: ۱۶۸): «الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا...»؛ از زیر بار مسئولیتها شانه خالی کرده (الاحزاب: ۱۳): «وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا) و از جنگ فرار می کردند (التوبه): «وَ مِنْهُمْ مَن يَقُولُ أُنْذِرْ لِي وَ لَا تَفْتِنِّي...»؛ ارتباط دوستانه با دشمنان دین برقرار کرده (المائدة: ۵۲): «... فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ...»)، و از روی لجبازی و عناد علناً با دستورات پیامبر به مخالفت برمی خواستند (نظیر بازگشت عبدالله بن ابی و یارانش از راه جنگ احد، این جریان باعث دو دستگی در لشکر اسلام شد، آل عمران: ۱۲۲): «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَ اللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» و حتی اگر اوضاع را مناسب تصور می کردند به فعالیت



علنی بر ضد حکومت اسلامی پرداخته و کفار را علیه پیامبر تحریک کرده و به آنها وعده یاری می دادند (حشر: ۱۱): «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَ لَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، بین صفوف مسلمین اختلاف ایجاد کرده و دیگران را نیز به این کار تشویق و تحریک می نمودند؛ آنها انسانهایی کم عقل، بی خرد، بدون برنامه ریزی خاص و فاقد هدف معین هستند که فقط به فکر منافع زودگذر و کوچکنند و کوشش چندانی نیز برای مخفی کردن هویت واقعی خود ندارند.

اما منافقین حرفه ای بسیار زیرکانه عمل میکنند، آنها چشم به اینگونه منافع کوچک ندارند و فکرهای بزرگتری را در سر می پروارند، به آینده اسلام چشم دارند و به آن امیدوارند، پس هیچ عجب نیست که برای زودتر به ثمر رسیدن این جریان و برپا شدن حکومت اسلامی، تمام توان خود را به کار گیرند، لذا همیشه در صف متقدمین در هر کار و مومن ترین ها و دلسوزترین ها، برای خود جا باز کنند، و گاه در این امور حتی از خود پیامبر پیشی بگیرند؛ قرآن کریم با اشاره به این نوع از منافقین که چشم به مناصب و ریاستهای اسلام دارند، می فرماید: (بقره/۲۰۴):

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ \* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثُ وَ النَّسْلُ وَ اللَّهُ لَا يَجِبُ الْفُسَادَ».

«وپاره ای از مردم، منافق و سالوسند که وقتی سخن از دین و صلاح و اصلاح می کنند تو را به شگفت می آورند و خدا را گواه می گیرند که آنچه می گویند مطابق آن چیزی است که در دل دارند و حال آنکه سرسخت ترین دشمنان دین و حقتند \* وقتی به ولایت و ریاستی می رسند با تمام نیرو در گستردن فساد در زمین می کوشند و به مال و جانها دست می اندازند با اینکه خدا فساد را دوست نمی دارد. (موسوی همدانی/۱۳۷۴/۲/۱۴۲)

علامه طباطبائی در تفسیر این آیات (محمد حسین طباطبائی/۱۴۱۷/۲/۹۸) و نیز در

مطلبی که ذیل آیات ابتدایی سوره منافقون در خصوص نفاق می نویسد به خوبی به این مطلب اشاره دارند (همان/۱۹/۲۸۸) و علامه جوادی آملی نیز از این آیات، قدرت طلبی و ریاست خواهی و تصاحب پستهای کلیدی توسط برخی منافقین را استنباط کرده اند (جوادی آملی/۱۳۸۵/۲/۲۲۳).

#### ارتباط معنایی نفوذ و نفاق

از آنچه بیان شد، می توان نتیجه گرفت که مفهوم وسیع نفاق، همه دوچهره گانی که در ظاهر خود را دوست نشان داده و در باطن سراسر کینه و عداوت نسبت به جامعه اسلامی هستند را دربرمی گیرد، چه کسانی که دنبال منافع کوچکند و ضررهایشان نیز متناسب با اهدافشان زیاد بزرگ نیست، و چه کسانی که برای رسیدن به اهداف بزرگ مانند تصاحب مناصب و حکومت بر مردم و رسیدن به پست ها و مقام ها نه تنها منافع کوچک را فراموش می کنند بلکه همه چیز را قربانی رسیدن به آن هدف بزرگ کرده و از هیچ تلاشی در این راه مضایقه نمی کنند، لذا «نفوذ» نوعی از نفاق حرفه ای است، «نفوذی» منافقی است که به دنبال اهداف و منافع خیلی بزرگ، به درون حلقه های مهم و تاثیرگذار خزیده و سعی در اثرگذاری برای سوق دادن جامعه به سمت و سوی مطلوب خویش را دارد؛ توجه به تفاوت و مراتب لایه های نفاق و نفوذ، در کلام رهبر معظم انقلاب در مقاطع گوناگون درباره این مفهوم، کاملاً مشهود است:

توجه رهبر انقلاب به خطر «نفوذ»

امام خامنه ای در بیانات متعدد در مقاطع گوناگون و در شرایط متفاوت و در دیدار با اقشار مختلف مردم، بارها به پدیده خطرناک «نفوذ» اشاره کرده و نسبت به خطر بزرگ آن هشدار داده اند که به برخی از فرمایشات ایشان اشاره میکنیم:

#### نفوذ برنامه اصلی دشمن

یکی از برنامه ریزی های دشمن عبارت است از نفوذ. بنده الان شاید حدود یک سال یا بیشتر است که راجع به نفوذ دارم صحبت میکنم. از نفوذ باید ترسید، باید مراقب بود.

معنای ترس [هم] این نیست که آدم خوف کند، یعنی ملاحظه کنید، مراقب باشید؛ نفوذ خیلی مهم است (دیدار با بسیجیان ۳/۹/۱۳۹۵).

به نظر ما سلاح اصلی آمریکا هم در این منطقه که ما در جمهوری اسلامی مراقب این معانی هستیم، نفوذ است، نفوذ در مراکز حساس و تصمیم‌گیر؛ ایجاد تفرقه است، ایجاد زلزله در عزم ملی ملت‌ها است، ایجاد بی‌اعتمادی میان ملت‌ها، میان ملت‌ها و دولت‌ها، دستکاری در محاسبات تصمیم‌گیران و وانمود کردن اینکه حلال مشکلات این است که زیر پرچم آمریکا بروید و تسلیم آمریکا بشوید و حرف آمریکا را قبول بکنید، هر چه او گفت عمل کنید و گوش کنید، این حلال مشکلات است؛ این را در ذهنیت تصمیم‌گیران ملت‌های اسلامی و کشورهای اسلامی می‌خواهند وارد کنند؛ سلاح‌های آنها اینها است که از سلاح‌های سخت و سلاح‌های نظامی خطرناک‌تر است. حقیقتاً آنچه انسان مشاهده می‌کند در کار اینها، همان نفاق است که در قرآن کریم از آن یاد شده است (دیدار به مهمانان کنفرانس اسلامی، ۲۴/۸/۹۸).

امروز دشمنان به زوایای زندگی من و شما ملت انقلابی، با دقت دارند نگاه میکنند که شاید نقطه ضعفی پیدا کنند و از آنجا نفوذ کنند؛ این مناطق نفوذ دشمن را شناسایی کنید، در مقابل آنها صف‌آرایی کنید؛ وقت را هدر ندهیم. امروز همه موظفیم، همه مسئولیم (دیدار با جامعه مداحان، ۷/۱۲/۹۷).

ما بیشتر از خیلی از کشورها، دشمن داریم؛ دشمن هم راه‌های نفوذ را پیدا میکند و یکی از راه‌های نفوذ، همین مسئله‌ی فضای مجازی است (دیدار با فرماندهان انتظامی، ۸/۲/۹۸).

ما در میانه یک میدان بزرگ جنگ قرار داریم که یک طرف آن، نظام جمهوری اسلامی و طرف دیگر آن، جبهه وسیع و قدرتمندی از دشمنان است اگر در این جنگ دچار غفلت شویم مغلوب خواهیم شد و اگر دچار ساده‌اندیشی شویم ضربه خواهیم خورد در این جنگ، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی در دستور کار است، از «نفوذ و سرقت اطلاعات» و «تغییر

محاسبات تصمیم گیران» و «تغییر باورهای مردم» تا «ایجاد نابسامانی مالی و اقتصادی» و «ایجاد آشفتگی‌های امنیتی» (دیدار با کارکنان وزارت اطلاعات، ۹۷/۱/۲۹).

خطر نفوذ خیلی جدی است، فردی که می‌خواهد در نظام جمهوری اسلامی، امانت‌دار کشور و مردم باشد باید صلاحیت داشته باشد لذا کوچک‌ترین تردید درباره صلاحیت افراد باید منعکس شود و دستگاهها نیز موظف به عمل براساس نظر وزارت اطلاعات هستند (دیدار با کارکنان وزارت اطلاعات، ۹۷/۱/۲۹).

دوستانی که مرتبط با مسئله‌ی فرهنگ هستند جدّاً توجّه کنند، ما مواجه هستیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه؛ یک جبهه‌ی عظیمی از لحاظ فرهنگی دارند به ما تهاجم میکنند؛ این هم در خلال حرفهایشان هست، البته ما میدانستیم این حرف را، اما حالا دیگر خودشان هم صریحاً میگویند که «غلبه‌ی بر جمهوری اسلامی و غلبه‌ی بر حاکمیت اسلام، با جنگ نظامی و با تحریم اقتصادی موفقیت‌آمیز نیست، ولی با کار فرهنگی و نفوذ فرهنگی موفقیت‌آمیز است؛ ذهنها را باید تغییر داد، روی مغزها باید کار کرد، هوسها را باید تحریک کرد»؛ این را الان صریح میگویند (دیدار با هیئت دولت، ۹۸/۵/۳۰).

امروز حقایق در مورد نیات پلید دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا علیه اسلام و مسلمین و جمهوری اسلامی آشکار شده، مراقب باشند نفوذی دشمن در دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر وارد نشود (دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۹۶/۱۰/۶)؛ یکی از چیزهایی که اتحاد ملت را زیر سؤال میبرد و شبهه ایجاد میکند و اختلاف ایجاد میکند و اگر اختلافی هست آن را آشکار میکند، فاصله قرار ندادن با دشمن است؛ مراقبت بشود. دشمن تنها در خارج از کشور نیست؛ گاهی اوقات دشمن، داخل کشور هم نفوذ میکند (دیدار با مسئولین نظام، ۹۶/۳/۲۲).

دشمنان سعی میکنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلط اقتصادی، تسلط سیاسی، تسلط فرهنگی؛ یکی از راه‌هایی که آنها در پیش میگیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است (دیدار با جوانان، ۹۵/۹/۲۳).

ما همین‌طور مدام درباره‌ی نفوذ دشمن تکرار میکنیم، تأکید میکنیم، نفوذ، ایجاد خلل در باورها است؛ باور انقلابی، باور دینی. در معرفت‌های انقلابی و دینی اختلال ایجاد میکنند؛ رخنه کردن در اینها است. و از همه‌ی طرق هم استفاده میکنند و آدم‌های گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعال دانشجویی هم دارند، نخبه‌ی فکری و علمی هم دارند؛ همه‌جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند (دیدار با فرماندهان سپاه، ۹۴/۶/۲۵)؛ اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب ویرانگرِ فاسدِ غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند (دیدار با فرهنگیان، ۹۶/۲/۱۷).

### لایه‌های نفوذ

نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی و فردی است؛ یک نفوذ جریان‌ی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم‌ودستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره‌ی آرایش‌شده، بزک‌شده، با ماسک در مجموعه‌ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است درحالی‌که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض میکند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید، میتوانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگرچنانچه این حرکت را این جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری میکند که شما حرکت را این جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی... منتها از این خطرناک‌تر، نفوذ جریان‌ی است. نفوذ جریان‌ی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان که عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر

میکنند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه میکند، اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده‌ی کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ آرمانها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزشها تغییر پیدا خواهد کرد، خواستها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد. (دیدار با فرماندهان بسیج، ۹۴/۹/۴)

آنها دوست نمیدارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بکنند، امروز این امکان پذیر نیست؛ برای آنها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها اراده کنند، مثل آنها و بر طبق مصالح آنها تصمیم بگیرند؛ این نفوذ سیاسی است. در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نتوانستند در مراکز تصمیم‌سازی نفوذ کنند. (دیدار با فرماندهان سپاه، ۹۴/۶/۲۵).

دشمنان در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ می‌کنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده‌ی مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور میشوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده‌ی آنها است؛ آنها هم همین را میخواهند (دیدار با فرماندهان سپاه، ۹۴/۶/۲۵).

### زمینه‌های نفوذ

دشمن برای نفوذ برنامه‌ریزی کرده است و از انواع و اقسام آن وارد می‌شود، من با خودم محاسبه می‌کردم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و همین حالا دارند عمل میکنند (دیدار با مجلس خبرگان، ۹۴/۱۲/۲۰).

### اقتصاد

دشمن متمرکز شده روی مسئله‌ی اقتصاد، علتش هم این است که در زمینه‌ی مسائل اقتصاد یک به اصطلاح خلأهایی وجود داشته، یک ضعفهایی وجود داشته، به تعبیر

نظامی‌ها یک نقاط کور راداری وجود داشته که دشمن از آنجاها توانسته نفوذ بکند و وارد بشود؛ ما باید این نقاط کور راداری را ببندیم، ما باید نقطه ضعف‌ها را درست بشناسیم و اینها را برطرف کنیم؛ میتوانیم (دیدار با هیئت دولت، ۹۷/۶/۷).

### محافل علمی

یکی‌اش راه علمی است؛ از طریق ارتباط با دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با دانشجو - کنفرانس‌های به ظاهر علمی ولی در باطن برای نفوذ افراد امنیتی را اینجا میفرستند (دیدار با مجلس خبرگان، ۹۴/۱۲/۲۰).

### فرهنگ

یکی از راه‌ها، راه‌های فرهنگی و هنری است. مأمور مستقیم دستگاه‌های امنیتی را به‌عنوان یک فرد صاحب‌هنر برای، فرض کنید، جشنواره‌ی موسیقی معین میکنند که بفرستند، یعنی به‌عنوان حضور در یک جشنواره‌ی هنری مثلاً جشنواره‌ی موسیقی، کسی را انتخاب میکنند که این آدم، صد درصد سیاسی و امنیتی است؛ به‌عنوان فرد هنری اینجا میفرستند. خب، برای چه میفرستند؟ نفوذ (دیدار با مجلس خبرگان، ۹۴/۱۲/۲۰)؛ دشمن سعی میکند در زمینه‌ی فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جابه‌جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به‌وجود بیاورد. خرجها میکنند؛ میلیاردها خرج میکنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است (دیدار با فرماندهان سپاه، ۹۴/۶/۲۵).

### سیاست

نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده‌ی مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور میشوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر

طبق اراده‌ی آنها است؛ آنها هم همین را می‌خواهند (دیدار با فرماندهان سپاه، ۲۵/۶/۹۴).

### اهداف دشمن از نفوذ

نفوذ برای دو منظور است. یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است که به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده‌ی مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور، همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد. همان کاری را که او می‌خواهد مفت و مجانی انجام می‌دهد؛ آماج دوم مردمند. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی و ظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد؛ باور به نفی اینها جایگزین شود. اینها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد (دیدار با خبرگان، ۲۰/۱۲/۹۴).

### نمونه نفوذ در جمهوری اسلامی

گاهی نفوذی، نفوذی است، خودش هم نمیداند! امام (رضوان‌الله‌علیه) فرمودند گاهی حرف دشمن با چند واسطه از دهان مردمان موجه شنیده میشود. امام هوشیار بود، امام مجرب بود. دشمن یک چیزی میگوید، یک چیزی می‌خواهد، این را با وسایل گوناگونی، با چند واسطه کاری میکند که از زبان فلان آدم موجه که نه پولی از دشمن گرفته، نه تعهدی به دشمن داده، بیرون بیاید. مگر ندیدیم اینها را؟ مگر تجربه نکردیم اینها را؟ در همین مجلس شورای اسلامی مگر ندیدیم که یک نماینده‌ای نظام را متهم کرد به دروغ‌گویی! گفت ما ده سال است، سیزده سال است داریم به دنیا دروغ می‌گوییم، در تربیون مجلس شورای اسلامی! در این منبر عمومی! خب، او حرف دشمن را دارد میزند؛ دشمن به ما میگفت شما



دروغ میگویید! حالا یکی از خود ما پیدا میشود میگوید نظام دارد دروغ میگوید! این نفوذی نیست؟ احیاناً خودش هم خبر ندارد و نمیداند. مجلسی داشتیم که در حال مذاکرات گرم دشوار هسته‌ای در دورانی که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما رئیس مذاکرات هسته‌ای بود و داشتند با زحمت، با شدت حرف میزدند، با طرفهای مقابل مجادله میکردند و درواقع مبارزه میکردند برای اینکه حرف ایران را سبز کنند، در مجلس طرح سه‌فوریتی آوردند برای اینکه حرف طرف مقابل سبز بشود! همان وقت رئیس هیئت مذاکره که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما است، گلایه کرد و گفت ما داریم آنجا مبارزه میکنیم، اینجا آقایان دارند طرح به نفع دشمن طراحی میکنند؛ خب، اینها نفوذ است؛ اینها چیست؟ مگر نفوذ شاخ‌ودم دارد که بعضی تا گفته میشود نفوذ، برآشفته میشوند که آقا، گفتید نفوذ، گفتید نفوذ؟ بله، باید مراقب بود (دیدار با مردم نجف آباد، ۹۴/۱۲/۵).

#### راه مقابله با نفوذ

امام خامنه‌ای برای مقابله با نفوذ دشمن راه کارهایی نیز ارائه کرده اند که به دو مورد از مهمترین راه کارها در کلام ایشان اشاره می‌کنیم:

#### مرزبندی با دشمن

یکی از کارهای بسیار لازم، مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم است. ما نباید بگذاریم مرزمان با دشمن کم‌رنگ بشود. اگر مرزبندی با دشمن نبود و مرز، برجسته نبود، عبور از این مرز ممکن میشود؛ درست مثل مرزهای جغرافیایی. اگر مرز جغرافیایی نباشد و برجسته نباشد، خب از آن طرف یک نفری بلند میشود می‌آید اینجا نفوذ پیدا میکند؛ مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم عیناً همین جور است؛ وقتی که مرز روشن نبود، دشمن میتواند نفوذ کند، میتواند خدعه کند، میتواند فریبنده عمل بکند، میتواند بر فضای مجازی مسلط بشود. اگر مرز با دشمن روشن بود، تسلط او بر فضای مجازی، بر محیط فرهنگی به این آسانی نخواهد بود؛ این هم یک مطلب است که در آیه‌ی شریفه‌ی «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوَّیْ وَ عَدُوَّكُمْ اَوْلِیَاءَ» بیان شده است. (دیدار با خیرگان، ۹۷/۱۲/۲۳).

### ایجاد مصونیت

یکی از راه‌هایی که دشمنان در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان و نوجوانان ما است؛ متوجه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، بلکه به پیرامونیان خودتان در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید (دیدار با جوانان، ۹۵/۹/۲۳).

### اشاره به نفوذ در بیانیه گام دوم

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز در دو نکته بسیار مهم به مسئله مهم نفوذ اشاره کردند: در نکته اول به یکی از مهمترین زمینه های نفوذ یعنی مساله «اقتصاد»، که چنانکه گذشت از اصلی ترین رخنه هایی است که دشمن از طریق آن نفوذ کرده و برنامه های منافقانه اش را در جامعه اسلامی پیش می برد، و نکته دوم اقداماتی که دشمن پس از اینکه توانست در جامعه نفوذ پیدا کند، انجام می دهد، در ادامه به بازنگری این دو نکته مهم می پردازیم:

### اقتصاد، مهمترین نقطه نفوذ

امام خامنه ای در قسمتی از بیانیه گام دوم انقلاب می فرمایند:

«اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید».

اما مراد امام خامنه ای، از اقتصاد قوی که موجب نفوذناپذیری می شود چیست؟ آیا قوی شدن در اقتصاد به این معنیست که چنانکه بعضی به دنبال آن بودند، جامعه اسلامی، به سمت الگوی ژاپن اسلامی پیش برود؟ می توان گفت هرگز چنین نیست، زیرا چنانکه رهبری اشاره کردند، هدف اولیه جامعه اسلامی اقتصاد نیست، بلکه اقتصاد قوی فقط یک وسیله است تا امور معنوی را پیش ببرد. اقتصاد قوی اسلامی با گرفتن مدلهای اقتصادی

بیگانه از اسلام، و ترکیب آن با اخلاق اسلامی ایجاد نمی شود، بلکه باید تمام برنامه ها و مدل‌های اقتصادی تحت تاثیر فرهنگ و ادبیات اسلامی، بومی سازی شود و در نتیجه ایده های اقتصادی تبدیل به مدل‌های اسلامی اقتصادی شود و این مهم فقط در سایه بازنگری و اصلاح مبانی امکان پذیر خواهد بود؛ لذا اولین گام در ایجاد اقتصاد قوی اسلامی، ارتقاء اعتقادات در سطح فردی و اجتماعی و تبیین رابطه آن با حیات اجتماعیست و لازمه آن، شکل گرفتن عقلانیت تخصصی جامعه اسلامی، تحت تاثیر فرهنگ دین است؛ به طور مثال باید فرهنگ تخصصی اقتصادی جامعه اسلامی بر مبنای قاعده «نفی سبیل» شکل بگیرد و راه کارهایی برای جریان این قاعده مهم دینی، در دانش اقتصاد ایجاد شود، در سایه این جریان، افراد جامعه اسلامی نیز در تجارتهای و فعالیتها و بنگاه داری های اقتصادی خود، هنگام تاسیس شرکت یا عقد قرارداد و مانند آن، خواهند سنجید که آیا این فعالیت اقتصادی به نفع جبهه حق و حکومت اسلامی خواهد بود یا خیر؛ به عبارت دیگر ظرفیت محاسبه، از محوریت منافع شخصی به منافع جامعه اسلامی ترقی خواهد یافت؛ اما بدون اصلاح مدل‌های اقتصادی و حتی ایجاد آنها بر اساس مبانی اسلامی، رسیدن به این نقطه تقریباً محال است، به عبارتی وقتی مدل سرمایه داری در اقتصاد، حاکم باشد، هرگز نمی توان از مردم توقع داشت ساده زندگی کنند یا مطابق مثلاً «اقتصاد مقاومتی» حرکت کنند.

مثال عینی که امام خامنه ای در یکی از سخنرانی‌ها به آن اشاره کردند، جالب است:

ده پانزده سال قبل از این، رئیس یکی از همین کشورهایی که جزو کشورهای پیشرفته‌ی منطقه‌ی ما بود، در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد به من گفت آقا ما به خاطر نفوذ اقتصادی در ظرف یک شب تبدیل شدیم به فقیر، به گدا؛ راست میگفت. فلان سرمایه دار، به خاطر فلان خصوصیت اراده میکند این کشور را به زانو دریاورد: سرمایه‌ی خودش را میکشد بیرون یا تصرفاتی میکند که اقتصاد آن کشور به زانو دربیاید (امام خامنه ای، دیدار با

فرماندهان سپاه، ۲۵/۶/۹۴. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>

این مثال، به خوبی، خلأ الگوهای اقتصادی، و غفلت عقلانیت تخصصی در جهت

منافع اجتماعی سازگار با مبانی فکری، و نیز بی تفاوتی آحاد مردم نسبت به شکل گیری قدرت اقتصادی، را به تصویر می کشد.

مایوس سازی، مهمترین ماموریت نفوذ

امام خامنه ای در قسمتی از بیانیه گام دوم انقلاب می فرماید:

در طول این چهل سال و اکنون مانند همیشه سیاست تبلیغی و رسانه های دشمن و فعال ترین برنامه های آن، مایوس سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبیرهای دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه ی همیشگی هزاران رسانه ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده اند که با استفاده از آزادیها در خدمت دشمن حرکت میکنند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ - <https://farsi.khamenei.ir/message?content?id=41673>)

مهمترین هدفی که دشمن در این پروژه دنبال می کند، مایوس کردن مردم از نظام اسلامی و انکار کارائی آن در ایجاد زندگی مطلوب مادی و حتی معنویست و قسمت زیادی از آن را با القاء پیش می برد، مسلم است که مهمترین نقش در اجرای این برنامه و جا افتادن القائات دشمن، برعهده نفوذی هاست، کسانی که در مراکز حساس و کلیدی رخنه کرده و سخن دشمن از دهان آنان به جامعه اسلامی منتقل می گردد.

یکی از اساسی ترین راهبرد ها در پیشبرد این پروژه، تحقیر جامعه اسلامی در برابر فرهنگ استعمارپرست، که توسط دشمن انجام شده و با ایجاد پروپاگاندا و وسیع بوسیله رسانه های فراوان حقیقی و مجازی، ادامه می یابد و سپس همان خط مشی با ادبیات متفاوت خیرخواهانه یا طلبکارانه یا حق طلبانه توسط عوامل نفوذی دشمن در داخل جامعه اسلامی تکرار و القاء می گردد؛ نفوذی ها بجای تقویت روحیه استقلال و تشویق به سیر بر اساس مبانی ایده آل تعریف شده بر اساس فرهنگ دینی، حق طلبی را شرارت و بی نظمی، آرمان خواهی را توهم، و حرکت به سوی اهداف بلند دینی را عقب ماندگی تعریف می کنند؛ و مبانی فکری

اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی را تحقیر می نمایند؛ ملت و دولتی که خود را حقیر ببیند چه امیدی می تواند به آینده نظام و مبانی آن داشته باشد؟ این القائات مشحون از یاس، در نهایت منجر به توقف موقت یا همیشگی حرکت آرمان گرایانه انقلابی خواهد شد.

به طور مثال، در انقلاب اسلامی نبی مکرم اسلام و استقرار حکومت نوپای اسلامی در مدینه منوره، پیامبر اکرم آرمانهای بزرگ این حرکت الهی را برای مردم تصویر می کردند، چنانکه نقل شده در جریان کندن خندق، وقتی کلنگ پیامبر به سنگی برخورد کرد و برقی از آن جهید، آنحضرت این جریان را به تصرف ایران و روم توسط لشکر اسلام در آینده نزدیک تعبیر کردند، ولی نفوذی ها با تمسخر این هدف بلند، می گفتند: یارانش از گرسنگی تلف می شوند و از ترس کشته شدن نمی توانند به قضای حاجت بروند و او از تصرف امپراطوری های بزرگ دنیا سخن می گوید (ابن هشام/۱۴۱۹/۱/۵۲۲؛ ابن کثیر/۱۴۰۷/۳/۲۳۸).

در حرکت انقلابی مردم ایران نیز که منجر به تشکیل حکومت مقدس جمهوری اسلامی شد، هدف امام خمینی از ایجاد و رهبری و پیشبرد این حرکت انقلابی، زمینه سازی برای ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و آمادگی همه جانبه جهانی برای قیام آن اصلاحگر الهی بوده و تعریف هر هدفی برای انقلاب جز آنچه مد نظر آن امام عظیم الشان بوده است، تحقیر این جنبش بزرگ خواهد بود؛ اگر دشمن با استفاده از نفوذ و راهبرد تحقیر، موفق شود نظام ارزشی مبتنی بر مبانی اسلام ناب که انقلاب خمینی بر اساس آن شکل گرفته است را تغییر دهد، موازین ارزشی جامعه نیز تغییر می کند و در پی آن زیباشناسی افراد بهم خورده و حتی منجر به از هم گسیختگی در ساختارها خواهد شد، در چنین فضای مسمومی که توسط القائات عوامل نفوذی ایجاد می شود، مدار عزت و ذلت تغییر میکند، مدالهایی که بر اساس مبانی دینی، افتخار محسوب می شد، مایه ننگ تلقی می گردد، و هدف بلندی چون صدور انقلاب به خارج از مرزهای جغرافیایی، بعنوان دخالت در امور کشورها یا برهم زدن نظم جهانی تعریف می شود؛ مایوس سازی از آینده، و تصویر دروغین فضای تاریک پیش رو و تغییر مدار و موازین ارزش، حتی ممکن است موجب استحاله انقلاب گردد.

---

## نتیجه

---

منافقین حرفه ای که نفاقشان از منافقین عادی بسیار عمیقتر و پیشرفته تر است، افرادی خطرناک با سطح منفعت طلبی بسیار وسیع هستند که در قرآن و روایات بطور چشمگیری به آنان اشاره شده و خصوصیات و ویژگی ها و خطرات آنان گوشزد شده است، آنان در لایه های گوناگون حکومت اسلامی اعم از فرهنگ و اقتصاد و سیاست و مانند آن، نفوذ کرده و خود را در حلقه های قدرت و تصمیم گیری و حتی تصمیم سازی، تثبیت می نمایند، رهبر گرامی انقلاب، از سالها پیش تا کنون به فراست این نکته را رصد کرده و بارها به مناسبتهای گوناگون و از جمله «بیانیه گام دوم» نسبت به آن تذکر داده و لایه ها و زمینه ها و اهداف منافقین نفوذی در سطوح تصمیم سازی و تصمیم گیری در مسائل کلان و حساس نظام را حتی گاهی با ذکر نمونه تبیین کرده اند؛ و دو راهکار مهم «ایجاد مصونیت و مرزبندی با دشمن» را تنها طریق مقابله با نفوذ دانسته اند.